عصر بی‌خبری

یا

تاریخ امتیازات در ایران

تالیف

ابراهیم تیموری

شرکت نسبی اقبال و شرکا

http://bookiha.ir/

عصر بی خبری

یا

تاریخ امتیازات در ایران

تألیف

ابراهیم تیموری

حق چاپ محفوظ و مخصوص است به

شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکاء

تهران - ۱۳۳۲

چاپ اقبال

مقدمه

در این دوسه سال اخیر که مبارزات ملت ایران برای کوتاه کردن دست بیگانگان ازدخالت در امور داخلی کشور وارد مرحله تازه‌ای گردیده مکرراز استثمار ملت‌ایران واسارت یکصدوپنجاه ساله گفتگو بمیان آمده ودر جراید ومجلات مقالات بسیار منتشر شده‌است وباتوجه باینکه دخالت‌های گوناگون استعمارگران خاصه انگلیسها وروسهای تزاری در قرن نوزدهم نسبت بامور کشورما رنگهای فریب‌آمیز مختلف‌داشته ومخصوصا ازراه گرفتن امتیازات متعدد وبستن زنجیرهای اسارت بردست‌وپای ایرانی بعنوان بهره‌برداری از منابع مختلف ایران وسوء استفاده از نادانی وبی‌خبری هیأت حاکمه سود پرست این کشور هریك داستانی تاثر آور ودلخراش دارد که در عین حال بسی قابل توجه وجالب میباشد متاسفانه هنوز راجع باین موارد اطلاعات دقیق وکامل که‌مستند بمدارك‌واسناد باشد منتشر نشده وعامه مردم ازبیشتر این‌وقایع جانگداز بیخبر مانده‌اند.

چندسال پیش که نگارنده برای تهیه کتاب «تحریم تنباکو ـ یا ـ اولین مقاومت منفی در ایران» که شرح یك صحنه از مبارزه دلیرانه ملت ایران بمنظور کوتاه‌ساختن دست اجانب از امور کشور است درگوشه وکنارمشغول‌جمع‌آوری اسناد ومدارك‌مربوط بآن بودم بمطالب بسیاری راجع بچگونگی اعطای امتیازات برخوردم ویادداشتهای‌زیادی تهیه کردم وپس‌از فراغ از بچاپ رساندن کتاب‌مزبور در صدد تنظیم و تکمیل آن‌یادداشتها برآمدم واینك بازحمت بسیار قسمتی ازآنهارا بصورتی که‌دراین کتاب‌ملاحظه میشود درآورده تقدیم خوانندگان میکنم تااز این‌راه باندازه توانائی و استطاعت خود خدمتی بروشن شدن افکار هم‌میهنان کرده باشم.

این کتاب که بنام «عصر بی‌خبری ـ یا ـ تاریخ امتیازات درایران» نامیده شده در دوجلد تهیه گردیده ودرآن تمام امتیازات سیاسی‌واقتصادی عمده‌ای که بیگانگان تا هنگام مشروطیت درایران تحصیل کرده‌اند شرح داده شده است و جلد اول آن به سه بخش تقسیم میشود.

بخش اول شرح حال و تاریخ زندگانی اشخاص‌اصلی‌ومهمی که دراعطاءامتیازات دخیل بوده‌اند.

بخش دوم روابط ایران وانگلستان وامتیازاتی که انگلیسها تاآغاز مشروطیت در ایران تحصیل کرده‌اند.

بخش سوم روابط ایران وروسیه تزاری وامتیازاتی که روسها تاظهور مشروطیت دراین کشور بدست‌آورده‌اند.

بطوریکه در جای‌خود اشاره شده امتیازاتی که برای ایجادراه آهن‌در ایران به بیگانگان اعطاء گردیده وهمچنین سایر امتیازاتی که فرانسویها ـ بلژیکیها ـ آلمانها ـ امریکائیها وهلندیها ودیگران درایران تحصیل کرده‌اند وآنها نیز هریك داستانی تاثر آور دارد وقسمت مهمی از تاریخ سیاسی مملکت ما میباشد جداگانه در جلد دوم شرح داده خواهد شد.

این کتاب صحنه‌ایست از مبارزات دولتهای استعماری درقرن‌نوزدهم که برای‌بسط نفوذ وتسلط برکشور ایران وبلعیدن منابع ثروت‌وطن مابایکدیگر دست وپنجه نرم

کرده‌اند ودر غالب موارد بواسطه جهالت وبیخبری وطمع هیأت حاکمه این مملکت زیان‌های جبران ناپذیری باستقلال سیاسی واقتصادی ماوارد ساخته‌اند.

سابقاً برای برقراری تسلط بر کشوری استعمارگران بجنك وستیز میپرداختند وبا لشکر کشی وزور سرنیزه ملل ضعیف را اسیروگرفتار میکردند ولی در نیمه دوم قرن نوزدهم کشورهای استعماری‌روش تازه‌ای اتخاذ نمودند وبرای استثمار و استعمار ملل عقب مانده طریقه تازه‌ای پیش گرفتند.

این‌طریقه جدید عبارت بوداز روی‌کار آوردن عده‌ای از دست نشاندگان خود و گرفتن یك سلسله امتیازات اقتصادی بـا دادن رشوه برای پیشرفت منظورهای سیاسی.

ملت ایران باید باین قسمت از تاریخ سیاسی مملکت خود توجه‌کامـل داشته و از روش هیأت حاکمه بی‌خبرآن بخوبی آگاه شود تادرآینده دیگر فریب این نیرنگهای سیاسی وخدعه‌های اقتصادی را نخورد وبفرمانروائی حکومتهائی ازنوع هیأتهای حاکمه سودپرست نادان بی‌بندوبار یك‌قرن اخیرتن درندهد.

قسمت عمده اسناد ومدارك این کتاب را ازکتابخانه وبایگانی راکد وزارت‌امور خارجه‌و کتابخانه سلطنتی‌و کتابخانه‌های‌مختلف اشخاص بدست‌آورده‌ام وگذشته از آنکه غالباً درمتن کتاب ازمآخذ ومنابع ذکری رفته درآخر نیز فهرستی از کتبی که مـورد استفاده واقع شده تهیه گردیده است.

برای تهیه رونوشت اسناد ومدارك‌مورد احتیاج حتی‌المقدور سعی کرده‌ام که بادقت وبدون اختلاف بااصل باشد وبعضی ازاسنادرا که دسترسی باصل‌آنها ممکن بوده‌عکس برداری وعیناً گراور نموده‌ام.

باکمی وقت ومشغله زیادکوشش بسیار برای صحت مطالب این کتاب بعمل آمده معهذا بواسطه تشتت مدارك وعدم دسترسی بهمه آنها وناهموار بودن زمینه تحقیق‌دراین موضوعات وهمچنین عجله وشتابی که برای انتشار آن‌داشته‌ام ممکن‌است در بعضی موارد دچار سهووخطائی شده باشم وامیدوارم خوانندگان بعین‌الرضا درآن بنگرند و اگر بـه اشتباهی برخورند بلطف‌و کرم خویش نگارنده‌را ببخشایند.

در این‌جا لازم میدانم از آقای حسین‌پاشانوائی رئیس‌محترم اداره محرمانه‌وزارت امور خارجه وآقای عبدالصمد علی‌آبادی رئیس محترم‌اداره کتابخانه‌وزارت امورخارجه وسایر دوستان عزیزی که برای تهیه اسناد ومدارك ومطالب این کتاب باینجانب کمك و راهنمائی فرموده‌اند وهمچنین از مدیران شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبـال وشرکاء بخصوص آقای جواد اقبال که با نشر این قبیل کتب بروشن شدن افکار هم میهنان کمك مؤثری مینمایند صمیمانه تشکر کنم.

جمعه بیست‌وپنجم اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۲

ابراهیم تیموری

فهرست

بخش اول صفحه ۱

۱- حکومت پنجاه ساله ناصرالدین‌شاه صفحه ۱
اختلاف گفتار و کردار صفحه ۱- سفرهای اروپا صفحه ۸ - ناصرالدین شاه میان روس وانگلیس صفحه ۱۳ - نمونه ای از دستورهای سیاسی ناصرالدینشاه صفحه ۱۵ قحط‌الرجال صفحه ۱۸ - فساد اخلاق وخرابی تشکیلات اداری صفحه ۲۳
۲- میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم صفحه ۳۱
توجه ناصرالدینشاه به‌سپهسالار صفحه ۳۲ - مخالفت کهنه پرستان با سپهسالار صفحه ۳۹ - سپهسالار دوباره روی‌کار میآید صفحه ٤٦ - روابط سپهسالار با بیگانگان صفحه ۵۰ - سپهسالار وانگلیس‌ها صفحه ۵۱ - سپهسالار وروسها صفحه ۵۳ - عزل سپهسالار صفحه ۵۵ - مرك سپهسالار صفحه ٥٦
۳- میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله صفحه ٦۳
ملکم وامتیازات صفحه ٦٦ - اعتمادالسلطنه از ملکم انتقاد میکند صفحه ٦۹
۴- میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان اتابك‌اعظم صفحه ۷۱
امین‌السلطان بر کرسی صدارت صفحه ۷۲ - روابط امین‌السلطان باانگلیس‌ها و روسها صفحه ۷٤ - کارهای امین‌السلطان اورامنفور عامه ساخته بود صفحه ۷٦ - قتل امین‌السلطان صفحه ۷۹

بخش دوم صفحه ۸۰

۱- روابط ایران وانگلیس و امتیازاتی که‌انگلیس‌ها در ایران تحصیل کرده‌اند صفحه ۸۰
رقابت روسها باانگلیس‌ها در تحصیل امتیازات صفحه ۸۹
۲- امتیاز بارون جولیوس رویتر صفحه ۹۷
بارون جولیوس رویتر کیست صفحه ۹۷ - توجه اروپائیان به منابع ثروت‌ایران صفحه ۱۰۱ - بارون رویتر تقاضای تحصیل امتیاز میکند صفحه ۱۰۲ - نماینده رویتر برای مذاکره بتهران میآید صفحه ۱۰۳ - امضای امتیازنامه‌صفحه ۱۰۷ - متن‌امتیازنامه صفحه ۱۰۸ - بعداز امضاء امتیازنامه صفحه ۱۱٤ - رویتر آماده اجراء امتیازنامه‌صفحه ۱۱۵ - ناصرالدینشاه باروپا میرود وامتیازنامه منتشر میشود صفحه۱۱۷- مخالفت‌روسها صفحه ۱۱۹ - مخالفت بعضی از رجال وعلماء صفحه ۱۲۳ -شروع بکار صفحه ۱۲۹ — اقدام برای لغو امتیازنامه صفحه ۱۳۰ - سپهسالار بتهران احضار ومامور لغو امتیاز نامه میشود صفحه ۱۳۱ - عدم اجراء امتیازنامه در موعد مقرر صفحه ۱۳۵ - ملاقات‌سپهسالار

باوزیر مختار انگلیس صفحه ۱۳۶ـ اعلان بطلان امتیازنامه صفحه ۱۳۸ـ ملاقات سپهسالار باوزیر مختار روس صفحه ۱۴۰ ـ اقدامات رویتر بعداز لغوامتیازنـامه صفحه ۱۴۲ — مکاتبات سفارت انگلیس باوزارت امور خارجه صفحه ۱۴۶ ـ دکترطلوزان امتیازنـامه رویتر را خیانت میداند صفحه ۱۵۰

۳ ـ فرمان آزادی کشتیرانی در رودکارون صفحه ۱۵۱

اهمیت رودکارون برای انگلیسها وسابقه آن صفحه ۱۵۱ ـ هرات بجای رودکارون صفحه ۱۵۲ نامه‌های سفارت انگلیس صفحه ۱۵۳ ـ فرانسویها وامتیازکشتیرانی رود کارون صفحه ۱۵۶ ـ ناصرالدینشاه عصبانی است صفحه ۱۶۱ـ تهدیدات سر درومونددولـف وزیر مختار انگلیس صفحه ۱۶۴ ـ فرمان آزادی کشتیرانی رودکارون صادر میشودصفحه ۱۶۶ ـ مخالفت روسها صفحه ۱۶۸ ـ بعداز افتتاح رودکارون صفحه ۱۷۶

۴ ـ امتیاز بانك شاهنشاهی صفحه ۱۷۸

سابقه بانك درایران صفحه ۱۷۸ ـ بانك شاهنشاهی بجای امتیاز ۱۸۷۲ رویتر صفحه ۱۸۲ ـ مذاکره برای تهیه امتیازنامه صفحه ۱۸۴ ـ امضای امتیازنامه بانك صفحه ۱۹۰ ـ انتقاد از امتیازنامه صفحه ۱۹۹ ـ ضمائم امتیازنامه بانك شاهنشاهی صفحه ۲۰۱ تشکیل بانك صفحه ۲۰۴ ـ حق انحصاری انتشار اسکناس صفحه ۲۰۶ـ منافع بانك صفحه ۲۰۷ ـ امتیازمعادن ایران صفحه ۲۱۰

۵ ـ امتیاز لاتاری صفحه ۲۱۳

امتیازنامه لاتاری صفحه ۲۱۳ ـ عقیده میرزاملکم خان صفحه ۲۱۴ ـ ناصرالدینشاه وقتی بتهران میآید امتیازنامه را لغو میکند صفحه ۲۱۵ ـ دعاوی خریداران امتیازنامه صفحه ۲۱۶ ـ محاکمه در یك دادگاه انگلیسی صفحه ۲۱۶ ـ باز پرسی ازملکم خان صفحه ۲۱۸ ـ بی‌اعتباری دولت ایران صفحه ۲۲۱

۶ـ امتیاز ساختن راه طهران بسواحل خلیج فارس صفحه ۲۲۳

علاقه انگلیس‌ها بایجاد این راه ومکاتبات مربوط بآن صفحه ۲۲۳

امتیازراه بمشیرالدوله داده میشود صفحه ۲۳۱ ـ متن امتیازنامه صفحه ۲۳۲ — انتقال امتیازنامه ببانك شاهنشاهی وسپس بکمپانی لینچ صفحه ۲۳۴

بخش سوم صفحه ۲۳۷

۱ ـ روابط ایران وروسیه تزاری وامتیازاتیکه روسها در ایران تحصیل کرده‌اند صفحه ۲۳۷

رقیب روسها درایران انگلیسها بودند صفحه ۲۴۲

۲ـ مرداب انزلی و تاسیس تجارتخانه و بیمارستان در سواحل بحر خزر صفحه ۲۵۰

دعاوی روسهادر نیمه اول قرن نوزدهم صفحه ۲۵۰ ـ اجـازه ورود کشتی‌هـای جنگی روس بمرداب انزلی صفحه ۲۵۱ ـ میرزا آقاخان نوری ازورود کشتی‌های جنگی

روس بمرداب انزلی ممانعت میکند صفحه ۲۵۹ ـ بنای تجارتخانه صفحه ۲٦٤ ـ بنای بیمارخانه صفحه ۲٦۹

۳ ـ شیلات صفحه ۲۷۴

روسها وشیلات صفحه ۲۷٤ ـ اجاره داری اتباع روس و اختلاف بین آنها صفحه ۲۷۵ ـ شیلات در دوره حاجی میرزا آقاسی صفحه ۲۷۷ تهدیدات روسها صفحه ۲۷۹ ـ التماس حاجی میرزا آقاسی صفحه ۲۸۲ ـ امیر کبیر وشیلات صفحه ۲۷۸ـ میرزا آقاخان نوری وشیلات صفحه ۲۸۹ ـ ایرانیها محتاج بکمك بودند صفحه ۲۹۰ـ سپهسالارشیلات را اجاره میکند صفحه ۲۹۲ـ سپهسالار شیلاترا به روسها اجاره میدهد صفحه ۲۹۳ ـشیلات بعداز سپهسالار صفحه ۳۰۱ ـ لغو قرارداد شیلات صفحه۳۰۵ .

۴ ـ قزاقخانه صفحه ۳۰۹

قزاق ایران صفحه۳۱۱

۵ ـ دعاوی روسها بعداز افتتاح رودکارون صفحه ۳۱۳

توسعه نفوذ انگلیس‌ها صفحه ۳۱۳ ـ نارضائی روسها صفحه ۳۱۴ ـ پیشنهادهای روسها صفحه ۳۱٦ ـ رفتار خشونت‌آمیزی وزیرمختار روس صفحه ۳۱۹ ـ مقاله‌روزنامه نووستی صفحه ۳۲۱ ـ پیشنهادهای روسها قبول میشود صفحه ۳۲۲ ـ ناصرالدین‌شاه به اروپا میرود صفحه ۳۲٤ ـ سیدجمال‌الدین اسدآبادی مامور مذاکره با روسها میشود صفحه ۳۲۵ ـ پس‌از بازگشت ازسفر اروپا صفحه ۳۲۷ ـ مقررات ورود کشتی‌های‌روس بمرداب انزلی ورودخانه‌های شمالی صفحه ۳۲۹ ـ ساختن اسکله وانبارهای تجارتی صفحه ۳۳۲

٦ ـ امتیاز استفاده ازجنگل‌های مالی ایران صفحه ۳۳۳

روسها وجنگلهای شمالی صفحه ۳۳۳ ـواگذاری جنگلهای شمالی بنایب‌السلطنه صفحه ۳۳۳

۷ ـ بانك استقراضی رهنی روس صفحه ۳۳٦

صاحب امتیاز بانك استقراضی روس کیست صفحه ۳۳٦ـامتیازنامه بانك‌استقراضی صفحه۳۳۷ ـ اجازه استعمال لفظ بانك صفحه ۳٤۲ ـ اعمال بانك صفحه ۳۵۳ـ بانك استقراضی شعبه‌ای ازوزارت مالیه روسیه بود صفحه ۳٤۷ .

۸ ـ امتیاز راههای شوسه وتسهیل وسائل حمل ونقل درشمال‌ایران صفحه۳۵۰

اهمیت راههای شوسه ورقابت روسها وانگلیسها صفحه ۳۵۰ ـ کمپانی راه آذربایجان صفحه ۳۵۱ ـ کمپانی بیمه‌وحمل ونقل صفحه ۳۵۲ ـ امتیاز ساختن راه‌رشت وقزوین صفحه ۳۵۳ ـ امتیاز ساختن راه قزوین بتهران صفحه ۳۵۵ ـ امتیاز ساختن راه قزوین تاهمدان صفحه ۳۵۵ ـ اجازه پاك کردن وگودنمودن مرداب انزلی صفحه ۳۵۵ ـ راه شوسه تبریز تاقزوین صفحه ۳۵۷

۹- امتیاز بهره برداری از معادن قراچه‌داغ صفحه۳۵۹

امتیاز نامه معادن قراچه داغ صفحه ۳۶۰

۱۰- استقراضهای ایران از روس و انگلیس صفحه۳۶۵

قرض سال ۱۲۹۰ هجری قمری صفحه ۳۶۶ - قرض سال ۱۳۰۶ هجری قمری صفحه ۳۶۷ - قرض سال ۱۳۰۹ هجری قمری صفحه ۳۶۸ - قرض سال ۱۳۱۷ هجری قمری صفحه ۳۷۱ - قرض سال ۱۳۱۹ هجری قمری صفحه ۳۸۵ - قرض سال ۱۳۲۱ هجری قمری صفحه ۳۸۸

۱۱ - قرارداد گمرکی ایران با روس و انگلیس صفحه ۳۹۱

اداره گمرکات صفحه ۳۹۲ - مستشاران بلژیکی صفحه ۳۹۲ — لزوم تغییر قرارداد گمرکی ایران و عثمانی صفحه ۳۹۵ - متن قرارداد گمرکی ایران و روس صفحه ۴۰۰ - قرارداد گمرکی ایران و انگلیس صفحه ۴۰۴ - نظامنامه گمرکی صفحه ۴۰۹

بخش اول

۱

حکومت پنجاه ساله

ناصرالدین شاه

اختلاف گفتار و کردار

ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه قریب نیم قرن یعنی مدت چهل ونه سال ویك‌ماه وسه‌روز از تاریخ ۱۴شوال ۱۲٦٤ هجری قمری تا ۱۷ ذی‌القعده ۱۳۱۳ با کمال استبداد در کشور ایران سلطنت کرد .

دوران سلطنت این شخص از لحاظ تحقیق علل بدبختی وعقب ماندگی ملت ایران درتاریخ معاصر جای خاصی دارد .

اصولا حکومت یکصد وپنجاه ساله سلسله‌قاجاریه درایران‌برای مردم این مملکت متضمن مفاسد زیادی بوده‌است .

بجز آغا محمد خان موسس این سلسله که مردی باعزم و تدبیر بود وتوانست در مدت کمی وحدت ایران راتامین کند وتمام خاك کشور رادرتحت‌حکومت‌واحدی‌درآورددر دوران‌بقیه «شاهان‌قجر» یعنی‌فتحعلیشاه ـ محمدشاه ـ ناصرالدین‌شاه ـ مظفرالدین‌شاه ـ محمد علیشاه و احمد شاه نه تنها هیچ اقدام اساسی برای بهبود وضع مردم و مملکت بعمل نیامدبلکه هریك بنوبه خود بواسطه بی‌اطلاعی وسوء سیاست مرتکب لغزش های جبران ناپذیری برای ملت ایران شده‌اند .

دراین مدت ملت ایران سراشیبی تند انحطاط وفساد را پیمود ومخصوصاً دردوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه‌بواسطه شدت رقابتهای خانمانسوز دولت‌های انگلیس وروسیه تزاری بمنظور بسط نفوذ خود درایران و جهالت و رشوه خواری وفساد اخلاق رجال دربار ناصری وتشکیلات فاسد اداری‌کار مملکت را بجائی رسانید که اگرحوادثی بنفع ایران درجهان پیش نمیآمد امروز نه‌نامی ازایران‌بودنه‌ازایرانی .

از ناصرالدین‌شاه نوشته‌های زیادی بجای مانده که ممکن است تاحدی ازروی آنها بتوان بروحیات وافکار او پی‌برد واگرباعمال ورفتار اونیز نظر افکنیم مشاهده میکنیم که اوراق زندگی این‌مرد مجموعه ایست‌ازاضداد .

ناصرالدین شاه میگفت درمملکت ایران همه مردم باید ازعدالت برخوردارباشند ولی دوران سلطنت اومشحون‌است‌ازبی‌عدالتی‌های بسیار.

ناصرالدین شاه بوزرای خود دستور بیداد برای عمران وآبادی کشور نقشه ها طرح کنند و خودش را موظف باجرای آنها میخواند ولی هیچگاه نتوانست قدم مؤثری دراین راه بردارد ودو سالهای آخر که گویا ازاین امر مأیوس گردیده بود منابع مختلف

حیاتی مملکت را بعنوان امتیاز باثمن بخس باجانب واگذار میکرد .
ناصرالدین‌شاه برجال‌دربار خودمیگفت درکلیه امور باهم مشورت کنند وآزادانه عقاید خویش را بگویند ولی خودش بزرگترین مظهر استبداد بود .
ناصرالدین شاه درایران‌باارو پائیان خلطه وآمیزش داشت وسه‌سفرهم باروپارفت تابقول خود تمدن فرنك را ازنزدیك ببیند و از اصولی که در دول اروپا پیروی میکنند برای ترقی مملکت استفاده‌نمایدولی دستور میداد ازرفتن‌جوانان ایران باروپاجلوگیری کنند و میگفت اگر پای ایرانی باروپا باز شود برای کشور « خیلی خیلی اثر بد خواهد داشت . »
برای آشنا شدن بافکار وگفته های ناصرالدین شاه نامه ذیل راکه بخط اوست دراینجا نقل میکنم .
این‌نامه راناصرالدین‌شاه بادست خود نوشته ومتأسفانه بدون تاریخ است وخطاب بمجمع وزراء وظاهرا در هنگامی که میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم ایران است‌نوشته شده .
« مکرر درفقره اصلاحات امور دولت گفتگو ها شده است و کتابچه‌ها از ملکم وغیره خانده (کذا) شده است و وزراء ونوکرهای خودمان درپیش خود ومجالس همین حرفها را زده ومیزنند لیکن نتیجهٔ که باید معلوم شود وچیزی بعرض برسد یافکری که مایه صلاح دولت باشد ازوزراء ونوکرها بهیچوجه معلوم نشده‌است و همه اش بنقالی و نکته سنجی و ایرادات و حرف مفت گذشته است حالا ازدوکار یکی را باید کرد اگرامور اصلاحات چاره پذیر است بگوئید وبکنید وبکنیم چرا بی‌جهة معطل‌وحیران هستید اگر چاره بردار نیست او راهم‌صریحا بگوئید وفارغ ازتفکرات‌بشوید ودیگر حرف نزنید کاررابروش خود وتقدیر محول‌بکنید .
واین گفتگو ها وتفکرات درهمچه امور معضله بیك ساعت ودوساعت وپنج ساعت حرف زدن یاکتابچه خاندن یقیناکافی نخواهد بود چگونه میشود دریك‌مجلس باعجله تمام وبدون غور وتامل وحرف و بدون گفتگو ومشاجره صحیحه از روی کمال بصیرت امور معظمه را حل نمود وقرار اصلاحات ومقدرات البته‌یك دولت بزرگی را مثل ایران داد و برخواست (کذا) باوجود آن‌که درآن دوساعت یانصف روزهم که نوشته خانده شود یا خیال وتفکر مجبوری را باید متحمل شد یکی ابداً حرف نمی زند دیگری مشغول چرت است دیگری ابدا حواسش درمجلس نیست باید قرار مجلس را جناب صدر اعظم اینطور مقرر نمایند اولا هرکس‌در گفتگو آزاد باشد وملاحظه نکند ثانیاً هریك درحرف زدن مطلبی توبة داشته‌باشد که تااو حرفش را تمام‌نکرد است دیگری حرفی نزند ومغلطه نشود وهرکس رای خود را الی‌آخربگوید وجواب بشنود بعدازآن‌آرای‌مجلس را بسنجد درهررای که اکثریت غلبه دارد البته‌آن صحیح‌خواهدبود .
دولت یاصحیح است یامریض است اگر صحیح است چه جای سخن اگر مریض است هیئت دولت راباید مثل یکنفر مریض درمیانه گذاشت واطبای حاذق که عبارت از وکلا و وزرای دولت هستند دورآن جمع کرد واستعلاج نمود واول باید مرض را بقانون اطباء تشخیص باید داد بعد از معلوم شدن ناخوشی دوائی مطابق آن باید داد وخبط نباید کرد بسا امراض وامزجه هست که طبیب بدون تشخیص مرض معالجه میکند وبرخلاف آن معالجه مریض را فوراً هلاك میکند جائی که باید فصد بکند نکند جائی که باید نکند بکند البته فوراً مریض خواهد مرد پس بهتر اینست در آن حالت مریض را بحالت خود بگذارد باز چندی بماند یا زنده شود بهتر از معالجه خبط است

تکرار در فرق اصلاحات امور دولت لکه‌ها بنده‌ای که در کتب بجهت از علم و خانه‌ها
و روزنامه‌ها لکه‌های صحیحان در پیش خود و مجلس همین و همه‌ها موزون و ریزند لیکن نتیجه‌ای که معلوم شود
و چیزی بر وجه نسبت یا تکرار یا به صلاح دولت باشد از مرور و لکه‌ها چیزی معلوم نشده است و این سبب
و گفته بجز دلیل‌های و حرف مفت گفته شده است مانند که در کارهای بی‌پایه گو اگر از در اصلاحات
چیزی بنویسید بگوئید و بگیرید و بگیرید چرا با جهت سرمایه‌ی ایران شده اگرچه دولت نیست او هم
صریح بگوئید و فارغ از تفکرات بگیرد و دیگر حرف نزنید که بی‌پروایی خود تقدیر محول بکنید
و این لکه‌ها و تفکرات در همه امور معظمه بیک ساعت و دو ساعت پنج ساعت حرف زدن یا کتب بجهت خانه‌ها
فقط کافی نخواهد بود چگونه میشود در یک‌جا با عجله تمام و بدون غور و تامل موزون و بدون لکه و مانع
صحیح از در مرکز کمال بصیرت امور معظمه موقتی منوط و مقید اصلاحات و تقدیرات ایشان یک دولت زیرک
مثل اسلامبول طلب و برخواست با مجلس ایران در آن چه ساعت یا نفع روزنامه‌ها و نشر خانه‌ها منوط
یا خیال و تفکر مجبوری بی‌پایه متحمل شده یک ابداً حرف نزنند دیگری شغول چرت و دیگری ابداً
هواش در مجلس نیست بلکه قصد مجلس خانه‌ی صدراعظم نظر مقرر خانه الله هر کس در لکه‌ها آنچه
بنده و مفطه کنند تا یک هر یک در حرف زدن مطلبی نوبه داشته باشد که از حرفش مو تمام کنند
دیگری حرف نزند و مفطه نکند و هر کس رای خود را افزوده و مجلس بجهت بعد از آن آنچه مجلس مو به نتیجه
در هر سایه اکثریت غلبه و اتفاق آن چه حاصل بود دولت یا چه و یا بعضی یا اگر چه
چه حال سخن اگر بعضی هست دولت مو بالاش بگیرد بعضی در خانه که است و اطبای حاذق
و عارف از کلید روز شرح دولت همه در آن جمع گو و استعداد منوط و اول بالا مرض موافق بعد از اب و تشخیص
بالا طالو بعد از معلوم شدن با خوش و دقت مطابق آن بالا طالو و خط با به گو اب و اهل بدا از مرض هست و طبیب
مردم تشخیص مرض را بکند و بر مقدار آن معالجه و تدبیر مو فوراً بعد کی بکند جا ذه بالا و فصد بکند
بکنند جا ذه بالا بکنند بکنند اگر فوراً و بعض حقه رد پس تدبیر مو و در آن حالت بعضی مو دولت صحت
بکنند خانه‌ی خانه یا زنده شود بهتر از معالجه خط ۵ نمی‌گوئیم تو و زنانه و بی‌پرا اهل دولت
بالا و روز شرح دولت و زانه تو و آن اهل . آیا نمی‌توان بقدر دولت شنفرد و خان از کل عالم تو ۵
و حرف نزنند ۵ و بقدر کلدن و طوالش با نیست هم تو یا بقدر دولت سر بستان دا انهم آیا تو

[illegible]

ما نمیگوئیم قشون وخزانه و سایر اعمال دولت ما باید امروز مثل دولت فرانسه شود و آلمان آیا نمی‌توان بقدر دولت منتقر وکه تازه ازمملکت عثمانی سوا شده است ودولتی شده است وبقدر گیلان وطوالش ما نیست هم بشود یا بقدر دولت سربستان که آنهم ایالتی ازعثمانی بوده وحالا دولتی است بشود یا مثل مملکت رومانی که آنهم ایالتی ازعثمانی بوده و حالا یك دولت معظمی شده است بشود وبعضی کارهاست که در فرنگستان ودول بزرگ میشود وشده است اما امکان ندارد حالا در ایران بتوان کرد اما هر کاری را باندازه آنها نتوانیم بکنیم آیا یك ذره از آن راهم نمی‌توانیم کرد راه آهن نداشته باشیم آیا راه عراده رو وراهی که شتر وقاطر بآسانی برود آن راهم نباید کرد تمام قشون ما خوب نشود آیا ده هزار نفرهم برای نمونه

نمی‌توان مثل قشون رومانی ساخت آیانمی‌توان وضع نوکرها وصدارت و وزارتخانه‌ها را اقلا بیك تحت قاعده آورد که شبیه بدول متمدنه‌باشد آیا نمی‌توان جمع وخرج دولت را صحیحا مطابق کرد ومطمئن شدآیانمی‌توان مواجب ومرسوم طبقات قشون ومردم را بوقت وموقع داد آیا نمی‌توان نشر عدالت وامنیت مال وجان مردم‌را داد آیانمی‌توان خالصه‌جات راآباد کرد ومنفعت برد آیانمی‌توان معادن ایران را براه انداخت آیا نمیشود کارخانجات‌ساخت‌ورواج‌صنعت‌وتجارت‌داد آیانمی‌توان درسواحل‌بحرخضرچای وپنبه ینگی‌دنیاوگنه‌گنه ونخل خرما وانواع محصولات هند وینگی دنیا وافریقا را بعمل‌آورد وکرورات منفعت برد آیا نمی‌شود کارخانه قند سازی درمازندران مهیاکرد آیانمی‌توان کشتی های بخار ازهرنوع در دریای عمان براه انداخت وهزار نوع کارکرد ـ درفرنگستان‌ازراه‌زیرکوه مون سنی که کوه را سوراخ کرده وهشت فرسنك از دالان زیرکوه باکالسکه بخار عبور میشود من خود عبور کردم حالا مابخواهیم بتقلید آن فردا صبح عمله بگذاریم کوه البرز را سوراخ کنیم از منظریه و ازشهرستانك سر درآوریم تمام اهل دنیا بما میخندند ومضحکه میکنند لکن اگر بخواهیم تپه قلهك را از زیر سوراخ بکنیم وازآنطرفش بیرون برویم البته میتوانیم پس بایدکارکرد اما باندازه خودمان این امثله که نوشتم بنظرم زیادآمد ولزومی هم نداشت .

اصل مقصود این است که باید وزرای ما بنشینند ده روز بیست روز دراین امور تدقیق کنند و بگویند که چه بایدکرد یابگویندکه هیچ نبایدکرد آنچه راکه میگویند بایدکرد بایك طرح صحیح وبه اتفاق‌آراء بعرض برسانند درصورتی که همه بالاتفاق خیر ومصلحت امروز دولت مارابعرض برسانند چرا مااجری نمی‌داریم البته خواهیم کرد معین الملك هم حاضر است اطلاعات کامل البته داردکتابچه‌که نوشته است این است که خانده شدآنچهٔ هم‌بنظرش برسد درمجلس‌بگوید وحالی‌کند وچاره جوئی نماید اولیای دولت درراه خیر ومصلحت دولت باید خیر ومصلحت شخص خود راکنار بگذارند باید خیال‌تکنندکه اگراصلاحاتی بشود وکار دولت‌بقاعده برود شاید منافع شخصی و نفاذ امور ماکمتر بشود یاموقوف بماند نوکر عاقل صادق خیر وطن و نظم دولت را البته باید ترجیح به شخص خود بدهد اگر ملاحظه نفع خود را ترجیح به نظم دولت نماید میتوان گفت خائن است .»

معدودی این قبیل نوشته‌ها وبعضی کارهای ناصرالدین شاه را حجت‌گرفته واورا ازپادشاهان علاقمندبه پیشرفت وترقی مملکت میشمارند ومعتقدندکه اومیکوشید تاایران را درشاهراه تمدن پیش ببرد ولی بواسطه سیاست های استعماری شمال وجنوب ورجال خائن نتوانست بمنظور خود نائل‌گردد .

البته دوره سلطنت ناصرالدین شاه ازادواری است که ایران میدان زور آزمائی دورقیب نیرومندی مثل امپراطوری های روس وانگلیس بود واین دودولت به‌شدیدترین وبی رحمانه ترین وجهی بایکدیگر دست وپنجه‌نرم میکردند وازهیچ نوع اقدام تخریبی خود داری نداشتند وهرکدام برای توسعه نفوذ ورسیدن بمنظور خویش بهرعمل مخالف بشری متوسل میشدند وبا اعمال زور وتهدید اشخاص سرسپرده و وابسته بخود را بنام صدر اعظم ووزیر وحاکم وغیره بمردم این مملکت تحمیل میکردند .

اینها صحیح است ولی ناصرالدین شاه درتمام مدت سلطنت خود حاضرنبود ذره‌ای از اقتدار وخود مختاری حکومت مطلقه خویش بکاهد ومردم را درتعیین سرنوشت خود

آزاد گذارد وهمیشه ازانجام هر کاری که منافی منافع شخصی او بوداجتناب داشت .

ناصر الدین شاه باختراعات و کشفیات مردم‌اروپا میل ورغبت بسیار نشان‌میداد و میخواست آنها را بایران بیاورد ولـی کارهـایش بیشتر باعمـال اشخاص متلون و بوالهوس شباهت داشت و دراین مدت نیم قرن بیك کاری اساسی که آسایش مردم در آن باشد دست نزد .

ناصرالدین شاه نه تنها ازسفرهای‌اروپا تجربه‌ای که بدرد مملکت بخورد نیاموخت بلکه مشاهده آزادیهائی که در کشورهای مختلف اروپا مـردم از آن برخوردار بودند اورا بیمناك ساخت وبعدها از رفتن ایرانی باروپا وباز شدن چشم وگوش آنها وحشت میکرد چنانکه ازدستوری که درذیل تلگراف رمزی که تقریباً پنج ماه قبل‌از کشته شدنش محمد علی خان علاء السلطنه از لندن مخابره کرده نوشته این نظر بخوبی درك میشود. این‌تلگراف عیناً گراور میگردد .

ناصرالدین شاه در ذیل‌آن باخط خود نوشته‌است .

«آقا حسن بی اجازه رفته است نمیدانم از شما اجازه گرفته رفته است یانه درهرصورت اورا بایدزود تر بایران مراجعت بدهند خیلی خیلی بد است پای ایرانی این جور ها بفرنگستان باز بشود اگر جلوگیری نشود بعد از این البته ده هزار ده هزار بفرنگستان برای دیدن کردن خواهند رفت و خیلی خیلی اثربد خواهد داشت . »

منظور از نقل این نوشته ها آگاهی بافکار وروحیات مردی است که پنجاه سال بااختیار مطلقه برجان ومال افراد ایرانی حکومت کرده است ومتاسفانه دراینجا مجال وفرصت زیادی نیست که دراین باب بتفصیل بحث کنیم وناچاریم این موضوع را باختصار برگذار نمائیم .

برای مزید اطلاع از طرز فکر وعقیده یکنفر معاصر مطلع نسبت به‌ناصرالدین شاه قسمتی ازنامه ای راکه منسوب به‌میرزا ملکم خان ناظم الدوله میباشد وظاهراً بعداز برکناری ازسفارت لندن نوشته دراینجا میآورم.

«ازدشمنان خود خواهش میکنم که لطف کرده مطالب‌ذیل را شرح دهند

لخت کردن بدون حق

آیاصحیح نیست که درمدت مدید سلطنت این شاه تمام قوانین مملکتی ومذهبی از میان برداشته شده است وامروز جان ومال و احترام همه ایرانیها نه تنها بسته‌به بوالهوسی شاه است بلکه صرف میل نوکرهای جوان اوست که آنهارا بوزارت رسانده‌است.

آیاصحیح نیست که دارائی این پنج وزرای بزرك میرزاآقاخان (۱) ـ میرزا صادق (۲) - سپهسالار(۳) مستوفی الممالك ومیرزا حسین خان (٤) ودارائی خیلی ازسایر وزراء وشهزادگان وصرافهاوتجارمثل‌آصف‌الدوله

---

۱ ـ میرزا آقاخان نوری اعتماد الدوله صدراعظم .

۲ ـ میرزا محمد صادق قائم مقام ملقب بامین الدوله که بعد از عزل میرزا آقاخان بوزارت داخله منصوب شد .

۳ ـ میرزا محمد خان سپهسالار

٤ ـ میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم

استخراج تکراف ذیل از اسلامبول

بحضرت مستطاب اجل اشرف ارفع اکرم افخم صدر اعظم

بسبب سوء ظن

سلطان سعید پاشای معروف به کوجک سعید که سابقاً صدر اعظم بوده است

بسفارت انگلیس پناه برده آقا حسن پسر مرحوم آقا نجیب بلند آمده میگوید

از برای معالجه آمده است محمد علی ۲۰ جمادی الثانیه ۱۳۱۳

وعیسی خان وعموی شاه وحاجی عبدالکریم و سایر مردمان بزرك باشاره. شاه ضبط وغارت شده است آیا صحیح است که همین شاه ازروی مرحمت میرزا تقی‌خان صدر اعظم خود را وشوهر خواهر خود راکه از معارف تاریخ ایران است خفه کرده است .

ظلم بی اسم

آیا صحیح است که همین سلطان که بقول روزنامهٔ خیالات بلند اورا تمام مردم میدانند درحضور خود و بدون هیچ حکمی یك پیر مردی را کلانتر نام که در مدت شصت سال بدولت در اداره پلیس خدمت کرده بود خفه کرد .

آیا صحیح است که این شاه که از انسانیتش تعریف میکنند یك روز قبل از سفر فرنگستان در شدت خشم ودر مقابل چشم‌خود ۹ نفر سرباز رابی‌تقصیر سربرید .

آیا صحیح است که اعلیحضرت که بدون تردید درجاده ترقی قدم میزند بمیل خودگوش ودماغ و دست میبرد و برعایای خود بشدتی عذاب میدهد که سنگدل ترین وحشی ها وحشت میکند و از وحشت از پس میافتد .

آیا صحیح است که پسرهای این سلطان بامرحمت فیمابین خود بیکدیگر مینویسند که میترسند شکم آنهارا پاره کند مثل اینکه برای اغلب مردم اتفاق افتاده است زیرا این شهزادگان بیچاره خیلی خیلی خوب میدانند که پدر این شاه چشم های برادر خودش را بیرون آورد .

جواب اشخاصی که بهتان میزنند

یك نویسنده بمن تهمت متعصبی میزند آیا از تعصب من است که حالا بیش از بیست سال است که از خیال ترقی پرست شاه گذشته است که قدغن نماید کسی برای تحصیل بفرنگستان نرودآیا برای احترام تعصب من است که این شاه نمونه بواسطه ستمهای وحشیانه آسیائی که اختراع کرده سلطنت چهل وپنجساله خود رابخون آغشته است سلیمان خان ه را که بزجر کشت این زنهائیرا که شکم پاره کرد این دختر های جوان که دچار سوء حرکت سربازها وگرفتار دست جلاد شدند این کشت وکشتارتازه اصفهان ویزد که فرنگیها شهادت میدهند آیا دلیل تاریخی برای این مطلب نیست که در عهد سلطنت کسی از ظلم و وحشی گری سلطنت‌چیزی نشنیده است .

سفرهای شاه

اما درخصوص عشق شاه بسفر های فرنك برای تحصیل تمدن . خود وزیر اعظم که ازتاج خانواده نامی گرجستان است درموقع بمن میگفت که شاه برای روز بفرنگستان نیامده بلکه برای شب آمده است و تفصیل هائی میکرد که هیچ قلمی جرات نگارش آنرا نمیکند و همچنین از اتفاقات شبانه که درهولند بوقوع رسیده وخود وزیر اعظم برای شهرت سلطان احتیاط کار خود نقل میکرد نمیخواهم صحبت‌بکنم .....»

سفرهای اروپا

گفتیم سفرهای ناصرالدین شاه باروپا جز زیان برای مردم ایران چیزی دربر نداشت و بقول ناظم الاسلام کرمانی نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان « مسافرتهای اروپا باندازهٔ این پادشاه را مرعوب ساخت که هر خواهش نامشروعی را ادنا دول اروپا مینمود باسم صلح پسندی تسلیم میکرد »

اولین سفر فرنك درسال ۱۲۹۰ هجری قمری اتفاق افتاد ولی تصمیم آن سالها قبل گرفته شده بود . شاید میرزا حسین خان سپهسالار را بتوان از مؤثر ترین کسانی دانست که ناصر الدین شاه را باینکار تشویق میکرد مخصوصاً هنگامی که در استانبول سمت سفارت ایران را داشت با نوشتن گزارشهای مفصل و شرح ترقیات اروپا اورا تشنه این سفرها ساخته بود ورفتن اورا بفرنك ازواجبات امور میشمرد .

هنگامی که در سال ۱۲۸۷ هجری قمری میرزا حسین خان برای جلب موافقت دولت عثمانی بمنظور مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات دراستانبول مشغول تلاش بودضمن گزارشی به «شاه» پیشنهاد میکرد که بجای رفتن به عتبات باروپا رود یالااقل ازهمانجا راه فرنك را درپیش گیرد .

ناصرالدین شاه درجواب میرزا حسین خان (که آنوقت لقب مشیرالدوله راداشت) باخط خود چنین نوشته است .

« مشیرالدوله عرایض و کتابچه شما مفصلا بانور محمد چاپار رسید جواب مفصلی در فقره معهود بخط وزیر دول خارجه درکتابچه نوشته شده است ملاحظه خواهید کرد همان تقریری است که من کرده ام لفظ بلفظ وزیر خارجه نوشته است دیگر لازم نیست آن مضامین دراین دستخط نوشته شود مگر بایجاز بعضی ازجواب های شما .

اولا سفر فرنگستان درنظر من هست وهرگز فراموش نمی شود منتظر وقت و فرصت هستم انشاءالله تعالی بخواست خدا وبشرط حیات از سن ۴۳ نمی گذرد که داخل فرنگستان خواهم شد وحالا سه سال دیگر باین وعده مانده است .

ثانیا سفر زیارت عتبات وعراق عرب رانمیتوان داخل ومنضم بسفر فرنگستان کرد آنوقت هردو ناقص میشود ودلایل دیگر دارد درعدم اختلاط این دومقصود

ثالثاً درپنهان داشتن وسر این عزم تاکید شده بود کمال اهتمام دراینجا شده است شما هم اهتمام بکنید انشاء الله این دفعه حرف زده کار را بجائی منتهی کنید وزودتر مارا مسرور وخوشنود بکنید انشاءالله نمی داند چقدر ها ازتو راضی وخورسند خواهم شد واین خدمت عمده سالهای دراز دردودمان شما بیادگار خواهد ماند البته کمال سعی وجد وجهد را بعمل بیاورید دراین فقره

درفقره سرحدات باچاپار مخصوص تفصیلاتی نوشته بودیم نمی دانم هیچ درآن فقره مذاکره کرده اید یانه .

فصلی ازترقی دولت ایران نوشته بودید که اهتمام شود همان است که نوشته اجری کن میخواهد ونوکری که پی کار برود درایران این قسم نوکر حقیقتاً کم است وباید کم کم تربیت شود والحمد الله تربیت شده ومی شوند ودر این فقره آنچه بتوانم سعی میکنم در فقره اسباب چرخ بخار و . . . . . جهانگیر خان را آورده با او حرف زدم مسئولیت این کاررا بگردن خود جهانگیر خان گذاشتم هرطوراو بنویسد شماآن قسم بکنید »

عین این نامه گراور شده است

بالاخره سپهسالار بصدارت ایران میرسد و ناصرالدین شاه در ماه صفر سال ۱۲۹۰ هجری قمری که تازه چهل و سومین سال زندگی را بپایان رسانده بود عازم اروپا میشود .

دربردن « شاه ایران » باروپا انگلیس ها نیز سهم عمده ای را داشتند و برای نزدیك کردن ایران وانگلستان علیه روسیه تزاری این سفر را وسیله ای قرار داده بودند

ودر بریتانیا کارخانه های صنعتی ونیروی بحری و بری خودرا برخ او کشیدند تاضمنا رعبی دردلش اندازند .

لرد کرزن ازقول سرچارلز مك گریگور مینویسد .

«من تصور نمیکنم پذیرائی‌های ما ازپادشاه ایران بیك نتیجه برسد ویاازآنها فایدهٔ مترتب شودزیراکه ایرانیها خوب میدانندکه ما از روسها دروحشت‌واضطراب میباشیم واینرا مثل یك مسئله سیاسی تصور میکنند پذیرائیهائیکه باآن شوق وذوق درلندن ازشاه ایران بعمل آمد تمام باعث شدکه در انظار ایرانیها بمقامات شاه افزوده شود اما دراوضاع واحوال سیاسی ما درایران هیچ تغییری حاصل نگردید بعقیده من‌حقیقت‌مطلب‌دراین‌است که ما درمقابل خطر روس خیلی بی‌تابی میکنیم .....»

یك سال‌قبل‌ازاین تاریخ‌ناصرالدین‌شاه امتیاز بارون‌جولیوس رویتررا بانگلیس‌ها داده‌بودکه هنوزآثار شوم این اشتباه‌دامن‌گیر ملت ایران‌است .

شوق وذوق رفتن‌باروپا وتفریح‌وتفرج‌درانگلستان وسایر کشورهای اروپاوگرفتن چند لیره حق‌الامتیاز جلو چشم وگوش زمامداران ایران‌را بطوری که خواهیم دید چنان گرفته بودکه یکجا تمام مملکت را بانگلیسها وامیگذارند .

سفر دوم بطور غیر رسمی در سال ۱۲۹۵ هجری قمری وآنهم باز براهنمائی سپهسالار وسوغات این سفر ایجاد قزاقخانه وآوردن قزاقان تزاری بایران بودکه مدت نیم قرن استقلال وآسایش مردم‌کشور ما بدست این دژ خیمان تزاری ازبین رفت .

سفر سوم درسال ۱۳۰۶ هجری قمری وگرداننده صحنه آن میرزا علی اصغرخان امین السلطان بود .

دراین سفرگوئی ناصر الدین شاه از اصلاح امور وادامه سلطنت خود مأیوس و خسته‌شده بود ومیخواست هرچه زود تر ایران‌را باجانب بفروشد وخودرا ازاین زحمت راحت کند .

امتیازات بی‌شماری که از این تاریخ ببعد باجانب داده شده شاید هیچوقت در هیچ کشوری سابقه‌نداشته باشد .

لرد کرزن مینویسد «بعد ازمراجعت شاه ازسفر (سوم) فرنگستان نمایندگان سرمایه داران‌اروپائی برای‌گرفتن امتیازات مانند مور وملخ بطهران هجوم آوردند ومعروف بود عده زیادی درطهران حاضر بودند— امتیاز بگیرند ازقبیل امتیازکارخانه قند — شیشه ـ تلفون — چراغ الکتریك وبرای احداث تاکستان وانحصار انواع واقسام محصولات فلاحتی وغیره شاه نیز حاضر است موافقت‌کند چونکه مبلغ‌کلی بحساب شخص شاه - داده میشود .»

پرفسور ادوار دبرون درکتاب انقلاب ایران راجع به سفر سوم ناصر الدین شاه باروپا مینویسد .

سفر سوم در سال ۱۸۸۹ وتااین تاریخ مسافرتهای شاه مخارج زیاد داشته درصورتیکه فایده‌ای از آنها مترتب نشده وبحال ملت ایران مفید واقع نگردیده مخصوصاً سفر اخیر شاه‌که یك سفر خوش یمن و خوبی نبود قبل ازاینکه شاه ازطهران حرکت‌کند امتیاز بانك شاهنشاهی‌را ببارون جولیوس رویتر داد »

درتاریخ بیداری ایرانیان ضمن‌شرح‌حال ناصرالدین شاه راجع‌بسفرهای اومینویسد «اضافه بریکصدکرور خزانه ایران صرف این مسافرت‌های بی‌معنی شد یکی از مورخین این پادشاه را

عالم بی‌عمل مینویسد . در پنجاه سال سلطنت آنچه تصدیق شده هشتاد وسه مقاولات تجارتی وسیاسی وسرحدی و امتیازی بادول واتباع خارجه بست درجمیع آنها ایران مغبون گردیـد سی‌وپنج ازآن مقاولات وامتیازنامها بقوت رشوت واخذ پیشکش چشم بسته بصحه رسید که من‌جمله امتیاز رژی و بانك شاهنشاهی انگلیس وروس و اجازه راه آهن وشوسه که معارض برهرذی جنسی پوشیده نیست »

سید جمال الدین اسد آبادی ضمن نامه شکوائیه‌ای ناصرالدین شاه راکه در سفر سوم‌اروپا امتیازانحصار دخانیات‌را بانگلیسها داده بود اینطور بمرحوم میرزای شیرازی معرفی میکند .

«..... پیشوای بزرك . پادشاه ایران سست عنصر وبد سیرت گشته مشاعرش‌ضعیف‌شده بد رفتاری راپیش گرفته خودش ازاداره کشور وحفظ منافع عمومی عاجزاست لذا زمام کاررا بدست مرد پلید بدکردار پستی داده که درمجمع عمومی‌به پیغمبران‌بدمیگوید نه فرمان دین‌را می‌پذیرد نه بروساء دینی ارجی میگذارد بعلماء بدمیگوید بمردم پرهیزکار تهمت میزند بسادات بزرگوارتوهین مینماید باوعاظ مثل مردم پست رفتار میکند .

از اروپا که برکشته پرده شرم‌را پاره کرده وخود سری را پیش گرفته بی‌پرده باده کساری مینمایدباکفار دوستی میورزد بامردم نیکوکار دشمنی میکند . این کارهای خصوصی اوست اما آنچه بـزیان مسلمانان انجام داده این‌است که قسمت عمده کشور ودرآمد آنرا بدشمنان دین فروخته که بتفصیل عبارتست از :

۱ — معادن و راههائی که بـه معادن منتهی میشود و همچنین خطوطی که از معادن بـه نقاط مهمه کشور متصل‌است .

۲ — کاروانسراهائیکه‌راطراف خطوط شوسه بنا میشود (درتمام کشور) بانضمام مزارع وباغستانهائی که‌در اطراف این راهها واقع‌است .

۳ ـ رودکارون ومسافرخانه‌هائیکه دردو طرف این‌رود (تامنتهی الیه‌آن) ساخته میشود وهمچنین‌مراتع که تابع این رودخانه‌است .

٤ — راه ازاهواز تاتهران وآنچه ازساختمانها ومسافرخانه‌ها وباغستانها ومزارع دراطراف آن‌واقع‌است.

٥ — تنباکو وآنچه لازمه این محصول‌است ازمراکز کشتزارهاخانه‌های نگاهبانان ومتصدیان حمل‌ونقل وفروشنده‌ها هرکجا واقع شده وهرجا ساخته شود .

٦ — جمع‌آوری‌انگوربمنظورساختن‌شراب‌وهرچه ازدکان وکارخانه لازم دارد درتمام کشور

۷ — صابون شمع وشکر وکارخانهائیکه لازمه آنهااست .

۸ — بانك(چه میدانی بانك چیست) بانك‌عبارت ازاین‌است که زمام ملت‌را یکجا بدست دشمنان اسلام داده ومسلمانان‌را بنده آنها نموده وسلطنت وآقائی کفاررا برآنها بپذیرند .

آنوقت این خائن احمق برای اینکه ملت‌را راضی نماید دلیل پوچی برای کردار زشت خود اقامه کرده ومیگوید اینها معاهده موقتی‌است که مدتش ازصد سال تجاوز نخواهد کرد .

چه برهانی برای رسوائی خیانت کاران ازاین بهتر .

نصف دیگر مملکت‌را هم‌بعنوان حق‌السکوت بدولت روسیه داده (اگر ساکت شود) آنهم عبارت‌است‌از مرداب رشت وراه انزلی تاخراسان‌وآنچه ازخانه‌ها ومسافرخانه‌ها وباغستانها که‌تابع‌این‌راه‌است .

ولی دولت روسیه بدماغش خرده‌واین هدیه‌را نپذیرفته .

او درصدداست اگر این معاهده‌ها ، معاهده‌هائیکه به تسلیم کشور باجانب منتهی میشود بهم‌نخوردخراسان را مستعمره خودکرده وبرآذربایجان ومازندران نیز دست بیاندازد این اولین نتیجه‌ایست که بر سیاست این احمق مترتب میشود .

خلاصه این مرد تبه کار کشور ایران‌را اینطور بمزایده گذاشته وخانه‌های محمد ص وممالك اسلامی را باجانب میفروشد ولی ازپس فطرتی وفرومایگی که دارد بقیمت کم ووجه اندك حاضر بفروش‌میشود بله وقتی‌پست فطرتی و حرص باخبث ودیوانگی آمیخته شود چنین خواهد شد .....»

ناصرالدین‌شاه دراین سفرهامبالغ زیادی ازپول ملت ایران‌را بعنوان دیدن‌ترقیات دول‌اروپا خرج تفریح وعیاشی‌های خود کرد. درمواقعی که ملت درفقر وبیچارگی میسوزد ورشته‌های مختلف صنعت وتجارت یکی بعداز دیگری تعطیل میگردد وروسها وانگلیسها مترصد تسخیر ایران هستند ناصرالدین شاه براهنمائی سپهسالار و ملکم وامین‌السلطان بفرنك میرود وثروت این ملت‌را که حکام مستبد خودخواه باظلم وجور ازیتیم وبیوه‌زن و بینوایان دیگر گرفته‌اند بفلان رقاصه وبازیگر فلان سیرك یافاحشه فلان کاباره میبخشد .

منظور ناصرالدین شاه‌وکسانیکه اورابااین‌سفرهامیبردند متفاوت بود .

عمده‌هدف ومقصود«شاه» دراین‌سفرها فقط تفریح وگردش وعیاشی است‌چنانکه ازملاحظه سفرنامه‌های سه‌گانه او بخوبی این موضوع رامیتوان دریافت .

سفرنامه‌های ناصرالدین شاه پراست ازتوصیف زن فلان آقاکه درفلان شب‌نشینی فلان لباس راپوشیده ومرحوم ناصرالدین شاه مفتون‌زیبائی وخوشگلی اوشده یاوقتی‌فلان رقاصه فلان سیرك مشغول بازیست تن‌وبدن سفید واندام قشنك وظریفش «شاه» ایران‌را ازحال برده یافلان حیوان درباغ وحش‌فلان‌شهر بنظر«ظل‌الله»خیلی‌عجیب آمده‌ویابالاخره ازاینکه «جهانمطاع» در بازی شطرنج خانم لرد سالیسبوری نخست‌وزیر انگلستان را مات کرده‌بخود ببالد وازمهارت خویش‌تعریف کند .

ناصرالدین‌شاه میان روس‌وانگلیس

گفتیم دردوره سلطنت ناصرالدین شاه روسها وانگلیسها برای بسط نفوذ خود درایران شدیداً مشغول مبارزه‌بودند وازهیچ نوع اعمال تخریبی وخلاف انسانی هم خودداری نداشتند وگاهی با تهدید وزمانی بادادن رشوه رجال درباررا میفریفتند وآنهارابه خیانت بوطن خود وادار میکردند .

شاید ناصرالدین شاه همانطور که مکرر نوشته و بسیار گفته بود واقعاً میخواست ایران‌را بجاده تمدن کشاند ومیکوشید تاوسائل آبادانی کشوررا فراهم سازد ولی گذشته ازموانع داخلی مثل ـ نداشتن رجال کارآزموده‌وروبرو شدن‌باعخالفت روحانیون‌متعصب وبی‌اطلاع ازلحاظ خارجی‌رقابت دو حریف نیرومند علت اصلی‌وسبب عمده خرابی مملکت وعقب ماندگی ایران بود چنانکه در هنگام صدور فرمان اجازه کشتی رانی رود کارون ومخالفت روسها درنامه‌ای بعنوان ملکم وزیر مختار ایران درلندن که بعداً درقسمت‌سوم ازبخش دوم متن کامل آن‌را نقل خواهم نمود ناصرالدین شاه سیاست روسها وانگلیسها نسبت بایران‌وگرفتاری خویش‌را ازاین حیث چنین بیان میکند .

«..... روز بروزجمیع ممالك‌روی‌زمین‌درترقی‌است‌ماچرا اسباب ترقی وآبادی‌مملکت خودمان‌را فراهم نیاوریم چرا باید راه نسازیم وکارخانجات احداث ننمائیم که ازهرچیز محتاج بممالك خارجه باشیم اگر تاحالا اقدام بساختن بعضی راهها کرده‌بودیم دوسال یك مرتبه غلاوقحطی بعضی شهرهای ایران خاصه طهران رامستاصل ومردم آنرا پریشان نمیکرد .

ناصر الدين شاه

جمیع دول روی زمین یاسلطنت مستقله هستند یاسلطنت مشروطه یاجمهوری در میان دول روی زمین پارهٔ دولت‌ها بهم میرسد که خیلی کوچك میباشندهمه درمملکت وولایت وخاك وزمین وامور داخلهٔ خودشان مستقل ومختارند که هرقراری درداخله خودشان میل دارند وصرفه وصلاح خودرا درآن می‌بینند میدهند دولت ایران که ازهمه قدیمتر وهمیشه سمت استقلال راداشته و دارد چرا باید باندازه یك دولت پست کوچك هم استقلال درداخله‌خود نداشته‌باشد هرقراری‌راکه مقرون بصرفه وصلاح وآبادی مملکت خود می‌بیند ندهد .

وضع دولت ایران طوری شده است که هیچ دولتی باین حالت نیست دولت ایران میان رقابت دولتین انگلیس و روس گیر کرده‌است هر کاری مبنی برصرفه‌وصلاح‌وآبادی مملکت خودمان درجنوب ایران‌بخواهیم‌ازساختن راه‌وسایر بکنیم دولت روس میگوید برای منافع انگلیس میکنید چنانکه درمسئله رود کارون همین طور میگویند راه هم بخواهیم بسازیم همین طورمیگویند درشمال ومغرب‌ومشرق‌ایران اگر بخواهیم چنین کارها بکنیم انگلیس‌ها میگویند بملاحظه منافع روس اقدام باین کارها کرده ومیکندچنانکه درساختن راه قوچان وراه آهنی که‌حاجی محمد حسن درکار ساختن درمحمود آباد درکنار بحر خزراست مکررهمین اظهارات‌را کرده‌اند تکلیف مامشکل شده‌است وروز بروز مشکل‌تر خواهد شدپس یك مرتبه روس وانگلیس بیایند وبگویند دولت ایران دولت مستقل نیست هرچه ما بگوئیم باید آن طور بکنید آیا درمیان دول روی زمین از بزرك وکوچك حتی بلغاری که تازه سری میان سرها بیرون آورده وصرب ویونان یك دولت هست که زیربار این حرفها برود .

دولت خودمان‌را میخواهیم آباد کنیم کارخانه بسازیم قرارهائی بصرفه وصلاح دولت وملت خودمان‌بدهیم دولتین انگلیس وروس چه حقی دارند بکار های داخله ما که این حرفها را بمیان بیاورند .... هر پادشاهی مسئول‌است که پی منافع وترقی دولت وتربیت ملت و آبادی ولایت خودش برود اگر نکند خلاف مسئولیت کرده وبتکلیف پادشاهی خود رفتار نکرده‌است بنا براین مسئله‌را مکرر میکنیم رقابت روس وانگلیس طوری شده‌است که مثلا اگر بسمت شمال ومشرق وغرب مملکت خودمان بخواهیم بگردش وشکار برویم باید بادولت انگلیس مشورت بکنیم چون سمت سرحدات روس است شاید او خیالی بکند وبرنجد وهمچنین بسمت جنوب اگر میل بکنیم باید ازدولت روسیه مشورت بکنیم .

شما تصور نکنید که هیچ دولتی درروی زمین از بزرك وکوچك این حالت حالیه ما را دارد آیا ما یك دولت مستقله نیستیم که اختیارمحوطه مملکت خودمان‌راداشته باشیم‌وبآزادی‌بتوانیم‌حرکت‌ومصالح‌دولت خودمانرا بنظر بیاوریم .....»

با آنکه ناصرالدین‌شاه در دوره سلطنت خود از لحاظ سیاسی خبط هـای زیاد و اشتباهات جبران ناپذیری مرتکب شده ومامورین دسیسه‌باز وکارآگاه‌دوحریف نیرومند مکرر اورا فریب داده‌اند معهذا از روی انصاف باید گفت کـه او از تمام شاهان سلسله قاجاریه با اطلاع تر و بسیاست دنیا آشناتر بوده و در بسیاری از موارد رل خود را خوب بازی کرده وتوانسته است کشورایران را از خطرات ناشی از رقابت های دوهمسایه زورمند که مبارزات آنها درآنموقع به منتهای شدت خود رسیده‌بود برکنار دارد .

نمونه‌ای از دستورهای سیاسی ناصرالدین‌شاه

برای اطلاع‌ازطرزدستورهای‌سیاسی‌وچگونگی‌رفتار ناصرالدین شاه باروسها و انگلیس‌ها نمونه‌ای‌از نوشته های او را دراینجا عیناً گراور ونقل مینمایم .

در اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم که روسها در نواحی ترکستان مشغول توسعه نفوذ وپیشرفت بودند گاهی باقداماتی دست میزدند که مخالف منافع دولت ایران بود واین امر اغلب‌باعث اعتراض واختلاف میشد .

در ایام صدارت میرزا حسین‌خان سپهسالار بامذاکراتی که بین طرفین بعمل آمد قرار میشود کمیسیونی مرکب از نمایندگان دولتین ایران وروسیه تزاری تشکیل و با رسیدگی بمدارك مربوطه وبازدید محلی خطوط مرزی و سرحد بین الدولتین تعیین و به اختلافات خاتمه دهند .

مطالعات ومذاکرات این کمیسیون که در ابتدا گمان میرفت سه‌چهارماه بیشترطول نخواهد کشید قریب سه سال ادامه پیدا کرد و سرانجام در تاریخ ۲۲ محرم ۱۲۹۹ (۹ دسامبر ۱۸۸۱) معاهدهٔ بنام معاهده آخال‌و خراسان بین دولت ایران و روسیه تزاری بامضاء رسید .

بموجب این معاهده حدود ایران وروس ونواحی متعلق بآنها درطرف شرقی بحر خزر معین میشود وحق حاکمیت دولت ایران از مرو وآخال و سایر نواحی ترکستان از بین میرود .

چون بعداز امضای این معاهده دولت روسیه میتوانست به‌پیشرفت در نواحی‌مورد نظر خود واقع در قسمت شرقی بحرخزر بدون هیچ مانع ومزاحمی ادامه دهد و این موضوع مخاطراتی برای امنیت هندوستان ایجاد میکرد که بالنتیجه مخالف منظور دولت انگلستان بود موجب رنجش و عدم رضایت انگلیس‌ها میگردد وبعناوین مختلف دولت ایران را مورد سرزنش وملامت قرار میدهند .

میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله که در آنموقع سمت وزیرمختار ایران درلندن‌راداشت ودر غالب اوقات برای حفظ منافع امپراطوری بریتانیا باصطلاح دایه دلسوز تر از مادر بود راجع باین موضوع تلگراف رمزی به میرزا سعیدخان وزیرامور خارجه مخابره می نماید وعدم رضایت اولیای انگلستان را دراین باب بیان میکند .

این تلگراف ودستوری که ناصرالدین شاه بخط خود در حاشیه آن برای تهیه جواب انگلیس‌ها نوشته شده دیدنی است و عین آن در اینجا گراور میشود

ناصرالدین شاه در حاشیه تلگراف مینویسد .

«باید جواب نوشت ماچیزی بروس ندادیم شماکه انگلیس هستید در حقیقت داده‌اید اگراز اول روس را از اینهمه‌پیش‌آمدن بسمت آخال و ترکمان رسماً وقویاً مانع‌می‌شدید البته روسها میدان جولان بازی خودشان راکمتر می‌گرفتند بلکه هیچ نمی‌توانستند داخل شوند وقتیکه مثل شما دولتی قوی نتواند سدراه وخیال روسها را را بکند مابطریق اولی نمی‌توانستیم روس‌آمد آخال راگرفت ماچه می‌کردیم بعد گفت سرحد طبیعی خراسان و ترکمان را باید معلوم بکنید وقرار بدهید ماچه‌می‌کردیم اگر قبول نمیکردیم سرخیانت خودش همانطورکه‌آخال را تصرف‌کرد سرحد طبیعی ترکمان را هم با خراسان بزور تصرف میکرد آنوقت‌آیا ما بایدبا روسهاجنك‌بکنیم‌آیا شما بماامداد قشونی وپولی واسلحه میکردید بانه روس‌که آخال راگرفت‌بالطبیعه مرورا تصاحب می‌کرد ماچطورمی توانستیم بگوئیم بمرو نرو تصرف نکن یعنی اگراین ممانعت‌ها را می‌کردیم جزاینکه روس‌را باخودمان‌دشمن‌بکنیم هیچ فایده نداشت واوهم کار خود رامیکرد پس دراین صورت تقصیری به‌اولیا ایران وارد نیست وماخود باستقبال روس نرفته‌ایم واو را نیاورده‌ایم وهرگز مایل این اتفاقات نبوده‌ایم البته هروزیری بشما این‌صحبت محرمانه را کرده است همین‌جواب را بدهید وباز هم باید حالا دولت انگلیس باتفاق ایران برای سدراه روسها که از این بیشتر هم نروند بعداز این حرف زده واتفاق کرده یك فکر وتدبیری بکنند که از این بیشتر بمشکلات دچار نشوند جواب بخواهید »

[illegible]

[illegible] محمد [illegible] عرض می‌کنم می‌گویند شما در روس [illegible]

مخفف [illegible] استقلال ایران را [illegible] آنچه داشتید تسلیم روس کرده و اگر شما خواه
و ناخواه نوکر روس هستید خدا رحم کرد که هرات را به شما ندادیم اگر از هرات [illegible]
آنچه هم از سیستان به هم آخر خواهد روس خواهش شما خوب می‌توانستید خوانین را
موافق [illegible] نگاه بدارید سوء اداره شما ایران را [illegible] مخفف
شما [illegible] دیگر چه معنی خواهد داشت با این اداره شما هیچ چیز را حفظ نخواهید کرد و ایران
خاک ایران خاک روس محسوب خواهد شد [illegible] عداوت [illegible]
جلالت بیان می‌کنند و از این نتایج آینده مجسم می‌شود [illegible]
و دیگر از زندگی خود متنفر شده‌ام واضح است که در اصلاح این عقیده زحمت دادم
و زحمت آرام نمی‌دانم این حالت را چه زبان در خاکپای اقدس همایون شاهنشاهی [illegible]
[illegible] چه فرصتها از دست دادیم [illegible] ۱۳۰۱ ۱۳۲۳

ناصرالدین وقتی که‌در همین مورد باروسها مذاکره میکرد عکس این مطالب را بآنها میگفت .

در خلال مدتیکه مذاکرات سرحدی بین ایران وروس‌ادامه‌داشت بواسطه‌شایعاتی که بیشتر از ناحیه انگلیس‌ها منتشر میشد ناصرالدین‌شاه فوق‌العاده مضطرب ووحشت‌زده بود وبرای آنکه امپراطور روس این شایعات را تکذیب کند وعلاقه خود را بدوستی با ایران ابراز دارد نامه‌ای بخط خود مینویسد که بوزیر مختار روس درطهران نشان‌بدهند واز او بخواهند که مضمون آن‌را ازطرف ناصرالدین شاه بدربار پطرز بورغ تلگراف کند .

عین این‌نامه نیز که بخط ناصرالدین‌شاه‌است‌درصفحه‌مقابل گراورمیشود ـ ناصرالدین شاه‌در این نامه اینطور نوشته است .

« از اوقاتی که گفتگوی سرحدات افغان وروس در میان است واززمانیکه این‌گونه مسائل بمیان آمده است متصل دشمن‌های دولت روس خیالات وحواس اولیای دولت ایران را ازدولت روسیه مشوش میکنند و می ترسانندکه نسبت بایران وسرحدات آن خیالات وحشت انگیزدارند چون من دوستی واتحاد شخص خودم رانسبت بدولت روسیه خاصه به شخص امپراطور در اعلی درجه میدانم ووعده‌های همراهی ودوستی‌های امپراطور نیکولای اول را در سن طفولیت خودم که در ملاقات ایروان بمن داده هنوزهم در خاطر من است و همچنین وعدهای شفاهی ودوستی واتحادی که امپراطور الکسندر مرحوم در دو سفر پطربورغ بمن‌داده و همچنین خود امپراطور الکسندر ۳ در این دوسفر من‌بروسیه در حین ملاقات خود بامن بخصوص در ملاقات لندن چقدر اظهار اتحاد و دوستی دولت روس رانسبت بایران وبمن بیان فرمودند و مرا از هرجهة مطمئن ساخته‌اند دوستی و حمایت آنیه خودشان البته باوجود همه این‌وعده‌ها من چگونه میشود که حرفهای دشمن های روس را که میخواهند دولت ایران را بوحشت بیندازند باور بکنم لیکن از وزیر مختار می‌خواهم که مجدداً این بیانات مارا معجلا باتلگراف بوزارتخارجه روس اظهار بکنند که بملاحظه امپراطور برسانند وامیدوار هستم که امپراطورمجدداً آن وعده‌های دوستی‌ها وحمایت‌ها که از نیکولای اول الی‌حال ذخیره خاطردارم تجدید نمایندکه باعث خورسندی و خوشنودی شده این نوع گفتگو های سابرین را بدور بیندازیم و محل اعتنانداشیم »

قحط‌الرجال بزرگترین بدبختی ناصرالدین شاه قلت رجال وطن دوست‌و کارآزموده بود .

در تمام این مدت شاید بجز چندنفر هیچ مرد متنفذی را نمیتوانید پیدا کنید که با خارجی‌ها «بند وبستی» نداشته است .

هروزیری، هرحاکمی، هرخانی یاوابسته بسفارت روس یا سفارت انگلیس بود و اغلب هم‌باکمك یکی ازاین دو سفارتخانه روی‌کارآمده بودند وباستظهاروپشتیبانی آن دو دولت مرتکب هرخیانت وجنایتی میشدند .

ایجادکنندگان این مکتب بیگانگان‌بودندولی‌ناصرالدین‌شاه باروش غلط‌حکومت خود عامل اساسی وپرورش دهنده این اشخاص بود .

هرچند اگر مرد مجرب ومقتدری مثل میرزاتقی‌خان امیر کبیر در دستگاه سلطنت ناصری پیداشد بجرم کبر ونخوت ازصدارت‌معزول وبعد مقتول گردید ولی‌پس از آن‌همیشه ناصرالدین شاه خود از فقدان رجال ورزیده وکارآزموده متاثر بود و این تاثر او در

از ادنا تا ... لنگوی سرحد افغان و روس

در میان ... و لندن یکه این کوته مسائل بیان

کرده ... شش دشمن‌های دولت روس خدمت

... هوس اولیای دولت ایران به لندن و روسیه

مشوش کنند و تریاک نزد ... نسبت به بیون و سرحدات

الله خدمت و حفظ اینکه دلند چون ... دشمنی و تکلیف

تحقیق خصم ... نسبت نزد دولت روسیه خاصه به تحقیق امراطور

در ایام ... درجه ... دو عمده‌های ... و دشمنی

امراطور ... اول ... در بین طغولیه خصم ... در ...

امریکا ... بین ... و ... در ... و ... و ...

... و دشمنی و ... امراطور ... رحیم ... و ...

... بین ... و ... خصم امراطور ... و ...

در ... و ... در ... خصومت ... خصومت ...

... جنگ ... و ... روس ...

اغلب از نوشته‌هایش نمایان است .

چنانکه هنگام مراجعت ازسفر عتبات در سال ۱۲۸۷ درنامه‌ای بعنوان میرزاحسین خان سپهسالار (که آنوقت ملقب به مشیرالدوله و سفیر ایران در عثمانی بود) با خط خود اینطور مینویسد .

«مشیرالدوله

من در امور دولتی افکار خوب دارم که انشاءاله دولت ترقی کند وکارهای بزرك در دنیا بکند و این کارها اسباب میخواهد ازمن‌تنها هرچه باشم چه ساخته میشود ازشماها بهتر اسبابی البته نخواهد بود خدمات سابق لاحق بخصوص خدمات سفرعراق عرب ما هیچوقت فراموش‌نمی‌شودحالا رادیگر خوب است که در اسلامبول مشغول سفارت باشد باید خدمات رکابی راچندی‌متصدی باشدبخصوص‌درشعبات بزرگی که مقصود ترقی‌آنجاهاست انشاءاله قرار خدمات شمادر طهران داده خواهد شد البته دررکاب بیاید بطهران من مثل شما آدمها را ده دستی نگاه میدارم واز دست نمی دهم‌آسوده باشد .» عین این نامه در صفحه مقابل گراور شده است

ودر نامه دیگر مینویسد .

« مشیرالدوله.عرایض شما رسید گفتگوئی که باعالی پاشا کرده‌بودید در فقره معهود وقبولی عالی‌پاشاارادهٔ مارا در مسافرت نمیدانی چقدرها مایه خوشحالی شد وازطرزگفتگوی شما وغیرت و صداقت شما زیاده از حد خورسند شدم وبخصوص از این جهة زیادتراز همه چیز مشعوف‌تر هستم که یك‌نفر مثل‌شما آدمی درایران هست که دردکار را بداند غیرت دولت را بکشد وعاقل وزیرك وکاردان باشد وبفهمد چه‌میکند وچه می شنودمیداند که این قسم آدم درایران بسیار بسیار نادر و بلکه هیچ‌نیست و البته باید از وجود یکنفر از این نمونه‌نوکر خوشحال بشوم . . . . . »

ودر ذیل نامه میرزاحسین خان که از سعایت وسخن‌چینی دیگران شکایت واظهار ناراحتی میکند وبعدا عین‌آنرا درجای خود نقل خواهم کرد چنین نوشته

« از کار دانی وعقل شما بسیار بعید میدانم که این نوع خیالات بکند من نوکر خوب راکه واقعاً ظاهراً باطناً نوکر باشد وبکار خدمت امروزه دولت بخورد از همه چیز دنیا بهتر میدانم وچهاردستی او را نگاه میدارم میدانید که درایران نوکرنمانده است یکی دوتا هم‌مثل‌شما پیداشود بحرف مردمان پوچ‌بی‌معنی چطور میشود در حق او بی‌التفاتی بشود اولا هروقت مثل‌تو نوکری پیدا شد حرف او اثر دارد یقین است شما در نوکری خود حقیقتاً مثل ندارید .

ثانیاً تاامروز احدی جرئت‌سعایت از شما پیش ماندارد وبخدا قسم نشنیده‌ام . . . . . »

ناصرالدین شاه رجال دربار خودرا کاملا میشناخت‌ومیدانست که این افرادا کثراً فاسد الاخلاق ومتملق وچاپلوس هستند وکارعمده شان « دعاگوئی » و « مفتخوری » و سعایت از این وآن است ولی هیچگاه درصددتصفیه آنها برنیامد وزمینه‌ای برای تربیت رجال لایق و وطن پرست فراهم نساخت واگر کسانی‌پیداشدند که ممکن بود وجودشان منشاء اثری‌بشود بعلت سعایت اشخاص بیکاره وبواسطه‌رعب وهراسی که ازکاردانی آنها در او ایجاد میگشت ازکار برکنار واحیاناً بدیار عدم رهسپار می‌شدند .

مستر بنجامین اولین وزیر مختار امریکا درایران که‌ازسال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲هجری قمری در تهران بود درکتاب خود بنام «ایران وایرانیان » مینویسد .

« دراین اواخر در تابستان روزی اعلیحضرت شاه در عمارت ملوکانه‌سلطنت آباد دراز کشیده‌بودند در صورتیکه امنای ایشان در پائین نشسته باپادشاه وولینعمت خود بطور محرمانه صحبت‌میداشتند دراثنای صحبت شاه گفت چرا انوشیروان را عادل می‌گفتند مگرمن عادل نیستم ! احدی جسارت نمیکرد که جواب دهد چه سئوال سختی بود شاه دو باره پرسید آیا میان شما هیچکس نیست که جواب دهد باز احدی جواب نداد تااینکه سکوت اسباب ناراحتی بلکه خطرهمه گردید ـ آخرالامر حکیم‌الممالك مرك را در پیش نظر آورده بازردید وتعلل گفت قربانت شوم انوشیروان را عادل می‌گفتند برای اینکه عادل بود .

شاه ابروی خود را درهم کشید گفت آیا ناصرالدین شاه‌هم عادل نیست ! احدی‌جواب‌ندادفقط‌حکیم‌الممالك شانه‌های خود را حرکت داده دست خود را باز کرد .آنوقت شاه باکمال تغیرجواب داد ای فلان‌فلان شده‌ها من یقین دارم که اگر انوشیروان هم مثل‌شما الواط رشوه‌خوار نادرست در دور وکنار خودداشت هیچوقت ممکن‌نبود که او را عادل گویند ـ همه جواب دادند قربانت گردیم قبله عالم حقیقت را فرمودند .»

سرپرسی سایکس نیز این موضوع را با جزئی اختلافی در کتاب خود نقل کرده است .

در اغلب مجالس ومحافلی که ناصرالدین شاه باحضوررجال دربار و دولت یك‌امر سیاسی ومحرمانه راطرح میکرد چون میدانست یکدسته وابسته بسفارت انگلیس و دسته دیگر مربوط بسفارت روس هستند بگوشه وکنایه بآنها میگفت که از جاسوسی برای بیگانه‌خودداری کنندواخبار محرمانه مملکتی را بآنها ندهند ولی متاسفانه از این دستورو سفارش خود هیچوقت نتیجه نمیگرفت .

☆ ☆ ☆ ☆

مشکل دیگری که ناصرالدین شاه همیشه ازآن مینالید وآنرا مانع عمده ترقی ایران میخواند وجود علمای روحانی متعصب بود .

در این مختصر مجال بحث درباره این طبقه نیست فقط برای مزید اطلاع باید گفته شود هرچند در تاریخ ایران‌علمای دینی برای حفظ‌استقلال‌ایران در مقابل اجانب‌مبارزه‌ها کرده‌اند که پرارزش‌ترین آنها برای نمونه باید قضیه‌تحریم تنباکو راذکر کرد وهمچنین باآنکه در اغلب مواقع تنها ملجاء وپناهگاه مردم محروم ومظلوم در برابر دستگاه ظالمانه استبداد روحانیون بوده‌اند معهذا متاسفانه بواسطه بی اطلاعی از دنیا و تعصبات خشك وبی معنی ومخصوصاً بعلت فساد اخلاق وریا ودوروئی که عده زیادی ازآنها بدان مبتلی بودند سد راه اصلاحات مملکت بشمار میرفتند .

این عده باهرچیز نو وتازه‌ای مخالفت میورزیدند واختراعات واکتشافات اروپا را برای ایران مضر میشمردند وبرای رونق بازار خود مردم‌را درجهل و نادانی وخرافات نگاه میداشتند وهرگاه در نظر گرفته شود که این دسته‌تاچه حد در کلیه‌شئون مردم‌صاحب نفوذ وتاثیر بودند وتاچه اندازه در همه موارد مردم آنها را از روی ایمان وعقیده بجان ودل پیروی میکردند اهمیت‌طبقه روحانی در عقب‌ماندگی ایران خوب آشکار خواهدشد ناصرالدین شاه برای تضعیف واز بین بردن نفوذ این‌طبقه خیلی کوشید ولی در قضیه‌تحریم تنباکو تمام رشته‌هایش پنبه شد .

فساد اخلاق و خرابی تشکیلات اداری

این کتاب گنجایش شرح احوال تمام این اشخاص را نداردفقط بمناسبت مختصری از زندگی سه نفری که عامل اعطای امتیازات بخارجی ها و واگذارنده منابع ایران باجنبی بوده و باعث توسعه نفوذ آنان دراین کشور شده‌اند یعنی میرزا حسین‌خان‌سپهسالار ـ میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله ومیرزا علی اصغرخان امین‌السلطان را شرح میدهم ولی قبلا لازم است برای اطلاع از اخلاق عمومی واعمال ورفتار رجال دربار قاجار وتشکیلات اداری مملکت در آنزمان بطور کلی وچگونگی قضاوت بیگانگان در این مورد چند کلمه‌ای نیز گفتگو کنیم .

یکی از امراض خطرناك برای ملت ایران رشوه است که مانند میکرب جذام از قرنها پیش موجب فساد اخلاق هیئت حاکمه این مملکت و فرو ریختن ارکان هستی این ملت شده است .

مهمترین علت پیدایش این مرض را باید روش نکبت بار حکومت ایران‌دانست .

در دوره قاجاریه وقبل ازآن مناصب والقاب واحکام خرید وفروش میشد دراین معامله فروشنده شخص«شاه» بود وهرقدر ظالم وپولداری هم میتوانست خریدار باشد بعبارت دیگر حکومت فلان محل‌را بمزایده میگذاردند هرکس تعهد پرداخت بیشتری‌می کرد بحکومت آن محل منصوب میگشت وبعداز آن این شخص فرمانفرمای مطلق وفعال مایشاء آن ناحیه بشمار می‌رفت وباجور وظلم اموال رعایای بدبخت وپیره‌زنان مفلوك و ایتام بی‌نوا را میچاپید وبساط عیش وعشرت خود واطرافیان خویش را فراهم میساخت .

اگرگاهی هم کسی دست از جان خود می‌شست وبمرکز شکایت میکرد وبرحسب اتفاق ناله این بیچاره بسمع اولیای امور میرسید وحاکم جابر مورد بازخواست قرارمی گرفت مجازاتش پرداخت مبلغی پول اضافه‌تر به «خزانه عامره» بود ولکه هرننك و گناهی را میتوانست بادادن«پیشکشی»و«تقدیمی»پاك کند وسپس باخیال‌راحت‌بیش‌ازپیش مشغول غارت اموال مردم شده وخانواده‌ها را بخاك سیاه نشاند .

قسمت عمده عایدی دولت ایران ازاین نوع درآمدها بود وبطوریکه سرجان‌ملکم نماینده انگلستان نوشته در دوره فتحعلی شاه مقدار پیشکشی‌ها به $\frac{۲}{۵}$ بودجه کل کشور میرسیده است .

اصولا از دوره فتحعلی شاه ببعد بواسطه مخارج گزاف حرمسرا وعیاشی بی معنی شاهان مخارج دولت افزایش مییافت ـ محل مالیاتها به پرداخت «وظیفه‌دعا گویان» و « مقرری چاکران درباری » اختصاص پیدا میکرد و ناچار «شاه» مجبور شدکم کم کسری بودجه را باگرفتن پول بعناوین مختلف‌ازقبیل«تقدیمی»و «پیشکش» و«مداخل» و«سیورسات» و«عایدی» وغیره تامین نماید وروز بروز نیز دامنه این نوع در آمد را توسعه دهد . پیشکشی و تقدیمی ومداخل که در ابتدا ظاهراًفقط برای احترام وقدرشناسی کوچکتر از بزرگتر بود رفته رفته از صورت اول خارج وحکم رشوه را پیدا کرد این

عمل «شاه» گذشته از خرابی کشور وظلم وجور حکام برعایا بمضمون «الناس علی دین ملوکهم» خود سرمشقی بود برای رشوه گیری مامورین دولت .

لرد کرزن تحت عنوان «سلطنت مطلقه» راجع باختیارات «شاه» مینویسد .

«..... شاه در عمل هرچه بخواهدمی کند و گفتارش درحکم قانون است ..... ممکن است تمام وزراء افسران، کارمندان وقضات راعزل یانصب کند • زندگی ومرك تمام فامیل وخانواده سلطنتی و همچنین کلیه افراد کشوری ولشگری بدون آنکه بمحکمه‌ای مراجعه نماید بدست اوست اموال هر فردی که محکوم باعدام یا هتك حرمت میشود متعلق بشاه خواهد بود .

حق قطع حیات وسرنوشت مردم مخصوص اوودر دست اوست ولی ممکن است حکام ومامورین نیزاز طرف اودر این موارد نمایندگی داشته باشند .

تمام اموال وثروتی که سابقا یالاحقا مصادره یاخریداری شده (ودر حقیقت نمی‌توان گفت از راه مشروع بدست آمده) دراختیار اوست ومی‌تواند درراه عیاشی‌های خود بمصرف برساند •

تمام حقوق وامتیازات امور عمومی — استخراج معادن — ایجاد تلگراف ـ راههای شوسه ـ راه آهن — تراموای وغیره ودر حقیقت بهره برداری کلیه منابع کشور متعلق باوست و قبل از اینکه بدست دیگران بیفتد باید ازاوخریداری شود • قوای سه گانه حکومت یعنی مقننه ومجریه وقضائیه شخص اوست •

هیچگونه تعهدی جزرعایت ظاهری مذهب عمومی براوتحمیل نشده است • شاه محوراصلی است که دستگاه زندگی اجتماعی بدور اومی گردد .

و در جای دیگر زیر عنوان «فساد اداری نوشته »

این یك نتیجه بارز سیستم اداری ورواج پیش کش است که بشرح آن پرداختم زیرا مردان محترم برای احراز مقامات اتکائی جزعقل ودرایت مقام سلطنت ندارند • ازهماتوقت که ترقی واحراز مقام باشل بودن بند کیف بستگی یافته فساد وخرابی باید ادارات رافرا گیرد ومردان شریف ومحترم از کار کناره گیری کرده و منزوی شوند حتی اگر شخص محترمی هم بکسب مقامی توفیق یابد دسیسه‌ها ورشوه‌های نهانی حریف هرلحظه ممکن است او رااز پای درآورد واز کاربر کنارش دارد .....

من هم اکنون از کسیکه دراثر در دست داشتن قدرت این مداخل پی‌درپی وپیشکشیهای مقرر باومنتهی می گردد سخن گفتم اما کشور تنهااز ظلم وستم وحرص وطمع درباریان لطمه نمی‌بیند بلکه ازآنچه که نسبت بمردم مضایقه می کنند نیزصدمه می‌بیند . مقدارمخارج برای کارهای عامه المنفعه مثل حقوق لشگریان تاسیس کارگاههای عمومی ساختمان پلهاومرمت جاده‌ها ازطرف خزانه سلطنتی مقرر میگردداین وجوه نیزهیچوقت بمصرف حقیقی خود نمی‌رسد بلکه مقدار کمی ازآن جان بسلامت میبرد وبقیه در بین راه پخش میگردد وبجیب مسئولین امور می‌رود شاه از جریان امراطلاع ندارد وبااز کشف آن ناتوان است . دزدی واختلاس بین زیردستان او رواج کامل دارد و با فقدان نظارت و مسئولیت از طرف مقامات بالا و عدم انتقاد عمومی مراقبت در کار آنان تقریبا محال است .

وقتی حرص وآز در محیط اداری تااین حدرفته ووسیله معیشت گردیده معلوم است که سیستم موجود تاچه اندازه در قبال هررفورم واصلاح اداری مانع ورادع ایجاد می کندوآشکار می شود امیدواری ایرانیان که بدون کمك برای نجات ورهائی خودتلاش میکنند چقدرضعیف است . »

لرد کرزن «مداخل» را اینطور شرح میدهد .

«آنچه که برای حفظ مقام یا کسب جاه ومنزلت حتی بیشتراز هدیه ورشوه اثربخش ومورد علاقه ایرانیان است مداخل میباشد مداخل یعنی عوض، پاداش یافایده‌ای که برای جبران کمبود مخارج شخصی ضروراست وآن یك مطالبه جایزانه است که میلیونها صورمختلف دارد واستادی ومهارتی که در دریافت آن بکارمی‌رود دارای تنوع بیشماراست وآنرا یکی از افتخارات وموجب خرسندی میشمارند .

بنظر واتسون این کلمه مهم درزبان انگلیسی معادل دقیقی ندارد اماممکن‌است آنرابتناسب جمله‌وقرینه کمیسیون- عایدی متفرقه - عوض-برداشت-دردی‌ومنفعت ترجمه کرد . بطور کلی مداخل عبارت ازدرآمدی‌است که بصورت نقدی برای کمبود مخارج بهرصورت وعنوانی حتی‌بزور وجبر دریافت میگردد • درایران اگر هم‌دو طرف معامله که دهنده و گیرنده -رئیس ومرئوس ویادونماینده برای‌انجام‌آن‌حاضر باشند بازممکن نیست معامله‌ای بدون دخالت یك‌واسطه که مدعی دریافت حق‌العمل برای‌انجام کار می‌باشد صورت گیرد . البته ممکن است گفته شود که طبیعت بشردر همه‌جا یکسان است ویك‌روش مشابهی در همه جای دنیا درتمام ممالك بنام‌های مختلف‌رائج است وایران نیزمثل سایرجاهاست .

این سخن ازبعضی جهات درست‌است ولی‌تا آنجاکه من اطلاع‌دارم در هیچ کشوری مانند ایران این امر تابااین حدعلنی وبدون خجالت وعمومی نیست .

این‌امر تنها محدود بمعاملات تجارتی وامور استخدامی نیست بلکه درتمام شئون اجتماعی رخنه کرده‌ودر هرگونه عملی راه یافته‌است .

ممکن است گفته شود که در نتیجه این‌عمل سخاوت وکرم‌وخدمت مجانی از مبحث خصائل ملی محو گردیده و حرص و مال اندوزی بنهایت درجه رسیده ویك اصل اخلاقی شده‌است .

چون امثله وشواهد بهتراز حرفهائی‌که برسر زبانهاست میتواند بشرح مطلب پردازد بنابراین درصدد هستم که نشان بدهم چگونه عادت بگرفتن مداخل در تمام مراحل زندگی ایرانی‌ها نفوذ یافته و اجراء میگردد .»

واتسون (۱) نویسنده دیگر انگلیسی‌در کتاب تاریخ قاجاریه مینویسد .

« یکی از عادات مذموم ایرانیها موضوع مداخل است این کلمه بمسامع ایرانی بسیار خوش‌آیند میباشد مستخدمین دولت فقط بامداخل خوشحال میباشند مواجب ومقرری آنهاچندان مورد توجه نیست و فقط مداخل یك شغلی است که تمام حواس‌آنها رابطرف‌آن شغل جلب مینماید .»

بدبختانه در اغلب مواقع پیشرفتهائی که نصیب مامورین بیگانه دراین کشور شده بزور رشوه بوده است ونویسندگان آنها درکتب خود راجع باین رویه زشت و نا پسند داستانها نوشته‌اند .

جان ویلیام کی (۲) نویسنده انگلیسی کتاب (تاریخ جنك های افغانستان) درباره ماموریت سرجان ملکم نماینده انگلستان در دربار فتحعلی شاه مینویسد .

«ملکم ماموریت داشت ازدوطریق باایران وارد مذاکره شود اول اینکه سالی سه‌یا چهار لك روپیه برای مدت سه‌سال بدولت ایران بدهد طریق دوم‌بادادن رشوه بشاه ووزراء اوآنها را باخیالات خود همراه گرداند. ملکم طریق اخیر را اتخاذ نموده درکیسه پول راباز کرد وبمقصود خویش نائل شد - هراشکالی در تحت تاثیر و لمس طلای انگلیس بطور معجزه مانندی از میان برداشته میشد »

ودرجای دیگر راجع بموفقیت‌های مامور دیگر انگلیسی بنام سرهارفورد جونس (۳) مینویسد .

« موفقیت‌های سرهارفوردجونس تماما بوسیله رشوه بودچونکه درآن اوقات بدون رشوه غیر ممکن بود موفقیت حاصل شود حتی تمام قضایای سیاسی درایران فقط بوسیله طلاقطع وفصل میشد - هرگاه یکی‌از عمال دولت فرانسه باید اخراج شود قیمت اخراج اودرست مثل تعیین قیمت یك‌اسب خریداری‌است . ایران مملکتی است که درآن بدون صرف پول زیاد نمی‌توان یك‌قدم برداشت .»

---

1 - Watson 2 - J . W . Kaye 3 - Sir Harford Jones

ژنرال تره زل (۱) فرانسوی مینویسد .

«عیب کلی اعیان ایران که برطرف کردن آن مشکل مینماید حرص ایشان است پول در این مملکت معبود ملی‌است بهترین طرح‌ها اگر اندك معارضه بامنفعت فلان وزیرداشته باشد زیرپا میرود .»

متاسفانه همانطور که گفته شد بواسطه شیوع این مرض بین هیئت حاکمه ایران نویسندگان خارجی مطالب زیادی در این باب نوشته ونسبت‌های ناروائی به ملت محروم وبدبخت ایران وارد ساخته‌اند ـ البته حاجت بتوضیح نیست که منظور نویسندگان خودی وبیگانه از کلمه «ایرانی» همان هیئت حاکمه وآن عده‌معدود نادرست که همیشه در کارها دخیل وواسطه بوده‌اند میباشد زیرا در این بده وبستانها آنچه که بحساب نمی‌آمده همان توده ملت ایران بوده است .

در خاتمه این بحث بی مناسبت نیست چند مقاله از چند روزنامه مختلف اروپائی که در زمان ناصرالدین شاه بچاپ رسیده در اینجا نقل کنم تاخوانندگان این کتاب به ماهیت حکومت ایران در آندوره بهتر آشنا شده ونحوه قضاوت بیگانگان وافکار آنان را در باره ایرانی بدانند وبه‌بینند اروپائی‌ها مارا چگونه می شناختند وبرای مطامع پلید دولت های ظالم و استعماری خود در دنیا چطور معرفی میکردند .

ترجمه مقالات روزنامه‌های مزبور که در اینجا یادر قسمت‌های دیگر این کتاب‌نقل میگردد توسط مامورین ایران در اروپا تهیه ودر همان زمان بتهران فرستاده شده است من متن آن ترجمه را با عبارات همان روز یامختصری تغییری که معنی آن بهتر مفهوم شود در اینجا میآورم .

روزنامه روسی «نوی وریمیا» (عصر جدید) چاپ پطرزبورغ‌در شماره مورخه۲۷ نوامبر سال ۱۸۸۸ ضمن مقاله‌ای راجع بایران مینویسد .

«از اخبار نگار طهران در باب‌امورات ایران کاغذ بافائدهٔ رسیده اول کاغذ درخصوص امور سلطنت وامنای دولت وطبیعت وحالت آنها عنوان می کند که دروغ گوئی ایشان‌همیشه دراول مسئله است درنهایت بیشرمی بااهل اروپ دروغ می گویند بطوریکه طبیعت ازدروغ آنها منزجر میشودواسم‌آنرا دیپلمات گذاشته‌اند . یك‌وقتی‌یکی از دیپلومات های انگلیسی بوزیر بزرك ایران میرزا آقاخان عارض شدکه بهیچوجه نمیتوان بحرف شما اطمینان حاصل کرد ایشان جواب دادند شمااین مسئله را بدانید هرچه من میگویم کذب صرف است مگر وقتی که می نویسم تخلف ندارد آنهم نه‌همه وقت ولی‌حسن وخوبی‌شان این‌است وقتی که به‌آنها میگویند تودروغ میگوئی وگول میزنی ودر مقابل باآنها دعوا میکنی و سخت میگوئی نمی رنجند و همه اهل ایران در نهایت بی‌باکی دروغ میگویند .

با وجود اینکه حالت ایرانیها را دیپلوماتهای روس میدانستند که دروغ میگویند ملاحظه طرفین‌راکرده بطور خوش در امورات دولتی محض‌اخذ منفعت خودشان در مقابل انگلیس ها به دیپلومات ایران اصرار نکرده سلوك ورفتار مینمودند اگرچه خیلی‌وقت‌است آنهااز این مقدمه منفعت میبردند ولی کارشان را بانجام نرسانیدند بجهة اینکه دولت انگلیس نخواست مبلغ گزافی ازبابت پیشکش آماده کند .....»

روزنامه دیگرروسی بنام (هرولد) که بزبان اطریشی‌در پطرزبورغ‌بچاپ میرسیده در یکی از شماره های همان سال خود تحت عنوان «وضع جدید پولتیك ایران بادولتین انگلیس وروس» مینویسد .

«نه تنها وزراء ایران بلکه کلیة جمیع اهالی این مملکت اگرچه در سرهرمطلب قسمی یاد میکنند با وجود این براستگوئی وصداقت اعتنائی نداشته بگفته شاعر مشهور سعدی دروغ مصلحت آمیز به‌از راست فتنه

---

[1] ـ Trézel

انگیز است عمل مینمایند .

یکوقتی معمول این‌قول سعدی درمیان یکنفر دیپلومات انگلیسی ووزیر اول ایران اتفاق افتاده بود و دیپلوماط مزبور ازعدم تحقق حرفهای وزیرمزبور بخودش شکایت کرده بود وزیردر جواب گفته بود که قاعده کلیه دردست شما باشد من هرچه میگویم دروغ است و آنچه مینویسم شاید راست باشد ولی نه همیشه.

وزیر مزبور میرزا آقاخان صدراعظم بود که خود ایرانیها هم‌بدروغگوئی او معتقد واورا فضول مینامیدند وحالاهم اکثررجال دولت ایران اورا سرمشق خود قرار میدهند .

در ایران فضول کسی رامیگویند که از برای جلب منفعت ومداخل بامردمان متناقض و ضدهم راه و دوستی داشته وبدانواسطه ضدیت ازهردوطرف مداخل‌نماید فضول عبارت‌از شخص بی‌انصاف ورذلی‌است که درمقابل روسا وبزرگان که زورشان ازاو بیشتراست خود را بخاك میمالد ولی بازیردستان خود مغرورومتکبر وخودپسندانه رفتار میکند وبقاعده مالوفه خود همیشه دروغ میگوید واز دهنش قول راست در نمی‌آید مگروقتی که حرف دروغ را فراموش کرده باشد وبااینکه بهره وصرفه راستگوئی تفوق برمنفعت دروغگوئی داشته باشد وغالبا بـه دروغهای خود از اشعار سعدی وفردوسی شاهد وتصدیق می‌آورد تادر نظرمردم مثل حرف‌راست جلوه نماید واز وزیر گرفته تا قراش بکار همه میخورد و درسر هر کلمه قسمی یاد میکند تا همه باورش کنند و وقتی کـه دروغ او را گرفتند بدون خجالت و انفعال بدروغگوئی خود اعتراف کرده و می گوید که خوردم

در زبان فارسی با آنهمه وسعتی که دارد با وجود آن برای کلمات ذیل لغت مناسبی وجود ندارد .

شرف ـ عرض — ناموس ـ عصمت وعفت ـ نادم‌شدن ـ حق شناسی ـ وجدان

معانی این کلمات درفرنگستان هم کم کم از میان برداشته میشودنبودن لغات مزبوره در زبان ایران‌دلیل است براینکه ایرانیها ازمعانی‌آنها بکلی بی‌اطلاع هستند .

ایرانیها طالبند باآنها باوضع خودشان رفتار شود یعنی به‌آنها هم دروغ بگویند وچاپ بزنند وقتی که یکنفر ایرانی را در دروغ گفتن گرفتند باخنده بدروغگوئی خود اعتراف میکند وخجالت هم نمیکشد زیرا کـه باقانون تقابل ومعارضه بمثل یکنوع حقی درخود بدروغ گفتن میداند در عوض پول قلب سکه قلب میدهد ونه خود را فریب دهنده‌میداند ونه دیگری رامغبون . بیانات فوق رابرای دیپلوماتهای خودمان که درایران‌هستند قبل ازآنکه از پولطیك ایران شرح دهم نوشتم تااینکه درفرنگستان اظهار تعجب نکنند از اینکه وزیر ایران یا شاه‌ایران بعد ازاینکه بموجب سندمعنی به‌چیزی تعهد کندمیتواند عکس‌او راکرده ودیپلوماط اروپائی راگول بزند در اینصورت دیپلوماط اروپائی هرقدر باقراست وبااحتیاط باشد بازدرایران باوجودفراهم بودن اسباب‌پیشرفت کار خود نمیتواند بمقاصد خود برسد اگر طرف مقابل اومحیل وموشکاف بوده وکیسه بزرك پرازطلا در بانکی که همان جاست وازآنجا بوزرای ایران پیشکش‌های زیاد میفرستد داشته باشد .

بتوسط پول که جان وروح دیپلماسی است درتمام ایران ازفراش گرفته تا وزیر اول میتوان همه چیز راکرددراینصورت‌در پیشرفت امورمقاصددیپلوماتهائیکه هم پول دارندوهم حیله شکی‌نمیتواندباشدبخصوص که غیراز پول‌و حیله تقویتی هم ازجانب دولت در حق آنها بشود ـ این امتیاز تقویت را وزیر مختار انگلیس در طهران از طرف دولت خود درکمال درجه‌داراست .

دیپلوماتهای روسی درایران که تاحال درامورات محوله خود پیشرفتی نداشتند ازاین بابت بود که بامور دولتی اقدامات کرده ودرامور داخله ایران مداخله نداشتند ولی‌بعکس انگلیس‌ها همیشه درخیال مداخله‌بکارها داخله درایران بودند وبمقصود خودشان رسیدند .

در عهد وزیر مختاری راولینسون دولت انگلیس وجهی راکه مشارالیه برای حصول نتایج اقدامات خـود

میخواست نمیداد وبعداز احضار وزیرمختار مزبور دوطومسون ولینکولسون بطهران مامور شدند ولی‌از ماموریت آنها هم ثمری درمقابل پولطیك جوانمردانه روس که سد محکمی بودحاصل نشد تااینکه ولف مامور شد وباوضع‌جدید خود بطهران رسیدهرگاه نگاه بکنند معنی جوانمردانه راکه من بپولطیك روس صفت‌قراردادم از نیکیهای دولت روس که درعرض پنجاه سال‌آخر درحق ایرانیهاکرده است خوب میفهمند — دولت‌روسیه نه‌اینکه تنها در جنك سال ۱۸۳۷ که ایران باافاغنه‌کرد بایران قولاوفعلا کمك‌کرد بلکه درسال۱۸۵۷ وقتی‌که انگلیسهامیخواستند وسط مملکت رابواسطه خلیج‌ایران متصرف شوند ایران را ازدست وتصرف انگلیس‌ها خلاصی‌داد واز خیوه هزار تاهزارتا اسرای ایرانی‌گرفت وباوطان خود فرستاد وتبریز را در سال ۱۸۸۰ از حمله وهجوم‌اکراد بتوسط‌جماعت قشونی که در سرحد جلفا داشت حفظ کرد و بموجب عهدنامه سان اسطفانو محال قطور را از عثمانی ها برای ایران‌گرفت .....»

بعد شرحی راجع بکمك روسها بایران در باره تصرف کوك‌تپه و جلوگیری از تراکمه وعدم دخالت در امورایران ودخالت انگیس‌ها واینکه به سردرومونددولف وزیر مختار انگلیس وعده سفارت استانبول را دادند بشرط اینکه بطهران رفته سیاست روسها را از بین ببرد وایران نباید گول انگلیسها را بخورد نوشته است .

روزنامه انگلیسی (وسترن‌پرس) چاپ شهرپریستول درتاریخ ۵ دسامبر ۱۸۹٤ ضمن مقاله‌ای راجع بازدیاد نفوذ روسها در ایران پس‌از اشاره‌باینکه این وضع قابل‌دوام نبوده دیر یازود قراردادی‌برای تقسیم ایران مثل کشور لهستان که بین همسایگان خود قسمت شده بین روس وانگلیس منعقد میگردد نوشته‌است .

« پادشاه ایران بهیچوجه پادشاه بی‌توجه وملاحظه‌ای نیست ولی‌مثل اکثرمامورین ایران از مسائلی‌که بفواید شخصی برمیخورد احتیاط دارد واگر بداندکه ازکمك‌های انگلیس در جاده ترقی فوایدی حاصل است اجتنابی نخواهد داشت .

درایران ازبزرك تاکوچك یك ممردرآمد خود را پیشکش و تعارف میدانند تااین رسم در میان است طبقات مختلف بهم اعتنائی ندارند وبیکدیگراعتماد نمیکنندوکار مملکت مختل‌میماند .»

ناصرالدین شاه بعد ازنیم قرن سلطنت درتاریخ جمعه هفده ماه ذی‌القعده ۱۳۱۳ هجری قمری درحرم حضرت عبدالعظیم بضرب‌گلوله میرزا رضا کرمانی درسن ٦۷سالگی بقتل رسید .

میرزا رضا درباز پرسی علت اقدام باینکار را بواسطه خرابی کشور وظلم وجور حکام وشیوع فساد وبالاخره وجود هیئت حاکمه خائن بیان میکند و از اینکه امتیازات زیادی بخارجی‌هاداده شده ومملکت «مسلمانها بدست اجنبی» خواهدافتاد نگرانی داشته ومعتقد بوده است پادشاهی که پنجاه سال‌سلطنت کرده ونتیجه‌کارش خرابی وتباهی کشور ورجال مکتبش یك عده اراذل واوباش باشد باید ازبین برود ومیگوید «چنین شجر را باید قطع کردکه دیگر این نوع ثمر ندهد . »

مظفرالدین شاه مردضعیف‌النفس

بهرحال ناصرالدین شاه کشوری‌که تا«مغز استخوان» آنرافساد گرفته وهرقسمتش بعنوان امتیاز دراختیار اجانب بود بایك‌مشت رجال طماع وبی‌اطلاع وخائن بجانشین خود یعنی مظفر الدین

شاه سپرد .

مظفر الدین شاه نه تنها جربزه وسیاست پدررا نداشت بلکه مردی ساده لوح و ضعیف النفس وبی‌اطلاع ومتلون بودواغلب اوقاتش به خواندن نماز هزار قل‌هوالله وشنیدن ذکر مصائب ائمه دین و گریه کردن میگذشت .

این «شاه» باگرو گذاردن گمرکات مملکت وفروختن بقیه‌منابع حیاتی کشور باجانب وامهای کمر شکن ازبیگانگان گرفت ومانند پدرش سه سفر باروپا رفت .

حرکات کودکانه « شاه » ودرباریانش در اروپا مورد تمسخر اروپائیان و باعث آبرو ریزی ایران بود . بی حالی این مرد موجب سرکشی حکام وشدت ظلم وجور و خرابی کشور شد .

مرحوم سید محمد طباطبائی درهنگام نهضت مشروطیت ایران درنامه‌ای بمظفر ـ الدین شاه چنین مینویسد .

«..... اعلیحضرتا مملکت خراب رعیت پریشان وگدا دست تعدی حکام ومامورین برمال وعرض وجان رعیت دراز ظلم حکام ومامورین اندازه ندارد ازمال رعیت هرقدر میلشان اقتضاکند میبرند قوه غضب و شهوتشان بهرچه میل‌وحکم کند اززدن و کشتن وناقص کردن اطاعت میکنند این‌عمارت ومبلغها وجوهات واملاك در اندك زمان ازکجا تحصیل شده تمام مال رعیت بیچاره است این ثروت همان فقرای بی‌مکنت‌اند که اعلیحضرت بر حالشان مطلعید دراندك زمان از مال رعیت صاحب مکنت وثروت شدند پارسال دخترهای قوچانی را در عوض‌سه ری گندم مالیات که نداشتند بدهند گرفته بترکمانهاوارامنه عشق‌آباد بقیمت گزاف فروختند ده‌هزار رعیت‌قوچانی از ظلم بخاك روس فرارکردند هزارها رعیت ایران ازظلم حکام ومامورین بممالك خارجه هجرت کرده به‌حمالی وفعلگی گذران میکنند ودر ذلت‌وخواری میمیرند بیان‌حال این‌مردم را ازظلم ظلمه باین مختصر عریضه ممکن نیست‌ـتمام این قضایا را از اعلیحضرت مخفی می‌کنند ونمی‌گذارند اعلیحضرت مطلع شده درمقام چاره بر آید حالت حالیه این‌مملکت اگر اصلاح نشود عنقریب این مملکت جزء ممالك خارجه خواهد شد البته اعلیحضرت راضی نمی شود در تواریخ نوشته شود در عهد همایونی ایران بباد رفت اسلام ضعیف و مسلمین ذلیل‌شدند .....»

ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان راجع بمظفر الدین شاه‌مینویسد.

« این پادشاه زایدالوصف ساده لوح سهل‌القبول متلون‌المزاج مسخره و مضحکه‌پسند خلوت وباشرم‌حضور بوده امور سلطنت بامیل عمله‌جات خلوت باوزراء خود غرض اداره میشد .

خلوتیان پادشاه گویا ازپست فطرتان وپست نژادان وبی‌تربیت وبداخلاقان انتخاب شده بود واز اینرو وضع دربار ملاعبه بود پادشاه شخصا باآنهمه تعلیم وتربیت دارای هیچ علم‌نبود واز اطلاعات سیاسی وتاریخی وغیره که لازمه جهانداری است بی‌بهره بود وازاین روم‌آل بینی وعاقبت‌اندیشی حتی برای خود واخلاف خویش هم بخاطرش خطور نمی‌کرد ـ چون این پادشاه راشخصا قوه متصرفه در مهام امور جمهور نبود اگر وزیری کاردان کافی اورا دچار میشد وخلوت اورا صاف وپاك میکرد رشته‌امور باین‌قسمها ازهم‌نمیگسیخت .

در عهد این پادشاه در هیچ شعبهٔ از شعبات دولتی وملکی اصلاحی نشده بلکه نسبت بایام پدرش تمام خرابتر گردید حکومات علانیه حراج ومناصب‌والقاب ومناشیروفرامین بدست کهنه فروشان داخله وخارجه‌آشکارا بمعرض بیع میرسید اعتبار دستخط وفرامین دولتی یکدفعه زایل گردید .

یکی ازمورخین در توصیف این‌پادشاه چنین نویسد (آنچه را بر زبان میگفت کله‌اش خبر نمیشد) خیلی مایل بتقلید ازپدر بوده ولی‌آنماده و جودت رانداشت یك‌سفرنامه هم نوشت ـ بتعزیه‌داری راغب معلوم

میشد در فن توپچیگری بی‌مهارت نبود اگرچه مانند جدش محمدشاه موهوم‌پرست نبود ولی دماغش مانند پدر از خرافات صاف وپاك نبودی شوق بسیار بگریه داشت وحکایات غریبه دراین‌باب ذکر مینمایند .

این پادشاه خیلی بذال ومنتها درجه جبان بوده ازاغتصاب اموال رجال ومتمولین مملکت وقتل نفس بر خلاف پدر اجتناب مینمود جبنیت پادشاه عاقبت‌بحال ایران مفید واقع گردید که بیك جنبش مشروطه سلطنت را تسلیم نمود .....»

۲

میرزا حسین خان مشیر الدوله

سپهسالار اعظم

یکی از اشخاصیکه در تاریخ اخیر ایران سهم عمده‌ای را داشته ومتأسفانه در باره زندگی واعمال او بحث وتحقیقات صحیحی نشده میرزا حسین‌خان سپهسالار است .

میرزا حسین خان سپهسالار

این عکس از روی تابلوی نقاشی کار کمال الملک متعلق بمدرسه عالی سپهسالار تهیه شده است

بدبختانه بواسطه کارهائی که مرحوم میرزا حسین‌خان از حیث اوضاع داخلی کشور ازجهتی واز نظر سیاست خارجی از جهت دیگر انجام داده و بیشتر آنها تاکنون تاریك و مبهم مانده خیلی مشکل است بتوان در باره رفتار و اعمالش قضاوت عادلانه ای نمود .

میرزا حسین خان فرزند «میرزا نبی خان مازندرانی الاصل مشهور بقزوینی امیر دیوان» محمد شاه میباشد .

میرزا حسین خان پس از تحصیلات مقدماتی بواسطه هوش و ذکاوت و استعداد فوق‌العاده‌ای که داشت در اندك مدتی زبان فرانسه و علوم متداوله آن زمان را فراگرفته وسپس مدت کمی برای تکمیل تحصیلات عالیه باروپا رفت ودرباز گشت وارد خدمت وزارت امور خارجه شد .

در سال ۱۲۶۷ هجری قمری امیر کبیر ـ میرزا حسینخان را بسمت کار پرداز ایران درهند انتخاب وروانه بمبئی نمود .

میرزا حسینخان‌دراین مأموریت ازخود کفایت وشایستگی ابراز کرده خدمات‌مهمی انجام داد ودرضمن بواسطه تماسی که بامأمورین انگلیس مقیم هندوستان ومخصوصاً آقا خان محلاتی داشت ازاین سفر تجربیات ومطالعات زیادی‌اندوخت و گفته میشود که‌ترقیات آتی سپهسالار ازهمینجا شروع میگردد .

درسال ۱۲۷۱ قمری میرزا حسینخان سر کنسول‌ایران مأمور تفلیس وبالاخره‌در سال ۱۲۷۹ باسمت وزیرمختاری عازم استانبول شد .

میرزاحسین خان‌دراستانبول باخدماتی که انجام داد بیش ازپیش توجه ناصرالدین شاه‌رابخود جلب‌نمود وباحسن کفایت‌ودرایتی که ازاو بظهورمیرسید معلوم بود که بزودی منصب بزرگی‌را دردستگاه دولت احراز خواهد کرد

توجه ناصرالدین‌شاه به سپهسالار

میرزا حسین خان که‌ازسال ۱۲۸۵ملقب به مشیر الدوله شده‌بود درمأموریت های خارج همیشه باارسال گزارشهای جامع و مفید نظر اولیای دولت را بخود جلب میکرد مخصوصاً درماموریت استانبول که آنوقت بزرگترین ومهمترین نمایندگیهای ایران بشمار میرفت باهر پستی که بطرف تهران روانه میشد شرح مفصلی ازترقیات اروپا و پیشرفت‌های کشور های غرب برای ناصر الدین شاه مینوشت و لزوم آوردن کشفیات و اختراعات اروپائیان‌را مثل تلگراف وراه آهن وکارخانجات وغیره بایران باو خاطر نشان میساخت

ناصرالدین شاه هرچه وصف ترقیات‌واختراعات مردم اروپارا میشنید میل‌ورغبتش بدیدن تمدن اروپائی وآوردن اختراعات آنها بایران بیشتر میشد .

ناصرالدین‌شاه وقتی‌میدید بعد ازمیرزا تقی‌خان امیر کبیر دربین مأمورین ایرانی وکارکنان دولت یکنفر متجدد وروشنفکر وترقیخواه پیدا شده وباعزم وتصمیم راههای عملی وساده برای اصلاح امور ایران وپیشرفت درجاده ترقیات اروپارا نشان میدهدواقعاً از«ته دل» خوشحال میشد .

ناصر الدین شاه وقتی موانع کار را به سپهسالار مینوشت و باو میگفت که اوهم « افکار خوب » دارد ولی «این کارها اسباب میخواهد ازمن تنها هر چه باشم چه‌ساخته میشود» میرزا حسین خان طوری وانمود میکرد که‌تنها اومیتواند « افکار شاه » را اجرا کند .

در همین موقع فرصت خوبی برای سپهسالار پیدا میشود که باکاردانی و ابراز کفایت توجه «شاه» را بیش ازپیش بخود جلب کند و آن تحصیل موافقت دولت عثمانی مبنی براجازه مسافرت ناصرالدین شاه‌به عتبات بود

ناصرالدین شاه درماه جمادی‌الثانی سال ۱۲۸۷ هجری قمری برای زیارت عتبات بعراق عرب مسافرت میکند .

قبل ازمسافرت بعراق عرب که درآن وقت جزء خاك عثمانی بود میبایست موافقت دولت مزبور تحصیل شود . دولت عثمانی ابتدا بواسطه کثرت افراد شیعه درعراق و علل سیاسی بامسافرت ناصرالدین‌شاه موافقت نمیکرد .

ناصرالدین شاه که علاقه زیادی باین سفر نشان میداد و بقول خودش هنگام ناخوشی نذر کرده بود که بزیارت قبور ائمه بـرود جـدا مصمم باین مسافـرت بود واز سپهسالار میخواست که بهر ترتیبی هست موافقت دولت عثمانی را جلب کند وباو وعـده میداد که تلافی این خدمت‌را «باالتفاتهای گوناگون خواهیم فرمود .»

بالاخره سپهسالار بازیرکی و کاردانی موافقت سلطان عثمانی راکه ظاهراً بعید بنظر میرسید تحصیل میکند وناصرالدین درنهایت احترام بعتبات میرود .

برای مزید اطلاع چند نامه ای راکه ناصرالدین شاه بخط خود در این باره بـه سپهسالار (که آنوقت ملقب به مشیر الدوله ووزیر مختار ایران دراستانبول بود) نوشته وضمناً خالی ازتفریح نیست ذیلا نقل مینمایم تاعلاقه وذوق‌وشوق ناصرالدین شاه باین‌سفر واهمیت خدمت‌سپهسالاردرنظر اوبهتر روشن شود .

« وزیر مختار.تفصیل کتابچه مانندی که وزیر خارجه نوشته‌است ملاحظه خواهید کرد همه تقریرات من است که نوشته شده‌است اگرچه این‌نوشته بنظرشما وهرکه بشنود دراول مرحله بسیار بسیار غریب و عجیب خواهد آمد اما امور دنیا حالا ازغرابت وتعجب گذشته است هرکارصعب آسان شده‌است چنانچه ملاحظه میشود در فرنگستان اولا در این ناخوشی گذشته مکرر در عالم رویادیدم که بزیارت قبور ائمه اطهار علیه السلام مشرف شده‌ام وبعداز دیدن این‌خواب‌های مکرر نذرکرده‌ام که هرطوراست بزیارت مشرف بشوم واین نذر و آرزو دردل نماند انشاءالله ثانیا چنانچه میدانی همیشه سفر فرنگستان در نظرمن هست که کرده باشم امابهترآن دانستم که‌اول سفری که بخارجه میشود زیارت قبور ائمه باشد که ظاهرا باطناً دردنیا و آخرت برای من خوب باشد

ثالثاً افتخاری برای من در سلطنت باشد که بزیارت مشرف شدم

رابعاً افتتاحی باشد برای سفرفرنگستان که نظرها کم کم برشود حال‌انجام این اراده بسته به فطانت و کیاست وزرنگی شماست که بهرطور وهرلباس باشد بگنجانید وسلطان و اولیای دولت عثمانلو مضایقه از قبول این خواهش من نکنند چراکه بهیچ‌وجه اسباب وجهة ندارد که رداین خواهش مراکه منحصر و مختص‌بزیارت وعبادت واجر اخروی است بعمل‌آورند .

چه ضرر دارد دوماهی مارا در خاك خودشان مهمان کنند واگر بشود خود سلطان هم بسرکشی ممالك اینطرف خودشان تشریف بیاورند و ملاقاتی هم‌اتفاق افتد چقدرها خوب است و باعث ازدیاد دوستی طرفین خواهد شد .

اگر مدینه منوره یامکه معظمه درخاك من واقع میشد سلطان خواهش مهمان نوازی ازمن میکردنـد برای استدراك زیارت من‌درکمال شعف وسرور همچه‌مهمان عزیزی را قبول میکردم سهل‌است کمال ممنونیت‌را حاصل میکردم که پادشاهی بخاك من می‌آید ومهمان من میشود .

حال که من این تمنارا ازسلطان دارم باید بدون مضایقه قبول کنند وهرشرطی هم دراین فقره برای نظم سرحد و مملکت عراق عرب را بخواهند البته شماقبول بکنید چرا که هیچ منظوری و مقصودی بجز درك زیارت نیست .

عدد ملتزمین رکاب یا قراول مخصوص کمتر از هزار سرباز نمی‌تواند باشد ششصد هفتصد سوار خاصه از سپاهی همین‌است وبس دیگر ..... شاطر عمله تفنگدار بعضی از شاهزادگان وغیره معلوم است بقدر اندازه والده وحرم‌خانه کلا وانشاءالله تعالی درکمال خوبی و خوشی مذاکره بکنید وقرار انجام این فقره را البته البته‌بدهید

متوجه شما خبر صحیح که در فکر تلگراف بشیم برای اول ضرب حرکت آینده از طهران حرکت شود انشاءالله و باین
قیمت عظمی برسیم زیاده چه نویسم که زیاده از حد منتظر این خبر هستم ۸۶.

عین این نامه ذیلا گراور شده است

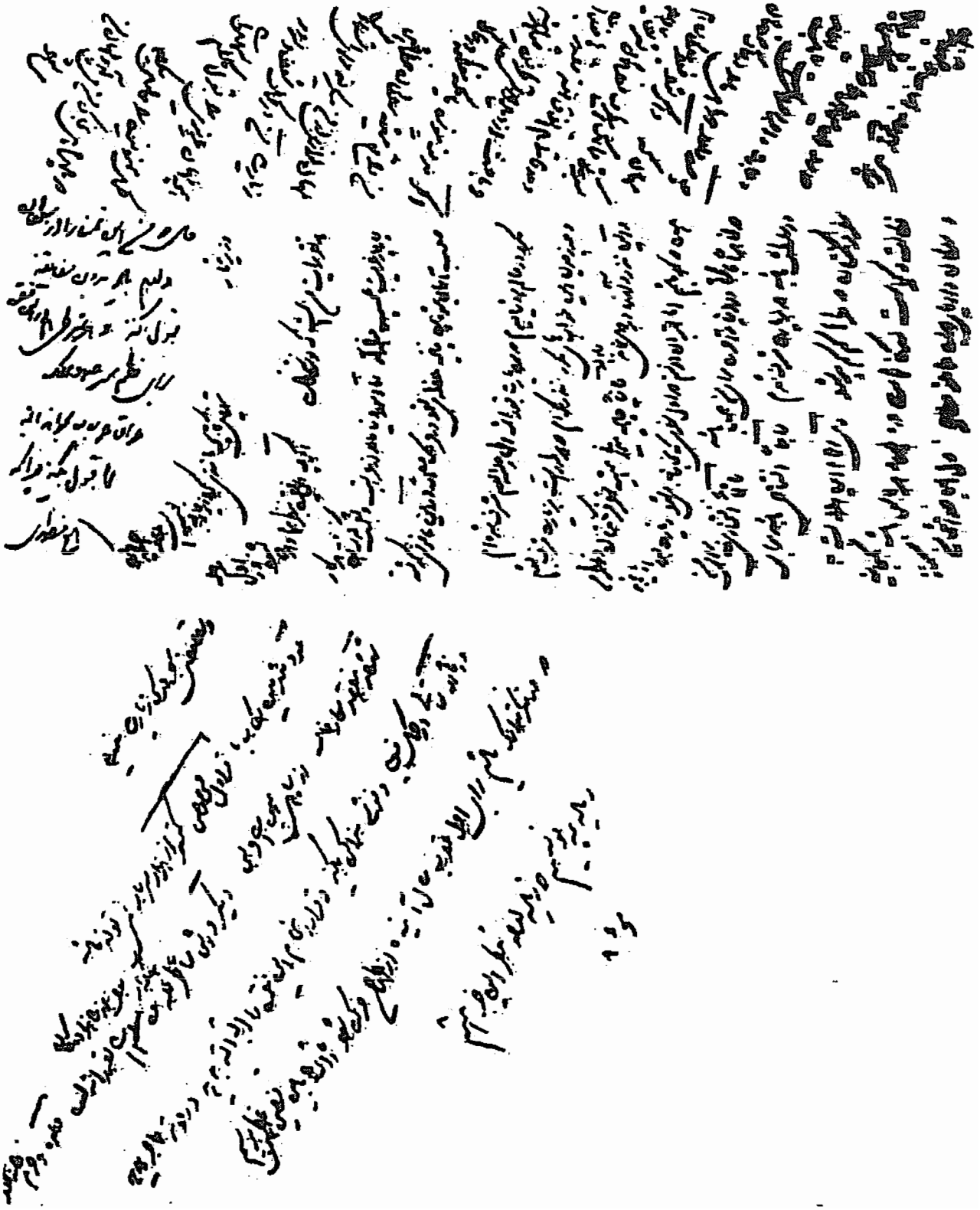

«مشیرالدوله. عرایض شمارا چاپارآورد همه را بدقت خاندم (کذا) وآنچه نوشته بودید فهمیدم انشاءالله بهمانطورها عمل خواهد شد وچاپار را حالا بتعجیل روانه میداریم جوابهای مطالب شما را هم وزیر خارجه نوشته است ملاحظه خواهید کرد ازخدمات شما انقدر راضی وخوشنود هستیم که بوصف نمی‌آید انشاءالله چنانچه مکرر هم نوشته ووعده داده‌ام تلافی خدمات شمارا بالتفات های گوناگون خواهیم فرمود ۸۷»

در نامه دیگر مینویسد .

«محرمانه وشوخیتا مینویسم .

توبآن ترکیب زیارت مکه معظمه ومدینه منوره عتبات نجف وغیره وغیره یکنی مایلید از این فیض محروم باشیم برای‌چه کلاهت را قاضی بکن وسلطان را راضی انشاءالله این کار را بکنی بخدا قسم بجان ائمه علیه‌السلام قسم‌است آنچه بخواهی که ممکن باشد درحق توالتفات خواهم کرد که بهیچ نوکری نشده باشدالبته اصرار کن ابرام کن دلیلی ندارد که مقبول نشود اگر دعوت واجازه نشود لابدآیاید استعفا بکنم وبزیارت بروم او را هم‌البته توبباید راضی بشوی زیاده چه تاکید شود میدانی که هیچ خیال پلوطیك در این فقره نیست اگر بود اول توبباید میدانستی صاف وپاك محض زیارت است وکار تازه بامزمایست چه عیب دارد پلوطیکان قسم نکرده دلیل نمی‌شود که من نکنم .» عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است

و در نامه دیگر چنین نوشته .

« مشیرالدوله . عرایض شما رسید گفتگوئی که باعالی پاشا کرده بودید درفقره معهود وقبول عالی یلتا اراده مارا در مسافرت نمی‌دانی چقدرها مایه خوشحالی ماشد واز طرز گفتگوی شما وغیرت وصداقت شما زیاده از حد خورسند شدم وبخصوص از این جهة زیادتر از همه چیز مشعوف‌ترهستم که یکنفر مثل شماآدمی در ایران هست که درد کار را بداند وغیرت دولت را بکشد وعاقل و زیرك و کاردان باشد وبفهمد چه میکند وچه می شود میداند که این قسم آدم درایران بسیار بسیار نادر بلکه هیچ نیست والبته بایدازوجود یکنفراز این نمونه نوکر خوشحال بشوم .

همانطور که مصلحت دانسته بودید فردای ورود عرایض‌شما ناظم‌افندی را خواستم وهمانطورها اظهار کردم ورضامندی ازعالی‌پاشا وغیره وگفتم بنویسد و تلگراف بکند و از وزارت خارجه هم گفتم در این فقره بشما تلگراف شد انشاءالله امیدوار هستم بعداز انجام این مقصود التفاتی که لایق اجرای این اراده مایلند بشما بشود همانطور که نوشته بودید بازدرکتمان این‌امر ودر سر نگاهداشتن این اراده اهتمام تمام شده ومیشود اما هر چه نزدیکتر بفصل ومقصود میشود دیگر نمیتوان در سرآن کوشید بحسب ضرورت‌واجرای یعنی تعارف و کارهای لازم این سفرواراده باید آشکار وابراز شود من‌مترصد این هستم که هر وقت ازشما در افشا و ابراز این فقره بیا تلگراف بشود آشکار بکنم بعداز رسیدن این دستخط هروقت درست اطمینان حاصل کرد و موقع دانست البته بتوسط تلگراف بعرض برسانند که وقت افشای این سر شده است ومن منتظر این تلگراف شماهستم دیگرفقره که‌واجب ولازم است فقره‌آذوقه وسیورسات دواب دیوان است‌در خاك عراق‌عرب که درذهاب وایاب درخاکشمالی دوماه در زیارتگاهها وعرض‌راه وغیره طول‌اقامت خواهد شد وسیورسات یکروزه این همه دواب از اسب و قاطر وشتر روزی دویست سیصد خروار ازکاه وبونجه خشك وگندم وجو خواهد شد باید این غله و کاه را دولت عثمانی در منازل وزیارت‌گاهها وعرض راه حاضر بکند یامجانا و تعارفا خواهد داد یا بفروش خواهد رساند در هرصورت باید اینهمه جنس حاضر بشود والا درآنجا مایه معطلی شده وکمال افتضاح برای دولت ماخواهدداشت دراین فقره سعی کرده معین بکنند که این جنس سیورسات راحاضر خواهند کرد یانه لازم است جواب این فقره هم باتلگراف عرض شود .

[illegible]

[illegible] رحمانه و توفیقاً ست نویسم

تو با این ترکیب زیارت مکه معظمه و مدینه منوره

[illegible] مبادا از این فیض محروم باشی

[illegible] مکه مقدسه قاضی بکن و سلطان را راضی

[illegible] الله این کار را بکن بخدا قسم [illegible] ائمه علیهم السلام قسم

[illegible] بکوهی در مکه باشد در حق تو الفت [illegible]

[illegible] بهیچ نقطه نرو باشد [illegible] اصرار کن

[illegible] اصرار کن [illegible] بقول نفس

در انجام مقصود و انجام سیورسات انشاءالله تعالی شما باید نهایت سعی را بکنید زیاده فرمایشی نبود .» (این نامه در این صفحه گراور شده است)

دراین سفر بواسطه اقدامات سپهسالار مامورین دولت عثمانی پذیرائی شایانی از ناصرالدین شاه مینمایند که قبل از آن تصور آن را نمیکرد .

بالاخـره در بازگشت نامـه‌ای باین شرح بـه سپهسالار مینویسد و اورا باخود

بشهران میآورد .

«مشیرالدوله

من در امور دولتی افکار خوب دارم که انشاءاله دولت ترقی کند وکارهای بزرك در دنیا بکند و این کارها اسباب میخواهد از من‌تنها هرچه باشم چه ساخته میشود ازشما ها بهتراسبابی البته نخواهد بود خدمات سابق لاحق بخصوص خدمات سفرعراق عرب ماهیچوقت فراموش نمی‌شود حالاًرا دیکر خوب است که در اسلامبول مشغول سفارت باشد باید خدمات رکابی راچندی متصدی باشد بخصوص درشعبات بزرگی که مقصود ترقی‌آنجا هاست انشاءاله قرار خدمات شما در طهران داده خواهد شدالبته در رکاب بیاید بطهران من مثل شماآدم ها را ده دستی نگاه میدارم واز دست نمیدهم آسوده باشد .» (عین این نامه در صفحه ۲۱ گراور شده)

ناصر الدین شاه پس از ورود بـه تهران در تاریـخ ۲۹ رمضان ۱۲۸۷ بموجب «دستخطی» سپهسالاررا بوزارت عدلیه ووظایف وموقوفات منصوب کرد و یك جبه شمسه دار ویك حلقه انگشتری الماس نیز بوی اعطا نمود

مشیر الدوله دردوره وزارت عدلیه بازبواسطه کفایت ولیاقت خود توانست‌رضایت مردم‌را جلب کند وبامور دیوانخانه سر وصورتی دهد .

مرحوم عبداله مستوفی در کتاب خود مینویسد .

«دراین چند ماهه وزارت عدلیه خودکه در حقیقت شاخص هیئت وزراء شده بود بقدری زیرکی‌وزرنگی ومردم‌داری بخرج داد که همه حتی شاهزادگان درجه‌اول کشور مانند اعتضادالسلطنه ونصرت‌الدوله را هم بخود معتقدکرد خوب چیز مینوشت خوب حرف میزد درکارها بسیار جدی بود پشتکار خستگی ناپذیر ودلیری و شهامتی بسزا داشت همت بلند او را از مدرسه ومسجد وعمارتی که‌در جنب آن برای خانه‌خود درآندورمساخته است میتوان اندازه‌گرفت .

وطنپرستی وعشق بترقی‌کشور وانتظام امور دراو جبلی بود برای این جمله احکام ودستورهای اوکه در کارهای کشورداد،دلیلی بس‌هوایداست باهرچه کهنه بود دشمن ودر همه چیز بنوی وتازگی معتقد بود و بافکار پوسیده ورسوم قدیم وقعی نمی‌گذاشت ولی‌از آفات‌تمدن‌اروپائی هم‌که سالیان درازدرآنجاها بسر برده بود بدور نبود وحتی چندان پاپی مخفی داشتن کارهای خصوصی خود هم‌دراین زمینه نمیشد واین موضوع وسیلهٔحمله‌بدست دشمنان اومیداد اماغرور جناب اشرف صدراعظم مانع‌آن بودکه باین چاهیکه بدست خود جلو خویش میکند توجهی داشته باشد .»

خلاصه سال بعد ناصر الدین شاه چون‌کسی را بهتر ازمشیر الدوله برای نظم و ترتیب‌امورلشکری‌نمیدانست‌اورابالقب«سپهسالاراعظم» به « وزارت عسکری » انتخاب ومنصوب نمود .

سپهسالار دراندك زمانی قوانین ومقرراتی برای ارتش ایران وضع ومدارس‌نظام برای تربیت افسران ایرانی تأسیس‌کرد وبایدگفت دراثر پشتکار وجدیت سپهسالارتحول وپیشرفتی درارتش ایران بوجود آمدکه تاآنموقع‌کم سابقه بود .

خدمات سپهسالار دراین مدت‌کم بیش ازپیش ناصر الدین شاه‌را فریفته استعداد و لیاقت اوکرد ودرماه بعد همان سال یعنی ۲۹ شعبان۱۲۸۸ فرمان صدر اعظمی‌سپهسالار راصادر و«نیك وبد جمیع امور دولت»را بعهده او محول مینماید .

راولینسون انگلیسی راجع به سپهسالار مینویسد .

« میرزا حسینخان سپهسالار یك مرد بسیار با هوش لایق وکاری است وکمتر کسی را میتوان دارای اینهمه استعداد وپشتکار تصور نمود . »

مسعود میرزای ظل‌السلطان در تاریخ مسعودی راجع به چهار فرزند میرزا نبی خان مینویسد .

«میرزا نبی‌خان شخص زرنگی بود بواسطه زرنگی خودش ترقی کرد چهار پسرداشت حاج میرزاحسینخان پسر بزرگش و پسر دومش نصراله خان سیم یحیی خان چهارم میرزا عبداله خان ـ شعری مشهور و معروفست تواگر باغ گلی اوچمن یاسمن است ـ درگلستان جهان هردوندارند نظیر. این شعر را باید در حق این چهار برادر این قسم خواند درخارستان جهان هرچهار ندارندنظیر حقیقه چهار شیطانی مجسم بودند بخصوص برادر بزرگشان حاجی میرزا حسینخان چون مدتها در عثمانی واروپ ومصر زندگی کرده بود منظور اصلیش ومقصودکلیش تغییر وضع سلطنت قاجاربود وخیانت بولی نعمت تاجداروبهترین راه برای‌این مقصود نفرت عامه را ازدولت‌ونفرت‌دولت را از عامه فهمیده بود آنچه ممکن بود میان قبله عالم باخانواده سلطنت ونوکرهای صدیق دولت ورعایای‌مطیع بیچاره پاکبازلاینقطع فساد میکرد وشیطنت خدانخواست والا از مدحت پاشای عثمانی وحسین :ولی‌پاشا وسایر خائنین هزار درجه خیالاتش بالاتر وشخص خبیثش بدتر بود .....»

مخالفت کهنه‌پرستان با سپهسالار

اعطای امتیاز رویتر که ایران را دربست بانگلیسها وامیگذاشت ازخطاها واشتباهات بزرك وجبران ناپذیر سپهسالار است که در اوایل صدارت بدان مرتکب شد و خود نیز همیشه باین اشتباه معترف بود .

بعد از اعطای امتیاز رویتر که بتفصیل شرح آن خواهد آمد ناصر الدین شاه با سپهسالار درسال ۱۲۹۰ عازم اروپا میشوند .

درغیاب شاه وصدر اعظم مخالفین میرزا حسینخان که اورا سد راه پیشرفت خود ومانع استفاده های شخصی خویش میشمردند با هم متحد شده امتیاز رویتر را پیراهن عثمان کرده بعنوان اینکه سپهسالار میخواهد در ایران راه آهن ایجاد کند و فرنگیها را بایران بیاورد و دین و ایمان همه را بباد دهد با اغوای اهالی پایتخت شورشهای مصنوعی ایجاد کردند ودسته جمعی نامه‌های مفصلی بناصرالدین شاه نوشته ومردم‌را جبراً بامضاء ومهر کردن‌نامه‌هاواداشتند که‌ماسپهسالاررانمیخواهیم‌واگرشاه‌سپهسالاررابطهران بیاورد بامخالفت همه روبرو خواهد شد .

مهمترین مخالفین سپهسالار عبارت بودند از انیس‌الدوله سوگلی حرم ناصر الدین شاه که بعلت مخالفت سپهسالاربا ادامه مسافرت او باروپا ازدشمنان سرسخت‌سپهسالار شده بود و از رجال معتمد الدوله فرهاد میرزا که در غیاب‌شاه عهده دار نیابت‌سلطنت بود ومستوفی‌الممالك‌وازروحانیون حاجی ملاعلی کنی‌ومیرزاصالح عرب‌رابایدنام‌برد .

بالاخره پس ازورود شاه وصدر اعظم به بندر انزلی مخالفین به پا فشاری خود میافزایند وبا ارسال تلگراف و نامه اورا سخت تهدید میکنند . ناصر الدین شاه ناچار ظاهراً سپهسالاررادرتاریخ‌چهاردهم‌ماه‌رجب ۱۲۹۰ ازصدارت‌عزل‌وبموجب‌دستخطی باین‌شرح

«دولتخواهی‌وخدمات‌مشیرالدوله‌درنظرهمیون‌ماهمه‌وقت‌جلوه‌گربوده است دراین وقت‌که از شغل صدارت استعفاء نمود وبرای مصالح دولت استعفای معزی الیه راقبول فرمودیم ونخواستیم بی کار باشد لهذا حکمرانی مملکت گیلان رامرحمت فرمودیم ویقین داریم برحسب آبادی و رواج تجارت و غیره گیلان را سرمشق سایر

بلاد خواهد کرد . رجب ۱۲۹۰» (این « دستخط » در این صفحه گراور شده)

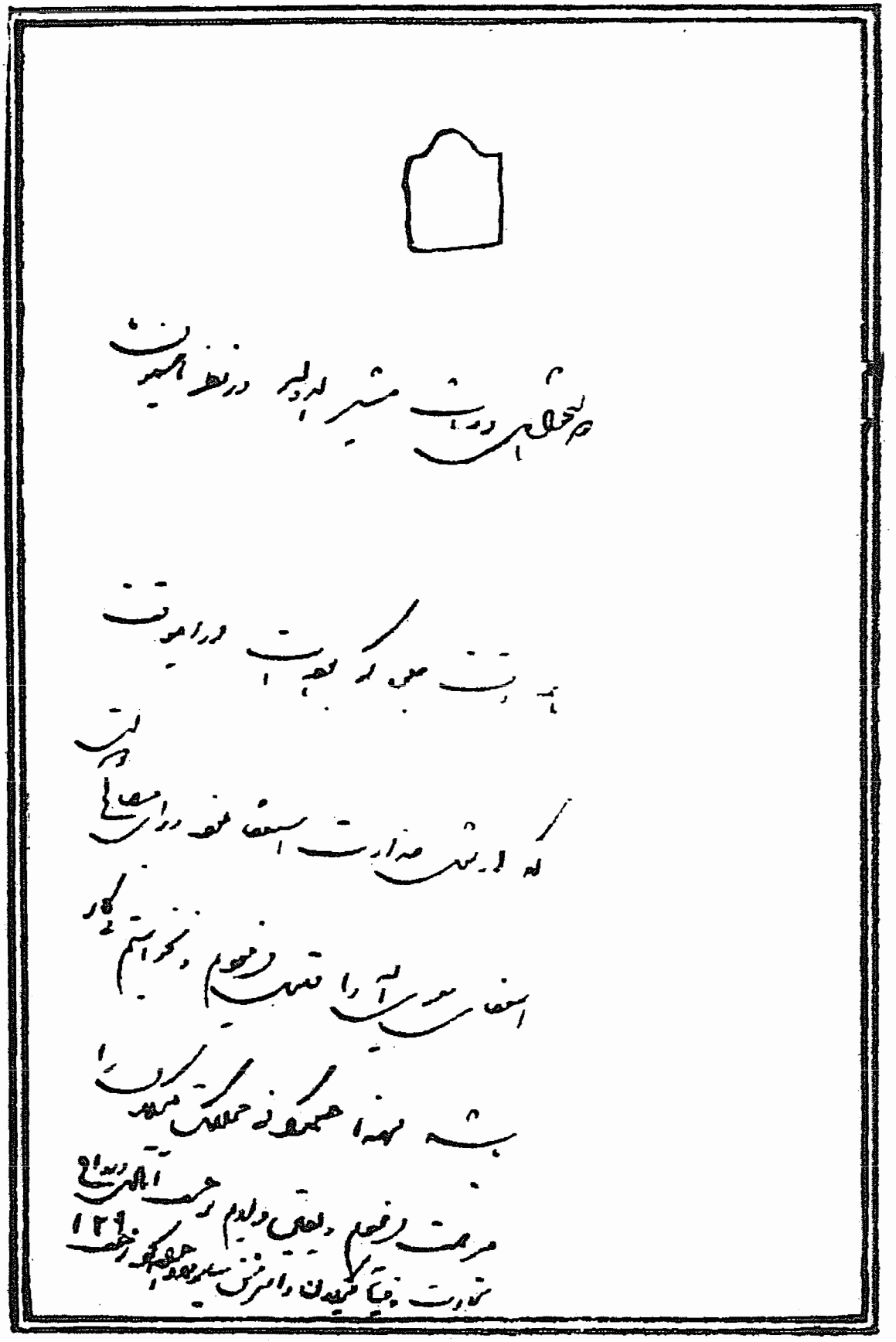

بحکومت رشت میگمارد وخود بتهران میآید .

مدت معزولی سپهسالار زیاد طول نکشید وچون ناصرالدین شاه باو علاقمند بود وکسی‌را لایق تر وشایسته تر ازاو نمیشناخت در تاریخ ۱۸ شعبان ۱۲۹۰ بتهران احضار وبوزارت امور خارجه وسپس مجددا بصدارت منصوبش میکند .

میرزاحسین‌خان‌سپهسالاردرهنگامی که‌دررشت بسرمی‌برد نامه‌هائی‌به‌ناصرالدین شاه مینویسد که برای اطلاع ازروحیه وافکار او وعلت دشمنی مخالفین شیرین وخواندنی‌است ومن دراینجا چند نامه اورا نقل میکنم .

نامه اول که در موقع عزل و هنگامی‌است که نوشته‌های مربوط بامتیاز رویتر را بضمیمه آن نزد ناصرالدین شاه میفرستد .

« قربان خاکپای جواهرآسای‌اقدس همایون مبارکشوم. دیروز که بواسطه منشی حضور جواب یاد داشت های همایونی معروض میشد در فقره کاغذ وزیرخارجه انگلیس ونوشته جات رایتر عرض کرده بودم که همه‌آنها سربسته تقدیم خاکپای انوراعلی خواهد شد جهةاین بود که چون‌انفکاک‌فدوی خانه‌زاد از اردوی همایونی بغتة به وقوع رسید اکثری از بارهای خانه‌زاد رفته بودند دیروز ودیشب در منزل امین السلطان بودند الان که در منزل اسمعیل‌آباد رسیدند فورا اطاعت امر همایونی را نموده اصل کاغذ وزیر خارجه انگلیس که بعنوان‌فدوی نوشته است باترجمه او وسه طغرا نوشته رایتر در جوف همین پاکت تقدیم حضور مهرظهور شاهنشاهی روحنافداه گردید چه سعادتی از برای خانه‌زاد بالاتر وبهترازاین میتواند شدکه در این موقع ومشکل دید فدوی یکی از خدمات عمده خانه‌زاد مجددا ملحوظ نظر انور اعلی روحنا فداه گردد تافرق عظیم فیمابین خدمات خانه‌زاد و حرکات معاندین بنده از تازه‌گی بدهند انشاءاله به غضب خدا و سایه خدا گرفتار شوند که مرابی جهت از زیارت جمال مبارک واصفای فرمایشات همایونی اگر موقت هم باشد محروم کردند واله از غصه وفکرهلاک خواهم شد اگرخداوند انتقام مرا از آنهانکشد کفرخواهم گفت زیراکه نیت واعمال فدوی خانه‌زاد در درگاه‌خداوندی پوشیده نیست ودرآن دستگاه شبهه وتزویر راه ندارد البته تابحال عریضه غلامرضاخان ونوشته که بفدوی نوشته بود ملحوظ نظر مبارک شده است وملاحظه فرموده‌اید اولاً اصل عمل اینقدر اهمیت نداشته است که به تصور آمده بود ثانیاً بعداز آنکه جانشین شما بزور محصل وفهش عریضه مردم بمهراند وهیئت فساد حاضر کند وردر تلغراف اسامی دروغ بنویسند تقصیر مردم چیست من بنده کمترین درباره این‌ملت‌بجزخیرخواهی وبی‌طمعی خالص چه کرده بودم منتها بچهار نفر روسا گفته ام آدم بشوید دزدی از مال دولت‌ومال مردم نکنیدباین تقصیر بایداسبابی فراهم آورند که امروزفدوی‌باین‌ذلت وحقارت‌آواره ازوطن و نفی‌بولایات بشوم از عزل وخلع ازکار خدا میداند شکایت ندارم دردفدوی در محرومی ازحضور مبارک‌ودربدر شدن‌است‌معاندین میرزاتقی‌خان امیرمرحوم خیلی‌بدتر وسخت‌تر ازاین هنگامه بپای کارآوردند مرحمت وایستادگی ملوکانه وقایه او را نمود و هیچ‌نشد بخت بنده کمترین چنین بوده است رضاً به قضاءاله وتسلیما لامرظل‌اله روحنا فداه .

سه‌طغرا کاغذ رایتر هریك تفصیل وتوضیحی دارد که حقیقة گریه مجال عرض نمیدهد بهرکه محول می فرمائید تااز اردوی همایونی دورتر نشده‌ام بیایند تاحالی شود کاربی عیب‌است مطمئن باشید خداوند هزار مرتبه جان‌ناقابل فدوی‌را به تصدق خاکپای مبارك نماید که اگر مرحمت باطنی شاهنشاهی روحنا فداه نبود حالت من‌بی‌چاره بی کس که همه راول نموده ودست توسل برضای خاطر مبارك و اجرای منظورات همایونی زدم لاغیر چه‌می‌شد زیاده زبان وجسارت امرندارم . امرالاقدس‌الاعلی مطاع‌مطاع مطاع »

عین این نامه در صفحه بعدا گراور شده است

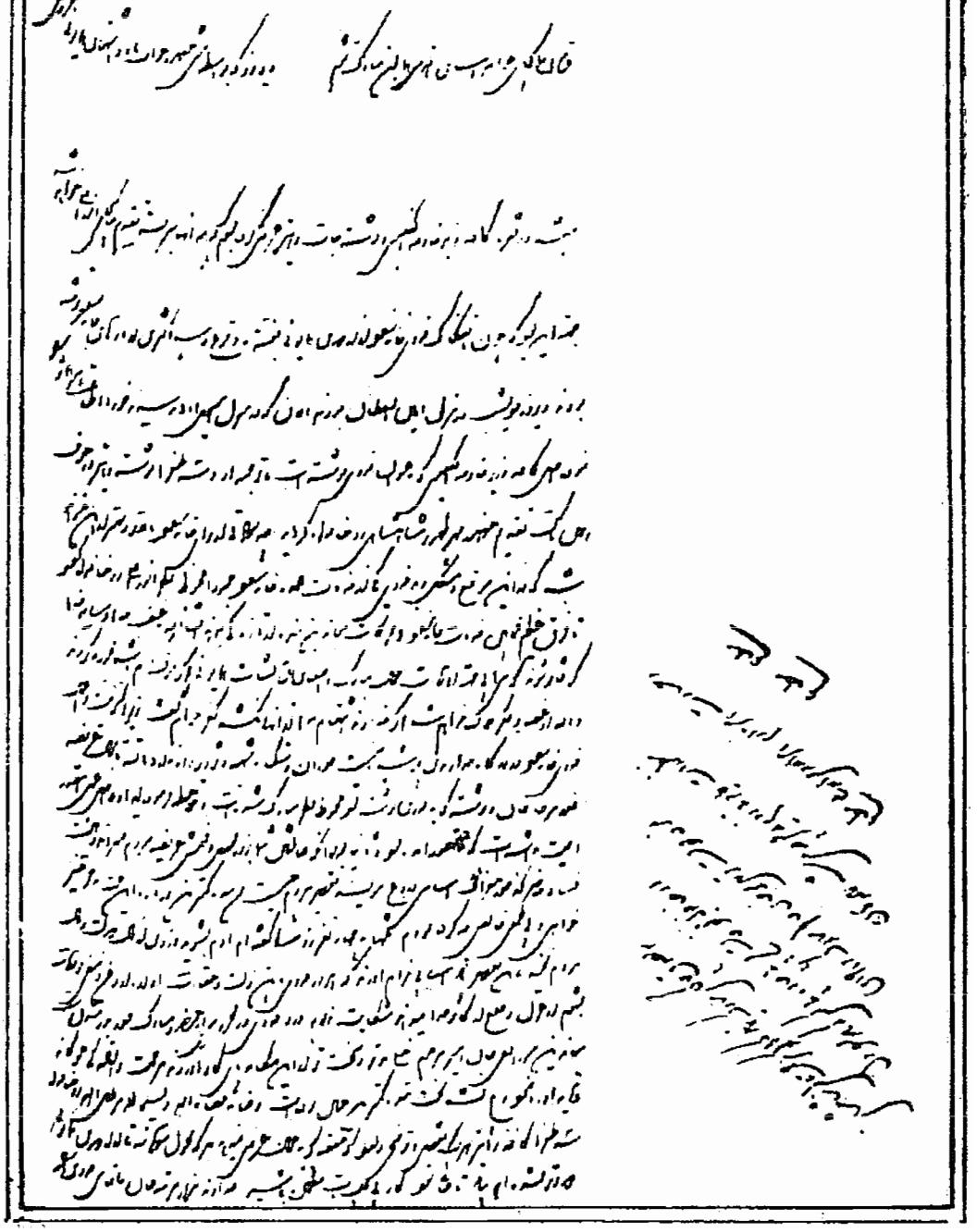

نامه دوم را ازرشت که درحکم زندانی برای او بوده مینویسد .

«قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارك شوم. زیارت دستخط مبارك جهانمطاع شاهنشاهی روحنا فداه خداوند شاهداست مثل اعجاز عیسوی این مرده حقیقی راجان تازه داد ومجددا ازوادی عدم به صحرای وجود آورد چنانچه بادست ودل شکسته وتن خورد شده فورا از بستر برخواسته مشغول عریضه نگاری شدم خداوند هزار مرتبه جان ناقابل این خانه‌زاد ذلیل بیمقدار را بتصدق وجود مسعود قدردان همایونی روحنا فداه گرداند وبه‌لعنت خداوند گرفتار سازد اشخاصی راکه از بابت نقص فهم وعدم شعور سلب حقوق وقدردانی ازوجود مقدس شاهنشاهی روحناه فداه مینمایند که والله از روی اعتقاد عرضه میدارم در ربع مسکون به حقوق همایونی هنوز کسی سراغ ندارم هرکس بیك قدم به‌صدق وازادت در خاکپای مبارك حرکت کرد اقلا ده‌قدم بمرحمت وعطوفت بااو رفتار فرمودید وازصدخطای اواغماض ملوکانه فرمودید والله باالله تاالله تازنده‌ام در هر مقامی که میل مبارك اقتضا فرماید که بنده کمترین را درآن مقام نگاه دارنداعم‌از اینکه مسند صدارت یاالزوای گیلان یاخدای نکرده‌بدتر وپست‌تر ازآنچه حالا هستم فدائی وجود مبارك وشاکر مرحمت‌های سابقه خواهم بود واز بنده کمترین به جز صدق ودولتخواهی وطالب عظمت اسم مبارك درمیانه سلاطین وانتظام امور دولت وعدم اعتنای به جیفه دنیائی نه بوقوع رسیده است ونه بعداز این خواهد رسید انشاءاله تعالی ـ مرقوم شده‌است که مردم راگول زده‌اندو تاسف وجود مبارك از تاثیر بداین وقوعات درفرنگستان است که هنوز مردم ایران را بی‌تربیت وبربر خواهند دانست اگر در نظر مبارك همایون روحنا فداه باشد مکرر عرض کرده‌ام که اصل مسئله به این اهمیت نیست که تلغراف نامه‌جات سرکار علیه‌عالیه انیس‌الدوله دامت شوکتها ومعتمدالدله که هردو بافدوی بیمقدار غرض دارند در نظر مبارك ملوکانه جلوه میدهند ومیخواهند تاتاریك است و هنوز روشن نشده است مقصود خود را عمل بیاورند والله اکثری ازاین اشخاص را به‌ضرب فراش ومحصل وفهش در مجلس واداربمهر نموده‌اند مردم جاهل وعوام هم‌چه کندمی‌بینند که از یك‌طرف حرم مقرب جلالت واز طرف دیگر معتمدالدوله امین و جانشین سلطنت و از سمت دیگر اشخاصی مثل حاجب الدوله و امین حضور و میر شکار و ساری اصلان که هریك خود را درانظار عوام هزار مرتبه از فدوی مقرب تر جلوه داده بودند باین قسم آشکار اصرار نموده تهدید مینمایند حتی امین حضورواضحا می‌گوید حضرات من فرنگستان رفتنی بودم یا خیر خرج راه و تمام ملزومات این سفر را گرفته بودم یا خیر الان هم من دیوانه نیستم که باین کار پر خطر اینقدر اصرار نمایم واله مرا مامور از برای انجام این خدمات معاودت دادند و الا باین مردم من چه کرده ام کدام حقوق حقه آنها را قبل از وقت ادا نکردم فهاش و هتاك نبودم احترام ظاهری جمیع طبقات نوکر را از همه صدور سابق بهتر حفظ میکردم العیاذ بالله طمع بمال احدی نداشتم . در مدت دوسال صدارت بنده احدی درایران بلکه درجمیع دنیا نیست که بتواند بگوید ده شاهی‌الی صدهزار تومان ازاوبه من رسیده‌است .

دراین مدت یکنفر نوکر بنده بهیچ اسم ورسم ازدروازه‌طهران بولایات مامور نشد به‌اقوام وعشایرخودم روندادم ومسلط به‌مردم‌نکردم بلکه میتوانم عرض کرد که آنها درایام صدارت من از یهودی کمتر و بی‌عظم‌تر بودند بله کاری که داشتم حفظ مال دولت را به‌اشد درجه میکردم چون خود سارق نبودم اجازه سرقت هم نمی دادم والله غیر اینفقره نسبت به‌این مردم در خود خطا وتقصیری سراغ‌ندارم از نیت فدوی هم خاکپای مبارك از همه‌کس بهترعلم واطلاع دارند زیرا اگر سعایتی‌از نوکرهابایست کرده باشم در خاکپای جواهرآسای‌همایونی بوده است .

در مدت دوسال یك نفرچوب نه‌خورد یك‌گوش بریده نشد یك‌تومان‌جریمه گرفته نشد یك‌نفرازنوکرها از خدمت خود معزول نشدند مکرر در خاکپای مبارك استدعای احضار مستوفی الممالك رانمودم مکرر فرمودید دهات او را بجهة اخراجات باغات اوضبط دیوان نمایم به‌عجز والحاح مانع شدم ازمال وکس وکار او به طوری مراقبت‌نموده نگاه داری کردم که درایام خود اواین‌قسم محترم‌ومحفوظ‌نبودندخلاصه بجهة‌دولت‌وبجهة‌رعیت‌واز برای قره نوکراز فدوی بهترخادم وحافظی نبود لکن از برای گرگ‌ها وسارقین خوب نبودم زیراکه مانع خیالات آنها می شدم ـ اماملاها بنمك مبارك همایونی قسم‌است که درهیچ عهدی مثل ایام صدارت فدوی عزیز ومحترم‌نبودند

لکن مداخله درامور دولت را به‌ایشان تجویز نمیکردم

همین آقا میرزا صالح عرب (۱) که فدوی را زندیق مینویسد درایام قحطی دوهزارو سیصد تومان متدرجا که یك هزار تومان دفعهٔ واحده باشد شبانه ومخفی به خانه اوفرستادم که حفظ جان عیال خود را نماید وقتی که حاجی ملاعلی غله‌انبارداشت ومردم از گرسنگی میمردند وفدوی آذوقه‌عیال وخانه خودم رابیرون آورده قسمت بفقرا میکردم واوخرواری پنجاه تومان پول میبردند و غله را به‌امید گرانتر فروختن نمیدادوبندگان خدا تلف میشدند حالا آنهاحافظ شریعت وفدوی مخرب دین است به‌حمدالله باوجود بیست وهفت سال درفرنگستان بودن تا امروزمسکرات به لب من نخورده‌است ویك روز روزه من ترك نشده ویك نماز ازمن عمداوبلاسبب فوت نگردیده است ویك سائل رارد ننموده‌ام و یك پول به قمار صرف نکرده‌ام وهرگز درمعاصی صغیره وکبیره معصروبی پروانبوده‌ام تقصیری که کرده‌ام یکی ازمزارع معتبر فیروز آباد رابه جناب آقاندادهام وحفظ مال دولت کرده‌ام حالا شنیدم آن مزرعه راداده اند و میرزا عیسی و نواب معتمدالدوله به اسرار آن نوشته‌هاراگرفته‌اند دربارهٔ میرزاعیسی چه‌ها کرده‌ام ذات اقدس همایونی بهترین شاهد وگواه فدوی خانه‌زاد میباشند .

اگرآنچه در حق هریك از عارضین احسان نموده‌ام عرضه دارم جواب اصل فرمایش همایونی از دست خواهد رفت بهتراین‌است که خداوند حاکم عادل‌را فیمابین خودم وایشان حکم قرار بدهم و دادخواهی دل‌سوخته خود را از احکام غیبیه الهیه به خواهم . مرقوم شده‌است که بالمره‌از خیال صدارت و وزارت اعظم خود را فارغ سازم اطاعت امرالوالامر را نموده ومینمایم در آتیه ابدا به مخیله خود خطور وقوع چنین امری را نه خواهم داد مرقوم شد است که از برای رفع این عیب و تاثیر نیك درقلوب جمع اهل فرنگستان میل دارید ورای همایونی علاقه گرفته است که فدوی را تابیستم شعبان احضار فرموده بمسند وزارت خارجه اقعاد فرمائید و ابدا خیال تجاوز ازآن مسند رانداشته باشم و مرقوم شده‌است . تعارف واظهار اطاعت راکنار بگذارم وخیال عاجزانه خودم را درقبول یاردبطورصراحت عرضه دارم ودرهمان وعده منتظر احضار همایونی باشم لهذا جسارت ورزیده عرضه میدارم که‌مسند وزارت خارجه مرحمتی همایونی را باکمال تشکر قبول دارم وابدا — خیال تجاوز را نه خواهم کرد وانشاءالله در همین مسند خیالات عالیه همایونی را باخارجه مجری داشته مصدر خدمات خواهم شد ورضای خاطرمبارك‌راتحصیل‌خواهم‌نمودانشاءاله تعالی وبامستوفی‌الممالك وسایر اولیای دولت هم به طوری که میل مبارك‌است بدون ایقاع درد سروزحمت بخاکپای مبارك‌راه میروم والله معزولی از صدارت در نظر فدوی اینقدر اهمیت ندارد زیراکه در اسلامبول در منزل خودم یك صدراعظم منصوب وشش‌صدراعظم معزول دفعهٔ واحده دیده‌ام امااماناز ذلت تهی شدن ودربدر گردیدن واز خانواده دور ماندن والبته ازیك حرکت عزم ملوکانه و اعتبار و استقلال

۱ــ **سیدصالح‌عرب** ازعلمای متنفذدوره ناصرالدین‌شاه‌است ودر کتاب‌المآثروالآثارراجع باوچنین مینویسد :

« میرزا محمد صالح عرب مشهور بداماد پسرآقا سیدحسن‌است که داماد سیدعلامه صاحب‌الریاض بوده در حفظ حدود وحمای حقیقت غیرتی شدید داشت .

ازاین جهت فتنهٔ درشهر کربلا برپاکرد که جماعت کثیر درآن واقعه‌بقتل‌رسید وخود مشارالیه راالسیرا بدارالسعاده قسطنطنیه بردند وباقدام امناءاین دولت مقارن سنین اوایل جلوس همایونی ازآنجا بطهران آوردند با مقام فقاهت ومزید جلالت خلقی سخت خشن داشت وبهنگام غضب اصلا خویشتن را متمالك نبود بتلاوت قرآن مواظبتی فوق‌العاده از او مشهود میشد ودراحترام کلام الهی اهتمامی غیر متناهی میفرمود و هیچوقت قرآن را در حال قرائت وغیرها برزمین نمی گذارد بر ریاض جدش حاشیه نوشته مسماة بزهرالریاض و برروضه شهید نیز حاشیهٔ داشت ومیفرمود اگرنام ناروضةالصفا نبود .این حاشیه رانیز صفاالروضه مینامیدم‌ونیز در اصول کتابی‌ساخته مترجم بمهذب. اولاد نرینه‌از اونماندواز بناتش یکی‌در خانه شریعتمدار آقا سید عبداله خلف الصدق آقا سید اسمعیل بهبهانی علیه الرحمه است فوت‌این‌بزرگوار سال یکهزار وسیصد و سه هجری بدارالخلافه ناصری‌روی داد وکالبد شریفش بعتبات ائمه‌عراق‌حمل افتاد .....»

دولت علیه خودتان را احیا خواهید فرمود بحق خدا در فرنگستان الان خیلی ضرر وسکته به اعتبار دولت ولیاث همایونی رسیده‌است .

حالا که رای مبارك به صرافت طبع همایونی به اینفقره علاقه گرفته است وفدوی خانه زاد هم در جنب اوامر ملوکانه اطاعت صرفم دیگر تزلزل به خاطر مبارکتان راه ندهید وبه اهل ایران وفرنگستان و اضحاوعلنا معلوم نمائید که باستقلال آزادی همایونی نقصیه نرسیده است

در ورود بطهران میرزا سعیدخان را ازاین کار خلع نموده و موقتاً رجوع به معتمدالملك فرمائید چنانچه شفاها فرمایش فرمودید او راهم از پیش کاری آذربایجان یافارس یاتولیت حضرت رضا سلام‌اله علیه یاالجزای شوری یانشستن درخانه وگرفتن مواجب هریك را در نظر مبارك مناسب آید معمول خواهید فرمود رفع تغییر بدون تقصیر سرکار علیه عالیه امیس الدوله دامت شوکتها را خانه‌زاد بعداز شرفیابی بحضور مبارك بدادن پیشکش و رفتن بخانه جلالت ایشان بطوری خواهم نمود که اسباب زحمت وجود مبارك نشود خداوند جان ناقابل فدوی ذلیل و خانه‌زاد نفی‌را بقربان خاکپای مبارك نماید آمین ثم آمین .

معروضه‌ظهر روزشنبه ۲۷ شهررجب ۱۲۹۰. از محبس رشت، خانه‌زاد حسین »

عین این نامه در صفحه قبل گراور شده است

سپهسالار دو باره روی کار میاید چنانکه گفته شد مدت معزولی و توقف سپهسالار دررشت چندان طول نکشید و تقریبا بعد ازیك ماه بواسطه کار دانی و کفایتی که ناصرالدین‌شاه دراو سراغ داشت ومخصوصاً برای لغو امتیاز نامه رویترورد دعاوی آن کمپانی که زیاد اورا مشوش ساخته بود بتهران احضارش میکند ودر ۱۸ ماه شعبان ۱۲۹۰ بتهران وارد میشود ولی از ترس دشمنان سپهسالار ومخالفت مردم درهنگام احضار او احتیاطات لازمه را بعمل میآورد .

نامه‌ذیل‌را ناصرالدین شاه بخط خود درآنموقع بعنوان معتمدالملك برادرسپهسالار نوشته وبآنها نصیحت میکند که بسیار بااحتیاط رفتار کنند .

«معتمدالملك

مشیرالدوله امروز باتلگراف احضارشد که بخانه وسرعیال‌خودش بیاید اولا بشماها همه وبخود مشیر الدوله نصیحت میکنم بهیچوجه حرف بد وسرد ودرشت نسبت بعامه مردم نگویند که مردم متوحش بشوند بی جهة البته این نکته را بهیچوجه فراموش نکنید البته .

ثانیا مشیرالدوله دشمن زیاد دارد درآمدن بطهران درعرض راه بسیار احتیاط دارد مبادا خدانکرده امری رویدهد هرطور مصلحت بدانی ازفرستادن بعضی نوکرهای محرم زرنك که بروند در معیت او باشند و متوجه باشند بسیار بسیار لازم است این دستخط را دوباره پس بده بیاورند در هردو فقره کمال مراقبت را بکن البته البته .»

واین نامه‌را نیز بعنوان سرکرده طایفه چکنی مینویسد .

«باقرخان سرکرده طایفه‌چکنی وسایر کردکان ایلات را مرقوم میشود .

مشیرالدوله را ازگیلان برکاب مستطاب احضارفرموده‌ایم آنعالیجاهان بایددرهرجا بامشیرالدوله الی‌دارالخلافه همراه باشند وبهرچه حکم کند اطاعت نمایند. شعبان‌المعظم ۱۲۹۰ »

عین این دو نامه در صفحه بعد گراور شده است

هنگامی که سپهسالار بتهران میآمد دربین راه نامه‌ای بشرح زیر برای ناصر الدین شاه مینویسد وضمن تشریح خدمات خودازاینکه «شاه» اورا در برابر مخالفین حمایت میکند تشکر مینماید .

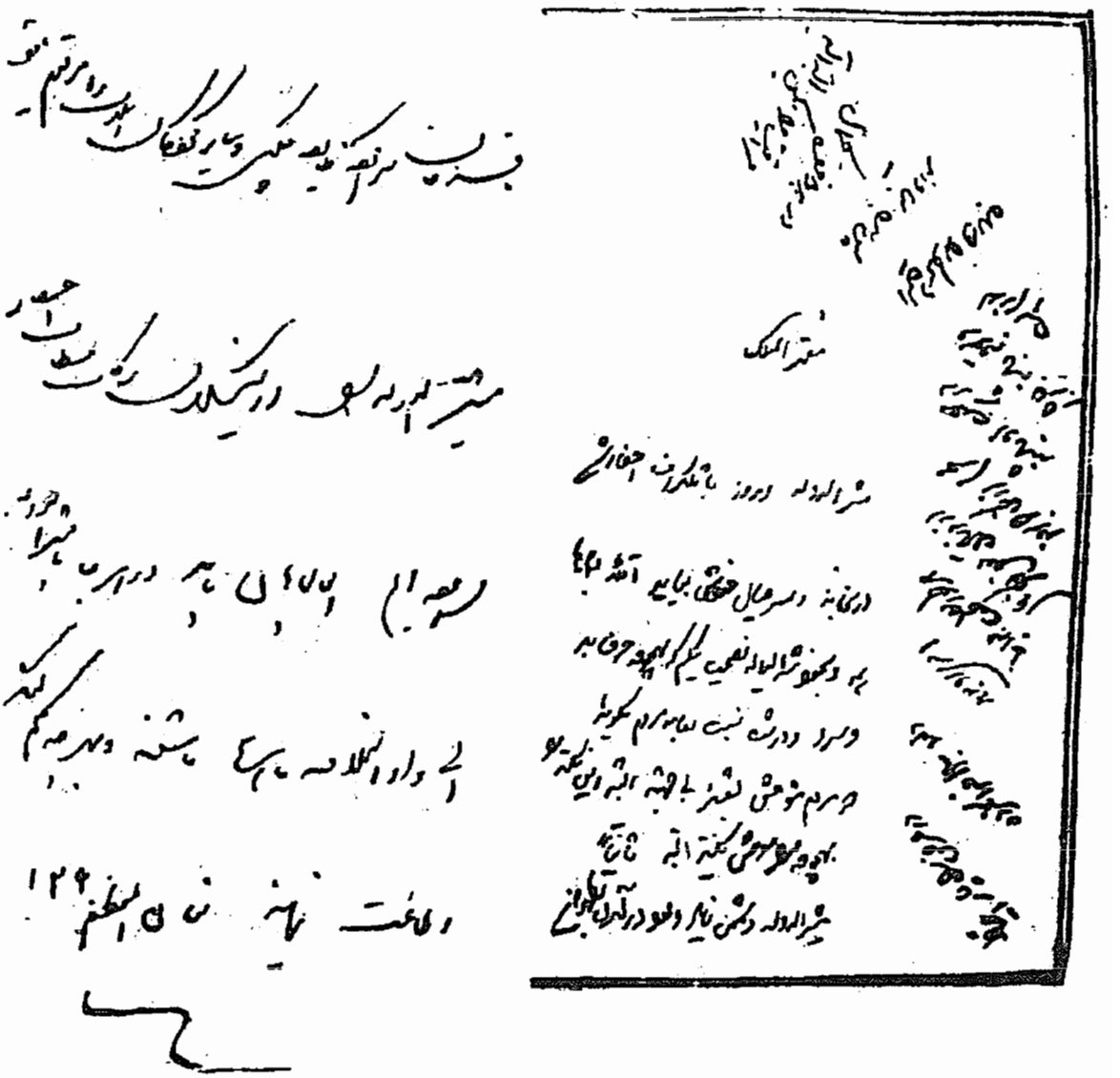

«قربانخاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارك شوم .

روز چهارشنبه ۱۵ شهرحال سه ساعت بغروب مانده بعداز زیارت امامزاده واجب‌التعظیم شاهزاده حسین و دعای بوجود مبارك در وسط دروازه چاپار منشی حضور وارد ودستخط مبارك جهانمطاع همایونی روحنا فداه که بافتخار این غلام کم نام شرفصدور یافته بود زیارت نموده زاید علی‌ماسبق برمدارج تشکر وعبودیت و خاکساری فدوی بیمقدار افزود مرقوم شده‌است که نمیدانم بعداز احضار فدوی چقدر مردم بهمهمه وصدا آمدند و بچقدر زحمت وتدابیر مردم راساکت فرمودید

خداوند جان ومال وهرچه دردنیا دارم به تصدق وجود مبارك همایونی نماید که از برای خانه‌زاد اینقدر زحمت وصدمه بوجود مسعود مبارك خودتان واردآوردید صفت بزرك سلاطین تاجدار حمایت و نگاهداری مظلومین ومتهمین وضعفاست ودر این ماده خدای وحده‌لاشریك‌له علیم‌است که فدوی مظلوم ومتهم میباشم ودر تنهائی وبیکسی نیز از روی واقع مورد مدلول این مصرع شده‌ام حسین یك‌تن است وعدو صد هزار اینفقره هم البته در خاکپای مبارك مکشوف است که غلام خانه‌زاد باین مشقت واخطار نیفتاده‌ام مگراز برای حفظ مال‌وانتظام امور همایونی مرقوم شده‌است مایه جمیع این شبهات در نزد ملاها وعوام‌الناس فقره راه‌آهن است وچون خانه زاد خوب اطلاع دارم باید بعادله تاموبا قرارنامه راه‌آهن را فسخ وباطل نمایم یاشروط او را مثل اجاره گمرك وغیره

تبدیل نمایم .

در جواب عرضه میدارم اولا در خاکپای مبارك پوشیده نیست که قرارنامه راه‌آهن مهرجمیع این وزرای حاضر که حالا مدعی هستند دارد غیراز مهر فدوی وقرارنامه منعقدنشد مگربه اصرار همایونی که‌آنوقت کمال‌میل را به ترویج این کار اظهار میفرمودید باوجود همه این‌ها مکرر عرض نموده وحالا هم تجدید مینمایم احدی را مداخله در این کارها مدهید انشاءالله بتوجهات حضرت ظل اللهی اروحناه فداه فقره راه آهن را بطوری که منظور همایونی ومیل روسای ملت است انجام میدهم تاوجود مقدس شاهانه آسوده شوند وهم‌چنین تمسك یك کرور که در نزد کلنس‌است وآوردن‌تفنك‌ها ازپروس برطبق امر ومیل مبارك‌بدون هیچ تفکر وزحمت وخسارت صورت انجام خواهد گرفت خاطر مبارك آسوده ومطمئن باشند وخدمات پر زحمت و بزرك که دیگران از انجامش اظهار عجز نمایند در سایه مبارك و از برکت تربیت های همایونی انجام داده‌ام وبازهم خواهم داد اینفقرات مرقومه قابل‌این‌که خاطرمبارك رامشغول فرمائید نیست مرقوم شده است

در عرض راه وطهران وگردش کوچه‌ها کمال احتیاط را بعمل آورم که خدای نکرده خطری واقع نشود چگونه در قوه دارم که تشکر این نوع مراحم و الطاف باطنیه همایونی را بعمل‌آورم مگراین که تازنده‌ام وجود نابود خود را فدائی وجود مبارك همایونی‌کنم از رشت تااین منزل که امامزاده کازره سنك است از فضل‌خدا وتوجهات ملوکانه سالماآمده‌ام واحتیاط کرده‌ام قدری سواره اینانلو همراه خانه‌زاد هستند در ورود بدارالخلافه هم خیال کوچه‌گردی ندارم ومی‌خواهم در خانه محقر خود نشسته وخارج نشوم .

در هرحال حفظ وجود جمیع رعایای دولت خاصه این خانه‌زاد در ید قدرت همایونی باید باشد مرقوم شده است اغلب این مردم خصومت وعداوت کلی بافدوی دارند خداوند خیر بدهد معتمدالدوله و میرزا عیسی ومعاون زاکه مردم را بافدوی بسرخصومت آوردند وحالا هرکسی ازکرده خود جبون است دیروز چند نفر از علمای دارالخلافه را شخصی‌راوکیل کرده نزد خانه‌زاد فرستاده وبرائت‌ذمه نموده بودندکه هریك از مارقعه بخط معتمدالدوله را داریم‌که نوشته است میل مبارك همایونی در نوشتن ومهرکردن اینعرایض است اگر نکنید بر خلاف میل ملوکانه رفتار نموده‌اید .

بعد از همه‌این‌ها باز حالا دست بر نمیدارندومی‌نشیند ورقه می‌نویسانند وآدم میرزا عیسی شب درکوچه می چسباند و از طرف دیگر آدم به کازرسنك میفرستد که مرا معتمدالدوله گول زد و وادار باین حرکات کرد .

اما فدوی بسرمبارك شاهنشاهی روحنا فداه که بجهة خانه‌زاد بزرگترین سوگندهاست قسم میخورم که بعداز ورود بدارالخلافه به‌آن قسمی که میل خاطر مبارك است ودر دستخط بافتخار معتمدالملك مرقوم شده بوددر باره حضرات نه شفاهانه مکتوبا ونه اشارة وکنایة یك‌کلمه اظهاری، گلهٔ ،تهدیدی ،درشتی به ظهور نیاورده در کمال ملایمت وفروتنی حرکت خواهم نمود وانشاءالله ابدا تصدیع‌وسیله‌وزحمت وجود مبارك نخواهم شد خداوند هزار مرتبه جان مرا بقربان خاکپای مبارك نماید آمین ثم‌آمین ثم‌آمین .

معروضه ظهر روز پنجشنبه ١٦ شهرشعبان ١٢٩٠

از امامزاده کازرسنك است.غلام‌خانه‌زاد حسین»

عین این نامه درصفحه بعد گراور شده

بالاخره سپهسالار بتهران میآید وابتدا درتاریخ بیستم ماه شوال ١٢٩٠ بوزارت امور خارجه وبعد مجدداً بصدارت منصوب‌میگردد .

دوران وزارت وسپهسالاری وصدارت میرزا حسین خان قریب ده سال طول کشید باآنکه بعد ازمراجعت ناصرالدین‌شاه ازسفر اروپا بطوریکه دیدیم بواسطه مخالفت‌علمای روحانی ورجالی که سپهسالار سد راه ترقی آنان بود ازکار بر کنار شد ولی چون

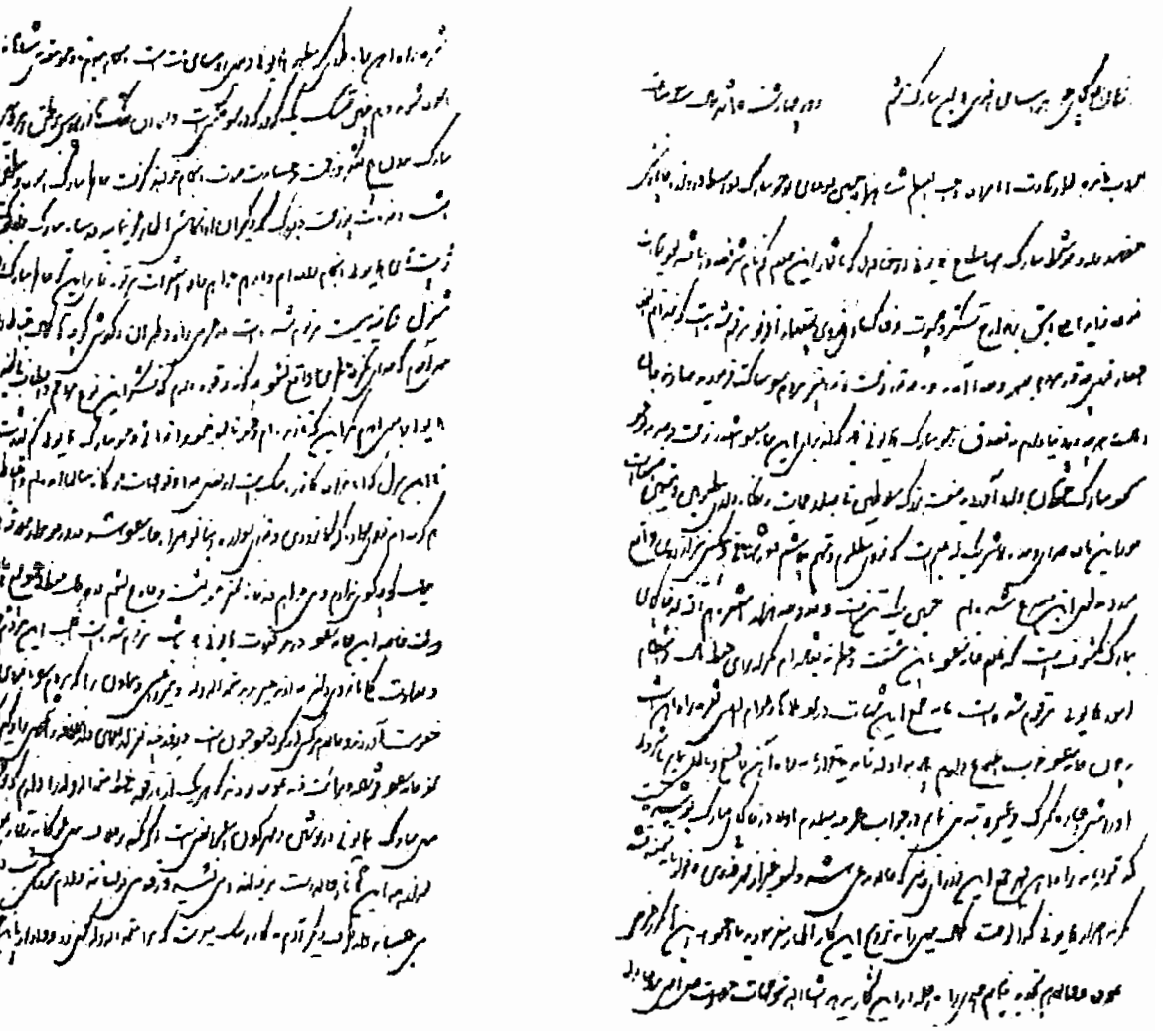

ناصرالدین شاه کسی‌را لایق تروزرنك ترازاو نمیشناخت دوباره روی کارمیآورد وتااوایل شوال سال۱۲۹۷ هجری قمری کم وبیش زمام حکومت ایران بااین شخص بوده است. میرزا حسین خان سپهسالار دراین‌مدت کوشش میکرد ایران‌را درشاهراه ترقی بیاندازد وبانفوذ واقتدار روحانیون بسیاری ازرسوم کهنه رامنسوخ و بجای آن‌مقررات و قواعد تازه‌ای وضع وتدوین نمود .

امور سپاهی را سر و صورتی داد وسازمان اداری ومالی کشور را تااندازه‌ای که مقتضیات آنروز اجازه میداد تحت نظم وترتیب درآورد واولین بار بدستور او درتاریخ ۱۸ ربیع الاول ۱۲۹٦ قمری (مارس ۱۸۸۰) نریمان خان وزیر مختار ایران در پاریس یکنفر مستشار مالی بنام بارون شارل دووایس تویفن استاین‌را برای آنکه « عمل مالیه ودفتر مباشرت مالیات دیوانی ازقبیل مالیاتهای داخله ولایتی ورسوم گمرکی دولت علیه ایران را بوضع اروپا مرتب نماید بطوریکه بامقتضیات مملکت موافق باشد » بمدت سه سال ازقرار سالی ۱۸ هزار فرانك طلا استخدام میکند .

بهر حال از روی انصاف باید گفت میرزا حسین خان از لحاظ آشنا ساختن مردم

ایران به تمدن اروپا و آوردن اختراعات اروپائی باین کشور خدمات عمده‌ای کرده ویادگار هائی از خود باقی گذارده است .

روابط سپهسالار با بیگانگان

روابط سپهسالاررا با بیگانگان باید بدو دوره تقسیم کرد یکی دوره ارتباط باانگلیس‌ها ودیگر دوره دوستی باروسها .

بد بختانه سپهسالار نه تنها از این دوستی‌ها و نزدیك شدن بخارجیان نتوانست برای ایران فایده‌ای برگیرد بلکه نفوذ آنها مخصوصاً انگلیس هارا باکمك وهمکاری دوست صمیمی خود میرزا ملکم خان در این کشور چنان شیوع داد که انگلیسها درهیچ جا نمیتوانستند دلال وواسطه‌ای بهتراز او پیدا کنند و بعداً بطوریکه خواهیم گفت شاید روی همین اشتباهات است که میگویند سپهسالار جان خودرا ازدست داد وناصرالدین شاه اورا مسموم کرد .

قبل ازآنکه سپهسالار بصدارت ایران برسد انگلیسها وروسها ازناصر الدین‌شاه امتیازات زیادی ازقبیل بانك وراه آهن واستخراج معادن وغیره تقاضا کرده بودند و با آنکه درباره اغلب آنها مذاکرات مفصلی هم بعمل میآمد ولی ازامضاء وانعقاد قرار داد آنها بیم داشتند وبعنوان آنکه دادن این امتیاز صلاح ومقتضی نیست بامسکوت گذاردن آن اززیر بارانجام این تکالیف شانه خالی میکردند .

ولی وقتی سپهسالار روی کار میآید چیزی نمیگذرد که تمام منابع حیاتی کشور یکجا بنام امتیاز بارون جولیوس رویتر بانگلیسها بخشیده میشود و ناصر الدین شاه را باروپا می‌برد و باآوردن افسران روسی قزاقخانه را ایجاد میکند وهمچنین تمام شیلات‌را بروسها اجاره میدهد .

درحقیقت همین اعمال سپهسالار جای پائی بود برای بیگانگان که بعدها توانستند امتیازات بی‌شماری بدست‌آورند و زنجیر اسارت را بگردن ملت ایران افکنند بطوریکه تنها امتیاز رویتر (که باید آنرا از بزرگترین اشتباهات سیاسی سپهسالار شمرد) موجب تقاضای امتیاز راه آهن توسط روسها وادعای انگلیسها برای ایجاد بانك شاهنشاهی وبالاخره درخواست روسها برای‌تأسیس بانك استقراضی‌روس بود وهمینطور دیگر امتیازات چنانکه‌امین‌السلطان درنامه‌ایکه بمرحوم میرزا حسن‌شیرازی نوشته علت اعطای امتیاز انحصار تنباکورا بانگلیس‌ها اینطور شرح میدهد

« ..... این مسئله امتیاز تجارت دخانیات بکمپانی در اذهان‌وانظار محل بعضی شبهات گردیده وحقیقت آن در پرده خفا مانده است واین بنده لازم شمردم سبب اقدام ایقاع‌وجهة الغاء وادفاع آنرا من‌البدو الی‌الختم بطریق ایجاز کماهوالواقع باطلاع خاطر شریعت مظهر جنابمستطابعالی دام افضاله برسانم که از بادی و خاتمه آن مستحضر شده بالکلیه کشف‌غطاء از این مسئله بشود لهذا بتصدیع میپردازد که چون درایامی که مرحوم حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله بخدمت صدارت عظمی دراین دولت جاوید مدت مفتخر بود باکمپانی‌انگلیسی قرار نامه تمدید راه‌آهن از بوشهر تاگیلان را منعقد ساخت وقرار نامه مزبور بقدری متضمن خطرات دولتی و ملتی بود که علاوه بر ثلمه‌های حقوق دولتی تمام حدود ملکی وملتی‌هباء منثورا ممدود بود همان اوقات ذات کامل الصفات اعلیحضرت‌قویشوکت اقدس همایون ظل‌اللهی روحنا فداه خطرات مزبور را بنظر دقت ملاحظه و خود آن مرحوم را بالغاء آن قرارنامه مکلف ومحکوم فرمودند هرقدر باکمپانی مزبور ودولت انگلیس مذاکره کرد مقصود حاصل نگردیده براصرار آنها افزود تامشارالیه مرحوم شد بعدازآن‌نیزتازمان مسافرت اخیره همایونی به

فرنگستان این‌مسئله بحالت اولیه باقی‌بود که تقریبا چهارده سال طول کشیده وبرقوام ادعای کمپانی ومخاطرات آن افزوده بود .

از آن سفر بازحمات وتدابیر وشمول تفضلات‌خداوندی آن‌قرارنامه‌منشومه لغو واین‌امتیاز تجارت دخانیات که آنوقت همچو مینمود که بهیچوجه ضرری برای‌دولت‌وملت ندارد برقرارشد وازآن مخاطرات عظیمه‌آسودگی حاصل‌آمد .....»

متن این نامه را در صفحه ۱۸۹ کتاب تحریم تنباکو نقل نموده‌ام

سرپرسی سایکس(۱)راجع به سیاست خارجی سپهسالارمینویسد

«میرزا حسین‌خان ..... معتقد بود نجات ایران بسته بمحترم شمردن واجرای کلیه عهد نامه‌هائی است که ایران با دولت روسیه منعقد نموده در حالیکه اصلاح و بهبود وضع مملکت باید بانگلستان واگذار شود .»

سپهسالار و انگلیسها

سرهانری‌راولینسون(۲)نویسنده انگلیسی درکتاب‌خودموسوم به «انگلستان وروسیه در شرق» راجع بانتخاب میرزا حسین خان سپهسالار مینویسد

« در موقع انتخاب این‌مرد بمقام صدارت چند موضوع کوچك ومختصردر میان بود که میبایست بین دولت انگلیس ودولت ایران حل وتصفیه شود .

گاهی همین موضوعات کوچك دردست اشخاص غیرمناسب باعث اشکال میگردد .»

راولینسون بعد از اشاره بموضوعات مزبور از جلمه اختلاف سرحدی ایران و عثمانی‌وحکمیت انگلیس دربلوچستان وسیستان وقضیه بحرین وبوشهروچاه بهارمینویسد .

« البته درحل تمام این مسائل و قضایا دخالت و نفوذ موافقت آمیز شخص صدر اعظم فوق العاده موثر است .

بنابراین ایجاد روابط حسنه‌از نوجزو پروگرام سیاسی میرزا حسین‌خان سپهسالار بود واین حسن نیت او راه را برای حل‌تمام این‌مشکلات صاف وهموار نمود .

در پروگرام میرزاحسین‌خان صدراعظم ایران که برای‌احیای مملکت ایران طرح شده‌بود مخصوصا این نظر را داشت که منافع ایران را بامنافع انگلستان توام کند .

در آن پروگرام دوماده اساسی وجود داشت یکی امتیاز رویتر ودیگری مسافرت پادشاه ایران بکشور انگلستان .وقتیکه سیم تلگراف درایران دایر گردیدبعضی نقشه‌های مفیدطرح شدکه دامنه عملیات رابنفع‌ایران وسعت میداد مخصوصا در رشته‌های صنعتی واقتصادی اروپا که درایران ازآنها استفاده شود .

دراین زمینه‌ها طرحهای زیاد از منابع مختلف پیشنهاد شده بود .

بعضی ازآنها از طرف اشخاص ماجراجو وبی‌اعتبار بود .

این پیشنهادها بمنظور استفاده‌های شخصی بودکه اغلب بایکدیگر مخالف بودند پس‌از مطالعات دقیق در هریك از پیشنهادها صلاح دراین دیده شدکه امتیاز تمام اینها بیك کمپانی داده شودکه رئیس‌آن بارون‌جولیوس رویتر تبعه دولت انگلیس است .

دولت ایران بموجب این امتیاز باصلاح دید حاجی میرزا حسین‌خان سپهسالار صدر اعظم تمام منابع تولید ثروت مملکت پهناور ایران را برای مدت‌هفتاد سال به‌بارون رویتر واگذارکرد .

این امتیاز شامل بود از واگذاری وساختن یك خط راه‌آهن از بحرخزر تاخلیج فارس و خطوط فرعی ایجاد ترامواى شهری در تمام مملکت ایران واستفاده بلامانع از تمام معادن مملکت ایران باستثناء معادن طلا و نقره واحداث مجاری‌آب برای کشت وزرع تاهراندازه که توسعه آن لازم باشد .

تاسیس بانك وتهیه یك قرضه بمبلغ شش‌میلیون لیره در صورتیکه دولت ایران پنج درصد تنزیل آنرا ضمانت کند و دودر صداستهلاك مبلغ اصلی .

---

1 _ Sir Percy Sykes. 2 - Sir H. Rawlinson

حق انحصاری برای کارهای عام‌المنفعه از قبیل تهیه روشنائی شهرها بوسیله گاز وساختن خیابانهای پایتخت ساختن راهها ، پلها ، سد ها توسعه خطوط پستی وتلگرافی تاسیس کارخانهای صنعتی و غیره واگذاری تمام گمرکات ایران برای بیست وپنجسال .

میرزا حسینخان صدراعظم بامستشار صدیق خود میرزا ملکم‌خان واسطه اعطا و عملی کردن این امتیاز بی‌نظیر بودند باین مقصود که انجام تمام آن چیزهائیکه در امتیازنامه قید شده است بدست یك کمپانی خصوصی انجام گیرد .

البته در این امتیاز منافع دولت ایران نیز بطور کافی منظور شده است چونکه بیست درصد ازمنافع راه آهن پانزده در صد ازمنافع خالص تمام عایدات کمپانی لزوما باید عاید دولت ایران گردد .

اما راجع بعایدات گمرکات قرار شده بود تاپنجسال بیست هزارلیره بمبلغ فعلی اضافه‌شود وبرای سالهای بعد شصت درصد اضافه عایدی از قرار میزان فعلی بدولت ایران پرداخت گردد »

آقای محمود محمود در کتاب خود راجع بدوران‌صدارت میرزا حسین‌خان مینویسد

«دراین تاریخ میزان نفوذ دولت انگلیس در دربار شهریار ایران بواسطه صدارت میرزاحسین‌خان‌سپهسالار باعلا درجه خود رسیده بود این‌همان ایامی است که امتیاز بارون رویتر که یکی ازاتباع سرمایه‌دار انگلستان بود داده شده‌است ومیرزا حسینخان سپهسالار میکوشید شاهرا برای تماشای جلال وجبروت پادشاه انگلستان بآن مملکت برده نفوذ وقدرت دولت انگلستان رابشهریار ایران نشان بدهند .

در هیچ تاریخی اولیای امور ایران این اندازه اظهار صمیمیت ویگانگی نسبت بانگلستان نشان‌نداده‌اند در حقیقت درمدت دهسال تمام یعنی‌از سال ۱۸۶۳ تا ۱۸۷۳ میلادی (۱۲۸۰ تا ۱۲۹۱ هجری قمری)وزراء ایران کاملا دردست سیاسیون انگلیس بوده و نسبت به‌آنها صدیق و وفادار و در مقابل تقاضای آنها بی اختیار بودند »

لرد کرزن (۱) نیز راجع بانگلیس دوستی سپهسالار مینویسد .

« شوق وشعف برای دوستی باانگلیس صمیمیت ووفاداری نسبت بدولت انگلیس هیچوقت باین درجه در ایران بالا نرفته بود که در زمان صدارت میرزا حسینخان سپهسالار بالاگرفت .»

این بود خلاصهٔ ازعقاید خودی و بیگانه در باره روابط سپهسالار باانگلیسها و منظور آنان .

اکنون به بینیم مرحوم‌میرزا حسین‌خان ازاین دوستی چه نتیجه‌ای برد ؟ سپهسالار بموجب امتیاز بارون جولیوس رویتر ایران‌را درطبق‌اخلاص نهاده تسلیم انگلیسهامینماید اعتمادالسلطنه در کتاب خلسه‌خودنوشته «سپهسالاربرای دادن امتیازرویتر پنجاه هزارلیره وملکم هم همینطورها ازانگلیس‌ها رشوه گرفته‌اند» شاید هم این موضوع صحیح نباشد ونظر سپهسالار ترقی‌وتعالی ایران بودواعتقاد داشته که انگلیس‌ها ایران‌را آباد ووسایل سعادت مردم فلك زده این سرزمین‌راتهیه خواهند کرد ولی اگر این عقیده را باور کنیم باید بگوئیم که سپهسالار باآن همه هوش و استعداد آدم خیلی خوش باور وساده‌ای بوده است !

بالاخره باصرف مبالغ زیاد هزینه مسافرت ،ناصرالدین شاه‌را بانگلستان می برد که تفوق وبرتری نیروی بری وبحری‌انگلیس‌را بناصرالدین شاه‌نشان دهد ولی خیلی‌زود متوجه میشود که باآنهمه زرنگی فریب انگلیس‌هارا خورده‌است .

روسهاوانگلیسها درهمان موقع که ناصرالدین‌شاه وصدر اعظم ایران درانگلستان

---

[1] Lord Curzon.

بودند قرار دادی که ازمدتها پیش مذاکرات آن‌شروع شده بود بنام قرار داد کورچاکف وگرانویل منعقد نمودند که درآن مناطق نفوذ هریك ازدولتین روس وانگلیس در آسیا تعیین گردیده‌بود . سپهسالار که این موضوع‌را میشنود ناامید ومأیوس ازانگلیسها شکایت میکند ولی معلوم است که دیگرانگلیس ها بحرفهای طرفدار و معتقد صمیمی خود ترتیب اثری نمیدهند .

سپهسالار مایوسانه باناصرالدین شاه ازانگلستان مراجعت میکند وامتیاز رویتررا لغو میسازد واز همین موقع است که نسبت بروسها اظهار تمایلی مینماید باآنکه بعدها بازگاهی انگلیسها نسبت باو واو نسبت بانگلیس‌ها تمایلی نشان میدهند ولی چون‌دیگر نه سپهسالار ازانگلیس‌ها آن امیدواری اوان‌صدارت راداشت‌ونه‌انگلیسها باو آن اعتماد واطمینان اولی را بین آنها چندان صفائی پیدا نشد .

سپهسالار و روسها

همانطور که گفته شدسپهسالار بعد ازمراجعت ازسفراروپابواسطه مخالفت رجال و روحانیون که ضمناً روسها در تحریك آنان بی دخالت نبودند در رشت از صدارت معزول و بحکومت آن شهر گمارده میشود .

مخالفت روسها باسپهسالاربواسطه روابط صمیمانه او باانگلیس‌هابود ومخصوصاً بعد ازاعطای امتیاز رویتر روسهاجدا ناصرالدین شاه‌را تهدید ورویه صدر اعظم‌رامنافی بامنافع خود میدانند .

دوران عزل سپهسالار چند روزی بیشتر طول نکشید وچون ناصرالدین شاه اورا مرد لایقی میدانست بعد از خوابیدن سر وصدای مخالفین برای لغو امتیازنامه رویتردر ظاهر ابتدا وزارت امور خارجه را با و تفویض میکند ولی سپهسالار چندی بعدباعنوان صدر اعظمی مجدداً همان اقتدار سابق را بدست میآورد .

بهر حال در این دوره بروسها متمایل میگردد و برای جلب نظر آنها مشغول اقدام میشود و اولین کارش لغو امتیاز نامه رویتر بود بنحوی که شرح آن خواهد آمد وضمناً بروسها قول میدهد که امتیازی برای ایجاد راه‌آهن ازجلفا تاتبریز و سواحل بحر خزر تاتهران بآنان بدهد .

سپهسالار برای جلب اعتماد و اطمینان روسها مکاتباتی باسفارت روس در تهران وهمچنین وزارت امور خارجه روسیه بعمل آورده است چنانکه درهمان اوانی که بوزارت امور خارجه منصوب میشود تلگرافی به وزیر امور خاجه روسیه مخابره کرده و مینویسد که «من لازمه اهتمام‌را خواهم کرد که روابط‌دوستی این‌دودولت را روز بروز بهمدیگر نزدیکتر نمایم» ونیز نامه‌ای‌دراین مورد بعنوان ساعدالملك‌وزیر مختارایران‌درپطرزبورغ نوشته‌است که آنرا بنظر وزیر امور خارجه روسیه برساند ودراینجا متن گزارشی‌را که ساعدالملك درتاریخ۲۹ ذیحجةالحرام سال ۱۲۹۱ازپطرزبورغ بتهران فرستاده وجریان ملاقات خود ودادن نامه سپهسالار را بوزیر امور خارجه روس شرح میدهد نقل مینمایم

فخدایگانا تعلیقه‌جات رفعیه بندگان مستطاب اجل مورخه ۲۵ شهر ذیقعدةالحرام که بتوسط وزارت خارجه ایندولت ایفاد فرموده بودند شرف‌وصول ارزانی داشته از فرمایشات مندرجه آنها استحضار کامل حاصل نمود کاغذی راکه فرانسه وفرسی بعنوان این بنده مرقوم فرموده بودند زیارت کرده از اصل مقصود ونیت‌آن جناب مستطاب کمایینبغی اطلاع حاصل‌آمد این‌بنده را مأموریت داده بودندکه همان کاغذ فرانسوی‌العباره را به ملاحظه جناب اشرف پرنس‌شانسلیه نیز برساند ودرآن ضمن فرمایش فرموده بودند که هرگاه این بنده دربعضی الفاظ وکلمات آن بخواهد جزئی تغییر وتبدیلی دهد مضایقه نخواهد بود این بنده بعداز ملاحظه اصل وسوادآن کاغذ مسیواولن فرانسه راکه سالهااست درسفارت وآدم باسواد وبااطلاع‌است بامیرزا داود حاضر کرده دوسه دفعه در همه فقرات آن کاغذ باکمال دقت وارسی کردیم بهیچوجه جای ایراد نبود مگر اینکه درچند جای آن‌لفظ افترا وتهمت وبهتان زیاد ذکر شده بود این بنده نخواست که اینگونه الفاظ در همان کاغذ مندرج شود بندگان حضرت اجل بهتر میدانندکه اسناد اینگونه الفاظ بشخص در اروپا خوش‌نما نیست باصلاحدید مسیواولن همان کلمات راعوض کرده در بعضی جاها لفظ اشتباه وکلمات دیگر که مقرون باحترام وخوش‌آیند بودبجای آنها نگذاشتیم بطوریکه اصل هیئت ومعنی آن کاغذ ابدا دستخورده نشد وقوت ماموله‌را فوت نکرده اصل‌خیالات بندگان اجل که عمده منظور خالی شدن اولیای ایندولت بودکماکان درجای خود باقی ماند باعتقاد این بنده کاغذ خیلی پاکیزه وپخته شد بعدازاتمام‌خود بوزارت خارجه‌رفته‌بتوسط دیرقطرازپرنس‌شانسلیه وقت ملاقات‌خواست چون پرنس همان روزها بازقوت نداشت وناخوش بود دوسه روز ملاقات ایشان بتاخیر افتاد این بنده بملاحظه اینکه مبادا تاخیر این امرموافق سلیقه بندگان حضرت اجل نباشد از آنجهت بتوسط تلغراف عرض نمود که هرگاه اجازه میدهند همان‌کاغذ را بتوسط دیرقطر نزد پرنس شانسلیه بفرستد در هرحال بفاصله یکروز بعد از فرستادن تلغراف همینکه پرنس را جزئی افاقه حاصل شده بود بدون حالت معطلی بتوسط وزارت خارجه کاغذی باین بنده فرستاده وقت ملاقات خودشان را معین کرده بودند چنانچه این بنده در ساعت معینه بمنزل پرنس‌رفته ملاقات نمود ومراتب را تلغراف کرده بندگان حضرت اجل را اجمالا ازگزارشات‌آن مجلس قرین استحضارداشته است حالا هم‌محض مزید اطلاع تفصیل را معروض حضور مبارك میدارد پرنس شانسلیه باکمال مهربانی و بشاشت این بنده را قبول کردند گفتند فلانی باوجود اینکه من حالت خوبی نداشتم وهیچکس را هم قبول نمیکردم نتوانستم شما را زیاد ازاین منتظر بگذارم بنده رضامندی کرده اینطوربیان مطلب نمودکه آنتس این کاغذیست که جناب مستطاب وزیر امور خارجه باین بنده نوشته‌اند واصل‌وخیال ومنظور ومقصود خودشان را بدون کم‌وزیاد جسما دروی این کاغذ گذاشته‌اند چنانچه من لازم دیدم که این کاغذ را بملاحظه جناب شما برسانم بعد از مطالعه همه فقرات آن معلوم آنجناب اشرف خواهد بود پرنس کاغذ را باکمال دقت ملاحظه کردند بعد زمین گذاشته گفتند فلانی من ازاین کاغذ میرزا حسین‌خان‌زیاد راضی و خوشحال شدم کاغذ متین وخوب و پاکیزه نوشته شده است لیکن درچند فقره این‌کاغذ حرف دارم اولا میرزا حسین خان در این کاغذ میگوید که بیواطیك دولت ایران بادولت روس عوض نشده بلکه روز بروز در تزاید است ازاین فقره هم زیاد ممنون شدم ولی نباید از این صرفنظر کرد که من طالب عمل ومعنی این‌کاغذ هستم نه‌اینکه خود کاغذ بنده گفتم آنتس نه فقط اعتقاد وزیر امورخارجه براین است بلکه همه ماهارا هم این امرآشکار و ظاهر شده است که بقدر سر موئی خلل به بیواطیك دولت ایران وارد نیامده است گفت ثانیا مینویسد که دولت ایران محض خواهش‌دولت روس عمل بارون رطیررا لغو وباطل کرد دراین فقره هم قدری مارا رهین منت خود کرده است من درست درخاطر دارم وقتی که اعلیحضرت شاهنشاهی در پطرزبورغ تشریف داشتند بخود شاه عرض کردم که من در دوستی این دو دولت وخیرخواهی دولت شما مصلحت نمیدانم که اینگونه قرار دادراه‌آهن بایك کمپانی رعیت دول آخر بسته شود ومقصود ومنظور من‌نه این بود که اینقدر امتیازاتی که بیارون رطیردادهاند از برای دولت روس سر موئی وهن خواهد رسید وبلکه خیر وصلاح دولت‌ایران نبود بخود میرزا حسین‌خان هم‌شفاها گفتم که من در مصلحت دولت ایران این‌را بشما میگویم هرگاه درست غور نمائید خودتان هم خواهید دانست بعد گفت ترجمه کاغذمیرزا حسین‌خان راکه ذایر باین فقره در جواب وزیر مختار انگلیس نوشته بود وشماهم بتوسط دیر قطر پیش من

فرستاده بودید خواندم خیلی خوب وباقاعده نوشته بود لیکن حالا شنیدم وزرای انگلیس تصدیق قول بارون‌دطیر راکرده وحمایت از او دارند بنده گفتم همه جوابهای ایشانرا بندگان حضرت اجل ضربح وآشکار در کاغذخود نوشته‌وداده‌اند هرگاه مجددا بخواهند تجدید مطلع نمایند امریست علیحده — بعد پرنس شانسلیه گفت‌وآخر کاغذ خود میرزا حسین‌خان‌میگوید که من‌نه روسم ونه‌انگلیس ونه فلان وفلان ایرانیم آنچکه مصلحت دولت متبوعه خود میدانم رفتار خواهم کرد این عقیده واعتقاد او راهم من تحسین وتمجید میکنم وهیچگونه ایرادی‌از برای او نخواهد بود معلوم است هروزیری وهرشخصی که حمایت وطن ودولت خود را بکند حسن اوست نقیب او منکه روسم تابهر درجه که مقدور باشد حمایت دولت وملت روس‌را میکنم وخواهم کرد بنده دیدم کهمطلب ملاقات ومذاکره بااین حالت ناخوشی ایشان زیاد طول کشید برخاستم گفتم شمارا زیاده از این دیگر تعجیز نمیدهم وخواهش میکنم هرگاه پرنس شانسلیه مصلحت میدانند همین کاغذ جناب مستطاب وزیر امور خارجه را بنظر امپراطور هم برسانند گفت خیلی خوب همین امروزدر جزو راپورتهای وزارت تقدیم خواهم کرد در هر حال از توجه بندگان حضرت اجل کاغذ بی‌نتیجه نشد وتغییر کلی در حالت اینها بهم رسید چون عرض مراتب لازم بود لهذا جسارت ورزید زیاده چه‌جسارت نماید .

۲۹ شهر ذیحجه‌الحرام سنه ۱۲۹۰ محل مهرساعدالملک

باین ترتیب سپهسالار باروسها روابط صمیمانه‌ای پیدا میکند بحدی که در اواخر سفارت روس بزرگترین حامی و پشتیبان سپهسالار بود وبر عکس انگلیسها که بعناوین مختلف کوشیدند و ناصرالدین شاه‌را باو ظنین ساختندتااورا ازصدارت‌عزل کرد .

سپهسالار درسال ۱۲۹۵ قمری که برای بار دوم ناصرالدین شاه‌را باروپا میبرد در روسیه باالکساندر دوم امپراطور روس قرار و مداری میگذارد ونظریات روسها را بیش ازپیش تأمین مینماید وحتی عده‌ای ازافسران روسی‌رابرای تربیت افراد ارتش‌ایران بتهران میآوردوبتأسیس قزاقخانه اقدام میکند چنانکه شرح آن بیاید .

یکی ازعللی که باعث شد ناصرالدین شاه سپهسالاررا ازصدارت معزول کند همین روابط صمیمانه او وسفارت روس بود .

پس از عزل از صدارت میرزا حسین خان برای تهنیت جلوس الکساندر سوم بروسیه میرود .

آقای‌خان‌ملک‌ساسانی‌مینویسد.

«هنگامیکه‌سپهسالار بنمایندگی ازطرف ناصرالدین شاه مامور میشودکه برای تسلیت قتل الکساندر دوم وتهنیت جلوس الکساندر سوم بروسیه برود استقبال شایانی ازاو بعمل آمده ومیگویند الکساندر سوم نشان مخصوصی(۱)راکه درگردن خود داشت بازکرده وبگردن سپهسالار انداخت وبطوری نسبت باو مهربانی مینماید که بعد از بازگشت ازاین سفر ناصرالدین شاه بواسطه وحشتی که پیداکرده بود اورا بعنوان‌حکومت خراسان و تولیت آستان قدس رضوی به مشهد میفرستد و پس از چندی در آنجا مسمومش میکند .»

عزل سپهسالار

بالاخره ناصر الدین شاه بواسطه سوء ظنی که از او پیدا کرده بود مخصوصاً بعلت غرور و نخوتی که در اواخر در سپهسالار پیدا شده بود وبدستورهایش چندان وقعی نمی‌نهاد در اوایل شوال سال ۱۲۹۷ اورا از صدارت عزل مینماید.

---

۱ ـ نشانی که امپراطورروسیه به سپهسالار داده نشان سنت‌آندری مکمل بالماس‌بدون‌حمایل بودماست .

عباس میرزا ملك آراء برادر ناصر الدین شاه در کتاب شرح حال خود راجع بعزل سپهسالار مینویسد .

«میرزا حسین‌خان مردی بود بسیار بی‌حیا وهتاك والی غیرالنهایه پولطیك‌دان ودروغگو لهذا اغلب‌امنای دولت از او رنجیده بودند واندیشناك بودند ودر صدد خرابی او برآمدندچندنفر متفق شدند که از آنجمله‌میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان ومیرزاعلیخان امین‌الدوله وعلینقی خان مخبرالدوله وزیر تلغراف ومیرزا عباس‌معاون الملك ورحیم‌خان علاءالدوله ومیرزا عبدالوهاب شیرازی نصیرالدوله بودند وعجب آنست که این عبدالوهاب‌هیچ بود از سایه میرزا حسین‌خان همه چیز شد و در این مسئله از همه‌بیشتر عداوت کرد . این جمع هریك مطلبی را در عهده گرفتند مثلا مخبرالدوله متعهد شد روزنامه‌های تلغرافی از ولایات متضمن شکایت از او پی در پی برساند و نصیرالدوله چون محرم او بود صورت تعارفاتی را که گرفته است بنویسد و تحقیق کند و ثبت بدهد معاون‌الملك متعهد شد آنچه از عمل مالیات ولایاتی که در اداره سپهسالاری زیر و بالا شده صورت بدهد امین‌الدوله متقبل شد که عرایض اینها را در موقع مخصوص از لحاظ ملوکانه بگذراند و عهد بستند و شروع بکار نمودند تامشارالیه را معزول کردند وبعداز عزل دوسه شبی در طهران ماند که بحتمل حکومت خراسان‌را بگیرد حاج محمدحسن صراف اصفهانی که امین‌دارالضرب بود از طرف برادرم شاهزاده رکن‌الدوله محمدتقی‌میرزا حاکم خراسان وکالت داشت عریضه محرمانه بشاه نوشت بدستورالعمل آقا ابراهیم آبدار ملقب بامین السلطان باین مضمون که مانند سپهسالار شخص پولطیك‌دانی را که باتمام فرنگیها راه دارد وشما اینطور او را دلشکسته کرده‌اید بکدام اطمینان بایالت خراسان میفرستیدمن که مرد صراف فقیری هستم اینقدرمی فهمم که چنین‌عملی جایز نیست چگونه است که اولیای دولت ملتفت این معنی نشده‌اند محض درلتخواهی مبادرت بعرض این‌عریضه نمودم شاه بمحض مطالعه این عریضه حکم فرمودند که سپهسالار بزودی روانه قزوین شود .»

آقای‌خان ملك ساسانی ازقول‌مرحوم‌عزیزالله ظفرالسلطنه مینویسد .

« من در فوج اطریش نایب سرهنك ومامور باغ سپهسالار بودم همین جائی که حالا مجلس شورایملی است یك‌روز امین‌الدوله میرزا علیخان دستخط معزولی سپهسالار را آورد خود اورا ناصرالدین شاه مامور کرده بود آنجا بنشیند ونگذارد که سپهسالار اقداماتی بکند یاکسی او را ملاقات نماید وخیال‌داشتند او را بقتل برسانند چند دقیقه بعداز آمدن امین‌الدوله سفیر روس فرستاد که میخواهد بملاقات سپهسالار بیاید میرزا حسین خان گفت که دیگر من اختیار پذیرائی ندارم اختیار باامین‌الدوله‌است امین‌الدوله گفت بیاید وملاقات در حضور من باشد سفیرروس آمد من‌حاضر بودم باحضور امین‌الدوله ملاقات کردند معلوم‌است حرف محرمانه‌ای نتوانستند بزنند سفیرروس ازآنجاکه بیرون رفت تقاضای ملاقات وزیرامور خارجه را کرد چون‌شاه بعداز صدور دستخط عزل سپهسالار دستخط کرده بود که تاتعیین وزیر خارجه جدید کارهای وزارتخانه را خود میکنم سفیرروس را نیز خودش پذیرفت درآن ملاقات سفیرروس بشاه گفته بود که مانمیدانیم میرزاحسینخان توکر خوب شما بودیانوکر بد وآیا شما ازاو راضی هستید یانه ودر باره اوچه میخواهید بکنید ولی من فقط بخاطر اعلیحضرت می‌آورم که میرزا حسین خان ازدولت روس دارای نشان خیلی بزرگی است .

پس‌از این ملاقات ازخیال کشتن میرزاحسینخان درگذشته وقرار شد خودش بحضورشاه برود مهرهای سپهسالاری ووزارت امورخارجه را تسلیم کند وقتیکه مهرها را بشاه میداد قسم خورد که من نسبت بمملکت وشاه خیانتی نکردم واین مهرها را هرگز برخلاف مصالح شاه ومملکت استعمال ننموده‌ام وشاه امر کرد که بقزوین برود ودرآنجا باشد .»

مرك سپهسالار

سپهسالار چندی که در قزوین بصورت تبعید بسر میبرد فتنه شیخ عبیدالله در کردستان ظهور میکند وسپهسالار مأمور قلع و قمع شیخ مذکور میشود .

میرزا حسین خان پس ازانجام این مأموریت به بهترین وجه ، بحکومت خراسان‌و

نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب وعازم مشهد میگردد .

سپهسالار پس از ورود بمشهد اولین کاری که بدان اقدام میکند ساختن مقبره‌ای برای خودش بود ومعروف‌است که تعجیل او دراینکار بیشتر از آن جهت بود که میدانست عاقبت ناصرالدین شاه اورا بقتل خواهد رساند .

درباره اینکه سپهسالار بمرك طبیعی مرده یابدستور ناصرالدین شاه اورامسموم کرده‌اند شایعات زیاد است وبطورقطع نمیتوان صحیحاً درآن مورد اظهار نظر کردولی نوشته های مورخین قاجاریه که خواسته‌اند مرك اورا طبیعی جلوه دهند بسیارسست است چنانکه اعتمادالسلطنه درمنتظم ناصری مینویسد .

«میرزا حسینخان سپهسالار والی مملکت خراسان در ۲۱ ذیحجه ۱۲۹۸ بمرض درد پا وسوء مزاج در سن ۵۷ سالگی دعوت حق را لبیك گفت .»

سپهسالار دردوران صدارت وبعد ازآن از سعایت دشمنان ومخالفین خود زیاد بیم داشت ومیترسید که بالاخره گفته‌های مغرضین درناصر الدین شاه مؤثر واقع شده و اورا دچارزحمت سازد .

نوشته‌هائی بخط ناصرالدین شاه‌وسپهسالار باقیست که برای روشن شدن موضوع دوسه‌تا از آنهارا دراینجا نقل مینمایم .

ازخلال این نوشته ها نگرانی سپهسالار خوب نمایان‌است .

«سپهسالار اعظم بامین‌الملك آمد عرایض شما راکرد پارهٔتفاصیل گفت حقیقت این است کمال اوقات تلخی بمن دست داد از اخبار مجعوله کاذبه دروغ این مردم که پی‌درپی بشما میدهند وشما را باین قسم مشوش کرده‌اند کمال حیرت دست داد .

معیرالممالك برای چه می‌آید از شما پول بگیرد یاشما را چرا خدا نخواسته اذیت باید کرد من‌هرقدر فریاد میکنم که بجز مرحمت والتفات درحق سپهسالار چیزی خیال ندارم شما خودتان واین مردم بما درست می گوئید خیر باید فلان کار بشود فلان بی‌التفاتی خواهد شدچراگاه است فردا شمارا مامور سفر مرو بکنم یامثل پارسال بکرگان بروید یایك خدمت دیگر چه عیب دارد شمانوکری باشید که بتوانید درآن سفر پنجاه هزار تومان ازخود خرج بکنید .

من یك پول سیاه ازشما قبول ندارم خودم را و دولت را در خارج و داخل چرا بدنام بکنم .

شماهم نوکر بزرك صدیق خوب من بوده‌اید وهمیشه خودتان را عبث اینطور پریشان نکنید

در باب امرقشون ونظم آن وعرضی که کرده‌بودید بامین‌الملك میگویم‌آمده بشما بگوید واله باله‌آسوده باشید عرث بحرف بیمعنی مردم که میخواهند دولت را بدنام بکنند گوش ندهید .

آدم سیستان را امروز مشخص کرده راه بیندازید برود البته واجب است آدم هوشیار زرنگی باشد

نوشته‌جاتش را دیروزآوردند دیدم مهر کرده‌فرستادم پیش دبیرالملك .»

عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است

نامه دیگر که سپهسالار بناصرالدین شاه نوشته .

«قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارك‌شوم . موقع وماموریتی که باینغلام خانه‌زاد مرحمت فرموده‌اید ضعفا وفقراء ومظلومین‌را دوست وامیدوار کبرا وجابرین واشخاصی که تابحال بزیردستان خودشان کیف مایشاء رفتار میکردند وامروز از سایه عدالت همایونی نمی‌توانند به احدی تعدی وتظلم نمود بالطبع با اینغلام دشمن وبدخواه میشوند واز هیچ قسم سعایت‌مضایقه نخواهند داشت چنانچه مکرر پیغام در مقام تخویف داده‌اند که مطمئن بمراحم ملوکانه نشود ماهمانیم که میرزا تقی‌خان ومیرزا آقاخان را عزل‌نموده‌ایم اینغلام در امورات

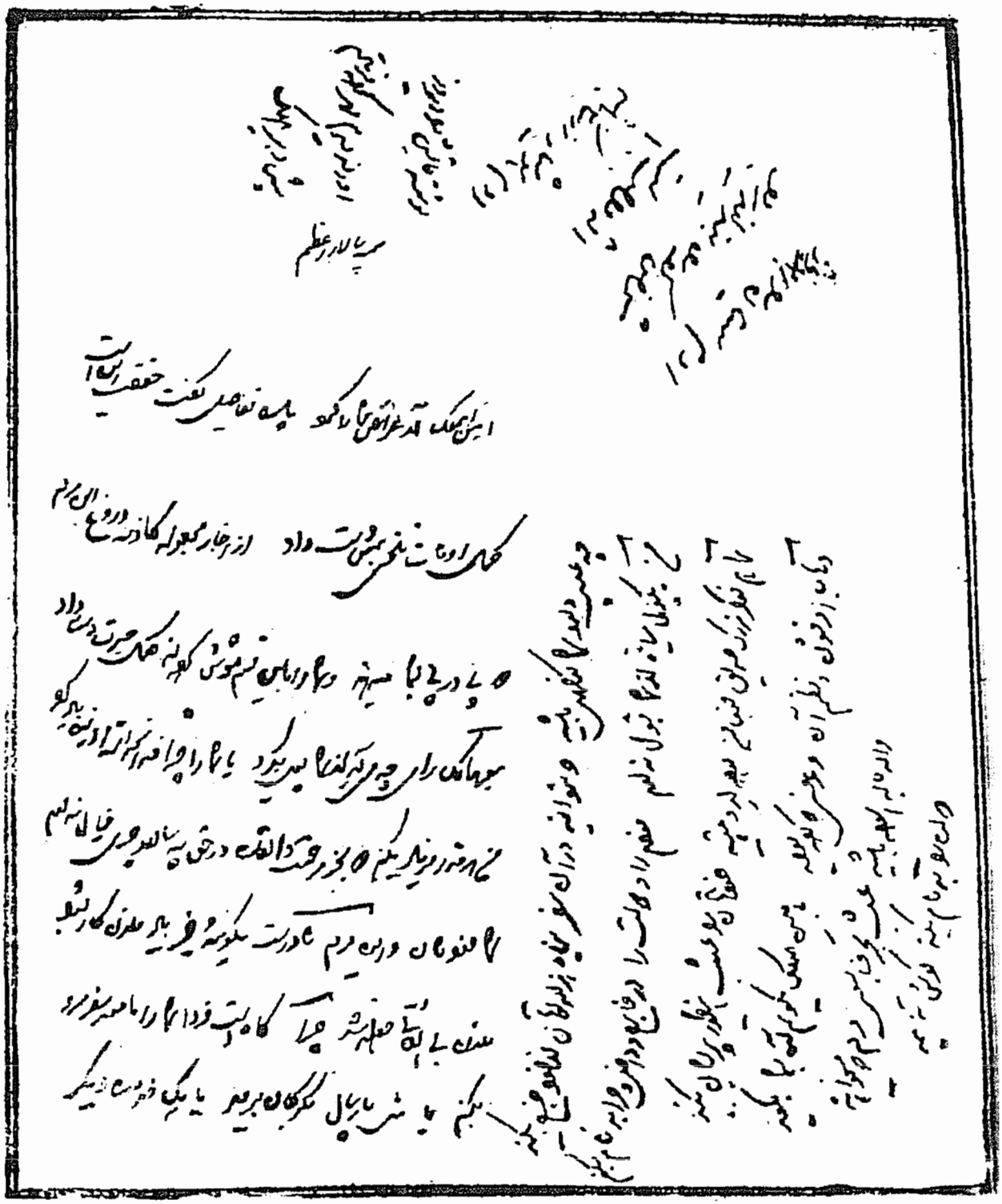

خدا وسایه خدا را حاضر وناظر دیده به صداقت ودرستکاری وبی‌طمعی و بی غرضی خود مطمئن شده اعتنا به تهدیدات مردمان باغرض ومتعدی نکرده از جاده حقانیت ودولتخواهی واقعی قولا وفعلا منصرف نشده‌و نمی‌توانم شد بطوری که قلب مطمئنه‌ام نهایت آسودگی از افعال واعمالم دارد قلوب مردم را عموما امیدوار و دعاگوی صمیمی بجهته ذات مقدس شاهانه نموده‌ام وبطوری خود را بجهة رفاه حال عامه روز وشب مشغول زحمت نموده‌ام که درقوه کمتربشری‌است سرمایه که به جهته تحمل به‌اینقدر زحمات دارم همان مراحم ملوکانه‌است و بس

اگرخدای نکرده خللی بهآن سرمایه عارض شود اینغلام حتما معدوم خواهد شد بطوریکه زنده نخواهم ماند چنانچه از دیروز خاطر مبارك همایونی را قدری منزجرتصورنمودهام خدارا بشهادت می خواهم که دیشب بجهة این غلام که شب قتل ودومانم بوده است لهذا بعرض اینعریضه در کمال عجز و عبودیت جسارت ورزیده قبله عالم روحنا فداه را بعظمت صاحب امروز وبه جلالت قدر وجود مبارك خودتان قسم میدهم که اگر از اینغلام سعایتی در خاکپای مبارك نمودهاند بیپرده فرمایش شود تارفع شبهه نمایم واگر در عرایض وبیانات از راه نابلدی طوری عرض کردهام که مغایر رای مبارك همایونی بوده است اورا نیز بفرمایند تادر آتیه متروك دارم و اگر انشاالله

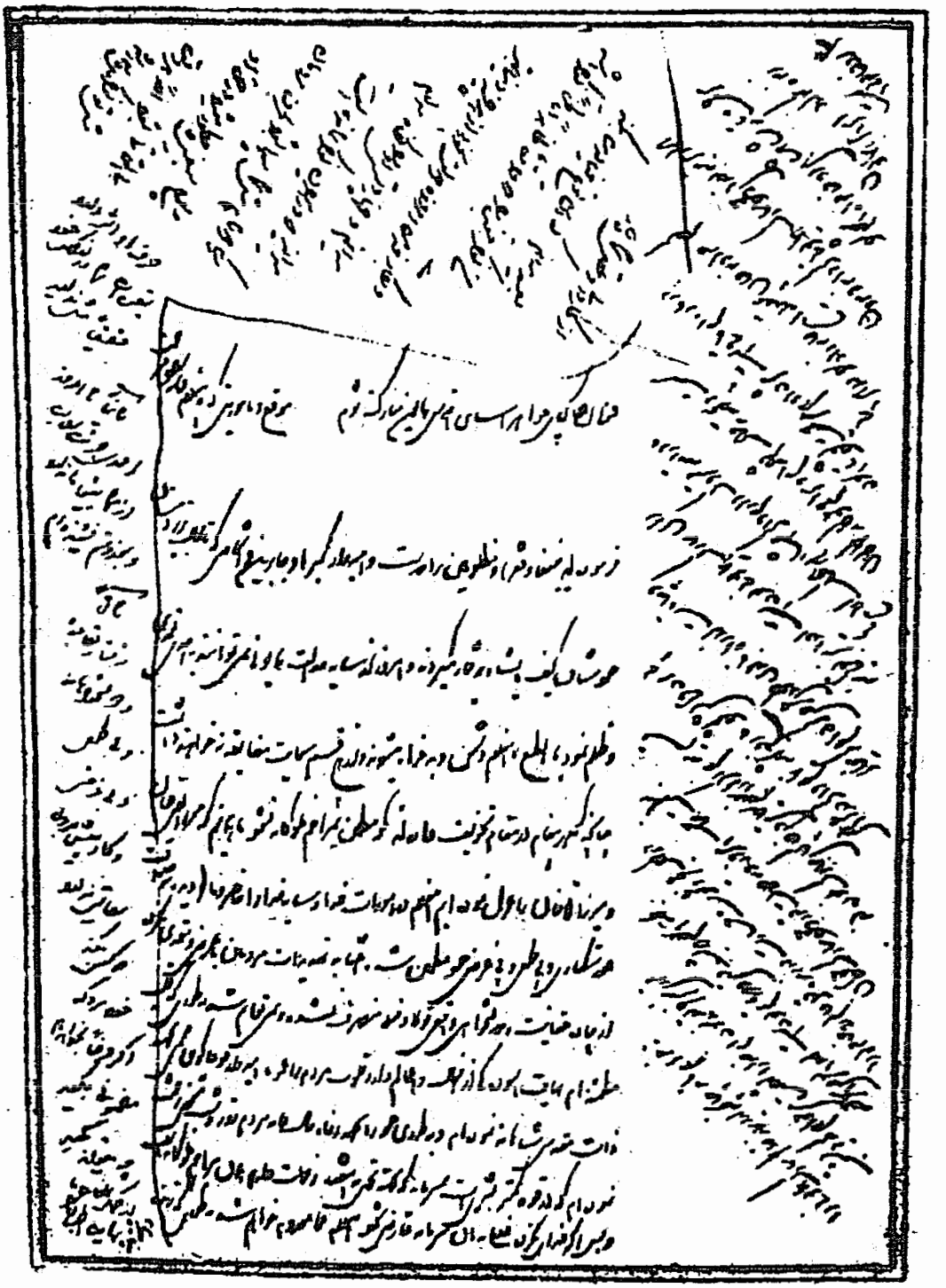

هیچیك از اینها نیست وبیجهة به خیال افتاده‌ام ومراحم ملوکانه کماکان دربارهام باقی است مژده اوهم‌مرحمت شود تاآسوده گردم خداوند جان بیمقدار این خانه‌زاد را در هر آنی هزار مرتبه بفدای وجود مبارك همایونی گرداند و بدون مرحمت نامه شاهنشاهی روحنا فداه این غلام را زنده نگذارد . امر امر همایون اعلی روحنا فداه است .»

ناصرالدین شاه درحاشیه این نامه نوشته‌است

«ازکاردانی وعقل شما بسیار بعید میدانم که این نوع خیالات بکند من نوکر خوب را که واقعاظاهرا وباطنا نوکر باشد وبکار خدمت امروزه دولت بخورد ازهمه چیزدنیا بهتر میدانم وچهار دستی او را نگاه میدارم میدانید که در ایران نوکر نمانده است یکی‌دوتا هم مثل شما پیدابشود بحرف مردمان پوچ بیمعنی چطور میشود در حق او بی التفاتی بشود اولا هروقت مثل تونوکری پیداشد حرف او اثر دارد یقین‌است شما در نوکری‌خود حقیقتا مثل ندارید .

ثانیا تاامروز احدی جرئت سعایت ازشما پیش ماندارد وبخدا قسم نشنیده‌ام .

ثالثا رفتار بقاعده و دولتخواهانه وبی‌طمعی وبی‌غرضی وکار پیش بردن سعایتی ندارد که کسی بکند خود مردکه اگر فرضا بخواهد هم مضمونی بگوید چه می تواند بگوید از کمال التفات مانهایت اطمینان را داشته باشید .» عین این‌نامه‌درصفحه‌قبل گراورشده

سپهسالار همیشه مخصوصاً در اواخر عمر از ناصر الدین شاه « دل خونی » داشت زیرا باوجود آنکه درنامه‌هائی که بناصر الدین مینوشت تملق را از حد میگذراند چنانکه در ذیل اغلب نامه‌ها وگزارشهایش این جملات‌دیده میشود «خداوند جان ناقابل فدوی‌ذلیل‌را هزار مرتبه بقربان خاکپای مبارك نماید . آمین ثم آمین ثم آمین» ویادر موقعی که درحضور ناصر الدین شاه‌بود دستهای خودرا روی سینه مینهادوباجملات‌فریبنده وچاپلوسی بیش‌ازهر کسی تملق‌میگفت‌ولی‌درخلوت و درنزد بعضی اشخاص ازهر بدگوئی وناسزاگفتن به «شاه» خودداری وامتناعی نداشت.

عباس میرزا ملك آراء برادر ناصر الدین شاه که مدتها مغضوب ودر تبعید بسر میبرد درکتاب شرح حال خود درموقعی که ناصرالدین شاه درسال ۱۲۹۵ برای بار دوم باروپا میرود وعباس‌میرزا که‌درآنوقت حکومت زنجان‌را داشته‌وتاقزوین باستقبال«شاه» آمده مینویسد

«..... در عرض راه پیاده ایستادم شاه درکالسکه بودند اظهار التفاتی فرموده حکم به سواری فرمودند سوار شده نزدیك کالسکه قدری راه رفتم بعضی فرمایشات متفرقه فرمودند بعدرفته درکالسکه میرزا حسینخان سپهسالار دخول کردم‌واین کالسکه‌ازکالسکه شاه تقریباصدقدم عقب میرفت وعلی‌الاتصال میرزا حسینخان‌بشاه فحش می داد وهرقدرصحبت متفرقه بمیان می‌آوردم ترجیع بندهمه فحش بشاه بود هرچه میگفتم مگو خوب نیست آخرحالامانان ونمك این مرد را میخوریم میگفت تو نمیدانی این چقدر حرامزاده است یك صفت ازشاه مرحوم ندارد هرچه دارد از مادر قحبه خودش دارد ویك کلمه حرف راست نمی‌گوید وباهیچکس خوب نیست و روی هیچکس را سرخ نمیتواند ببیند غالب‌میلش باشخاص رذل وسفله وناجیب است ازآدم معقول بدش می‌آیدهیچ کاری را منظم نمی خواهد مگر قورق شکارگاه وامر خوراك خودش راکه کباب را خوب بپزند ونارنگی و پرتقال حاضر باشد قدر خدمت‌احدی راهم منظور ندارد وآخرالامر من وهرکس‌راکه قاعده‌دان باشد یا نیکی در ذات او باشد خواهدکشت یاتمام وکالمعدوم خواهد نمود ودر اطراف غیراز چند نفر جوان ناجیب رذل دنی‌باقی

نخواهد گذاشت وساعت بساعت نگاه بگالسکه شاه کرده میگفت کور بگور بیفتد قاسم‌خان (۱) سك بربندبگور قاسم‌خان آتش بگیرد روح‌قاسم خان این پسرمحمد شاه نیست نمیدانم از کدام قزاول دراندرون یااز کدام شاگرد بزاز یاکله پز این را بعمل آورده است واز اینمقوله لاینقطع میگفت .

من در حیرت بودم ودر فکر روز سیاه خودم وباخود میگفتم این مرد که شخص اول ایران وسپهسالار است وسالی زیاد از دویست هزار تومان مداخل میبرد وخیلی مقرب است این‌طوردلتنك ومتوحش میباشد پس وای بحال من که با من عداوت سابقه دارد و کینه‌های دیرینه زمان شاه مرحوم در دلش باقی‌است.....»

اعتماد السلطنه‌در کتاب وقایع روزانه دربار ناصر الدین شاه ضمن یادداشت روز سه شنبه بیست و دوم ذی الحجه ۱۲۹۸ مینویسد .

« در بیرونی صاحب جمع پسرامین السلطان رادیدم که بانهایت شعف بمن برخورد و گفت مژده مرابده سپهسالار در خراسان فوت شده است حرف این جوان طوری بمن اثر کرد که زیاده از حد پریشان شدم صاحب جمع که انتظار زیاد ازمن داشت حالت پریشانی مرا که دید متعجب شد . راست است سپهسالار مرحوم بمن صدمه زیاد زده بود ولی بدو جهت راضی بمرك او نبودم اولا بقاعده کلیه که هیچ ذینفسی را بی‌نفس نمیخواهم دید ثانیا همه بایدبمیریم ای دوست برجنازه دشمن چوبگذری شادی مکن که برتو هم این ماجرا رود این شخص باجمیع صفات ذمیمه‌ای که داشت خیلی عاقل ودانا بود واز پولطیك واصول فرنك مطلع بود اگرپادشاه او را بواسطه ترقیات زیاد دیوانه نکرده بود بهترین خدمتکار دولت میشد امادر ظرف یکسال وزیر عدلیه بعد وزیر جنك بعدصدراعظم آنهم به‌آن استقلال که فی‌الواقع تفویض سلطنت باو بود باین جهت دیوانه شده بود و مغرور طوریکه امروز شاه میفرمودند نسبت بمن جسارت زیاد میکرد ـ خلاصه ماشنیده بودیم اما خود را بنا شنوائی زدیم اما خودشان باکمال استعجاب فرمودند واظهار تاسف ظاهری کردند در باطن چندان متالم نبودند زیراکه میفرمودند این مرد بحالتی رسیده بود که جز مرك چاره‌ای برای او نبود ومارا همیشه در زحمت داشت بلکه یکنوع حالت مدعیت پادشاه را داشت مقصودش خیانت بولینعمت بود . خلاصه جمعی رادیدم بسیارمشعوف بودند وجمعی بیدماغ‌بودند .»

در روز بعد مینویسد

شاه بواسطه تفتین وفساد سپهسالار در کارها بسیار مشعوفست از مردن او »

و ضمن وقایع روز جمعه بیست و پنجم ذیحجه مینویسد

«شاه خیلی دل پر از اعمال سپهسالار مرحوم بودند همچنین از طرف آقا وجیه (۲ میفرمودند در این مدت کم (مقصود در مدت حکومت خراسان) زیاده از شصت‌هزار تومان سپهسالار و آقا وجیه مداخل نمودندپس در این ده سال چه کرده باشند .»

مرحوم پیر زاده که میگویند با سپهسالار دوستی صمیمانه داشته است درنامه ای که منسوب باوست مینویسد

«مرحوم مغفور سپهسالاراعظم رحمةالله‌علیه در شب هیجدهم ماه ذی حجة سال ۱۲۹۸ که شب عید غدیر است ناخوش شدند در ارك شهر مشهد مقدس یك ساعت بغروب مانده به حمام تشریف بردند وغسل کردند وبدرشکه نشسته که بیایندبحرم مشرف شوند در بین راه تب کردند وارد حرم مطهر شده زیارت نمودند و در بالاخانه‌ایوان طلای صحن نوتشریف آوردند تب شدت نمود تاوقت صبح ابدا نخوابیدند وقت‌صبح باز زیارت‌نموده مراجعت بارك نمودند روز عید برای استقبال خلعت حضرت شهریاری باحالت تب تابیرون دروازه تشریف بردند و از آنجا وارد صحن مقدس شده بعد بارك تشریف آوردند سه شب دیگر ناخوش بودند و مرحوم شدند .»

روزنامه «گلوزریسیا» GOLOSSE ROSSII چاپ پطرز بورغ در شماره ۲۱

---

۱ ـ امیرقاسم خان قوانلو پدر مهد علیامادر ناصرالدین شاه

۲ ـ وجیه الهمیرزا معروف به آقا وجیه ملقب به سیف الملك ـ امیرخان سردار وبعد سپهسالار اعظم

مورخ ۲۶ ژانویه (روسی) سال ۱۸۸۲ میلادی راجع بفوت سپهسالار مینویسد

« از ایران ضمن اخبار گذشته تفصیل فوت سپهسالار راکه یکی از امنای دولت ایران بود بما اطلاع میدهند سپهسالار درسال پیش از طرف اعلیحضرت پادشاه ایران بسمت سفیر کبیری به پطرز بورغ آمده بود و بعد از مراجعت بکشور خود بحکومت خراسان مامور یت یافت • شاید هنوز مردم پطرزبورغ هیکل باوقار او را در خاطر دارند که باتفاق درویش خوشکل بلند قد عمامه سفید به تماشای آثار و غرایب شهر می پرداخت .

سپهسالار بعداز اتمام جنك مادرآخال تکه بحکومت خراسان رسیده بود یعنی درهمان وقتی که مذاکرات تعیین حدود آنطرف بحر خزر بین ما و ایران وجود داشت . آیا این مسئله سبب وعلت غضب شاه در حق سپهسالار شده یا چیز دیگر بهر حال ثمره این غضب باعث قطع حیات یکنفر از اولیای دولت ایران گردیده است .

شاه یکنفر از طایفه روحانی (ملا) را نزد سپهسالار فرستاد واو خوردن قهوه حاضر کرده خود را به سپهسالار تکلیف نموده است . واضح است که سپهسالار پیش از وقوع حادثه بتوسط دوستان خود درطهران از این قهوه اطلاع پیدا کرده بود .

سپهسالار زهر را در سرمزار یکی از ائمه مقدس دین که ایرانیان برای آن احترام زیادی قائل هستند نوشید . میگویند اموال زیاد سپهسالار راشاه توقیف کرده است .»

بطوریکه اعتماد السلطنه در کتاب وقایع روزانه دربار ناصرالدین شاه نوشته بعد ازمرك سپهسالار ناصرالدین شاه میخواست اموال سپهسالار راضبط کند ولی چون برادرانش بسفارت روس شکایت میکنند وزیر مختار روسیه برای شاه نامه مینویسد واورارا اقدام به اینکار منصرف میسازد .

در ماده تاریخ مرك سپهسالار گفته اند « حسین پای رضا زد بوس و آسود »

۱۲۹۸

۳

میرزا ملکم خان

ناظم الدوله

یکی از اشخاصی که بواسطه زندگانی مرموز وسراسر اسرار آمیز قضاوت در اعمالش آسان نیست میرزا ملکمخان ناظم‌الدوله میباشد .

عده ای مثل ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان این شخص‌را بیدار کننده ایران واز رهبران نهضت آزادی این کشور دانسته میگوید « مقام پرنس ملکم خان در ایران همان مقام و لتروژان ژاك روسو و ویکتور هوگو است درملت فرانسه وهمان قسم که ملت فرانسه بآن دانشمندان افتخار دارد ملت ایران هم باین یگانه دانشمند مینازد . » و ظل السلطان در تاریخ مسعودی مینویسد « این شخص فیلسوف و معلم اول است خالی از اغراق بعقیده من مثل ارسطاطالیس و افلاطون است بلکه از علوماتیکه امروز هست و آنروز نبوده درهردو سه هزار سال قبل برآنها برتری دارد .»

ونیزمستر ویلفریدبلنت(۱) که درژوئن ۱۸۸۰ ملکم‌را ملاقات نموده‌درتاریخ‌مخفی اشغال مصر بدست انگلیس راجع باو مینویسد که ملکم مردی سالخورده باانـدام وبینی کوچك و چشمانی سیاه که پس از مفارقت تأثیر عمیقی‌در انسان میکند واورا آگاه ترین مردان شرق میداند که درایران سی‌هزارنفر باو ایمان‌دارند ومیگوید ملکم شخصیت قابل ملاحظه‌ای‌دارد که‌تا آنوقت مثل‌اوراندیده‌بوده‌است .

ولی عده‌ای دیگر مثل اعتماد السلطنه اورا خائن و طماع وپول پرست میدانند .

نظری بزندگی وکارهای این شخص که مختصری ازآنرا دراینجا شرح خواهم داد معلوم میدارد همانطوریکه مردم میرزا ملکم‌را باسم شیاد وحقه باز میشناخته‌اند خیلی بی‌مأخذ وبی‌جا نیست و بعید بنظر میرسد که ازیك فرد وطن دوست خدمتگذار این همه اعمال و

---

1 - Wilfrid Blunt

کارهای بی‌رویه صورت پذیرد .

ملکم پسر میرزا یعقوب ارمنی اصفهانی(که بعدها اسلام‌آورد) متولد بسال۱۲٤۹ هجری قمری درجلفای اصفهان‌است . ملکم درسن ۱۷یا۱۸ سالگی برای تحصیل بپاریس رفت وپس ازاتمام مدرسه پلی تکنیك آنجا بایران مراجعت نمود وبعنوان مترجم معلمین اطریشی وارد دارالفنون شد .

ملکم خان مردی گندم‌گون وکوچك اندام بابینی بسیار بزرك و چشمان سیاه گیرنده خود در پاریس هنگام تحصیل مان یتیسم وهیپنوتیسم را آموخت وچون از بعضی کار های علمی مثل تلگراف و تلفون اطلاع داشت در تهران آنها را بنام تردستی وچشم بندی انجام‌میداد .

باآنکه این شخص درنزد عامه مردم به میرزا ملکم خان ارمنی معروف بود ولی خود را مسلمان میخواند ودرتظاهر بدین اسلام پا فشاری عجیبی‌میکرد وازشریعت‌محمدی تعریف و تمجید بسیار مینمود .

وقتیکه‌فرخ‌خان‌امین‌الدوله برای عقدمعاهده پاریس بین ایران‌وانگلیس‌بفرانسه میرفت ملکم بعنوان مترجم‌همراه هیئت‌نمایندگی‌ایران‌بود.ازنقشی که‌ملکم‌دراین‌ماموریت داشته‌اطلاع زیادی دردست نیست ولی بعد ازمراجعت‌ازاین سفر بودکه درخانه جلال‌الدین میرزا پسر فتحعلی شاه واقع در محله مسجد حوض تهران بطور سری و محرمانه انجمنی بنام فراموشخانه دایر ودوستان وشاگردان دارالفنون را بدان دعوت می‌نمود و میگویند بعد ازچهار سال‌که ملکم بدین‌کار اشتغال‌داشت الکساندر دوم امپراطور روس نامه‌ای بخط خود بناصر الدین شاه نوشت‌که «انجمن سری علیه تو ومن و برهم زدن صلاح هر دو مملکت است» ناصر الدین شاه هم دستور میدهد ملکم را تحت‌الحفظ بخانقین برده درآنجا آزادش‌گذارند . ملکم از خانقین به بغداد میرود ومدتی درآنجا بابابی‌ها رابطه وآمیزش پیداکرده سپس باستانبول عزیمت میکند .

ملکم دراستانبول بایران وایرانی بنای بدگوئی‌وفحاشی را میگذارد وگویامدتی ترك تابعیت ایران‌را میکند وحتی برای ازدواج باهانریت دختر اراکل بیك ارمنی درماه جمادی‌الاول ۱۲۸۱ هجری قمری درکلیسای ایا استفانوس ترك دین اسلام میگوید .

میرزا حسین خان سپهسالارکه درهمان هنگام وزیر مختار ایران دراستانبول بود اورا بسمت مستشار سفارت انتخاب میکند .

پس از چندی برای جلوگیری از هتاکی و فحاشی اورا بسمت سرکنسول ایران بـه مصر میفرستند ولی چـون از اسماعیل پاشا ده هزار تومان پـول میگیرد او را احضار مینمایند .

ملکم این بار در استانبول نامه‌ای مینویسد و تهدید میکندکه اگر مـرا بعنوان وزیر مختار ایران بلندن نفرستید اسرار دولتی‌راکـه نزد مـن‌است به عثمانی‌ها خواهم فروخت وآبروی ایرانی‌را خواهم برد .

ملکم چندی هم تابعیت عثمانی‌را می‌پذیرد وباکلاه فینه قرمز باماهی ٤۰ لیره‌در وزارت امور خارجه عثمانی مستخدم میشود .

وقتی میرزا حسینخان سپهسالار بصدارت میرسد ملکم‌را به تهران میخواند و بسمت «مستشارصدارت عظمی» منصوبش میکند و برای اواز «شاه» یك لقب ناظم الملکی (۱) با «نشان تمثال همایون درجه اول» هم میگیرد . پس ازچندی چون ناصر الدین شاه بسفر اروپا میرود قبلا ملکم‌را باسمت وزیر مختاری ایران بلندن میفرستند تا وسایل پذیرائی «شاه» راتهیه کند.

ملکم تقریباً مدت‌شانزده هفده سال عنوان نمایندگی‌دولت ایران‌را درانگلستان داشت ودراین مدت کارش زد وبند باانگلیس‌ها و گرفتن پول برای توسعه نفوذ آنها بود وچون درمواقعیکه ناصرالدین شاه باروپا میرفت باوادار کردن‌او بدادن امتیازات مختلف باواسطه شدن برای کارهای دیگر و گرفتن پول برای «خزانه عامره اعلی» خودراخادم وخدمتگذار و وطن پرست نشان میداد مکرر مورد محبت ناصرالدین شاه واقع میگردد وباوعنوان جناب اشرف اعطا میکند و حتی اجازه‌استعمال‌لقب «پرنسی» را باو میدهد بعد ازمرك سپهسالار مخالفین ملکم کوشیدند تااورا ازسمت وزارت مختار ایران درلندن معزول کنند ولی نتوانستند تادرسفر سوم شاه بفرنك امتیاز لاطاری‌را برای‌خود میگیرد وآنرا بمبلغ چهل هزار لیره میفروشد وبعداً چون‌بواسطه مخالفت علمای دین بااین‌امتیاز مجبور میشوندآنرا لغونمایند وملکم ازپس‌دادن چهل هزار لیره بخریدار امتناع میکند وکار بمحاکمه میکشد در تاریخ ۱٦ ماه مارس ۱۸۹۱ میلادی اعلامیه عزل و الغاء تمام القاب ومناسب او ازطرف «شاه» درلندن منتشر میشود (جریان دادن امتیاز لاطاری و چگونگی‌لغو آن و محاکمه ملکم در جای خود شرح داده خواهد شد)

ملکم از این تاریخ باانتشار روزنامه قانون شروع به حمله علیه ناصر الدین شاه وتشکیلات در بار او میکند وچون در همین هنگام سید جمال الدین اسد آبادی را هم از ایران تبعید کرده بودند سید بلندن میرود و باکمك ملکم مقالاتی بر ضد دولت و حکومت استبدادی منتشر میسازند .

دراینجا نمیتوانم سهمی‌راکه ملکم باانتشار کتب ورسالات ونشریات انتقادی‌خود ازجمله روزنامه قانون ـ کتابچه غیبیه ـ اشتهار نامه اولیای آدمیت ـ مرآت‌البلها ـ رساله ایران نظم ندارد ـ مبداء ترقی پولتیکهای دولتی‌ـایجاد بانك وغیره دربیداری‌مردم این مملکت دارد ومبارزاتی که علیه پادشاه مستبد و هیئت حاکمه جابره ایران نموده ناگفته بگذارم ولی متأسفانه مواقعی باین کارها دست میزد که مورد بی‌مهری اولیای دولت‌واقع میشد وهروقت باو پولی میدادندیا کاری مطابق میلش‌باو رجوع میکردند سر وصدایش بریده میشد .

ملکم گذشته ازانتشار مقالات و نشریات مختلف بر ضد «شاه» چند مرتبه نقشه توطئه‌هائی علیه ناصرالدین شاه طرح میکند .

ولی چون کشف میگردد بجائی نمیرسدوناصرالدین شاه تاپایان عمر از اقدامات ملکم وحشت داشت و همه وقت او را تحت نظر میگرفت . برای آنکه معلوم شود

---

۱ ـ ناظم‌الملك بعدها به‌ناظم‌الدوله مبدل میشود

کارهای ملکم در این باره چگونه وترس ناصرالدین شاه ازاو تاچه‌اندازه بود یکی از گزارشهای محرمانه‌ای که بنظر ناصرالدین شاه رسانیده‌اند ذیلا نقل میکنم .

محرمانه

«در کتابچه آخری ملکم سلطنت رامخصوص حاجی میرزا جواد مجتهد کرده است وشخصی که مجمع پسران حاجی سیدمرتضی باصوابدید اوکار میکند میرزا آقاپسر مجتهداست وچون اینها باید در خلوت ولیعهد هم‌معاون وهمدست داشته باشند عملجات ذیل ولیعهد را مصطفی‌خان فراشباشی ـ خانخان بصیرالسلطنه ـ میرزا محمدعلی‌خان برادر شریف‌الدوله وبعضی دیگر که چندان معروف نیستند باخود هم‌خیال کرده‌اندوبهر کدام ازآنها رتبه‌وامتیازی وعده نموده‌اند اگر چه این دفعه‌تیر حضرات بسنگ خورده لیکن باز در تهیه مقدمه خواهند بود و مادامیکه مفسدین بی‌تنبیه مانند محال‌است آسوده بنشینند ولازم نیست همه‌را یکجاویکدفعه بنحوواحد تنبیه نمایند بمرور وطرق مختلفه بی‌پرده میتوان تنبیه نمود اولاممکن است پسران سیدمرتضی که علاقجات زیادی دارند وغله آنها را با دیوان‌تسعیر کرده‌اند همان غله‌رابر کردانده دربازار بفقرا بفروشند ثانیا در جزو بحکام دستورالعمل محرمانه بدهند که بعلاقات آنها پیچیدگی نمایند ازاینطرف دراحقاق حقوق دیوان هزار دقت نمایند وبعضی راهم شبانه گرفته مفقودالاثر کنند والا اگر کار بهمین منوال بماند عاقبت بسیار بد وتاسف آمیز خواهد شداطلاعاً زحمت دادم ونیزاطلاعا عرض مینمایم که هرگاه باین زودیها اقدام به‌تنبیه مغرضین‌بشودمحرك حقیقی آنها البته بمقام معاونت آنها خواهد آمد و آنهم صلاح نیست و باید تنبیه آنها را بموقع و مرور گذاشت زیاده چه عرض شود .»

ناصرالدین شاه زیر این گزارش چنین نوشته

« در فقره تنبیهات پسران سید مرتضی مرد که صحیح نوشته است بایدیدراین‌ها را آتش زد و بهمین ترتیبات این‌ها را تنبیه کرد همین مسوده رامحرمانه برای ولیعهد بفرستید که در صدداین تنبیهات باشد بی‌مجازات وتنبیه سخت چطور اطمینان ازآتیه حاصل میشود .»

ناصرالدین شاه درزیر گزارش دیگری که نظر آقانماینده ایران درپاریس راجع بملکم فرستاده نوشته‌است .

«جناب صدر اعظم ـ یك حکم درکاغذ فوریه نوشته شده یکی هم‌بنویسید توکه وزیر مختار آنجا هستی حالاکه ملکم خان جای خودش‌را ازلندن تغییر داده است وبپاریس آمده است باید هر روزرا پرت حالت اورا که درچه حال‌است وچه میکند وبکی مراوده دارد ومشغول‌حقه بازی یاکار دیگراست بدهد چرا نمی‌دهی‌البته هرروز را پرت بدهد »

ملکم‌درتمام مدتی که در دستگاه حکومت ناصرالدین‌شاه دارای **ملکم وامتیازات** سمتی بود میکوشید برای انگلیس‌ها امتیازاتی تحصیل کند البته تحصیل این امتیازات برای انگلستان ازروی ایمان وعقیده وی نبود بلکه رشوه‌های انگلیس‌ها اورا باینکارها وادارمینمود چنانکه ضمن امتیازات‌دراین باب توضیح داده خواهد شد .

همانطور که گفتیم مهمتر از همه امتیاز بارون جولیوس رویتر بود که خوشبختانه بمرحله اجرا درنیامد ولی امتیازات دیگرمثل آزادی رودکارون‌وامتیاز دخانیات و امتیاز بانك‌شاهنشاهی‌و غیره که بانگلیس‌هاداده میشود نتیجه همان امتیاز شوم رویتر بوده‌است

آقای محیط طباطبائی درکتاب مجموعه آثار ملکم مینویسد

«مخالفین ملکم این وساطت او را در انجام کار امتیاز رویتر یك ضرری میدانند که عالما وعامدا و یا جاهلانه به مملکت‌زد وبا وجودی که این امتیاز درست داخل‌مرحله اجرا نشد ولی حوادثی که‌متوالیا درنتیجه

بی اطلاعی و کم تجربگی رجال تهران پیش آمد بدون آنکه سر موئی خیر و برکت از ناحیه رویتر بکشور ایران عاید کند کلیه مضرات اقتصادی واجتماعی آن را دامنگیر ملک وملت ساخت وهم اینك بانك شاهنشاهی که مدت امتیاز آن دراین ایام بپایان میرسد یادگار این عمل نابخردانه ایست که مخالفین ملکم انجام آنرا به حساب خود پرستی وبدخواهی او گذارده‌اند »

درسفرهای ناصرالدین شاه باروپا مخصوصاً سفر سوم فرنك که برای بار دوم انگلیس‌ها ازاو درلندن پذیرائی میکنند تمام فعالیت وکوشش ملکم برای گرفتن امتیاز از «شاه» مصرف میشود واغلب امتیازاتی‌را که بانگلیس‌ها میدهند براهنمائی و دلالی او صورت پذیرفته است .

چنانکه این موضوع را میتوان ازخلال بیانات ملکم درمحکمه‌ای که در لندن بواسطه کلاهبرداری او درامتیاز لاطار تشکیل شده بود دریافت

ملکم درپاسخ سؤال مستر بولارد باز پرس انگلیسی دادگاه راجع بچگونگی امتیازات میگوید .

«من پرنس‌وخان وناظم‌الدوله ایران هستم تاماه ژانویه ۱۸۹۱ چند سال بود که از طرف دولت ایران در دربار لندن سفیربودم وپس ازآن از این عمل انفصال یافته لیکن حفظ افتخارات خود را نموده‌ام و اکنون نمیدانم که سفیر هستم یانه .

مسافرت شاه در این‌مملکت وسایر بلاد فرنکستان را در سال ۱۸۸۹ بخاطر دارم قبل از آن بجهت استحصال امتیازات ازدولت ایران توسط‌مردمان‌دیگر اطلاعی نداشتم ولی مذاکراتی درافواه بود که امتیازاتی داده شده وسابق نیزاز من تقاضائی برای این امتیازات شده بود ومن امتناع میکردم بالاخره صدر اعظم بمن اصرار نمود که برای منافع مملکت آنچه در قوه دارم امتناع نکنم تااینکه خودشاه‌تاکیدبلیغ نمود که حتی‌المقدور در این مطلب بوزرای او کمك کنم اگرچه ازاول جزئی مددی دراینباب به آنها مینمودم لیکن بعد از اصرار شاه بجد وجهد عمل نمودم واگرچه قبل ازآن ازتوانگران انگلیس در این‌فقره تمنانموده بودم لیکن از روی‌اطمینان نبود اماپس از فرمایش شاه بکوشش واطمینان در این‌باب ایستادگی نمودم . در موسم تابستان ۱۸۸۹ من با شاه باسکاتلند رفتم ازجمله امتیازاتی که سابقا از من درخواست شده بود یکی امتیاز قرعه ایران بود راجع‌باین امتیاز باشاه وصدراعظم گفتگو کردم شاه وصدر اعظم هردو گفتند که در همان لحظه اعطا شود . نظر بمراتبی که در میان ماگفتگو شده بود شاه‌میخواست امتیازات دیگری نیزبمن بدهد لکن درآن مطالب قدری فکر و تامل لازم بود .

این موضوع بعداًهنگامی که امتیازات مختلف هریك درجای خود شرح داده‌خواهد شد روشنتر میگردد .

درپایان این مبحث بی فایده نیست برای اطلاع از طرز فکر و نظر میرزا ملکم خان درباره امتیازات‌متن نامه‌ای‌را که بعد ازمراجعت ناصر الدین شاه از سفر سوم اروپا بوزارت امور خارجه نوشته دراینجا نقل نمایم .

« بتاریخ هفتم اکتوبر ۱۸۸۹

فدایت شوم . مراجعت موکب همایون البته حیات تازه بایران‌آورده حسن تاثیرات این سفرصدمرتبه بیشتر ازآن شد که تصور می‌آید ـ معنی‌وقدرت دولت علیه در هیچ عصر مثل این اوقات در دنیا مرتفع نبوده است .

عموم ممالك فرنکستان هنوزهم ازکمالات وحسن‌اطوار ووسعت معلومات بندگان اقدس همایون‌شاهنشاه روحنا فداه مملو تحسین وتعجب هستند وحقیقة ذات مقدس اعلیحضرت شاهنشاهی در جلب قلوب عموم بزرگان

فرنگستان ودر ترفیع مقام دولت علیه‌چنان قدرت و کرامتها نمودند که هیچ مورخ وهیچ شاعر عشر آنرانمیتواند بیان نماید ـ اگر هم‌این سفر مبارك همایونی بعداز این هیچ نتیجه دیگر نبخشدهمین تاثیرات که‌درفرنگستان بظهور رساند ازبرای افتخار واستحکام دولت علیه یك‌سرمایه عظیم خواهد بود وحال اینکه از هر جهت آشکار است که این واقعه بی‌نظیر یعنی این‌سفر همایون درهرصورت از برای‌امور داخله وارتباط خارجه ایران فواید و نتایج بی‌حصر خواهد داشت .

لندن هنوز خالی است ودر این ۳ماه آینده که دود سیاهی مخصوص این‌شهر غلظت تام پیدا میکند هر کس بتواند فرار میکندو مطالب عمدهٔ نخواهد بود مگربعد از افتتاح پارلمانت علی‌الاجماله مطلب بزرك این‌فصل عظمت پیشرفت بانك‌ایران است‌ازرونق این‌عمل هرچه بگویم درایران بنظردروغ خواهدآمد ـ بارون‌رایتر و چند نفر ازشرکای او درظرف دوروز دو کرور وسیصد هزارتومان مداخل کردند دراین‌حساب هیچ‌اغراق نیست جمیع نکات عمل‌علنی بوده است‌باین‌معنی که از برای‌یك‌ملیان‌لیره سرمایه بانك‌صدهزار سهم‌چاپ کردند به‌سهمی ده‌لیره قیمت قرار داده‌اند وهمه این صدهزار سهم‌را بهمین قیمت ده‌لیره خودشان قبول کردند وبعد جمیع این صد هزار اسهام راهر کدامی بقیمت چهارده و پانزده لیره فروختند ومردم همه رادرظرف چندساعت بالتماس و هجوم از دست رایتروشرکای اوخریدند ازاین‌واقعه میتوان‌تصور کرد که اعتبار دولت‌علیه دراین اوقات درنظرخلق‌فرنگستان چقدر و چه معانی پیدا کرده .

این مطلب تازه که ازبرای ایران جای هزار تهنیت‌است قابل‌ومستحق این‌است که اولیای دولت ما اقلا یکروز حواس خودرا درست جمع‌نمایند وازخود بپرسند که‌واقعا این‌چه‌حکایتی‌است واین دوسه کرور تومان‌ازجیب چه اشخاصی بیرون‌آمد وبجیب کدام اشخاص رفت .

مدت سی چهل سال ملکم‌فریاد کرد که دولت ایران میتواند سالی هفتاد کرور مداخل داشته باشدعقلای ما که براین حرف اوخیلی خندیدندبعدازاین کم کم تصدیق خواهند کرد که قول اوپرتی‌پا نبوده است‌فرقی که‌خواهد بود این است که آن هفتاد کرور عوض اینکه عاید خلق ایران بشود قسمت یهودیهای خارجه خواهد شد .

قرار نامهٔ امتیاز لاتری را باچاپار سفارت انگلیس فرستاده ام البته مقارن ورود این پاکت خواهدرسید .

آنچه محقق میشود امپراطور آلمانیا از پای‌تخت یونان باسلامبول خواهد رفت‌جای دقت‌خواهد بود که ببینیم اعلیحضرت سلطان در مراسم پذیرائی همان اشکالاتی که از برای مقام‌اقدس همایون روحنا فداه برپا کرده بود از برای امپراطور آلمانیا هم‌بمیان خواهدآورد یانه .

باتلغراف مقرر شده بود که آن دوتوپ ساچمه‌زن که‌پیشکش خاکپای اقدس شاهنشاه روحنافداه شده‌بود بفرستم که توسط سفارت انگلیس تقدیم بشود خواهم فرستاد امادرست نفهمیدم که آنرا باید بنده بفرستم سفارت انگلیس چرا باید تقدیم بکند . گویا خواسته اند علاوه برآن دلایل گوناگون که در این ملك بصد وسیله اعلام ومنتشر کردند دراین موقع آخرهم به‌بنده درست حالی‌نمایند که بعداز این سفیر ایران در لندن بایدخود را نوکر سفارت انگلیس بداند .

میگویند دلغاروکی بایران نخواهد رفت ودرعوض اوموسیو اونوکه سالها در اسلامبول مترجم سفارت‌روس بود بطهران خواهدآمد .

چیزیکه مسلم است این‌است که هرسفیر تازهٔ که بایران بیاید وهرواقعه که بروز بکند ترقی وشوکت واهمیت موقع دولت علیه درزیر سایه این‌سلطنت عظمی‌وبه‌یمن بخت کرامت بخش‌بندگان اقدس همایون‌شاهنشاه ارواحنا فداه روزبروز جلوه وعلوتازه پیداخواهد کرد

دیشب سیردرمون وولف به‌بنده کاغذ نوشته بود که امروز می‌آید بسفارت ازمن وداع بکند که فردا

روانه طهران بشود از هر جهت خیلی‌تر دماغ است پیشرفت طرح از آنچه شد نصیب هیچ مامور نبوده است محل امضاء ملکم »

اعتماد السلطنه ازملکم انتقاد میکند

هنگامی که ملکم‌درلندن وزیر مختار ایران بود اعتماد السلطنه باشاره امین السلطان صدر اعظم که بعللی دل خوشی از ملکم نداشت مقالهٔ در انتقاد از ملکم بعنوان صدر اعظم مینویسد وسپس آنرا بنظر ناصرالدین شاه میرسانند وبرای مزید اطلاع عین آنرا در اینجا نقل میکنم :

«آنچه مشهور بین‌الناس است ناظم‌الدوله چندی‌قبل کتابچه در تنظیم وترتیب اساس جدید برای دولت فرستاده است ودوستان اوباهزار آب‌وتاب این کتابچه را در خاکپای همایون ودر مجلس وزراء جلوه دادند مثل اینکه بلاتشبیه یکی‌ازسور کلام مجیداست ونوشتن چنین مطالب خاصه این‌شخص فرید درلندن بودن در اطاقی آراسته ومزین ومخلی بطبع برروی حقه‌های اطلس ارم نشستن وسالی هم‌غیر حق بیست‌هزار تومان وجه‌نقد برای معاش ازدولت گرفتن وچندجلد کتب قوانین سیاسیه وبلدیه ملل فرنگ‌دور خود جمع نمودن علی الخصوص هم غیر مکلف ونامقید بودن ودوستان عزیز دردرباردولت داشتن لازمه‌اش چنین‌مطالب نوشتن است این رهبان‌معتکف لندن اولا چه مایه‌دارد که باید اقوال اورا بمنزله وحی‌منزل من‌السماء تصور کرد ثانیاچه‌دولتخواهی در راه‌مملکت وسلطنت ازاو دیده شده که بترهات او بایددل بست گاهی ایجاد فراموش خانه درایران میکند و اساس جمهوری که لازمه فراماسونی است درایران فراهم می‌آورد ومدتهای مدید شخص سلطنت ونفس‌دولت وچندین هزار نفر آحاد وافراد ملت‌را درزحمت وتزلزل میاندازد وگاهی بمامورت رسمی‌بسمت‌جنرال قونسولی بمصر میرودنه‌دوش دولت را بباد داده ازاسمعیل پاشا خدیوده هزارتومان برسم انعام تکدی میکند و گاهی کلاه فین عثمانی سر گذاشته تبعه‌آندولت میشود بعداز یاس از همه‌جا وهمه‌کس محض دوستی شخصی‌ماچنانکه رسم دوشخص شریك الخیانه‌است که باطنا باهم عداوت دارند اما درظاهر برای پوشیدن اسرار یکدیگر لابدباهم بالفت میورزند مرحوم سپهسالار او را بطهران آورد وکردآنچه کرد ودیدند آنچه دیدند که باغوای اوچه طور نخوت وغروربرمزاج سپهسالار مستولی شد که یکدفعه از دولتخواهی حالش تغییر کرد وچقدر راه صعب شد که اگر بتدابیر صائبه وحسنه پادشاه همراه نبود بواسطه سوء سلوك مرحوم سپهسالار باعاظم واعیان ایران ننگی بیرون می‌آمد که‌فقره قتل میرزا سلیمان وزیرشاه محمد صفوی ازخاطرها محوم‌شد وبعدمسئله ریتر که همینطور معوق‌مانده است‌واگر عرض کند تمام شده است خلاف محض‌است چراکه بهرکس امتیازی از آن بعد داده‌اند مخصوصا قیدشد.است که باید رفع‌ادعای ریتر رابکنند پس‌ادعا برقرار است که درامتیازنامه‌های چند نفر قید نموده‌اند که باید رفع ادعاهای اوراکرد واگر هم این مطلب قید نمی‌شد ریتر ادعای خود را مینمود چنانکه در امتیازنامه باآلئون و بواتال نمود وباشد وقتی‌که همین مسئله ریتر بواسطه بی‌مبالاتی وعدم اعتنا که رجال دولت مادر اتمام آن دارند مایه زحمتی شود که مافوق آن متصور نباشد نمی‌دانم این‌سالی‌بیست‌هزار تومان باج‌دادن باین شخص‌محیل حق ناشناس که این‌اعمال ازآن ناشی‌شده برای‌چه‌است واورا نماینده دولت در دربار دولت انگلیس که‌هزار کار در اینوقت باآن دولت داریم قرار دادند برای چیست مخفی نماند که این شخص در دربار انگلیس قولش وجها من‌الوجوه وقعی‌ندارد تقلبی که بهریتر کرده ودویست‌هزار تومان از او بتدلیس دریافت داشته و خورده بوده است او را طوری لکه زده کرده است که در اغلب مجالس رسمی عمومی هیچ دعوتش نمیکنند دولت ماکه رسم‌ندارد ایلچی بجائی مامور میکند اجزاءآن سفارت را از وزارت خارجه بفرستد که بواسطه آن اجزاء وضع‌آن سفارت معلوم شود سفارتخانه‌های مایا هیچ اجزاء ندارند ویااگردارند ازبنی اعمام سفیر وخدام‌آن سفیر است اگرسفارت لندن مااجزای خارجی میداشت حالت میرزا ملکم‌خان آنوقت معلوم میشداگر وحشتی دولت از او دارد که بعد از خلع اودر روزنامه‌ها بدنویسی خواهد کرد جواب عرض میکنم چه بدی‌است که تابحال بواسطه خوداومستقیما یابتحریك او ومرده‌اش ننوشته‌اند که بعداز این بنویسند برفرض هم باز بنویسند چه وحشتی از روزنامه هاست وچه اثری خواهد کرد برفرض هم بنای چنین فضولی راگذاشت خیلی‌سهل است او را تحت‌الحفظ ازفرنگ‌آوردن و تادیبش کردن بهتراز هیچ اعتنائی باونکردن است این‌شخص محیل هرچندی یکبار برای بهم زدن ترتیبی

که بدیاخوب در ایران برقرار است یابجهة اثبات وجودخود کتابچه نوشته دولت ما را تهدید میکند وعیب‌جوئی مینماید که حواس شخص سلطنت ورجال دولت را متزلزل نماید باید پرسید که آقای راهب خوش بخت لندن معایب گفتی اگر عاقلی وعالم چاره‌اش را بگو مثلا مینویسد خواهی‌نخواهی ایران را مجبور بداشتن قانون می کنند باید گفت مگرما قانون نداریم وچه عیب داریم ..... که ملك غضب شدی وبوم مشئوم وفنای ما را خبر میدهی مینویسد که دولت مامریض است وبهلاکت نزدیك دیریازود خواهد مرد چرا مریض است وچرا خواهد مرد این‌شخص رسمش این‌است همینکه نشان ندارد ساکت‌است وقتی‌که برای خود نشان گرفت آنوقت کتابچه در معایب دادن نشان مینویسد لقب که نداشت ساکت بود همینکه لقب گرفت لایحه در معایب لقب مینویسد مواجب که کم داشت هیچ نمی‌گفت همینکه مواجبش زیاد شد حالا اخطاری در تخفیف مخارج دولت مینگارد میرزا ملکم جلفائی چرابابد ملکم میرزای شاهزاده ایرانی خود رامعرفی کند حالت این‌شخص محیل بی‌ناموس همین‌است که نوشته شده‌اگرچه رجال دولت بهتراز اینجاکر از وضع او مطلع هستند ولی محض تذکارجسارت شد پس‌هرچه مینویسد وهرچه میگوید فقط بملاحظه اظهار شخصیت است‌وچاره‌اش این‌است که ابدا نبایداعتنائی باوکرد ووقعی بتحریرات اوگذاشت ازاین ترجمه‌ها و کتابچه نویسی‌ها شاید ماها که رهبان لندن نیستیم و حواس جمع ومعاش بی‌اندازه یا باندازه وزاید ازلزوم نداریم ومصدر خیانت هم بدولت وملت‌خودمان‌نبوده ونیستیم بتوانیم نوشت تقصیرماها آنچه معلوم میشود نبودن در لندن‌وحاضر بودن در طهران وخدمتگزاری بدولت‌ایران است والا ماکه خود حاضریم وناظر اجازه بدهید تابنویسیم وبگوئیم قصورات چه‌است وچاره‌اش چیست ودر هرفقره از فقرات کشوری ولشکری مقرر فرمایند تاماهم کتابچه عرض کنیم تامعلوم شود که میرزا ملکم‌خان ملك‌آسمان وبافرشته زمین نیست .»

ملکم بعدازعزل ازسمت‌وزیرمختاری‌ایران‌درلندن‌چنانکه گفتیم باانتشارروزنامه‌قانون (که قریب چهار سال از ژانویه ۱۸۹۱ منتشر میشد) از حکومت ناصرالدین شاه‌انتقاد میکرد وباروش استبداد مبارزه مینمود .

پس از قتل ناصرالدین شاه دردوره سلطنت‌مظفرالدین شاه بعدازبرکناری‌امین - السلطان وروی کار آمدن امین لدوله بواسطه دوستی دیرینه‌ای که بین ملکم و امین - الدوله بود میرزا ملکم خان رابسمت وزیرمختارایران درایطالیا به‌رم‌میفرستند وملکم تا پایان عمردراین سمت باقی‌بود .

راجع بفوت ملکم آقای خان ملك ساسانی مینویسد .

ملکم در سال ۱۳۲۶ در شهر لوزان (سوئیس) فوت کرد و بر حسب وصیت او جنازه‌اش‌را سوزانیدند ولی ناظم‌الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان مینویسد .

«ملکم در سال ۱۳۲۶ در روم پایتخت ایتالیا پس از آنکه وصیت نمود که مرا برحسب آئین مسلمانی کفن ودفن کنید بدرود زندگی گفت »

۴

میرزا علی اصغر خان امین السلطان

اتابک اعظم

خانواده امین السلطان

امین السلطان صدراعظم دوران استبداد ورئیس الوزراء مشروطه قریب یک ربع قرن کارگردان عمده هیئت حاکمه ایران و مؤثر درتمام شئون این مملکت بوده است .

اعتماد السلطنه در کتاب خلسه خود خانواده امین السلطان را اینطور معرفی میکند ـ جدش بنام زال از ارامنه سلماس بود و آقا محمد خان قاجار اورا جزء اسیران گرجستان بایران آورد بعد ها زال در منزل میرزا گرگین خان گرجی از منسوبان منوچهر خان معتمد ـ الدوله خواجه باشی فتحعلیشاه خانه شاگرد شد . سپس بمنزل امیر

میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک اعظم

سلیمان‌خان‌اعتضاد الدوله قاجارواقع‌درارك‌رفت‌وبحکم‌امیرسلیمان‌خان زال راختنه کردندو بکیش مسلمانیش در آوردند و در زمره غلامان امیر قرار دادند . زال در منزل خان زنی گرفت و از او فرزندانی آورد که دو پسرش را بنام ابراهیم و اسکندر خواندند مدتها این دو برادر در خانواده اولاد امیر سلیمان خان بسمت خانه شاگردی و شاگرد آبداری‌زندگی‌میکردند تاهنگامی که ناصرالدین‌میرزاولیعهد به‌حکمرانی آذربایجان‌منصوب شدمهد علیا مادرولیعهدنوه‌امیر سلیمان خان که بهمراه ناصر الدین میرزا به تبریز میرفت این دو برادر رانیزباخود برد . اسکندر بسمت آبداری ولیعهد انتخاب وبرادرش که باسم ابراهیم خوانده میشد شاگرد او شدموقعی که ناصر الدین شاه بسلطنت میرسد اسکندر بیك بعنوان سقا باشی در رأس آبدارخانه در بار ناصر الدین شاه بخدمت مشغول بود وابراهیم نیز نزد برادر بسر میبرد هرچند ابراهیم مدتی از برادر جدا شده ودر دکان کفش دوزی شاگرد شد ولی باز نزد برادر آمده در جزء سقایان آبدار خانه دربار داخل میشود .

اسکندر بیك سفری‌بمکه میرود ودر بازگشت فوت میکند ـ جا نشین اسکندربیك قاعدتاً باید فرزندش یوسف خان باشد ـ یوسف نیز باین سمت انتخاب شد ولی چون هنوز طفل‌بودعمویش‌آقا ابراهیم عملا آبدار باشی وهمه کاره‌آبدار خانه‌شد .

باری این آقا ابراهیم از اشخاص بااستعداد وباهوش وزرنك وعاقل بشمارمیرفت سواد خواندن‌ونوشتن نداشت ولی حافظه خدا دادولیاقت وکار دانی وپشتکارش او را بجائی‌رساند که دراندك مدتی «امین‌السلطان» وهمه‌کاره ناصرالدین شاه یعنی همه‌کاره ایران شد .

آقا ابراهیم امین السلطان کم کم اداره آبدار خانه وصندوق خانه و شتر خانه و قاطر خانه وانبار غله مرکزی وضرابخانه وساختمانها وباغات وقنوات ووزارت گمرك و خزانه را تحت نظر خود درآورد وکمترکاری دردستگاه دولت میگذشت که او در آن مداخله نداشته باشد .

کارها مطابق میل« شاه »وتمام افکارش برای جلب رضای او بود .

امین‌السلطان برکرسی صدارت

آقا ابراهیم امین السلطان درسال ۱۳۰۰ هجری قمری موقعی که ناصر الدین شاه بمشهد میرفت در قریه داور زن بدرود زندگی گفت وپسر دومش بنام میرزا علی اصغر خان که لقب امین‌الملکی داشت‌درسن بیست‌وپنج سالگی‌صاحب تمام مشاغل ومناصب پدرگشت‌وبلقب امین‌السلطان خوانده شد .

مرحوم عبداله مستوفی درکتاب شرح زندگانی خود راجع بمیرزا علی اصغر خان مینویسد .

« امین السلطان دوم بقدریکه پدری مانند آقا محمد ابراهیم درفکر تحصیل پسرش میتوانست باشد در کودکی وجوانه مردی تحصیلاتی البته نه چندان عمیق کرده بود ولی در مقابل هوش وحافظه و زیرکی بسزائی داشت که هرچه میدید ومی‌شنید فرا میگرفت‌ومحفوظات خودرا بسیار بموقع بکار میانداخت درضمن کمك‌هائی که بپدر میکرد چنان بکار ماهر شده بودکه بایك نظر بهر عریضه بدخطی نقطه حساس آنرا مییافت وباچند

کلمه که حاشیه آن مینوشت ازرد وقبول تکلیف را بخوبی میتوانست معین کند ـ بلند نظر وباگذشت ـ کریم و بزرگوار وگشاد بازو دراین ذمیمه بسیار بی‌پروابود. اوقات خودرا بین تفریح و کار تقسیم مینمود وقتی بکارمشغول میشد ده پانزده الی بیست ساعت بدون هیچ وقفه وتنفس کار میکرد وهمینکه بخلوت میرفت یك شبانه روز و گاهی زیاد تر بتفریح وقت میگذراند وهمه چیز حتی اوامر شاهانه‌را هم پشت گوش میانداخت صورتاً زیبا و بسیار خوش محضر و مرد مدار بود چون برادر بزرگترخودش که امین حضرت لقب داشت وبعیاشی عمرمیگذراند ازباقی برادرها دو نفر رسیده وکارآمد آنهارا کمك گرفت شیخ اسمعیل‌را که ازاین ببعد میرزا اسمعیل خان شد با لقب امین‌الملك ازطرف خود بریاست خزانه گماشت ومحمد قاسم برادر دیگرش را بالقب صاحب جمعی رئیس شترخانه و قاطر خانه کرد وگمرك‌را به معزالملك دائی خود داده کار آبدار خانه را به آبدار باشی سابق محول داشت انبار غله را به سقاباشی پدر زنش سپرد وضرابخانه‌رابحاجی محمد حسن مشهور بکمپانی واگذاشت صندوق خانه رابامین السلطنه منسوب دیگرش داد. ودراین‌وقت برای اشتغال بکارهای صدارتی بدون اینکه لقب صدراعظمی داشته باشد مهیا وآماده بود.»

باین ترتیب امین‌السلطان که بعد ازفوت پدرش جانشین او میشود پس‌ازمدت کمی کلیه کارهارا قبضه کرده وهیچ امری نبود که بدون نظر وموافقت او انجام شود.

این مرد بتدریج رقبای خودرا مغلوب وتحت سلطه خویش درآورده ویاازمیدان بدر میکند چنانکه وسائل‌عزل ظل السلطان که ازنیرومند ترین مخالفین محسوب میگشت بدست اوتهیه شد ودرحقیقت امین‌السلطان بود که‌فرزندخونخوار ناصر الدین شاه را باخدعه ونیرنك از حکومت پهناور قسمت های مرکزی و جنوبی ایران بجز اصفهان عزل کرد و همچنین دیگران مثل سید جمال الدین اسدآبادی وملکم‌وغیره‌هیچیك نتوانستند حریف او بشوند.

پروفسور ادوارد برون در کتاب انقلاب‌ایران مینویسد

«امین السلطان مردی باادب خوش خوی ودرچاره جوئی وانجام نقشه خود بس زیرك وماهرودراستتارعمال سوء نیت بسیار تودار وبااحتیاط بود.»

ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان راجع بامین‌السلطان نوشته.

«خواست نامحبوب القلوب عامه گرددوجذب‌وجلب‌نفوس‌همه‌رابطرف‌خودنمایدباهمه کس‌بطور تدلیس‌اظهاردوستی وهم‌مشربی‌میکرد درنزدمتصوفه‌اظهارددرویشی‌مینمودباطبیعی‌دهری‌بودباعاماءتدلیس‌میکردوحسن‌عقیدت‌بخرج‌میدادمتملقین راهم اطراف‌خودداشت‌ولقمه‌نانی بنزد آنها میانداخت»

لرد کرزن راجع بامین السلطان مینویسد.

«نخست وزیر کنونی که میرزا علی اصغر خان نام داردوبامین‌السلطان ملقب‌است مرد جوانی‌است که‌دراین تاریخ (۱۸۹۱) سی وچهار سال دارد وبدون استفاده از موقعیت خانوادگیش بانکاء لیاقت و استعدادذاتی خود را بعالیترین مقامات ایران رسانیده ودرسال ۱۸۸۹ که شاه باروپا مسافرت کرد یکی‌ازملتزمین مهم او بود امین‌السلطان نوه یك ارمنی وپسر یکی از درباریان بود که نخست سمت آبدار باشی شاهرا درمسافرت وگردش وشکار داشت وبعد ببالاترین مقامات رسید. این شخص اکنون وزارتخانه های داخله،دادگستری، گمرك ودارائی‌را عهده دارد و بعلاوه رئیس ضرابخانه ومدیر بنادر خلیج فارس میباشد وهمچنین عملا وزارت خارجه را هم اداره میکند من با او چند بار ملاقات کرده وبشدت تحت تأثیر هوش ارزی وقدرت اخلاقی محسوسش قرارگرفتم‌امین السلطان ظاهری گیرنده و روشی جذاب وبی‌پرده داشت وسخنان خودرا باروانی وبسرعت ومؤثر ادا میکرد او مانند دیگر درباریان که از طبقات بالا بودند تمول سرشاری بدست آورده بود که نیمی ازآن موروثی و نیمی اکتسابی بودو درمنزل زیبائی در پایتخت عمر میگذراند.

او بهیچوجه در بیان عقایدش که مشحون از آزادی وتمایلات انگلو فیلی بود اختفا روا نمیداشت وبامن تقریبا بآزادی در باره سیاست کشورش مذاکره میکرد او میگفت که درانگلستان بیش از هرچیز ثروت هنگفت نجبا که هریك پادشاهی بودند ودانش وفرهنك مردم که بتمامی فهمیده بودند وتراکم وانبوهی جمعیت بطوریکه هردهکده شهری وهرشهر استانی بود نظر اورا جلب کرده است .

دربازگشت بوطنش منظره رقت بار جاده ی ایران اورا تقریبا بگریه آورده بود وچنین اندیشید که بهترین طریق برای ادای دین خود باروپا ایجاد ومرمت جاده‌ها وتاسیس راه آهن است .

اواظهارداشت که مایل است دوپسرش که بزرگترین آنها ۱۲ سال داشت درانگلستان تربیت شوند اما مادرشان تحمل دوری فرزندان خودرانداشت . مادرباره بعضی مطالب سیاسی بایکدیگر مذاکره کرده‌ایم واکنون نمیخواهم ازآن مطالب سخنی بگویم اماهمیشه من تحت تأثیراودرتشخیص موقعیت ودرك کامل وفوری نقشه ونظریات رقبایش قرار میگرفتم .

امین السلطان که اکنون بادسیسه‌های پی درپی وضدیتهای آشکار درباریان قدیمی هم مواجه است واورا توطئه کننده وتازه بدوران رسیده میدانند برای چند سال توانسته است خودرا حفظ کند دولت او بطورکلی ازخود قدرت وموفقیت نشان داده است واگر بتواند همواره از حمایت شاه استفاده کند وازخرابی وفساد زندگی درباری ایران خودرا برکنار دارد وهم اگر بتواند ازمیان طوفانها وگردابهای دسیسه‌ها وفتنه‌ها که دراطراف یك پیشوا درایران موج میزند سربلند کند ممکن است درزندگی خویش یك خیرخواه واقعی برای کشورش باشد .

در این موقع ـ سال ۲ ـ ۱۸۹۰ ـ که وضع هر روز وخیم تر وفشار بیشتر میشود بنظر میرسد که هنوز موقعیت او استوار وپا برجاست وگمان نمیرود حسادت رقبایش بتواند دراطمینان قلبی وعاقلانه‌اش در مورد صدارتش لطمه‌ای بزند» .

هرچند امین السلطان تاسال ۱۳۱۰ هجری قمری عنوان صدر اعظمی نداشت ولی بنام وزیر اعظم درواقع تنها «همه کاره» ایران ومالك الرقاب این کشور بود

بعد ازقتل ناصرالدین شاه باز امین السلطان صدر اعظم مظفر الدین شاه بود تادر اواخر سال ۱۳۱٤ قمری که ازاین سمت عزل وبقم میرود ومیرزا علیخان امین الدوله بجای او انتخاب میگردد .

صدارت امین الدوله چندان طول نکشید که بتحریك عده‌ای (مخصوصاً خود امین السلطان) درسال ۱۳۱۷ قمری عزل ودوباره امین السلطان بجای او بصدارت میرسد وبلقب اتابك اعظم نیز ملقب میشود وتاماه جمادی الثانیه ۱۳۲۱ هجری قمری در کمال اقتدار حکومت میکند .

روابط امین السلطان با انگلیسها وروسها

امین السلطان در اوایل زمامداری تاهنگام واقعه تحریم تنباکو کاملا انگلوفیل وروابط صمیمانه‌ای باانگلیس‌ها داشت مخصوصاً با سردرومند ولف وزیر مختار زیرك وفعال انگلیس چنان نزدیك شده بود که هیچوقت کاری از امور مملکتی را بدون مشاوره و استجازه او انجام نمیداد . ـ وزیر مختار انگلیس مستشار صدیق ودلسوز و معلم دانای وزیر اعظم ایران بشمار میرفت ـ انگلیس ها نیز برای منافع خودشان باجدیت کامل ازاو پشتیبانی میکردند وچند دفعه که بعللی مورد خشم «شاه» واقع گردید وزیر مختار انگلیس تلگرافاتی مبنی برپشتیبانی وتقویت از امین السلطان جعل کرد که لرد سالیسبوری نخست وزیر انگلستان آنهارامخابره نموده وجدا مایل است امین السلطان سر کارخود باشد .

امین السلطان همیشه تمام کوشش خودرا بکار میبرد که فقط سر کار بماند وبرای

انجام این منظور از هیچ اقدامی ولو نیستی و نابودی کشور هم باشد خود داری نداشت ـ امین السلطان درراه دوستی باانگلیسها ازهیچ سعی و فداکاری امتناع نکرد . امتیازات بی‌شماری باثمن بخس و باگرفتن رشوه‌هائی برای خود واطرافیان بآنها داد که اگر واقعه رژی پیش نیامده بود و امتیاز نامه‌ها بمرحله اجرا در میآمد ایران چون هندوستان ولی بدون خونریزی وخیلی سهل وآسانتر تحت‌سلطه انگلیسها رفته بود .

این مرد ناصرالدین شاه‌را برای‌بار سوم باروپابرد ودرانگلستان پذیرائی شایانی که انگلیسها از«شاه ایران» بعمل آوردند شاید تاآنموقع سابقه نداشته‌است ودر همین سفر نشان معروف «حمام»راکه هنوز بهیچ خارجی‌داده نشده بود برای اولین‌باریه‌وزیر اعظم ایران میدهند .

امین السلطان رویه دوستی باانگلیس‌را تاواقعه‌تحریم تنباکو وشورش مردم‌ایران وشکست سیاسی انگلیس در این کشور ادامه میداد ولی از آن ببعد باز برای حفظ مقام خود تغییر روش داده و دردامان روسها میآفتد . دوستی امین السلطان با روسیه تزاری روز بروز محکم تر میشد وعلت اصلی قتلش نیز همین طرفداری ازروسها بود .

دکتر فوریه پزشك فرانسوی ناصرالدین‌شاه‌دریادداشت روز ۱۰ فوریه ۱۸۹۲ پس از شکستی که‌بسیاست‌انگلیسها درموضوع امتیاز دخانیات وتحریم تنباکو خورد راجع به تغییرروش امین السلطان مینویسد .

«جمع کثیری عقیده دارندکه در حوادث اخیر انگشت روسیه سخت دخیل واین حادثه هم یك فصل از داستان رقابت دیرینه روس وانگلیس بوده‌است ـ این دفعه غلبه‌کلی باروسیه شده‌است تاآنجاکه امین السلطان پس ازشکستی‌که درتعقیب سیاست سابق خود خورد برای آنکه ازصدارت نیفتد بازیرکی مخصوص خودرابروسها نزدیك‌کرده‌است وهمین امروز پس ازآنکه انحصار دخانیات ازمیان رفته وامید برگشت آرامش درمملکت زیاد تر شده‌است امین السلطان تغییر سیاست خود را علنی‌کرد باین معنی‌که بسفارت روس رفت و نامدتی قریب بسه ساعت بادوبوتزوف وزیر مختار مشغول صحبت بود وباو اطمینان دادکه ازروش سابق برگشته سپس اورا مخاطب ساخت وگفت ممکن‌است شما بقول من اعتماد نکنید ولی عملیات من درآینده صدق این مقال را ظاهر خواهد ساخت) روسها طبعا باید از این پیش آمد خوشحال باشند زیراکه دردست داشتن امین السلطان برای ایشان از اصرار درعزل اوکه طرف علاقه‌کلی شاه‌است بمراتب بهتراست‌بهمین جهت وزیر مختار ازصمیم قلب بامین‌السلطان اطمینان دادکه‌اگر چنانکه میگوید عمل کند مورد حمایت دولت‌روسیه وشخص‌او خواهد بود .

یکی ازعلل پیشقدمی امین‌السلطان دراین راه اخباری بودکه نمایندگان ایران ازپطرزبورغ‌و استانبول بشاه داده ولطف امپراطور روسیه‌را باورسانده بودند باین مضمون که‌امپراطوروعده داده‌است که درباب حل اختلافات سرحدی بین ایران وعثمانی وموضوع صدور تنباکوی ایران باسلطان عثمانی داخل مذاکره‌شود ، »

سیاست امین السلطان از این تاریخ نزدیك شدن با دربار روسیه تزاری بود وتا پایان عمر ازاین روش دست بر نداشت چنانکه پس ازعزلش درسال ۱۳۲۱ روزنامه‌های روسیه‌ازاوطرفداری‌میکردند ووجوداورا دررأس حکومت ایران لازم میشمردند .

برای نمونه ترجمه یك مقاله ازروزنامه نیم رسمی دربار تزار روس بنام « نویه‌ـ وریمیا » را نقل میکنم .

روزنامه «نویه وریمیا» (عصر جدید)چاپ پطرزبورغ درشماره ۹۸۸۱ مورخ ۷

سپتامبر ۱۹۰۳ (مطابق ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ قمری) تحت عنوان «عزل صدراعظم» چنین مینویسد:

«شبهه نیست که سبب عزل صدراعظم مجتهد کربلا شد (۱)

کلیهٔ برای آزادی درحرکات خودیکی ازمجتهدین شیعه‌از مملکت‌ایران خارج‌شده و درکربلا که خاك عثمانی‌است اقامت مینماید وازآنجا بتمام‌مردم وعلمای ایران راه‌نمائی مینمایدولی از قرار معلوم آنوقت که مجتهد کربلا تمام‌خیال خودش رابرای محافظت وقوت‌اسلام صرف میکرد گذشته ـ ازاتفاقات آخری چنان‌معلوم میشود که این مجتهدمحترم مداخله بکارهای پولتیکی شاه که درواقع کارهای صدراعظم باشد میکند و اسلحهٔ برای ممانعت دستهٔاز درباریهای طهران شده‌است وازآنجائیکه دول‌ذیمدخل باین‌دسته‌هاهم پول‌میدهند وهم‌ازآنها حمایت میکنند مجتهد مذکور ندانسته‌آلت فتنه‌انگلیس‌ها شده‌است وبهترین‌دلیل این مطلب کاغذ آخری‌است که مجتهد کربلا بشاه‌نوشته . رئیس‌مجتهدین اسلام‌در این کاغذ بشاه‌ایرادمیکند که چراازاهالی خارجه حمایت‌میکند وچرا ایران رابروسیه فروخته است حتی مجتهد مزبور میخواهد بکارهای خانوادگی سلطان هم مداخله بکند جواب سخت وشایانی که شاه‌بمجتهد داد دلیل‌این شد که مجتهد کربلا بعلمای ایران مخفیانه حکم کرد که شاه را از شورش مردم بترسانند وشاه بواسطه آرام کردن علمای مقتدراسلام صدراعظم راکه بعقیده‌آنها آزادی‌طلب‌بوده وجه‌المصالحه قرارداده معزول کرد .

البته خیلی‌جای‌تاسف‌است که سفارت مادرطهران نتوانست اقداماتی برضدرفتار مجتهد کربلا بکند گویا مامورین مادر ایران مثل مامورین متیمین چین‌بعد از وقوع ازکارها خبردار میشوند بطور تحقیق می‌توان گفت کسی که بتواند کارهای صدراعظم را از پیش‌ببرد نیست‌وپنج وزیرکه علی‌الحساب کارهای صدارت به‌آنهاراجع است اسباب تزلزل اساس متلاشی شده‌ایران خواهند شد کسی که امروز بتواند بکارهای دولتی‌ترتیبی بدهد وزیر خارجه مشیرالدوله است

ولی چون مشیرالدوله سالها باصدراعظم هم قدم بوده‌است مشکل است که شاه این‌شخص کار آمد کار دوست‌را مصدر این خدمت بکند وحال آنکه این‌شخص درمدت سنوات متمادیه که درخدمت دولت است‌هیچوقت بهیچوجه منافع شخصی خود را در نظر نداشته است واین صفتی است که در مستخدمین دولت ایران خیلی کم وبه ندرت دیده میشود»

کارهای امین‌السلطان او را منفور عامه ساخته بود

امین‌السلطان یك‌مرتبه ناصرالدین شاه ودوبار مظفرالدین‌شاه را باروپا برد وبادادن امتیازات‌بی‌شماری بانگلیس‌ها وروسها کشور را بسراشیبی نیستی میکشاند و چیزی نمانده بود که همین استقلال ظاهری نیز ازبین برود و ایران رسما مستعمره بیگانگان شود .

امین‌السلطان در مدتی که سیاست انگلیسی« مآبانه» داشت امتیازات زیادی به انگلیس‌ها داد چنانکه خواهیم دید فرمان اجازه کشتی‌رانی رودکارون (که قریب‌نیم‌قرن دولت ایران از اعطای آن بانگلیس ها خودداری کرده بود) در دوران صدارت‌اوصادر شد وهمچنین امتیاز بانك شاهنشاهی وامتیاز انحصار دخانیات وامتیاز ساختن راههای متعدد در جنوب وامتیاز استخراج معادن نفت‌بدارسی وغیره که هریك کمندی برای‌اسارت ملت ایران بود بدست این شخص داده‌شد .

بعد از آنکه امین‌السلطان بسیاست روسها متمایل میشودو باآنها طرح دوستی میریزد در این راه نیز امتیازات بسیاری بآنها میدهد .

---

۱ ـ ظاهراً منظور ازمجتهد مرحوم‌آخوند ملا محمدکاظم خراسانی‌باشد که‌ازمخالفین جدی‌امین‌السلطان بود وبرای عزل او نامه‌هائی به تهران مینوشت .

گذشته ازامتیازاتی مثل ایجاد بانك استقراضی روس امتیازساختن راههای‌شوسه وراه آهن واستخراج معادن شمال واستفاده از جنگل‌ها وغیره که در مقابل امتیازات اعطائی بانگلیس‌ها وبرای حفظ توازن بین‌دورقیب در نتیجه خبطها واشتباهات این مرد بروسها داده شد در اواخر باگرفتن وامهای سنگین و شرایط کمر شکن از روسیه و گروگذاردن گمرکات شمالی نزدآنها ومخصوصا باعقدمعاهده ننگین گمرکی ۲۶رجب ۱۳۱۹ که شرح آنها خواهدآمد چنان ضرباتی باستقلال ایران زد که گمان نمیرود هیچ مردوطن دوستی مرتکب این اعمال نسبت بکشور خود بشود .

کسروی در تاریخ مشروطه ایران مینویسد .

« این مرد یگانه‌آرزو وخواستش این بود که بسرکار باشد و بمردم سروری فروشد ودستش‌بگرفتن و دادن باز باشد وهمه‌هوش وزیرکی خودرا دراین‌راه بکار میبرد و برای نگهداری خوددر سرکارگردن بخواهش‌های بیگانگان می‌گذاشت .

نتیجه خیرگی وناتوانی شاه ونادرستی وبدخواهی امین‌السلطان آن بودکه درسالهای بازپسین پادشاهی ناصرالدین‌شاه امتیازهائی به بیگانگان بویژه بانگلستان داده شدکه شناخته‌ترین آنها امتیاز تتن وتنباکو بود و اینها مردم را بشورانید .»

میرزا ملکم‌خان در شماره ۶روزنامه قانون مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۸۹۱ از قول یکنفر تاجر قزوینی راجع بامتیازاتی که توسط امین السلطان بخارجی ها داده شده می نویسد :

« کسی نیست ازاین جوان شریف (امین‌السلطان) بپرسد شما بچه‌قانون حقوق روستائیان مملکت ما را باجانب ماجراجو میفروشید ـ برطبق قانون مقدس اسلام وهمه قوانین دول این‌وسائل وروابط بازرگانی حق مسلم مردم این‌کشوراست اینهااسباب وسرمایه ای‌هستندکه ماروی‌آن ارتزاق مینمائیم چگونه شما جرئت و جسارت مینمائید که این وسائل حیاتی مسلمین را بمشرکین بفروشید آیامردم ایران در واقع مرده‌اند که شمامیراث آنانرا بحراج گذاشته‌اید ؟

مدیر روزنامه قانون جواب میدهد .

«آقای تاجر محترم این‌اشخاص حق‌دارند مارا مرده پندارند درکشوریکه روزنه‌ای ازحیات پدیدار است ودر میان مردمیکه اعصاب زنده باقی‌است ـ کدام وزیر شریف میتواند باری‌چنین ننگین و پست بردوش مردم تحمیل نموده واینطور بی‌پروا باشد ! »

معروف است در اواخر درزمان محمدعلی شاه که امین‌السلطان از اروپا بازگشته وبریاست‌وزرائی‌انتخاب میشود از روش خرابکاری و اشتباهات خویش در موقع صدارت ناصرالدین‌شاه‌ومظفرالدین‌شاه‌پشیمان‌ونادم‌بوده‌ومیگفت هنگامی که درکمال اقتداروقدرت برکرسی صدارت‌ایران‌نشسته‌بود بواسطه جوانی‌وناپختگی‌قدمی برای‌بهبود کشور برنداشت ولی بعدها که در اثر تجربه و مسافرتهای خارج علم و اطلاع کافی پیدا کرده دیگر مجالی برای کار باو داده نمیشود .

بهرحال اقدامات امین السلطان وروش اوکه نتیجه آن محو استقلال ایران بود نفرت وبغض وکینه عامه را باوجلب میکرد وکم کم سروصدای مردم ازاطراف بلند شد و

بخصوص در هنگام گرفتن وام دومی در سال ۱۳۲۰ هجری قمری ازروسها اعتراضات زیادی باتابك میشد و شبنامه های مختلفی علیه او منتشرمی گشت .

در یکی از شبنامه‌ها قصیده‌ای که فخرالواعظین کاشانی سروده و چند بیت آن بشرح ذیل است درج شده بود .

ارمنی زاده میازار مسلمانانرا — بکف کفرمده سلطنت ایمان را
عاقبت خانه ظلم‌تو کندشاه خراب — پس‌چه‌حاجت که‌بافلاك کشی‌ایوانرا
داس غیرت‌چوشوددر کف‌ملت‌ظاهر — پاك‌از لوث وجود تو کند بستانرا
کاسه‌لیسی توازروس نداردثمری — کاین‌سیه کاسه‌درآخربکشدمهمانرا

سرپرسبی سایکس مینویسد :

«در این‌دوره امین‌السلطان بامخالفت شدید مردم مواجه گردید که‌چرا مملکت را ازلحاظ مالی گرفتار کرده است لکن هنوز شاه بطور ثابت ودائم پول‌طلب‌میکرد که جهت درراه بی‌ارزش ترین‌مقاصد آنرا تلف کند «پول میخواهم» کلمه ای بود که شاه‌طوطی وار فریاد میکرد زیرامدراعظم برای‌اوتوضیح داده بود که گرفتن قرضهٔ جدید غیرممکن است .

اتابك ازهرزگی هولناك ودائم التزاید شاه هراسناك گردید واین‌امر موقعیت وی‌رانزد شاه ضعیف کرد همچنین اغتشاشاتی که در غالب نقاط کشور بروز کرد موجب تضعیف حیثیت وی‌شد .»

از طرف دیگر علمای تهران مثل میرزاسید محمدطباطبائی وشیخ فضل‌اله نوری باعلمای نجف مثل آخوند ملامحمد کاظم خراسانی‌وحاجی‌میرزا حسین تهرانی دربرانداختن میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان(اتابك عظم) هماهنك شده بانوشتن‌نامه‌هائی‌مظفرالدین شاه را مجبور ساختند تا درماه جمادی‌الثانیه ۱۳۲۱ اتابك را معزول و عین‌الدوله را بجای او بنشاند .

مقارن همین اوقات تکفیر نامه‌ای از طرف علمای عتبات منتشرشد که درآن امین‌السلطان راکافر دانسته و بارتداد او حکم‌میکرد .

هر چند که بنا بگفته بعضی این تکفیر نامه جعلی است ولی برای مزید اطلاع متن آنرا در ذیل نقل مینمایم .

«بسمه تبارك وتعالی

برقاطبه اهل اسلام سیما ساکنین ایران مخفی نماند که تسلیط کفر و استیلاء اجانب برنفوس محترمه اسلامیه و بخشیدن حریت بفرقه ضاله بابیه خذلهم‌الله واشاعه منکرات واباحه بیع‌مسکرات درایران بحدی‌رسیده که جای توقف ومجال تامل باقی نمانده ویومافیوما در تزاید وآنچه درمقام تدبیر و دفع این غوایل هائله شده اثری ندیدیم واین‌نیز برماثابت و محقق گردید که تمام این‌مفاسد مستند بشخص اول دولت علیه‌ایران میرزاعلی اصغرخان صدراعظم است وپادشاه اسلام اعلیحضرت مظفرالدین‌شاهنشاه ایران خادالله ملکه در نهایت دین‌داری و رعیت پروری وغایت اهتمام را در حفظ حدود مسلمین داشته ودارد وتمام‌این مفاسد را این شخص خائن دولت و ملت اسلام برآن ذات اقدس اغفال نموده چاره جز اظهار مافی الضمیر ندیدیم ـ لهذا بر حسب تکلیف شرعی و حفظ نوامیس اسلامی که برافراد مسلمین فرض عین است به خبائث ذاتی وکفر باطنی وارتداد ملی‌اوحکم نمودیم تافاطبه مسلمین وعامه مؤمنین بدانند که ازاین وبعد مس بارطوبت میرزا علی اصغر خان جایز نیست واوامر و

نواهی اومثل اوامر و نواهی جبت وطاغوت است ودر زمره انصار یزیدبن معاویه محشور خواهد بود قوله تعالی لن یجعل‌الله‌للکافرین علی المسلمین سبیلا اللهم انا نشکوالیك فقد نبینا وغیبة ولینا بتاریخ ۲۱ جمادی الثانی سنه ۱۳۲۱

الاحقر محمدالشربیانی (مهر) الاحقرالجانی محمدکاظم‌الخراسانی (مهر) محمد حسن‌المامقانی (مهر) الجانی نجل‌المرحوم میرزا خلیل (مهر)»

قتل امین‌السلطان

امین‌السلطان پس‌از عزل از صدارت بطرف اروپا عزیمت مینماید

در هنگامی که امین‌السلطان در خارج کشور بود درایران فرمان مشروطیت صادر شد و بعد از فوت مظفرالدین شاه محمدعلی شاه بسلطنت رسید .

محمدعلی شاه در سال ۱۳۲۵ هجری قمری امین السلطان رابرای ریاست وزرائی بتهران احضار میکند وباوجود مخالفت آزادیخواهان بالاخره بایران میآیدودر تاریخ بیستم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ کابینه خودرا بمجلس شورایملی معرفی مینماید .

ظاهرا باسوابقی که امین‌السلطان‌داشت‌علت موافقت مجلس بازمامداری اوچنانکه گفته شد بواسطه ندامت وپشیمانی ازکارهای گذشته خود و فعالیت طرفداران او در طهران بود ومخصوصا نامه میرزا ملکم‌خان که درآن نوشته بود .

«امین‌السلطان آن امین‌السلطان نیست . باتجارتی که حاصل کرده بوجود امر خوشبختی ایران را باید تبریك گفت ».

خلاصه مدت زمامداری این شخص چندان طول نکشید ودر تاریخ شنبه ۲۱رجب ۱۳۲۵ هجری قمری ساعت هشت ونیم بعداز ظهر هنگامی که از مجلس شورایملی‌خارج میگشت بضرب گلوله عباس آقاجوان آذربایجانی کشته شد .

درعلت کشته‌شدن‌امین‌السلطان (اتابك) وشخص‌قاتل تعبیرات واقوال متعددی هست چنانکه بعضی‌مانندمخبرالسلطنه هدایت‌قاتل‌راموقرالدوله ومحرك را محمدعلی شاه وبعضی دیگر قاتل را یحیی میرزا و محرکین‌او رالیدران حزب سوسیال دموکرات مثل مستوفی الممالك و سلیمان میرزاو تقی زاده میدانند .

بخش دوم

۱

روابط ایران و انگلیس

و

امتیازاتی که انگلیس‌ها در ایران تحصیل کرده‌اند

شاید در دسامبر سال ۱۶۰۰ میلادی که الیزابت ملکه انگلستان فرمان انحصار تجارت شرق‌را برای کمپانی هندشرقی بمنظور تسخیرهندوستان امضاء کردسیاستمداران انگلیسی هم نقشه شوم اسارت ملت ایران ر طرح نمودند.

بهرحال مدت سیصد وپنجاه سال است که انگلیس ها چشم طمع بکشور ایران دوخته وبرای تسلط بر آن واز بین بردن استقلال سیاسی و اقتصادی ملت ما از هیچ عمل خلاف انسانیت خودداری نکرده‌اند.

اهمیت هندوستان برای بریتانیای کبیر معلوم و بگفته لرد کرزن امپراطوری انگلیس بدون هند نمیتوانست دوام بیاورد - ایران گذشته ازآنکه خودبازار خوبی برای تجارت انگلستان بود کلید هندنیز بشمار میرفت و مخوف ترین و آسانترین راه حمله بهند محسوب میشد بنابراین حفاظت هندوستان وتسلط برخلیج فارس واقیانوس‌هندلزوم در دست داشتن ایران را ایجاب میکرد.

تازمانیکه پادشاهان‌صفویه‌دراین سرزمین حکومتی نیرومندداشتند برای‌انگلیسها دست اندازی بایران میسر نبود و بعد از آن در دوره نادرشاه نیز نمیتوانستند کاری انجام دهند.

انگلیس‌ها با آنکه در دوران سلطنت کریم خان زند در تاریخ ۲۳ ذی الحجه ۱۱۷۶ فرمانی برای‌تجارت در ایران بدست‌آوردندولی عمده‌نفوذشان اززمان‌فتحعلی شاه‌و مخصوصااز هنگامی است که ناپلئون امپراطور فرانسه باتفاق پل اول امپراطور روسیه میخواست با کمك ارتش ایران بتسخیر هندوستان اقدام نماید.

ازاین تاریخ باآمدن سرجان ملکم وسپس‌سرهار فوردجونس مامورین سیاسی انگلیس روابط ایران بادولت انگلستان وارد مرحله تازه ای میشود. از این موقع انگلیس‌ها مطابق مقتضیات روز روش های گوناگونی پیش میگیرند وبرای حفظ منافع امپراطوری بریتانیا و بمنظور برده وبنده ساختن ایرانی ورسوخ در کلیه شئون‌اجتماعی این ملت جدا مشغول اقدام میگردند وبا دادن رشوه وهدایا وترویج فساد وپراکندن تخم نفاق وتقویت از خیانت کاران وبیگانه پرستان تیشه بریشه هستی مردم ایران میزنند

تازمانی که‌خطر ناپلئون هندوستان را تهدید میکرد باتدلیس و خدعه و فریب و دادن‌رشوه چند معاهده (درسالهای ۱۲۱۵و۱۲۲٤و۱۲۲۷ قمری)با دولت ایران منعقد ساختند وبموجب آنها دولت ایران ازیك طرف متعهد شد که «هرعهدوشرطی که باهر یك از دولتهای فرنك بسته‌اند باطل وساقط سازند ولشگر سایر طوایف فرنگستان را از حدود متعلقه بخاك ایران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بنادر هندندهند » ونیز از طرف دیگر دولت ایران قبول کرد که «هرگاه پادشاه افغانستان تصمیم بگیرد که به هندوستان حمله نماید چون سکنه هندوستان رعایای اعلیحضرت پادشاه انگلستان می باشند یك قشون کوه پیکر باتمام لوازم ومهمات آن از طرف کار گزاران اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ایران بافغانستان مامور خواهد شد که آن مملکترا خراب وویران نماید و تمام جدیت و کوشش را بکار خواهند برد که آن ملت بکلی مضمحل شده و پریشان گردد .»

هنگامیکه ناپلئون شکست میخورد سرگوراوزلی مأمور سیاسی انگلستان در ایران بدولت انگلیس مینویسد .

« چون ناپلئون بجزیره الب تبعید شد وسرحدات هندوستان تأمین گردیدوخطری متوجه آنجا نیست بهتر است ایران در همان‌حال توحش و بربریت باقی بماند »

بعداز آنکه از سال۱۲۱۹ هجری قمری جنك‌های ایران و روس شروع میگردد فتحعلی‌شاه برای مقابله باقشون روسیه بموجب معاهدات سابق مکرر تقاضای کمك از انگلیس‌ها مینماید ولی مقارن این اوقات چون روابط حسنه بین دولتین روس وانگلیس برقرار بود دولت ایران از این در خواستها نتیجه‌ای نمی گیرد وانگلیس ها ببهانه های مختلف نه تنها ازهر کمك ومساعدتی خودداری میکنند بلکه بااقداماتی که بنفع روسها وبضرر ایران انجام میدهند واسطه صلح میشوند وابتدا عهدنامه گلستان و سپس معاهده ننگین واسارت آمیز ترکمانچای را بایران تحمیل میکنند .

این در موقعی است که این دودولت باهم‌نزدیك میشوند وبعدها که باهم رقابت میورزند وهریك برای عقب زدن حریف وبلعیدن کشور ایران دندان طمع خود راتیز می کنند باقدامات وحشیانه دیگری دست میزنند که کمابیش دراین کتاب خواهید دید .

درزمان محمدشاه که دولت ایران برای تنبیه حاکم یاغی هرات بدانصوب لشگر میفرستد وهرات را محاصره میکند باآنکه بموجب عهدنامه سال ۱۲۲۷ هجری قمری مقرر بود که «اگر جنك ونزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگریز را درآن میان کاری نیست وبهیچ طرف کمك وامداد نخواهند کرد مگر آنکه بخواهش طرفین واسطهٔ صلح گردد .» انگلیس‌ها بااعزام قشون و فرستادن کشتی جنگی بجنوب ایران وتهدید،محمد شاه را مجبور میسازند دست ازهرات بردارد و از تسخیر آن شهر چشم بپوشد .

هنگام سلطنت ناصرالدین‌شاه که‌مجدداًارتش ایران بفرماندهی سلطان‌مرادمیرزای حسام‌السلطنه هرات رامحاصره میکند انگلیس‌ها به بهانه‌های مختلف ومعاذیر غیر موجه دولت ایران راتهدید وبعنوان حمایت از یکنفر مرد خائنی بنام میرزاهاشم‌خان با دولت ایران قطع رابطه مینمایند وبالاخره وقتی که ارتش‌ایران در ماه‌صفر ۱۲۷۳ شهر هرات

را تصرف میکند انگلیس‌ها باز بجنوب کشتی جنگی و نیرو میفرستند و پس از تصرف جزیرهٔ خارك پنج‌هزار نفرسرباز به‌بوشهر پیاده کرده وبطرف محمره میرانند وسرانجام معاهده ننگین پاریس رادر ماه رجب ۱۲۷۳ (ماه‌مارس ۱۸۵۷) بایران تحمیل می کنند .

دولت انگلستان در آنموقع برای قطع رابطه وروشن کردن‌شعله جنك بین‌ایران وانگلیس‌ها به بهانه‌های بچگانه متوسل میشد وبی‌فایده نیست برای مزید اطلاع نامه میرزا آقاخان نوری صدراعظم ایران راکه به«کنیاز کرچکوف» وزیر امور خارجه روسیه در آنوقت نوشته واز رفتار ناهنجار انگلیس‌ها شکایت کرده وبرای مقابله با نیروی انگلیس ازدولت روس تقاضای کمك میکند درحاشیه نقل‌نمایم (۱)

---

۱ ـ نامه میرزاآقاخان نوری به‌کنیاز کرچکوف وزیر امورخارجه روسیه :

«مقرب‌الخاقان قاسم‌خان وزیرمقیم‌آن دربار شوکتمداراز نصایح مشفقانه آنجناب جلالتمآب که از جانب اعلیحضرت امپراطور ولینعمت همایون خود در عالم خیرخواهی درخصوص برودت حاصله مابین ایران وانگلیس بمشارالیه اظهار داشته‌اند شرحی باولیای دولت علیه عرض نموده بود مقارن آنجناب شارژدفر آندولت نیز طالب ملاقات دوستدار شده از جانب دولت متبوعه خود اظهار مودت واینطور ادای ماموریت کرد که جنك با انگلیس برای ایران مظنه خطر وخسارت عمده است دولت متبوعه من ازراه دوستی میخواهد اولیای دولت ایران رابااین معنی ملتفت سازد تاهرچه زودتر صرف نظراز هرات کرده نگذارند که کار دولتین بخصومت باشد اولیای این دولت مراتب‌راچه‌از کاغذوزیر مقیم وچه‌ازبیانات شارژدفربسمع رضاگوش‌دادند . واعلیحضرت ولینعمت همایون من‌هم‌دلالت‌مشفقانه‌اعلیحضرت امپراطوری‌راکه محض‌جمعیت برادرانه‌وخیرخواهانه بودبقدری عزیزومغتنم شمردند که بلادرنك از متابعت آن دریغ‌نداشته ونداردند وبرای حفظ مسالمت مابین ایران وانگلیس بهمه قسم و همه طور حاضرند وازهرات اگر گرفته‌باشند کف‌برخواهند نمودواگرنگرفته‌باشند پس ازاطمینان مراجعت خواهند کرد و باقاغنه هراتی واخواهند گذاشت اماکمال افسوس حاصل است که نیت اولیای دولت ایران ودلایل واضحه بر حقیقت‌خود که دراین مسئله حاضره دارند بالمره درپرده خفا مانده ثالثی نیست که بمقام تحقیق و چاره برآید و نیز نهایت تاسف دارند که صرف نظر ازهرات وپس خواندن قشون ازآنجا بلا شرط همان خطری را برای‌ایران داردکه ازجنك باانگلیس متصوراست .

مع شئی زاید و آن گرفتار شدن‌بدست افغان بی‌تربیت است در حالتیکه هرسه حکومت هرات وکابل وقندهار متحد ویکی ودرحقیقت سلطنتی‌عمده شود . اگر چه همه اینها مفصلا بشارژدفر اظهار شد ولی مناسب دانستند وازشرایط تعظیم نصایح دولت دوست خود شمردند که دراین مقام بلاواسطه نیز منحصراً باطلاع آنجناب رسانده باشند اولیای ایران ازبدو استقرار مراوده فیمابین خود وانگلیس درمراسم خاطر خواهی و مدارا بشهادت دول همجوار وغیر همجوار هرگز درحق دولت انگلیس کوتاهی نکرده اما اولیای ایندولت افسوس دارند از مشاهده وبیان اینکه بواسطه بدگمانی وخیالات دور ودراز آندولت وبسبب زود رنجی وتوقعات بی‌اندازه ماموریت انگلیس که مختصری ازآن درروزنامه دارالخلافه مشهود شده مدارا وخاطر خواهی وحسن سلوك اولیای دولت‌علیه ثمره منتظره رانه بخشید هرچه ملاحظه میشود خلافی نسبت بانگلیس نشده که مایه ظهور این حالات باشد اگر عهد تجارتی بادولت فرانسه‌را چنانکه بارها سفیر انگلیس بزبان آورده باطناً سبب رنجش ازین دولت قرارداده‌اند اولا مراوده مابین ایران‌وفرانسه تازگی نداشته

ثانیا دروقتی منعقد شد که کمال اتفاق مابین‌فرانسه وانگلیس‌بود عوض دولت روس چرا باید دولت انگلیس برنجد واگر گذارش مستر‌مورمرا دست آویز کرده‌اند سفرای سه دولت شاهد بر کمال مدارای دولت علیه میباشند

بقیه در حاشیه صفحه بعد .

انگلیس‌ها بعداز معاهده پاریس دارای همان امتیازاتی شدند که روسها بعد از جنگ‌های طولانی وبموجب عهدنامه ترکمانچای بدست آورده بودند وبعلاوه ایران ازحق حاکمیت خود برافغانستان برای همیشه صرفنظر مینماید چنانکه درفصل ششم عهد نامه پاریس مینویسد «اعلیحضرت پادشاه ایران قبول میفرمایند که ازهر نوع ادعای سلطنت به شهر وخاك هرات وممالك افغانستان صرفنظر نموده وبهیچوجه از روسای هرات و

بقیه از حاشیه صفحه قبل

درایران میرزا قحط نبود که حکما بایستی آنکه‌را دولت علیه بدلایل حقه منکراست سفارت انگلیس بتوکری قبول نماید واگر حرکت دولت ایران‌را درباب هرات‌درنظرها نقض عهد وانمود کرده‌اند قرار نامه که جناب‌شیل صاحب بااولیای ایندولت درباب هرات قرار داد این بود که دولت ایران از تملك هرات‌باحقوقی که دارد محض رضا جوئی انگلیس صرفنظر کند واما هرگونه مراوده ومداخله راکه ازقدیم چه درعهد کامران وچه در عهدیار محمد خان داشته‌است کماکان داشته باشد واگر مدعی از سمت کابل و قندهار وخارج دیگر برای هرات بهم برسد دولت ایران قشون فرستاده دفع نماید ومراجعت کند وبخصوصه قید صریح شد ازطهران شیل صاحب‌بهرات یکسر آدم نفرستد بلکه آدمی که متوقف مشهد باشد روانه نماید که مضمون قرار نامه را بحاکم هرات حالی سازدونیز انگلیس وجها من الوجوه مراوده‌ومداخله باهرات وهراتی‌ننماید واگر خللدریکی‌ازشرایط مقرره‌حاصل شود آنقرار نامه کان‌لم‌یکن‌ولنوشته انگاشته شود .

شیل صاحب اولا چنانچه فی‌مابین دول رسم است قرار نامه که فی‌مابین دو دولت منعقد میشود باید از طرفین مبادله شود این رسم‌را عمل ننمودقرار نامه این طرف‌راگرفت که بدولت خود بفرستد وباذن اولیای‌دولت خودش نسخه بمهر خود بااولیای دولتش باینطرف بدهد تاحال قرار نامه مزبوره بمهر آنطرف باولیای این دولت نرسیده ورسم مبادله بعمل نیامده‌است .

ثانیاً شیل صاحب اول کاری‌راکه اقدام کرد فرستادن سلطان خان نویسنده سفارت یکسره ازطهران‌بهرات بود هرچه اولیای ایران موافق مکاتبات رسمیه باو اعلام کردند که خلاف نص قرارنامه نکند وبدست خود در ابطال آن‌نکوشد گوش‌نداد وصریح درضمن کاغذ رسمی باولیای‌دولت نوشت که من‌خود را درهرنوع مراوده با هرات آزادمیدانم وسلطانخان‌را برخلاف قرار نامه‌ازطهران بهرات فرستاد سوادسؤال وجوابی که دراین باب مبادله شده واصل همه‌در وزارت امورخارجه این‌دولت ضبطاست وبعینها بملاحظه شارژ دفر رسید ارسال نزد وزیر مقیم شد که باطلاع آنجناب برساند . شیل صاحب فرصت نداد که قرار نامه هرات معمول شودوخود علاینه درابطال آن کوشید وعلاوه براین سندمداخلات دیگر که‌از مستر طامسن شارژدفر انگلیس ودیگران در مداخله بهرات اتفاق‌افتادو کاغذ انگلیسی‌مستراستیونس‌قونسول که‌بقندهار فرستاد همه‌موجود وحاضراست بااین احوال برای‌اولیای‌این دولت شکی باقی نماند که‌آنهاخود نخواستند این‌قرارنامه بین‌الدولتین معمول شود اولا قرارنامه باقی نماند که نقض از اینطرف بشود .

ثانیا برفرض که باطل‌نشد وبرقرار ماند فرستادن قشون ازجانب این‌دولت کاملا مطابق مداول قرارنامه بود زیرا وقتی‌قشون مامور شد که‌امیر دوستمحمد خان ازکابل آمده قندهار راتصرف کرد واولاد کهندلخان را که در زیرحمایت ایندولت بودند ازخانواده پدری‌خودشان‌فراری‌ساخت وازانجا عزم‌تصرف هرات را جزم نمود و حاکم هرات وکل اعیان وروسای افغان‌وهراتی عریضه بدربار دولت‌علیه نوشته بجهةرفع‌تعرض امیردوستمحمدخان استمداد نمودندکه الان همه‌آن عریضجات موجود است بعدازآنکه قشون دولت بفوریان رسیدرای‌هراتی‌باغوای دوستمحمدخان منحرف‌شد بنای‌مخالفت باقشون دولت ودست بمحاربه گذاشتند واز آنطرف کاغذها بامیر دوست محمدخان نوشتند که بتعجیل بیاید هرات رابتصرف او بدهند بخود امیر دوستمحمدخان کاغذ نوشت که خود داری نمائیداینك‌آمدم همانکاغذهابدست نواب حسام‌السلطنه والی‌خراسان افتاد که الان موجوداست‌وآنوقت‌موافق همانقرارنامه‌سه تکلیف برعهده این دولت وارد آمد اولا دفع‌امیردوستمحمد خان که مدعی ومخل‌استقلال‌هراتبود.

بقیه در حاشیه صفحه بعد .

ممالك افغانستان هیچگونه علامت اطاعت ازقبیل سکه وخطبه یاباج مطالبه ننمایند ونیز اعلیحضرت پادشاه ایران متعهد میشوند که منبعداز هر گونه مداخله در امورات داخله افغانستان احتراز کند و قول میدهند که هرات وتمام افغانستان رامستقل شناخته و هرگز در صدد اخلال استقلال این‌ولایات برنیایند .....»

بقیه از حاشیه صفحه قبل

ثانیا دفع همان حاکم هرات ومتابعان اوزیراکه مقصود حفظ استقلال خاك هرات بود نه شخص حاکم هرات همینکه عیسی‌خان یاحاکم دیگر هرات مخل استقلال آن ملك‌واقع‌شد دفع‌خود اونیز بعینهٔ درحکم مدعی خارج مثل امیردوستمحمدخان برذمه دولت لازم بود پس‌در اینصورت‌نه‌ماموریت قشون بهراة ونه‌توقف درآنجا بسا بودن مثل دوستمحمدخانی درکمین وقت‌و نه‌محاصره هراة بجهة دفع خود عیسی خان که الان مخل استقلال حکومت‌وامنیت هرات ومنتظروقت وفرصت برای تسلیم آن ملك‌بدست غیراست هیچکدام برخلاف حق‌وقرارنامه نبوده ونیست واگرعهدی هم‌برفرض بوده‌است بهیچوجه تصور نقض آنرانمیتوان نمود

ثالثا رفع بدنامی وحفظشان دولت چرا که قشون را باصرار ازدولت خواستند وبعداز مخارج گزاف و خواهش نمودن قشون بعجز وانکسار توپ وتفنك بهمان قشون بستند سواره هراتی وافغان تابغوریان بتاخت اردوی همایون آمد علاوه براینها شکی نیست که بمحض مراجعت قشون‌از هرات‌امیردوستمحمدخان آمده هرات‌راتصرف خواهد شد آنوقت باداشتن کابل وقندهار وهرات وبلخ قطع‌نظر از تفاصیل مزبوره گویا نزد هیچ عاقلی جای تشکیك نباشد که اگر جناب مستر‌مورهوزیر مختار انگلیس مقارن ظهوراین حوادث بدون جهة قطع مراوده بادولت ایران نمیکرد ودوستی دولتین رابناگاه در مخاطره نمی‌انداخت باحضوراوممکن بود که اولیای این‌دولت از طرف امیر دوستمحمدخان وبقای استقلال قندهار وهرات وخطرات‌سمت خراسان وکرمان وبلوچستان‌اطمینان حاصل کرده عجله واضطراب درفرستادن وتحمل مخارج گزاف ننماید ودوستمحمدخان نمیتوانست همه‌جا شهرت بدهد که حرکات من‌باشاره دولت انگلیس‌است‌امابرعکس این‌معنی قطع مراوده خود را درچنان وقت خطرناك نموده بنای آسودگی این‌دولت را متزلزل ساخت وهرروز وهرساعت خبری‌درافغانستان وخراسان وداخله ایندولت بپیچید که وزیر مختار انگلیس عامدا دراین هنگام اقدام باین عمل‌نمود میرزاهاشم‌خان قابل آن نبود که وزیر مختار بیدق سفارت رادر سرآن پائین بیاورد خیالات دوروزدیك قوت‌تمام گرفت که البته درباطن خیالی‌عهده‌داشته واین فقره از راه بهانه‌جوئی بوده‌است دراینصورت آیاتکلیف اولیای دولت ایران چه بود جزاینکه در حفظ مقام احتیاط کار دولت خود برآیندعلاوه‌براینها شکی نیست که‌بمحض‌مراجعت قشون از هراة امیردوستمحمدخان آمده هرات رامتصرف خواهدشد آنوقت باداشتن کابل وقندهار وهرات وبلخ‌ومضافات وبستگی آشکاراوبانگلیس وتقویت‌های باطنی وظاهری که باو میشود چنانکه‌استعدادهای کامله برای اوفرستاده تا درکارند بفرستند کیست که دولت ایران را ازشر افغان محافظت نماید آیاکی ضامن حفظ خراسان وکرمان و بلوچستان بلکه داخله ایران ازصدمات وتاخت وتاز افغان خواهد شد ازانصاف اولیای دولت اعلیحضرت امپراطوری سئوال میشود که اولیای ایران دست برروی دست گذاشته علاینه وآشکار منتظر ورود هرنوع صدمات افغانستان باشند که‌همیشه در حین فرصت بدولت ایران زده‌اند و نیز بسیاری نگذشته است که دولت صفویه بدست محمود اشرف افغان برچیده شداز خانواده سلطنت صفویه اززن ومردباقی نگردند مقابرآنها که صدوسی‌نفر رادر یکجا دربقعه متبرکه قم دفن کرده‌اند درمد نظر است دولت ایران طالب تصرف هراة نیست ومقصود مملکت گیری ندارد همان طالب حفظ‌انتظام‌داخله خود وآسودگی ازبقای این سلطنت است اگر امروز دولت انگلیس اطمینان بدهد که امیر دوستمحمدخان بکابل‌برگردد ـ قندهار بدست اولاد کهندلخان برسد هرات درحکومت مستقله خود باقی باشد خود انگلیس هم حالا ومالا بمقام تصرف افغانستان نخواهد برخواست همان آن‌حکم باحضار قشون و صرفنظر از ملك هراة میشود اما اولیای دولت ایران نمیدانند که دول بزرك باانصاف که اینهمه خسارت گزاف این‌دولت رادر عهده‌کی قرار خواهند داد اولیای دولت ایران ازبدوظهور این‌حالات‌بهرزبانی که بود حالی دولت انگلیس کردند

بقیه در حاشیه صفحه بعد

وبقول ویکتور برار[Victor Berard] نویسندهٔ فرانسوی در کتاب انقلاب ایران «این مسئله دیگر وحدت ایران را یکباره ازمیان برد .»

☆ ☆ ☆

انگلیس‌ها از همان اوایل قاجاریه به بهانه‌های مختلف ودست آویزهای گوناگون چه بوسیلهٔ قراردادها وعهدنامه‌ها وچه بازور وتهدید باغلب جزایر مهم خلیج فارس وسواحل جنوبی ایران دست یافتند چنانکه مثلا درسال ۱۲۳۶ بنام جلوگیری از دزدان دریائی پادگانی در جزیرهٔ قشم تمرکز دادند وسپس شیوخ آن نواحی را که تابعیت ایرانی داشتند مانند عمان وبحرین ومسقط و کویت وغیره درزیر حمایت خود گرفتند وبا بعضی مثل شیخ محمره (خرمشهر) مستقیما وارد مذاکره ومعامله شدند تا بدین ترتیب حکومتهای نیمه مستقل که دست نشانده خودشان باشد تشکیل داده وگاه وبیگاه اسباب زحمت ودردسر دولت ایران را فراهم بیاورند .

خلیج فارس حکم یك خلیج انگلیسی راپیدا کرده بود که هرچند بچند یك دسته کشتی جنگی دولت انگلستان بادبدبه وشکوه مخصوص وارد آن شده و شیوخ ساده لوح آن نواحی را بالقب ونشان وحمایل میفریفتند ومیخ تسلط خودرا در آن نقاط محکم‌تر وپایه اقتدار دولت ایران را سست‌تر میساختند .

انگلستان نمیتوانست علنا ایران را با نیروی نظامی تسخیر کند زیرا این عمل گذشته ازاشکالات زیاد بواسطه رقابت شدید موجود بین روسیه وانگلستان بقول لرد کرزن اگر انگلیس‌ها درایران یك قدم برمیداشتند روسها دوقدم جلومیآمدند وچون پیشروی روسها در ایران برای امنیت هندخطرناك بود مامورین سیاسی انگلستان برای رسیدن بهدف ومنظورخود دستور داشتند باترویج فساد وتحمیل یك عده مردم پست ونالایق ودست نشانده بعنوان هیئت حاکمه وترویج فقرومرض وجهل ایران رابقبرستانی مبدل سازند که ساکنین آنرا یك عده مردگان متحرك تشکیل دهند تا هیچوقت برای مقاصد پلیدشان رادع ومانعی دربین نباشد .

بعداز جنگهای ایران وروس وشکست ایران وعقد معاهدهٔ ترکمانچای « شاهان قاجاریه » بدربار تزاران روس متمایل شده وبواسطه چشم زخمی که ازآنها دیده بودند بیشتر ملاحظه همسایه شمالی را مینمودند .

انگلیس‌ها برای آنکه این نفوذ را خنثی کنند سعی میکردند حتی المقدور صدراعظم

بقیه از حاشیه صفحه قبل

ودر روزنامه دولتی نوشتند که شاید اقدامی در حصول اطمینان این دولت نمایند نشد دراین احوال حاضره واطلاع برنصایح مشفقانه دولت بهیه روسیه نیزباشد رضا وبکمال شوق طالب شدند وآرزو نمودند که چه میشد درهمین آن قرار حصول این اطمینان داده میشد و فورا حکم باحضار قشون صادر میگشت و دوستی قدیم این دولت با انگلیس درمخاطره نمی‌افتاد اماچه فایده که مامول اولیای دولت ایران بحصول نرسید درهمان مخاطره ونشویش باقی‌ماند اگر مقصود دولت انگلیس مراجعت قشون این دولت از هراة است بااینکه حق‌ندارد به‌آن تفصیلاتی که در فوق نوشته شد مراجعت می‌شود واگر مقصودش زورآزمائی است البته دولتهای منصف بزرك در روی زمین هستند که قراری بجهت آسودگی دول دیگر که بایشان تعدی وظلمی ازدولتهای زوردار نشود داده‌اند و هیچوقت خود را از اصلاح ومیانجی گری منصفانه کناره نگرفته‌اند اکنون حالت انگلیس از اینقرار است که نوشته شد ناحق مودت وهمراهی دولت روس وغیرت منصفانه اعلیحضرت امپراطوری چه اقتضا نماید شان خطیر آن اعلیحضرت زیاده برآنست که فقط بنصیحت وتجدید اکتفا فرمایند واسباب اصلاح نچینند درهرحال دولت ایران بهمه‌جهة درنصیحت شنوی وسلوك جاده استقامت حاضرومهیا است زیاده چه زحمت دهد حوره فی ۲۴ شهرصفرالمظفرسنه ۱۲۷۳»

های ایران ورجال موثردیگر وحاکم ایالات ایران اشخاصی باشند که نسبت بسیاست همسایه جنوبی همراه ووابسته ودست نشانده آنها باشند واغلب نیز دراین منظور باروش خدعه وتزویر وسیاست ماهرانهٔ خودتوفیق حاصل میکردند .

میرزا آقاخان نوری-میرزاحسین‌خان سپهسالار -میرزاعلی‌اصغر خان‌امین‌السلطان مخصوصا از اشخاصی بودند که باکمك ومساعدت انگلیس ها بمنصب صدارت ایران رسیدند .

بااین‌ترتیب انگلیس‌ها بادردست داشتن مؤثرترین اشخاص، دربار ودولت‌ایران را تحت اختیار خود در میآوردند وآنوقت زمانی بادادن پول ووعده مقام و پشتیبانی وگاهی باتهدید بعزل وخلع وحقه بازی هرچه‌میخواستندمیگرفتند وهر کاری راکه اراده میکردند انجام میدادند .(۱)

☆ ☆ ☆

انگلیسها از اواسط نیمه دوم‌قرن نوزدهم برای بسط نفوذ مادی و معنوی خود در ایران باتزویرو«پشت‌هم‌اندازی» بگرفتن‌یك‌سلسله امتیازات‌اقتصادی وتجارتی اقدام‌نمودند ولی همیشه از این امتیازات برای پیشرفت امور سیاسی خودشان حداکثر سوء استفاده را میکردند .

بعداز عقد معاهده پاریس (مورخ بسال ۱۲۷۳) انگلیسها بواسطه احتیاج بداشتن یك وسیله ارتباط سریع ومخابراتی‌بین‌انگلستان وهندوستان اقدام بکشیدن سیم‌تلگرافی بین لندن وکراچی میکنند و چون میبایست این‌سیم ازایران نیز بگذرد مامورین‌انگلیسی درصددگرفتن اجازه وامتیازی برای ایجاد سیم‌تلگراف وتاسیس تلگرافخانه درایران بر میآیند وبالاخره بامذاکرات زیاد ودادن رشوه بدرباریان موفق میشوند که در تاریخ ٦فوریه ۱۸٦۳ (۱۲۸۰) اولین باری امتیازی برای کشیدن سیم تلگراف از خانقین بطهران‌وازطهران‌ببوشهر درشش‌فصل‌تحصیل‌نمایند وسپس باگرفتن امتیازات بعدی عده زیادی ازافسران وافراد ونظامیان انگلیسی بقصد کشیدن سیم‌تلگراف و تشکیل تلگراف خانه واداره تلگرافخانه‌ها بایران اعزام میکردند .

لردکرزن درکتاب خود مینویسد .

«انگلیس‌ها که در تمام ایران برای سرپرستی تلگرافخانه‌ها متفرق شده‌اند با تمام طبقات مردم تماس دارند و باآنها همیشه در آمیزش هستند از حاکم محل گرفته تابرزگرو دهاتی باهمه‌آنهامراوده دارند .مامورین دولت انگلیس همیشه‌در امتداد سیم‌ها حرکت‌کرده بااطلاع مختصری که ازطبابت دارند بامیل مفرط بمعالجه بیماران ودادن داروی‌مجانی به‌آنها اقدام میکنند

..... این صاحب منصبان غالبا درنزاع‌های محلی‌بین‌ایرانی‌ها حکم واقع میشوند اغلب اوقات اشخاص

---

۱ - درکتاب زندگی جرج کانینگ نوشته «جرج چهارم پادشاه انگلیس (۱۸۲۰-۱۸۳۰) به جرج کانینگ‌صدراعظم انگلستان خطاب کرده میگوید - مطلبی راکه زمانی یکی ازپادشاهان جدا بمن اظهار نمود هرگز فراموش نمیکنم آن مطلب این‌است - دولت انگلیس شما فقط برای این خوب است که ازاراذل واوباش حمایت کند ورجال درست وامین را تهدید نماید

آقای کانینگ‌عقیده شمادر این‌باب چیست آیاگنجینه مهمی از حقیقت در این گفتار نیست. کانینگ جوابی نداد .»

مظالوم وآنهائیکه درتحت فشاروتعدی متنفذین واقع میشدند فرارکرده به‌تلگرافخانه انگلیس پناهنده میشدند وهمینکه چنین شخصی وارد محوطه تلگرافخانه میشد از تجاوزات مصون بود . حال تلگرافخانه‌های انگلیس حکم‌یك بست ایمنی راپیدا کرده وصاحبمنصبان عالی درجه تلگرافخانه‌ها درشهرهای بزرك مشیر ومشار حکام‌و شاهزادگان و طرف شور ومشورت آنها میباشند .....

منافعی که ازاین موسسات وازحضور عمال انگلیس عایدایران شده آن‌اطلاعات محلی است که صاحب منصبان انگلیسی بدست‌آورده‌اند .....»

لرد گرزن درجای دیگر اظهار تاسف میکند و میگوید .

«..... ازاین همه نفوذهای محلی واطلاعات تاریخی این‌مردان لایق وقابل ودرحقیقت فداکار که دراین قسمت‌ها ونواحی سالها سربرده‌اند از وجود آنها بقدری کم استفاده شده‌است که درواقع میتوان گفت هیچ‌بوده وبسیار اسباب تاسف است که هیچ نوع سعی‌وکوشش از طرف دولت‌انگلستان نشده‌است که‌از اطلاعات‌وخدمات ونفوذ این‌اشخاص استفاده کنند واگرهم‌شده بسیارکم‌واندك بوده‌است .

در یکی دومحل‌های مهم اولیای امور محلی روسای تلگرافخانه هارا در امور سیاسی طرف اعتماد خودشان قرارداده‌اند .....»

فردریك گلداسمید Sir Frederic John Goldsmid که در سال ۱۸۷۲ بین ایران وافغانستان حکمیت میکند وقسمتی از سیستان وبلوچستان را از ایران مجزا میسازد از همین مامورین انگلیسی بود که برای ایجاد سیم تلگراف و تاسیس تلگرافخانه سابقا بایران آمده بود

تحصیل امتیاز برای استفاده از منابع حیاتی ایران‌بااعطای‌امتیاز بارون‌ژولیوس رویتر سرمایه‌دار انگلیسی در سال ۱۸۷۲ شروع میگردد .

قبل ازاین‌تاریخ گفتگوومذاکرات‌زیادی برای‌اعطای‌امتیاز استخراج‌معادن‌ایران وایجاد راهها‌وتاسیس‌بانك وغیره بین‌اولیای دولت ایران‌وانگلیسها‌ودیگران‌بعمل‌آمده‌بودولی‌هیچ یك به نتیجه‌ای نرسید تامیرزا حسین‌خان سپهسالار برکسی صدارت ایران قرار گرفت وامتیازی که ایران رابصورت مستعمره انگلستان در می‌آورد بیك‌نفر انگلیسی بنام‌رویتر داده شد هرچند بطوریکه بعدا بتفصیل شرح داده خواهد شد امتیاز نامه رویتر جامه عمل نپوشید ولغوشد ولی‌ازآن تاریخ ببعد اروپائیان مخصوصا انگلیس ها و روسها با استظهار وتقویت دولتهای متبوع خود برای تحصیل امتیاز وبهره برداری ازمنابع حیاتی ایران وضمنا توسعه‌اقتدارونفوذسیاسی‌خودباین کشورمتوجه وبااستفاده ازحق‌کاپیتولاسیون بیك سلسله اقدامات خلاف اخلاق وانسانیت دست زدند .

تحصیل امتیاز توسط انگلیسها مخصوصا از سال ۱۳۰۶ هجری قمری (۱۸۸۸) که فرمان اجازه کشتی رانی رودکارون صادر می‌گردد وامتیازتاسیس بانك شاهنشاهی بجای امتیاز ۱۸۷۲ برویتر داده می‌شود توسعه پیدا میکند وتمام منابع مختلف ثروت کشور ماباسم امتیاز باثمن‌بخس باجانب واگذار میگردد .

نظری بامتیازات متعددی که انگلیسها باکمك رشوه از ایرانیان گرفتند هدف شوم آنها را بخوبی معلوم مینماید واگرآنها موفق باجرای آن امتیاز نامه‌ها می‌شدند

هیچیك از منابع حیاتی واقتصادی ایران دردست خود ایرانیان نبود و بطور کلی‌مالك تمام منابع ثروتی این کشور (بجز قسمت‌های شمالی که دردست روسها بود)انگلیس ها بودند .

در امتیازاتی که انگلیسها درایران تحصیل مینمودند دولت انگلستان مستقیما با ایران طرف نبود بلکه‌اشخاص سرمایه‌داروشرکت‌های تجارتی باراهنمائی وپشتیبانی‌دولت انگلیس واحیانا بازور وتهدید آن دولت امتیازی‌بدست میآوردند وامتیازنامه را پادشاه وصدراعظم ووزراء ورجال دیگر دولت ایران وصاحب امتیاز تبعه انگلیس در حضور وزیر مختار انگلستان امضاء میکردند وسپس بمهر سفارت ممهورمیشد .

در اغلب مواقع که نمایندگان کمپانی‌ها و سرمایه داران آن کشور برای‌تحصیل امتیازی بایران میآمدند وبجهاتی دولت ایران بتقاضای آنها ترتیب‌اثر نمیداد یاشرایطی که مورد موافقت آنها نبود پیشهاد میکرد وموجبات عدم‌رضایت این‌اشخاص وموسسات فراهم میشد مثل‌آن بودکه دولت انگلستان را ازخود رنجانده است وغالبا با تهدید و اعتراض شدید سفارت انگلیس مواجه میگشت .

شاید اولین موسسه ای که سرمایهٔ خود رادرظاهر برای‌گرفتن امتیازات اقتصادی ودر حقیقت درراه انجام مقاصد سیاسی دولت‌انگلیس در ایران بکارانداخته است‌موسسه [New OrientalBank] (بانك‌جدیدشرقی) است که‌بیارون ژولیوس‌رویتر بجهت بهره بر داری‌ازمنابع‌ایران‌پول قرض میدهدو بعدهاهمین بانك قبل‌از ایجاد بانك شاهی شعبه‌ای در تهران تاسیس مینماید .

در سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه ودوره پادشاهی مظفرالدین شاه که کار عمده هیئت حاکمه ایران باسم اعطای امتیاز فروش منابع حیاتی کشور ما باجانب بود از سرمایه داران وصرافان انگلستان شرکت‌ها و کمپانی‌های‌زیادی بنام‌های مختلف‌برای بدست آوردن امتیازوتاسیس‌موسسات باصطلاح‌تجاری واقتصادی درکشور مادرانگلستان تشکیل میگردد مثل‌کمپانی همایونی ایران‌وانگلیس

Societe Imperiale Anglo Persane .

Persian Investment Corporation. موسسه بهره‌برداری‌ازسرمایه در ایران

Anglo—Asiatic Syndicate . سندیکای آسیائی انگلیس

Franco Persian Company. کمپانی ایران و فرانسه

State Lotteries بخت آزمائی‌های‌دولتی

Imperial Bank Of Persia بانك شاهنشاهی ایران

مؤسسه حقوق استخراج معادن بانك ایران

Persian Bank Mining Rights Corporation.

مؤسسه شاهنشاهی دخانیات در ایران

The Imperial Tobacco Corporation In Persia.

شرکت استخراجات اولیه First Exploitation Company Limited.
شرکت نفت بختیاری Bakhtiari Oil Company.
و بالاخره ـ شرکت نفت ایران و انگلیس Anglo Persian Oil Company

در امتیازاتیکه به بیگانگان داده میشد هیچوقت رعایت منافع ایران و مقتضیات مملکت را نمیکردند زیرا دهندگان امتیازات فقط بفکر دریافت حق‌الامتیاز ودر آمدی که بعداً از آن حاصل میشد بودند وگیرنده نیز در پی منافع خود ودوشیدن مردم ایران وپیشرفت مقاصد سیاسی وبالاخره تصاحب وتملك مورد امتیاز میرفت .

اعطای قسمتی از امتیازات به بیگانگان تنها بازور وتهدید نبوده ونمیتوان عاملین آنرا بی‌تقصیر ومجبور قلمداد کرد بلکه اغلب بادادن مختصری لیره طلا به رجال خائن وبی‌اطلاع بگرفتن امتیاز طویل‌المدة توفیق حاصل میکردند. (۱)

رقابت روسها با انگلیس‌ها در تحصیل امتیازات

چنانکه گفتیم بزرگترین رقیب انگلیس‌ها در ایران روس‌های تزاری بودند .

رقابت این دو دولت نیرومند استعماری درقرن نوزدهم برای کشور ما متضمن لطمات وصدمات زیادی بود که گمان نمیرود سالها آثار شوم آن ازبین برود .

دراواخر قرن نوزدهم واوایل قرن بیستم بواسطه شدت فساد دستگاه اداری مملکت ووجود هیئت حاکمه بی اطلاع ونالایق که منابع ثروت کشور مارا بمعرض حراج گذارده بودند وامتیاز پشت سرامتیاز بروسها وانگلیس ودیگران میدادند رقابت دو دولت نامبرده نیز به منتهای درجه رسیده بود و بقول لرد کرزن صحنه ایـران مانند صفحه شطرنجی

---

۱ ـ ممکن است پرسیده شود که چرا درآنوقت باتباع ایران وسرمایه داران ایرانی انحصار و امتیازی داده نمیشد باچرا ایرانی‌ها باین کارها تن درنمیدادند یااگر امتیازی ایرانیان میگرفتند چرا پیشرفتی نمیکرد ـ علت اصلی این‌امر رابابد در روش فاسد حکومت ایران دانست .

در سابق تجار وسرمایه‌داران ایران حاضر نمیشدند برای تشکیل شرکت‌های بزرك یاگرفتن امتیاز به منظور ایجاد کارخانجات واستخراج معادن وکشیدن راه‌آهن وساختن راه وغیره سرمایه‌های خود را بکاربیندازند زیرا بواسطهٔ نبودن قانون وعدم حمایت ازآنان وبعبارت دیگر عدم امنیت قضائی هیچگونه ضمانت اجرائی برای ایشان وجود نداشت . مثلا امتیازی برای دایرکردن فلان کارخانه یابهره‌برداری از فلان معدن ازدولت می گرفتند و قرار دادی منعقد میساختند ـ اگر روزی «شاه» هوس میکرد بدون هیچ عذروبهانه‌ای آن‌قرار داد را بهم بزند وصاحب امتیاز بدبخت رابروز سیاه اندازد چه کسی میتوانست حرفی بزند؟یا اگر زحمات وکوششهای او بجائی میرسید ومحصول کارش مورد توجه واقع میشد و«شاه» میل میکرد آنرامالك شود آیـاآن شخص می توانست ازپیشکش سرمایه خویش خودداری کند ؟

بهمین جهات فقط خارجیان میتوانستند بواسطه استفاده ازحق کـاپیتولاسیون وحمایت دولت متبوعشان ازگرفتن امتیاز وبکارانداختن سرمایه شان درایران برخوردار شوند وچنانکه‌دیدیم تقریبادرذیل‌اغلب‌امتیازنامه ها امضاء نماینده سیاسی دولتی که صاحب‌امتیازتبعه آن‌است دیده میشود .

شده بود که حرکت یک طرف باحرکت واقدام طرف دیگر مواجه میگشت واین دورقیب استعماری میکوشیدند تایکدیگررا «مات» سازند وحریف‌را ازمیدان بدر کنند

تاهنگام تدوین فرمان اجازه کشتی رانی رود کارون (۲۴ ماه صفر ۱۳۰۶ هجری قمری) باآنکه قبلا امتیازاتی بمنظور ایجاد راه آهن وغیره به بیگانگان داده شده بود ولی‌هنوز چندان زیان وصدمه‌ای‌برای استقلال کشور ها نداشت‌وغالباًامتیازی که‌انگلیس‌ها میگرفتند بواسطه عملیات روسها ازبین میرفت ویابالعکس اگر روسها بتحصیل امتیازی موفق میشدند بواسطهٔ اقدامات انگلیس‌ها بجائی نمیرسید چنانکه بهترین نمونه دراین موارد همان امتیاز بارون ژولیوس رویتر را باید ذکر کرد که مخالفت روسها ازعلل‌مهم لغو آن‌بود واغلب دراین مواقع ناصرالدین‌شاه حد اکثراستفاده‌را ازرقابت‌ومخالفت‌های این دو حریف میکرد .

اما بعد ازآنکه سر درومندولف وزیر مختار زیرك انگلستان باکمك میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدر اعظم وقت فرمان آزادی رود کارون را که انگلیس‌ها قریب پنجاه سال برای تحصیل آن میکوشیدند بدست میآورد جریان صورت دیگری پیدا میکند .

پس ازآن روسها وانگلیس‌ها بجای آنکه عملیات یکدیگررا خنثی کنند بجبران امتیازی که بوقیب داده میشد تقاضای اعطای امتیاز دیگری برای خودشان مینمودند

امتیازی روسها میگرفتند عین همان راچندی بعد انگلیسها تقاضا میکردند ویا بالعکس درجنوب امتیازی بانگلیس‌ها داده میشد روسها مانند آنرا در شمال میخواستند نوکران چیره‌خوار ایرانی نمای آنها هم در نزد «شاه» مسابقه وطن فروشی و حراج مملکت‌راگذارده وباگرفتن مزد خود درمحو استقلال کشور میکوشیدند .

در تحصیل امتیازات تااوایل سال ۱۸۹۲ (۱۳۰۹ هجری قمری) که امتیاز نامه انحصار دخانیات بواسطه شورش مردم ایران لغو میگردد باصطلاح ابتکار عمل دردست انگلیسها بود ولی در این موقع که بسیاست انگلستان در ایران شکست سختی میخورد امین السلطان وزیراعظم دولت ایران بسفارت روسیه میرود و بقول اعتماد السلطنه با دبوتزوف‌وزیرمختار روس عهد وپیمان می‌بندد و چنین میگوید : «..... سیدی و مولائی دولت روس ازمن چه میخواهد اگر بانگلیس‌ها چندی راه مودت پیمودم لحبط کردم خطا نمودم ..... عفو کنید بعذر خواهی آمده‌ام‌حالازاهی که باانگلیسها میروم ظاهرسازی‌است بعدها منافع شما خواهم بود امتحان کنید تجربه نمائید ببینید آنچه‌میگویم قول‌است‌یافعل گفتار است یا کردار .....»

امین‌السلطان‌همانطور که گفته بودبعد ازاین جریان بسیاست روسها متمایل میشود وهرچه میخواستند بی مضایقه دراختیارشان میگذاشت وتاپایان عمر ازاین رویه دست بر نداشت مخصوصاً در اواخر دورهٔ سلطنت مظفر الدین شاه باگرفتن قرضهای کمر شکن وتغییر تعرفه گمرکی نفوذ روسهای تزاری را در این کشور چنان بسط وتوسعه داد که در هیچ تاریخی این اعمال سابقه ندارد .

در سالهای آخر دوران سلطنت ناصر الدین شاه که امتیازات بیشماری به بیگانگان داده میشود « محض اطمینان دولت علیه از حسن جریان امور امتیازات بکمپانیها » مقرراتی تحت عنوان « دستور العمل مجلس تدقیقات امتیازات» تهیه نمودند که متن آنرا در کتاب «اولین مقاومت منفی در ایران» صفحه ٦٤ نقل کرده‌ام برای اینکار اداره ای بریاست هوتم شیندلر (۱) تشکیل دادند وعده‌ای بعنوان مهندس ومترجم ومحرر نیز انتخاب کردند تاهر کسی از اتباع بیگانه بخواهد امتیازی از دولت ایران بگیرد باین اداره رجوع نماید تاگزارش امر توسط شیندلر باطلاع صدر اعظم برسد.

ناصرالدین شاه ومظفر الدین شاه تمام پولهائی را که ازاین راه حاصل میشد صرف هزینه‌های بیهوده سفرهای اروپا نمودند وبطوریکه خواهیم دید بیشتر درمواقعی که «شاه» هوس دیدن «فرنگستان» را میکند بفروش منابع مختلف کشور بنام امتیاز باثمن بخس دست میزنند و بعداً در اواخر که چیزی باقی نماند باخریداری نبود باگرفتن قرض های کمر شکن ازدولت تزاری روسیه وانگلیسها وگروگذاردن کمرکات شمالی و جنوبی در محو ونابودی ایران قدم برداشتند .

وضع کشورمادر آنموقع ورقابت های خانمانسوزد ولتهای روسیه تزاری وانگلیس در بدست آوردن امتیازات در ایران که سرانجام منجر بقرارداد تقسیم مملکت در ۱۹۰۷ میشود داستانهای جانخراشی دارد که کم وبیش دراین کتاب بآنها اشاره خواهد رفت ومی بینیم که این دو دولت نیرومند استعماری بادست رجال خائن وبی‌اطلاع این مملکت مرتکب چه جنایات نابخشودنی شده‌اند .

در پایان این قسمت بی‌مناسبت نیست که برای مزید اطلاع از نظریات دولتهای روس وانگلیس وچگونگی رقابت آنها دردوره سلطنت مظفر الدین شاه نمونه‌هائی از مقالات جراید آنروز اروپا را نقل کنم .

بدین‌لحاظ ذیلا ترجمه مقاله یك روزنامه فرانسوی و مقالهٔ ازیك روزنامه روسی ویك مقاله هم ازیك روزنامه انگلیسی را از میان ترجمه مقالات جرایدی که در دسترس داشته‌ام انتخاب ودرج مینمایم .

روزنامه فرانسوی «ژورنال ددبا» چاپ پاریس درشماره مورخ دو شنبه ۵ فوریه سال ۱۹۰۰ تحت‌عنوان «روس وایران» مینویسد .

۱ـ هوتم شیندلر Houtum Schindler اصلا آلمانی ولی تبعه انگلیس وظاهرا از اجزای تلگرافخانه بوده که درسال ۱۲۹٤ دردوره‌صدارت میرزاحسینخان سپهسالاربایران آمدوسالهای متمادی دردستگاه‌دولتی سمت‌های مختلفی‌داشته است .

شیندلر مردی بلندقد باسبیل‌های‌مخصوص که بچند زبان‌خارجی‌مخصوصا زبان فارسی آشنائی کامل‌داشت از فلسفه قدیم بی‌اطلاع نبود ومثنوی مولوی را بانگلیسی ترجمه کرده است .

«شیندلر صاحب» که مدتها دروزارت معادن ایران واداره‌تذکره وسایر دوائر دولتی خود را خدمتگذار صدیق دولت میخواند در باره معادن ومنابع زیرزمینی نقاط مختلف کشور مطالعه‌های زیادی کرده و اطلاعات جامعی برای استفاده بیگانگان کسب نموده است ـ فوتش در حوالی سال ۹۳۳۰ قمری اتفاق افتاد .

« جراید انگلیس در فن تجاهل مخصوصا در موقعیکه اخبار موافق طبع آنهانیست ید طولائی دارند .

روسیه باوسائل واقدامات مختلفی موفق‌شد که درایران پیشروی فوق‌العاده کند . انگلستان خود را از جریان بی - اطلاع نشان میدهد و فقط گاهی روزنامه ها بدرج اخباری که حاکی ازپیشرفت روسها دراین منطقه‌است بدون هیچگونه‌اظهار نظری مبادرت کرده‌اند .

اگر جاسوسهای لرد سالیزبوری (نخست وزیر وقت انگلستان) اورا از جریان مطلع نکرده باشند البته او نیز نمی توانست اطلاع داشته باشد که در حقیقت روسیه دست روی ایران گذارده است .

سالهای متمادی است که از طرف سفارتین روس و انگلیس برای بدست‌آوردن نفوذ در تهران‌مبارزه میشود تاچندی قبل ظواهر امرنشان‌میداد که موفقیت انگلیس ها در این‌زمینه بیشتراست .

انگلیس‌ها موفق شده بودند اجازه تاسیس بانك ها امتیاز ساختمان جاده های جنوب کشور و طبعا انحصار کشتی رانی دررود کارون را بدست آورند . این رودخانه متصل بخلیج فارس است و تامقدار زیادی در خاك ایران پیش میرود ودرنظر است راه‌اساسی تجارت انگلستان باشد .

طرح ساختمان راه‌آهن‌هائی نیز ریخته شده وسرهاری دروموندولف وزیر مختار انگلیس درتهران‌وقتی‌درسال ۱۸۹۲ تهران را ترك کرد خاطرش جمع بود که ایران در تحت‌تسلط کامل‌انگلستان قرارگرفته است .

لکن موفقیت‌های بالا ابتدای کار بود چه‌ولف قبل از حرکتش بخیال خودبا گرفتن امتیاز انحصار فروش تنباکو در ایران برای یك کمپانی انگلیسی شاهکار سیاست خود رابخرج داده و شرائطی که مورد قبول شاه واقع گردید ظاهرا بدلخواه انگلیس‌ها بوده ودر خلال مدت کمی یك‌عده کارمند - بازرس فروشنده - بازبین وغیره‌ازافراد انگلستان بایران روی‌آوردند. لکن‌نفوذ مستمرار وپائی‌ها در زندگی خصوصی مردم ، ایرانیان را برآشفت زیرا ایرانیان مجاز بودند مواد دخانیه را فقط بانگلیس ها بفروشند و مردم مجبور بودند مواد دخانی مورد احتیاج خود را از انگلیس‌هابخرند وبدین ترتیب موادمزبور باتماس باآنها نجس میشد — این‌عمل نارضائی تولید وعلماء در راس مخالفین قرار گرفتند - روسیه هم با این عده کمك کرد و در ظرف یکی دوماه انقلاب که ابتدای‌آن ازتبریز شروع شده بود بتهران سرایت کرد و ناصر الدین درکاخ خود محصور شد .

دکتر فوریه طبیب مخصوص شاه در یاد داشت های روزانه خود که اخیرا انتشار یافته شورش تهران را بخوبی توضیح داده و انحطاط نفوذ انگلیس را در ایران نشان

LUNDI 5 FÉVRIER 1900

PRIX DE L'ABONNEMENT

	TROIS MOIS	SIX MOIS	UN AN
France et Alsace-Lorraine	10 fr.	20 fr.	40 fr.
Étranger	12 fr	22 fr.	44 fr.

ON S'ABONNE :
Dans province et à l'étranger dans tous les bureaux de poste

Les annonces et réclames sont reçues directement dans les bureaux du JOURNAL DES DÉBATS

LA RUSSIE ET LA PERSE

Il est admirable à quel point la presse anglaise a l'art d'ignorer, à de certains moments, ce qui lui est désagréable. La Russie, par une série d'arrangements de nature diverse, vient d'avancer extrêmement ses affaires du côté de la Perse. l'Angleterre n'a pas eu l'air de s'en apercevoir; c'est à peine si ses journaux ont reproduit les dépêches qui mentionnaient au jour le jour les progrès russes et aucun commentaire ne les a accompagnées, aucun article n'en a fait ressortir la singulière importance aux yeux du public. Si les « agents secrets » de lord Salisbury ne l'ont pas renseigné, il peut, lui aussi, ne pas savoir que la Russie a, en réalité, mis la main sur la Perse

La lutte d'influence s'était poursuivie de longues années, à Téhéran, entre les deux légations d'Angleterre et de Russie, et, il y a quelque temps encore, tout semblait faire croire que l'avantage demeurerait du côté britannique. Les Anglais avaient obtenu l'établissement de banques, la concession de routes, dans le sud de l'empire, naturellement, le monopole de la navigation du Karoun, cette rivière qui, du golfe persique, pénètre profondément dans le pays et qui devait être la grande voie du commerce anglais; des chemins de fer étaient projetés, et sir Henri Drumond Wolf, le ministre britannique auprès du shah, était bien persuadé, quand, en 1892, il quitta la Perse, qu'il l'avait mise sous l'absolue domination de l'Angleterre.

Mais c'était la première manche seulement. Sir H. Wolf, peu avant son départ, avait cru faire un coup de maître en obtenant pour une Compagnie anglaise le monopole de la vente du tabac dans l'empire; les conditions que le shah avait acceptées étaient vraisemblablement favorables pour les Anglais, et, en peu de temps, tout un réseau d'employés britanniques, inspecteurs, contrôleurs, vendeurs et autres, avait enserré la Perse. Mais cette pénétration quotidienne de l'Européen dans leur vie privée irrita les Persans; car c'était aux Anglais seuls qu'on pouvait vendre le tabac, c'était de leurs mains qu'il fallait l'acheter et par leur seul contact il devenait impur. Un sourd mécontentement se produisit; les prêtres se mirent à la tête du mouvement, le ministre de Russie le seconda, et, au bout de peu de mois, la révolte, née d'abord à Tauris, assiégea Nasr-ed Din lui-même dans son palais. L'émeute de Téhéran, que le docteur Feuvrier, médecin du shah, a fort bien racontée dans son curieux *Journal*, qui vient de paraître, marque le commencement de la décadence de l'influence anglaise en Perse; le gouvernement en vint aisément à bout, mais il accepta dorénavant le « dévouement » que lui offrait un habile ministre de Russie, M. de Hotzow, et sir F. Lascelles, le successeur de sir H. Wolf ne put jamais reconquérir la situation perdue

En quelques années, le système des douanes du côté de la Russie fut modifié de telle façon que le commerce de Moscou vint faire sur le marché de Perse une concurrence victorieuse aux produits anglais; les routes du Nord

دولت ایران به آسانی نوانست این شورش را بخواباند ضمنا از این تاریخ ببعد دوستی وزیر مختار زیرك روسیه موسوم به بوتسف راقبول کرد ولاسل جا نشین ولف وزیر مختار زیرك انگلیس دیگر نتوانست موفقیت از دست رفته انگلستان را بدست آورد .

در عرض چندسال سیستم گمرکها ازطرف روسیه طوری تغییرداده شدکه بازار محصولات انگلستان در نتیجهٔ رقابت تجارت روسیه شکست خورد . جاده‌های شمال توسط روسها بجاده‌های روسیه متصل وبیشتر از سابق رسیدگی ومرمت میشد .

یك بانك استقراضی توسط روسها تاسیس ودیری نگذشت که بانك نامبرده شعبه‌ای ازوزارت دارائی روسیه گردید . لازم بتوضیح نیست که در مسکو از موفقیت‌های اکتسابی زیاد نالیدند - روسیه ملایم‌ولی مطمئن کار می‌کند - بدین ترتیب فهم اینکه وضعیت فعلا از چه‌قرار است مشکل است .

باوجود این درروزهای اخیر اطلاع حاصل شد که در فاصله چندساعت بانك استقراضی اجازه چاپ اوراق قرضه‌ای بمبلغ ۲۲ میلیون ونیم روبل که دولت ایران آنرا انتشار خواهد داد ودولت ایران در مقابل باستثناءبعضی از حقوق‌های مختصر گمرکی که در اختیار انگلستان گذارده شده بود عایدات تمام گمرکات ایران را درگرو روس گذارد . ضمنا روسها موفق شدند اجازه عبور آزاد ارتش را از طریق سیستان ازشاه بگیرند ـ اگر این خبر اخیر صحیح باشد اهمیت آن فوق‌العاده است‌چه سیستان در منتهی‌الیه ایران واقع ودر داخل افغانستان وبلوچستان پیش‌رفته است وچون این ایالت باراه‌آهن بترکستان روس ارتباطی ندارد لذا برای رسیدن باین منطقه باید تمام ایالت خراسان را طی کرد

حق عبور از سیستان طبعاً متضمن حق عبور از خراسان هم خواهد بود وبالنتیجه تسلط روسیه بتمام این ناحیه از ایران محرز خواهد بود ـ باضافه بروسها اجازه میدهد که رشته کوههای افغانستان را بدین ترتیب دور زده و فاصله آنها با هندوستان فقط دشتهای بدون سکنه باشد.

ممکن است خبر مربوط به سیستان عاری از حقیقت باشد لیکن اگر این خبر حقیقت داشته باشد بلاشك روسها بااستفاده از گرفتاری انگلستان دراین موقع وبامهارت هرچه تمامترقدم بزرگی بطرف هندوستان برداشته‌اند بطوریکه یکی از خبر نگاران ساده تایمز این موفقیت روسها را « فقط وحشتناك » تلقی نموده است . »

روزنامه نیمه‌رسمی دربار روسیه تزاری موسوم به «نوویه‌وریمیا» (عصرجدید) چاپ پطرزبورغ درشماره ۹۳۵۷ مورخ ۲۳ ماه مارس ۱۹۰۲ (۲۵ ذی الحجه ۱۳۱۹) تحت عنوان «انگلیس‌ها درایران» مینویسد

« بازخبر نامطبوعی که برای منافع روسها در ایران مضراست رسیده.از قرار اخباری که بروزنامه (مورنینگ پست) از بغداد نوشته‌اند یکی‌از متمولین‌اهل‌استرالیا موسوم به (دارسی) ازدولت ایران امتیازی گرفته که معادن نفت دردره رودخانه کرخه درامتداد خط جنوبی رودخانه مزبور الی بندر بوشهر را استخراج نماید ـ دادن چنین امتیازی به میلیونر استرالیائی یعنی انگلیسی برای‌ما اسباب اضطراب است وجهت این اضطراب نه این است که استخراج این‌معادن نفت بتواند بتجارت نفت مانقصان وارد بیاورد بلکه اضطراب ماازآنجاست که دادن این امتیاز درآن محال اسباب این‌میشود که‌نفوذ مدعی مادر این‌نقاط استحکام پیداخواهد کرد ـ تاحال سعی‌مااین بود که ایران را ازاینکه اهالی خارجه در آنجا دخالت‌درکاری داشته باشند محافظت نمائیم وشرط آن این بودکه امتیاز راه‌آهن درایران باماباشد ودرآن صورت مامیتوانستیم بمقصود خودمان نائل بشویم اما در باب کارهای دیگر ایران که چندین مرتبه امتحان کرده‌ایم ومعلوم شده‌است چندان اهمیت ومنفعت ندارد باین ملاحظات ماخیال داشتیم پولتیك واقعی خودمان را درایران بکار ببریم وایران را بگذاریم برای وقتیکه نوه و وسایل مابهرچه که لازم است برسد .

ازقرارنامه خط جدید تلگراف که فیمابین ایران وانگلیس منعقد شده‌است بماعلوم‌شد ترتیباتی که مابرای محافظت ایران ازسرایت نفوذ خارجه بکار برده بودیم کامل نبوده ونتیجه‌مطلوبه‌حاصل‌نشد این‌قرارنامه ضرر کلی بمصالح ماوارد آورده ومابدا حرکتی نکردیم که‌ممانعت ازاجرای این قرارداد بنماید حالا باید‌منتظر قرارنامه‌های دیگر شد .

ثروت طبیعی ایران‌خیلی زیاداست واشخاصی که میل بانتفاع ازآنهادارند کم نیستند آنوقت ایران چه خواهد شد وز نفوذ مادر ایران چه باقی خواهد ماند عمل دارسی‌خیلی اهمیت دارد زیرا این نقاط‌ثروتمندترین نقاط ایران است محل استخراج این‌معادن متصل است بامعبر خط‌آهن بغداددراین نقاط هم سرمایه‌داران‌انگلیسی که پول خود را صرف راه بغداد مینمایند و هم اشخاصی که درجنوب ایران استخراج نفت خواهند کرد منتفع خواهند شد .

همینکه نفوذ خارجی‌ها در دره رود کرخه و کارون برقرار بشود مانع از پیشرفت نفوذ مادر قسمت‌جنوبی راه‌آهن بغداد خواهد شد البته این اوضاع خیلی نامطبوع است ولی چه‌کنیم دولت ایران دولت مستقلی است و بهرطور که میل داشته باشد میتواند در داخله مملکت خود رفتار بکند نمیشود که بایرانیها گفت اجازه باهالی خارجه ندهید که ثروت طبیعی ایران را استخراج نمایند وصبر کنید تاماروسها خوب قوه خودمان را تکمیل بکنیم و فکر خودمان را بنمائیم آنوقت شروع باینکارها خواهیم کرد .

چندی قبل بارون‌رویتر ازایران امتیاز کشیدن چندراه‌آهن گرفت بعدچون طوفانهای بحر خزر مانع شد ازاینکه لوازم راه‌سازی بانزلی برسد ودر موعد مقرر نتوانست شروع بکارکند صاحب امتیاز مجبور شد از این امتیاز استعفا بدهد اگرچه پیش‌از وقت بارون رویتر راملتفت آن طوفانها کرده بودند ولی مشارالیه اعتنا نکرده امتیاز راگرفت وخوب تنبیه‌شد درصورتیکه وضع ایران باما مساعد است . برای دیپلوماتهای‌ما باوسائلی که دردست داریم خیلی سهل‌است که برای پیشرفت نفوذ مادر ایران خدمت بکنند هرگاه بامساعدتی که ایرانیها بامادارند مامیخواستیم ازوضع خودمان منتفع بشویم این‌اخباریکه دراین‌اواخر میرسد و در مقابل جنگ افریقا اسباب تسلی انگلیسهاست بگوش مانمیرسید .»

روزنامه انگلیسی تایمز چاپ لندن درشماره مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۰۲ راجع به مذاکراتی که درمجلس عوام انگلستان راجع بایران شده چنین مینویسد .

«دیروز در پارلمان در خصوص مسئلهٔ که اهمیت نامه دولتی دارد مذاکراتی که حاوی اطلاعات مفیدی بود بمیان‌آمد .

مستروالتن که غیرت ووطن‌خواهی اواز این حیث که ایام تعطیل خودرا دررسی مصالح انگلیس درنقاط دور بمصرف رسانیده موجب تمجید وتحسین‌است برای‌آنکه خاطر عموم را باوضاع فعلی‌ایران متوجه سازددرمورد خطابه همایونی بتوضیح ایرادی قیام نمود .

مشارالیه اهمیت ایران را ازلحاظ سیاسی وتجاری برای انگلستان در نطق مهمی که متضمن ملایمت وملاحظه بوده تشریح وتوضیح نمود که چگونه دولت روس بوسیله تغییرات گمرکی وتعرفهای جدید تجارتی که ازراه قارص وباطوم انگلیس باشمال ایران داشت ازپادر انداخت وتاچه اندازه تجارت مهمی که در جنوب ایران داریم در معرض خطر قرار گرفته است. علت این امر بواسطه مداومت در سیاست قدیمی است. در ازمنه سابق چون کلیه تجارت مشرق منحصر بما بود این سیاست پیشرفت داشت ولی حالا آن ترتیبات در مقابل‌تدابیری که دول معظمه برای ترقی تجارت خود وتنزل تجارت غیردارند بی‌اثراست .

امتناع دولت انگلیس ازضمانت پنج کرور لیره که ایران درسال ۱۸۹۸ لازم داشت که ما در همانوقت کوشش خودرا بانتشار سوء نتایج آن گماشتیم نمونه خوبی‌است ازوضع پلتیك اسقاطی که اکثر اوقات دولت انگلیس در ممالك مشرق رویه خودقرار داده .لرد‌کران بورن درمذاکرات پارلمان باین‌عذر که و ثیقه ایران

برای اطمینان معامله کافی نبود سعی کرده‌است دولت را ازسوءنتایج این‌عمل معذوردارد وماتاسف داریم از اینکه مشارالیه درخصوص راه‌آهن وساختن راه نیزاز این قبیل بیانات نموده‌اند .

مسیو ویت (وزیر مالیه‌روس) باوضع دیگر باین‌مسائل نظر انداخته است .

روس که نسبت بمابی‌پول است پولی‌راکه ماازدادن آن احتیاط کردیم پرداخت و بوسیله این معامله یك مقام جدید رفیعی دردربار ایران برای خود تدارك نمود و آن را سریعا اسباب تخریب تجارت ما قرار داد . درخلیج فارس تجارت ماهنوز تفوق دارد ولی‌از سال گذشته دولت روس‌چند جهاز تاسیسی ومحض رقابت با تجارت ماازاودسا راه‌انداخته ومبلغی وجه اعانه به‌آنها میدهند وروسها اظهاراطمینان میکنند از این‌که عاقبت بمقصود خود نایل خواهند شد .

هرگاه ماباینگونه اقدامات تاسی نکنیم رقبای ما سبقت خواهندگرفت .

فعلا روس سه‌خط راه در داخله خاك‌ایران احداث نموده‌است .لردپرسی ومستروالتن که هر دو بواسطه مسافرت‌درایران ازروی اطلاع صحبت میدارند مصلحت مارادراین می‌بینندکه برطبق اقدامات روس عمل نمائیم ولی بدون اینکه مثل‌آنها اسباب منع تجارت سایرملل رافراهم بیاوریم .

یك مطلب دیگرهم که بدولت تکلیف شده ومامشعوف هستیم‌از اینکه مورد توجه دولت است مسئله ازدیادعده قنسولهاست . بموجب اظهارات لردکران‌بورن معلوم می‌شود که دراین باب اقدامی‌شده وعدهٔ هم داده اندکه متوجه این مطلب باشند تمام اشخاصی‌که در مذاکرات راجعه بایران شرکت نموده‌اند کمال احتیاط را منظور داشته‌اند چیزی‌که مخالف دوستی بادولت روس‌باشد بزبان نیاورند . خود مستروالتن وسرادواردگری ولردپرسی تصویب نموده‌اند که قراری دوستانه باروس بایستی داده‌شود همه‌کس باین‌مطلب مایل است درصورت اینکه به‌ترتیبی صورت بندد که منافی مصالح مهمه مادر آسیا نباشد . بعقیده سرادواردگری قراری که فقط مخصوص بمسئله ایران باشد غیر ممکن‌است و حال آنکه مسئله پامیر منفردا مطرح مذاکره ومثمر ثمر واقع شد .

مشارالیه میگوید درکلیه مسائل آسیا باید باروس مذاکره بمیان آورد ودرمصالح طرفین قراری باهم داد در هرحال میگوید امتحان این‌مطلب ضرری ندارد زیراکه اگر غیراز این باشد باید درهرکاری با باروس مخالفت وضدیت ورزید وباعنان امور را از کف داده تن بقضاسپاریم .

دراین دورای ماباسرادواردگری هم عقیده هستیم که ضدیت مناسب نیست وآن شق‌دیگر ازنحوه‌عمل مابیرون است چنانچه در مسئله اقصای مشرق برما معلوم‌شد نتیجه‌هردوشق این‌است که هم دچار سوء نتایج ضدیت میشویم وهم ضرر تسلیم برماوارد می‌آید در حالتی‌که فایده ازهیچکدام نمی‌بریم .

چنانچه سرادواردگری میگوید دولت روس از این وضع رفتار ماهمیشه فایده میبرد ولی بدون اینکه اسباب دوستی ورضای خاطراو بشود زیراکه ازاول طوری رفتار نمی‌کنیم که مایه امتنان او بشود بعضی‌اظهارات سرادواردگری درباب حقوق مادر خلیج فارس وبی‌اعتنائی مابمقامات مهمه استراتژی سایردول بی اساس وموجب حیرت ماست ولی اظهارات صریحهٔ لردکران بورن مانع است که کسی بتصورات غلط‌بیفتد .

سرادواردگری‌می‌گوید مانباید ساکت وصامت بنشینیم روس درحفظ مصالح خود سعی‌وافی دارد ماهم‌باید جهد کنیم اکثری راعقیده این‌است که دولت انگلیس نمی‌تواند همیشه‌درامورات سیاسی بیطرفانه ومسلك‌مداومت نماید بسبب اینکه بعضی اوقات اقداماتش‌بسته بمیل جمهور است وکسی نمیداند که درحوادث آتیه رای‌جمهور چه‌اقتضانماید‌این عقیده تایکدرجه واقعیت دارد وخالی ازخطر هم نیست رای جمهورحالت‌پادشاه مستقل‌راداردواز اقدامات‌این‌ونه‌ازآن کسی‌میتواندقبل ازوقت خبربدهدولی‌جمهور انگلیس‌مستعد تعلیم وسریع‌القبول‌است وحاضرعیست نصیحت آنهائی‌راکه‌مسئول‌امورانند‌بسمع‌رضاپذیردوازراه‌صواب‌منحرف‌نمیشود وهرگاه‌مردمان‌سیاسی‌بزرگ‌این‌مملکت درامورات خارجه فکر صحیح بنمایند وطرح پلتیك ثابتی بریزند ومجمل آن را بمردم حالی کنند در وقت لزوم

خواهند دید که مردم‌هم دراجرای پلتیك دولت‌همراهی‌دارند وقتی که مهمی پیش‌می‌آیدوبغتتاً بمردم‌تکلیفی‌می‌شود معلوم است که برای مردم‌تردید حاصل میگردد واین‌نیست مگر باین‌سبب که روسای ملت‌قبل‌ازوقوع واقعه‌بامردم مذاکره نکرده‌اند وکوبا سبب‌هم‌این باشد که خودروسا هم‌فکر نمیکنند که چه پیش خواهدآمد لردگران بورن دیروز درمجلس پارلمان باکمال استقامت رای وبطور صریح سخن گفته‌اند بنابقول ایشان مبنای پلتیك انگلیس در آسیا حفظ وضع حالیه آنجاست که‌بهیچوجه تغییری‌درآن حاصل نشود ازقراریکه میگویند منظور از این پلتیك نه‌این است که زمام امورات رابدست قضاوقدر واگذاریم که‌هرچه خواهدبشود اگرچه بعقیده مانتیجه این پلتیك غالبا همین بوده‌است جهات ودلایل مخصوصی‌دارد که مانمی‌خواهیم درایران تغییری روی‌دهد گذشته ازمصالح تجارتی که حفظ آن برذمهٔ ماست‌مصالح پلتیکی عمده درآنجا داریم .

در این مصالح هیچ چیزنیست که‌مارا ازدوستی باروس مانع‌شود ولی‌چنانچه لردگران بورن اظهار داشت دوستی روس‌را نباید برحقوقی که بموجب عهدنامجات داریم تقدم‌بدهیم چنانچه ایشان که نایب وزارت خارجه‌هستند گفتند باوضع مامناسب نیست که دست بسینه در مقابل روس ایستاده تمنی نمائیم که باما قراری بگذارد .

اطمینانات لازمه‌بین‌ماوروس مبادله شده‌است درخصوص اینکه حفظ استقلال ایران اساس پلتیك دواتین است ماازاین پلتیك انقطاع نجسته‌ایم ولی بی‌ملاحظه سایردول هم نمیتوانم بلوازم آن عمل کنیم باستقلال ایران مایل هستیم ولی بتعدیل میزان اقتدار درممالك شرق بیشترمیل داریم .

لردگران بورن اظهار داشته که ممکن نیست ازمقام حقهٔ که در ایران تحصیل نموده‌ایم خصوصا در خلیج فارس وممالك جنوب وخطهٔ که بخاك هند منتهی میشود دست‌برداریم حقوق وتفوقی که داریم از دست نمی‌دهیم سعادت سادراین‌است که تفوق مابتفوق قوه‌بحری مابسته‌است نمی‌گذاریم‌درچنین حدود عمدهٔ بندر گاهی برای تاسیس قوهٔ بحری تحصیل شود که زیانی بقوه بحری مابرساند بقول لردکرزن تحمل چنین اقدامی‌خیانت است و خائن مستوجب توبیخ و ملامت — سببی هم ندارد که لرد مشارالیه از نوشتن این عبارت پشیمان شده باشد» .

در این بخش امتیازات مهمی راکه‌انگلیسها تاقبل از مشروطیت درایران تحصیل نموده‌اند بترتیب شرح خواهم داد .

راجع بامتیاز نفت وسوابق‌آن که باید در یك بخش جداگانه وبتفصیل نوشته شود چون اخیراکتب ومقالاتی درآن موضوع انتشار یافته‌هرچندکه نواقص بسیار درآنهادیده شده ولی فعلااز بحث درآن صرفنظر میشود .

راجع بامتیاز انحصار دخانیات نیز که چگونگی آنرا بتفصیل درکتاب « تحریم تنباکو» یا «اولین مقاومت منفی‌در ایران » نوشته‌ام ودر سال ۱۳۲۸ بچاپ رسیده‌باید بآن کتاب مراجعه شود .

در مورد امتیازات متعدد راه آهن چون مناسب بود که چگونگی اعطاء تمام امتیازاتی که برای ایجاد راه‌آهن بدول مختلف داده شده دریك بخش جداگانه نوشته شود از شرح آن در این قسمت صرف‌نظر گردید وامیدوارم جریان اعطاء تمام‌امتیازات راه‌آهن وسوء استفاده بیگانگان راکه داستان جانخراشی دارد بتوانم بتفصیل در جلد دوم این کتاب شرح دهم .

۲

امتیاز بارون جولیوس رویتر

امتیاز بارون‌جولیوس رویتر که ایران‌رابصورت مستعمره‌انگلستان درمیآوردیکی ازبزرگترین اشتباهات ناصرالدین شاه ومیرزا حسین‌خان سپهسالاراست .

لرد کرزن در کتاب « ایران ومسئله ایران » مینویسد

«کامل‌ترین وعجیب‌ترین امتیازی که درطول تاریخ کمتردیده شده وبموجب آن تمام منابع صنعتی کشوری بیك خارجی تسلیم‌وتفویض گشته این امتیاز بوده‌است»

نویسنده دیگر انگلیسی بنام گراهام استوری در کتاب «رویتر دریك‌قرن» نوشته بموجب این امتیاز برویتر اجازه داده شد که به‌تمام منابع اقتصادی ایران واکثر افرادآن درمدت هفتاد سال حکومت واقعی کند وهمچنین این‌امتیاز بود که دروازه‌های کشورایران را بروی دنیای غرب گشود .

هرچند امتیازنامه رویتر بطوریکه گفته خواهد شد بمرحله اجراء در نیامد ولی چون موجب دادن امتیازات دیگر بانگلیس‌ها وروسها وموجد مفاسد زیادی برای ایران گردیده که هنوز هم اثرات آن زائل نگشته‌است قابل اهمیت و توجه مخصوصی‌است‌زیرا چنانکه خواهیم‌دید اعطای امتیازبانك شاهنشاهی برویتربعنوان‌جبران خسارت این امتیاز نامه بود واعطای امتیاز بانك استقراضی روس درمقابل بانك شاهنشاهی وبرای تعادل‌و توازن دو سیاست استعماری روس تزاری وانگلیس وبهمین ترتیب اغلب‌ازامتیازات‌دیگر که بخارجیها داده شده ازهمینجا سرچشمه میگیرد مثل امتیاز انحصار دخانیات وغیره .

بارون جولیوس رویتر کیست ؟

قبل ازآنکه جریان‌اعطاء این امتیاز وچگونگی آنرا شرح دهم بی‌فایده نیست برای آشنائی خوانندگان این کتاب مختصری از زندگی و کار های جولیوس رویتر صاحب این امتیاز و مؤسس خبرگزاری معروف رویتر را دراینجا بنگارم .

این‌قسمت‌از کتاب «رویتردریك‌قرن» (Reuters, Century—1851—1951) تألیف گراهام استوری Graham Storey اقتباس شده است .

«اسرائیل بیر» (۱) سومین فرزند «ساموئل‌لوی ژوزافات» (۲) در تاریخ ۲۱ ماه ژوئیه سال ۱۸۱۶ درشهر «کاسل» (۳) درآلمان غربی دریك خانواده یهودی متولد گردید .

1—Israel Beer
2—Samuel Levi Josaphat
3—Cassel

ساموئل‌لوی پدر اسرائیل بیر که سمت مشاور قضائی اقلیت یهودرا داشت در سال ۱۸۱٤ یعنی یك سال قبل ازجنك واترلو ازدست سپاهیان ناپلئون فرار کرده به شهر کاسل آمده بود .

مرك ناگهانی ساموئل‌لوی درسال ۱۸۲۹ باعث شد که اسرائیل درسن سیزده سالگی بشهر «گوتینگن» (۱) نزد ، یکی ازخویشانش که درآنجا بانکدار بود برود ولی‌تادهسال بعدازآن نیز اسرائیل نتوانست‌شغل ثابتی برای خودپیدا نماید .

شهر «گوتینگن» در آن موقع مرکز فعالیت های «الکترو تلگرافی» بود و درسال ۱۸۳۳ «کارل فردریك گاس» (۲) یکی از زبردست ترین ریاضی‌دانها وفیزیك‌دانهای عصر خود که دراین شهرمیزیست باکمك وهمکاری «ویر» (۳) موفق شد که‌علائم الکتریکی‌را بوسیله سیمی که روی یکی ازبرجهای شهر بسته بودبیکی ازشهرهای همسایه بفرستد .

اسرائیل که در آن هنگام در بانك پسر عموی خود کار میکرد بواسطه تذکر دادن یك اشتباه ریاضی بزرك که درحساب بانکی «فردریك گاس» پدیدآمده بود موفق شد توجه اورا بخود جلب نماید .

«گاس»تلگراف الکتریکی وآینده درخشان این اختراع‌را برای اسرائیل شرح داد .

اسرائیل مدتی دراین باره فکر کرد که اگر دفتر تلگرافی تأسیس کند ممکن‌است نتایج خوبی ازآن برگیرد ولی درآنموقع چون هنوز اهمیت کبوترنامه‌بربیش ازتلگراف بود این فکر بزودی‌جامه عمل نپوشید .

درسال ۱۸٤۰ اسرائیل به برلن رفت ودرسال ۱۸٤٤ بدین‌آباء واجدادی خود پشت پازد و بکیش مسیحی درآمد ونام «پل‌جولیوس رویتر» (٤) را برای خود انتخاب نمود وسپس بادختر یکی ازبانکداران برلین بنام «ایداماریاماگنوس» ازدواج کرد .

باآنکه این‌زن ازلحاظ ظاهرنقطه مقابل‌رویتر بودولی اورادرفعالیت‌هایش خیلی کمك کردورویترپیشرفت کار خود راتااندازه زیادی مرهون این‌زن بود .

بعدها رویتر باشخصی بنام «استارگارت» (۵) شریك‌شد ویك موسسه مطبوعاتی دایر کردند وچندبولتن سیاسی نیزچاپ ومنتشر ساختند .

این موسسه هنوز هم‌درشهر هامبورك وجود دارد وبنام بنگاه «رویتر واستارگارت» نامیده میشود . از همین موقع بود که رویتر زندگی مطبوعاتی خود راشروع کرد وبفکر جمع‌آوری وپخش خبرافتاد .

رویتر از آلمان بپاریس رفت و در یك موسسه خبرگزاری که توسط شخصی‌بنام «هاواس» (٦) تشکیل شده بود بسمت مترجم استخدام شد .

موسسه هاواس ابتدا یك‌خبرگزاری کامل‌نبود بلکه فقط مطالب جالب توجه مطبوعات مهم اروپا را اقتباس میکرد وروزانه برای روزنامه‌های فرانسه میفرستاد بعدا این موسسه کارش بالاگرفت ونمایندگانی در پایتخت کشورهای اروپا تاسیس کرد .

رویتر ازکارکردن در موسسه هاواس چندان راضی نبود و میل‌داشت در کار خود مستقل باشد واین تصمیم خود را در بهار سال ۱۸٤۹ باانتشار اولین نشریه خبری درپاریس عملی کرد .

باآنکه رویتر برای‌پیشرفت این‌موسسه خیلی‌فعالیت کرد ولی‌باعدم موفقیت مواجه گشت ودر سال ۱۸٤۹ موسسه مطبوعاتی اوتعطیل شد .

رویتر سپس به‌آتن رفت، ودرآنجا یك‌دفتر کوچکی دایر کردو کم کم‌درغالب شهرهای مهم اروپا نمایندگی

1—Gottingen
2—Karl Friedrich Gauss
3—Weber.
4—Paul Julius Reuter.
5.—J.A. Stargardt.
6—Charles Havas

بارون جوليوس رويتر

هائی تاسیس نمود و بالاخره در تابستان‌سال ۱۸۵۱ عازم انگلستان شد .

رویتر درلندن دو اطاق اجاره کرد و تلگرافخانه‌خود را در ۱۴ اکتبر ۱۸۵۱ افتتاح نمود . علت آمدن رویتر بلندن بواسطه توسعه کابل کشی بود که در آنجا این‌عمل رواجی پیدا کرده‌بود . در این‌موقع با سرمایه‌ای که رویتر دردست داشت ودوستانی که بین‌اعیان واشراف و هیئت حاکمه در اروپا پیدا کرده بود و نمایندگان وی که در شهرهای مختلف پخش‌شده بودند پیشرفت وموفقیتش حتمی بنظر میرسید .

در آن زمان مدت‌زیادی طول میکشید تاخبر بروزنامه‌ها برسد چنانکه خبر فوت ناپلئون دوماه پس از وقوع آن بلندن رسید معهذا جراید انگلستان از این طریقه جدید چندان حسن استقبال‌نکردند مخصوصاروزنامه تایمز لندن که طریقه قدیمی را که عبارت از بکار بردن قایق بودترجیح میداد .

بدینجهت رویتر ابتدا بابورسهای لندن تماس حاصل کرد وبا توسعه نمایندگی‌های خود چندی‌بمبادلهٔ اخبار بین بازرگانان اروپا مشغول بود .

رویتر بعدا دفتری در شهر کاله (فرانسه تاسیس کرد ودر سال ۱۸۵۶ باآژانسهای هاواس وولف برای اخذ خبر قراردادهائی‌منعقد نمود .

مقارن این زمان در فرانسه درایام سلطنت ناپلئون سوم حوادثی بوقوع پیوست که در انگلستان سر و صدای زیادی راه انداخت وچون پارلمان برای‌پخش اخبار محدودیت‌هائی قائل شد روزنامه‌های لندن و بخصوص تایمز باعتراضات‌شدیدی پرداختند .

در این وقت که مردم تشنه‌اخبار سیاسی وجرائد ارزان شده بودند چون رویتر میتوانست اخبار را سریع وارزان بدهد بتوسعه وموفقیت او کمك زیادی میکرد وبالاخره روزنامه‌های مختلف که طریقه رویتر را مقرون بصرفه وصلاح خود میدیدند مجبور شدند مشترك رویتر شوند وحتی‌روزنامه تایمز که بارویتر شدیدا مخالفت‌میکرد ناچار شد در اکتبر ۱۸۵۸خبار رویتررامنتشر کند ولی هنوز قبول نمیکرد که اسم رویتررا در روزنامه خود درج سازد بدینجهت قیمت اخبار را دو برابر می پرداخت .

در سال ۱۸۵۹ موقعی‌که ناپلئون سوم نطق تهدید آمیز خودرا علیه اطریش ایراد کرد یکساعت بعد این نطق مانند برق‌در لندن منتشر گردید و باعث پیروزی قطعی رویترشد .

در هنگام جنك میان فرانسه واطریش خبرنگاران رویتر که‌مورداعتماد طرفین‌محاربه قرار گرفته‌بودند توانستند اخباررا مرتب‌ومنظم دراسرع اوقات‌بفرستند واین‌امر بیش‌از پیش باعث موفقیت موسسه رویتر شد بنحوی که دیگر کسی نمی‌توانست بااورقابت‌نماید رویتر روزبروز بتوسعه و بسط شبکه‌های خوددر جهان می‌پرداخت .در هنگام جنك‌های داخلی امریکا موسسه رویتر مردم اروپارا زودتراز همه ازاخبار جنك‌مطلع میساخت

در سال ۱۸۶۶ هنری کولینز Henry Collins ازهمکاران نزدیك وفعال رویتر به‌بمبئی‌رفت‌وپنج شش‌سال بعد که بانگلستان بازگشت شبکه‌های رویتر درتمام مناطق خاور و اقیانوس هند و خاور دور مستقر گردیده بود .

رویتر بعدازتوسعه دامنه عمل‌وبسط شبکه‌های خوددر جهان باموسسه هاواس در فرانسه‌وولف در آلمان برای رد‌وبدل اخبار قراردادهائی بست‌واین موسسات مناطق نفوذ ومیدان فعالیت‌خود رامعین کردند ولی‌رویتر‌ضمنا با اقداماتی که مستقیم وغیرمستقیم‌انجام‌میدادمیخواست که‌دوموسسه رقیب رااز بین ببردویاضمیمه موسسه‌خود کند

رویتر باین‌طریق موسسه خود راتوسعه داد وهنگامی که پخش‌اخبار درانحصار اودرآمد توانست‌حق‌اشتراك را افزایش دهد و منافع سرشاری ببرد .

بواسطه فعالیت‌های فوق العاده رویتر درتاریخ ۷ سپتامبر ۱۸۷۱ ارنست دوم‌دوك ساکس کوبرك گوتا(۱) در قلمرو حکومت خودبه‌پل جولیوس رویتر عنوان بارونی داد .

ولی‌مدت بیست‌سال طول کشیدتارویتر توانست ازتمام مزایای‌بارونی دربریتانیا استفاده‌نماید .

---

(1) Ernest II, Duke of Saxe - Coburg - Goth

ویکتور یاملکه انگلستان علاقه زیادی به رویتر نشان میداد ودرجه اعتماد ویکتوریا را باین شخص از ذکر تلگرافات رویتر در دفترچه خاطرات ملکه میتوان استنباط کرد وحتی درسال ۱۸۷۸ نامه شدیداللحنی به دیسرائیلی نخست‌وزیرانگلستان که به‌اخبار رویتردائربه پیشرفت‌نفوذروسها دراستانبول توجهی‌نکرده‌بود نوشت .

هنگامی که لرد سالیزبوری نخست وزیر انگلستان شد ازرویتر تعریف وتمجید بسیار کرد ودرژوئن‌سال ۱۸۹۱ ضمن نامه‌ای به‌ملکه نوشت .

«بارون رویتر چندین سال‌است که برای دولت فعلی خدمات مهمی انجام داده‌است‌وکوشتهای وی برای تهیه اطلاعات جهت علیاحضرت‌شایسته قدر دانی‌است»

در۶نوامبر همان سال بموجب فرمانی ملکه انگلستان امتیازات نجبای‌خارجی Foreign Nobility به رویتر ووراث او اعطا کرد .

خلاصه دستگاه خبرگزاری رویتر وسیله مؤثری بمنظور کسب خبربرای پیشرفت نفوذ دولت انگلستان درنقاط مختلف دنیا شده بود ودرسال ۱۹۱۶ یعنی اواسط جنگ بین المللی اول آلمانها دریافتند که رویتر با وجود آنکه آلمانی‌است بامؤسسه خبرگذاری خود چه کمك بزرگی به انگلستان وسایردشمنان آلمان کرده‌است فوت بارون جولیوس‌رویتر در۲۵ فوریه ۱۸۹۹ درشهر نیس اتفاق افتاد .

توجه اروپائیان به منابع ثروت ایران

سالها قبل‌از آنکه امتیازرویتر داده‌شود مخصوصا ازهنگامی که در سال ۱۲۷۹ میرزاحسین‌خان سپهسالار باسمت وزیر مختاری باستانبول‌میرود وبکمك ودستیاری مستشارخود میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله گزارشهای متعددی مبنی برلزوم آوردن کشفیات‌واختراعات مردم اروپا وبکارانداختن سرمایه‌های «فرنگستان» درایران برای‌ناصر الدین شاه میفرستد زمامداران ایران باین‌فکر میافتند که باید با کمك اروپائیان از منابع مختلف ثروت مملکت استفاده کرد .

بدین لحاظ درسال ۱۲۸۰ هجری قمری (۱۸۶۴) بدستور ناصرالدین شاه میرزا محمودخان ناصرالملك وزیرمختار ایران درلندن وحسنعلی‌خان وزیر مختار مقیم پاریس دراین باب باکمپانی‌های مختلف‌اروپائی‌واردمذاکره میشوند وازطرف‌آنها پیشنهادهائی برای تاسیس راه‌آهن ــ استخراج معادن ـ ساختن راه شوسه ـ ایجادکارخانه ــ بانك و غیره بدولت ایران تسلیم میگردد .

درآنموقع چون‌دولت‌انگلستان‌بخیال‌ایجادراه‌آهنی‌بین دریای مدیترانه‌وهندوستان بودکه قسمتی ازآن از ایران میگذشت از طرف کمپانی‌های انگلیسی مخصوصا برای تاسیس راه آهن درایران علاقه وتمایل زیادی ابراز میگشت . ولی اگر در این میان پیشنهاد مفیدی هم‌دیده میشد بواسطه رقابت دولتهای روسیه وانگلیس‌ونظرهای سوء این دولت‌ها از یکطرف وبی‌اطلاعی‌وطمع ورزی رجال ایرانی‌وتعصب وکهنه پرستی علمای روحانی از طرف دیگر بجائی نمیرسید .

گراهام استوری درکتاب «رویتر در یك‌قرن» مینویسد .

«پنج‌سال پیش (از امتیاز رویتر) دکتر استرونسبرك(۱) از اهالی پروس چهارهزارلیره انگلیسی وجه‌الضمان خود را برراه امتیازی‌که تاحدی مشابه امتیاز رویتر بود ازدست داده بود . صاحبان امتیاز اطریشی و فرانسوی نیزضررهائی مانندآن داده بودند .

(1) _ Dr. Stronsberg

همه اینهااظهارات وزیرمختار انگلیس‌مقیم تهران‌رانشان‌میداد که گفته بود تمام نقشه وپروژه‌های اروپائیان اصولا فقط وسیله انتفاع‌وسودجوئی وزیران ایرانی باعمالی‌است که‌آنها دارند . »

سرهانری راولینسون در کتاب « انگلیس وروسیه در شرق » مینویسد .

« وقتیکه سیم‌تلگراف درایران دایرگردید بعضی‌نقشه‌های مفید طرح شد که دامنه عملیات را بنفع ایران وسمت میداد مخصوصا رشته‌های صنعتی و اقتصادی اروپا که در ایران باید از آنها استفاده شود »

در این‌زمینه‌ها طرح‌های زیادی برای استفاده‌ازمنابع مختلف پیشنهاد شده‌بود بعضی‌ازآنها ازطرف اشخاص ماجراجو وبی‌اعتبار بود این پیشنهادها بمنظور استفاده‌های شخصی بودکه اغلب بایکدیگر مخالف بودند .

پس‌از مطالعات دقیق درهریك ازاین پیشنهادها صلاح دراین دیده شدکه امتیاز تمام‌آنها بیك کمپانی داده شود که رئیس‌آن بارون جولیوس رویترتبعه انگلیس است . »

بارون رویتر تقاضای تحصیل امتیاز میکند

از سال ۱۲۸۸ که میرزا حسین‌خان سپهسالار روی کار میآید باکمك میرزا ملکم خان مستشار خود برای انجام نقشه های سابق ونظریات قبلی خویش دستور میدهد که مامورین ایران درکشورهای مختلف اروپا برای جلب سرمایه‌های خارجی بمنظور بهره برداری منابع ایران وتاسیس راه‌آهن و کارخانجات و غیره در این کشور اقدامات جدی بعمل‌آورند.

میرزا حسینخان که در ابتدا سیاست یك طرفه و«انگلیسی مآبانه» داشت در این مورد از «راهنمائی» و «نصایح» سفارت انگلیس در تهران ووابستگان آنهاکاملا برخوردار بود .

قبلا دیدیم سرهنری راولینسون در شرح حال میرزا حسینخان سپهسالار نوشته است .

«دوماده مهم واساسی در پروگرام میرزاحسینخان سپهسالار بودیکی دادن امتیاز بهره‌برداری ازتمام‌منابع ثروت سرشاری ایران ودیگری بردن ناصرالدین‌شاه باروپا .»

نقشه‌ای که انگلیسها در این باره طرح کرده بودند خیلی ماهرانه بموقع اجراء گذارده شد .

ناصرالدینشاه ترقیات و پیشرفت‌های مردم ممالك‌اروپا رازیاد می‌شنید . گزارش‌های نمایندگان ایران را راجع بایجاد راه‌آهن واستخراج معادن‌واختراعات مختلف‌بسیار خوانده بود وخیلی میل داشت بدون آنکه ازاقتدار و اختیارات مطلقه اش ذره ای کاسته گردد یا پولی ازخزانه دولت بمصرف برسد تمام‌این اختراعات بکشور ایران بیاید ـ مخصوصا راه‌آهن‌یا« کالسکه بخار » .

گذشته ازآنکه نمیخواست چیزی در این راه از « خزانه عامره اعلی » پرداخته شود میل داشت اگر ممکن باشد پولی هم از این طریق بدست آورد .

مسافرت اروپا ودیدن تمدن غرب برای« شاه » ودرباریان نیز امری حتمی وواجب بود !

در آنوقت فقط یك اشکال بنظر میرسید وآن مخارج گزافی بود که انجام این امور لازم داشت .

پرداخت این مخارج هنگفت در آنوقت بواسطه کثرت مستمری بیکاره ها ووظیفه

دعاگویان وچاکران درباری وتهی بودن خزانه امری ممتنع مینمود .

درچنین موقعی بارون جولیوس رویترباشاره دولت انگلستان برای تحصیل امتیاز استخراج معادن وتاسیس راه‌آهن وایجاد کارخانه وغیره باحاجی محسن‌خان معین الملك وزیر مختار ایران در لندن وارد مذاکره میشود .

بارون رویتر گذشته از فعالیتی که برای توسعه وپیشرفت خبرگزاری خودمیکرد در ضمن باقدامات دیگری هم که برای خودش از لحاظ مادی وبرای انگلستان از لحاظ سیاسی مفید باشد دست میزد .

رویتر به وزیر مختار ایران میگفت اگر پیشنهادهای اومورد موافقت دولت ایران قرار گیرد سرمایه زیادی قریب به «پنجاه کرور» در ایران بکار انداخته و در ظرف چند سال در این کشور راه آهن کشیده وراه شوسه خواهد ساخت معادن استخراج و بانك وکارخانجات متعدد تأسیس کرده وکمرکات نظم و ترتیبی خواهد یافت که نظیر آن فقط در متمدن ترین کشورهای اروپا ممکن است وجوداشته باشد علاوه براین منابع تازه ای برای عایدات دولت ایران مجاناً ایجاد میگردد که باورنکردنی‌است.مخارج سفر «شاه و ملتزمین رکاب» هم که‌در مقابل این عواید سرشار هرچه باشد ازهمین‌محل پر داخت خواهدشد!

جملات فریبنده‌ای که رویتربرای «شاه» ایران ورجال طماع‌وبی اطلاع اوضمن پیشنهاد خود میگفت تقریباً بهمین مضامین‌بود بالاخره‌ناصرالدین شاه که دراین‌مورد محرك‌اصلی او میرزا حسین خان سپهسالار ودلال وواسطه‌آنهم میرزا ملکم خان ناظم الدوله بودبا علاقه زیادی این موضوع را استقبال میکندودستور میدهد نماینده رویتررابتهران دعوت نمایند و پیشنهادات اورا مورد مطالعه قرار دهند

گراهام استوری در کتاب « رویتر دریك قرن » مینویسد

« متجاوز ازدوسال قبل از اعطای امتیاز در سال ۱۸۷۰ ژنرال محسن‌خان وزیر مختار ایران درلندن توجه رویتررا برای بکار انداختن‌سرمایه غرب‌درکشور ایران جلب کرد .

کشوری باستانی که باوجود حکایات عجیب درباره‌ثروت سرشارش هنوز مراحل اولیه تمدن‌رامی‌پیمود .

موقعیت ایران برای تجارت انگلستان زیاد مهم بود — وضع سوق الجیشی ایران ازآن نظرکه شاهراه هند محسوب میشد اهمیت فوق العاده‌ای داشت . بدین جهات رویتر درنهایت اطمینان مصمم باین‌کار شد ودر اواخر بهار سال ۱۸۷۲ محرمانه نماینده‌ای بدربار شاه درتهران فرستاد تا امتیازی راکه محسن خان باووعده داده‌بود بدست آورد ..... »

نماینده‌رویتر برای مذاکره بتهران‌میاید

بالاخره نماینده رویتر بنام مستر کوت‌وارد تهران میشود وبرای تهیه متن امتیازنامه بمذاکره می‌پردازد .

ناصر الدین شاه نیز اختیارنامه‌ای بشرح زیر بعنوان سپهسالار صدر اعظم که ملقب به مشیرالدوله بود مینویسد .

جناب مشیرالدوله

ازامروز به بعد گفتگوئی‌اگر دولت ایران با رایتر یاوکلای رایتر بادولت ایران درفقره راه‌آهن داشته باشد بدست شماگفتگو شود وقراری که لازم‌است داده شود لاغیر . درطهران ۱ رمضان تخاقوی‌ئیل .»

عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است

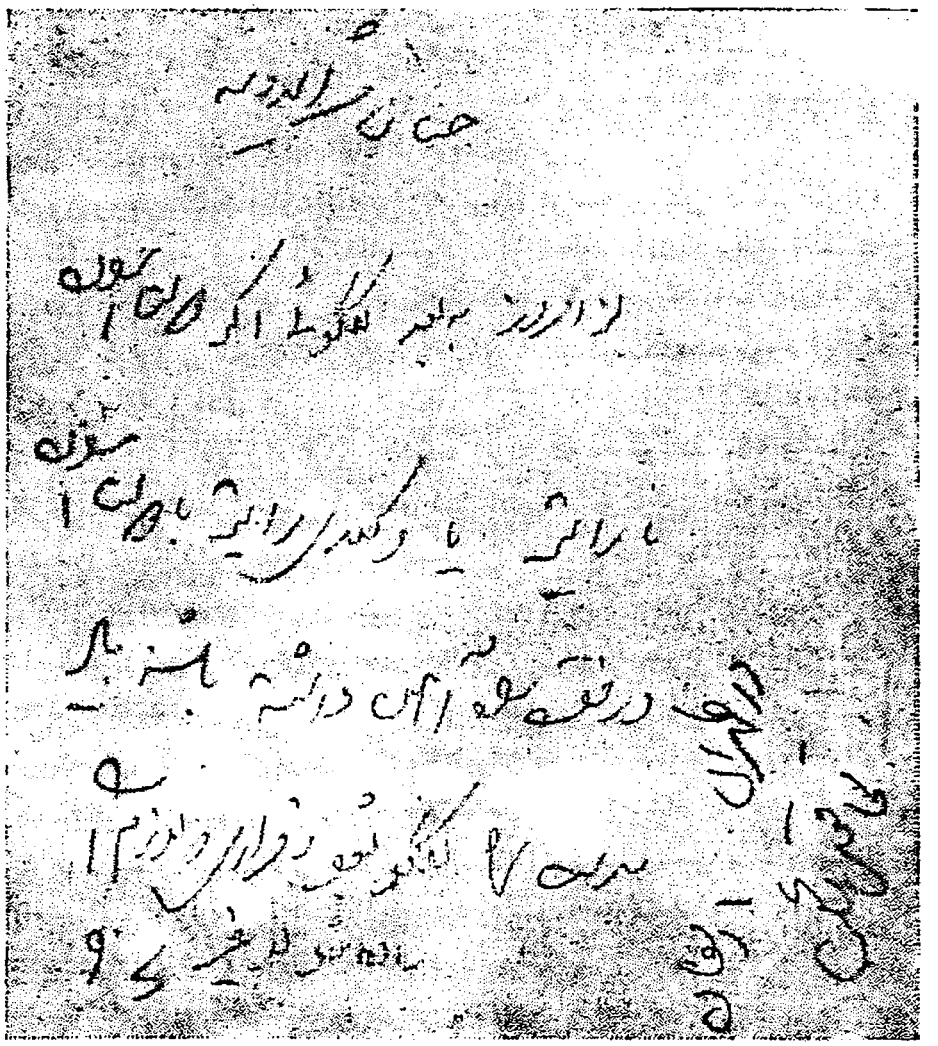

بین سپهسالار و مستر کوت تا مدتی مذاکراتی بعمل میآید ـ ناصرالدین شاه که جریان این مذاکرات را بادقت وعلاقه مخصوصی تعقیب میکرد از دخالت دیگران که ممکن بود ازانعقاد قرار داد جلوگیری نمایند میترسید ودر نامه‌ای به سپهسالار اینطور مینویسد .

«جناب صدر اعظم

انشاءالله تعالی اینکار راخوب انجام بدهید خدماتی بدین و دولت کرده اید که مافوق ندارد اما همان اشخاصی که تعجب ازقبول کمپانی اینکار را باین آسانی کرده‌اند بسیار میترسم که تعلل کوت را ازخارجه و داخله خودمان خالی بکنند که اشکالات بیاورد واینکار نگذرد این مردم را خوب شناخته‌ام. ودراین چند روز مراقب کوت باشید که بامردم ایرانی و فرنگی کمتر مراجعه کند .

تلگرافرئیس کوت هروقت برسد زود تر بعرض برسانید خیلی مراقب باشید که کوت راترسانند وبواهمه بیندازند بر پدر خائن لعنت »

خلاصه بعد از آنکه درشرایط ومواد امتیاز نامه بین طرفین موافقت حاصل میگردد بدستور ناصرالدین شاه مجلسی ازوزراء ورجال دولت تشکیل میشود تا آنرا بررسی ونظر خودشان را گزارش دهند اعضاء این مجلس بعد ازمطالعه گزارشی بشرح ذیل تهیه وبرای ناصرالدین شاه میفرستند .

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت گردم (کذا) ماجان نثاران بقدری که درقوه عقل و اطلاعات شخص خودبود درباب راه‌آهن مذاکره وگفتگو نمودیم هرگاه بخواهیم معظمات نتایج آن کار وکثرت غبن وضررهای تاخیر اینعمل راشرح بدهیم درخاکپای همایون کمال جسارت ومنتهای بی‌ادبی خواهد بوددراین عصرکدام ذی شعور هست که فواید راه‌آهن رامثل آفتاب معترف وبر اعجاز آن‌مقر نباشد بنابراین از لزوم و منافع اینعمل هیچ عرض نخواهیم کرد .

مطلبی که درپیش روی‌خود مجسم می‌بینیم این‌است که بجهت ساختن راه‌آهن درایران اقلا پنجاه کرور پول نقدلازم داریم بدیهی است که دولت علیه اصلا قادر نخواهد بود که چنین مخارجی رامتحمل بشودواین نیز روشن است که هیچ دولت وهیچ کمپانی این‌پنجاه کرور رامجانا بمانخواهند داد واگر یك کمپانی این‌مبلغ رااز برای ماخرج بکند باین امید وباین اطمینان‌خواهد بود که درآخر علاوه برمخارج خود منافع کل تحصیل‌نماید الان یك کمپانی پیداشده میخواهد پنجاه کرور رااز برای ماخرج بکند آیادر مقابل این‌پنجاه کرور چه‌باید بدهیم وچه میتوانیم بدهیم . پس‌از لازمه‌تاملات وتدقیقات آنچه بعقل فدویان رسید که میتوانیم بدهیم همه‌رامشخص کرده‌ایم دوریست که‌در اولین ملاحظه آنچه‌را داده‌ایم بنظر گزاف بیاید اما اگر بخاطر بیاوریم که‌ما این چیزها رادر مقابل پنجاه کرور میدهیم خواهیم دید که هیچ حق‌ادعای غبنی نداریم واین‌را هم‌باید ملاحظه فرمود که ما هیچ نداده‌ایم که ازمداخل حالیه دولت یکدینار کم بکند آنچه داده‌ایم منحصرا عبارت است ازبعضی موادعاطله که‌تا امروز هیچ منفعتی ازبرای دولت نداشته‌اند و اگر دردست مابمانند بعداز این هم فایده نخواهند بخشید در صورت عوض پنجاه کرور پول چیزی که باید بدهیم ومیتوانیم بدهیم همین فقراتی که‌در امتیازنامه معین شده‌است مانه ازاینها کمتر میتوانیم بدهیم نه‌بی عیب‌تر از اینها چیزی میتوانیم پیدا کنیم ملاحظه دیگری که محل کمال احتیاط بودفقره ضمانت است بجهت درك این‌مطلب باید عرض بکنیم که این پنجاه کرور راهیچکس وهیچ کمپانی حاضرنکرده است که‌بمابدهد بایداصحاب‌امتیاز بروند واز خلق فرنگستان پنجاه کرور پول قرض کنندتافرنگستان ازیك دولتی حمایت نبینند به‌اصحاب این‌امتیاز یك‌پول نمیدهند اصحاب‌این‌امتیازبواسطه‌حسابی که کرده‌اند یقین دارند که باوجود منافع معادن و جنگلها و آبها و مداخل راه آهن دیگر بهیچوجه احتیاج بضمانت دولت نخواهد بود .

اما این حساب‌را فقط موسیین این کمپانی میتوانند بفهمند آن اشخاص متفرقه عامه که باید این‌پنجاه کروررا بدهند ازدقایق چنان حساب بکلی بری هستند و تاضمانت آشکار نبینند یك پول نمیدهند درمقابل این حالت تدبیری که کرده‌ایم‌اینست که‌بخلق فرنگستان میگوئیم دولت ضامن‌است وازطرف دیگر کمپانی در قرارنامه دیگر تعهد میکند که هیچ ضمانتی برعهده دولت ایران وارد نخواهد آمد بواسطه این تدبیرهم خلق فرنگستان به‌اطمینان پول میدهند وهم دولت ایران اطمینان کامل دارد که تحت هیچ ضمانت و خسارتی نخواهد بود تفصیل این تدبیر درامتیازنامه ودرآن ورقه‌جداگانه که جزو قرارنامه مخصوص خواهد بود خوب‌آشکار وروشن شده‌است بندگان اقدس همایون شاهنشاه روحنا فداه باندك ملاحظه درك خواهند فرمود که دراین باب تدبیر دقیق وراه بی‌عیبی اخذ کرده‌ایم این فقره ضمانت که حقیقة سد مهیبی بودباین طور ازبخت بلند شاهنشاهی درکمال درستی وسادگی رفع شده‌است حال‌دیگربنظراین جان نثاران هیچ عیب ومحذوری نمیآید ویقین دارند که هرگزازبرای دولت علیه مناسبتر ازاین شرایط بدست نخواهد آمد .

اکنون انجام این مطلب بزرك که بلاشك اسباب‌احیای جمیع این صفحات‌خواهد بود منوط بیك اشاره شاهنشاهی‌است هرگاه اسم مبارك همایون خودرا براین امتیاز نامه مرقوم فرمایند بهمین گردش یك قلم بیش ازجمیع خدماتی که سلاطین ایران دراین چند هزار سال بملت خود کرده‌اند به این خاك وملت مرحمت واحسان وعطای حیات حقیقی فرموده‌اند واگر خدا نخواسته ازعدم مساعدت بخت این ملك دربذل چنان مکرمت تاملی فرمایند این موقع مساعد فوت وتابیست سال امید های ایران عقب خواهد ماند وخدا میداند که دراین بیست سال چه نوع اسباب تاسف و حسرت‌باقی خواهد ماند تکلیف بندگی و دولت خواهی ووظیفه سلطان پرستی و جان نثاری ما این بود که عرض کردیم حال امر واراده باحضرت ظل اللهی روحنا فداه‌است .

محل مهرها

ناصرالملك (میرزا محمودخان قراگوزلو)
نظام‌الدوله (دوستعلی خان معیرالممالك وزیر مالیه)
قوام الدوله (میرزا محمد خان وزیر محاسبات)

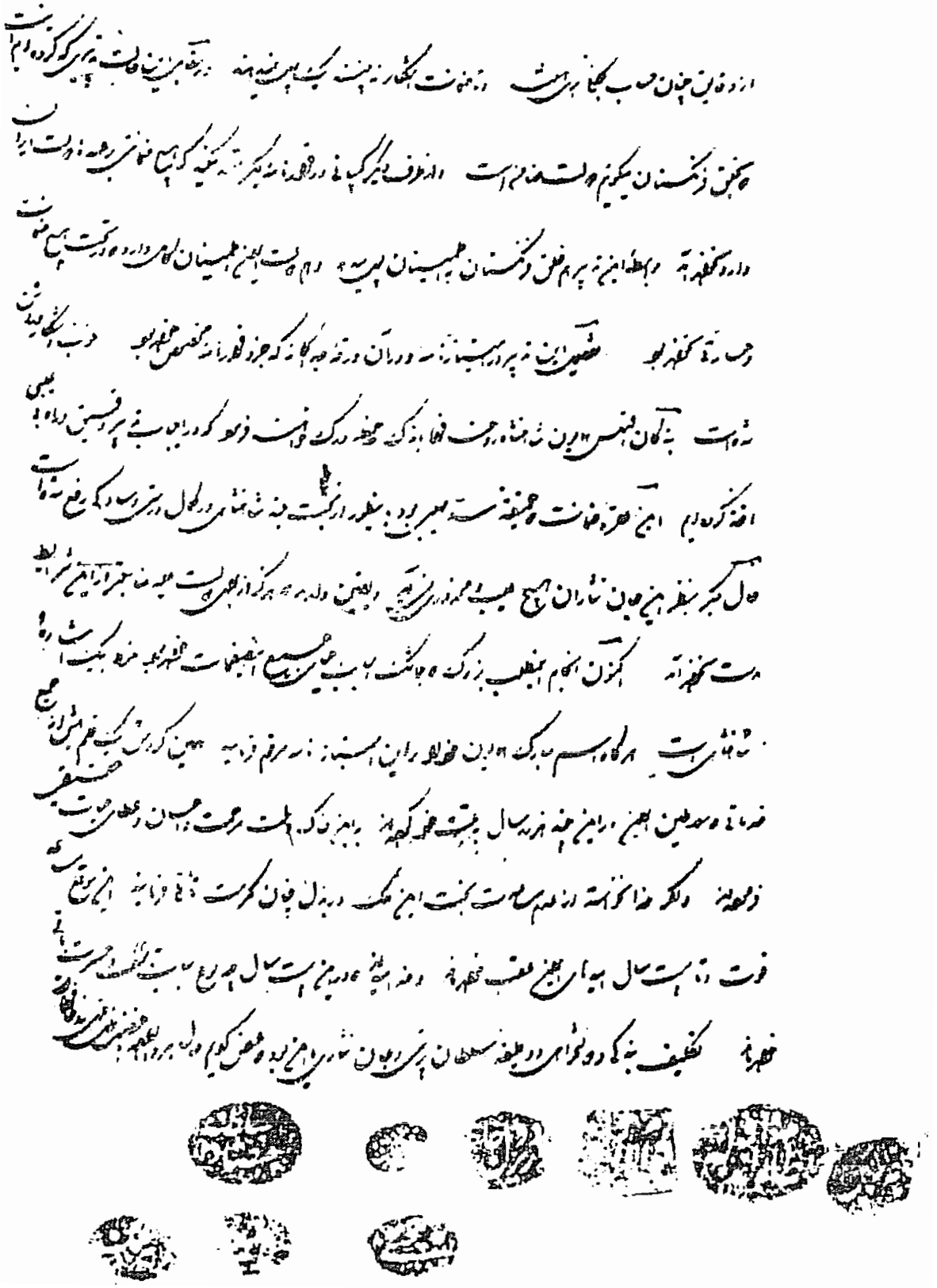

وزیر دول خارجه (میرزا سعید خان)
محمد علی بن امام‌قلی (شاهزاده عمادالدوله
یحیی (یحیی خان معتمد الملك)
اعتضادالسلطنه
امین‌الملك (پاشاخان وزیر عدلیه)
دبیرالملك (میرزا محمد حسین وزیر رسائل ووزیر داخله)

صفحه‌آخر این گزارش درصفحه مقابل کراور شده‌است

این گزارش را میرزا حسین‌خان سپهسالار مهر نکرده است .

تحصیل این امتیاز نامه توسط انگلیس‌ها در آنروزها از شاهکار های سیاسی انگلستان بشمار میرفت وهنگامیکه امتیاز نامه منتشر میشود در تمام ممالك اروپا اسباب تعجب مردم گردیده بود و همه میپرسیدند چگونه زمامداران کشوری باین آسانی حاضر شده‌اند مملکت خودرا اینچنین تحت سلطه واختیار اجانب قرار دهند .

انگلیس‌ها این نقش‌راچنان‌ماهرانه بازی‌میکردند که ناصرالدین‌شاه از عدم‌انجامش آنطور نگران بود ورجال ووزرای دولت نیز آنرا اینطور خدمت‌واسباب احیای‌مملکت میشمردند .ناگفته‌نماند که مستر کوت‌نماینده رویتر برای تسریع وتسهیل‌کار مبالغی برجال ووزراء ایران رشوه میدهد واگر کسی جرأت مخالفتی میکرد بادادن پول دهانش را می بست چنانکه اعتمادالسلطنه در کتاب‌خود مینویسد .

«پنجاه هزار لیره میرزا حسینخان‌صدراعظم گرفته همینطورها هم‌میرزا ملکم‌خان بیست‌هزار لیره حاجی محسن‌خان معین‌الملك ـ بیست هزار لیره منیر الدوله ـ مبلغی هم اقبال‌الملك‌مبلغی هم مردم دیگر که دست‌اندرکار بوده‌اند مختصر قریب دویست هزار لیره تعارف داده است وصدهزار لیره هم خرج کرده .»

امضای امتیاز نامه بهرحال بعداز آنکه متن امتیاز نامه تهیه میشود سپهسالار آنرا بضمیمه نامه‌ای بشرح‌ذیل برای ملاحظه‌وامضای‌ناصرالدین شاه میفرستد .

« قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارك شوم دیروز پس‌از آنکه پاکت عرایض بصحابت معتمدالملك بسته وممهورشد وبعدازآنکه قرارنامه راه‌آهن در مجالس متعدده‌باحضور اولیای دولت ساخته‌گردیده وبامسیوکوت اتفاق آراء حاصل نمودند نوشته ومهر کرده در شرف تقدیم بخاکپای مبارك شاهنشاهی روحنافداه بودند که تلغرافی ازبارون رایتر بعنوان مسیوکوت رسید واصرار درفقره ضمانت دولت نموده بودموجب اوقات تلخی‌همه گردید فدوی‌خانه‌زاد تعطیل فرستادن لایحه رابخاکپای مبارك جایز نشمردم وگفتم اگرچنانچه فقرات مسطوره درلایحه مقبول خاطر همایونی گردید بامضاء فرمایند وبارون رایتر قبول نکند کمپانی دیگر بهمین شرایط بهرقسم‌است فدوی بجهت‌انجام این‌مقصود حاضرخواهم کرد وهمان دقیقه تلغرافی بحاجی محسن‌خان‌زدم که بابارون رایتر مذاکره نموده وبگوئید کارتمام شده‌بودکه تلغراف اخیره شماباعث مایوسی ماگردید اگر بهمان شرایط سابق قبول دارید بسیارخوب والا کمپانی دیگرهست بااو قرار اتمام عمل را خواهم داد مسیوکوت را نیز وادار نمودم تلغرافی بهمین مضامین ببارون رایتر کند وتلغراف اخیره بارون رایتر را باترجمه معتمدالملك‌آورد که ازلحاظ انور مبارك شاهنشاهی روحنا فداه بگذراند هنوزجواب تلغراف فدوی خانه‌زاد ازمحسن خان‌نرسیده است لکن الان‌مسیوکوت آمد وجواب بارون رایتر که بمشارالیه نوشته‌است آوردو بداو اجازه داده است که قرار نامه رابطوری که الان درخاکپای مبارك است امضاء نمایدواشکالاتی وارد نیاورد .

اصل تلغراف نامه‌وارده از بارون رایتر که مسیوکوت بزبان فرانسه بخطخودش ترجمه نموده‌ونوشته‌است

نزد معتمدالملك فرستادم که بفارسی ترجمه کرده ازلحاظ انوراقدس اعلی‌روحنا فداه گذراند بعد از آنکه ذات اقدس ملوکانه به‌نفس نفیس‌مبارك خودشان تفکر وتعمق دراطراف کار ومضامین مندرجه درلایحه فرمودند وباآن بصیرتی که خداوند در وجود مسعودهمایون علیه‌ازلیه قرارداده است مطالعه نمودند تاهرچه امرقدرقدرت‌همایونی شرف وقوع یابد برمابندگان اطاعت‌فوری لازم است. اخباره‌تازه رسیده است که جسارت بعرض نمایم‌الحمدالله امنیت وفور نعمت‌در همه‌جا هست.تلغرافی از موید‌الدوله وروزنامه مدرسه دارالفنون رسیده بود تقدیم خاکپای مبارك شد .الامرالاقدس‌الاعلی مطاع مطاع مطاع »

ناصرالدین شاه در حاشیه این نامه اینطور نوشته‌است .

« جناب صدراعظم معتمدالملك واردشد عرایض راکاملا رساند جواب‌ازقراری است که نوشته شدملاحظه خواهیدکرد . قرارنامه راه‌آهن راکه بمهرشما وسایر وزراء ممهوربود ملاحظه شد بسیار خوب وبقاعده بود در دوفصل که ۱۸و۲٤ باشد تعرض کرده‌ام ملاحظه وفرانسوی وفارسی هردو رابرطبق‌آن بنویسید بطور وضوح‌دیگر هیچ عیب ونقصی ندارد بلکه همه محسنات‌است وقرار نامه بمبارکی بامضای مارسید وممهور شد بصحابت محمد آقافرستادم تلگرافی که بود از تلگراف سابق‌رایتر بود که آنهم برسیدن تلگراف شما الحمدالله رفع شد اماگویا فراموش شده تلگراف‌رایتردر جوف نوشتجات معتمدالملك وعرایضی که‌بمانوشته‌بودید نبود دوباره بفرستیدملاحظه شود انشاءالله طوری بکنید که این کار بشود و نتیجه بهم برساند مثل کمپانیها و قرار سابق‌نباشد انشاءالله»

متن امتیازنامه رویتر

متن امتیازنامه رویتر که از روی نسخه‌اصلی آن تهیه گردیده بشرح ذیل‌است (۱)

اعطای امتیازات حقوق

از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به‌بارون‌جولی‌یوس‌دروتر کمپانی همایونی ایرانی وانگلیسی بجهة راه‌آهن و اعمال مفیده عامه درایران

عطای امتیازات حقوق از جانب اعلیحضرت همایون شاه‌ایران به‌بارون جولی یوس دروتر

فیمابین دولت اعلیحضرت همایون شاه ایران و بارون جولی‌یوس دروتر مقیم لندن فقرات ذیل متعهد وبرقرار است .

فقره اول ـ دولت علیه‌ایران بحکم این‌قرارنامه به‌بارون جولی یوس‌دروتر اجازه واختیار تام میدهد که در فرنگستان بهراسم وبهرشرایطی که خود مشخص نماید یکی یاچندین کمپانیهاتاسیس واحداث بکند که در تمام خاك ایران به‌آن کارهای مفیده که‌در این امتیازنامه مذکور است اقدام‌بکندوآنهارامجری‌دارد.

فقری دویم — دولت علیه ایران از برای مدت هفتاد سال امتیاز مخصوص وانحصار قطعی راه‌آهن بحر خزر الی خلیج فارس‌را بارون دروتر وبشرکاء یابوکلاء اعطاء ووا گذار مینماید وهمچنین‌بایشان‌حق مخصوص وانحصاری وقطعی میدهد که هرشعبات راه‌آهن که مناسب بدانند خواه بجهت‌اتصال ولایات وشهرها درداخله خاك ایران‌خواه بجهت اتصال راه‌های ایران براههای آهن ممالك خارجه ازهرنقطه ازنقاط سرحدات ایران رو بفرنگستان و هندوستان بسازند وبکار بیندازند .

---

(۱) اصل نسخه امتیازنامه رویتر که بفارسی وفرانسه نوشته شده دربایگانی‌وزارت امورخارجه موجوداست وبطوری که ملاحظه میشود بارونوشت امتیازنامه مزبور که در بعضی کتب اخیرا منتشر گردیده‌تفاوت زیای دارد .

فقره سیم ـ ونیزدولت علیه‌ایران باصحاب این‌امتیاز حق‌مخصوص وامتیاز انحصاری داده‌است درهر نقطه که مناسب بدانند تراموای‌ها بسازند خواه‌بجهت اتصال بشهرها وقصبات وبلوکات باهمدیگر خواه بجهت اتصال این اماکن‌براههای آهن یابه‌آن نقاطی که کمپانی درآنجاها کار دارد کمپانی ازبرای ساختن و بکار انداختن این تراموایها همان امتیازات و حقوق را خواهند داشت که بجهت راه آهن در فقرات چهارم و پنجم و ششم داده‌است .

فقره چهارم ـ هرقدرکه بجهت ساختن خطوط آهنهاوشعبه‌های آنها وراه‌های جفت (۱) وراههای گریز (۲) وتخلف وراههای احتیاط وسراهای خروج وورودومنازل‌ومنزلگاه واماکن‌سکنی ازبرای مامورین‌وکارخانجات آهنگری ونجاری و ملحقات اینهالازم شود دولت علیه ایران همه آنهارا اگراز املاك خالصه باشد مجانا باصحاب این امتیاز میدهد . در خصوص اراضی که تعلق باشخاص داشته باشد باید کمپانی باصاحبان آن اراضی با رضای طرفین قراری بگذارد امادولت علیه‌ایران باتمام وسایل کمال‌سعی واهتمام خواهد کرد که این اراضی را بقیمت جاریه مملکت از برای کمپانی خریده وتحصیل شود واگر لازم شود اصحاب این اراضی را موافق قاعده مجبور نمایند که اراضی خودرا بکمپانی بفروشد علاوه بر عرض مقرره راههای آهن دولت علیه‌ایران از هرطرف خطوط راه‌آهن هرقدرکه طول‌آنها باشند ازاملاك خالصه وازآن اراضی که این اوقات زراعت نکرده باشند مقدارسی متر بکمپانی مجانا میدهد هرگاه علاوه برشهرها ودهات که کمپانی باقتضای مصلحت خود مختاراست از برای راههای‌آهن منازل قراربدهد مصلحت کمپانی مقتضی باشد که دربعضی نقاط‌دوردست ولم‌یزرع منازل بسازد ودولت علیه ایران‌در همان جاهائی که کمپانی بخواهد بکمپانی مجاناچهار هزار ذرع‌مربع زمین خواهد داد که بجهت مامورین خود که درآنجاها باشند بتوانند اسباب گذران‌امن وسهل فراهم بیاورند .

فقره پنجم ـ کمپانی‌اختیار واجازه تام‌دارد که بجهة ساختن‌وحفظ تعمیرراههای خودهر مصالحی که‌لازم داشته باشد ازقبیل ریگ‌وسنگ وآهك وغیره‌از املاك خالصه مجانا بگیرد وبجهة مصالح تفرعاتی ازقبیل آلات و وافزار وآذوقه ودواب وغیره که کمپانی بخواهد در جاهائی که کار دارد بخرددولت قدغن خواهد کرد که‌بیش ازقیمت رواج مملکت چیزی ورسومی نگیرند .

فقره ششم — هرنوع مصالحی بجهة ساختن وبکارانداختن طرق‌آهن لازم‌باشد داخل خاك ایران خواهد شدبی‌آنکه هیچ‌رسومی بدهدنه‌رسوم گمرکی نه‌رسوم‌دریا بجهةخروج‌امتعه نه‌رسوم‌دخول نه‌رسوم‌انبار و نه‌هیچ رسوم دیگرکه درعرض راه‌چه ازجانب دیوان وچه ازجانب‌اشخاص مطالبه‌شود وگمرك‌حق مواظبت‌خواهد داشت امابطوری که سرعت ودرستی ورود مصالح‌را بمحلی که مقصوداست بهیچوجه بتاخیر نیندازد وهمین حق‌معافیت از هرنوع رسوم ازبرای هرقسم مصالحی که بجهت‌اقدامات وکارکردن وتحصیل تمنعات کمپانی لازم‌بشود ازجانب دولت‌معهود وبرقرار است مامورین وعمال کمپانی ازهرنوع مالیات داخله معاف‌خواهند بود وهمچنین‌کل اراضی کمپانی هر قبیل وهرقدرکه باشندازهرنوع مالیات‌ورسوم بکلی‌معاف خواهند بود ومحصولات کل‌عمال وهرقبیل امتعه کل تصرفات واعمالات کمپانی به‌آزادی ازتمام خاك‌ایران عبور ومرور خواهندکرد وبه آزادی از خاك ایران خارج خواهند شد ودرحین خروج ازخاك ایران ازهررسوم ومالیات معاف‌وآزاد خواهند بود .

فقره هفتم ـ طرز ساختن راه‌آهن وموعدی که بایدبرسرآن هرنقطه‌راه‌آهن بکارافتد باموافقت‌دولت معین خواهد شدودر دفتر حمول‌ملحق خواهدشد باین‌امتیازنامه حاضره .

فقره هشتم ـ روزی که این‌قرارنامه ممضی‌شود چهل‌هزار لیره انگلیسی باسم‌دولت ایران واصحاب این امتیاز در بانك‌انگلستان رهن گذاشته خواهدشد هرگاه ازتاریخ این قرارنامه الی‌پانزده ماه‌دیگر شروع بکار نشود این مبلغ ضبط‌خواهد شدمگر اینکه تاخیرشروع کار بحکم‌اسباب مهمه بواسطه چنان‌موانعی باشد که از اراده

1— La Ligne avec double voie

2— Voies d,evitement

کمپانی خارج شود ازقبیل جنك و غرق وتعطیل حمل ونقل درممالك خارجه درمقابل قبض حاکم رشت مشعر بر اینکه بقدر کفایت ساختن راه‌آهن ازرشت الی طهران میلهای آهن وارداترلی شده‌است این مبلغ چهل هزار لیره به کمپانی ردخواهدشد .

فقره نهم — کمپانی تعهدمیکند که در تمام مدت این امتیاز از منافع خالص عمل راه‌آهن صد بیست بدولت ایران بدهد .

فقره دهم ـ برسرانقضای مدت این امتیاز که عبارت ازهفتاد سال است باید اصحاب این امتیاز قبل ازوقت در باب اینکه تصرف وتمتع این راههای آهن دردست ایشان باقی بماند وامتداد بیابد بادولت گفتگوبکنند وقراری بگذارند درصورتیکه دراین باب فیمابین دولت واصحاب امتیاز قرارتازه میسر نشود جمیع خطوط راه آهن که بحکم این امتیاز و قرارنامه ساخته شده باشد بامصالح ثابته ودواره خود مال دولت علیه ایران خواهد بود .

در باب ابنیه وتوابع خطراه آهن رجوع خواهد شد به آن قواعدی که عموما سایر دول رعایت کرده‌اند وشروط آن در این باب برای دولت مساعدتر ازهمه باشد اصحاب این امتیاز در عوض راه‌آهنی که بدولت واگذارند حق مطالبه هیچ تنخواه وهیچ تلافی نخواهند داشت .

فقره یازدهم ـ دولت علیه ایران بحکم امتیازنامه وقرارنامه حاضره باصحاب این امتیاز حق مخصوص وامتیاز انحصاری وقطعی میدهد که درمدت طول این امتیاز درتمام ممالك ایران معادن ذغال سنك وآهن ومس وسرب و پطرول وغیره راوهرمعدن دیگر که ایشان مناسب بدانند کاربکنند وازآنها تمتع بردارند بغیرازآن معادنی که مالك مردم است وصاحبان آنها در آنها کار میکنند ـ درخصوص این نوع معادن هرگاه کمپانی بخواهدآنهارا بخرد باید باصاحبان آنهابرضای طرفین معامله‌نماید بطور وضوح مقرراست که هیچیك ازکارگذاران ومامورین دولتی ومذهبی وهیچیك ازرعایا وتبعه واشخاص نمی‌توانند درخصوص یك معدن ادعای حق تصرف نمایند مگر در صورتیکه مدت پنج سال قبل علنا و با معرفت و تصدیق عامه در آن معدن کار کرده باشد خارج ازاین شرط است .

هرمعدنی که کمپانی پیدا بکند مثل زمین ساده وعادی محسوب خواهد شد و از جانب کمپانی بقیمت متداوله آن ولایت خریده خواهد شد واگر لازم شود دولت صاحب یااصحاب آن زمین را مجبور خواهد کرد که آنرا بقیمت متداوله آن ملك بکمپانی بفروشد دولت معادن طلا و نقره و جواهر را برای خود نگاه میدارد .

از برای کارکردن این نوع معادن دولت میتواند باکمپانی قرار دادهای مخصوص بگذارد .

فقره دوازدهم ـ ازمحصولات خالص هرمعدنی که کمپانی بکار بیندازد دولت ایران از منافع خالص آن سالی صدوپانزده هرسوم ومقرر خواهدداشت :

فقره سیزدهم ـ ازبرای کارکردن معادن واتصال آنها براههای آهن وتراموای وطرق دیگرهر قدر زمین که لازم میشود از املاك خالصه مجانا بکمپانی داده خواهدشد .

بجهة این معادن کمپانی بهره یاب خواهد شد ازهمان امتیازاتی که در فقره ششم برقرار است وهمچنین محکوم همان تعهدی خواهد بود که در فقره دهم معین است .

فقره چهاردهم - دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه باصحاب این امتیاز حق مخصوص وامتیاز انحصاری قطعی میدهد که درمدت طول این امتیاز در جنگلهای تمام ایران کاربکندواین جنگلهارابکار بیندازد وازآنها تمتع بردارنداین کارکردن وتحصیل تمتع کمپانی در جنگلهای ایران بهرترکیبی که باشد درهر زمینی که تاامضای این قرارنامه زراعت نشده باشد جائز ومعمول خواهد بود .

در هرجائیکه کمپانی درختهای آنجا رابریده باشد هراراضی که دولت بخواهد بفروشد کمپانی قبل از همه کس حق خواهد داشت که آن اراضی را از دولت بقیمت متداوله بخرد دولت ایران از منافع خالص این جنگلهاسالی صدپانزده قسمت خواهد برد .

فقره پانزدهم — دولت علیه ایران باصحاب این امتیاز حق مخصوص وامتیاز انحصاری میدهد که در مدت این امتیاز درتمام مملکت ایران بجهت برگردانیدن رودخانه‌ها ومجاری آنها وساختن بندها و سدها و استخرها وکندن چاههای سیاله ومجراهای مصنوعی وبجهت آوردن آبهائی که دولت برآنها حقی بکسی نداده باشد وجاری کردن آن آبهابنقاط مختلفه که خود اصحاب این امتیاز مصلحت بدانند وهرعمل وکاری واقدامی که لازم باشد بکنندمجری دارند .

وهیچ صاحب ملکی باعبور این آبها هیچ نوع مخالفتی نکند یابعبور آنها موانع وعوائقی نگذارند وازآن طرف هم بهرصاحب ملکی که عبور این آبها خسارتی وارد بیاورد کمپانی تلافی خواهد کرد.

دولت ایران بجهت کارها وبناهای آب کشی وهرنوع احداثاتی که تعلق بآب داشته باشد هرقدر زمین که لازم بشود بکمپانی مجانا خواهد داد وعلاوه براین دولت ایران ازهرطرف جوهائی که ساخته باشد مقدار بیست متر زمین بطول آن جویها مجاناً بکمپانی خواهد داد وهرزمین بایری که کمپانی بواسطه آبهائیکه آورده شده دائر بکند تصرف اختیاری درزراعت آن زمین حق کمپانی خواهد بود کمپانی قیمت آبهائی که بخواهد بفروشد باتفاق دولت بارضای طرفین معین خواهد کرد .

دولت ایران ازمنافع خالص این آبها سالی صد پانزده قسمت خواهد برد .

فقره شانزدهم — بجهة ساختن راه آهن که امتیاز آن بحکم این قرارنامه به اصحاب این امتیازنامه واگذار شده است وبجهه اجرای اعمالی که مقتضی کارها واقدامات دیگری است که در فوق ذکر شده است دولت علیه ایران ببارون دروتروشرکاء یابوکلاء او اجازه واختیار تام میدهد که بحکم این قرار نامه ابتدا یك سرمایه اولیه که عبارت ازصد وپنجاه ملیون فرانق یاشش ملیون لیره انگلیسی باشد برسم حصه‌های شرکت یاسندهای قرض صادرنمایند منفعت وقیمت وشروط وطرزصدور این مبلغرا خود اصحاب این امتیازبعد مشخص خواهند کرد.

فقره هفدهم ـ دولت ایران بحکم این قرارنامه بجهة هرسرمایه که صادر شده باشد یابعد صادرشود سالی صد پنج منفعت وعلاوه برآن صدد وهم بجهة ادای سرمایه بکمپانی ضمانت میکند .

فقره هجدهم — این ضمانت صد هفت بر عهده مداخل معادن وآبها وجنگلها وگمرك های دولت علیه ایران است .

این ضمانت حکمی نخواهد داشت مگر پس ازاتمام خط راه آهن ازبحر خزر الی اصفهان مطابق همان طرز وترکیب که دردفتر حمول معین باشد تاآنوقت کمپانی منفعت سالیانه‌را ازروی آن سرمایه اولیه که صادر شده است یاازروی آن سرمایه جدید که اجازه واختیار دارد که موافق مصلحت خود صادر نماید بحصه داران ادا خواهد کرد .

فقره نوزدهم ـ دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه تعهد میکند که اجاره گمرك های ایرانرا ازتاریخ ماه مارس سنه ۱۸۷٤ تامدت بیست وپنج سال باصحاب این امتیاز بدهد بجهت اجاره این گمرکها اصحاب این امتیاز مبلغ اجاره حالیه‌را بدولت خواهند داد وعلاوه برآن سالی هم مبلغ پانصد هزار فرانق یابیست هزار لیره انگلیسی باسم اضافه خواهند داد این شرایط ازبرای پنجسال اولی مقرراست ـ ازابتدای سال ششم در عوض این پانصد هزار فرانق مبلغ اضافه ازروی کل منفعت خالص سالی صد شصت بدولت داده خواهد شد بغیر ازقیمت اجاره

فقره بیستم — درصورتیکه دولت علیه ایران بعدازاین مصمم بشود که امتیاز بانك را یاامتیاز یك دستگاه اعتباری‌را ازهرقبیل که باشدبدهد آن امتیاز ازامروز بحکم این قرار نامه محفوظ ومعهودومخصوص است ازبرای این کمپانی که برجمیع اشخاص وکمپانیهای دیگر حق رجحان خواهد داشت .

فقره بیست ویکم —ازبرای هرنوع کارها وتلغرافها وآسیاها وکارخانه‌جات آهن آلات وسایر کارخانها وغیره که بعد ازاین امتیازی بخواهند اصحاب این امتیاز حاضره درجمع این مواد وامتیازها حق رجحان برجمیع اشخاص وکمپانیهای دیگر خواهند داشت .

فقره بیست ودویم ـ اصحاب این امتیاز در هروقت مختار خواهند بود که کل این حقوقی که بواسطه این امتیازنامه داده شده است یایك جزو این حقوقرا بهرطورکه بخواهند بکمپانی دیگر یا بمشتری دیگر بدهند یا

بفروشند باتعهداتی که کرده‌اند .

فقره بیست وسیم ـ اصحاب این امتیاز نامه تعهد میکنند که این اعمال را یعنی اعمال معادن وآبها و جنگلهارابااعمال راه آهن باهم‌شروع بکنندوباهراهتمامی که ممکن باشداجرای آنهارا پیش ببرند .

دولت علیه ایران نیز ازطرف خود علاوه برآن عملجات خارجه که کمپانی‌مختار است بمیل خود اجیر نماید هرقدر عمله که کمپانی بجهت اجرای این اعمال مختلفه لازم داشته باشد بقیمت متداوله مملکت ازبرای کمپانی پیدا خواهد کرد .

دولت علیه ایران ازبرای حفظ امنیت هرزمین وهرمحل که‌بجهت هریك ازاین اعمال بکمپانی‌داده‌است وهمچنین از برای اکمال امنیت هریك ازوکلاء و کارگذاران ومامورین و عملجات کمپانی هرقواعدی که لازم باشد اعلام خواهد کرد وهرتدابیری که واجب باشد حکم باجراء آنها خواهد نمود

فقره بیست‌وچهارم ـ این امتیازنامه بزبان فارسی ترجمه خواهد شد اما در صورت ظهور مشکلات فیما بین طرفین متعهد نین مضمون فرانسه تنها سند خواهد بود .

درطهران بیست وپنج ژولیه سنه ۱۸۷۲عیسوی مطابق هیجده شهرجمادی الاولی سنه ۱۲۸۹ هجری دردو نسخه نوشته شده .

جناب اشرف امجد صدر اعظم‌دولت علیه ایران به‌حکم اختیار نامه نامه که بایشان ازجانب اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران داده شده‌است باتفاق جمیع وزرای دولت این قرار نامه را امضاء و تصدیق داشتند واعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی نیز این قرارنامه‌را به امضای همایون خود ممضی وتصدیق فرمودند .

محل مهر «الملك لله السلطان ابن‌السلطان ناصرالدین شاه قاجار» .

محل امضاء ناصرالدین شاه «السلطان ناصر الدین شاه قاجار»

محل امهار بترتیب ۱ پاشا خان امین الملك وزیر عدلیه اعظم ـ حسنعلی خان وزیر فواید عامه ـ عماد الدوله محمدبن امامقلی میرزای وزیر ـ میرزا سعید خان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران ـ اعتضادالسلطنه دوستعلی خان نظام‌الدوله وزیر مالیه ـ حاجی محسن خان وزیر مختار مامور دربار دولت انگلیس ـ ناصرالملك)

این یك شرحی‌است که بجهت توضیح فقره‌هجدهم باید دردفتر حمول ثبت شود .

بطور صریح مقرر است که حتی درآن وقت اتمام خط راه آهن از رشت الی اصفهان دولت علیه ایران بجهت ادای منافع صد هفت سؤال نخواهد بود اما بر کمپانی لازم خواهدبود که تاآنوقت معادن وآبهاوجنگلها وگمرکها را به حالتی رسانده باشد که اضافهٔ دخل آنها به منفعت آن سرمایهٔ که ضمانت شده مساوی باشد .

درصورتی که اصحاب این امتیاز درآنوقت چنان نتیجه بدست نیاورده باشند ازدولت هیچ مطالبه نخواهند کرد و درادای تنخواهی که بجهت اجاره گمرکها ومبلغ اضافه که درفقره نوزدهم مقرراست هیچ تغییر وتاخیری جایز نخواهند داشت . وبرآنها لازم خواهد بود که منافع مزبوره را ازروی سرمایهٔ اولی بدهند یااینکه بمیل و اختیار خود سرمایه دیگری صادر نمایندیاهمانطور ضمانت‌ها که دراین‌امتیازنامه مقرر شده‌است بطور صریح مقرراست که بارون جولیوس روتر بمحض قبول این امتیاز نامه حاضره بدون هیچ استثناء امضاءوتصدیق میکند جمیع آن تعهداتی که مسیو کوت درخصوص این امتیازنامه درطهران برعهده گرفته‌است بتاریخ ۲٤ ماه اغوت سنه ۱۸۷۲

(درذیل متن فرانسه امتیازنامه مسیو کوت نماینده رویتر این عبارت‌را باخط خود نوشته و سپس آنرا امضاء کرده‌است «چون ساوالان خان ادعا میکند که ازجانب دولت ایران باو بعضی حقوق داده شده است بارون رایتر بی‌آنکه ادعای اوراعتراف نماید تعهد میکند)

(دراینجا دوباره همان اشخاصی که قبلا مهر کرده‌اند مهر نموده‌اند.)

محل امضاء ومهر ژولیوس رویتر

درذیل متن فرانسه میرزا حسین خان سپهسالار باخط خودنوشته

«هو این نسخه قرار نامه راه آهن بخط فرانسه مطابق‌است بانسخه خط فارسی که بدستخط مبارك همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه‌وسلطانه مشرف وبمهر مبارك ملوکانه مزین‌شده‌است واختلافی ندارد مورخه ۲۷جمادی الاولی ۱۲۸۹ «محل مهر صدر اعظم»

مجددا اشخاص مزبور مهر کرده‌اند

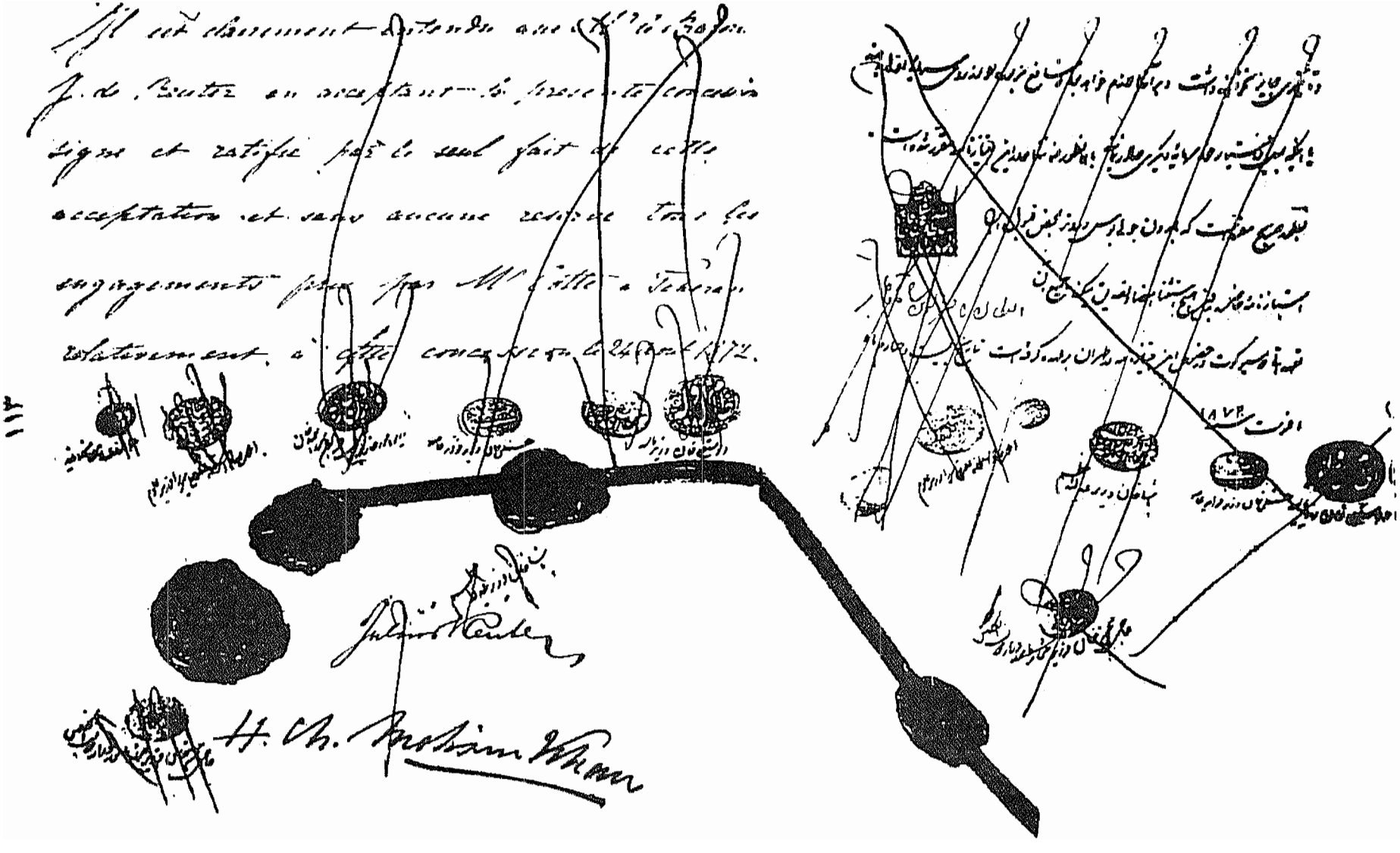

صفحه آخر امتیاز نامه رویتر درصفحه قبل گراور شده است ـ بعداز آنکه امتیاز بانك شاهنشاهی اعطاء میشود بموجب فصل ملحقه، نمره یك که بعداً متن آن درجای خود نقل خواهد شد جرج رویتر فرزند بارون جولیوس رویتر متعهد میگردد که اصل امتیاز نامه را درظرف ده روز پس از ورود خودش بلندن بوزیر امورخارجه انگلیس بدهد که توسط نماینده دولت انگلستان در تهران بدولت ایران تسلیم شود و بالاخره پس از تسلیم آن بدولت ایران ناصرالدین شاه روی صفحات آن خط کشیده و باخط خود در پائین آن چنین نوشته است .

« این قرار نامه که ازاول الی آخر خط کشیده شده روی صفحه‌ها و روی مهرها ازدرجه اعتبار ساقط و باطل شد ۳۰۷ »

☆ ☆ ☆

بعد از امضاء امتیاز نامه

بعداز تصدیق وامضاء امتیاز نامه از طرف ناصرالدین شاه این نامه را بپهنسالار مجددا بعنوان « شاه » مینویسد و در آن مخالفت روسها را گوشزد میسازد .

«قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارك گردم .

قرارنامه راه‌آهن که بامضاءوتصدیق همایون‌شاهنشاهی روحنافدامزسیده وباین واسطه احیای دولت‌وملك فرموده‌اید زیارت نمود شکر خدارا هزار مرتبه بجاآوردم ودوام عمروودولت وشوکت همایونی را فدوی خانه‌زاد وجمیع افراد ملت هرکس که‌شعور وفهم داشته ازصمیم قلب بجای آوردند در دوفصل ازقرارنامه که تصرف‌همایونی شده بود بجا وموقع بود ومحل ایراد طرف‌مقابل نمیتواند بشود امادرفقره منافع حالیه کمرك آنچه بدستخط مبارك در اصل‌قرارنامه مرقوم شده بود بعینها بلکه‌قوی وشدیدتر در فصل هجدهم که‌جداگانه امضاء میشود و همین‌حکم وقدرت قرارنامه رادارد مندرج ومنظور بود تلگرافنامه بارون رویتر که‌سهوا درنزد ناظم الملك مانده بود ودر جوف پاکت معتمدالملك فرستاده‌نشده بودالان تقدیم حضور مهر ظهور ملوکانه گردید وامر قرارنامه‌از طرف بارون رویتر و مسیو کوت امضاء وتصدیق گرفته شد که دیگر بهیچوجه محل حرف نیست وچیزی باقی نمانده است در متفرعات امراز جانب بنده ذلیل بیمقدار همایونی قدری ایرادات هست که در یك مجلس‌سورت انجام خواهد گرفت وانشاءالله‌الرحمن قبل از یکسال شروع بکار خواهند نمود ودرظرف دوسال از رشت الی دارالخلافه تمام خواهد شد آنوقت ملاحظه خواهید فرمود که یك مملکت ودولتی که بهیچوجه شباهت بآنچه حالاهست ندارد خداوند از تازگی بسرکار اقدس همایونی روحنا فداه عنایت فرموده‌است .

سفارت روسیه بهیچوجه راضی باین‌عمل نیست باوجودی که هنوز ازفصول وشرایط قرارنامه اطلاع کامل ندارد معایب وخطرات معدود میدارد وحق هم‌دارد اگرفدوی‌هم ایلچی روس بودم همین شیوه‌را پیشنهاد خود میساختم وبقدر مقدور سعی میکردم دولت و ملت ایران از این قدرت ونفع‌جدید محروم نمانند لکن تفضل خداوندی و بصیرت کلمه‌همایونی انشاءالله دولت وملت مستحق‌ایران‌را محروم نخواهد گذاشت .

خداوند جان ناقابل خانه‌زاد را بقربان خاکپای مبارك نماید» الامرالاقدس الاعلی مطاع‌مطاع مطاع»

ناصرالدین‌شاه در حاشیه این نامه نوشته است .

« جناب صدراعظم تلگراف رویتر ملاحظه شد انشاءالله‌تعالی بهیچوجه نقصی باینکار وارد نخواهد شد وصورت خواهد گرفت‌وشما بخصوصه باید بجدوجهد تمام که زیاده از آن ممکن نیست باید پی اینکارها بروید وانشاءالله بانجام برسانید .

منفعت این کار را درست فهمیده‌ام سفارت روس هرقدر میخواهد دلخور باشدبشود چه حقی دارد البته قدرت این کمپانی از کنار بحرخزر و رشت الی دریای فارس بهیچوجه خوبی برای روس ندارد امابرای ایران انشاءالله خوب است وخوب باشد »

این امتیازنامه‌را ابتدا مستر کوت ازطرف رویتر قبول وامضاء نموده وسپس آن را توسط میرزاملکم‌خان وزیرمختارجدید ایران درانگلستان بلندن‌فرستاده‌اند وخودبارون جولیوس رویتر نیز آنرا تائید کرده است .

در موقع امضاء امتیازنامه مستر کوت متعهدمیشود که رویتر اعتباری بمبلغ‌دویست هزار لیره برای ناصرالدین‌شاه تهیه نماید . این‌پول برای‌پرداخت قسمتی ازهزینه‌های‌شاه وهمراهان باروپا بودکه وجه آنرا رویتر باید درشهرهای‌مسکو ـ پطرزبورغ ـ برلن ـ لندن ـ پاریس ـ وین ـ استانبول ورم بپردازد .

وبموجب همین‌تعهد هنگام توقف ناصرالدین‌شاه درلندن قرار دادی درشش فصل بتاریخ ٦آوریل ۱۸۷۳ بین میرزاملکم خان‌بوکالت ازطرف ناصرالدین شاه و ژولیوس رویتر منعقد میگردد که درشهرهای مزبور پول‌لازم رادر اختیار شاه ایران بگذارد . راجع باین وام در قسمت مربوط باستقراض بازصحبت خواهیم‌کرد .

رویتر آماده اجراء امتیاز نامه

روز بعداز امضاء امتیاز نامه‌متن آن از طرف مستر کوت‌برای رویتر بلندن مخابره میگردد .

وقتی رویتر از شرایط این امتیاز نامه مطلع میشود « از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجید» وعین‌تلگراف مستر کوت نماینده خود را بوزارت خارجه انگلیس میبرد واز اینکه توانسته باین آسانی سند اسارت ایران را بدست آورد دولت‌انگلستان را مطلع‌میکند .

گراهام استوری درکتاب « رویتر دریك قرن » مینویسد .

« این امتیاز جاه‌طلبانه وتهور آمیز به‌موسسه خبرگزاری رویتر داده نشده بود بلکه دولت ایران این امتیاز رابشخص وی‌اعطا کرده بود . مشارالیه بطور واضحی به‌تقویت مقامات مهمی اتکاء داشت و بامساعدت موثر یکی از شرکاء شرکت (جاردین متی‌سان وکمپانی) (۱) که یك شرکت بزرگی در خاور دور بود بکار پرداخت .

بقدری رویتر بموفقیت خود اطمینان داشت که حتی بفکرایجاد شرکت خاصی هم‌نبود .»

چون مطابق ماده هشتم امتیاز نامه میبایست در موقع امضاء مبلغ چهل هزارلیره بحساب مشترك دولت ایران وصاحب امتیاز بعنوان وجه‌الضمان اجراءامتیازنامه در بانك انگلستان سپرده شود فورا رویتر حساب مشترکی‌بنام‌خود وحاج محسن‌خان‌وزیر مختار ایران دربانك انگلستان (۲) باز میکند وچهل هزار لیره به آن حساب در بانك مزبور میگذارد .

ونیز چون بموجب همان‌ماده هشت بایستی ۱۵ماه پس‌از تاریخ امتیازنامه بکار شروع کند ـ رویتر ازهمان موقع بدون آنکه فرصت را از دست بدهد مشغول تهیه مقدمات وسائل اجراء مواد امتیازنامه میشود .

بدین منظور به‌همکار صمیمی وقدیمی خودهنری کولینز که قبلا ذکری از او بمیان آمد دستور میدهد که برای استخدام مهندسین و کارشناسان لازم اقدام نموده و خود را آماده عزیمت بایران بنماید . باوجود آن برای اقدام بکارهای اساسی میبایست رویتر منتظر شود تامیرزا ملکم خان که بجای میرزا محسن خان بسمت وزیر مختاری ایران

1–Jardine Matheson and Co. 2— Bank of England

در انگلستان تعیین شده بودامتیازنامه را بلندن ببرد وبعداز تسلیم آن به رویتر قرارحمل اسباب ولوازم مورد احتیاج را باوبدهد - گراهام استوری مینویسد .

«مع‌الوصف شروع کار واقعی‌راه آهن بدون موافقت بین‌دولت‌ایران وبارون رویتر درباره دفاتر حساب وتجویز خرید مواد مورد نیاز امکان ناپذیر بود.

شاه‌دراین موقع‌عقیده‌داشت که قبض واقباض این‌سند باید وضع مناسبی‌داشته باشد واصرار میکرد که‌وزیر مختارجدیدوی‌درانگلستان ملکم‌خان دفاتر را باخود بیاورد وشخصاً به‌رویتر تسلیم‌نماید .

باضرب‌الاجل رسمی شروع کارراه‌آهن که شش ماه‌آن‌منقضی شده بود در این‌هنگام وقت ، امرحیاتی بود نظر باینکه وزیر مختار جدید در بهار سال ۱۸۷۳ بسمت مغرب حرکت میکرد رویتر بانمایندگان او وزیر مختار رادروبین وبران وبروکسل وپاریس وبالاخره لندن ملاقات واحاطه کردند .

هنگامی که عاقبت رویترموافقت وزیرمختار را در مورد دفاتر جلب کرد معلوم شدکه وضع نا مناسبی بمیان آمده‌است .

چنین بنظر میرسید که ملکم‌خان یك‌ربع امتیاز اصلی رادرحق خود محفوظ داشته بود که البته می توانست بروسها یادیگران واگذار نماید .

این امربرای بارون‌رویتر به‌بیست‌هزار لیره وتعهدی دایربرپرداخت سهمیه‌ای در کلیه منافع آینده تسلم شدتاتوانست مالکیت امتیازنامه خودرا بدست‌آورد .»

برای اجراء امتیاز نامه کارعمده که البته رویترهم‌ازابتدا هیچوقت از آن‌غافل نمی شد جلب موافقت وپشتیبانی کامل دولت‌انگلستان بود زیرارویتر میدانست که اجراء این امتیازنامه بامخالفت شدید روسیه روبروخواهد شد وتادولت انگلیس ازاوکاملا حمایت‌و پشتیبانی نکند باجراء آن‌موفق نخواهدگردید .

گراهام استوری راجع باین موضوع مینویسد .

«در عین‌حالی که‌رویتر مقدمات وسائل‌اجراءامتیازنامه رافراهم میکرد افکاروی متوجه مسئله‌دیگری‌بود .

گذشته ازآنکه درنتیجهٔ‌آشنائی مردم‌ایران بتمدن‌غرب وترقی سطح‌زندگی مردم‌آن بازار فروشی‌برای امتعه‌های انگلیسی‌درآن کشورپیدامیشود این‌موضوع منافع‌سوق‌الجیشی‌فوق‌العاده‌ای برای دولت بریتانیاخواهدداشت.

اوفکر میکردکه ارتباط ایران باهندوستان بوسیله ایجاد راه آهن سرتاسری ایران مسئله‌ایست که عموماً باآن نظرموافقت داشته‌اند بعلاوه‌بااین ترتیب همانطورکه درنامه خوددرماه سپتامبر ۱۸۷۲ به‌لردگرانویل وزیرخارجه کابینه گلادستون نوشته بواسطه این‌راه‌آهن وپیشروی بطرف دریای خزر از پیشرفتهای روسیه جلوگیری بعمل خواهد آمد .

باتوشتن این نامه رویتر امیدوار بود که‌لااقل دولت بریتانیا معناً ازاوحمایت خواهدکرد»

در نامه مزبور رویتر مینویسد « من‌مایلم که‌باین‌کشور خوانده خودم (انگلستان) خدمت کنم‌وخدمات من صرفاً تحت توجهات دولت بریتانیا صورت خواهدگرفت و اقداماتی که در این مورد مینمایم از نقطه نظر علاقه‌ایست که شخصاً در این موردداریم وازدولت علیا حضرت ملکه‌کمك مالی نمیخواهم ولی‌در عین‌حال بایستی‌مطمئن باشم که چنانچه اشکالاتی بین‌من‌ودولت ایران‌پیداشود دولت‌علیاحضرت ملکه با پذیرش طرح‌ونقشه کارهای من‌حقوق مرا بعنوان یك‌تبعه بریتانیا تاآنجاکه درقدرت‌دولت باشدمحفوظ بدارد »

امانظریات رویترو‌قضاوت اودرباره امورسیاسی مسلم‌نبود ودولت گلادستون‌بیم‌داشت ازاینکه‌خودرا دراجراء نقشه‌رویتر متعهدبنماید وبرای انجام آن ازخزانه دولت‌وجوهی مصرف کند .ازطرف دیگر وزارت هندوستان در عین‌آنکه پروژه ونقشه رویتررا نمی‌پسندید جداآنرا مورد انتقادهم قرارداده‌بود زیرابموجب اظهارات متخصصین و کارشناسان ، ایران «بی‌قابلیت وحتی‌درانتباس وپذیرفتن عادت اروپائی مبنی‌برطرزتفکرزنده‌باحس اخلاق‌ازترکیه نیز ناتوان‌تراست »

بعبارت دیگر ایرانیها بنحوتغییر ناپذیری محکوم‌بفنا میباشند وحتی‌اشاره‌ای که در پروژه رویترراجع

بجلوگیری ازپیشرفت روسها شده بود مسموع واقع نشد

جواب وزارت امورخارجه ماه بعد رسید وزارت امورخارجه نوشته بود که البته دولت علیا حضرت ملکه «اقدامات دولت شاه را جهت ازدیاد منابع ایران ازطریق افزایش راه آهن وطرق شوسه بارضایت تلقی می‌نماید» اما «دولت علیاحضرت ملکه نمیتواند رسماً خودرا ملزم به حفظ منافع شما که ناشی ازاجراء تعهداتی است که در قبال آن دولت دارید بداند»

این موضوع صحیح بود ودر عین حال یاس آور .....»

ناصرالدین شاه باروپا میرود و امتیازنامه منتشر میشود

ناصرالدین شاه تقریبا ده ماه بعدازتاریخ امتیازنامه یعنی در ۲۱ صفر ۱۲۹۰ هجری قمری برای اولین بارعازم اروپا میشود قبل از حرکت «شاه» میرزاملکم خان ناظم الدوله راگویا به پاس خدمات مهمی که در تهیه وتنظیم امتیازنامه رویتر انجام داده بود با سمت وزیر مختاری بلندن میفرستند تاضمن تسلیم امتیازنامه برویتر و قرار اجراء آن مقدمات پذیرائی شاه راهم درانگلستان فراهم کند .

مسافرت ناصرالدین قریب پنجماه بطول انجامید ودراین مدت کشورهای روسیه و آلمان وبلژیك وفرانسه وانگلستان رادیدن کردودرتاریخ ۱۴ رجب ۱۲۹۰ بایران بازگشت .

میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم وعده دیگری از رجال دولت ایران دراین سفر همراه «شاه» بودند .

ناصرالدین شاه میل داشت انیس الدوله سوگلی حرم خود وچندنفراز زنان دیگرهم در همه جا همراه اوباشند وتاروسیه هم آنهارا باخود برد ولی ظاهرا در آنجا مناسب می بینند که ادامه سفرانیس الدوله وزنان «حرمسرا» صلاح نیست وآنها رابایران بازمیگردانند.

انیس الدوله که درناصرالدین شاه نفوذفوق العاده‌ای داشت این نظرو تصمیم را از ناحیه سپهسالار می‌داند وازهمانموقع کینه اورا دردل می گیرد .

در غیاب ناصرالدین شاه فرهاد میرزا معتمدالدوله باعنوان نیابت سلطنت عهده‌دار انجام امور کشور میشودوبرتق وفتق کارها می‌پردازد .

در موقعی که ناصرالدین شاه در انگلستان بود رویتر کوشش می کرد که خود را بااونزدیك سازد مخصوصا که احساس می کرد ناصرالدین شاه آن شوق وذوقی راکه دراول مرحله داشت دیگرندارد وهمچنین میدانست که دولت روسیه جدا با اجراء این امتیازنامه مخالف است ودولت انگلستان هم مایل نیست بواسطه حمایت ازوی با روسیه بمبارزه برخیزد

گراهام استوری می نویسد .

«در ضمن این مدت رویتر مساعی بسیاربعمل می‌آورد که روابط خود وشاه را براساس شخصی و مفید تری بر قرار سازد برای جلوگیری ازاشکالات ارزی ورستن ازدشواری حمل ونقل مسکوکات سنگین وزن ایرانی وی مبلغ بیست هزار لیره جهت ساختن ترن سلطنتی که بایست در پایتخت‌های اروپائی فراهم می‌آمد بشاه وام داد. هنگامی که در ازاء قرضه دیگری رویترسعی کرد تضمینات معین دیگری درمورد امتیاز خود تحصیل نماید شاه مودبانه عرضه اورا رد کرد .»

ناصرالدینشاه حتی در مجلس ضیافتی که ژولیوس رویتر بافتخاراو درلندن تهیه دیده بود نرفت وباآنکه ولیعهد انگلیس را هم واسطه قرار داد باصرار وابرام اوترتیب اثر نداد .

باآنکه روسها ازهمانموقعی که صحبت اعطای این امتیاز برویتر بود از جریان آن

کاملا اطلاع داشتند معهذا دولت ایران و نماینده رویتر سعی زیادی در مکتوم داشتن آن بکار بردند .

هنگامیکه ناصرالدین شاه در انگلستان بسر میبرد رویتر موقع را مناسب دانسته ومتن امتیاز نامه را در روزنامه ها منتشر می کند .

گراهام استوری مینویسد .

«موقعی که سفر پیروزمندانه شاه مشارالیه را بانگلستان کشیده بود ووسائل پذیرائی شاهانه وی نقل محافل لندن بود خبر امتیاز بارون رویتر منتشر گردید . وقت خوبی انتخاب شده بود .

مردم انگلیس باشوق وشعف از آن استقبال کردند وخرسند بودند که رشته های ارتباط تازه ای بین این شاه مستبد شرقی وایشان ایجاد میگردد .

میان جراید فقط مزاح مقفای روزنامه «پانچ» اثری از شك وتردید داشت (۱)

«رویتر رابیا ـ دلمان میخواهد بجای رویتر بی عرضه رویترخان بشود .

و بتك اوبتوزین آب خلیج پرداخته که از ابتدای حکومت قاجار آن بآن وسیع تر شده است .

واکنون میان طبیعت خشك شده ومردسر گردان جریان طلا ـ (بخاطر نادرشاهی که رفت) دو باره بحد اعلای خود رسیده است»

مع الوصف پارلمان نگران بود .

در مجلس عوام ناطقین شرافت وهوش و«اصول کاملا انگلیسی» بارون رویتر راتائید میکردند لیکن درمورد اختیاراتی که طبق این امتیاز بوی اعطاشده بود کلمات فوق العاده وخطرناك رابکار میبردند .

روبرت لاو (۲) وزیردارائی به ترتیب اداری معمول بایشان جواب میداد که «ادراین امر هیچ نفعی نداریم»

در مجلس اعیان هنگامی که ازلرد گرانویل (۳) وزیرخارجه سئوال کردند آیا امتیاز بنفع ایران ومطابق سیاست انگلستان هست یانه ؟ مشارالیه بهمین اکتفا کرد که اعلام کند چنین امتیازنامه موجود است .در این مجلس نیز نمایندگان این خبر را باکلمه خطرناك استقبال کردند »

وقتی خبر امتیازنامه رویتر در روزنامه های ممالك اروپا منتشر گشت بقول لرد کرزن بهت وحیرت خارق العاده ای بمردم اروپا دست داد .

هیچ کس فکر نمیکرد که یك چنین امتیازی بااین شرایط بیك بیگانه داده شود امتیازنامه ای که ایران را دربست بانگلیس ها واگذار مینمود وآنها میتوانستند تامدت هفتاد سال کلیه منابع حیاتی کشور راتحت اختیار وسلطه خود گرفته آنرا بصورت یك مستعمره انگلیسی در آورند ، مستعمره ایکه بدون جنك وخون ریزی و بدون رنج و زحمت و فقط بادادن چند لیره رشوه به هیئت حاکمه ایران بدست آمده بود .

شایدهم بقول ساده لوحان کسانیکه این امتیازرا بانگلیس ها داده اند هدف و منظورشان آبادانی ایران واستخراج معادن و ایجاد راههای مختلف دراین کشوربوده است وفکر میکرده اند انگلیس ها بخاطر آنها یابواسطه زرنگی وسیاست آنان بانجام چنین نقشه ای مبادرت میورزیده اند دراینصورت آیا نباید بپرسیم برملت بدبخت ایران چه مردان نادان و بی اطلاعی حکومت میکرده اند وآیا تاریخ این اشخاص را میتواند بیگناه بخواند ؟

۱ـ روزنگاهی «پانچ» Punch ازروزنامه های معروف انگلستان است که ازاوضاع سیاسی ومسائل روز در لفافه کنایه واشاره انتقاد میکند ـ بفارسی درآوردن عباراتی راکه راجع برویتر نوشته خالی ازاشکال نمی باشد وتمیتواند منظورنویسنده آنرا برساند

2—Robert Lowe

3— Lord Granville

سرهنری راولینسون انگلیسی مینویسد .

«وقتیکه این امتیاز بطبع رسید ودر دنیا منتشر گشت ودیده شد که دارای این مزایای بیشمار است وتمام منابع ثروتی وصنعتی وفلاحتی سرتاسر ایران بدست انگلیسها افتاده است هیچکس قادر نبود این موضوع را پیش بینی کند که روزی یك چنین امتیاز مهمی بدست یکی از اتباع دولت انگلیس بیفتد ـ علاوه بر تمام خطوط راه آهن ایران و ترموای که انحصار آن تا هفتاد سال بیارون رویتر واگذار شده بود تمام معادن ایران نیز جز معادن طلا ونقره وسنگهای قیمتی دراختیار صاحب امتیاز قرار میگرفت بعلاوه گمرکات وآبیاری اراضی و احداث قنوات وکانالها بر رویتر واگذار گردیده بود »

انگلیسی دیگر یعنی لرد کرزن مینویسد .

«یك چنین امتیاز عظیم وبی سابقه یك بخشش نامه بود ازطرف کشور ایران وباید اعتراف کرد که اگر بریتانیا توانسته بود این بازی را به آخر برساند نه تنها شاه ایران مات شده بود بلکه تزار روسیه هم بجای خود میخکوب میشد .»

خود ناصرالدین شاه و سپهسالار نیز بعدها که بمعایب ومضار امتیازنامه پی بردند همیشه اعطای آنرا از بزرگترین اشتباهات خویش میشمردند .

درمدتی که ناصرالدین شاه در اروپا بسرمیبرد در خارج وداخل ایران حوادثی روی میدهد که « شاه » و « صدر اعظم » ایران کم کم باشتباه خود در مورد اعطای امتیاز رویتر پی میبرند و نظرشان نسبت بآن تغییر میکند و بالاخره تصمیم ملغی امتیاز نامه میگیرند .

از جمله این حوادث یکی مخالفت شدید روسیه ودیگر مخالفت بعضی از رجال و روحانیون ایران بود .

مخالفت روسها بعداز آنکه ناصرالدین شاه درماه صفر ۱۲۹۰ بقصد گردش اروپا تهران را ترك میکند باتفاق سپهسالار در ۲۴ ربیع الاول ۱۲۹۰ وارد پطرزبورغ میشود و باالکساندر دوم امپراطور روس وپرنس گورچاکوف صدراعظم روسیه ملاقات مینماید .

برخورد « شاه ایران » وامپراطور روس چندان گرم نبود ودرملاقاتها امپراطور روسیه عدم رضایت خود را از تمایلی که دولت ایران بانگلستان ابراز داشته بود واقداماتی که برای بسط نفوذ انگلیسها مخصوصاً بااعطای امتیاز رویتر بعمل میآمد اظهار میدارد البته روسها ازهمان هنگامیکه صحبت اعطای امتیاز رویتر بمیان آمد مخالفت خود را با آن آشکار کردند زیرا آنها نمیتوانستند به بینند ایران بدست انگلیس‌ها افتاده و نفوذ آن دولت تا پشت دروازه‌های روسیه استقرار پیدا کرده است و سپهسالار نیز در نامه ایکه بناصرالدین شاه نوشت وقبلا آنرا نقل کردم باین موضوع اشاره کرده بود ولی ناصرالدین شاه ذیل آن نوشته است «منفعت اینکاررا درست فهمیده‌ام سفارت روس هرقدر میخواهد دلخور باشد بشود چه حقی دارد.»

میرزا حسینخان سپهسالار درنامه اینکه بعدها به مساعدالملك وزیرمختار ایران در پطرزبورغ درتاریخ ۲۲ جمادی الثانی ۱۲۹۱ هجری راجع بشرایط سخت پیشنهادی ژنرال فالکن‌هاگن روسی درباره راه آهن نوشته و باو دستور مذاکره باوزیر امور خارجه روسیه را در این موضوع میدهد جریان ملاقات و مذاکره ناصرالدین شاه وخود را

با پرنس گورچاکوف صدر اعظم روسیه راجع بامتیازنامه رویتر اینطور شرح داده .

«..... شما باید خالی از اطلاع نباشید روزی که سرکار اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه وسلطانه بوزارت امور خارجه امپراطوری بافتخار پرنس مشارالیه تشریف بردند کنیاز قارچاقوف مبادرة به ترجمانی خود من از قرارنامه منعقده بارون رویتر شکایت نمود واورامخل شان واستقلال دولت علیه شمرد سرکار اقدس همایون روحناه فداه فرمودند بهرطور بوده است حالا قرارنامه امضاءشده مادردست مومی الیه است اگر از عهده مواعید وتعهدات خود برآید که کاری است گذشته وچاره ندارد اگر اندك غفلت وقصور ازجانب اوبعمل آید درآتیه بهیچوجه مساعدة وموافقتی بااو نخواهیم فرمود واین قرارنامه رالغو وباطل خواهیم کرد لکن شما میدانید که درعصر حاضر امورات دول بقدری ترقی نموده است که دولت ایران بدون راه آهن نمی تواند زیست نمود آنوقت لا بدیم که با کمپانی دیگر قراری بگذاریم برشما است که درآن صورت بمامعاونت نمائید پرنس مشارالیه درجواب گفتند ماهم سعی مینمائیم که کومپانی معتبری بجهت شما پیدا کنیم مجلس همینقدر ختم شد پس ازآن مذاکره سرکار اقدس شاهنشاهی بقدری بوعده ملوکانه خودوفافرمودند که بارون رویتر در ایام مسافرت همایونی بلندن مورد هیچگونه تلطف ومساعدت نشد سهل است انواع بی اعتنائی دیدومبالغ گزافی خرج نموده وتهیه وتدارك مجلس بالی دیده بود و ولیعهد دولت انگلیس راواسطه خودقرار داد که ولینعمت همایون اجابت استدعای او را فرموده بمجلس بال تشریف ببرند محض همان وعده که به پرنس مشارالیه داده بودند قبول نفرموده واودر شهرلندن خجل وسرشکسته شد .....»

گراهام استوری راجع بمخالفت روسها مینویسد .

آن عده ازمردم انگلیس که از روسها وحشت داشتند همواره آماده بودند که هرگونه شکستی را که متوجه یك موسسه انگلیسی در راه منعکس شد نتیجه دسیسه روسها بدانند وشاه نیز شهرتی بهم زده بود که روسها و انگلیسها را بجان یکدیگر میاندازد و ازآب گل آلود ماهی میگیرد . امادراین مورد فشار روسیه بشاه ایران مسلم بود سفیر کبیر انگلیس درروسیه گزارش داده بود که شاه ازپذیرائی خود درسن پطرز بورغ درمدت سفراروپا بسیارخرسند وخوشنود شده بود .سعی بعدی سفارت روسیه درتهران برای تحصیل امتیاز جدیدی جهت یك شرکت روسی بطور کافی خوشنودی شاه را میرساند .

صرف نظر از این قسمت پرنس گرچاکف صدر اعظم تزار بعداً در ملاقاتی که در دهکده انترلاکن (سویس) بارویتر کرد اعتراف نمود که ازامتیازنامه شدیداً نزد تزار تکذیب کرده بوده وبهیچوجه محتمل بنظر نمیاید که این تکذیب بگوش شاه نرسیده باشد .بعدها درنوامبر ۱۸۷٤ وزیرمختار ایران صریحا نزدارد تنتردن (۱) معاون دائمی وزارت امور خارجه انگلیس اعتراف کرد که اصرارروسیه موجب لغو امتیازنامه شده بود. برای روسها وجود هرگونه منافع انگلیس درساحل بحر خزر یعنی دریای مسدود روسیه وحشت آور بودونمیتوانستند تصور کنند که امتیاز رویتر تاکنون ازپشتیبانی دولت انگلیس برخوردار نبوده است .»

ظاهراً انگلیسها درابتدا امتیازنامه رویتررا وسیله ای برای نزدیك شدن باروسها قرارداده بودندومیخواستند مقدمات انعقاد قراردادی را که بعدها بنام « قرارداد گورچاکف وگرانویل» معروف شد تهیه نمایند .

درآنوقت درمرکز اروپا اتحاد مثلثی ازروسیه واطریش وآلمان تشکیل میگردید وازطرف دیگر روسیه درنواحی ترکستان وسرحدات افغانستان به پیشروی خود ادامه میداد وامنیت هندوستان را بمخاطره انداخته بود .

انگلیسها برای جلوگیری ازدست اندازی روسها درآسیا مشغول اقداماتی شدند تاازممالك ایران وعثمانی وافغانستان جبهه متحدی برای تهدید دولت روسیه ایجاد نمایند قرار داد گورچاکف وگرانویل شش هفت ماه بعد ازامضای امتیاز نامه رویتر در

1- Lord Tenterden

فوریه سال ۱۸۷۳ بین روسیه وانگلیس منعقد گردید و بموجب آن افغانستان از منطقه نفوذ روسیه خارج شد . هرچند اعتباراین قرار دادچند ماه بیشتر طول نکشید ولی تحصیل امتیاز رویتر وبردن ناصر الدین شاه بانگلستان برای تحریك روسها واظهار تمایل آنها درانعقاد آن وسیله مؤثری بود .

ناصر الدین شاه بعد ازلغو امتیاز رویتر همیشه بروسها میگفت که این عمل فقط بواسطه قولی بود که درپطرزبورغ بصدراعظم روسیه داده وباخط خوددرنامه‌ای به میرزا حسین خان سپهسالاراینطور نوشته‌است .

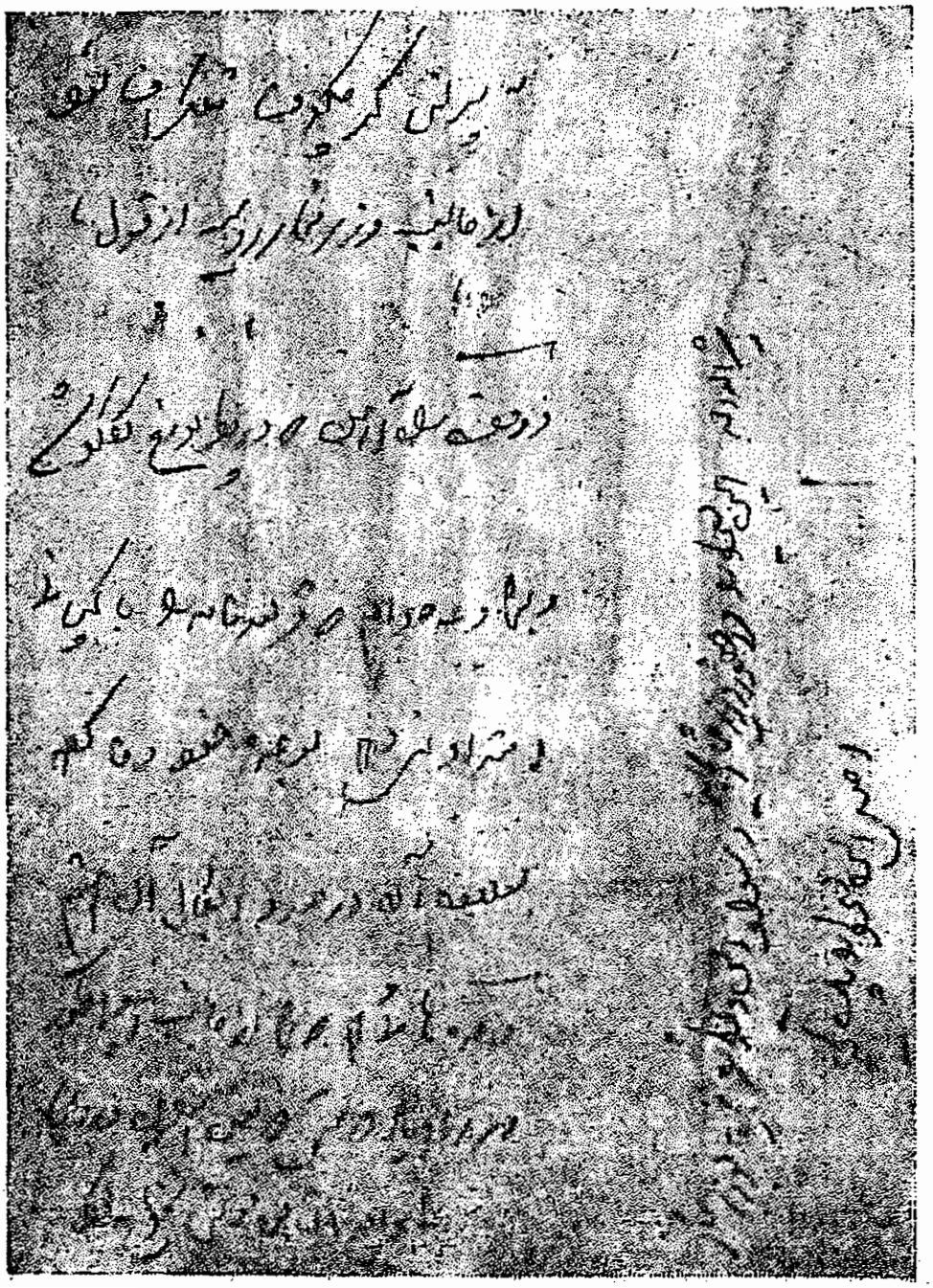

«مشیر الدوله — این دستخطرا درحضور وزیر مختار بخوانید(کذا) وسواد این دستخطرا بدهید وزیر مختار اصل این دستخطرا پاره کنید به پرنس کرچکوف تلگراف شود از جانب وزیر مختار روسیه ازقول مادر فقره راه آهن که درپطرز بورغ گفتگو شد وبشما وعده دادم که قرارنامدرا باکمپانی امتداد نمیدهم بوعده خودوفا کرده بعلاوه آن درصدد ابطال آن هستم .

وعده هائی هم که شما از جانب امپراطور در ازدیاد دوستی دولتین ایران وروس بما دادید فراموش نخواهید کرد .»

عین این‌نامه درصفحه قبل گراورشده است

ودرنامه دیگر نوشته

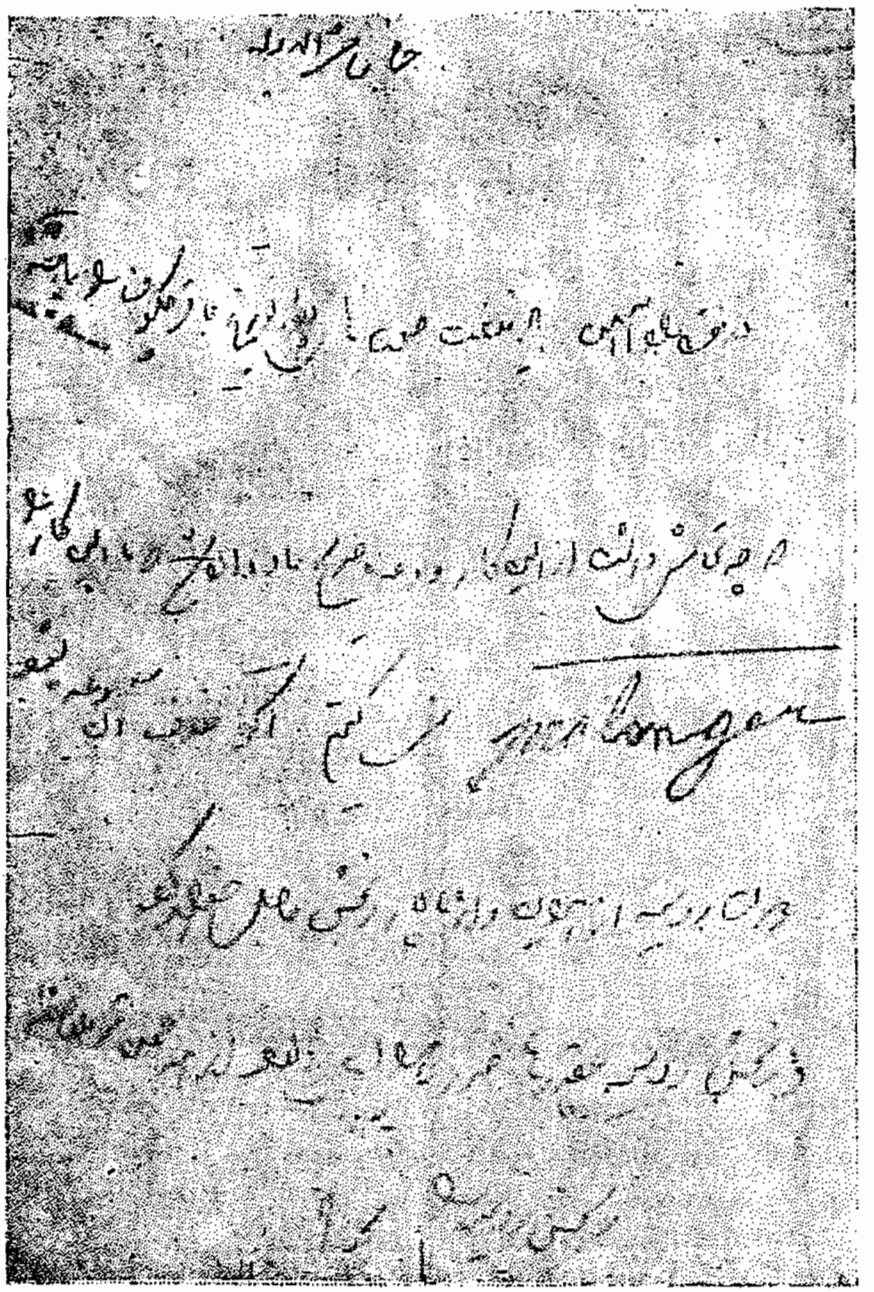

«جناب مشیر الدوله

درفقره راه آهن باید ملتفت صحبت‌های پطرزبورغ باقرچکوف‌را باشید که چه تحاشی داشت ازاینکار ووعده صریح باو داده شد که ما اینکاررا Prolonger نمیکنیم اگر خلاف آن وعده بشود دولت روسیه‌از ایران و ازما بسیار رنجش حاصل خواهد کرد و رنجش روسیه چقدرها ضرر بایران دارد از همه عمده تر رنجش‌روسیه است .»

عین این نامه درصفحه قبل گراورشده است

مخالفت بعضی از رجال وعلماء

درمدتی که ناصرالدین شاه در«فرنگستان» بودعده‌ای ازرجال وعلماء موقع‌رامغتنم‌شمرده‌وامتیازنامه رویتررا « پیراهن عثمان» کردند و آنرا وسیله‌ای برای عزل میرزا حسین خان سپهسالار قرار دادند .

درشرح زندگانی‌سپهسالار گفتیم که‌وقتی او بصدارت ایران رسید چون سایررجال را درکارها دخالت نمیداد وهمچنین مانع ترقی وباسوء استفاده دیگران بود عده‌زیادی درگوشه وکنار باوی دشمن شدند .

دراین موقع فعالیت مخالفین‌بتحریك روسها زیاد میشد ونامه‌های زیادی‌مینویسند ومردم‌را مجبور بمهر آنهامینمایند وخلاصه جریان‌را برای ناصرالدین‌شاه باروپاتلگراف میکنند که تمام‌مردم ایران علیه میرزا حسین خان‌سپهسالار که میخواهد درایران راه‌آهن بکشد و « کفارفرنك» رابایران‌بیاورد قیام کرده اندوبایداین‌شخص ازصدارت‌عزل‌شود .

محرکین مردم ومخالفین عمده‌عبارت‌بودند ازانیس الدوله سوگلی حرم‌ناصرالدین شاه که بواسطه ممانعت سپهسالار ازادامه مسافرت او باروپا باوی دشمن گردیده بود و سردسته رجال مخالف فرهاد میرزا معتمدالدوله که درغیاب «شاه» نیابت سلطنت رابر عهده داشت وسلسله جنبان علماء حاج ملاعلی کنی (۱) را باید نام برد .

(۱ مرحوم حاج‌ملاعلی کنی‌درسال ۱۲۲۰ هجری قمری درقریه کن ازقرای‌حومه غربی طهران متولدشد وپس ازتحصیلات ابتدائی درسن بیست‌سالگی به عتبات رفت ونزد سیدابراهیم موسوی قزوینی صاحب کتاب‌ضوابط الاصول وشیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب جواهرالکلام به تحصیل فقه واصول پرداخت.

درسال ۱۲٤٤ براثر بروز طاعون درعراق‌عرب مدتی‌درمهاجرت ومسافرت بود تابار دیگر بعتبات برگشت وبه تکمیل معلومات پرداخت وپس‌ازنیل بدرجه اجتهاد بعزم زیارت حضرت رضاودیدار پدر بایران آمد ودرطهران اقامت گزید .

تالیفات مرحوم حاج ملاعلی کنی عبارت است ازرساله در موضوع اوامر ونواهی و مفاهیم واستصحاب وکتاب‌تحقیق الدلائل فی‌شرح تلخیص المسائل وکتاب توضیح‌المقال درعلم رجال .

حاج ملاعلی کنی ازاواسط سلطنت ناصرالدین شاه درطهران بواسطه توجه مردم باو نفوذ فوق‌العاده‌ای پیدا نمود وناصرالدین شاه ازوی ملاحظات بسیار میکرد ورعب وهراسی فراوان داشت

درکتاب المآثروالآثار راجع بمرحوم حاج ملاعلی کنی‌مینویسد .

«..... اهل دیوان وی‌را رئیس المجتهدین مینوشتند وحق تعالی آن عالم عامل وفقیه کامل‌را بفرط ثروت وطول عمر ونفاذ امر اختصاص بخشیده برد اکثر علماء ورؤساء طهران بتربیت وترویج او اعتبار یافتند و بمدارج ومقامات رسیدند جمعی از معاصرین درحق وی گستاخی میکردند وبی‌باکی میورزیدند که اورا مالا و حالا هرگونه قدرت مزید ترویج شریعت وخدمت ملت بروجه کامل حاصل است ومع ذالك همی جز جم اموال وجمع املاك ندارد .....» فوت حاج ملا علی کنی درروزپنجشنبه ۲۷ محرم سال ۱۳۰٦ هجری قمری‌اتفاق افتاد ودرحضرت عبدالعظیم‌مدفون گشت سنش قریب ۸٦ سال بود

خود سپهسالار علل مخالفت این اشخاص را در نامه‌ای که بناصرالدین‌شاه نوشته و متن آنرا درصفحه ٤۳ نقل کرده‌ام تااندازه‌ای شرح میدهد .

بهرحال قبلا دیدیم پس از آنکه «شاه» و «صدراعظم» ازاروپا باسلطان بازمیکردند بواسطه پافشاری مخالفین وتقاضای عزل صدر اعظم - ناصرالدین شاه درماه رجب ۱۲۹۰ سپهسالار را درانزلی ازصدارت عزل وخود بتهران میآید .

تقریباً یك هفته بعد ازورود ناصر الدین شاه بخاك ایران حاج ملاعلی کنی مجتهد متنفذ تهران نامه‌ای مبنی برمخالفت باامتیاز نامه رویتر وملکم دلال وواسطه آن بناصر-الدین شاه مینویسد که متن آن دراینجا نقل میگردد .

این نامه که تلویحاً درآن به میرزا حسین خان سپهسالار حمله شده باعث عزل او ازصدارت وماندن دررشت شد وناصرالدین‌شاه که معجلاتنها بتهران مراجعت میکند تصمیم میگیرد که امتیاز نامه‌را لغو نماید .

بسم الله الرحمن الرحیم

درحال ادای تشکرات وافره براجابت دعوات متکاثره داعیان وعموم اهل ایران سلامتی ذات اقدس شاهنشاه اسلام واسلامیان پناه ازسفر فرنگستان بشرف عرض اقدس ارفع همایون اعلی میرساند .

ازآنجائیکه عقیده جمیع اهل اسلام این‌است که حضرت ختمی مرتبت پس ازریاضات کافه چهل ساله مبعوث بجهة قاطبه عباد وانتظام بلاد ورفع هرگونه خلل وفساد شدند لهذا مصدر و مظهر مقامات علم وسلطنت و اجراء قوانین واحکام متعلقه بدنیا وآخرت بودند وازجانب خداوند متعال ابلاغ رسوم وقواعد وتهذیب وتکمیل نفوس بریاضات وعبادات ونظم ابواب معاملات ومعاشرات وحفظ نفوس واعراض و اموال بحدود سیاسیات مجاهدت فرمودند فجزاءالله‌عن‌جمیع‌الجزاء وبعد از خود همه مقامات را تفویض وصی ونائب خود فرمود الی حضرت حجة عجل‌الله فرجه که دارای جمیع مقامات هستند درازمنه غیاب آن حضرت خداوند متعال برای هرمنصب ومقامی ازمقامات آن جناب نائب ومظهری مقرر فرمودند علمای اعلام‌را نایب ومظهر علم وتکمیل نفوس وتطهیر اموال وانصاب مقرر فرمودند که بیان طریق آنهارا ازمعاملات ومناکحات وغیر ذلك بفرمایند و سلاطین اسلام‌را در هرعصری‌ازاعصارمصدر ومظهرتنظیم امورعبادورفع تقلب متقلبین وامنیت طرق وبلاد مقرر داشتند تاایادی‌اقویا ازسر ضعفا کوتاه فرمایند وساکن بلاد اسلام‌را از ..... وبابطریق خدعه وتدویر مخفی ازانظار محفوظ دارند ازبیان‌این مقدمه مختصر که شرح وجوه ونکات ومویدات آن را درین ساعت نمیتوانم واضح ولایح میشود اینکه بهیچ‌وجه دولت وملت‌را ازیکدیگر جدا نمیتوان نمود چه فی‌الحقیقه هردو یکی و ازجانب یکی میباشند اگر چه کافل وحامل هرمقامی متعدد باشند درمعنی باریست که هریك بقدر قوه خود کناری‌ازآن بار راگرفته بمنزل میکشند ومی‌برند پس ازاختصار این مقدمه مرقومه اگر باعث حصول کلال و عروض غباری برخاطر مبارك نباشد عرض میشود اگر علمای اعلام درمسائل دولتیه اختلالی‌خدای نخواسته مشاهده فرمایند وبخاکپای مبارك برحسب رضای آقا مخدوم عرض کنند فضولی نکرده بلکه فضول باید کسی باشد که این را فضولی بنامد برعلماء و غیر علماء لازم‌است عرض کنند پسند خاطر مبارك بشود یانشود درمقام اصلاح آن برآیند یانیایند .

بناء علی ذالك همه ما دعاگویان بلکه عموم اهل ایمان عرض میکنیم که شخص میرزا ملکم خان را ما دشمن دین ودولت دانسته‌ایم وبهیچ وجه صلاحیت وکالت ازدولت وسلطنت وانتظام ملك ومملکت ندارد که بخطاب ولقب ناظم الملکی مخاطب وملقب باشد وهرکس باعث این امر شده‌است خیانت کلی بدین ودولت

نموده است که چنین دشمن جانی را مداخله در کارهای بزرگ دولت داده‌است .

مدت زمانی نگذشته که دردارالخلافه ابراز شعبده‌های زیاد نموده ومجلس فراموشی ترتیب داده بود وباین تذویر وشعبده درخیال تصاحب ملك ودولت واضمحلال مذهب وملت بود و الزام مواسات ویك جهتی وهم عهدی که هریك دریای دیگری در مقام تمام مال وجان بایستد وتایکی آوازی برآورد همه حاضر و ناظر باشند ودروقت اجراء شروط وفرصت وجمیع اسباب نهضت وحرکت همگی یکدفعه حمله ورشوند وبرغیر هر که باشد بتازند وهرچه بخواهند بگیرند وببرند گویا ازخاطر مبارك نرفته باشد حاصل گذارشات فراموشخانه ونتیجه محتماه بلکه مطمئنه آنرا وقتی بخاکپای مبارك معروض داشتم حکم جهان مطاع بر دفع و اخراج ایشان شرفصدور یافت بحمدالله این‌دشمن‌دین ودولت ازیمن توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مسکوت ومایوس کرد لکن برای ما این اوقات ازراه محکم دیگری که خیلی محکمتر وواضحتر وشدیدتراست درهمان خیالات افتاد که احداث راه‌آهن بفرمائید باشروط وتعهدات ومواثیق چندی‌ازقرار مسموع ومکتوب درعهد نامه آنکه جمیع خلق مجبور برتسلیم اموال واملاك خود باشند ازقبیل جنگل‌ها ومعادن وقنوات بلکه سلطان بااقتدار نیز دراین اجبارداخل باشد که املاك خالصه وزرخریدی ومعادن و رودخانها را بتوانند باجبار ببرند بحدی که اگر پس از زمانی دولت بخواهد رفع آن‌هارا بکند جمیع نقود خزانه عامره ونقود اجناس متداوله موجوده دردست رعایا وفا باداء تاوان وزیان آن ننماید واگر جسارت نباشد گوینده را میرسد که بگوید وبپرسد دولت‌را چه تسلط است براملاك واشجار وآب واراضی رعایا که حتماً بفروشند ، گمان ندارم درشرع‌خود بلکه سایرادیان تجویز این‌قسم اجبارها شده باشد . مسموع شد ازآن شخص فرانسوی که درجنگ مرو اسیر شده بود وامپراطور آن دولت باهتمام که بقیمت تمام بلکه الوف و آلاف در خریداری واسترداد او مصرف داشت اوگفته بود که مقام عدل و مهربانی دولت ما بحدی‌است که بااین همه التفات ودرحقیقت خریداری‌من‌حق این‌را ندارند بگویند چرادستکش دست چپ‌را بدست راست کرده‌ای کمپانی هند تمام هند بآن وسعت ومکنت را بخریداری و تملك یك جریب زمین مخصوص سکونت خود بردکمپانی معاصر ما بانصرف آن همه اراضی متعلقه براه آهن استحقاق انتفاع جمیع معادن ورودخانها واراضی باحق بکارواداشتن‌جمیع کارکنان ارعایا چگونه ایران‌را نبردوچرا نبرد

خوب پس‌ازآنکه رعایابرضایابحکم کارکنان ایشان‌شدند وازدادن منال‌دیوانی‌معاف ماندند آیا بخزانه عامره ازکجا و کدام‌مالیات‌و کدام‌نسق‌اززراعات‌چیزی‌بیاید‌یااینطورهادرعهدنامه‌نیست‌وباهست‌ونخواهد‌ایدوبه‌آل کاربر نخورده‌اید اگرخدای نخواسته کارمالازم افتد دفع‌طغیان وتعدی همجوار بااقتداری را ازسرحدات خود نمائیم اولا باکدام مال که عرض‌شد کذلك‌باکدام‌رجال حکم‌جنك بکدام فوجی‌داده شود که مواجب‌وجیره چندساله‌ایشان نرسیده وهرچند فوجی که هستنددر بستندواگر ازهمه‌مایوس شده درخیال اجماع‌وبلوا برآمده باشیم کدام عالم محترم مسموع‌الکلام مانده‌باهجوم عموم‌فرنگیان دربلاد ایران‌ازراه‌آهن کدام عالمی در ایران خواهد ماندواگر بماند جانی‌ونفسی‌داشته باشد که یکدفعه وادبناوواملنا بگوید ازجناب میرزا ملکم‌خان یاسرکارکمپانی با اینهمه اموال واینهمه‌رجال وداشتن‌راهی باین‌سهل ببلادعظیمه ایران‌بخصوص بپایتخت سلطنت‌ودولت بکدام‌قلب واطمینان چه اطمینان‌داریم که درطول یکساعت‌پرنکند اطراف مارا ازرجال وتوپ وتفنك و غافلگیر نشویم زیاده جسارت نمیشود مجال‌هم‌نیست.

اما‌اعلیحضرت شاهنشاهی‌را به‌باطن همان امام‌عصری که محل ومظهراقتدار وسلطنت ایشان می‌باشند قسم‌می دهم که اهتمام برحفظ‌دین ودولت و دفع هرخائن از مملکت و ملت بفرمائید بخصوص همین‌شخصی‌را که قرارراه آهن داده و عهدنامه آنرا بر وفق صلاح دشمن دین و دولت نوشته بدون اینکه از عقلا و خیرخواهان دولت اجازت ومشورتی نمایند .

چون فقره خیانت‌دیگرازاین‌شخص بزرك بواسطه اشغال‌بذکر معایب‌آوردن میرزاملکم‌خان واوراوکالت سلطنت‌دادن درباب راه‌آهن فراموش کرده بودم‌وخیال ختم‌عرایض‌داشتم حال که متذکر شدم‌لازم‌دانستم ازآن‌خیانت نیزاشاراتی بنحواجمال معروض داردوآن فقره کلمه‌قبیحه آزادی‌است که‌بظاهر خیلی‌خوش‌نماست و خوب و در باطن سراپانقص است وعیوب این‌مسئله برخلاف جمیع‌احکام رسل‌واوصیاء وجمیع سلاطین عظام‌وحکام و الامقام

است باین‌جهت در نوشته دیگری نوشته‌بودم علی‌الاسلام والسلام ودولت را وداع تام‌وتمام باید نمود بواسطه‌اینکه اصل‌شرایع وادیان درهرزمان خودقید محکم سخت‌وشدیدی بوده ومی‌باشد که ارتکاب مناهی‌و محرمات نمایند متعرض اموال وناموس مردم نشوند وهکذا برخلاف مقاصد وانتظام‌دولت وسلطنت‌است که هر کس هرچه بخواهد بگوید وازطریق تقلب وفساد نهب‌اموال نماید وبگوید آزادی‌است وشخص اول‌مملکت همه را آزاد کرده است‌و در معنی بحالت وحوش بر گردانیده معلوم‌است نفوس بالطبع طبیعت‌شیطانی مایل‌بهوی وهوس وبرآوردن مشتهیات خودند همین‌مایه بی‌نظمی وزیادی تاخت وتاز شده وهیچکس نمی‌تواند چاره کند اینست که قاطبه علماء وفضلاء رابصدا درآورده حکام وداروغه‌راخانه نشین وعاجزنموده ـ زیاده جسارت است جزتعلق گرفتن خاطر مبارك بر رفع فساد و اصلاح امورعباد وانتظام بلاد ، مناص ومخلصی بنظر نمی‌آید دعا میکنم که تاثیر در قلب مبارك نماید و رای جهان آراء برآن قرار یابد .

فان قلب‌السلطان بین یدی‌الرحمن فی۲۲شهررجب ۱۲۹۰»

بعداز ورود ناصرالدین‌شاه بتهران اشخاصی‌هم که‌واقعاً بااعطاء امتیازنامهٔ مخالف بودند کتباً وشفاهاً معایب امتیازنامه‌را بناصرالدین‌شاه گوشزد میکنند .

یکی از نامه‌هائی‌را که بتفصیل معایب ومضارامتیازنامه راشرح داده و در تاریخ سوم ماه شعبان ۱۲۹۰ (سه‌روز بعداز ورود بتهران) بنظر ناصرالدین شاه رسیده ذیلا نقل میکنم .

متأسفانه نویسنده این‌نامه که معایب ومضارامتیازنامه رابخوبی‌شرح میدهد بواسطه نبودن مهر وامضای او درذیل آن نتوانستم دقیقاً بشناسم.(۱)

«قربان‌خاکپای‌جواهرآسای همایونت شوم مقرب‌الخاقان‌منشی‌حضور همایون فرمایش‌جهان‌مطاع اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنافداه را باتلغراف بچاکرجان نثارابلاغ کرده بود که سواد قرارنامه راه‌آهن رابرای عرض حضور مراحم ظهور ملوکانه بفرستد .

چون نسخه فارسی قرارنامه راکه میرزاملکم‌خان بخط‌خودش نوشته است باسخه خط‌فرانسه که ازراه گیلان بتوسط مقرب‌الخاقان معاون‌الملك برای ثبت دفتروزارت خارجه فرستاده بودند این غلام فدوی بعالیجاه میرزا هارطون داده ترجمه کرد در بعضی فقرات تفاوت و اختلاف داشت و همچنین درآخر نسخه فارسی پاره منضمات وملحقات بود که‌در نسخه خط فرانسه نبودلهذا چاکردادهردونسخه رانوشتندنواب مستطاب معتمدالدوله بالطف‌الله بیك فرستادند البته تابحال ازعرض پیشگاه مقدس اعلیحضرت‌شاهنشاهی روحنا فداه گذشته است‌اگرچه جمیع نکات و دقایق امور و معایب و محسنات و مناظم و مصالح کارها بعون‌اله تعالی رای حقایق پیرای اقدس اعلی احاطه دارد .

واینمعنی‌واضح وهویدااست که‌راه‌آهن برای آبادی مملکت ورواج تجارت وزراعت ورونق کسب وحرفت‌و منافع عامه اهالی‌ایران و صرفه وصلاح دولت وملت خیلی‌خوب است ونزددول وملل متحابه که خیرخواه دولت وملت ایران هستند پسندیده ومطبوع می‌باشد .

ولی در همچه کاراهمی که دایربمنافع عامه‌مردم وصرفه‌وصلاح دولت‌وملت وآبادی‌مملکت ورونق‌تجارت وزراعت وسایر کارهای عمده ومعظم‌است اگرازهرطبقه دولت وملت مجالس شورومشورت وصلاح ومصلحت‌میشد جمیع معایب ومحاسن اینکار غورها ودقتها وتحقیقات وهمگی اطلاع و استحضار میرسانیدند .

خدافرموده است به‌پیغمبر خودوشاورهم فی‌الامر ولوکنت‌فظا غلیظ‌القلب لانفضوا من‌حولك .

یااگر بحرف کسی ازاشخاص‌عظام که کرها وعنقاقرارنامه رامهر کردند گوش میدادند ومردمرا بی‌اطلاع نمی گذاشتند چرا بعد از اطلاع از عیوب آن که راجع بدولت و ملت دیدند محض غیرت دین و دولت بجنبش می آمدند .

---

۱ ــ ممکن است نویسنده این‌نامه اعتمادالسلطنه که باسپهسالار میانه‌خوبی نداشته و درآنوقت رئیس «دارالطباعه» بوده ،باشد ومیرزا هارطون درآنموقع مترجم «دارالطباعه» بوده‌است .

علاوه بر اینکه به همه مردم ایران معلوم شده است جمیع فقرات این قرار نامه بصرفه و صلاح کمپانیها نوشته شده است .

شارژدفر دولت‌اطریش ومجارستان میگفت شنیدیم دولت‌ایران میخواهد قرارراه‌آهن رابدهد چه قدرها دولت ماوسایر دولت‌های خیرخواه مشعوف شدند‌ولی بعداز دیدن قرارنامه واطلاع‌ازفقرات آن‌که دیدند همگی صرفه ومصلحت باکمپانیها ودرحقیقت بادولت انگلیس‌است دولت‌ما و سایر دول نیکخواه را نهایت تاثر حاصل گشت که چقدر تنزل کرده است ـ معایب آن‌که بمردم اثر کرده است و راجع بدولت و ملت میباشد از اینقرار است :

اول — درفقره ٤و١٥ البته اعلیحضرت شاهنشاهی روحنافداه غور فرموده‌اندکه درباب املاك وآبها به طوری‌که نوشته‌اند برای کسی ملك و زمین و آب نخواهد ماند و مثل حکایت هندوستان خدا نکرده خواهد شد .

ثانیا ـ موافق فقره ٦ عملجات کمپانی از هر نوع مالیات داخله‌معاف خواهند بود وموافق فقره ٢٣ که‌کمپانی مختار است ازخارجه هرقدر عمله‌بیاورد وهرقدر هم‌ازهرجای ایران خواسته‌باشد می تواند بگیرد در اینصورت اولا ازفرنگی ایران راپرمیکند ثانیا نه‌رعیت برای‌کسی میماند نه‌نوکر ثالثا نه‌زراعت میماند نه تجارت برای اهالی ایران رابعاً برای‌دولت هم‌مالیات نمی‌ماند چراکه همگی‌عمله آنها میشوند واز همه‌چیز معاف•

ثالثا ـ موافق فقره ١٤ که اختیار جنگلها رابکمپانی داده‌اند مطلقا قیدوشرطی برای مایحتاج ملت و دولت از قبیل ذوغال وهیزم واسباب وادوات نجاری وسایر درقرارنامه مندرج نکرده‌اند کمپانی مختار است بهر قیمت بخواهد بخارجه بفروشد وباهالی ایران تنك بگیردوهمه‌را مستاصل نماید .

رابعاً ـ موافق فقره ١١ که اختیار جمیع معادن ممالك ایران‌را بکمپانی داده‌اند بازمشروط ننموده‌اند بجهة ضروریات ومایحتاج دولت وملت از قبیل‌نمك که محتاج‌الیه‌عامه‌است وهمچنین ذوغال سنگ وآهن ومس وسرب وسایر وکمپانی اختیار دارد بهرقیمت بفروشد ومردم راپریشان‌کند .

یابداخله نفروشد وبخارجه بفروشد .

خامساً ـ درفقره ١٧ و١٨ که ضمانت صدوهفت برای دولت‌قرارداده است صدوپنج برای منفعت‌سرمایه وصد ودو برای ادای سرمایه .

فرضا اگر کمپانی صدکرور برای راه آهن خرج نماید هرساله برای ادای سرمایه دوکروربگیرد در مدت هفتاد سال یکصد وچهل کرور میشود چهل کرور ازاصل سرمایه اضافه‌خواهد شد .

سادساً ـ موافق فقره ١٩ که اجاره کمرکها رابکمپانی واگذاشته‌اند ظاهرا برای‌دولت منفعت قرارداده‌اند ولی در معایب آن غورفرمایند چه ضررها برای دولت‌وملت حاصل است چرا که اختیار جمیع ماکولات و مشروبات وامتعه وحبوبات وبقولات وسایر دست‌آنهاست کیف‌یشاء ویرید .

سابعا—موافق‌فقره٢٢ که کمپانی‌را مختار کرده‌اند حقوق خود را بهرطور بخواهد بکمپانی دیگریامشتری دیگر بدهند یابفروشند .

کمپانی حقوق خودرا بدولت انگلیس میدهد یامی‌فروشد آنوقت کار املاك وآبها وجنگل‌ها و معادن وکمرکها وسایراز تجارتی گذشته دولتی خواهد شد .

ثامنا ـ درفقره ٢٤ که اشاره کرده است در صورت ظهور مشکلات فیمابین طرفین مضمون فرانسه تنها سند خواهد بود .

خط فرانسه راهم باخط فارسی مطابق ننوشته‌اند وحال‌آنکه خط فارسی راکه میرزاملکم‌خان بخط‌خود نوشته است بایستی‌خط فرانسه راهم مطابق آن بنویسد دیگرچه لزوم داشت که‌قید وشرط نماید درصورت ظهور مشکلات فیمابین طرفین مضمون فرانسه تنهاسند خواهد بود ازهمین‌شرط معلوم میشود که‌باید اختلاف داشته باشد اکثر اهالی ایران خط فرانسه راچه میدانند وانگهی بکسی هم‌اطلاع نداده‌اند آنوقتها .

تاسعا ـ در نسخه خط‌فارسی میرزاملکم‌خان درفقره ٨ نوشته‌اند درمقابل قبض حاکم رشت مشعربانیکه بقدرکفایت ساختن راه‌آهن ازرشت الی طهران میلهای آهنی‌وارد انزلی شده‌است این چهل هزار لیره رهن به

کمپانی رد خواهد شد .

در نسخه‌فرانسه) در وقتی که اسباب میلهای راه‌آهن حمل بکشتی وارد بانزلی بشود که حکومت‌رشت رسیدگی اسباب رابنویسد همین‌وجه معین محجربکمپانی داده‌میشود که‌بمخارج راه‌آهن‌رسانیده باشد .

عاشرا ـ درآخر فهرست شرایط مهندسین که‌بایددراختیارنامه ثبت‌شود مشتمل‌بردوازده فقره که درآخر قرارنامه خطفارسی نوشته شده‌دز فقره ثامن خواهید دید که نوشته است تعیین قیمت اراضی ازروی قیمتی‌خواهد بود که در وقت اجاره کردن به‌آن‌قیمت بوده است وجه اجاره که در این‌مدت داده است از قیمت ملك کسر خواهد کرد .

اولا قیمت ملك راکمپانی باختیار خود کرده که‌صاحب ملك نتواند موافق قیمت روز حرف‌بزند ثانیاچه ظلمی است که وجه اجاره ازقیمت ملك کسرشود .

یازدهم ـ در فقره ۱۲ شرایط فهرست مهندسین نوشته‌اند ونیز مباشرین ولایات ونواب محال عرض‌راه مجبورند که برای‌قطع اشجار وانهدام دیوارها ویادفع هرنوع سدی که در جلوراه واقع شود هرقدر عمله که مهندسین را لازم باشد بدون مضایقه بدهند و اجرت عمله را بقانون متداوله از مهندسین راه گرفته عاید دارند .

البته درفصل بهار بعرض خاکپای همایون اعلیحضرت اقدس‌شاهنشاهی روحنافداه رسیده است که‌ازرعایای دهات برای بنائی مردم عمله می‌آیند بشهرها وقتی که‌حاصل رامیخواهند درونمایند همگی‌آنها بازمیروند بدهات برای درو کردن وجمع کردن خرمنها عمله‌چقدرها کم‌میشود واکثر بنائیهامیماند وقتی که کمپانی همه‌مردم‌ایران را مجبور کرد که عمله بجهة راه‌آهن ازهمه‌جا بدهند آنوقت دیگربرای مردم‌رعیت وزراعت وتجارت وکسب و حرفت ونوکر میماند پابرای دولت مالیات چراکه همه‌مردم عمله میشوندودیگر عقب‌زراعت و کسب وحرفت و نوکری نمیروند چراکه معاف هستندز مالیات وسایر تحمیلات وقس‌علی هذاسایر فقرات قرارنامه‌راکه دروقت غور وتامل‌وامعان نظرمعلوم‌خواهدشد که‌بصرفه وصلاح کمپانیها نوشته‌شده .

نکته ودقایقی که برای رفع این‌معایب بنظر قاصرچاکران آمده‌است‌در آخرنسخه قرارنامه فارسی‌ازعرض لحاظ انورا‌علیحضرت‌اقدس شاهنشاهی‌روحنا فداه‌خواهد گذشت که‌نوشته است .

سواد شرحی است که مسیو کوت وکیل‌ومامور بارون‌جولی‌بوس‌دروتردرطهران نوشته‌وداده است .

مشتمل بچهار فقره

درضمن فقره‌دوم نگاشته‌است ـ دفاترحمول جمیع کارها واقداماتی که بسته‌بامتیازنامه مزبور باشد باید قبل ازوقت وپیش‌از اجری بامامور دولت مذاکره‌شود وبتصدیق اوبرسد .

وهمچنین درفقره ٤ بنظر مبارك خواهدرسید که‌نوشته است‌واین مقرراست که بجهت‌این فقرات‌مذکوره یك امضای‌مامور دولت بجهة اجرای‌آن قواعد کافی خواهد بود .

ونیز مقرراست که‌دولت ایران هیچ‌تکلیف مخصوص برعهده مامور نخواهد گذاشت که اختیاراحتیاطی او رابجهة تعیین این‌قرارها برهم‌بزند ـ حکم این قرارنامه مثل این خواهد بود که لفظ بلفظ در امتیازنامه اصلی مندرج است .

از این‌شروط همچه معلوم میشود که باید دفاتر حمول بنویسد وبامامورودولت که درضمن فقره اول نوشته‌است‌ناظم‌الملك خواهد بود مذاکره خواهند کرد .

وبیك امضای مامور دولت که اوباشد کافی خواهدبود وشرط هم کرده‌اند که‌حکم این قرارنامه مثل‌این خواهد بود که لفظ بلفظ درامتیازنامه اصلی‌مندرج باشد ،

برای عرض خاکپای همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه‌این تفصیلات ونکات و دقایق را جسارت کرد چنانچه رای‌حقایق پیرای ملوکانه که‌دارای جمیع‌حکمت‌ها ومصلحت‌ها ونکات ودقایق اموراست قرار بگیرد وصلاح دانند حکم‌تلغرافی بمیرزا ملکم‌خان شرف‌صدور خواهد یافت که بیّ اجازه و استحضار و امضای دولت و ملت دفاتر حمول واین فقرات و شرایط راکه مسیوکوت ومهندسین راه‌آهن در طهران داده‌اند باتمام وامضاء نرسانند .

والا بهرطوری که رای مبارك اعلیحضرت اقدس شاهنشاه عالمیان پناه روحنا وروح العالمین فداه اقتضا کند امرامرسرکار اقدس ارفع اعلی است ومطاع ومطاع»

گفتیم معتمدالدوله فرهاد میرزا که از سران مخالفین بشمار میرفت و با سپهسالار خصومت میورزید شب وروز بناصرالدین شاه میگفت اعطای امتیاز رویتر خیانت بمملکت بوده وعامل آن باید مجازات شود .

دراینجا یك نامه ازفرهاد میرزا راکه بعدازلغو امتیاز رویتر بناصرالدین شاه نوشته نقل میکنم وبطوری که ملاحظه میشود درآن نامه میخواهد «هر که خائن دولت پادشاه و ملت پادشاه است بغضب اعلیحضرت شاهنشاهی گرفتارشود »

«قربان خاکپای جواهرآسای مبارکشوم درروزنامهٔ مبارکه بتاریخ ۱۹ رمضان انتشارموقوفی راه آهن را دیدم خداوندوجود مسعود همایون روحنافداه را دراریکه جهانداری مستدام بدارد که براهالی ایران بشارتی مقررشده بود انشاءاله تعالی از اقبال همایون روحنا فداه وازباطن اسلام به آن قرارنامه خطبطلان کشیده خواهد شدوهرکه این کار را کرده باید بانجام برساندواگررای همایون قراربگیرد درمناشیر وفرامین دولتی نیزحکمی صادر بشود که در منابر بخوانند بتاج وتخت همایون قسم است که ازاین روزنامه مردم چقدر امیدوار ودعاگو شدهاند .

انشاءاله تعالی بحسن تدبیرملوکانه بایدقبض یك کرور استقراض که پول اورسیده است گرفته شود وحساب بیست هزار تومان پول ملکم خان هم پرداخته شودوامیدوارم که بزودی انشاءاله تعالی بشارت و اشارت این فقرات در روزنامه مبارکه گوش زدخاص و عام بشودو بخط مبارك این بنده را بشارت داده سر افراز فرمایند که خیالات خلاص بشود .

بتاج وتخت همایون قسم است که این بنده درگاه بعقل قاصرخود همه چیزرایك توجیه ودلیلی قرارمیدهد ولی این یك کرور استقراض که بی جهة بایدتمسك داد نفهمیده نخواهد فهمید واین مسئله مسلم بود که در هرنقطه فرنگستان برای اعلیحضرت همایون روحنافداه پول ضرور بودازهرکه هرقدر میخواستند میدادند دیگر قبل از وقت وضرورت قرض کردن که حالاتمسك رابزحمتی که بایدپس گرفت چه معنی داشت خداوند انشاءاله تعالی هرکه خائن دولت پادشاه وملت پادشاه است بغضب اعلیحضرت شاهنشاهی گرفتار نماید

زیاده جسارت است امرهمایون مطاع مطاع مطاع»

در پشت نامه محل مهر « فرهاد ».

شروع بکار

بطوریکه دیدیم بعداز امضای امتیاز نامه چون مطابق فصل هشتم میبایست پس از پانزده ماه ازتاریخ آن رویتر بکارشروع نماید بهنری کولینز دستور میدهد مهندسین و کارکنان لازم را استخدام کند و بطرف ایران حرکت نماید .

امتیازنامه درتاریخ ۱۸ جمادی الاولی ۱۲۸۹ (۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲) امضاء شده بود وبنابراین درمدت ۱۵ ماه بعداز آن یعنی تاتاریخ شنبه ۲ رمضان ۱۲۹۰ (۲۵ اکتوبر ۱۸۷۳) میبایست بکارشروع کرده باشند .

کولینز درماه فوریه ۱۸۷۳ باعده‌ای مهندس و کارگر ازانگلستان بطرف ایران حرکت میکند ودر ماه مارس باستانبول میرسد وبعداز یك ماه توقف درآنجا در ماه مه وارد تهران میگردد .

درایتکه کار ازجنوب شروع بشود یااز شمال بین رویتر و کولینز باناصرالدین شاه و سپهسالار مذاکراتی بعمل میآید و چون ناصرالدین شاه اصرار داشت که باید ابتدا

راه آهن تهران وبندر انزلی ایجاد شود مقدمات شروع بکاردر رشت فراهم میگردد .

گراهام استوری مینویسد .

«ساحی یکصدوپنجاه میل راه رشت وتهران انجام شد ونقشه بریدن هشت هزارفوت از کوه البرز تکمیل گردید واولین محمولات ریل از انگلستان بار گیری شد .

معهذا شروع بکار وافی راه آهن بدون موافقتنامه بین دولت ایران وبارون رویتر در باره «کابه دوشارژ» ممکن نبود زیرا برای خرید اجناس ولوازم ، مشخصات آن نیز مورد احتیاج بود.»

وسپس راجع بشروع کار نوشته .

«بالاخره در پنجم ژوئیه (۱۸۷۳) رویتر اجازه تحصیل نمود که مهندسین از رشت مشغول ساختن راه بشوند در این موقع فقط سه ماه ونیم برای شروع کار وقت باقی بود .

شش هفته قبل از انقضای ضرب الاجل یعنی در اوایل سپتامبر تشریفات ایجاد راه آهن در حضور قنسول بریتانیا واتباع خارجی مقیم محل بعمل آمد .»

رویتر در این هنگام که زمزمه مخالفها را می شنید ومخصوصاً از تصمیم اولیای دولت ایران دایر به لغو امتیاز نامه بااطلاع بود به کولینز نماینده خود دستور میداد که در کار تسریع نمایند وبهانه‌ای بدست دولت ایران ندهند .

کولینز وسایر مهندسین با کمك قریب هزار نفر عمله در رستم آباد ۱۶ کیلومتری منجیل درحدود نیم فرسنك درخت‌های جنگل را بریده وزمین را مسطح وهموار میکنند وموقعی که ناصرالدین شاه از اروپا باز میگشت در انزلی از او تقاضا مینمایند که برای بازدید عملیات به محل مزبور برود واز آنجا نیز سپهسالار که گفتگو ازعزل او میرفت تلگرافی برویتر مخابره میکند واو را بواسطه شروع بکار تبریك میگوید وچند روز بعد از آن هم حسنعلی خان وزیر فواید عامه باشاره سپهسالار که دراین وقت ازصدارت عزل شده بود در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۸۷۳ نامه‌ای بشرح زیر بعنوان «کولینز سرمهندس ونماینده رویتر» مینویسد

«آقای من

سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی ایران استعفای جناب صدراعظم راقبول نفرموده‌اند ومیل خاطر آن اعلیحضرت آنست که جناب مشارالیه رامجددا بصدارت منصوب دارند من از جانب جناب مشارالیه مامور هستم که بمقام اظهار تشکر برآیم که فی الحقیقه درموقع شروع بکار راکرده‌اید وبخصوص جناب جلالتماب صدر اعظم بسیار از شما راضی است که شماها رادر کار کردن می‌بینند امیدواریم که انشاءالله بروفق معاهده قرارنامه رفتار نموده باشندما را مشعوف ومسرور خواهند ساخت والان از محمدآقا سرتیپ بکمال خوشوقتی شنیدم که ازامروز ابتدای شروع کار کرده‌اید من ازاین جهت ازشما راضی هستم وحاجت تکرار وزحمت دادن نیست بهرحال آقای من حاضر هستم که جمیع امورات شمارا بسهولت بگذرانم و بهرنوع اعانت و تقویتی که احتیاج داشته باشند بعمل خواهد آورد

امضاء حسنعلی خان»

بهرحال باتمام جدیتی که رویتر ونماینده او برای اجراء شرایط امتیاز نامه بعمل آوردند نتوانستند آنطور که باید و شاید اقدامـاتی بنمایند کـه بهانه‌ای بدست دولت ایران داده نشود .

اقدام برای لغو امتیازنامه

چنانکه گفته شد ازموقع امضاء امتیاز نامه روسها اظهار نارضائی نمودند وهنگامی هم که ناصرالدین شاه به پطرزبورغ رفت امپراطور روسیه حضورا عدم رضایت خودرا ازاین موضوع باو گفت وبهمین جهت ازهمانموقع، دیگر

آن میل وعلاقه اولی را باجرای امتیازنامه نداشت ودر انگلستان نیز چندان اعتنائی به رویتر نکرد وحتی به تقاضای مکرر اودر مورد تمدید ضرب‌الاجل مقرر ترتیب اثر نداد .

یك موضوع دیگری که باعث یاس ودلسردی ناصرالدین شاه وسپهسالار ازانگلیس شد قرارداد گرانویل وکورچاکف بود که قبلا ذکری از آن رفت وگفتیم بموجب آن دولت انگلیس وروس مناطق نفوذخودرادرآسیا معین کردند واین امر برای «شاه» و «صدراعظم» ایران خیلی غیر منتظره بود .

ناصرالدین شاه وقتی بایران آمد مخالفت علماء ورجال را هم که دید مخصوصا با اخباری که از گوشه و کنار کشور دایر بمخالفت مردم باامتیازنامه باو میرسد جدا تصمیم میگیرد که امتیازنامه رالغو کند باآنکه بعداز ورودناصرالدین شاه به بندر انزلی بواسطه نامه‌هائی که علمای متنفذ روحانی مثل حاج ملاعلی کنی وسیدصالح عرب وهمچنین انیس‌الدوله وفرهاد میرزا معتمدالدوله باو نوشتند سپهسالار یعنی کسی را که عامل اعطاء امتیازنامه میدانستند ازصدارت عزل میکند وخود بتنهائی بتهران می‌آید معهذا اوضاع وضع عادی نداشت ودر همه جازمزمه‌های مخالفت باامتیازنامه بلندبود وناصرالدین شاه ازاین موضوع زیاد وحشت داشت ـ دریك گزارشی که درتاریخ سوم رمضان ۱۲۹۰ بناصرالدین شاه داده‌اند نوشته شده .

«..... ملاها بعنی خیال داشتند ایام رمضان بمسجدنروند بعنی خیال داشتند بعداز چهارپنج روزدر مسجد بنشینند وعریضه کنند میرزاعیسی از جانب سنی‌الجوانب بآنها اطمینان دادعلی‌الحساب آسوده هستند نرفتن به مسجد وعریضه نوشتن گفتگوی خودشان بامحارم خودشان بود .....»

گراهام استوری مینویسد .

«..... عذری که برای وزیر مختار انگلیس درتهران آوردند این‌بود که ازملاها وحشت داشتند دولت شاه چنین اظهار میداشت که « ایشان (ملاها) مشغول تشویق یك‌بحران سیاسی میباشند » و ثبات‌تاج و تخت در خطر بود و تنها راه جلوگیری‌ازآن فداکردن امتیازنامه بنظر میرسید ... »

خلاصه ناصرالدینشاه ازهمان بدوورود بتهران باتمام مخالفین و موافقین بمشاوره پرداخت تاشاید راهی برای حل‌این مسئله غامض پیدا کند اما کسی‌را بهتر از خود میرزا حسین‌خان سپهسالار برای‌انجام این‌منظور نمیدید .

سپهسالار نیز که‌وحشت‌ناصرالدینشاه رامشاهده میکردباوقول میداد که بهرترتیبی باشداین مسئله رابخوبی حل‌خواهد نمود .

سپهسالار بتهران احضار ومامور لغو امتیازنامه میشود

باآنکه آمدن سپهسالار بتهران با وجود آنهمه مخالفت‌ها از کارهای خطرناك بود وهمه مخالفین اورا منشاء وموجد این گرفتاریهامیدانستند بطوری که‌درشرح‌حال‌اودیدیم (صفحه۴۶) ناصرالدین شاه بازحمت بسیاراورابرای‌حل این‌موضوع بتهران احضارمی کند و با سمت وزیر امور خارجه مامور فسخ ولغوامتیازنامه رویتر مینماید .

سپهسالار نیزفورا مشغول‌اقدام میشود و در نامه هائی که بناصرالدینشاه مینویسد اشکال کار وغامض بودن این مسئله راگوشزد میسازد ولی وعده میدهد هر چقدرهم

که کارشوار باشد اواز عهده انجامش برمی آید .

عین نامه میرزا حسین‌خان سپهسالار که در این مورد نوشته و در پنجم رمضان ۱۲۹۰ بنظر ناصرالدینشاه رسانیده بشرح ذیل است .

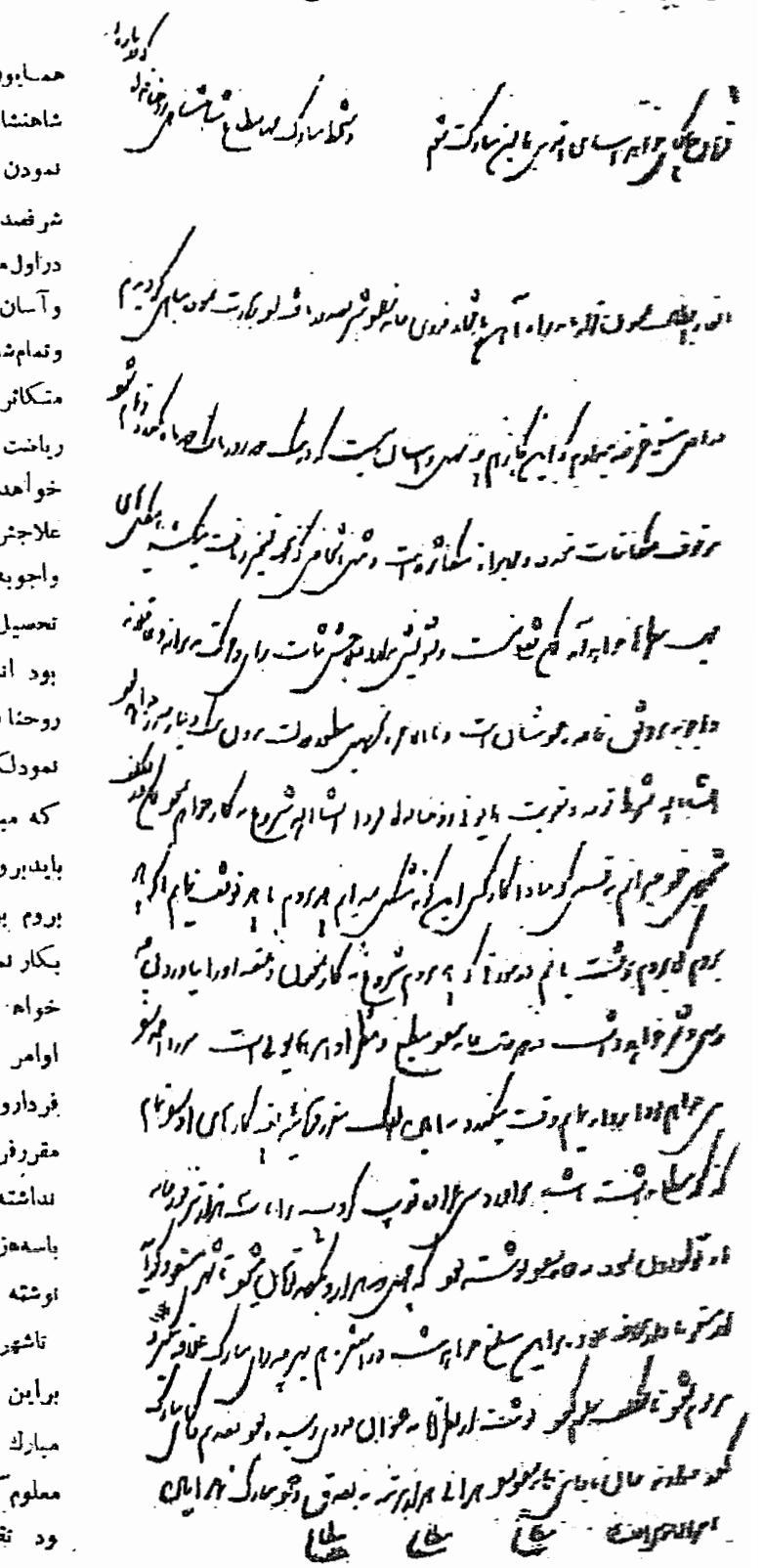

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم دستخط مبارک جهانمطاع شاهنشاهی روحنا فداه که درباره الغاء و ابطال نمودن قرارنامه راه‌آهن بافتخار فدوی خانه‌زاد شرف صدور یافته بود زیارت نموده مباهی گردیدم دراول مسئله عرضه میدارم که این کار هم چه سهل و آسان نیست که دریک روز و روز یا یک دوماه بگذرد وتمام شود موقوف بمکاتبات متعدده ومخابرات متکاثره است ومثل اشخاصی که بجهت تسخیر ریاضت میکشند هیکل های مهیب بنظرها خواهد آمد لکن نقلی نیست وتشویش ندارد علاجش ثبات رای وحرکت مدبرانه وعاقلانه واجوبه بروفق قاعده خودشان است وبالاخره تحصیل منظوردولت بدون یکدینار ضرر خواهد بود انشاءاله بشرط توجه و تقویت همایونی روحنا فداه فردا انشاءاله شروع بکار خواهم نمود لکن در تکلیف شخصی خودم حیرانم بقسمی که مبادا کار کسی این گونه مشکل نمیدانم باید بروم یا باید توقف نمایم اگر باید بروم کجا بروم برشت یا قم درصورتی که باید بروم شروع بکار نمودن عقبه اورا نیاوردن چه حاصل ونمر خواهم داشت درهرحال خانه‌زاد مطیع ومنتظر اوامر همایونی است میرزا احمد رامی خواهم فردا روانه نمایم وقت میگذرد به امین‌الملک مقرر فرمائید بهیه کارها را اورا تمام کند که معطلی نداشته باشد برآورد سی عراده توپ کروپ را باسه هزار تیر قورخانه از تولوزن نموده بخانه‌زاد نوشته بود که چهل دوهزار ویکصد تومان میشود تا شهر مسقو و کرایه از مسقو تا دارالخلافه علاوه براین مبلغ خواهد شد دراینفقره هم بهرچه رای مبارک علاقه می گیرد مرقوم شود تا تکلیف معلوم گردد نوشته از نظر آقا بعنوان فدوی رسیده بود تقدیم خاکپای مبارک گردید خداوند

جان ناقابل خانه‌زاد راهرآنی هزارمرتبه تصدق وجودمبارك نماید آمین‌امرالاقدس‌الاعلی مطاع مطاع‌مطاع»

نامه دیگر ازسپهسالار درهمین مورد که بتاریخ ۱۲ رمضان ۱۲۹۰ بنظر ناصرالدین شاه رسیده است

«قربان خاکپای جواهرآسای اقدس‌همایون مبارك‌شوم بزیارت دستخط مبارك جهانمطاع همایونی روحنا فداه که درجواب عریضه‌عبیدانه این‌غلام خانه‌زاد شرفصدور یافته‌بود مشرف ومباهی گردیدم انشاءاله در خاکپای انوراعلی بدرجه ثبوت‌رسیده‌است که حتی‌المقدور حرف‌بی‌یا وبی‌ماخذ کمترمیگویم خاصه‌درخاکپای مبارك‌امیدوارم که انشاءاله عنقریب خاطر مبارك‌را ازاینفقره‌آسوده دارم‌واعلان ابطال‌این امررا نمایم لکن‌دراول عرض نموده‌ام که شکل‌های مهیب بنظرخواهدآمد امابالاخره خالی‌از ضرراست‌انشاءاله درهمین‌روزها یعنی‌بعداز فرستادن چندتلغراف بفرنگستان که‌از فردا شروع‌خواهم‌نمود ودو مکاتبه باکلنس استدعای شرفیابی بحضور مهرظهورملوکانه‌روحنافداه خواهم نمود وبعداز عرض عرایض واستحصال رای‌انور فورا شروع باجرای منظورات همایونی خواهم‌نمود درآخر عریضه بازجسارت نموده‌عرضه میدارم که خاطرمبارك را ازاینفقره آسوده‌داریدوخیال همایونی‌راصرف مرمت‌وتعمیر سایر کارهای دولت بفرمائید خداوندجان ناقابل خانه‌زاد را بتصدق وجود مسعود مبارك نماید آمین ثم آمین الامراقدس‌الاعلی مطاع‌مطاع‌مطاع »

سپهسالار باآنکه جدا برای لغو امتیاز رویتر اقدام میکرد ولی گویا خود عقیده باینکار نداشت وبکسانی که «خیالات عالیه ملوکانه» واورا برعکس جلوه داده‌اندلعنت میفرستادونفرین میکرد .

سپهسالار درنامه‌ای که مقارن همان‌تاریخ‌بنظر ناصرالدینشاه رسانده‌اینطورمینویسد

«قربان خاکپای‌جواهرآسای اقدس همایون مبارك شوم بزیارت دستخط مبارك همایون شاهنشاهی روحنا فداه مشرف ومفتخر گردیدم وبرحسب اراده همایونی دستخط مبارك رادرجوف عریضه عبودیت فریضه‌اعاده بحضور مبارك دادم‌خدای وحده‌لاشریك‌له شاهد کافی این‌غلام خانه‌زاداست که‌قدم وقلمی‌برنداشته‌ام ونخواهم برداشت‌مگر این‌که رضای خاطرمبارك همایونی روحنافداه رادراو داشته باشم انشاءاله به‌لعنت‌خدا وسخط‌پادشاه بیایند اشخاصی که ازبابت غرض وخودخواهی وجهل این‌حرکت رانمودندوخیانت‌بدولت وملت کردند ودر انظار ملل فرنگستان که امروز بقاودوام دول‌موقوف بدرجه‌اعتباری است که‌درآن انظار دارندپنجاه سال‌اقلا مارا عقب انداختند و آن خیالات عالیه ملوکانه رابرعکس جلوه‌دادند غلام خانه‌زاد اهتمام‌داشت که‌اسم مبارك شاهانه سر صفحه سلاطین بزرك فرنگستان بشودآنها سعی کردند که‌بجهة نسبت‌بیقدرتی وعدم استیلا واختلال درشعب‌امور اسم‌مبارك‌همایونی را داخل اسامی سلاطینی که مملکت آنهاقابل هیچ‌نوع ترقی وتمدن واعتنا نیست‌نمایند والله بنمك مبارك قسم است سفیراطریش از افکار اروپا بعدازاین‌حرکت فسده‌وجهال چیزهابیان کرد که فدوی خانه‌زاد بعد از رفتن او گریست انشاءاله‌بتدابیر صائبه همایونی نوعی‌خواهد فرمود که رفع این تاثیرید که مفهم‌و مصرح سلب اقتدار و اختیار سلطنتی‌است بشودامادر فقره راه‌آهن همان‌عرضی است که ازشش‌ماه قبل‌نموده‌ام وامروز چون‌میل مبارك را قوی‌ترملاحظه مینمایم‌قوی‌ترعرضه می‌دارم که خاطر مبارك رامطمئناً آسوده بدارندواین عمل راباطل شده بدانید انشاءاله بعداز یك‌دو مجلس‌دیگر مذاکره باوکیل رایتر یك‌روزی بعداز تحصیل اجازه شرفیاب خاکپای مبارك گردیده‌بتفصیل آنچه‌باید عرض نمایم نموده بعداعلام در طهران وولایات بطوردلخواه همایونی خواهدشد خداوند جان ومال مرابه‌تصدق وجود مبارك نمایدآمین ثم‌آمین الامرالاقدس‌الاعلی مطاع‌مطاع‌مطاع »

عین دونامه فوق درصفحه بعد گراور شده است

هرچند سپهسالار دراقدامات خود تعجیل میکرد و هیچ غفلت روا نمیداشت معهذا ناصرالدینشاه بواسطه وضع غیرعادی که‌درنتیجه‌اقدامات مخالفین پیش آمده بود وناراحتی خیال‌خود عجله فراوانی‌دراینکار بخرج میدادچنانکه درنامه‌ای‌به سپهسالاراینطورمینویسد .

«جناب مشیرالدوله اگرچه ازعرایض‌شمادر فقره ابطال‌راه‌آهن کمال اطمینان‌را دارم امادیروز نوشته‌بودم

که نمی‌دانم درماه رمضان میتوان اعلام رسمی کرد یانه بعلت‌اینکه موقع رمضان بهتراست مردم درمنابر ومساجد می‌شنوند ودیگراینکه بعدازرمضان میخواهم جاجرود بروم انشاءاله ـ این‌اعلام‌رسمی نشده‌اولانمی‌توان به‌آسودگی بشکار رفت ثانیا موقع احکام لازمه میگذرد گیرمن در همین اعلام رسمی ابطال راه آهن است در پشت همین دستخط جواب‌بده»

سپهسالار درپشت‌نامه اینطور نوشته

«قربان خاکپای‌مبارکت شوم انشاءاله روزپانزدهم این‌ماه بشرف‌زیارت خاکپای مبارك همایونی روحنا فداه مشرف شده واعلان رسمی ابطال راه‌آهن رادر همان تعیین خواهم‌نمود وانشاءاله قلب مبارك به‌آسودگی‌به شکارگاه تشریف خواهد برد واحکام مبارك اجری‌خواهد نمود خداوند جان و مال خانه‌زاد را به‌تصدق وجود مبارك نماید آمین نم‌آمین»

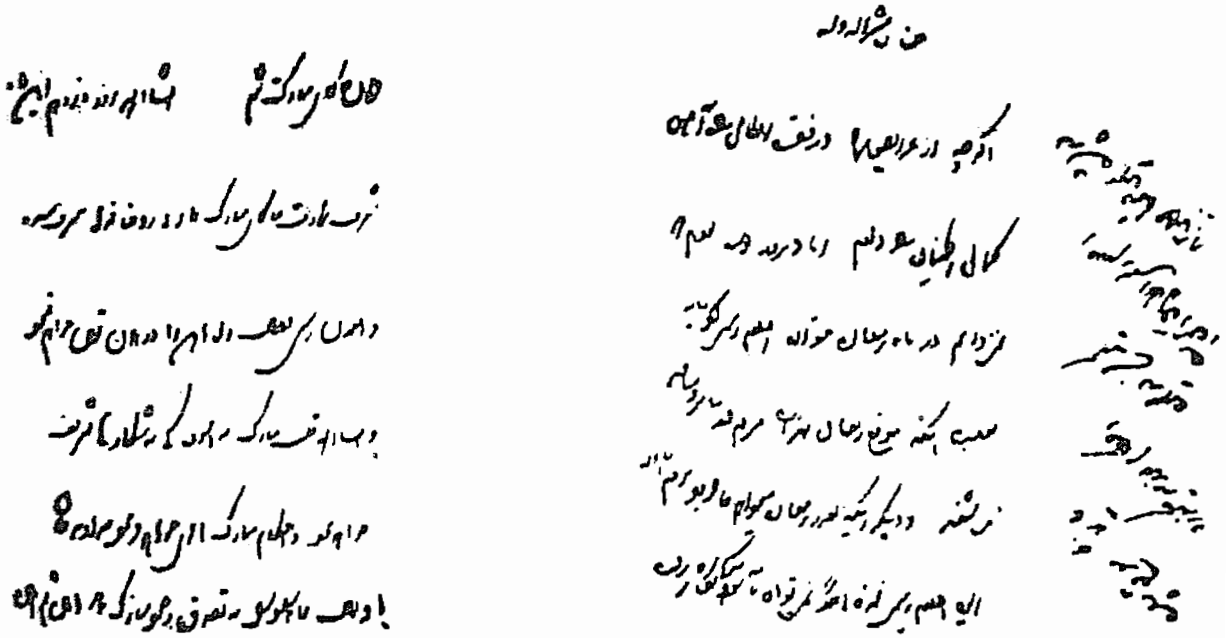

تعجیل ناصرالدین شاه بواسطه اقدامات مخالفین بود که تاخیر در لغو امتیازنامه راجایز نمیدانستند و میخواستند هرچه زودتر اعلان بطلان آن منتشر گردد .

عدم اجراء امتیاز نامه در موعد مقرر

گفتیم باآنکه رویتر ونماینده اومیل داشتند قبل‌از انقضاءموعد مقرر (شنبه۲رمضان ۱۲۹۰ـ۲۵اکتوبر ۱۸۷۳) واقعابکارهای اساسی شروع کنندتا بهانه‌ای بدست‌دولت ایران برای‌لغوامتیازنامه ندهند باهمه جدیتی که بکار بردند نتوانستند و تسطیح و هموار کردن مقداری از جنگل نزدیك رستم‌آباد رشت نیزبرای انجام منظورکافی نبود .

بعلاوه در اینمدت میبایست برطبق فصل بیست‌وسوم بکارهای دیگر مثل استخراج معادن وغیره نیزاقدام کرده باشند وحال آنکه برای این امور هیچ اقدامی بعمل نیامده بود .

بالاخره بعد از خاتمه تاریخ مزبور سپهسالار شفاها بمستر کولینز نماینده رویتر عدم اجراء شرایط امتیازنامه وبالنتیجه بطلان آنرا اعلام‌میکند ولی مثل آنکه مستر کولینز

موضوع را نادیده انگاشته و در تاریخ چهارم نوامبر ۱۸۷۳ (۱۲ رمضان ۱۲۹۰) در موردکایه‌دوشارژ (۱) که قبلا نیز به آن اشاره ای‌شد این نامه را بعنوان « جناب سپهسالار اعظم » مینویسد .

«از بارون روطر تلگرامی دریافت نموده‌ام بموجب آن که اومیگوید غیبت‌جناب ملکم‌خان ازلندن‌حقیقتاً اسباب منع‌اجرای امتیازنامه است‌جناب ملکم‌خان ازجانب دولت متبوعه خود ماموراست که درباب کایه دوشارژ بابارون روطر قراری‌بدهد .

بارون روطر به من دستور العمل داده‌است که ازجنابعالی استفسار نمایم که دراین موقع تکلیف چه‌بوده واطلاع حاصل نمایم که جناب ملکم خان چه وقت بلندن مراجعت مینمایند .»

سپهسالار روز بعد درجواب کولینز اینطور مینویسد

«بتاریخ پنجم نوامبر۱۸۷۳مطابق سیزدهم رمضان ۱۲۹۰

مسیو .

درجواب مراسله دیروز شما باتاسف بامعان نظر شمامیرسانم که کمپانی که شما مأمور آن هستیدچون درایفای شرط وعهد خویش چنین که درفصل هشتم قرارنامه مشروط است باعتقاد ما قصور کرده دولت ایران نیز بحکم همین واقعه خودرا ازعهود وشروط خویش نسبت به بارون رویترآزاد میگمارد ودراینصورت نمیتواندبمامور لندنی خود احکامانیکه شما خواهش میکنید برای فقره دفتر محاسبات همین قرار نامه که درلفظ ومعنامعیوب گشته صادر نماید پس قبل از اینکه طرفین دوباره متفق‌الرای باشندنه تنها هرحکمی که سابقاصدور یافته به نسخ آن هم اشاره خواهد گردید بلکه خود قرار نامه درنظر ما ملغا وکان‌لم‌یکن خواهد بود در این موقع مسیوبیان احترامات مرا بپذیرند حسین »

بعد ازاین نامه مستر کولینز شروع باعتراض میکند و بانوشتن نامه‌هائی دلائلی برای اینکه بکار شروع کرده و امتیاز نامه باعتبار خود باقی است اقامه مینماید از جمله دلائلی که بآن استناد میکرد تلگراف تبریك میرزا حسینخان به رایتر و همچنین نامه حسنعلی خان وزیر فواید عامه بعنوان کولینز بود که درآن صریحاًشروع کارراتبریك گفته بود ونماینده رویتر میگفت اگر بکار شروع نکرده چگونه صدر اعظم و وزیر فواید عامه به رویتر و اوتبریك گفته‌اند ؟

ازطرف سپهسالار به تمام نامه‌های کولینز ودلائل او جوابهای لازم داده میشد .

ملاقات سپهسالار با وزیر مختارانگلیس

سپهسالار دردنباله اقدامات خود در۱۶ماه رمضان ۱۲۹۰ مستر طامسن وزیر مختارانگلیس‌را بمنزل خوددعوت میکند وموضوع فسخ امتیازنامه‌رویترراباادرمیان میگذارد جریان‌این مذاکرات را خود سپهسالاربناصرالدین شاه چنین گزارش میدهد .

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون‌مبارکشوم . روز شنبه ۱۶ شهر حال برحسب امر قدر قدر همایون شاهنشاهی روحنا فداه مستر طامسن وزیر مختار انگلیس را نزد خود احضار نمودم دو ساعت‌بغروب مانده آمد بمشار الیه گفتم سرکار اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه ازآنجائیکه دولت انگلیس‌را حقیقةدوست صمیمی وانفی خودشان میدانند وشخص شمارا خیرخواه و صدیق میشمارند به من فرمودندکه شمارا نزد خود خواسته فرمایشات‌آنهارا بشما بگویم وجواب تحصیل نموده بعرض آستان مبارك برسانم .

میفرمایند هیچکس بقدر خود من فطرتا طالب انتظام واصلاح درامور وترقی دولت نیست وباز هیچکس بقدر من نمیداند که وسیله ترقی پیروی بهمان‌قواعدی‌است که در ممالك فرنگستان ازروی علم وبصیرت وحکمت

1_ cahier des charges

مجری نموده اند که اعظم آنها راه آهن وتلغراف وتسهیل تجارت ومراودات واجرای عدل وانصاف وتأمین مال وجان‌است قبل ازآنکه بسفر فرنگستان بروم واینهمه اعمار وثروت وانتظام را برای العین مشاهده نمایم همیشه طالب وراغب این امور بودم چنانچه قرار نامه راه آهن قبل ازعزیمت فرنگستان انعقاد یافت حالا که خود همه آنهارا مشاهده نمودم وبدقت حکمت‌همه‌را مطالعه کردم بمراتب میل وشوق من دراجرای قواعد حسنه بالمضاعف شده‌است وباچه خیالات عالیه معاودت‌میکردم که بعد ازورود بمقر سلطنت فوراً در صدد اجرای آنها برآیم بغتة دراول ورود بخاك ایران این مقدمه روی داد ومارا مجبور کرد که چندی خیالات خود را تاخیر انداخته باندبیر دراصلاح امور داخله برآئیم ازجمله مقدمه راه‌آهن‌را بقدری درازهان علما وعموم ملت‌مضر ومخرب دین ودولت وتمامی ملت به قلم داده‌اند که هرقدر بخواهیم اینفقرات‌را ازذهن آنها بیرون بیاوریم‌ومحسنات ومنافع اینکاررا تعداد دهیم عجالة امکان نخواهد داشت تنها به اختلال افکار علمای دار الخلافه اکتفا نکرده‌اند بجمیع علمای ولایات شروحات نوشته‌اندوبرآنها یقین نموده‌اند که‌اینعمل مخرب جمیع قواعد دینیه وقدیمه دولت‌است وهرروزه ازحکام ولایات راپورتهای موحشه میرسد ازبرای رفع ودفع این خیالات و تصحیح افکار عامه عجالة چاره بجز الغا وابطال قرار نامه چیزی بنظر مبارکشان نمیرسد در صورتیکه شرایط خود قرارنامه این حق‌را بطورتصریح بدولت می‌دهد وصاحبان‌امتیازبه‌آنچه وعده نمودند وفانکردند وبازفرمودند که بشمااطمینان بدهم که‌درمحسنات راه‌آهن بهیچوجه تغییر اعتقاد نفرموده‌اند ومیدانند که قوه وقدرت آتیه دولت منوط براه آهن است پس‌ازآنکه این قرارنامه حاضر که موجب اینهمه گفتگو شده است لغو و باطل شد واذهان آرام‌گرفت آنوقت بفاصله دو یاسه‌ماه باهمین بارون رایتر یاکمپانی دیگر مضایقه ندارند سهل‌است اصرار خواهند فرمود که قرار مجددی از روی اساس تازه درایجاد راه‌آهن بدهند حالا رای وسلیقه شمادر آنچه از اول تا آخر گفتم چه‌چیز است بیان کنید تا عرضه دارم گفت ازروزی که گفتگو و مذاکره راه آهن بابارون رایتر بمیان‌آمده است دولت انگلیس کلیة بیطرف مانده است یعنی که تاامروز یك کلمه بادولت ایران مذاکره در اینفقره نکرده است نه اعانت و تشویق ونه اهانت وممانعت کرده است رسمامن‌هم‌باید بدولت خود تاسی نموده بیطرف وساکت بمانم گفتم البته در نظر دارید که دولت شما در مجلس پار لمنت حمایت خودرا ازاین امتیازنامه به‌بارون رایتر دریغ داشت وامروز در این مسئله بارون رایتردر تحت حمایت انگلیس نیست گفت ازجمیع مذاکرات درپار لمنت و جوابی که به رایتر داد اند اطلاع دارم بمدشرح مفصلی از وخامت نتیجه این حرکت که بوقوع رسیده است و سوء تاثیر اودر جمیع فرنگستان خاصه در انگلیس بیان کرد وگفت حقیقة امررا محرمانه بتومیگویم اعلیحضرت شاهنشاهی‌آن قبول عامه که درلندن تحصیل فرموده بودند غیب کردند ودولت انگلیس امروز ازدولت ایران مایوس است وچه قدر بالیت خوب حاضرشده بود که‌تقویت‌ها ومعاونت های کلیه از دولت ایران نماید در جواب او گفتم بهترین و بزرگترین صفات ملت انگلیس دردنیا انصاف و حقانیت است امادراین‌موقع چه‌بحثی برشخص همایونی میتوانید وارد آورد که قبول عامه درلندن راغیب فرموده باشند امرناگواری برخلاف میل ورضای مبارك ایشان بوقوع رسید وهرقدر تصور نمائید متغیر شدند و راه خبر را به‌اردوی متوقفین دارالخلافه مسدود نمودند وهرچه نوشتند انحصار بخودشان داشت وکار رابقدری بزرك قلم‌دادند که باز میتوان گفت سر کار اقدس همایونی کمال قوت قلب را بعمل آوردند گفتم یك‌فقره بشمامیگویم یقین بدانید که در مسائل داخلیه ایران و استعمال تدابیر لازمه بجهة تحصیل مقصود هیچکس را بقدر ذات اقدس‌ملوکانه روحنا فداه‌مهارت تامه‌ندارند وخدا میداند خیلی‌خوب وباندبیر وعقل کامل حرکت میفرمایند وآنچه شمامنظور دارید که‌استقلال کلیه اوامر سلطنتی باشد بعمل‌آمده وعنقریب تکمیل خواهد شد

بعد فصلی راجع بشخص فدوی خانزاد وخیالات و پولتیك عاقلانه خانزاد بقول او بیان و اظهار تاسف و ملالت زیاد از پارهٔ حالتها بیان کرد که عرض آنها از طرف خانه زاد بهیچوجه مناسب نیست خوبست

بوسایل دیگر بعرض خدام آستان مبارك برسد همینقدر فدوی در جواب گفتم که من کمال تشکر وخاکساری را از آنچه تابحال در باره من فرموده‌اند دارم وخود برای العین مشاهده مینمایم که جمیع اوقات مبارکشان مصروف تقویت واصلاح کار من‌است که ازآنجمله همین فقره راه‌آهن واصراری که میفرمایند بازجزء اعظم اواز برای خودمن است حالا اگرواقعا شما بطوری که میگوئید وجود نابودمرا از برای پیشرفت خدمات و اوامر همایونی لابد مندمیدانید پس‌تقویت ومعاونت نمائید تااینفقره راه‌آهن لغو وباطل شودوامورات بروفق مرام‌صورت گیرد گفت درآخر فصل‌هشتم من‌یکقدری‌اشتباه‌دارم به این‌معنی که اگردر راس وعده پانزده ماه شروع بکارنکنند شماحق ضبط آن‌چهل‌هزاره لیره انگلیسی راداربد لکن بعداگر اوباز میل های آهنی‌ازرشت الی‌طهران راآورد آنوقت بازمی‌تواند مشغول کار شود فدوی خانه‌زاد قرارنامه راآورد وفصل هشتم رامجددا مطالعه نمود رفع اشتباه از اوکردم بعدخود او بفدوی گفت فصل ۲۳ قرارنامه هم‌مقوی خیال ورای شمامیتواندشد اورا هم‌مراجعت کردم دیدم واقعا اسلحه خوبی‌است گفت حالاکه میل همایونی براین‌است وشماهم میگوئید الغاء ابطال اینفقره‌موجب تقویت شماست شخصاً آنچه در قوه داشته باشم معاونت روحانی درتقویت‌خیال شماخواهم نمود گفتم عجالةبزرگ‌ترین تقویت‌ها عدم حمایت از صاحب امتیاز است گفت آنفقره را درپارلمنت جواب داده‌اند تا امروز هم من بهیچوجه مداخله واظهار حمایتی ازکمپانی مزبور نکرده‌ام بعدگفت آیاسرکار اعلیحضرت شاهنشاهی تجویز می فرمایندکه درمیان فرنگستان امروز خیوه‌را مقدم تر وباتربیت‌تر ازایران تصور نمایندگفتم چنین امری به تصور احدی نیامده ونخواهد آمدگفت درخیوه ازبرکت قشون روس اساس اسارت‌و بنده فروشی‌را موقوف کردند ودولت ایران ازاین فقره بهتر وبیشتر ازهمه نفع برد واسرای چندین ساله او ازخیوه آزاد شدند وآمدند و بلکه چند سال‌است که درخصوص منع اسارت سیاه‌ها سعی واهتمام دارد وباجمیع دول وامارت‌ها عهدنامه منعقدکرده است مثل دولت عثمانی‌وخدیوومصروامیرزنگبار وامام مسقط وغیره وغیره لکن دولت‌ایران هنوز داخل عهدنامه نشده‌است این اوقات سواد عهدنامه بسیار مختصر ازدولت بمن رسیده است که ترجمه نموده نزد شما میفرستم که به ملاحظه همایونی برسانید گفتم مطالبی که هنوز اظهار ننموده‌اید و نمیدانید رد میشود یاقبول هیچ حق نداشتید و ندارید که اسباب گله وشکایت خودقرار بدهید یاخیوه‌را بجهت تربیت مستعد تراز ایران بگوئید همینقدر بشما میگویم نه خودتان تغییر اعتقاد در باره ایران بالخاصه در باره ذات مقدس همایونی روحنا فداه بدهید و نه بگذارید از برای دولت وملت خودتان تغییر اعتقادی بشود زیراکه عظمت وقدرت و درست قولی وحسن وفای دولت انگلیس بخوبی‌بالا تر ازآنچه شما میل‌داشته‌باشیدمشهود خاطرمبارك گشته واطمینان‌تمام‌بشما دارندوباسایرین مماشاةمیفرمایند چنانکه خود شماهم‌مماشاة می کنید خلاصه‌صحبت خیلی زیادترازاین‌شد که‌بعرض خاکپای‌مبارك‌روحنا فداه رسانیدم

درحضور انور مشهوداست که ازبرکت تربیت همایونی درصحبت و مذاکره امکان ندارد که اهالی خارجه بتوانند برفدوی تفوق حاصل کنند . الامرالاشرف الاقدس‌الاعلی مطاع غلام خانه زادحسین .»

اعلان بطلان امتیازنامه

بعد ازاین ملاقات واقدامات دیگروخواستن نظر مأمورین ایران مقیم کشورهای بیگانه مخصوصاً ملکم وزیرمختار ایران درلندن چون ناصر الدین شاه میل داشت که‌برای آرامش مردم وآسایش فکر خود هرچه زود تر موضوع لغو امتیازنامه اعلان ودر مجامع عمومی برای مردم خوانده شود مجلسی باصوابدید سپهسالار مرکب ازکامران میرزا نایب السلطنه ـ میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالك ـ حسام‌السلطنه مراد میرزا ـ اعتضادالسلطنه‌وخود سپهسالار تشکیل میشود وموضوع‌را مطالعه و سپس گزارشی بشرح ذیل برای ناصر الدین شاه تهیه مینمایند .

« بتاریخ شب چهارشنبه بیستم شهررمضان المبارك (۱۲۹۰) حسب الامر الاقدس الاعلی درمجلس خاص

در بار اعظم دستخط همایون درباب اعلان بطلان و فسخ امر راه آهن زیارت شد. صورت منظورات ملوکانه دراین مساله بیان شد بالضروره تفصیل اقدامات باین امر هم که موافق امر ملوکانه جناب جلالتمآب مشیرالدوله متصدی بوده اند برای مزید اطلاع اعضای مجلس شرح داده هیئات امروزه اینکار راکه درچه نقطه است توضیح نمودند .

معلوم شد که عجالة درملاقات سفیر انگلیس وسئوال وجوابها که بامیرزا ملکم خان وکلنس وکیل رایتر شده است تنها دلایل نسخ وابطال قوتی یافته است نه اینکه هنوز ازختم وقطع کاراطمینان حاصل شده باشد واگر دراین حالت باعلان وانتشار امر اقدام شود شاید باز زحمتی حادث شود ووسیله حرف وادعائی بدست رایتر ووکلای او بیفتد صلاح دراین است که اولا چند روز تامل شود تاجواب تلگرافها که بلندن گفته شده است برسد ویکباره ازاسکات وبلس رایتر مطمئن شویم .

ثانیاً بعد ازاختتام امر و اطمینان ازگذشتن کار اعلان وبطلان راه آهن را لازم نیست فرمان بنویسند و درمجمع عوام بالای منبر خوانده شود همین قدر باشرح مقدمات مساله بطوریکه قصور وکوتاهی را منحصراً برایتر ووکلای او بگذارند شرحی در روزنامه دولتی چاپ شود وببعضی ولایات هم مختصراً بالگراف اخبار کنند بیش ازاین ضرورت ندارد .

رای مجلس این است که معروض افتاد تامقتضیات رای آسمان آسای اعلیحضرت همایون ارواحنا فداه چه باشد نایب السلطنه امیرکبیر ـ یوسف بن محمد حسن ـ حسام السلطنه اعتضادالسلطنه ـ غلام خانه زاد حسین .»

و برای اطلاع مردم درروزنامه رسمی ایران مورخ ۱۹ رمضان ۱۲۹۰ این اعلان منتشر میگردد

« مطالعه کنندگان روزنامه ایران البته دانسته اند که سابقا فیما بین اولیای دولت ایران و بارون ژولیس رایتر درامتداد راه آهن ازرشت ببوشهر شده قرارنامه منعقد شده بود وچون تااین تاریخ که قریب یکماه از موعد شروع حقیقی بنصب و امتداد راه آهن منقضی شده وعلامات قصور وعدم تمکن بارون مزبور بوفای عهد و حفظ اصول قرارنامه خود شایع ومعلوم شد .

آنچه برما محقق ومعلوم شد دولت ایران قرار نامه مزبوررا کان لم یکن فرض کرده ورأی خودرا بواسطه تلگراف بخود بارون رایتر وبموجب تحریرات رسمیه بوکیل مشار الیه دردارالخلافه اعلام نمودند که دیگر قرارنامه مزبور لغو وباطل وازدرجه اعتبار ساقط است . »

وچند روز بعد ازآن ازطرف حسنعلی خان وزیر فواید عامه بطلان امتیاز نامه رسماً به کولیتز نماینده رویتر وازطرف وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس اطلاع داده میشود ونیز اعلان رسمی بشرح زیر صادر میشود :

هو

اعلان رسمی

چون بارون ژولیس رایتر درماده قرارنامه راه آهن که بادولت علیه ایران منعقد کرده بود وفای بوعدهای صریحه مندرجه درقرارداد خود ننموده وشروع بعمل درمدت معینه نکرد لذا دولت علیه ایران بموجب حقیکه بمدلول فصول قرارنامه بجهت خود باقی گذارده بود قرار نامه مزبوررا الغاء وابطال نموده ودرحکم کان لم یکن گذارد واین رأی ثابت خودرا بموجب تحریرات رسمیه بوکیل مشار الیه در دارالخلافه معلوم ساخت وازتاریخ امروز قرار نامه راه آهن منعقده بابارون مشارالیه وامتیازاتیکه باوداده شده بود عاطل وباطل وازدرجه اعتبار ساقط است .

وهمچنین در تاریخ پنجم دسامبر ۱۸۷۳ (جمعه ۱٤ شوال ۱۲۹۰ هجری) تلگرافی بشرح

ذیل بسفارتخانه های ایران درلندن وپاریس وپطرزبورغ واستانبول مخابره میکنند.

«چون‌بارون‌رویتر ازعهده تعهدات خود برنیامد ومخصوصاً شرایطی که درفصل هشتم وبیست وسه مقرراست پیش ازانقضای مدت مجری نشد در اینصورت که امتیازی باقی نمیماند ومثل این است که کان‌لم یکن‌است برای آگاهی خودتان اطلاع داده شد.»

درتلگراف به سفارت لندن این مطلب هم اضافه شده‌است.

«وجهی که برسم ضمانت دربانك گذاشته شده باید ضبط نمائید بهیچوجه اجازه ندارید در باب قرارنامه مخصوص راه آهن گفتگو نمائید. طهران پنجم دسامبر ۱۸۷۳»

ملاقات سپهسالار با وزیرمختار روس

ناصرالدین شاه ومخصوصاً میرزا حسین‌خان سپهسالار که بعد از بازگشت ازسفر اروپا بعللی‌وازجمله نارضائی دولت روسیه‌ازکار برکنار شده بود پس ازآنکه دوباره روی کار آمد وامتیازنامه رویتررا لغو کردبروسها میگفتندامتیازنامه رویتررا بخاطردولت روس باطل کردند واین امررا وسیله‌ای برای‌نزدیکی‌دولتین ایران وروس‌قرار داده‌بودند. میرزاحسین خان‌سپهسالار بعد ازلغو امتیازنامه مزبور دراین باب با «مسیو بکر وزیر مختاروایلچی مخصوص» روسیه ملاقاتی مینماید وجریان آنرا درگزارشی که بتاریخ۱۲ شوال ۱۲۹۰ هجری درجاجرود بنظر ناصر الدین شاه میرساند اینطور شرح میدهد.

«قربان‌خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم. برحسب امر واراده ملوکانه روحنا فداه روز شنبه ۸ شهر حال درسفارت خانه دولت بهیه روسیه باوزیر مختار دولت مشارالیها ملاقات نموده بعد از تعارفات رسمیه بسر مطلب رفتیم وزیر مختار شرحی‌ازمضراتی که این راه آهن بجهة دولت روس داشت بیان‌نمود فدوی خانه زاد گفتم‌ازدقیقه که پرنس‌قارچاقوف اظهار مطلب درخاکپای همایون نمود واعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه دریافت فرمودند که اعلیحضرت امپراطور واولیای دولت روس مایل بعمل راه آهن نیستند برخود مخمر فرمودند نه اینکه تنها دراین عمل مساعدت لازمه را بعمل نیاورند بلکه بطور حتم قرار نامه حاضره را لغو و باطل بفرمایند و ازهمان روز تااین دقیقه فرمایشات ودستورالعمل ملوکانه بمن در این امر بوده است ومتصل تاکیدات‌همایونی بوقوع میرسد تااینکه‌دیدند والان بمشاهده شما میرسانم که ابطال والغای قرارنامه‌را بموجب تلغراف بخود بارون رویتر وبموجب نوشتجات رسمیه بوکیل او دردار الخلافه اعلان نمودیم و مصنف روزنامه ایران هم‌این‌اعلان رابجمیع اهالی‌داخله وخارجه اخبارنمود وهمه‌روزه هم‌من مشغول مبادله نوشتجات با وکیل‌رایتر هستم وهرکاغذ راازکاغذ اول سخت‌تر وباثبات‌تر مینویسم وخیال‌دارم دراین‌روزها برشت‌تلغراف نمایم اگرچند نفرعمله درراه‌کار مینمایند مانع‌شده ونگذارند. ازاین‌بیانات ظاهراوباطناً مسرورشد وگفت‌اگر دولت روس‌راضی ومایل به‌این‌راه‌آهن نبوداز برای دولت ایران‌هم نافع نبودفدوی گفت این مسئله‌ایست طویل‌الذیل عجالةمجال دخول‌در این مبحث‌نداریم لکن‌بطور یقین اعلیحضرت ملوکانه روحنافداه محض‌عدم میل امپراطوراین قرارنامه رابرهم‌زدند نه‌خیال وتصور دیگر ـ بعدگفتم شبهه‌شمادرکجا بوده‌است بگوئید تامن‌بقدری که فهمیده‌ام درصدد رفع‌اوتوانم برآمد. گفت درفصل‌هشتم مینویسد اگرتاپانزده‌ماه ازتاریخ امضای‌قرار نامه شروع بکار نشود یکصدهزار تومان مرهونه ضبط‌خواهد شدبارون رایتر بهمین کاری که کرده‌است خواهدگفت من شروع کرده‌ام فدوی گفتم درآخر فصل‌میگوید که‌اگر تاخیردر شروع ازبابت‌جنك درممالك خارجه وغرق وتاخیردر حمل ونقل بهم‌نرسیده باشداگرمقصود ازشروع همین تسطیح یکربع‌فرسنك زمین‌بود که حالا کرده‌اند ازبرای همینقدرکار بهیچوجه محتاج بفرنگستان نبودند که‌ازآنجا چیزی‌حمل ونقل نمایند که‌غرق وتاخیر حمل‌ونقل آنها را معاف نواند داشت‌وزیرمختارمشارالیه بهیچوجه ملتفت‌این‌فقره نشده‌بودازاستماع‌ودریافت‌این دلیل‌خیلی‌مشعوف شدو گفت

خوب عذروبهانه بدست آورده‌اید گفتم همینقدر لیست ازبارون‌رایتر نوشته دارم که درایام مسافرت همایونی درفرنگستان باکمال اصرارششماه دیگراز من تمدید مدت میخواست اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنافداه بنابفرمایشی که به پرنس قارچاقوف فرموده بودند راضی نشدند و مدت مرحمت نفرمودند اگرمقصود ازشروع همین است و بود که بعمل آورده‌اید خواستن مهلت ششماه دیگر ازبرای چه بود آشکاراست که مقصود ازشروع گذاردن میل‌های آهنی است که نمی‌توانست درمدت معینه درقرارنامه برساند وششماه دیگرمدت میخواست علاوه براین دو دلیل فصل بیست‌وسیم صراحة میگوید که کمپانی مجبور ومتعهد است که شروع بهراه‌آهن ومعادن ومیاه‌وجنگل رادفعةواحده نماید وبه‌اقرار واعتراف خودش به‌آن سه‌فقره اخیره‌بهیچوجه شروع نکرده‌است همینکه دریکی‌از چهار امرشروع نکرده باشد مثل‌اینست که درهیچیك شروع ننموده‌است ومقصود ماحاصل‌است علاوه برآنچه شفاها بشما گفتم نوشتجاتی که‌دراین ماده فیمابین‌من ووکیل رایترمبادله شده است وادله راواضحا ومشروحا درآنجا نوشته‌ام‌همراه خود آورده‌ام که اگر بخواهید ملاحظه نمائیدازاینفقره‌زیادتر ممنون‌شد وازمن خواهش کرد که‌نوشتجات را نزد او بگذارم امشب بدقت درست ملاحظه نموده گفت خودم‌برداشته بیاورم وبشماتسلیم مینمایم وگفت‌در روزشرفیابی قرارشد که بعداز ملاقات‌باشما اعلیحضرت همایون شاهانه‌دستخطی مرقوم‌فرمایند که‌از روی اومن‌تلغراف رمز به پرنس قارچاقوف بفرستم گفتم‌از این‌فقره من‌اطلاعی ندارم فرمایشی بمن‌نشده‌است خواهش کرد که درغرض وتقدیم راپورت عاجزانه بخاکپای اقدس‌اعلی اینفقره رانیز عرض نموده وجواب‌بمشارالیه بدهم بهرچه امرقدر قدر همایونی شرف صدوریابداطاعت خواهدشد .

درهمان روز برحسب امرهمایونی روحنافداه ازوزرای مختار انگلیس‌وعثمانی واطریش وفرانسه‌هم بازدید نمودم چون امر فرموده بودید که صورت مجلس ملاقات با وزیر مختار روس را بواسطه عریضه عرضه دارم جسارت نمودم . الامر اقدس‌الاعلی مطاع‌مطاع مطاع

غلام خانه‌زاد حسین »

بعدها نیز هروقت اقدامی در این موضوع بعمل میآمد بمنظور فوق الذکر کم و بیش جریان آنرا بروسها اطلاع میدادند چنانکه ساعدالملك وزیرمختارایران‌در پطرزبورغ درگزارشی که بتاریخ ۲۹ ذی‌الحجه ۱۲۹۱ بتهران فرستاده مینویسد:

«خدایگانا سئوال‌وجوابی که‌فیمابین‌حضرت‌اجل‌ووزیرمختاردولت‌انگلیس درباب‌امربارون رطرردوبدل‌شده‌بود سوادی ازآنها را ازبرای استحضاراین بنده ایفافرموده بودند درنهایت بوقت‌وبموقع رسیدزیرا که همان روزها روزنامهای خارج وروسیه دایر باین‌فقره تفصیلات زیادچاپ ومنتشر می‌کردند این‌بنده بدون فوت‌فرصت و موقع کار هردو مراسله راباکمال دقت ترجمه کرده خودبرده بوزارت‌خارجه داد وخواهش کرد که‌همان روزبملاحظه پرنس شانسلیه برسانند آنچه که لازم‌میدانست شفاهاهم دراین‌باب بیان‌نمود و خواست بهرراهی که بتواند همان ترجمه‌هارا بنظر اعلیحضرت امپراطور هم‌برسانند ازتوجه بندگان مستطاب‌اجل نوعی اسباب فراهم‌آورد که همان روز در جزوراپورت‌های وزارت‌خارجه بنظر امپراطور هم‌رسید اعلیحضرت امپراطور زیادتحسین کرده بودند‌بالجمله همان‌مراسله‌جنابعالی خیلی‌موثرآمددیرقطرمیگفت یك‌فقره این کاغذرا که‌این‌امرداخله‌است‌وسفارت‌حقی‌ندارد‌مداخله نماید جناب حسین‌خان (منظورسپهسالاراست) خوب‌ملتفت شده‌اند گفتم‌جناب دیرقطراین‌مراسله بندگان‌حضرت اجل که در جواب‌وزیر مختار انگلیس نگاشته‌شده باعتقاد من‌متضمن زیاد عبارات سخت است میتوانستند بلباس دیگر هم‌جواب بنویسند لیکن‌من محض‌ازبرای اینکه بوزارت خارجه اینجادرست مشخص شود که جناب اشرف مانع احداث راه‌آهن‌نیست ونمی‌خواهد که این‌فقره بارون‌رطیر دوباره بمیان‌آید این کاغذها راترجمه کرده‌بوزارت نشان دادم تاشمادرست ملتفت شوید بااینکه حالادولت انگلیس راه سئوال‌وجواب تازه باز کرده است بازکمال ایستادگی ازطرف جناب مستطاب اجل‌مرعی است ومانع این‌خیالات نیستند ومن‌بعد بشمادرست معلوم خواهدشد کسی که‌درایران طالب‌راه‌آهن است ومحسنات اورابهتر ازسایرین ملتفت میباشد جناب مشیرالدوله است و بس‌و چون استحضاربندگان‌حضرت‌اشرف امجددام اجلاله‌العالی ازاین‌تفصیل‌لازم‌بودجسارت بعرض‌مراتب‌نمود زیاده‌چه جسارت نماید۲۹ شهرذیحجه‌الحرام‌سنه۱۲۹۱» (محل‌مهرساعدالملك)درحاشیه‌نامه‌خودساعدالملك باخط خود نوشته« تصدقت

شوم اعلیحضرت امپراطورشفاها بخوداین بنده فرمودند که جواب‌وزیرمختارانگلیس‌رادرباب امربارون روطر که بوزارت خارجه داده‌بودی دیدم اولیای دولت‌ایران خیلی‌خوب جواب‌داده‌اند هرگاه تاآخر بهمین سلك بروند خوب است بنده‌عرض کردم همیشه‌همان جواب راخواهیم داد »

اقدامات رویتر بعداز لغو امتیازنامه

بعد از آنکه بطلان امتیاز نامه از طرف دولت ایران اعلان میگردد باوجود مکاتبات و مذاکرات مستر کولینز چون نتیجه ای نمیگیرند رویتر ونمایندگان او در کشورهای مختلف اروپا باوسائلی که در اختیار داشتند سر و صدای زیادی در ـ روزنامه های‌اروپا راه انداختند ودولت ایران رابه‌بدقولی وبی‌اعتباری متهم کردند .

درتهران نماینده رویتر بدولت ایران اخطار میکرد که امتیاز نامه بقوت خود باقیست و هر خسارتی که بواسطه انتشار خبرلغو امتیاز نامه متوجه آنها گردد بعهده دولت ایران است.

پس ازلغو امتیازنامه مهمترین اقدام بارون جولیوس رویتر مسافرت‌بروسیه بود . ظاهراً منظور رویتر ازاین سفرآن بودکه قسمتی از امتیازنامه را به‌عده ای از سرمایه داران روسی بفروشد وآنها را در اینکار شرکت دهد تاضمن تهیه سرمایه‌ای شاید بدین وسیله بتواند موافقت‌دولت‌روسیه راهم برای‌اجراء امتیازنامه درایران‌جلب‌نماید

میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملك قائم مقام ، وزیر مختار ایران درروسیه بتاریخ ٤ ذی القعده ۱۲۹۰ از پطرزبورغ گزارشی‌راجع باین موضوع بشرح زیر بتهران فرستاده است .

«سفارت ایران درپطرزبورغ .

خدایگانا اگرچه تفصیل حالت‌بارون روتررا بتوسط تلغراف عرض‌کرده بودم حالاهم مجددا عرض می نماید این مرد درماه شوال به‌پطرزبورغ باعیال خودآمد دوسه هفته به‌آمدورفت ازخود مشارالیه غیراز اینکه‌خود ستائی‌نماید وجلال وجبروت تحویل بدهداین بنده چیزی‌نفهمید لیکن‌در باطن امر مراقب حالت‌او بوده که اصل نیت ومنظور اورا ازآمدن روسیه بداند ازقراریکه این‌بنده فهمیددر همه ممالك اروپادر جمیع پایتخت‌های سایر دول این مرد قدم‌زده است بلکه بتواند کمپانی وپولی پیدانماید مقدور نشده درهرجا عذری شنیده بالاخره اینجا آمده عمده مقصودش این‌بوده است که هرگاه بتواند بدولت‌روس حق‌خودش رابفروشد درحالتی که این‌فقره سر نگرفت بااشخاص صاحب مکنت بنای‌شراکت گذارده وحتی‌چند نفررادر قلوب (کلوپ) انگلیس که هرشب‌آنجا میرفت قدری هم‌ترم کرده بود همینکه کار گذاران اینجااین مسئله رافهمیدند درباطن بهمان‌اشخاص رسانیدند که از او دوری نمایند ودر روزنامه‌پطرزبورغ هم‌مجملا همینقدر اعلام کردند بارون‌روتر که‌راه‌آهن ایران رابرداشته است بسازد وابدا این‌فقره سرنخواهدگرفت به‌پطرزبورغ آمده‌است این‌انتشار هم‌نکت کلی‌بحالت او رسانیداز آن طرف هم که‌از جانب بندگان جناب‌مستطابعالی تلغراف اخبارسید که‌روتر شروط قراردادنامه را در مدت معینه نتوانست بجابیاورد باطل‌شد این‌بنده اخبارداد دیگر دراینجا بندنشده گویا بلندن رفت‌از قراری که این‌بنده‌شنیده درروزنامه‌های مشهورآنجا پروتست کرده است که‌هرگاه دولت‌ایران بخواهد قرارنامه مراباطل نماید مسئولیت‌آن بپای دولت ایران خواهدآمد اگرچه وقت‌رفتن گفته است بعدازدوماه بازمراجعت بروسیه خواهم کرد گویا بی اصل باشد دیگر نخواهد آمد چرا که فهمید فایدهٔ مترتب نخواهد شد زیادمجسارت کرده معروضه ٤ ذی‌قعده ۱۲۹۰ محل مهرساعد الملك»

ساعدالملك درتاریخ دهم ماه ربیع الاول ۱۲۹۱ درگزارش دیگری راجع برویتر

اینطور مینویسد .

«راپورط— ازبارون روتر وازراه‌آهن بهیچوجه دراینجا خبری‌مذکور نیست‌حتی درروزنامهای خارجه هم که هرروز بسفارت می‌آید دایر باین‌فقره چیزی‌دیده نمیشود لیکن‌بالقطع بارون روتردر باطن مشغول کار است می‌خواهد بادستیاری بعضی‌اشخاص که دراینگونه امورات مسائل شرعی‌وعرفی درست می‌کنند لباس‌باینکاربپوشاند بمیدان بیاید چنانکه مسیوکوت درکاغذ خودکه بدبیر قطرزورنال پطرزبورغ نوشته بود درآنجاصراحتاذکر کرده است ازآودکانهای مشهور انگلیس تحقیق‌مسئله راکرده‌ایم حق‌را بطرف‌بارون روترمیدهند فقط‌دولت‌ایران درصورتیکه دلایل‌او موافق قانون‌دولت انگلیس باشدمستحق همان‌چهل‌هزار لیره گروی خواهد بود نه‌اینکه می توانند قرارنامه شومن‌دفر را بالکلیه بهم‌بزند لیکن‌جای هزار افسوس است که این‌عمل شومن‌دفر ازاول‌اینگونه ابتداشد وناقص ماندااین‌مرد بدون اینکه امورات‌خود را اول محکم نماید وکمپانی ازبرای خودپیدا بکند خواست کار باین‌معظمی رانتهاخود ازعهده برآید هرذی‌شعوری این‌مسئله رابعداز جزئی غورملتفت میشد که ازقوه بفعل نخواهد آمد کاری‌که نتوانست صورت بدهد سهل است سرمشق بدی‌هم بسایرین داد مکرر بعضی‌اشخاص نزد این بنده می‌آیند میروند تحقیق بعضی‌فقرات رامینمایند عمده‌منظورشان این‌است که‌هرگاه درایران بخواهندراه‌آهن بنانمایند همه‌امتیازات بارون‌روتر راباید به‌آنها نیزبدهند این بنده غیر ازاینکه جواب شافی بدهد که اینکاردخل بسفارت ندارد درطهران بایدبااولیای دولت‌علیه مذاکره بشودخود رادخیل کاری‌نمیکند وتاحالا هیچکس را هم دعوت نکرده‌است که‌بطهران برود سریح میگوید هرگاه مثل سیاح کسی‌برود مختار است در آن ضمن میتواند خیالات خودرا هم‌در خدمت اولیای دولت علیه اظهار وبیان نماید این‌شده تاحالا مستحضرنشدکه بندگان حضرت اجل بجناب وزیر مختار اسلامبول درباب همان شخصی که جنرال اغناطیف (سفیرروس دراستانبول) مدعی‌بر این‌بود که راه‌آهن درایران بناخواهدکرد حکمی مرقوم فرموده‌اند وجواب یافایده از آنجا بعرض بندگان حضرت اجل رسیده یاخیر زیاده ازاین چه‌جسارت نماید .

معروضه دهم شهرربیع‌الاول سنه۱۲۹۱ محل‌مهر ساعدالملك .»

اختلاف بارون جولیوس رویتر ودولت ایران قریب هفده سال‌بطول انجامید ودر این مدت رویتر باتشبث بدولت انگلستان اقدامات زیادی برای اثبات دعاوی بی اساس خود بعمل آورد وبا مکر و حیله نقشه هائی طرح کرد و پیشنهادهائی به دولت ایران داد .

کراهام استوری اقدامات ونقشه های رویتر را بعد از لغو امتیازنامه درکتاب «رویتر دریك قرن» اینطور شرح میدهد .

«از آنجاکه استدعاها واعتراضاتی که در مورد لغو امتیاز بعمل می‌آمد متساویا بلااثر بود در بهار سال ۱۸۷٤ کارگران مرخص ومتخصصین نیزبازخوانده شدند . عجزدولت ایران در مطالبه مبلغ چهل هزار لیره وجه سپرده ازبارون رویتر نیزوضع دولت ایران رامحکمتر نمی‌کرد . سرویلیام هارکورت (۱) که در این موقع مدعی‌العموم بود اظهار عقیده کرد که لغو امتیازنامه قانونا بهیچوجه قابل توجیه نبود .

نتیجه انتخابات‌فوریه ۱۸۷٤ برای رویتر امیدبخش بود محافظه‌کاران بااکثریت معتنی‌بهی فائق‌شدند وسیاست خارجی‌دیسرائیلی بسیار بیش‌از سیاست خارجی گلادستون باایران سروکار داشت . اما اعضاء دائمی‌وزارت امور خارجه انگلیس بجای خود مستقر بودند ولرد تنتردن (معاون دائمی وزارتخارجه) که‌از رویتر ظنین بود در این‌موقع نزد وزیرخارجه رویتر را متهم می‌کرد که «برای دولت دام میگسترد وسعی‌دارد دست وپای دولت را در آن گیراندازد » و وزیرخارجه جدید لرددربی (۲) مانند سلف خود از پنجه در پنجه شدن انگلیس و روسیه وحشت داشت .

1— Sir William Harcourt

2— Lord Derby

هنگامی که رویتر تقاضا کرد که وزیرمختار انگلیس درتهران نفوذ خودرابکاربردتابن بستی را که بوجودآمده بودمرتفع کند بهاوجواب دادند که وی می‌تواند توقع داشته باشد که همان مساعدتی را که در باره هر فردانگلیسی دیگر دراین مورد بعمل می‌آید درباره اوهم میتوان مرعی داشت .

مع‌الوصف سرنوشت امتیازنامه ازاین پس درتهران ودرکاخ ابیض انگلستان یکسان تعیین میشد مبارزه برای تحصیل حقوق آینده صنعتی ایران شدت پیدا کرده بود این مبارزه دیگر بین یك بازرگان هوشیار و مشاورین یك شاه حیله کار بعمل نمی‌آمد آتش مبارزه بدامن دولت‌ها کشیده بود .

درسال آخردولت گلادستون، رویتردوباره سعی خودرا بعمل آورده بود که دولت انگلیس را بنقشه خود علاقمند کند.در بهارآن سال رویتر طعمه جدیدی به‌قلاب دام‌خود آویخت—بجای خط‌آهن ازشمال بجنوب بوزارت هند پیشنهاد کرد که ازشرق بغرب ایران راه‌آهن بکشددراین باره به‌لرد گرانویل نوشت که درقبال تضمین احتمالی دولت جهت نصف منافع براساس یك قرضه ده میلیون لیره ازقرارصدی شش که موردضمانت ترکیه باشد رویتر حاضر است یك راه‌آهن دیگر ازاستانبول بسرحد ایران بکشد سپس راه‌آهن ترکیه رابراه‌آهن ایران منضم میساخت و بدین ترتیب یك راه‌آهن سرتاسری ازکاله بایران ازطریق استانبول ایجادمی کرد که همواره ممکن بود بطرف مشرق امتداد یابد دراین مورد وزارت هندبچار اضطراب شد چنانکه دریك یادداشت محرمانه مذکوراست نفع وضرر ازهر دوطرف زیاد بود — رویتر تقاضا داشت که سالی ۳۰۰۰۰۰ لیره تضمین بشود واین مبلغ بسیار خطیربود اما رداین این تقاضا ممکن بود ایران رابکلی ازچنك انگلیسها بیرون بکشد ودر چنگال روسها بیاندازد (وزارت هنددراین مورد زیاد واقع بین شده بود) ازاین بدتر ممکن بودرویتر بکلی مایوس شود واز تابعیت انگلیس دست بکشدوخود را تحت حمایت روسیه قراردهد بعقیده تهیه کننده یادداشت نتیجه نامطلوب بود.

در همان هفته کلیه مسئله مرابطات بوسیله راه‌آهن درمجلس عوام مطرح شداز گلادستون خواسته شد که در سیاست منفی سابق خود تجدیدنظر کند .

اگر انگلستان باترکیه همکاری وخط نزدیکتری بهندوستان ایجاد نمی کرد فردیناند دولسپس (۱) که اکنون ازکارهای کانال سوئز رهائی یافته بود آماده این کار بود .

وی پیشنهاد ایجاد راهی ازروسیه کرده بود . امادراین موقع دولسپس دیگر دولت انگلیس را تهدیدنمی کرد زیرا گلادستون ازپرداخت پول خزانه بیشتر میترسید .

در هرحال گلادستون اکنون عقیده یك متخصص رادر دست داشت که هرگونه امیدی به پیشرفت در ایران «خواب وخیال» بود گلادستون هیچ قصد تجدید نظر درسیاست خود رانداشت . مجلس اعیان نیز که با مخالفت نخست‌وزیرمجهزبود بطورخلاصه بوسیله لرد گرانویل برویتر جواب‌داد که «این امر برای دولت‌علیا حضرت ملکه خلاف سنت‌جاریه است که منافع مخارج کاری را که در یك کشور خارجی تعهدشده است تضمین نماید» دولت بطور خونسرد بی‌اعتناماند .

پیشنهاد دائر برجنبه بین‌الملل دادن بامتیازنامه نیزبی‌جواب ماند .در اینمورد رویتر حتی توانست بالرد گرانویل مصاحبه کند . رویتردر این هنگام تازه از ملاقات بیسمارك وزیرامورخارجه اطریش وپرنس کورچاکف(۱) بازمیگشت آلمان واطریش واز همه مهمتر روسیه حاضر بودند از امتیازنامه برای احداث خط‌آهنی که از ترکیه وایران بگذرد وجنبه بین‌الملل داشته‌باشد پشتیبانی کنند این پیشنهاد زیاد مآل‌اندیشانه بود وچنان لرد گرانویل راتحت تاثیرقرارداد که مشارالیه گزارشی بملکه وگلادستون داد . اماقیل‌وقالهاومعاملات وکشمکشهائی که راجع بشرکت بین‌الملل کانال سوئز دست داده بود درس عبرت عظیمی بشمار میرفت دولت علیا حضرت ملکه آشکارا میدید که کابوس از نو پیش می آید و یك بار دیگر از دادن هرگونه کمك دولتی به رویتر استنکاف شد .

1- Ferdinand De Lesseps

1- Prince Gortschakoff

نقشه‌های مثبت بمنظور مفید واقع شدن امتیازنامه برای منافع انگلستان مورد بی‌اعتنائی واقع شده بود نخستین اثری که از ورود یك دولت رقیب بصحنه مشهودشد وزارتخارجه رابکار انداخت . در ماه اوت سال ۱۸۷٤ چندماه پس‌از لغوامتیازنامه‌رویتر ، ناگهان‌خبری‌تلگرافی به‌لرد دربی‌رسید که شخصی بنام ژنرال فالکن هاکن (۱) که یك‌افسر مهندس بازنشسته روسی بودموفق‌بتحصیل امتیازراه‌آهن درایران شده وبراثر فشار شدید سفارت روسیه این‌امتیاز بامضاء وزیر فوایدعامه نیزرسیده بود شاه‌بیشتر ازآن باوزیر مختار روسیه زدوبندداشت که از امضاء آن خودداری کند . این وضع که بکلی ازنظر عامه مخفی بود وخیم شده بود . هیچ دولتی در انگلستان نمی‌توانست اجازه دهد که ایران بصورت یك‌ایالت روسیه درآید . راه علاج ظاهرا همان امتیاز رویتر بود . وزارت امورخارجه نیازی به‌تغییر سیاست خودوپشتیبانی ازرویتر نداشت .

لرد دربی می‌توانست مانند همیشه خودرا دورنگاهدارد . اماامتیازنامه رویتر سلاح‌مفیدی‌بود که‌بوسیله آن می‌توانست باسایرامتیازخواهان درایران مقابله کرد . اعطاء حقوق راه‌آهن بیك صاحب امتیازدیگر باشکایت حقه رویتر مواجه می‌گشت وچنین شکایتی البته ازطرف دولت علیاحضرت ملکه پشتیبانی میشد این‌ترتیب‌مورد آرزوی وزارت خارجه بود اما از یك لحاظ این روش برای رویتر از بی اعتنائی سابق وزارت امور خارجه نیز بدتر بود .

رویتر بالفعل لرد دربی را ازپیشنهادهائی که شرکت روسی قبلا باو کرده بود مطلع ساخته بود . روسها حاضر بودند در ازاء امتیازنامه رویتر کلیه مخارج اوبانضمام بیست‌در صداز منافع خودرا در مدت هفتاد سال‌از راه آهن وجنگلها ومعادن وگمرکات چهارولایت شمالی ایران بوی بپردازند رویتر این پیشنهاد راردکرده بود زیرا آنطور که به‌لرد دربی می‌گفت «هنوز امیدوار بود که امتیازنامه رابرای حفظ‌منافع انگلستان عملی کند» بحران فالکن هاکن هرنوع شك وتردید را از ذهن‌لرد دربی دور ساخت ومشارالیه برای‌اولین بار دست باقدام شدیدزد . دربی اعتراض رسمی‌رویتر را بدولت ایران‌در باره‌اعطاء امتیازجدید در حالی‌که حقوق خود او محفوظ بود تقویت کرد وبوزیر مختار انگلیس در تهران دستورداد که‌کلیه نفوذخود را بکاربرد تاشاه را وادارددرمقابل فشار روسیه مقاومت کند این خشونت جدید تاثیرخود را بخشید .علیرغم کلیه وعده‌های ایران در ماه بعد ژنرال فالکن هاکن بالاخره پیشنهاد خود را مسترد داشت و هر گونه خطر بر خورد روسیه وانگلیس منتفی گردید .

در این هنگام رویتر در صدد تصفیه دعاوی خود بنحومساعد برآمد . در صورت لزوم حاضر بود امتیاز خود را بدولت ایران واگذار نماید وغرامت مخارج خود را بگیرد . امابازهم امیدوار بود که نقشه عظیم تراو جامه عمل بپوشد . در تابستان سال ۱۸۷۵ رویتر باسماجت تمام‌منافع عظیمی‌راکه یك‌راه آهن بین بغداد و ایران برای انگلستان وهم‌برای هندوستان داشت به‌لرد دربی عرضه می‌کرد . وی‌به‌وزیر امور خارجه گفت که می تواند تعهد کند که ترکیه کاملا همکاری خواهد کرد دربی میدید که این‌نقشه نیزبیش ازآنچه که دولت مایل بود دولت را دست اندرکار می‌کرد پیشنهادها یکی متعاقب دیگری میرسید ومسترد میشد وتلگرافها ونامه‌های واصل از تهران بلندن انباشته شده بود بالاخره یك نقشه تعدیل شده بین‌رویتر وشاه ایران مورد موافقت قرار گرفت ـ نقشه‌این بود که‌بین سرحد ایران‌وترکیه تااصفهان پایتخت سابق ایران راه‌آهن کشیده شود و از بعضی جنگل‌ها ومعادن بهره‌برداری شود ویك بانك درایران تاسیس گردد . وزیرمختار انگلیس درتهران موکداً از این قرار پشتیبانی کرد وعملیات آبیاری وتجدید ساختمان یك‌سد قدیمی‌را نیز به‌آن علاوه نمود . رویتراز نوکولینز را بتهران فرستاد ولرد دربی بطور غیررسمی نقشه جدید رامورد تایید قرارداد ظاهرا بالاخره چیز محسوسی از امتیازنامه حاصل‌می‌شد در همین موقع جنك بین روسیه وترکیه آغاز شد شاه ازمذاکره وحشت داشت خصوصا

1- General Falkenhagen

که جنگ درسرحد غربی ایران بود وپس‌از فتوحات روسیه شاه بیشترترسید . تاروپود شکست کامل شده بود کولینز در تابستان سال ۱۸۷۸ یعنی شش سال پس‌از نخستین بارکه بایران آمده ازتهران باز خوانده شددرهمان سال آتش امید رویتر مجددا زبانه کشید . درماه مارس لرددربی ازسمت وزارت امورخارجه استعفاء کرد زیرا که سیاست مهاجمه آمیز دیسرائیلی نسبت بروسیه اورا ناراحت کرده بود جانشین دربی که لرد سالیزبوری بود وتقریبا همان نظریات امپریالیستی دیسرائیلی راداشت فورا بامتیاز رویتر علاقه نشان‌داد . اعتقاد رویتر وکولینز دائر باینکه کشیدن راه آهن درایران بنفع انگلستان خواهد بود باطلاع وی رسید .

در ماه نوامبر دولت ایران اظهار علاقه کرد که حاضراست بابارون رویتر راجع‌بساختن راه‌آهن از خلیج فارس بتهران مذاکره کند واضح بود که سالیزبوری فعالیت می‌کرد .

نامه‌های خصوصی دیسرائیلی به ملکه نیز درآن موقع نشان می‌دهد که چگونه مشارالیه بطور کلی امید وار بود ایران رانقویت کنند درماه اکتبر سال ۱۸۷۹ (مربوط به‌تصرف احتمالی افغانستان‌وسیله انگلستان) دیسرائیلی به ملکه نوشت «ممکن است ترتیبی باایران بدهیم که موجب بازگشت سلطه آن کشور درآسیاشودو ایران را ازدهان حریص روسیه نجات دهد .»

امتیاز رویتر چیزی بود که دیسرائیلی می‌پسندید . مع‌الوصف ازلحاظ سیاست این‌امر مربوط به‌وزارت هندوستان بود وآن‌اداره هنوز نسبت‌بهر تغییری در وضع موجود درجاده هندوستان ظنین بود بتقاضای رویتردرباب مساعدت برای‌متاقی بر اساس سرمایه لازم همان جواب مجلس اعیان داده شد . وزارت هندوستان حاضر بمساعدت نبود .

آخرین امید امتیاز راه آهن رویتر در ایران ازمیان رفت....»

مکاتبات سفارت انگلیس با وزارت امور خارجه

همانطور که گراهام استوری نوشته باوجود توسل و تشبث بارون جولیوس رویتر ، دولت انگلیس بتقاضاهای مکرر او مبنی بر پشتیبانی و تقویت برای اجراء امتیاز نامه ترتیب اثر نداد .

ولی وقتی که اتباع سایر دول برای تحصیل امتیازی در ایران اقداماتی بعمل میآورند دولت انگلیس بمنظور خنثی کردن این اقدامات دعاوی واعتراضات‌رویتر راوسیله فشار بایران قرار میداد ورسماً بدولت ایران اعتراض میکرد .

اولین مرتبه ای که سفارت انگلیس در تهران از رویتر پشتیبانی و رسماً بدولت ایران اعتراض میکند هنگامی‌است که ژنرال فالکن هاگن روسی برای تحصیل راه‌آهنی بین‌جلفاء وتبریزوبین‌رشت وتهران بایران میآید ـ راجع به فالکن هاگن وپیشنهاد او بعداً در جای خود بحث خواهد شد و در اینجا یاد داشت اعتراضیه سفارت انگلیس و جواب آن نقل میگردد .

جناب مستطاب‌اشرف امجدارفع‌رازحمت می‌دهدچون‌عالی‌جاه‌مجدت ونجدت‌همراه مستر کالینس‌وکیل بارون روطر در این مملکت درمقابل قرار دادی که بیك کمپانی روسیه داده شده برای ساختن راه‌آهن مابین تبریز و جلفا پروطست رسمی نموده است دوستدار از جانب اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مامور است که پروطست مذکور رابموجب اظهار رسمی بدولت ایران رسما تقویت نماید آنجناب مستطاب اشرف ارفع قبل‌ازوقت مطلع بودند که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان عمدا تابحال خودرا نگاهداری نموده‌اند ازاین که بدوستدار بیش ازاین دستورالعملی بدهند که من‌غیررسمانه اقدامات مستحسنهٔ بعمل‌بیاورد که بادعای بارون روطر استماع متصفانه حاصل‌نماید چراکه اولیای‌دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل بودند که ازهرچیزی که‌شبیه بمداخله درامور داخله‌ایران بود اجتناب نمایند آنجناب مستطاب اشرف ارفع‌نیزدر خاطر خواهند داشت که‌درچند

ماه‌قبل دوستدار برحسب دستورالعمل از اولیای‌دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به‌آن جناب مستطاب اشرف ارفع عالی‌نمود که اگرچه اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمی‌توانستند از قرارداد بارون روطر در حالتی که داشت تقویت نمایند لکن‌خوشوقت میشدند اگر گذارده شود بارون‌روطراز هرجزو قرارداد مذکور که دولت ایران آنرافارغ ازایراد بدانند بهره‌ور شود • اولیای دولت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان قلبامعتقد هستند که بارون روطر حق‌صحیحانه درشکایت نمودن دارد اگرچنانچه دولت ایران بخواهد راه‌آهن به‌تبریز ساخته شودوبا اجازه ساختن آن بکسی دیگرداده شود لهذا دوستدار مامور است که باولیای دولت علیه ایران اصرار نماید مصلحت موقوف داشتن هرنوع اقدامی را در خصوص اجازه نامه بکمپانی روسیه مادامی‌که ادعاهای بارون روطر درست سنجیده نشده و باایشان ختم عمل‌نشود زیاده زحمتی ندارد فی ۳ شهر شوال ۱۲۹۱ مطابق ۱٤ نوامبر ۱۸۷٤ محل مهروزیر مختار انگلیس طیلورطامسن .»

در پاسخ نامه سفارت‌انگلیس اینطور نوشته‌اند .

«مورخه ۱۷شهرشوال۱۲۹۱ (نمره۱۸)

وصول مراسله ۲شهرشوال ۱۲۹۱ و۱٤ نوامبر ۱۸۷٤ آنجناب‌جلالتماب راباکمال شرف‌اعتراف‌مینمایم ومتاسفم که اولیای دولت اعلیحضرت‌پادشاه‌انگلستان به‌آن جناب ماموریت‌داده‌اند درتقویت امری که در نظراولیای دولت ایران کان‌لم‌یکن ودر حکم‌معدوم است زیراکه دوستدار باعتقاد خودم‌دولت علیه ایران آنچه‌لازمه مساعدت وموافقت بود تابدرجه که در قوه داشت درباره‌بارون رایتر بعمل آورد که شاید مومی‌الیه بتواند شرایط امتیازی که باو داده شده بودبعمل‌آورد پس‌ازآنکه بارون مومی‌الیه ظاهرا وعلنا ازعهده تعهدات خودنتوانست بیرون‌بیاید واز تحقیقات خارجی که درکمال دقت کارگذاران دولت ایران درباره بارون‌مومی‌الیه بعمل‌آوردند ومایوس شدند که اوقوه ومکنت انجام تعهدات خود راداشته باشد ویقین کردند که منظور ومقصود مومی‌الیه کثرکردن وباتمام رسانیدن امورات متعلقه بمنافع‌عامه چنانچه در قرارنامه قیدودرج است نبود بلکه می‌خواهد در فرنگستان این امتیاز را وسیله یك معامله (؟) بجهت خود قراربدهدآنوقت بدلایلی که درمکاتبات فیمابین دوستدار وعالیجاه مستر کالینس(کولینز مندرج‌است ودر موقع خودسواد جمیع‌آنها بسفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان داده شده است امتیاز مزبور را بشابه قصوراتی که ازبارون رایتربوقوع رسیده بود لغووباطل نمودند واولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این‌حرکت اولیای دولت‌ایران راعاقلانه معدود نموده رفتارمارا تصدیق وتحسین نمودند و اگر دولت ایران ذره حق‌از برای بارون رایتر تصور میکرد هرگز هیچ امتیازی بکمپانی دیگر نمی‌داد ودر این‌موقع بخاطر محترم‌آن جناب جلالتماب می آورم اظهاراتی که در باره بارون رایتر وزیر مالیه و وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان درپارلمنت ملتی انگلیس نموده‌اند باکمال احترام‌معذورم از اظهار این‌که دوستدار هیچ راهی بجهت مداخله رسمانه‌سفارت سپرده به‌آنجناب فیمابین دولت ایران و بارون رایتر نمی آید صورت جوابی که به پروتست مستر کالینس از جانب دوستدار نوشته شده است لفا بجهت استحضار آن جناب جلالتماب فرستادم

همواره دوستدار را نسبت‌بخودتان دراحترام فائقه برقراردانند .»

همچنین‌هنگامی که‌چندسال بعدیکنفرفرانسوی بنام‌فابیوس بواتال امتیازاتی درایران تحصیل می‌نماید مجددا سفارت انگلیس اعتراض بارون جولیوس رویتر را ضمن نامه ای بوزارت امور خارجه می‌فرستد ـ راجع به فابیوس بواتال بعدادرجای‌خودشرح داده‌خواهدشدودراینجا فقط نامه سفارت انگلیس وجواب آن‌آورده می‌شود .

نامه سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه

« تاریخ ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۰۰

دوستدار استماع نموده که عالیجاه موسیوباتال دراین تازگی باعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی‌واولیای دولت علیه ایران عرض واظهار نموده که بابارون رایترقراری داده که از روی‌آن بارون مزبور نمی تواند ایرادی

وارد آرد بکنسیونی که اولیای دولت ایران در این اواخر بجهت کشیدن خطراه آهن ازرشت بطهران داده‌اند لهذا دوستدار لازم میداند که به‌آن‌جناب جلالتماب اظهار نماید که این مطلب دوراز صحت‌است چرا که بارون رایتر متصل درباب دعاوی خود نزد اولیای دولت انگلیس اصرار مینماید وبازهم دراین روزها تجدید اظهار نموده و ایرادات او دراینکه کنسیون باتال نقض حقوق‌اوست باعث شده که ازجناب جلالتماب وزیرامور خارجه انگلستان تلگرافا دستورالعمل بدوستدار داده شده که به‌پروطست اودراین موارد تقویت نماید وبدولت علیه ایران‌تکلیف کند که قبل از دادن اینگونه کنسیون بکسان دیگر اول قرار امر بارون رایتر را بدهند

زیاده زحمت ندارد «محل مهر(رالدطامسن)

فهرست عرض وزارت جلیله راجع‌بفقره فوق ودستخط همایونی ـ

درفقره رایتر جواب آخری‌همان است که چندروز قبل اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه در باغ امین حضورفرمایش‌فرموده‌اند داده‌شد ودیگر هیچ مذاکره دراین‌خصوص‌نشده است‌این‌رقعه راکه‌لفا ازعرض‌خاکپای همایونی می‌گذرد بفتة وزیر مختار انگلیس فرستاده است چیزی شنیده است ولی بتحریف اصل مطلب رابدست نیاورده واین رقعه رانوشته خواسته است وسیله وبهانه دراظهار مطلب قرارداده باشد یکی هم میخواهد اینطرف را بحرف بیاورد بالجمله چون استحضار خاطر مهرمظاهر ملوکانه ازمضمون‌رقعه اولازم بود بحضور مرحمت ظهور همایونی روحنافداه تقدیم‌نمود امرالاقدس مطاع»

ناصرالدین شاه در حاشیه آن نوشته

« شما از همان ترتیب و همان ادله که در دست دارید خارج نشده تغییری بخیال و عقیده خود ندهید هرچه‌از سفارت انگلیس در این باب‌اظهار شود همان جواب هارا تکرار نمائید .»

وچندی بعد این نامه راهم در تعقیب آن می‌نویسند .

نامه سفارت انگلیس بوزارتخارجه

بتاریخ ۲۲ شعبان ۱۳۰۰

نظر بمراسله دوستدار بتاریخ بیستم شهرجمادی‌الثانیه راجع به‌پروطست بارون رایتر واینکه موسیوباتال باعلیحضرت اقدس‌شاهنشاه واولیای دولت علیه‌ایران عرض واظهار نمودکه بابارون رایطر قراری‌داده که‌از روی آن بارون مزبور نمی‌تواند ایرادی واردآورد بکنسیونی که اولیای دولت ایران دراین اواخر جهت کشیدن خط راه‌آهن از رشت بطهران داده‌اند زحمت‌افزا می‌شود که از قرار تلگرافی که ازجانب بارون رایطر بتاریخ‌پریروز رسیده است این اظهار مزبور موسیوباتال که باوقراری‌داده بکلی بی‌اصل است چنین‌قراری بهیچوجه دادنشده است زیاده چه زحمت افزاید . محل‌مهر رالدطامسن»

وزارت امورخارجه درجواب‌نامه‌های سفارت انگلیس این‌یادداشت رامینویسد.

«نمره ۲۷۱ـ مورخ ۳رمضان ۱۳۰۰

پس‌از ملاحظه رقعه محترمه آنجناب جلالتماب مورخه ۲۲شهر شعبان ۱۳۰۰ مشعر بوصول تلگراف‌از بارون رایطر مبنی برتکذیب مسیو بواتال دراقدام بقراری بابارون رایطر مشارالیه که ذکری هم از مراسله خود مورخه۲۰ شهر جمادی‌الاخره ۱۳۰۰ دایر به پروطست بارون رایطر فرموده بودند لازم‌شد با غایةالقصوای احترام جوابا باحضار دومسئله بخاطر آن‌جناب جلالتماب بپردازند تابالکلیه درخاطر عاطر سفیرانه آن‌جناب جلالتماب‌جای تصور شبه وحاجت قبول زحمت مجدد دراین‌مسئله باقی نماند یکی‌آنکه هرگاه‌بواتال بابارون رایطر قراری داده باشد یانداده باشد درهرگونه اقدام تکلیف خود مختار خواهد بود وصدق وکذب‌قرار مشاوالیها بایکدیگرازلوازم اطلاعات تکلیفیه‌اولیای‌دولت علیه ایران‌نمیباشددیگرآنکه اولیای‌دولت علیه نظربمراسله وزارت‌خارجه مورخ ۱۰ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۹۹ که‌حاوی دلایل قاطعه صحیحه مشروعه ودر دفاترآن سفارت‌فخیمه ضبطاست پروطست بارون رایطررا بلا محل و باطل دانسته بالکلیه خود را از این مذاکرات فارغ میدانند .»

باوجود مکاتبات زیادی که بین سفارت انگلیس ووزارت‌امور خارجه درباره‌دعاوی رویتر بعمل میآمد نتیجه‌ای حاصل نمی گردید .

دریك نامه که تقریباً پانزده‌سال بعداز تاریخ امتیازنامه ، سفارت انگلیس بوزارت خارجه نوشته از دولت ایران می خواهند که ترتیبی برای حل این موضوع بدهند و «بدینوسیله اززحمت کثیره صداع‌افزا تبری‌جویند »

نامه مزبور باین شرح است .

«جناب مستطاب‌اشرف امجد ارفع وزیر امورخارجه دولت علیه‌ایران .

چند روز قبل شارژدفر اعلیحضرت پادشاه انگلستان را مستحضر فرمودند از اینکه اعلیحضرت اقدس شهریاری مایل می‌باشندصحت‌وعدم صحت ادعای بارن رایطر را مطرح مذاکره فرمایند یقین است که شارژدفر انگلیس همیشه حاضر خواهد بود که بروفق میل‌مبارك اعلیحضرت اقدس‌شاهنشاهی حرکت نماید امالازم‌است‌اظهار شود که این مسئله پانزده‌سال الی‌الان مابین دولتین علیتین‌ایران وانگلیس مطرح گفتگو است مقصد اصلی آن است که رفع این گفتگو بشود چنین‌گمان میشود که اسلم وبهترین چیزها این‌است که مسئله اینکه‌حق‌باکدام طرف است بجای‌خود گذاشته وسعی بعمل‌آید که قرار مصالحه حقه درستی که بکلی ادعای بارون رایطررا تمام نماید داده شود واین قسمی است که مصالح طرفین منظور شده است وامیدوار است که اعلیحضرت اقدس شهریاری جناب مستطاب اشرف امجد ارفع وزیر امورخارجه را مختار سازند که با شارژدفر انگلیس در اصول مصالحه ممکنه در این‌باب گفتگو نمایند وبدینوسیله از زحمت کثیره صداع افزا تبری جویند لازم نمی داند تکرار نماید که مقصود کلی این است که دولت علیه ایران را از این ادعای سخت پرمشقت مستخلص نماید فی ۱۲ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۰٤ » محل‌مهر (آرتر نیکلسن)

درروی پاکتی که محتوی یادداشت سفارت انگلیس بوده و روی آن چنین نوشته شده «یادداشت سفارت انگلیس بشرفعرض حضور باهرالنور اقدس اعلی روحنا فداه خواهد رسید » ناصرالدین شاه باخط خود نوشته است .

«عمل رایتر مثل سایرقرارنامه‌های راه‌آهن که درمیان دولتین ایران وسایردول‌اروپ برقرارشده‌وبالاخره بواسطه عمل‌نکردن بشروط ازطرف مقابل باطل‌وعاطل شد اینهم باطل و لغو شد بدلایل موجه حالا چیزی که مانده این‌است که رایتر تنخواهی‌را که باسم دولت ایران در بانك انگلیس رهن‌گذاشته است دولت ایران باو مجانا می‌بخشد ومطالبه نمی‌کند غیراز این هیچ راه دیگری برای انجام حرف رایتر بنظر اولیای دولت ایران نمی‌آید که اقدام نماید ازهمین قرار جواب صریح بدهید لاغیر »

منظور از تنخواه چهل‌هزار لیره وثیقه اجرای امتیازنامه بود که در ابتدا ببانك انگلیس سپرده شده بود و دولت ایران حاضر بود این مبلغ رادر صورتی برویتر مسترد دارد که رویتراصل‌امتیازنامه‌رابدولت‌ایران بدهدوچون‌این عمل تصدیق‌ضمنی بر بطلان‌امتیاز نامه‌بود رویترحاضر باسترداد‌امتیازنامه‌نشد واین‌مبلغ تاخاتمه‌اختلاف‌همان‌طوردر بانك‌ماند.

چنانکه گفته شد اختلاف بین‌دولت ایران وبارون‌رویترقریب‌هفده‌سال طول کشید وسر انجام بعداز آنکه انگلیس‌ها اجازه کشتی‌رانی در رودکارون رابدست می‌آورند وروابط ایران‌وانگلیس واردمرحله تازه‌ای می‌شود مسئله‌دعاوی‌رویتر نیزحل‌می گردد ودر ماه جمادی‌الاولی سال ۱۳۰٦ هجری‌قمری (ژانویه ۱۸۸۹ میلادی) امتیازی برای ایجاد «بانك شاهنشاهی» وهمچنین استخراج وبهره برداری معادن ایران‌برویتر داده می‌شود واصل امتیازنامه سال ۱۸۷۲ رامستردمی‌دارند چنانکه شرح‌آن بیاید وباین ترتیب‌یك پرده ازاین صحنه ملال‌انگیز پایان می‌پذیرد .

گراهام استوزی درپایان فصل مربوط‌بامتیاز رویتر درکتاب خود می‌نویسد .

«اگر بگوییم این نتیجه نقشه وسیع رویتر در ایران شکست محسوب نمی شود بیهوده است . اینکه برای سیاست انگلستان نیزاین نتیجه شکست محسوب‌می‌شود یانه موضوع قابل بحثی است . اگر دولت انگلیس

قویاً از رویتر پشتیبانی میکرد نفوذآن دولت درایران بلامعارض میشد اماآن‌طوری که بود امتیاز رویتر توانست با توفیق کامل سایر دول را از ایران دور نگاهدارد .»

دکتر طلوزان امتیازنامه رویتررا خیانت‌میداند

دکتر طلوزان فرانسوی پزشك مخصوص ناصر الدین شاه که سالهای متمادی در ایران اقامت داشت و باغلب اسرار زندگی خصوصی ناصر الدین شاه واقف و دردربار مورد اعتماد و اطمینان خاص بودنامه‌ای درمعایب امتیازی که انگلیس‌ها برای کشتی‌رانی رود کارون وسد اهواز میخواستند بناصرالدین شاه نوشته وضمن آن بمفاسد امتیاز رویتر اشاره کرده است . بدنیست که درخاتمه‌این‌قسمت ترجمه فارسی نامه دکتر طلوزان‌را نقل نمایم

«اعلیحضرتا

ابلاغ امر همایون را در باب نرفتن فدوی باهواز بواسطه کمال مرحمت و اطمینان قلبی که اعلیحضرت شاهنشاهی بخدمات طبی فدوی دارند صنیع الدوله (میرزا محمد حسنخان که بعدها اعتماد السلطنه لقب یافت) نمود نهایت تشکررا دارم که دراین بیست سال چاکری لیاقت وصداقت من درآستان اعلی ظاهر شد . باتشکر زیاد قبول فرمایش همایونی را نموده فسخ عزیمت نموده دررکاب مبارك خواهم بود و همانطور که مکرر عرض کردهام امیدوارم تاجان دارم از خدمت مثل آن اعلیحضرت پادشاه قدر دانی تغافل نورزم مقبره خود را دولاب دانسته ومیدانم اما دراین ضمن خیالی برایم آمده استدعا دارم که اجازه فرمایند بدون پرده باصداقت کاملی که دارم خیال خودرا محرمانه بعرض برسانم امیدوارم این عرض فدوی‌راکه بخط خود بفرانسه عرض کردهام وصنیع الدوله بخط خودش‌بفارسی ترجمه کرده‌است‌جز وجود مبارك احدی ملتفت نشود ومقصودم ازاین عرض دوچیزاست اولا اینکه بندگان اعلیحضرت همایون چون فدوی‌را درظرف این بیست سال تجربه‌کرده‌اند که دولت خواه و محرم هستم بالصراحه بدون اطلاع احدی بفدوی بفرمائید که از صرافت عمل اهوازاگر افتاده‌اند ومیل‌باجرای این کار ندارند فرمایش فرمایند این فدوی فلان کومپانی یا فلان شارلاتان نیستم که قصدی جز میل باطنی ومخصوص پادشاه داشته باشم شاهد براین عرض سکوت فدوی بود باوجود چندین مرتبه تاکیدات پادشاهی از بعد ازسفر مازندران که بدوا فقره اهواز گفتگو شد تادربادن باد وهنگام توقف پاریس وتامراجعت از سفر ثانی فرنگستان که بدون عرض فدوی خود پادشاه بالصراحه طبع همایون در این مسئله جدا اصرار کردند و باکمال میل قلبی باوجود هزار قسم موانع اقدام باین عمل فرمودند حالا هم اگر تردیدی پیدا شده بالصراحه فرمایش بشود خود فدوی باوجود تقریباً هشتصدتومان مخارج که تابحال‌نموده است اقامه بعرض ادله نموده درعدم‌اجرای آن قرار نامه که بحسب ظاهر نقصی برای امضای پادشاهی واعتبارشأن قویشوکت دولت وارد نیاید وآن قرارداد ونوشته را باطل دانسته امضاء وصح همایون‌را بحضور مبارك بیاورم که بدست مبارك محو فرمائید .

ثانیاً همین قدر خوش بختم مسئلهٔ که جمعی اصرار درکتمان و اخفای آن درخاکپای همایون داشته و دارند بربندگان پادشاهی مسلم گردد و این فقره عمل (روتر) است که کراراً عرض کرده‌اند ما این ماجرا را خواپانیده‌ایم واین عمل‌را تمام کرده‌ایم اگر چنین بود پس چرا درباد داشت که‌مسیو طومسون شارژدافر انگلیس تقریباً بیست روز قبل بوزارت امور خارجه دولت علیه ایران فرستاده‌است بالصراحه دریکی ازفصول آن نوشته تصریح بلکه تشریح کرده‌است که عمل (روتر) را نه تنها فورناك‌اوفیس (وزارت خارجه انگلیس) بلکه خودشخص ملکه باطل ندانسته برقرار میداند وهنوز رقبه دولت ایران را مرهون (روتر) تصور میکنند سواد آن نوشته نزد فدوی حاضراست اگرملاحظه نفرموده‌اند هروقت مقرر بشود بنمایم .

بندگان پادشاهی در نیاوران بلفظ مبارك فرمودند فواید این سه زیاد است من جمله سدی است برای خیالات آتیه انگلیس مشعوفم که این قرار نامه اهواز عجالة این قدر فایده بخشید که این مسئله مکتوم(روتر) درآستان مبارك ظاهر شد درست ملتفت شوید اگر هم عرض کنند دولت انگلیس درخفا بطلان قرارنامه (روتر) را بما وعده کرده‌است کذب محض‌است ازخاکپای همایون سئوال میکنم‌حالت انگلیس‌ها مگر نمیدانند که‌هرگز چنین‌قرارنامه‌معتبر که همه‌اش‌سراپاخیانت بود که‌فی‌الواقع‌تمام ایران رابه‌آنهاداده بودنددرخفا باطل‌نکرده سهل‌است ظاهراوباطناسخت‌نرمیکنند . حال‌بسته‌بمیل‌مبارك است فدوی حاضر هرنوع احکام وفرمایش‌است . دکترطولوزان»

۳

فرمان آزادی کشتی رانی در رود کارون

اهمیت رود کارون برای انگلیسها وسابقهٔ آن

یکی ازفرامینی که‌درحقیقت اعطای امتیازی بانگلیسها بود فرمان‌اجازه آزادی کشتی‌رانی دررودکارون است که توسط ناصرالدین شاه درسال ۱۳۰۶ هجری قمری صادر شد .

این اجازه که انگلیسها مدت‌نیم‌قرن برای بدست‌آوردن آن میکوشیدند متضمن مفاسد و لطمات شدیدی برای استقلال ایران بود زیرا گذشته از توسعه نفوذ انگلیسها درسر تاسر جنوب ایران توازنی راکه از لحاظ بیطرفی ایران تا آنوقت تقریباً بین دو رقیب نیرومند برقرار بود بهم زد و باعث شدکه برای جبران آن امتیازاتی کـه حق حاکمیت و استقلال ایران را از بین می برد بروسها و دیگران داده شود بنا براین تاریخچه اقداماتی که در این باب شده شایان دقت وتوجه مخصوصی است .

از نظر دفاع سرحدات هندوستان در دست داشتن ونفوذ در سواحل خلیج فارس وجنوب ایران برای انگلیس ها اهمیت حیاتی را داشت .

تسلط بر رود کارون گذشته از توسعه نفوذ سیاسی و نظارت برنواحی جنوبی ایران از جهت منافع تجارتی و استفاده از این راه طبیعی برای حمل ونقل مال‌التجاره انگلیسی و هندی بشهرهای مرکزی ایران دارای اهمیت فوق‌العاده ای بود .

لرد کرزن در سال ۱۸۹۱ درکتاب خود راجع برود کارون و اقدامات انگلیسها برای آزادی کشتی رانی در آن مینویسد .

«تقریبا پنجاه سال قبل اهمیت فوق‌العاده‌این وسیله‌تجارت یعنی‌رود کارون که مال‌التجاره مارابشهرهای داخله ایران برساند وبامراکز گندم خیز مربوط کند وتجارت انگلستان وهندوستان را رونق دهد بتوسط سر هنری لایارد ولیوتنان سلبی شناخته شده سرهنری لایارد بواسطه دوستی که بارئیس ایل بختیاری آقا محمد تقی خان ایجاد نموده بود وهم چنین رابطه وآشنائی که باتجار عمده شوشتر داشت توانست اهمیت تجارت باایران را نشان بدهد ودرهمان اوقات گزارش جامعی برای دولت انگلستان فرستاد ویك مراسله نیز باطاق تجارت بمبئی ارسال داشت وبه آنها تأکید نمود نگذارندیك چنین فرصت ازدست برود وازموقع استفاده کنند.

اما مناسبات سیاسی آنروز انجام این عمل‌را بتأخیر انداخت دیگر در این باب اقدامی بعمل نیامد تا اینکه بعد ازگذشتن سی سال مجددا موضوع استفاده از رودکارون و بکار انداختن این مجرای تجارت مطرح گردید وبار دیگر باب مکاتبات سیاسی راجع برودکارون بین دربار لندن و دربار تهران مفتوح شد .

در سال ۱۸۷۸ (۱۲۹۵هجری قمری) حسین قلیخان بختیاری که یکی از خوانین بانفوذ این طایفه محسوب‌میشود باب‌مذاکره‌راجع بتجارت رودکارون‌را بامستر مکنزی‌نماینده کمپانی گری وپول که دربوشهراقامت داشت باز ومشغول مذاکره شد .

موضوع مذاکرات درست همان بود که در سابق بین محمد تقیخان ولایارد مطرح شده بود و باهمان صمیمیت چندی جریان داشت و کمپانی مزبور حاضر شد چند کشتی تجارتی درآن رودخانه بکار اندازد این مذاکرات واین عملیات باعث شد که حکومت مرکزی درطهران باین پیش آمد رضایت نشان نداد وحسادت ورزید و ازاجرای آن جلوگیری کرد دوست لایارد در طهران در حبس مرد و دوست مکنزی در اصفهان بحکم ظل السلطان بقتل رسید .

باز لازم بود هفده سال دیگر ازاین موضوع بگذرد تاعمال سیاسی در نتیجه پشت هم اندازیهای خود که بانواع دسایس وتعلل شرقی مصادف میشد بمقصود برسند .

درضمن مذاکرات گاهی فرانسویها داخل میشدند وکاررا چندی بتأخیر میانداختند وباامتیاز آنرابرای کشتی رانی فرانسه میگرفتند وبالاخره وسائل دیگری پیش می‌آمد که امتیاز فرانسویها لغو میشد .

سرانجام سر درومند ولف درصحنه سیاست ایران وارد گردید ودراکتبر سال ۱۸۸۸ موفق شد که فرمان آنرا ازشاه بگیرد وبانگلیسها اجازه داده شد که تا اهواز دررود کارون کشتی رانی کنند ».

نویسنده دیگر انگلیسی سروالنتین چیرول (۱) در کتاب خود بنام (موضوع خاورمیانه یا بعضی مسائل سیاسی دفاع هند) مینویسد

«ازاواسط قرن نوزدهم پیدا نمودن یك راه تجارتی نزدیك بین خلیج فارس ازراه رود کارون باصفهان مورد توجه سیاح جوان آن تاریخ بوده که بعدها این سیاح باعزم باسم سرهنری لایارد معروف شد بموجب توصیه او این مسئله نیز یکی ازمسائل مهم سیاست شرق نزدیك بشمار رفت ودرحقیقت درآن تاریخ ازبین رفتن محمدتقی خان بختیاری این موضوع را مسکوت گذاشت زیرا که لایارد یك دوستی بسیار نزدیکی بامحمدتقی خان بختیاری ایجادنموده بود همینکه او ازبین رفت این فکر نیز درآن زمان دیگر دنباله پیدا نکرد درصورتیکه محمدتقی خان برای ایجاد این راه وعملی نمودن آن نهایت میل را نشان میداد .

هنگامیکه قشون دولت انگلیس درسال ۱۸۵۷ (۱۲۷۳ هجری قمری) محمره ونواحی اطراف آنرا اشغال کرده بود بار دیگر فرصت مناسبی بدست آمد وممکن بود این فکر عملی شود امافرصت فوت شد بیست سال بعد سرجورج مکنزی که یکی از شرکاء فعال شرکت گری و پولو نماینده چند کمپانی دیگر بود ازبوشهر بتهران رفت ودراین باب پیشنهادهای تازه‌ای نمود .

این بار نیز باوجود مساعدت رئیس دیگر ایل بختیاری ازمذاکرات تهران نتیجه‌ای گرفته نشد وموضوع مسکوت ماند تااینکه دراین اواخر یعنی درسال ۱۸۸۸ درومونددولف وزیر مختار انگلیس توانست موفقیت حاصل نموده فرمانی ازناصر الدین شاه بدست بیاورد که راه رود کارون برای تجارت انگلستان مفتوح گردد .»

هرات بجای رود کارون

این شرح مختصری از اقدامات انگلیس‌ها است برای افتتاح رود کارون که این دو نفر نوشته‌اند .

دراینجا راجع بفرصتی که درموقع اشغال محمره درسال ۱۸۵۷ پیش آمده بود وچیرول بآن اشاره کرده باید اضافه شود که آن درهنگامی است که هرات از طرف ارتش ایران محاصره شده بود وانگلیسها برای تهدید دولت ایران بسواحل خلیج فارس نیرو پیاده میکنند و بالاخره ناصرالدین شاه را مجبور میسازند که دست ازهرات برداشته ومعاهده پاریس را منعقد نماید .

ضمن مذاکراتی که در این باب بعمل میآمد از طرف ایران پیشنهاد میشود که هرات بایران واگذار گردد و درمقابل ورود کشتی های انگلیس برود کارون آزاد باشد واین موضوع را ناصرالدین شاه بخط خود نوشته است که عین آنرا ذیلا نقل

1– Sir Valentine Chirol

مینمایم وبنابراین باآنکه ارزش اجازه کشتی رانی در رودکارون درنظر ناصرالدین شاه ارزش تصرف هرات‌را داشت چند سال بعد آنرا برایگان وبامفاسد بیشتری در اختیار انگلیسها میگذارد

« بعد از جنك ایران و انگلیس در مسئله هرات اولین یاد داشتی را که سفارت انگلیس راجع برود کارون بوزارت امور خارجه میدهد میرزا سعید خان وزیر خارجه آنرا درپاکتی گذارده روی آن مینویسد .

«یاد داشت سفارت انگلیس درباب رودکارون‌وروزنامه مذاکرات باوزیرمختار»

«در اینفقره از عرض خاکپای مبارك‌اعلیحضرت اقدس‌همایون شاهنشاهی‌روحنا فداه»

«خواهد گذشت .

ناصرالدین شاه پس ازملاحظه یاد داشت سفارت انگلیس در پشت پاکت باخط خود چنین مینویسد

«جناب وزیر

اولا فقره رودکارون وساختن راههای عراده ازبوشهر به طهران در وقتی طرح شده بودکه مسئله هرات درمیان بودکه دولت ایران درازای‌صرف هرات‌این‌کاررا قبول کند وواضح است این دوکار چقدر عمده بوده‌است که درمقابل تصرف هرات جزء قرار نامه وعهدنامه کرده بودند بعد ازآنکه آن قرارنامه صورت نگرفت‌وممضی نشد این دوشرط هم باآن قرارنامه امضاء نشده موقوف شد حال چه شده است که بدون هیچ شرط عمده که در مقابل این قبول ایران ازطرف دولت انگلیس باشد باید دولت ایران مجاناً وبلا عوض این کارعمده‌را قبول‌نماید وحال آنکه یك فقره‌آنرا که ساختن‌راه عراده ازبوشهربه‌طهران باشدشروع کرده ومشغول‌است‌البته‌چاپاران‌انگلیس ملاحظه کرده‌اند که‌راه ازطهران الی کنار کرد رسیده‌است ودراصفهان هم‌وشیرازهم ظل‌السلطان‌باتجار مشغول حرف وقرار داداست که تجاررا شریك این کار نماید وخود هم شریك باشد ودولت هم امداد کند وراه تمام‌شود .

ثانیا چون فقره رودکارون جزء عمل و کارهای داخله وملتی‌است من بتنهائی نمیتوانم دراین فقره کاری کنم ورای بدهم مگر به اطلاع وآرای مردم ورجال دولت اگر راجع به‌کار داخله بود البته میتوانستم خود برأی خود تنها قبول یارد نمایم چون کار عمده راجع بداخله مملکت است من قدرت ندارم که خود به شخصه رای بدهم والا دردوستی بادولت انگلیس ازهیچ چیز خدا شاهداست مضایقه ندارم اگر مورد بحث مردم‌نمی‌شدم باید رأی عامه‌را دراین‌کار ملاحظه کرد ۸۹ »

بهرحال هنگامی انگلیسها جدا درصدد بدست آوردن‌فرمان اجازه کشتی‌رانی رود کارون میافتند که میرزا حسین خان سپهسالار بر کرسی صدارت ایران‌جلوس میکند .

ازاین تاریخ (۱۲۸۸ قمری) تاسال(۱۳۰۶) هجری قمری که فرمان مزبور صادر میگردد انگلیسها هروقت‌فرصتی بدست میآوردند این‌موضوع‌را بمیان میکشیدندوهرچند یکبار یاد داشت تهدید آمیزی بدولت ایران میدادند ولزوم این‌عمل رابناصرالدین شاه گوشزد میکردند .

نامه‌های سفارت انگلیس

برای اطلاع ازتهدیدات و مطالبی که انگلیس‌ها راجع باین موضوع اظهار میکردند متن بعضی ازیاد داشتهای سفارت انگلیس‌راکه درسالهای متمادی برای دولت ایران فرستاده اند عیناً بترتیب در ذیـل نقل میکنیم .

یاد داشت‌سفارت انگلیس‌بعنوان میرزا حسین‌خان‌سپهسالاروزیر امور خارجه.

محرمانه

«جناب مستطاب اشرف‌امجد ارفع‌را زحمت میدهد .
«بدوستدار تعلیم شده‌است که مسئله رودکارون را باز بنظر اولیاء دولت ایران»
«بیاورد وبملاحظه اینکه معلوم سازد چه قدر متناسب بل لازم‌است که دولت ایران»
«دفع‌الوقت‌را جایز ندارد ودر اجری داشتن اقداماتی برای وسعت تجارت وبهبودی»
«حال اهالی مملکت خوددرجنوب ایران که بدانوسیله قادر خواهد شد دربرابری»
«کردن باحالات ترقی که حال درمملکت عثمانی همجوار پیشنهاد شده‌است‌دوستدار»
«ترجمه مطلب بعضی ازکاغذی که دراین تازگی در انگلستان بطبع رسانیده‌اند»
«بجهت‌تفکرا همه آنجناب مستطاب اشرف‌امجد ارفع محرمانه تقدیم مینمایدمربوط»
«بتفاوتی که درامر زراعت وعدم اطمینان‌درولایت‌های ایران وعثمانی‌واقع درکنار»
«شط‌العرب حاصل‌است ونیز ترجمه برخی ازمراسله عالیجاه مجدت و نجدت همراه»
«ماژور اسمیت‌را انفاذ میدارد که چندی‌قبل بآنصفحات رفته بود حاوی برباز شدن»
تجارت در بصره وشط بغداد در این اوان باعتقاد اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه»
«انگلستان خیلی مصلحت دولت ایران‌است که درتشویق تجارت در اطراف جنوب»
«غربی ایران‌اقدامی شودوبجهت حصول این منظور بنظر اولیای دولت معزی‌الیها»
«واجب ولازم‌است باز کردن رودکارون‌برای کشتی های بخار واین یکی ازاقدامات»
«مؤثره میباشد که‌میتوان برقرار نمود. درآوردن‌مسئلهٔ رودکارون‌را بنظر اولیای»
«دولت ایران بدوستدرانیز تعلیم‌شده‌است که کلیه فقره برقرار داشتن اقدامات‌برای»
« تحصیل‌مکنت ولایت‌وترغیب تجارت‌خارجه‌رابمیان بیاورد دوستدار خواهشمنداست»
« که آنجناب مستطاب اشرف ارفع مهربانی فرموده این مراسله محرمانه‌را تقدیم»
«حضور اعلیحضرت اقدس شهریاری سازند و درضمن این خواهش مخصوصاًخاطر »
«نشان میسازد حالت ترقی شط بغدادرا نسبت بحالت حالیه غفلت آمیز رودکارون»
« که فقطرودی میباشد درایران که میتوان‌درآن کشتی راند درباز کردن رودکارون»
«برای کشتی‌ها ومنافعی که‌ازآن‌حاصل میشود فقط اعتقاد واحدی باید داشت»
«وباطمینان‌آنکه حال وقت آن رسیده‌است ودیگرتاخیری دراجری داشتن این »
«اقدام نباید روا داشت دوستدار امیدوار است که آنجناب مستطاب اشرف ارفع»
«قویا اقدام‌نمائید وتکلیف کنند که بدون‌معطلی بموقع اجری گذارده شود این‌اقدام»
«بلا حرف وبدون تاخیر نه تنها برمالیات خواهد افزود بلکه وجوه کثیره‌را وارد»
« ولایت خواهد نمود که مایه متمول شدن ورضا مندی وبهبودی‌حال‌رعیت خواهد»
« بود وبدین جهت سبب نظم واستحکام بنیان دولت .»
« برهرنیکخواه دولت ایران باید واضح باشد که هرروزی بگذارید از میان »
«برود بدون اینکه این اقدام‌رااجری‌بدارند روزی ست زایل گشته وبغفلت گذشته »
«دوستدار ممنون خواهد شد اگر آنجناب مستطاب اشرف ارفع مهربانی فرموده»
«بهرزودیکه ممکن باشدازقراریکه اعلیحضرت اقدس شهریاری دراین باب‌بدهند»

«دوستداررا مستحضر سازند تابدون تاخیر آنرا باطلاع اولیای دولت متبوعه‌خود»
«برساندچراکه ایشان بطوریکه آنجناب مستطاب‌اشرف ارفع البته درك‌فرموده‌اند»
«این مسئله‌را باکمال‌رغبت‌ملاحظه نموده نهایت‌اهمیت‌را بآن میگذارند.»
«زیاده زحمتی‌ندارد فی۲۲ شهر رمضان سنه ۱۲۹۰ محل‌مهر رانلدطامسن»
یاد داشت دیگر
« مدت وقتی است که دوستداردرخصوص‌انداختن کشتی‌بخار برودکارون‌بااولیای »
« دولت ایران مشغول‌اظهارات وگفتگو است‌اولیای‌دولت علیه مرا مستحضرساخته »
« اندکه تاآن درجه که باصل مسئله رجوع شده است قبول این فقره را نموده‌اند »
« واین اراده‌را دوستدار باولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده »
« است ونوشتجاتی که دوستدار تازه از وزارتخانه های امور خارجه وهند وجناب »
« مستطاب جانشین هندوستان وصول کرده است لزوم ومناسبت قطعی راهم برای »
« فواید تجارت انگلیس وهم‌برای فواید تجارتی ومالیاتی دولت‌اعلیحضرت اقدس »
« شهریاری را دراجری داشتن‌اراده مذکوربدون معطلی درکمال تاکید واصرار »
« اظهار شده است تعجب وافسوس خودرانیز بیان ساخته‌اند ازاینکه‌اولیای دولت »
« علیه انجام امری راکه تأخیرآن بخیریت و صلاح ایران وفواید دول متحابه که »
« رابطه‌تجارتی بادولت ایران دارند خلل عمده‌وارد است اینقدر بتعویق انداخته »
« باشند لهذا ازجانب اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعلیم شده است »
« که بلاتأخیر این مسئله‌را درتحت تفکر اهمه اعلیحضرت‌اقدس شهریاری واولیای »
« دولت اعلیحضرت ایشان بیاورد.
« هیچ خیرخواه حقیقی ایران‌نمی‌تواند مسجل بدارد امکان‌آنراکه دراقدام‌باین »
« امربرای دولت مذکور ضرری متصور است بلکه برخلاف‌آن بهرشخص‌باهوش »
« وفراستی باید ظاهر وهویدا باشدکه بخود ولایت واهالی وحکومت‌آن مثمر و »
« فواید عمده معنوی میباشدکانسیونی یااجازهٔ نیست که‌بیك کمپانی داده شود ویا »
« یك دولت فردی آنرا تصاحب نماید فقط باز نمودن جاده‌ایست بتجارت عالم که »
« قبل‌ازوقت طبیعی بوده‌وحاوی فایده دادن‌بتوسط کشتی بخار بدون مخارج‌بدولت »
« علیه فقط رودکشتی رو ایران راچون حالت امر اینطوراست تردیدی که‌اولیای »
« دولت ایران‌تابحال ظاهر نموده‌اند درتحصیل‌این منافع مخصوصاً باولیای دولت »
« اعلیحضرت پادشاه انگلستان که‌درهرچیزی که مایه ترغیب ووسعت تجارت باشد »
« کمال مواظبت را دارند بایدبکلی غیرمفهوم باشد تزاید کمی نقود در ایران »
« مشهوراست واشکالاتی که ازاین نایابی الی‌مدتی معین‌بمیان خواهدآمد اگررفع »
« آن نشود میتوان قبل ازوقت دریافت‌نمودلهذا چیزی که حال مقتضی این مملکت »
« است متوالیا مدخول وجوهات میباشد و دولت ایران میتواندآنرا بدون احتمال »
« ضرر ومخارج حاصل‌نماید بتوسط صادرنمودن فرمانی یاحکم دولت مبنی براذن »
« اینکه کشتی بخار برای تجارت دررودکارون‌کار نماید باین واسطه مقدار زیادی »

« ازمحصول ولایات اطراف علاوه برمصارف اهالی آنجاهااست وازاینجهت درمحل »
« بقیمت نازل است میتوان عوض نمود ومتصل بخارج حمل کرددرازای وجوه نقدینه »
« این مطلب خود معلوم است که تأخیر دراجری داشتن چنین اقدامی بعبارت اخری »
« بازداشتن دولت زیادی است ازمملکت ومالیات علاوه ازدیوان . »
« برحسب اعتقادی که اولیای دولت انگلیس دراینفقره اظهارداشته اند اظهارات »
« فوق بطور یاد داشت بزبان انگلیسی قلمی شده و باتفاق ترجمه ایرانی بتوسط »
« جناب مستطاب اشرف ارفع وزیرامور خارجه بدولت ایران تقدیم میشودباخواهش »
« آنکه آنجناب مستطاب اشرف ارفع مهربانی فرموده آنرابنظر ملاطفت اثر »
« اعلیحضرت اقدس شهریاری برسانند تااراده وحکم همایون دراین مسئله برای »
« اظهار باولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بسفارت اعلام شود فی ۲۳ شهر »
« شوال المکرم سنه ۱۲۹۳ »

بعد از ارسال این یاد داشت چون کتبا جوابی ازطرف ایران بآن داده نمیشود یکسال بعد مجدداً رونوشت آنرا ضمن یادداشت دیگری برای دولت ایران میفرستند و مطالبه جواب میکنند

دولت ایران نیز درجواب چنین مینویسد.

« مراسله آنجناب جلالتمآب مورخه ۱۶ شهرشوال ۱۲۹٤ که دایربه آوردن »
« کشتی بخار تجارتی برودکارون اظهار داشته وسواد فارسی از یاد داشت خود »
« مورخ ۲۳ شوال ۱۲۹۳ ارسال فرموده بودند واصل ایادی توقیر گردیده با کمال »
« احترام جوابازحمت افزامی شود که اولیای دولت علیه ایران همواره ازخیرخواهی »
« ودوستی حقیقی دولت انگلیس قرین امتنان وزاید الوصف مایلند که حتی المقدور »
« اظهارات آنسفارت رابه احترام واجری مقرون دارند لیکن در باب رودکارون »
« وراه انداختن کشتی بخاردر آنجا بملاحظه موانع پولتیکی که بالفعل موجوداست وذکر »
« آنهالازم نیست عجالتاً بالکلیه معذوروازعدم امکان اجرای این کاردراین اوقات قرین »
« افسوس میباشد. همواره احترامات فائقه دوستدار را نسبت بخود برقراردانند »
« زیاده زحمت افزاشد ۲۰ شهر رجب ۱۲۹٤ »

فرانسویها وامتیاز کشتی رانی رود کارون

موضوع کشتی رانی دررودکارون بواسطه اصرارو ابرامی که انگلیسها درتحصیل آن بعمل میآوردند وتهدیداتی که گاه و بیگاه در این باب بدولت ایران میشد مسئله بغرنجی را برای ناصرالدین شاه بوجودآورده بود «موانع پلتیکی» یااشکالات سیاسی که دریاد داشت مزبور ذکر گردیده همان بهم‌خوردن توازن و بی‌طرفی ایران و مخالفت روسها میباشد .اگراجازه کشتی‌رانی رودکارون بانگلیسهاداده شود روسهاهمان اجازه وامتیازرا درشمال ایران باشرایط سنگین تری تقاضاخواهندکرد واگرازانجام این امرسرباززنند انگلیسهارا چگونه راضی نمایند؟

چون دولت ایران همیشه مانع عمده اینکار رامخالفت روسها ذکرمیکردانگلیسها

میگفتند رودکارون برای کلیه ملل جهان مفتوح شود واختصاصی بیك ملت نداشته باشد بدیهی است درآن صورت نیز فقط انگلیس ها بواسطه نفوذ وداشتن وسائل حمل ونقل دریائی عملا میتوانستند ازرودکارون استفاده نمایند .

بهرحال ازجمله نقشه‌هائی که برای حل این مسئله طرح میکنند اعطای‌این امتیاز بفرانسوی‌هاست ولی ازاین‌اقدام هم نتیجه‌ای‌نگرفتند .

لرد کرزن راجع‌باین موضوع مینویسد .

«امتیاز کشتی‌رانی رودکارون از سال ۱۸۷۶ تا۱۸۷۸ دومرتبه داده شدولغوگردید این امتیازکه‌توسط دکتر طلولوزان پزشك فرانسوی ناصرالدین شاه بانفوذ روسها برای فرانسویها گرفته شد در آن قید شده بود سد اهواز را نیز باید ببندند ودولت فرانسه فقط انحصارکشتی‌رانی رودرا داشته باشد واراضی مجاور رابکاراندازد واز معادن وجنگلهای آنها استفاده کند یکنفر مهندس فرانسوی بمحل اعزام شد که در باب تنده‌های آب در اهواز مطالعه کرده گزارش دهد وبرای همین مقصود یکدسته‌کشتی از مارسی تابصره معین شد رفت وآمدکنند ویکنفر نماینده فرانسه هم‌درمحمره مقیم باشد »

طرح اعطای امتیازکشتی رانی رودکارون به فرانسویها توسط دکتر طلوزان وهنگامی تهیه شدکه ناصرالدین شاه درسفر دوم اروپا درشهر بادن باد (درآلمان) مشغول استحمام درآبهای معدنی بود.

علت لغو امتیاز فرانسویها مخالفت انگلیسها بودکه این عمل دولت ایران راغیر دوستانه تلقی‌کرده وآنرا برخلاف نظر اولیای دولت انگلستان میشمردند.

یاد داشتی‌راکه سفارت انگلیس دراین‌باب درتاریخ ۱۰ژانویه ۱۸۷۹ (۱۵محرم ۱۲۹۶) به میرزاحسین خان سپهسالارصدراعظم‌ایران نوشته‌باین‌شرح است.

« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد »
« دیروز شرف ملاقات‌آنجناب مستطاب اشرف‌ارفع را درك‌نمودبه‌نظورآنکه »
« تحصیل جواب کند باظهارات مجددی‌که در دوسفر ملاقات قبل ازبابت بازنمودن »
« رودکارون را بکشتی بخار برحسب دستورالعمل تازهٔ اولیای دولت اعلیحضرت »
« پادشاه انگلستان مصراکرده بود واین‌مسئله میباشدکه لازم‌نیست یادآورخاطر »
« آنجناب مستطاب اشرف ارفع سازدکه دراین مدت سه‌سال‌گذشته‌ازقرارتعلیمات »
« اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بکرات ومرات‌باولیای دولت ایران »
« موکداً اصرارشده وخودآنجناب مستطاب اشرف‌ارفع مستحضرندکه مغزی‌الیهم »
« کاملا متوجه وعازم هستندکه اجازه اولیای دولت اعلیحضرت اقدس شهریاری »
« را بامری حاصل نمایندکه بالسویه بدولت ایران وتجارت دولت انگلیس مفید »
« فایده است . »

« جواب‌آنجناب مستطاب‌اشرف ارفع این‌بودکه اراده‌اقدس همایون‌براین‌است »
« که شخصاً بطرف شوشتر ورودکارون دریك زمانی سفر فرمایند وهیچ قرار »
« داد یا اذنی‌که دولت انگلیس مطالبه دارد تابعد از وقوع سفر مذکور داده »
« نخواهد شد . »

« دوستدار نمیتواند از آنجناب مستطاب اشرف پوشیده بدارد مراتب تأسف و یاس »
« خودرا ازوصول چنان جواب غیر مرضیه ازطرف اولیای دولت ایران که فی الحقیقه »
« وواقعا مبنی است برانکار قبول نمودن خواهش منصفانه وموکده دولت دوستی. »
« پس ازمراجعت موکب همایون ازاروپا دوستدار درهنگامیکه شرف اظهارعقاید »
« اولیای دولت متبوعه خودرا دراینخصوص حضوراً خدمت اعلیحضرت اقدس شهریاری »
« میکرد فرمایش همایون چنین شد که قراردادی درمیان است که باز نمودن رود »
« کارون را بکشتی های بخار نیز متضمن آن خواهد بود بنابراین بیکنفر رعیت فرانسه »
« قرار نامه عطا شد که درمعنی تجارت رودکارون منحصراً باو واگذار گردید و »
« این بکلی برعکس نتیجه می بخشد وضدمنظوراتی میشد که اعلیحضرت اقدس شهریاری »
« درنظر آورده ووعده فرموده بودند و بعلاوه جای اظهار این نکته راهم دارد که »
« دولت ایران از یکطرف خواهش دولت انگلیس راکه متضمن انحصار تجارت »
« نبود وفقط خواهش باز کردن رودکارون رابکشتی های بخار برای عامه بودرد »
« مینماید وازطرف دیگر به یکنفرازملت خارجه دیگری امتیازاتی می بخشد بیشتر »
« ازآنها که دوستدار طی اظهارات خودخواهش نمود باوجود اینکه این سبب اختلال »
« خواهش اولیای دولت انگلیس میشد دوستدار وضع عمل رابقسمی دید که نتیجه »
« دیگری را منتظر بود ودرحین تقدیم این اعتقاد باولیای دولت انگلیس ساعی بود »
« که مراتب همراهی ودوستی دولت ایران راخاطر نشان ایشان سازدلکن قرارحالیه »
« را اولیای دولت انگلیس بلاحرف بهیچ قسم ملاحظه نخواهند کردمگر بطوررفتار »
« غیرمودتی نسبت بدولت انگلیس علی الخصوص چون دولت ایران برای انجام دادن این »
« رفتار غیردوستانه نسبت بخود ضرر واردمی آورد . »

« دولت ایران دروقتی که اسباب تسهیل تجارت بادولت روس را ازقبیل ساختن »
« راه شوسه واقدامات دیگر درطرف شمال مملکت خود فراهم میآورد ازطرف »
« جنوب برای تسهیل تجارت بادولت انگلیس وترقی دادن راه عبور ومرور ابداً »
« اقدامی نکرد ـ نه فقط اقدامی ننمود بلکه حال را مایل است که یك راه طبیعی »
« تجارتی که فقط ازیك رودخانه ایران میسر است مسدود بسازد وبدین سبب تجار »
« انگلیس را لابدنماید که مال التجاره خود راازراه ممتد مخوف سخت بامخارج »
« گزاف حمل نمایند بعوض اینکه خودرا ازشاه راه طبیعی که نزدیك تروامن و کم »
« خرج وآسان تراست بهره ورسازند . »

« دولت ایران برای انکارغیرمفهوم خود بامری که ازوما مفید فایده کلی برای »
« آن دولت است بدون اینکه بهیچوجه خسارتی مخارجی برایشان وارد شودتا بحال »
« هیچ دلیلی اقامه نکرده است در صورتی که خود را دراین عقیده مصمم بدارند »
« ازآنجناب مستطاب اشرف ارفع ممنون میشوددوستدار راازدلایلی که این انکارازروی »
« آن احداث شده مستحضر فرمایند که یحتمل اثر نامطبوعی راکه ازرفتار غیرمودت »
« آمیز مبهمه اولیای دولت ایران درخاطراولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان »

« پیداخواهد شد تخفیف دهد . زیاده زحمتی ندارد »
« فی۱۵شهرمحرم الحرام سنه۱۲۹۶ـ محل‌مهر (شارژدفر اعلیحضرت پادشاه »
« انگلستان‌دردربار دولت‌ایران‌رانلد طامسن »

سفارت انگلیس چون از دولت ایران جواب قانع کننده ای نه کتبا و نه شفاهاً دریافت نمیکند دویاد داشت ذیل را دردنباله نامهٔ‌فوق بعنوان میرزا حسین‌خان سپهسالار ارسال میدارد .

« مورخ ۱۷ ژانویه ۱۸۷۹ »
« جناب مستطاب‌اشرف‌امجدارفع رازحمت‌میدهد »
« نظر بصحبتی که پریروزدرخصوص‌ترددکشتی‌دررودکارون باآنجناب مستطاب »
« اشرف ارفع داشت وبخواهش دوستدارتعهد فرمودندکه صحبت مذکورراخدمت »
« اعلیحضرت‌اقدس‌شهریاری راپرت‌نمایند حال‌زحمت‌اظهارمیدارد که چون‌درتدارك »
« فرستادن چاپار انگلستان میباشد و سواد مراسله که درهمین مسئله بتاریخ ۱۵ »
« شهرحال شرف ارسال‌بآنجناب مستطاب اشرف‌ارفع داشت برای‌استحضار خاطر »
« جناب جلالتمآب مارکیس‌آف سالزبری وزیر امور خارجـه اعلیحضرت پادشاه »
« انگلستان روانه میداردازآنجناب مستطاب اشرف‌ارفع ممنون میشود اگرعقیده »
« اخیره اولیای دولت‌ایران رادرخصوص‌بازکردن رودکارون رابکشتی های‌بخار »
« چه موافق باشد چه مخالف بدوستداراعلام فرمایند تااولیای دولت‌انگلیس‌کاملا »
« بتوانند قدرحالت ورفتار دولت ایران را دراین مسئله درك نمایند »
« زیاده زحمتی‌ندارد فی۲۳ شهرمحرم‌الحرام‌سنه۱۲۹۶ »
« محل مهر (شارژدفر اعلیحضرت پادشاه انگلستان در دربار دولت ایران »
« رانلد طامسن) »

نامه دیگر

« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد »
« چون موکب همایون تشریف فرمای شهرگردیده است یقین‌تاکنون برحسب »
« وعده مهربانی‌فرموده‌تحصیل جواب اخیره رودکارون را نموده‌اید هرگاه‌تاحال »
« تأخیر افتاده باشد از آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع خواهشمند است که »
« امروز جواب اعلیحضرت‌اقدس‌شهریاری‌را دراینخصوص تحصیل‌نمایند که بچاپار »
« سفارت برسد ونیزمایل‌است که‌امروز عصربجهة این عمل وکاردیگرشرف‌ملاقات »
« مسرت دریاب‌آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع را درك‌نمایدخواهشمنداست »
« اگرفراغت‌حاصل‌است دوستداررا مستحضرفرمایند که‌یکساعت بغروب‌مانده‌تاغروب »
« وقتی را از فیض ملاقات بهجت علامات مستفیض‌گردد زیاده زحمتی ندارد »
« فی‌شنبه دوم‌شهرصفرالمظفر سنه ۱۲۹۶ محل (مهررانلدطامسن)

چنانکه قبلاگفته شد بالاخره ناصرالدین‌شاه مجبورا امتیازنامه فرانسوی هارا

باطل میسازد ولی بانجام درخواست انگلیس ها دائر بدادن اجازه کشتی را بآنها نیز تن در نمیدهد .

روش مناسبی راکه اولیای دولت ایران در برابر فشار دولت انگلستان پیش گرفته بودند گذراندن وقت وامروز و فرداکردن بود واغلب مواقع نامه های سفارت انگلیس را دراین باب بدون جواب میگذاردند چنانکه سفارت انگلیس درنامه‌ای که درتاریخ ۱٦ اوت ۱۸۸۱ بشرح ذیل به میرزاسعید خان وزیرامور خارجه نوشته مطالبه جواب یادداشت های خودرا مینماید .

« جناب جلالت ونبالت نضابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهار امشفقا »
« مکرما مهربانا.
«در ۲۱ شهرشوال دوستدار شرف آنرا داشت که یادداشتی بآنجناب جلالتمآب»
«بنگارد حاوی برفراید عمده که بدولت ایران وهمچنین بدولت انگلیس حاصل خواهد»
« شد چنانچه رودکارون برای عبور ومرور کشتی تجارتی بازوآزاد بشود ودرپنجم»
«شهر حال نیزشرف آنراداشت که مراسله بآنجناب جلالتماب بنویسد که درآن مصلحت»
« انعقاد عهدنامه فیمابین دولتین ایران وانگلیس برای دفع معامله عبید را تکلیف »
« کرده بود تابحال جواب نوشتجات مذکور را وصول نکرده است وچون اولیای»
« دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هردو فقره را با نهایت اهمیت ملاحظه می »
« نمایند وتوجه مخصوص دارند دوستدار ممنون خواهد شد اگر آنجناب جلالتمآب»
« مهربانی فرموده جواب را کتبا مرقوم میفرمودند تاازمنظوروارادهٔ اولیای دولت ایران»
« در این دوماده واقف وآگاه باشد وبتواند همان را تقدیم اولیای دولت اعلیحضرت»
« پادشاه انگلستان بسازد وهمچنین در صورت لزوم قادر بر آن باشد که بعضی »
« توضیحات واظهارات دیگر را مجددا مذکور بداردزیاده زحمتی ندارد فی ۲۲ شهر»
ذی قعده الحرام سنه ۱۲۹۸

«محل مهر (وزیرمختاروایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان رانلدطامسن)

بااین حال انگلیسها دست بردار نبودند ومرتب این موضوع راتعقیب میکردند .

در ملاقاتهائی که وزیر مختار انگلیس دراین باب بااولیای دولت ایران بعمل می آورد جزوعده‌های «سرخرمن» نمی توانست جواب صریحی دریافت کند .

میرزا سعیدخان وزیرامورخارجه در گزارشی که راجع بملاقات خود ووزیرمختار انگلیس در باب رودکارون برای ناصرالدین تهیه کرده می نویسد .

«وزیر مختار انگلیس را ملاقات نموده واشکالات راگفتم قبول نکرد وگفت این کار برای ایران منافع زیاد دارد وبعلاوه نباید یك دولت دوست را رنجاند واینکه یکی از اشکالات رامرداب انزلی میدانند صحیح نیست زیرا این اجازه یعنی استفاده ازمرداب انزلی توسط روسها مدتها قبل داده شده وکشتی‌های کوچك می توانندبه آنجا رفت وآمد کنند بهرحال وزیر مختار انگلیس تهدید می کند که صریح بگوئید که نمی‌خواهید خواهش دولت دوست یعنی انگلیس را بپذیرند»

بااین اصرار وتهدیدات معهذا میرزا سعیدخان این موضوع را قابل مطالعه بیشتری

دانسته وانجام آنرا بوقت دیگری موکول می‌سازد .

ناصرالدین شاه عصبانی است

رانلد طامسن وزیرمختار سمج انگلیس در تاریخ دوم ماه جمادی الاولی سال ۱۲۹۹ قمری هنگامی که ظل السلطان در تهران است یادداشت ذیل را بمیرزا سعیدخان وزیر امور خارجه می‌نویسد .

« جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا»
« مکرما مهربانا .
« در خصوص باز وآزاد کردن رودکارون بجهت عبور ومرور کشتی‌های تجارداخله»
«وخارجه آنجناب جلالتماب خوب مستحضرند که دولت انگلیس بجهت صرفه تجارت باین»
« کاربسیار اهمیت داده‌اند و چقدر ملاحظه واصرار در اتمام وانجام این امردارند و»
«چون اعلیحضرت اقدس شهریاری انجام این امر راموقوف ومنوط بتشریف آوردن حضرت»
«مستطاب اشرف ارفع امجدوالاظل السلطان دامت شوکته فرموده‌اند که بعضی تحقیقات»
«لازمه باحضور حضرت مستطاب معظم الیه بشودواحتمال میرود که نواب مستطاب معظم الیه»
«چندروزدیگر بمقرحکمرانی خود مراجعت فرمایند لهذامحترما خواهش می نماید که»
«حسب الامر اعلیحضرت اقدس همایونی باحضور حضرت مستطاب معظم الیه اقدامات لازمه»
«رابموقع اجری گذارند که زیاده ازاین این امر بطول نینجامد که مزیدامتنان دوستدار»
«خواهدبود : فی ۲ شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۹۹ محل مهر (رانلدطامسن)

ناصرالدین شاه که از دیدن این نامه عصبانی می شود با خط خود بمیرزا سعید خان وزیرامورخارجه چنین مینویسد .

« جناب وزیر امور خارجه

رقعه ایلچی انگلیس را در فقره رود کارون دیدم خیلی عجیب است که آب وملك مال دولت ایران واین نوع امور مهمه در نظر ما باید اهمیت نداشته باشد ودر نظر دولت انگلیس اهمیت دارد و باید فورا تا ظل السلطان اینجاست قرار این کار را بدهد .

صریح می‌نویسم که دولت ایران نمی‌تواند اذن بکشتی‌های خارجه بدهد که در رودخانه کارون تردد نمایند.

اگر برای تسهیل تجارت است دولت ایران خود اسباب حمل ونقل مال التجاره را ازکشتی وغیره باید فراهم بیاورد رقعه وزیر مختار انگلیسی واین جواب مارا فردا در مجلس وزراء قرائت کرده باطلاع ظل السلطان همینطور جواب صریح آخری بدهد ۹۹»

ساعتی بعد در دنباله آن این نامه را هم می‌نویسد .

« جناب وزیر امور خارجه

امشب ملکم خان را بیاور منزل خودت درفقره خواهش انگلیس ها درفقره کشتی‌رانی در رود کارون از او سئوالات چندی بکن آنچه‌اودراین مدت از انگلیسها فهمیده باشدکه اصل‌منظور ومقصود ازاین خواهش چه چیز است ونفع وضرر این کار را بتفصیل از ملکم‌خان سئوال کن و فردا صبح بعرض برسان لیکن جواب ما همان است که ساعتی قبل در جواب رقعه وزیر انگلیس نوشته‌ام حقیقتاً اینجا همان مثل قدیم خیلی مناسب است که بی‌گدار نمی‌توان بآب زد وغور وتدقیق نکرده چیزی را قبول کرد و بالمآل خدا می‌داند که چه ضررها را در پی‌داشته باشد فهمیدن عقیده ملکم‌خان نیز لازم‌است ۹۹»

دو نامه فوق که ناصرالدین‌شاه بخط‌خود نوشته عیناً درصفحات ۱۶۲ و ۱۶۳ گراورشده‌است

5/6

[illegible]

[illegible]

[illegible]

راجع بکارهای میرزا ملکم‌خان (ناظم‌الدوله) وزیر مختار ایران درلندن در بخش اول کتاب کم‌وبیش اشاراتی شد و گفتیم این شخص درغالب موارد برای حفظ منافع انگلستان در ایران باصطلاح « دایه دلسوزتر از مادر » بود ومثل آنکه ناصرالدینشاه هم اورا خوب می‌شناخت که برای دانستن مقصود انگلیس ها می نوشت «فهمیدن عقیده ملکم‌خان نیز لازم است ».

درسال ۱۳۰۱ هجری قمری میرزا ملکم خان تلگراف رمزی‌از لندن بوزارت امور خارجه مخابره می کند وضمن آن درمورد نظر انگلیس‌ها در باره رودکارون می نویسد «وزرای انگلیس محققا ازروی دلسوزی ومحض مصلحت ایران نوشته‌اند »

متن این تلگراف بشرح زیراست .

«استخراج تلگرام رمزجناب ناظم‌الدوله

حالا که کتابچه مفصل بنده باید رسیده باشد یعنی‌جزء ثانی سند انگلکریطه خوب معلوم خواهد شد این جزء ثانی راوزرای انگلیس محققا ازروی دلسوزی ومحض مصلحت ایران نوشته‌اند شرح مقدمات و معانی آنرا بعد عرض خواهم کرد مضامین آن جزء ثانی‌سند مزبور لفظا بلفظ از این قرار است .

۲ ولکن دولت انگلیس نمی‌تواند این معنی را ازدولت ایران مخفی بدارد که مقدار تقویت و اعانت دولت بریتانیای عظیم نسبت بدولت ایران بیشتر بسته‌به آن مقدار دوستی ومیل باطنی است که ملت انگلیس نسبت بدولت‌ایران‌باید داشته باشد ازبرای‌ازدیاد این‌دوستی ومیل‌باطنی ملت انگلیس‌بی‌شك یك‌سدی درمیان‌هست وآن اینست که امروز میانه انگلیس وایران مراودات تجارتی بغایت کم‌است ومثل‌اینست که هیچ نباشدوسد مزبور بخصوص در آن موانعی است که برای تجارت جنوب ایران برقرار کرده‌اند واگر این موانع رفع میشد تجارت انگلیس وهند درآنصفحات بسهولت وسعت میبافت اهتمامات متواتره وزیر مختار انگلیس در طهران‌بجهة افتتاح رودکارون برای کشتی‌های تجارتی تابحال بجائی نرسیده ونیز عدم راههای مناسب وامن از داخله ایران بخلیج فارس‌بجهة اقدامات تجارتی مانع کلی شده است اگر اعلیحضرت پادشاهی بلاتامل واز روی جد تدابیرموثر میفرمودند که راه تجارتی انگلیس وسایر ممالك خارجه در سمت خلیج فارس بکلی باز شود مصالح و بستگی بریتانیای عظیم‌وسایر ممالك فرنگستان‌درایران‌خیلی زیاد وزود وسعت‌می‌یافت واز اجرای این‌نوع تدابیر علاوه‌بر آبادی ایران وکثرت کلی مالیات پادشاهی برای رفاه وسعادت ملت ایران‌منتها درجه حسن نتیجه را می‌بخشید (نمره ۷۷) ملکم ۱۳-سپتامبر (۱۸۸٤) ۲۲ ذی قعده (۱۳۰۱)»

تهدیدات سردرموندولف وزیرمختار انگلیس

بعضی از نامه‌های سفارت انگلیس که در اینجا آورده شد نمونه‌هائی است ازیاد داشت های بسیار که بدولت ایران نوشته شده‌ومتاسفانه تمام آنها در دسترس نگارنده نیست.

قبلا گفتم باهمه این تهدیدات وفشارها ناصرالدین شاه درمقابل انگلیسها مقاومت کرد واین موضوع‌را بامروز وفردا گذراند .

درسال ۱۳۰۵ هجری قمری‌سرهنری درموندولف باسمت مامور فوق‌العاده بوزیر مختاری در در بار تهران منصوب میگردد .

راجع باین مرد زیرك ومنظور دولت انگلستان ازاعزام او بایران درقسمت‌های مختلف‌این کتاب گاهی توضیحاتی‌داده شده وفقط لازم‌است‌دراینجا گفته‌شود مسئله‌ای که‌مدت ده سال انگلیس‌هارا بواسطه مقاومت وپایداری دولت ایران بخود مشغول کرده بود

بالاخره بدست سرهنری درومندولف حل میشود وانگلیسها بمقصود خود میرسند .

صدر اعظم ایران در این وقت میرزا علی اصغر خان امین السلطان بود که در آنموقع روابط صمیمانه‌ای باسفارت انگلیس داشت وبطوریکه معروف بود امین‌السلطان هیچ کاری‌را بدون مشورت باولف انجام نمیداد ازجمله مسائل عمده‌ای‌را که ولف مامور حل آنها گردیده بود یکی موضوع اختلاف بین دولت ایران وبارون جولیوس رویتر و دیگر اجازه کشتی رانی دررود کارون بود .

ولف‌این دوموضوع‌را باکمال‌زیر دستی بکمك میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان صدر اعظم ایران بطور دلخواه دولت انگلستان بانجام میرساند .

درملاقاتها و مذاکراتی که بین صدر اعظم ایـران ووزیر مختار انگلیس بعمل میآمد امین‌السلطـان قول میدهد که ناصرالدین شاه‌را وادارخواهد کرد که فرمان‌اجازه کشتی‌رانی‌رودکارون‌را مطابق میل‌ولف‌صادر کند .

دردنباله‌مذاکرات‌امین‌السلطان‌وولف سفارت انگلیس‌یاد داشتی بشرح زیر بعنوان قوام الدوله وزیر امور خارجه میفرستند .

«قلهك مورخه ۱۱ محرم‌الحرام سنه ۱۳۰٦ (۱۸سپتامبر۱۸۸۸)

«جناب مستطاب‌اجل‌اکرم‌اشرف عالی راتصدیع افزاست .

«بنابدستور العمل‌وزیر امور خارجه‌اعلیحضرت پادشاه‌انگلستان‌باید بنظراولیای»
«دولت اعلی حضرت شاهنشاهی ایران برسانم که اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی از»
«سابق‌همیشه‌اطمینان و وعده مشعر براینکه کشتی رانی رود کارون بتجارت تمام »
«عالم مفتوح خواهدشد واینکه‌اقدامات ازبرای تکمیل وسهولت مراوده مابین‌عمان»
«وممالك‌شمالی آندولت بعمل‌خواهدآمد مکرربدولت اعلیحضرت پادشاه‌انگلستان»
«بتوسط نمایندگان آندولت مرحمت‌فرمودند . علاوه بر این بنا بدستورالعملم‌باید»
«بنمایم که هیچ اقدامی‌دراجرای‌آن وعده‌ها بعمل‌نامده وباید سئوال کنم که اولیای»
«دولت‌علیه ایران وعدهای‌خودشان راکی خیال دارند بموقع اجری‌بگذارند.

«راههای منظوره ازبـرای آزاده تکمیل تجارت ممالك خارجه با ایران خیلی»
« واجب است وفعلا آن تجارت بنا بموانع طبیعی عقب مانده فقط راههای دیگر »
«بپایتخت شما بتوسط ممالك دول دیگر است وتجارتی که بواسطه‌آنممالك‌عبور»
«میکند مادام عبور ازآنممالك‌خارج ازتحت قوانین ایران‌است اما دراشاره وسائل»
«ازبرای سهولت تجارت بسمت شمال‌مقصود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان‌این»
«نیست که‌فائده ببرد بنفی‌دیگران وامتیازیکه منحصر بخود دولت انگلستان یاملت »
«انگلیس باشد نمیطلبد بواسطه اینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دوست»
«ومتعهد باایران وبواسطه اینکه عهدنامه مشعر بصلح ومودت بادولت ایران امضاء»
« کرده‌وبواسطه اینکه‌بادولت روسیه اطمینان درحفظ وآزادی ایران داده‌انددولت»
«اعلیحضرت پادشاه انگلستان‌تصورمیکند که حق‌دارد دراین باب نصایح خودشانرا»
« بدولت‌اعلیحضرت‌همایونی‌تقدیم نماید . یحتمل‌اجرای‌فوری اقدامات‌عظیم درتکمیل»

«مراودات این مملکت ازقبیل اقدامی در راههای آهنی وآبی مشکل‌است ولی در»
«صدوریك اعلان‌مبنی براعلام اینکه کشتی رانی دررودکارون حالا وتاابد از برای»
«تجارت تمام ملل آزاداست واینکه دولت ایران قلیل مبالغی از برای راه انداختن»
«کارهای‌لازمه‌رودخانه وساختن‌راههای لازمه‌بسمت‌شمال‌مصروف خواهد نمود نباید»
«اشکالی داشته باشد لهذا دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ازآنجائیکه دوست»
«ومتعهد باایران‌است بدوستدار دستورالعمل دادند که سؤال کنم که کی باید منتظر»
«اجرای اطمینان ووعده‌های سابقه ملوکانه شاهنشاهی بشوند وامیدوارند که‌جواب»
«رسمی که وصول خواهند نمود کاملا مطابق آن اظهارات مودت‌ودوستی بین‌دولتین»
«که تکمیل وبقاء آن مقصود دولت انگلیس‌است خواهد بود دوستدار این موقع‌را»
«مغتنم شمرده‌احترامات خودرا نسبت بآنجناب‌تجدید مینماید محل مهر (وزیرمختار»
«وایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان هنری‌درامندوالف)

فرمان آزادی کشتی رانی رودکارون صادر میشود

این ایام‌مقارن باسالی‌است که ناصرالدین شاه بسفرسوم اروپا میرود ولی قبل ازرفتن بسفر فرنگستان باید درخواستهای وزیر مختار انگلیس ومقدم‌برهمه موضوع افتتاح رودکارون‌برای ورود وخروج کشتی‌های خارجی انجام پذیرد باوجود این ناصرالدین شاه ازعواقب این عمل سخت بیمناك بود وازانجام آن امتناع داشت اما بالاخره بواسطه فشار وتهدیدات وزیر مختار انگلیس ونظر موافق ومیل باطنی امین السلطان تسلیم میشود ودستور میدهد مجلسی از رجال واعیان دولت تشکیل و ترتیب اینکار را بدهند وسرانجام بعد ازمذاکراتی که بعمل میآید تصمیم میگیرند کشتی‌رانی دررودکارون برای عموم دول بدون استثناء آزاد باشد واین تصمیم را در تاریخ سه شنبه ۲۴ صفر ۱۳۰۶ (۳۰ اکتوبر۱۸۸۸) به‌تمام‌نمایندگان‌سیاسی مقیم تهران بموجب یاد داشتی بشرح ذیل اطلاع میدهند .

بسفرای دول متحابه

«دولت علیه ایران نظربوسعت تجارت وآبادی‌مملکت خودوترقی فلاحت خوزستان واهواز قرار داده‌است که کشتی‌های بخاری تجارتی عموم دول بدون استثناء علاوه بر کشتی‌های بادبانی که سابقاً دررودکارون عبور ومرورمی کردند دررودکارون ازمحمره الی سد اهواز بحمل ونقل مال‌التجاره مشغول باشند ولی مشروط است بر اینکه ازسد اهواز ببالا تجاوز نکنند زیراکه ازسد ببالا مخصوص کشتی‌های بادبانی و تجارتی خود دولت ایران وتبعه دولت ایران‌است وحق‌العبوری هم‌که دولت ایران قرار داده‌است در محمره اداکنند و حامل اشیائی که قدغن دولت ایران است نباشند وبیشتر ازاندازه‌که برای‌گرفتن وگذاشتن بارهای تجارتی لازم است توقف نکنند بجهة استحضار خاطر آنجناب زحمت داد مورخه۲۴ شهر صفر۱۳۰۶»

درومونددولف وزیر مختار انگلیس که انجام این کاررابرای خود موفقیت‌بزرگی میدانست روز بعد وصول یاد داشت مزبوررا اینطور بوزارت امورخارجه اطلاع میدهد.

«(۳۱ اکتوبر۱۸۸۸)

«جناب جلالت‌ونبالت نصابافخامت‌ومناعت‌انتسابا دوستان استظهاراً مشفقاً مکرما»

«مهربانا دوستدار بدون هیچ تعویق جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه اعلیحضرت»
«پادشاه انگلستان را ازوصول مراسله آنجناب جلالتمآب مورخه بیست وچهارم شهر»
«حال مشعر براعلام افتتاح رودکارون الی اهواز بکشتی‌های بخاری وبادی عموم ملل»
«متحابه باایران مطلع ساخت .
«بنا بدستورالعمل جناب جلالتمآب مارکیوس آف سالیسبوری باید قدر شناسی»
«صمیمی اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس راازاین صلاح دید لامحرك منور»
«اعلیحضرت اقدس شهریاری باولیای دولت علیه ایران اظهار نماید . زیاده مصدع»
«نمیگردد فی ۲۵ صفر سنه ۱۳۰٦
« محل مهر (وزیر مختار وایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان»
«هنری درامندولف)

بعداز چندی شرایط ومقررات کشتی‌رانی رود کارون را تهیه و بصورت اعلان چاپ وبشرح زیر منتشر می‌سازند .

(اعلان دولتی)

دولت علیه ایران برای تسهیل تجارت ومزید ثروت وانتفاع ملکیه رودکارون رادرتحت شرایط مشروحه ذیل مفتوح وآمد وشد کشتی‌های تجارتی عموم ملل را از محمره الی اهواز مجاز وماذون داشته است کشتی‌ها در رود مزبور سیر و مرور کرده مقررات دولت را لازم الاجراء خواهند شمرد و این قرار داد درظرف ده سال بلاتخلف مجرا وپس‌از این مدت باقتضای وقت تغییرات لازمه خواهد یافت .

۱ــ کشتی های دول متحابه زیاده بر ضرورت بارگیری و باراندازی و حمل آذوقه مسافرت در اسکله ورودخانه توقف ننمایند .

۲ــ درکشتی‌ها اشخاصی که وجودآنهامضرنظم وباعث گفتگو وزحمت بشود نباید باشند هرکس‌می‌آید باید تذکره از دولت متبوعه خود داشته باشد زیرا که اگر تذکره نداشته باشد فهمیده نمی شود که کارش چه چیز است .

۳ــ هیچ کشتی حق هیچگونه حمایت بهیچ اسم و رسم از رعایای دولت ایران نخواهد داشت .

٤ــ حمل اسلحه مطلقا قدغن است واگر بخلاف قدغن دولت درکشتی‌ها اسلحه حمل‌شده باشد ضبط خواهد شد .

٥ــ اشیاء محترقه وترکنده بهیچوجه درکشتی‌ها حمل نخواهد شد .

٦ــ صاحبان کشتی و جهامن‌الوجوه ایجاد هیچگونه ابنیه از قبیل انبار زغال ومال‌التجاره و دکان وکاروانسرا وکارخانه و غیره هادر اطراف رودکارون نخواهند کرد .

۷ــ از برای وضع مال‌التجاره و ذغال کشتی ها از طرف دولت یا تجار ایران انبار ومکان اسکله بقدر کفایت ساخته خواهد شد .

۸ــ ازبرای انبارهای مال‌التجاره وذغال یك مبلغ معتدل معمولی اجاره معین خواهد شد که صاحبان کشتی ادا خواهند کرد .

۹ــ تحویلدار انبار ذغال ازرعایای ایران خواهند بود .

۱۰ــ کشتی‌ها از بند اهواز تجاوز ببالا نخواهند نمود .

۱۱ــ از برای انبار مال‌التجاره یك امین از ایران منتخب خواهد شدویکنفر هم از جانب کل صاحب کشتی‌ها وکالتا مشخص خواهد شد که متفقا مراقب باشند .

۱۲- مستحفظین انبارهااز قبیل قراول وغیره کلا از جانب ایران خواهند بود .

۱۳- اهل هیچیك از کشتی ها حق ندارند وجها من‌الوجوه از أحدی از رعایای ایران هیچگونه ملك بیع وشراء ورهن وغیره نمایند .

۱۴- از کشتی‌هائی که در رود کارون الی‌نقطه اهوازعبورومرور میکنند دهاباوایابا اگر کشتی بخاراست بهرتن یکقران واگر بادبانی باشد دهشاهی باج وحق‌العبور گرفته میشود اگر بی‌بار باشد نصف باج از آنها گرفته خواهد شد و کشتی‌های بادبانی رعایای داخله ایران که از سی تن کمتر باشد از رسوم مزبور معاف خواهند بود .

۱۵- حمالها برای حمل مال‌التجاره از اسکله بکشتی واز کشتی باسکله باعلامت و ثبت مخصوص از جانب دولت معین خواهند شد .

۱۶- در صورتی که دژ کشتی‌ها باجازه دولت ایران عملجات ایرانی استخدام شوند از زمانیکه تحت محاکمات بیایند یا متهم شوند محاکمه و مجازات آنها مستقیما بدون مداخله احدی با مامورین ایران خواهد بود .

۱۷- در باب بیرق کشتی‌ها تحت قانون کلیه بحریه خواهند بود .

۱۸- اهل کشتی‌ها بعموم رعایای ایران باستثنای عمل داد وستد تجارت .زیاده از دو تومان قرض نخواهند داد والا حق مطالبه نخواهند داشت .

۱۹- هیچیك از دول متحابه حق ندارند مداخله در عمق و طرح و مجرای رودخانه وجها من‌الوجوه نمایند.

۲۰ عدد واسم ورسم اشخاص که باذن واجازه دولت داخل خدمت کشتی‌های دول متحابه می شوند باید در دفتر حکومت مقید باشد وتذکره از ایران داشته باشند والا نمی‌توانند مستخدم شوند .

۲۱- چون این اجازه عبور ومرور کشتیهای تجارتی دول متحابه در رود کارون منحصراً و مخصوصا محض ترویج وتسهیل تجارت است ولا غیر باستناد این عمل بهیچوجه من‌الوجوه مذاکره پلتیکی و غیره قبول نخواهد شد .

۲۲- دروقتی که یك کشتی غرق بشود همان معامله که در عموم سواحل دریاها معمول‌است‌حق‌خلاص مال ونفوس را باهل ساحل رودخانه ادا خواهند نمود .

۲۳- اهالی کشتیها اشیاء مضره از قبیل اسلحه وغیره بهیچیك ازرعایای ایران وایالات وعشایرنخواهند فروخت والا اسلحه ضبط وقیمت مسترد خواهد شد .

۲۴- هرگاه هریك ازکشتیهای یکی از دول متحابه برخلاف این شروط وقرارداد رفتار نماید اگر کشتی بخار است ششصد تومان واگر بادی است سیصدتومان جریمه گرفته خواهد شد وآن کشتی تا دوسال ممنوع از آمدو شد خواهد بود . »

مقررات بیست وچهارگانه فوق رانیز در تاریخ ۱۳ماه ربیع الثانی ۱۳۰۶ ضمن مراسله مختصری بسفارتخانه‌های خارجی اطلاع میدهند وهمچنین‌برای استحضار عامه‌متن اعلان مزبور را در روزنامه رسمی ایران شماره ۶۷۷ مورخ‌یکشنبه نهم‌ماه جمادی‌الثانیه ۱۳۰۶ (دهم فوریه ۱۸۸۹) درج میکنند .

مخالفت‌روسها

قبلا گفتیم که علت عمده امتناع دولت ایران در دادن اجازه کشتی‌رانی در رودکارون مخالفت‌روسها بود زیرااین‌امرهم از لحاظ سیاسی واز هم جهت اقتصادی لطمه شدیدی بمنافع آنهادر ایران میزد .

بعضی ازیاد داشت های سفارت انگلیس واعلان آزادی کشتی رانی در رود کارون که رویهم از آنها عکس گرفته شده است

میرزا عباس خان قوام‌الدوله وزیر امور خارجه وقت درنامه‌ایکه برای میرزاملکم خان ناظم‌الدوله‌وزیر مختار ایران‌در لندن‌نوشته جریان ملاقات واعتراض شارژدافرسفارت روس بامین‌السلطان راجع بنظریات دولت روسیه درباب اجازه کشتی‌رانی دررود کارون وجواب ناصرالدین شاه‌را چنین شرح میدهد

«جناب ناظم‌الدوله‌فدایت شوم ازسابقه این مطلب‌استحضاردارید که سالهاست»
« اراده مقدسه همایونی روحنا فداه متوجه آبادی اهواز وتجدید ثروت و تمول »
« مملکت خوزستان وازدیاد مراوده ومعموریت آن‌سامان میباشد چون این مسئله »
« مشروحا در روزنامه ایران نوشته شده‌است‌ویك نسخه آن‌را حالا برای شمافرستاده»
« لازم ندیدم شرح وبسط بدهم از خواندن روزنامه مطلب‌بشما معلوم خواهد شد»
« بعلاوه اعلان عمومی هم بهمه سفرای دول خارجه‌مقیمین دارالخلافه طهران شد که»
« سواد آن راهم‌برای آن جناب سامی فرستادم‌قبل‌ازآنکه این سرکلر برای‌سفرا»
« فرستاده شودشارژدافردولت روس که از این اقدامات‌دولت‌اطلاع حاصل کرده‌بود»
« دو مجلس باجناب اجل‌اکرم امین‌السلطان‌دام‌اقباله ملاقات کرده مذاکراتی نموده»
« که برای اطلاع آن جناب عالی حاصل مذاکرات هردو مجلس‌را قلمی‌میدارد .

« درمجلس‌اول‌اظهار کرده بودشنیده‌ام‌سرکاراقدس‌همایون‌باانگلیس‌ها قرارومدار»
«کتبی داده‌اندوعنقریب بامضای همایونی‌خواهد رسید وقرار داده‌اند که کشتی‌های »
« انگلیس داخل رودکارون بشوند وعبور ومرور کنند واین‌کار موافق‌صلاح‌دولت»
« ایران نیست در مجلس دوم که برای تحصیل جواب آمده بود جواب باو داده‌اند»
« که سرکار اقدس همایونی خیلی تعجب ازاین اظهار شمافرموده و میفرمایندابدا »
« قرار ومدار کتبی در هیچ باب با دولت‌انگلیس‌داده نشده‌است‌وابداهمچواختصاصی»
« بدولت انگلیس داده نشده که کشتی‌های آنهامخصوصا وبالانفراده‌از رودکارون»
« عبور ومرور نمایند دولت ایران قرار داده‌است‌پائین رودکارون از سد اهوازالی»
« محمره که قریب پانزده فرسخ است کشتی های عموم ملل علاوه برکشتی های»
« بادبانی که سابقا عبور ومرور میکردند بکنند آنهم مشروط بشروطی است که »
« در سرکلر عموی خواهید دید وکارهائی که در عربستان‌میشود از قبیل ساختن‌سد»
« اهواز وهمین کشتیرانی دررودکارون وامثال آن تمام ازامور داخله وبرای آبادی»
« عربستان است و چون بنظام‌السلطنه حاکم عربستان که تازه رفته است بعضی»
« دستورالعمل‌ها برای آبادی عربستان‌داده شده که‌این‌قسمت‌بزرك‌حاصلخیز که بهترین»
« قسمت‌های خاك ایران است لم‌یزرع وبایر نماند حاکم عربستان هم بعداز ورود»
« آنجا ملاحظات لازم نموده وبعضی‌راپورتهافرستاده که‌اینهاهم‌از جمله همانهاست»
« ودولت‌ایران هرکاری‌رابخواهددرخاك خودبکند نباید شما حمل بخواهش وقرار»
« ومدار بادولت انگلیس بکنید ابدا بخواهش دولت انگلیس این‌کار نشده است »
« پس‌ازاین اظهارات ، شارژدافرمیگویدراست است که باظهار دولت انگلیس نشده»
« است ولی باظهار حاکم عربستان هم که‌شده باشد بالاخره نفع آن عاید دولت »

« انگلیس خواهد شد و آرزوی دولت انگلیس بعمل آمده است ودولت روس نمی»
« تواند این را ببیند و بهتر این است اینکار را ترک کنید .
« جواب داده‌اند که اگر باین تصور بایداقدام بکاری‌نکرد پس چون هر کاری»
« بشود تصور میشود که خیال یکی بعمل آمده است بایدتمام کارها را بهمین خیال»
« ترک کرد واقدام بهیچ نوع اسباب آبادی وترقی‌نکرد واین هم غیر ممکن است»
« برماهمینقدر است که بشما بگوئیم واطمینان بدهیم که این کارابدا باظهار دولت»
« انگلیس نشده است واطلاع هم نداشته است وقرار ومداری هم بااودراین مسئله»
« داده نشده است اینکار محض ترقی فلاحت وزراعت وخرما فروشی و متاع خارج »
« کردن وبفروش رسانیدن ازعربستان واهواز است واگر از آمد و شد کشتی‌ها »
« فایده ملحوظ است آن فایده رادولت ایران‌بعموم ملل‌داده است ویکی‌هم دولت»
« انگلیس‌وبکی‌هم‌دولت روس‌است بفاصله‌چندروز که آن‌اعلان‌عمومی‌را بسفرافرستادیم»
« ازمن وقت‌ملاقات خواست وآمداظهارحیرت وتعجب ازاین فقره‌نمود که دومجلس »
« باجناب‌امین‌السلطان در این باب حرف زدیم قرار بود اظهارات مارا بخاکپای »
« همایونی عرض‌کرده جواب بدهد منتظر آن‌جواب‌بودیم که کاغذ رسمی وزارت »
« امور خارجه رسید من گفتم اینکار اهمیتی ندارد وهیچ خیال وتصور نمیرفت که»
« محل حرف و گفتگو بشود وکار معتنابه نبوده ونیست .
« آنچه لازم بود از بابت عدم سنگینی این کار باو بیان کردم خواهش کرد که»
« بعرض خاکپای مبارك برسانم که کشتیرانی‌در مردابها ورودخانهائی که‌ازخاك»
« دولت‌ها میگذرد باختیار آن دولت ومنافع آن عاید رعایای آن دولت میشود »
« مثل مرداب انزلی وسایر وعلاوه همینکه انگلیس‌ها حق‌عبور و مرور کشتی در»
« رودکارون بهم‌رسانیدند طولی‌نمی‌کشد که اراضی دوطرف نهررا بهر وسیله و»
« بهانه باشد تصرف خواهند کرد وچون دولت روس در حفظ منافع ایران نهایت »
« اهتمام را دارد این‌است که لابد این بیانات‌را مینمائیم‌ونیز اظهار کرد که چون»
« باولیای دولت خودم هنوز نرساندم وماموریت ودستورالعملی ندارم شرفیابی »
« خاکپای‌مبارك را استدعا نکرده‌ام‌دور نیست مرا مامور نمایند شرفیاب شده »
« بعضی عرایض لازمه را دراین باب بکنم.
« این اظهارات شارژدافر روس را من بعرض خاکپای همایون روحنا فداه »
« رسانیدم فرمایشات ملوکانه باینطور صادرشد که صورت آن در ذیل نوشته میشود»
« ولی برای شارژدافر قرائت کردم وصورتی از آن خواست و نوشته برای او »
« فرستادم وبجهت استحضار جناب شماهم عینا قلمی می شود « اظهارات شما را»
« بتفصیل بعرض خاکپای مبارك همایون شاهنشاهی‌رسانیدم فرمودند اولا فقره‌رود»
« کارون بخواهش ومیل انگلیس نشده است دراین‌مسئله تفصیلی در روزنامه رسمی»
« ایران که در طهران باسمه میشود نوشته شده است که البته ملاحظه کرده یا»
« خواهند کرد و بعلاوه اعلان رسمی بتمام سفارت‌خانه‌های دول متحابه که‌سفرای»

« آنها درپای تخت ایران توقف دارند نوشته‌ایم هیچ اسم‌اختصاصی دولت انگلیس»
« در آنها ذکر نشده است محض رواج تجارت وحمل ونقل متاع وغلات ایران »
« بخارج وآبادی ولایت چنین اعلامی وچنین‌اذنی بدخول وخروج کشتی های تجارتی»
« بخاری و غیر بخاری جمیع ملل روی زمین داده ایم وهمه کشتی تجارتی دارند »
« چرا پای انگلیس را بمیان می‌آورید شایدانگلیس هم‌از این‌اعلام خوشحال‌بشود»
« خوشحالی او یابد حالی اودلیل نمیشود که ماازصرفه و صلاح و نفع و ضرر »
« خودمان و آبادی ولایت ایران صرف نظر نمائیم ودست بروی دست گذارده »
« حالت وحشی‌های‌ینگی‌دنیا را بهم‌برسانیم .

« روز بروز جمیع ممالك روی زمین در ترقی است ماچرا اسباب ترقی‌وآبادی»
« مملکت خودمان را فراهم نیاوریم چرا باید راه نسازیم وکارخانه‌جات احداث »
« ننمائیم که از هرچیز محتاج بممالك خارجه باشیم اگر تا حالا اقدام بساختن »
« بعضی راهها کرده بودیم دوسال یکمرتبه سه‌سال‌یکمرتبه غلاوقحطی بعضی‌شهر»
« های ایران خاصه طهران را مستاصل ومردم‌آنرا پریشان نمیکرد جمیع دول روی»
« زمین یاسلطنت مستقله هستند یاسلطنت‌مشروطه‌یاجمهوری درمیان دول روی‌زمین»
« پارهٔ دولت‌ها بهم میرسد که خیلی کوچك میباشند همه در مملکت وولایت وخاك»
« وزمین وامور داخله خودشان مستقل ومختارند که هرقراری درداخله خودشان »
« میل دارند وصرفه وصلاح خود را درآن‌می‌بینند میدهند دولت ایران که از همه»
« قدیمتر وهمیشه سمت استقلال را داشته ودارد چرا باید باندازه‌یك دولت پست»
« کوچك هم استقلال در داخله خود نداشته‌باشد هرقراری راکه مقرون بصرفه و»
« صلاح وآبادی مملکت خود میبینند ندهد .

« وضع دولت ایران طوری شده است که هیچ دولتی باین حالت نیست دولت »
« ایران میان‌رقابت‌دولتین‌روس‌وانگلیس گیر کرده است‌هر کاری‌مبنی‌بصرفه‌وصلاح و»
« آبادی‌مملکت خودمان‌درجنوب‌ایران‌بخواهیم‌ازساختن‌راه وسایر‌بکنیم دولت‌روس»
«میگویند برای‌منافع‌انگلیس‌میکنندچنانکه درمسئله رودکارون‌همین‌طورمیگویند راه»
«هم‌بخواهیم‌بسازیم‌همینطورمیگویند‌درشمال‌ومغرب ومشرق‌ایران اگربخواهیم چنین»
«کارها بکنیم انگلیس‌ها میگویند‌بملاحظه‌منافع‌روس‌اقدام‌باینکارها کرده ومیکنید »
« چنانکه در ساختن راه قوچان وراه‌آهنی که حاجی‌محمدحسن در کار ساختن »
«در محمدآباد کنار بحر خزر است مکرر همین‌اظهارات را کرده‌اند تکلیف ما »
« مشکل شده است وروز بروز مشکل‌تر خواهد شدپس یکمرتبه روس و انگلیس»
« بیایند و بگویند دولت ایران دولت مستقل نیست هرچه‌بگوئیم‌باید آن‌طوربکنید»
«آبادرمیان دول روی زمین از بزرك وکوچك حتی بلغاری که تازه سری‌میان »
« سر ها بیرون آورده و صرب و یونان یك دولت هست که زیر بار این»
« حرفها برود .

« دولت خودمان را میخواهیم آباد کنیم کارخانه بسازیم‌قرارهائی‌بصرفه وصلاح»

« دولت وملت خودمان بدهیم دولتین انگلیس وروس چه حقی دارند بکارهای داخله ما که»
« این حرفها را بمیان بیاورند واین سئوالات را نمایند کشتیهای جنگی وتجارتی»
« انگلیس سالیان دراز است که از بندرعباس وسواحل بلوچستان که بسته بسند است که»
« آن سواحل کلا تعلق بایران دارد الی محمره همیشه در گشت و گذار است تا امروز»
« چه خلافی از آنها ظهور کرده است که بعدازاین دردخول وخروج یکی دو تا»
« کشتی تجارتی در رود کارون ظهور نماید کشتی‌های تجارتی جمیع ملل روی »
« زمین و کشتیهای روس هم گشت و گذار خواهد کرد اگرخلافی از کشتیهای انگلیس»
« وسایر ظهور نماید چطور ممکن است مامورین وحکام ایران باولیای دولت ما»
« اطلاع ندهند وچطور ممکن است در مقام ممانعت بر نیائیم و ساکت بمانیم هـر»
« پادشاهی مسئول است که پی منافع وترقی دولت وتربیت ملت وآبادی ولایت خود»
« برود اگر نکند خلاف مسئولیت کرده وبتکلیف پادشاهی خود رفتار نکرده است»
« بنابراین مسئله رامکرر میکنیم رقابت روس وانگلیس طوری شده است کـه»
« مثلا اگر بسمت شمال ومشرق ومغرب مملکت خودمان بخواهیم بگردش وشکار »
« برویم باید بادولت انگلیس مشورت بکنیم چون سمت سرحدات روس است شاید»
« او خیالی بکند وبرنجد وهمچنین بسمت جنوب اگرمیل بکنیم باید از دولت روسیه»
« مشورت بکنیم .

« شما تصور نکنید که هیچ دولتی درروی زمین از بزرك و کوچك این حالت»
« حالیه مارا دارد آیا مایك دولت مستقله نیستیم که اختیارمحوطه مملکت خودمان»
« را داشته باشیم وبآزادی بتوانیم حرکت مصالح دولت خودمان را بنظر بیاوریم»
« البته ایران مستقل است وآنچه صلاح وقت مملکت وداخله خود را بداند بدون»
« اینکه منتظر باشد از دولت دیگری مشورت بکند یامنتظر سئوال وگله آنها بشود»
« البته باید بکند و اگر نکند خیانت بدولت وملت خود کرده است .

« اظهاراتی هم که بجناب امین السلطان کرده بودند همه را بعرض رسانده »
« بودند جواب آنها رادر مجلس ثانوی بشما اظهار کرده بودند که حالت انتظاری»
« برای شما باقی نمانده باشد این بود که دیگر شمارا زحمت نداده بودند تمام این»
« فقرات را برای استحضار آن جناب سامی نوشته که مستحضر باشند زیـاده »
« زحمت است . فی ٤ شهر ربیع الاول ۱۳۰٦ مهر قوام الدوله »

روزنامه‌های روسیه نیز پس از انتشار فرمان آزادی رود کارون حملات شدیدی بدولت ایران میکردند ومقالات زیادی راجع باین موضوع مینوشتند وبرای اطلاع بیشتر باید به بخش سوم مراجعه شود و در اینجا برای نمونه مقاله ای را که روزنامه روسی بنام «قفقاز» در شماره مورخ بیست و هفتم ماه نوامبر سال ۱۸۸۸ درج کرده نقل مینمایم

«ترقی نمایان سر دروموندواف (وزیر مختار انگلیس) درطهران در امور دیپلوماسی که اختیار سوق کشتی‌رانی در نهررود کارون را بانگلیسها بخشیده درعالم مطبوعات پایتخت ماانقلاب عظیمی پیدا کرده است واین

یکی جای خرسندی است زیرا که از وقوع این فقره بطور یقین مشهود میشود که مطبوعات ما نیز درخصوص موانع پیشرفت تجارت روسیه در بازار ایران که اهمیتش زیاد از آن است که تاحال تصور نموده‌اند سخن‌میرانند ولی جای‌افسوس‌این‌است که در این واقعه مابمثل مشهورخود که میگویند (عقل پسین‌روسها) برخورده ایم .

نویسندگان مطبوعات پایتخت پی‌درپی مقابل یکدیگر ایستاده باکمال گرمی بتصریح اهمیت نهر کارون برای پیشرفت تجارت انگلیس در بازار ایران میکوشند در صورتی که این احوالات تازگی نداشته وقرنها است که اولیای دولت انگلیس دراین صدد بودند ودرین‌باب روسیه هم‌زحمات زیاد کشیده و اوراق بی شماری نوشته شده وحتی خود اولیای دولت انگلیس مطبوعات مارا بامسئله نهر کارون‌آشنانمودند منتها اسم نهررا فقط‌در آن وقت ذکر نکرده وبادولت عثمانی بنای مجاجه گذاشتند که تعمیر قلاع‌وغیره در حدود ایران که مانع آزادی سفاین تجارتی در شط‌العرب وفرات ودجله تواند بود باید موقوف بشود اگرماهم‌از اوضاع مکانیت آنجابموجب تحقیقات‌خود ونه بموجب اطلاعات مأخوذه ازروزنامه‌های انگلیسی‌باخبر بوده وازترقیات‌وپیشرفت‌تجارت‌انگلیس در خلیج‌فارس‌وامکان‌سوق کشتی درنهر کارون‌مطلع میشدیم‌آنوقت‌البته که ماهم باکمال‌عجله برای‌سد جلوایشان‌تدابیر لازمه بعمل‌آورده نمیگذاشتیم که بازارایران‌راغصب‌نموده وتجارت‌روسیه‌را تهدیدنمایند وحال‌اینگونه‌تدابیر وترقیات دیپلوماسی سردرومندولف که‌دفعة بظهور رسیده مارامشوش‌وپریشان‌ننموده وموجب‌این‌همه مقالات‌پریشان وبی‌ثمر که صحایف روزنامه‌های پایتخت راپر کرده نمی‌شد بگمان ماواهمه ماکه‌بسبب‌این ترقی جزئی که فی‌الجمله‌موجب تسهیل امور حمل‌ونقل امتعه انگلیس ببازارایران گردیده نباید بدانقدرها باشد که تصور مینمایند زیرا این یکی خودمایه شر بزرگی نیست اماشر بزرك راقدری در آنطرف‌تر از غصب امتیاز سوق کشتی در نهررود کارون‌یعنی در مقابل اوضاع عمومی تجارت انگلیس در خلیج فارس باتجارت عمومی روسیه در شمال مملکت دولت متحابه ماباید جست دراینجا یك جمله معترضه که نیز کاشف مسئله‌عمده همین فصل است عرض می‌شود ماباره‌ها‌نوشتیم این راکه اگرچه روسیه در ترویج وتکمیل صنایع وغیره از مغرب اروپ خیلی عقب مانده لیکن بعد از جنك قدیم آنقدر قوه بهمرسانیده است که بدون اینکه زحمات مقدمات را بمرور دهور متحمل شود یکدفعه می تواند نتیجه تمدن مغرب را باینجا بیاورد وخاطر جمع شود اگر روی قاعده نتیجه را تحصیل نماید در همه‌جا بیکدفعه شکوفه‌تمدن شکفته خواهد گردید چنان که بحکم‌قانون کلیه طبیعت در سایرجاهااول ریشه‌وبیخ‌بزمین رفته و استحکام یافته وشاخ وبرك پیدانموده بعدشکوفه داده است در مملکت ماهم میبایست‌اینطوربشود تاثمر ثمر گرددو چنانکه کلمه آخری علم فلاحت هم همین‌را بیان مینمایداما دراینجا اینطور باید گفت که‌ماشکوفه های تمدن را از ممالك مغرب اروپ مانند بعضی چیزهای دیگر اخذ نمودیم ..... »

راجع بمخالفت روسها میرزامحمودخان علاءالملك وزیرمختار ایران‌درپطرزبورغ گزارشی در تاریخ ۸ربیع‌الثانی ۱۳۰۶ هجری قمری بتهران فرستاده است که برای‌مزید اطلاع متن‌آنرا عینا درزیر نقل میکنم .

سفارت دولت علیه ایران در پطربورغ — نمره ۵۷

۸ربیع‌الثانی ۱۳۰۶

ایلچی کبیر آلمان دیدن‌این بنده‌آمده بود بفاصله‌مهمان دیگری‌وارد شد مومی الیه صحبت مختصری کرده رفت چندروز دیگر که بنده بازدید کرد مومی‌الیه صحبت از انتشارات روزنامها بمیان آورده از بنده تحقیق مسئله رودخانه کارون ومامورین ولاصوف رابمشهد بسمت جنرال قونسولگری وغیره نمود گفتم درهمه اینها هرچه روزنامه بنویسند واغراق گوئی وبدزبانی می‌کنند از روی بی‌اطلاعی واغراض نفسانی پارهٔ کسانیست که مهیج خیالات هستند ودر باز کردن کارون دولت علیه ایران ابدا خیال تحقیر ویا نقص واردآوردن‌بروسیه یا بدوستی دولت روس نداشته مسئله داخلی و محض برای آبادی مملکت وصلاح وسعت معاش مملکتی خودش است که عبارت ازاکونومی پولیطیك داخله باشد هیچ دولتی را بدیگری در دخول به آن رودخانه ترجیح‌نداده است گفت اینفقره راست است گفتم اینفقره که‌روسها میگویند مانمی توانیم بهره از آنجا ببریم تقصیر وضع

جغرافیائی مملکت است انگلیسها هم‌در مغرب و شمال در کنار دریای‌خزر وغیره نمی توانندبهره‌ببرند پس‌آنها نیز باید ازما اراضی‌بشوند شمادر باطوم بقدر عثمانی وفرانسه بهره نمی برید پس باید با این دول دشمن باشید گفت حق‌است من‌ابدا حق تکدری دراین باب بروسها نمی بینم‌گفتم مسئله جنرال قونسولی ولاصوف‌رانیزدولت ایران ازراه دوستی صلاح ندانست اولا قبل‌از مامور نمودن این شخص ابدا بدولت ایران خبرنکردند نگفتند ما چنین خیالی داریم تاآن‌هم موانعی راکه در نظر دارد شمرده اتفاق رای‌حاصل گردیده از آن رو رفتار شود یکدفعه گفتند فلان‌آدم را بفلان سمت بمشهد روانه کردیم دولت علیه هم‌جواب‌داد که میدانید مشهد مثل کربلا ونجف ومدینه و مکه جای مقدس مسلمان‌هااست در آن‌جاها مامور غیر مسلم تاحال‌دول خارجه معمول نشده بفرستند وانگهی‌اگر شما فرستید انگلیسها هم می‌فرستندگفت مامور انگلیسی‌مگر مسیحی نیست گفتم خیر مسلمان است حتی‌چون اوخان بود ومامور روس بیك‌ودر ایران لقب خانی درنظر ملت عظمش بیشتراست برای دوستی خالصانه بموجب خواهش روسها دولت علیه بمامور روس‌کریم بیك لقب‌خانی داد گفت پس می گویند انگلیسها یکنفر جنرال وچند نفر آدم دارند ومدتها است در مشهد میباشد گفتم اگر هم باشند سمت‌ماموریت به آن‌جا ندارند شایدعبوراًآن‌جا باشند چنانچه شنیده‌ام در سرحدات ایران وافغانستان یك مسئله متنازع فیه بوده و دولت علیه‌مامور معین کرده است که بامامور انگلیس که حکمیت خواهدکرد بروند در میانه قطع‌نزاع نمایند شاید همان مامورین باشند که عبوراً آنجا هستند وباید باهنه‌وستان وطهران سئوال وجواب نمایند و کار طول کشیده تاحال آنجا مانده‌اند چنان‌چه مامورین تحدید حدود روس وایران هم‌بآخال تکه رفته بودندسه‌ماهه عمل‌را تمام نمایند سه‌سال کشید واینکه می گویند گندم ازلطف‌آباد قدغن شده بروسیه ندهند اینفقره را هم کارگذاران روسیه خوب می‌دانند گاهی آنجاها زراعت بداست و ماراه دریا و راه آهن نداریم که‌از جای دیگر گندم بیاوریم اگر آذوقه‌خودمانرا بهمسایه‌بدهیم قحطی می‌افتد لهذا اگرزراعت خوب است زیاده رامیفروشند اگر کم‌است حکومت حمل‌غله راقدغن می کند وتازگی ندارد بازهم سه‌سال قبل اتفاق افتاده بود وهرگز روسها رنجش حاصل‌نکردند حالاهم‌اگرغله‌قدغن‌شده‌باشد ازاین‌بابت‌است‌خیلی تعجب کردگفت من‌دراینباب هنوز با مسیو غرس هیچ‌صحبت نکرده‌ام ایندفعه‌آکادمیك مان صحبت میکنم به‌بینم چه‌میگوید گفت حالاچه می خواهند گفتم بنده که نمی‌فهمم همان‌هااست که در روزنامه می‌خوانید میگویندرودخانه کارونرا باید دوباره بست خیلی‌خندید گفت هرگز چنین کار ممکن نیست که اسباب‌خنده عالم‌میشود گفت‌شنیدم‌اعلیحضرت همایونی خیال سفرفرنگستان را دارند گفتم سابق مینوشتند که تشریف خواهند آورد هنوز تکذیب این‌خبر نشده‌است گفت دیگر چه بهتر از این میشود که اعلیحضرت همایونی‌آستینهارا بازکرده(۱)قبول‌نمایند ورفع این ماجراها بشود خیلی‌غریب‌است که اینها آسوده نمی‌توانند به‌نشینند گفتم اینهمه ازخوبیهای خودشان درحق مانقل‌کرده درروزنامه ها بنویسند آیا ماکمتر کرده‌ایم‌درجنك سواسطاپول که‌همه درضدروسیه‌بودندآیا درکمال دوستی باروسها راه نرفتیم مگرنمی توانستیم که باعثمانی ها باشیم آنوقت قفقازبهمین حالت میماندودر جنك‌آخری‌روس باعثمانی ده‌هزار قشون‌درخوی جلو قشون روس گذاشتیم زورمختار پاشارا ضعیف نمود آذوقه بروس دادیم اکرادها را مانع ازچپاول شدیم

بیست هزار در سرحدات بغداد و کردستان لشکر گذاشتیم بعداز جنك کردها که بما چپاول‌آوردندنوعی انتقام‌کشی از مابود آن‌ها راهم قشون خودمان‌دوانید وسرکرده‌هایشانرا گرفت بسزا رسانیده ماگناه نکردیم‌بروسها در عالم دوستی اطلاع دادیم آنها هم‌برای حفظ سرحدات خودشان بقدر چهار هزار قشون نزدیکی نخجوان که نزدیك بسرحدات جلفای ایران است فرستادند .

درمسئله آخال تکه بااینکه تراکمه نه اسلحه داشت ونه صاحب منصب‌شنیدید ودیدید چه قدر روسها بخرج وخسارت افتادند اگر دولت ایران عوض اینکه بروسها آذوقه وشتر دادکمك کرد وتراکمه را ناچار به تسلیم نمود بالعکس پروطلبت بیارهٔ حقوق خودکرده وکمك بتراکمه می کردکار اینطور سهل تمام نمیشد فقط گناه ما یك چیزاست که روسیه‌را دوست خود دانسته قشون خودمانرا بدوکرورترسانده‌ایم وهمیشه بمراقبت

1 _ a bras ouvert

وموافقت راه رفته‌ایم گفت همه اینها راست است در هرموقع خیلی روسیه ازشما مساعدت دیده‌است گفت شما در انزلی رودخانه ندارید گفتم یك رودخانه کوچکی است تابه پیره بازار گفت آنجا کشتیهای روس میآیند یانه گفتم خیر اجازه دخول کشتی خارجه بآنجانیست گفت آنجارا اجازه‌بدهید کشتی‌های روس بیایند گفتم اولا دولت ایران به تصورش‌نمیآید که برخلاف دوستی روسها درنقص آبروی او کاری کرده باشد تابمقام تدارك او برآید ثانیاً هم اگر چنین چیزی باشد تادولت ایران‌اظهار چنین چیز کند توقع روسهابیشتر میشود صحبت اینجا تمام‌شد .

همچنین پارهٔ اشخاص معتبر مملکت ازبنده‌تحقیقات که‌می کنند مسئله‌رابطورحقانیت بیان کرده‌است‌امروز هم روزنامه‌اووی‌ورمیا طرز خودرا عوض کرده ویکدرجه تکذیب گفته‌های سابق خودرا می کند .

بروزنامه نووسطی هم میرزا رضا خان مستشار را فرستاد مطلب را حالی کرد آنهم خیلی خوب وبطور انصاف نشر اخبار میکند وتکذیب اخبار بعضی روزنامه‌هارا می کند واز دوستی دولتین ایران وروس سخن میراند روزنامهای خارجه هم بضد روزنامه‌های روسیه‌فصل‌ها مینویسند آنچه که‌از روزنامه‌ها ممکن بود باترجمه‌فرستاد باقی‌رابدون ترجمه‌فرستاده وقید کرده‌است که معلوم شود کدام یکی‌ترجمه‌نشده‌است .

امیدوار است بمرور اصلاح خیالات بشود تمام این آبهارا یکنفر گل آلود می کرد که ماهی بگیرد هروقت هم روزنامها ساکت بود باز فصلی بروزنامه نویسانده همه‌را بهیجان میآورد الامر الاقدس العالی مطاع محمود طباطبائی »

بعد از افتتاح رودکارون

گرچه فرمان آزادی رودکارون برای تمام دول‌جهان بود ولی فقط انگلیسها بودند که مستقیم وغیره مستقیم از این اقدام بهره مند میشدند زیرا گذشته از داشتن وسائل حمل ونقل بحری بواسطه نفوذی که انگلستان در خلیج فارس داشت بازار تجارت این‌ناحیه منحصر بآنها بودو کمپانی های‌مختلف انگلیسی‌مثل کمپانی‌ذیگلر (۱) و کمپانی لینچ و برادران(۲) به تجارت اشتغال داشتند

سرپرسی سایکس در کتاب «تاریخ ایران» مینویسد .

«درمیان امتیازاتی که ناصر الدین شاه اعطاء کرد یکی موضوع افتتاح رودکارون‌برای‌تجارت‌است .

این امتیاز مورد استقبال شایان مطبوعات انگلیس قرارگرفت ولی وقتی دریافتند آنقسمت از رودخانه که افتتاح گردیده فقط درحدود ۱۱۷ میل دریائی یعنی تقریباً کمتر از ۸۰ میل زمینی است کمی اهمیت این مسئله روشن شد .

درعهدنامه ترکمانچای‌باروپائیان اجازه داده شده‌است « منازلی برای سکونت ومغازه‌هائی برای‌عرضه کالای خود داشته باشند » لکن « نظامنامه کارون » از حدود فوق عقب رفته بطوریکه میگوید « ساختن بناهائی ازقبیل انبارهای ذغال ، مغازه‌های کالا ، کاروانسرا وکارگاهها وغیره درکنار رودخانه ممنوع‌است» وباین ترتیب معلوم میشود که شاه گمراه شده ومیخواست آنچه‌را بادست خود داده بادست دیگر پس بگیرد .

جای خوشوقتی است که کمپانی لینچ تحت چنین شرایط نامساعدی در اقدام باین کار پیشقدم شده است . . . . . .

اشکال عمده در رودکارون مدطبیعی‌است که دراهواز وجودداشت‌وغالب اوقات سال مانع عبور کشتی‌های بخاری‌است . ازبالای اهواز تاشوشتر هشتاد میل بوسیله رودخانه و۶۰ میل راه خشکی فاصله دارد . این راه آبی بی‌اهمیت را شاه تصور میکرد که دارای فوائد زیادی‌است وآنرا برای بهره برداری اتباع ایرانی نگاهداری نموده بود وانتظار داشت ازاین بابت‌وجوه هنگفتی بخزانه شاهنشاهی عاید خواهد شد . شرکت لینچ که‌اطلاعات زیادی راجع بوضع ایران‌داشت موفق‌شد باهدیه یك قایق‌موتوری بشاه این خاررا ازمیان بردارد .

ازسال ۱۸۹۶ که من جایگه کارون را باز دید کردم تاکنون پیشرفت‌های زیادی در این نقطه حاصل شده‌است عملیات مهم مربوط باستخراج نفت دریای سلسله کوههای بختیاری منافع سرشاری را باعث گردیده

1– Ziegler 2—Messrs Lynch Brorhers

ویك جامعه انگلیسی درآن محل ایجاد کرده وبروسای محلی از طرف کمپانی منافعی داده میشود بعلاوه اتمام ساختمان راه شوسه بین اهواز و اصفهان توسط شرکت لینچ باعث پیشرفت های زیادی درحمل ونقل گردیده است»

پس ازافتتاح رود کارون انگلیس ها برای تکمیل اجرای نظریات خود باقدامات دیگری دست میزنند ازجمله ساختن راه شوسه تهران واهواز که بعدا شرح آن خواهد آمد و دیگر اجازه کشتی رانی دربقیه رودکارون یعنی ازاهواز ببالا و همچنین ساختن انبار تجارت خانه و اسکله وغیره ـ دراین باره مذاکراتی بین دولت ایران وسفارت انگلیس بعمل میآید ویك کشتی کوچك بخاری هم بناصرالدین شاه تعارف داده میشود وسرانجام امتیاز کشتی رانی دررودکارون علیا به حاج آقامحمد معین التجار دهدشتی بعنوان نماینده کمپانی ناصری اعطا میگردد ودر ماه شعبان ۱۳۰۷ هجری قمری فرمانی بشرح زیر بنام این شخص صادر میشود .

فرمان

« بتاریخ شهر شعبان ۱۳۰۷

آنکه چون دراین عهد فرخنده همیونی موجبات ترقی و آبادی مملکت بتوجهات مخصوصه آفتاب مظاهرملوکانه فراهم آمده ودراین سال فرخنده فال اوئیل که رودکارون الی زیر سد اهواز را برای عموم ملل آزادومحل کشتی رانی تجارت شده محض افتخار ملت ایران وترویج تجارت رعایای مخصوصه دولت علیه بالای سدرا تاشوشتر و دزفول مخصوص رعایای این دولت علیه قرار دادیم چون مقرب الخاقان حاجی آقامحمد معین التجار ترتیب یك کمپانی المسمی بناصری داده است لهذا امتیازات مندرجه درفصول پنجگانه ذیل بمشار الیه مفوض وواگذار شد .»

بموجب فصل اول درنقطه محمره ده هزار ذرع زمین متصل بگمرکخانه جدید که درمحمره بنا میشود بکمپانی ناصری مجانا داده خواهد شد که در آن یکدست عمارت موافق نقشه که کمپانی لینچ داده است بنا نمایدوبکمپانی لینچ ازقرار ده یك ونیم درسال ده ساله اجاره دهد .

بموجب فصل دوم کمپانی ناصری باید یك اسکله ویك کاروانسرا و دکاکین بقدر ضرورت وبرای سد که قریب نیم فرسخ است یك راه شوسه برای آمد ورفت گاریهای بارکش بسازد واگر لازم باشد باید راه آهنی ایجاد کند که مال التجاره معطل نشود .

بموجب فصل پنجم امتیاز استخراج معادن ذغال سنك واقع درخاك جانکی بختیاری بکمپانی ناصری داده شده که ازمنافع خالص صدی بیست بدولت بدهد .

۴

امتیاز بانك شاهنشاهی ایران

یکی ازموسسات انگلیسی که تقریباً مدت نیم قرن زنجیر اسارت اقتصادی بدست‌و پای ملت ایران افکنده بود«بانك شاهنشاهی‌ایران»است .

دیدیم بعد ازآنکه ناصر الدین شاه در دادن امتیاز ۱۸۷۲ رویتر باشتباه خود پی برد بواسطه مخالفت روسها واز ترس وطن پرستان ایرانی ببهانه‌های مختلف متوسل وقرارداد را لغو کرد .

بارون رویتر بآسانی دست ازدعاوی خویش برنمیداشت ودرهمه‌جا این‌موضوع‌را تعقیب میکردولی‌حرفش‌بجائی‌نمیرسید تاتقریباً پس‌از۱۷سال بارون جولیوس‌رویترمذکور بااستظهار دولت انگلیس تقاضای خودرا تجدید ورسیدگی باین اختلاف وجبران خسارت راجدا درخواست نمود وبرای این منظورجرج رویتر فرزند خویش‌را بتهران فرستاد.

وبطوریکه خواهیم دید بعد ازمذاکرات مفصل در۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۰۶هجری قمری (مطابق ۳۰ ژانویه سال ۱۸۸۹ میلادی) با مداخله سر درومندولف وزیر مختار زیرك انگلیس امتیازی برای ایجاد «بانك شاهنشاهی ایران» به رویترداده میشود .

سابقه بانك‌درایران

سالهای قبل ازایجاد بانك شاهنشاهی ناصر الدین شاه وصف بانك‌های اروپائی ونقشی‌راکه‌اینگونه‌مؤسسات درپیشرفت امر بازرگانی داشتند شنیده بود وبی میل نبودکه یك چنین مؤسسه ای هم در ایران تشکیل گردد . بدینجهت از سال ۱۲۸۰ هجری قمری که میرزا محمود خان ناصرالملك وزیر مختار ایران درلندن و حسنعلی خان وزیر مختار ایران در پاریس برای ایجاد راه آهن دراین کشور باسرمایه داران اروپائی مذاکراتی میکردند درضمن گفتگوی‌تاسیس بانك‌را هم‌بمیان میآوردند .

دراین زمینه پیشنهادهائی‌چند بدولت ایران داده میشود ازجمله ژان ساوالان‌نامی بنمایندگی عده‌ای ازسرمایه‌داران وصرافان بزرك فرانسه در رمضان سال ۱۲۸۱هجری قمری (۱۸٦٤میلادی) برای تاسیس یك بانك باسرمایه دومیلیون لیره‌انگلیسی‌پیشنهادی بدولت ایران میدهد ـ ژان ساوالان بتهران میآید وطرح امتیاز نامه‌را تهیه میکند ـ با آنکه این طرح مورد موافقت ناصرالدین شاه هم قرارگرفت ولی بعنوان آنکه فعلاصلاح دولت نیست جامه عمل نپوشید فقط بموجب فرمانی درتاریخ ۲٤ ژانویه ۱۸٦٥ حق تقدمی برای ژان ساوالان جهت ایجاد بانك و راه آهن قائل میشوندکه بعدها نیز بآن ترتیب اثر نمیدهند .

راجع به ساوالان وامتیازاتی که او تحصیل کرده است بعدا در جلد دوم این کتاب

بازگفتگو خواهیم کرد ودراینجا برای مزید اطلاع متن پیشنهاد اورا برای تاسیس بانك درحاشیه نقل مینمایم (۱)

بهرحال تاسال ۱۸۸۸ که بانك جدید شرقی شعبه‌ای در ایران دایر مینماید دراین کشور موسسه‌ای که شباهت‌با بانکهای اروپائی داشته باشد تاسیس نشد.

لرد کرزن در کتاب خود راجع باحتیاج ایجاد بانك در ایران و تاسیس بانك جدید شرقی مینویسد.

---

۱ — صورت فصول قرارنامه بانك

فصل اول ـ دولت علیه بعالیجاه مسیو ساوالان وکومپنی اجازه خواهد داد که یك بانك دولتی بسازند و اسم آنرا بانك ایران بگذارند.

فصل دویم — بانك امتیاز خواهد داشت که درزیر حمایت اعلیحضرت شاهنشاهی بوده باشد ودر معاملات ومحاسبات خودش باتبعه‌دولت علیه رجوع‌بهیچ سفارت نخواهد کرد وسفارت هیچ دولتی هم درعمل آنها مداخله نخواهد داشت وحقوقات بانك‌را دولت علیه مانند تبعه ورعیت دولت علیه مجری خواهد داشت ودولت علیه‌تعهد میکند که ازجانب دولت وملت درحق بانك بهیچوجه ظلم وتعدی وارد نیایدنا اگر ظلمی درحق آن واردآید ودولت‌علیه‌رفع آنرا نکندآنوقت بانك حق خواهدداشت که‌بسفارت‌خود رجوع‌نماید.

فصل سیم ـ اصل سرمایه بانك پنجاه ملیان فرانك فرانسه یادو ملیان لیره انگلیسی و یاتخمیناً هشت کرور ونیم اشرفی ایران خواهد بود واین تنخواه بصد هزار حصه‌تقسیم خواهد شد که هریك حصه چهل‌وچهار تومان پول ایران میشود دراول کار دولت علیه وتجار وغیرهاهرقدر خواسته باشند ازبرای خود سهمی قراربدهند تادراین معامله سهیم و شریك باشند آنوقت هرکس که صاحب هر قدر حصه هست‌از هریك حصه پانزده از صد باید بدهد تاازبرای شروع کردن بانك هفت ملیان ونیم عدد فرانك یاسیصد هزار لیره یاششصد وشصت هزار تومان تنخواه جمع شود وبعد نسبت بپیشرفت امر بانك مابقی تنخواه بدون تقسیم مجدد باندریج از صاحبان حصه مطالبه خواهد شد.

فصل چهارم — این اذن ازجانب دولت علیه الی مدت سی سال خواهد بود بعد ازانقضاء این مدت‌اگر دولت علیه مطلقا رسم بانك را موقوف بدارد آنوقت کومپنی بانك باید در مدت یکسال مطالبات خود را وصول کرده وقروض خود را ادا نموده برود اما اگر دولت بخواهد مجدداً بنای وضع بانك بگذارد در آنحال اگر منظور دولت اشتراك ومداخله تبعه دول خارجه باشد کومپنی این بانك برسایرین مقدم‌است که قرارمجدد برضای طرفین بگذارد واگر منظور دولت دروضع بانك بدون‌مداخله خارجه‌باشدآنوقت کومپنی‌این‌بانك حق خواهدداشت که الی مدت ده‌سال برضائیت طرفین بابانك دولت شراکت نماید.

فصل پنجم — اصل محل بانك دردار الخلافه خواهد بود اماکارگذاران بانك اختیار خواهند داشت که در هریك ازولایات ممالك محروسه مصلحت دانند بانك کوچك قرار داده یکنفر مأمور معین نمایند.

فصل ششم ـ روسای بانك مرکب ازچند نفر خواهند بود که شش نفر آن ازجانب صرافان بزرك‌فرانسه معین خواهد شد وازجانب دولت علیه هم بقدریکه درشراکت سهم قبول کرده‌اند اختیار خواهند داشت که چند نفر را ضمیمه اجزای‌روسای بانك کنند که درکل معاملات وداد وستد بانك باآن شش نفر متفقا رسیدگی نمایند وازعمل کردان استحضار بهمرسانیده متوجه باشند که کارگذاران بانك ازحد خود تجاوز نکنند و بعد از انقضاء شش سال اول عموم صاحبان‌حصه نظر بتقاضای وقت وپیشرفت‌عمل اگر بخواهند در تبدیل روسأ مختارخواهندبود

فصل هفتم — بانك اذن خواهد داشت که بمردم قرض‌بدهد بطوریکه اطمینان حاصل کند ازگرفتن‌رهن وبامعاملات دیگر بجز بیعشرط وخریدن املاك ونیز بانك متعهد میشود که تجارت غله و سایر حبوبات مایحتاج ارزاق عامه را ننماید

بقیه درحاشیه صفحه بعد

بدی وبیغایدگی سیستم‌پولی ایران ودرواقع کلیه‌نقل وانتقالات بازرگانی آن کشور ازمدتها پیش تاسیس بانکی‌را که باروش اروپائی‌اداره شودشرط‌لازم هرنوع توسعه وترقی امور اقتصادی کرده‌است . درباره ترقی وتنزل ارزو کمیابی‌پول قبلا صحبت نموده‌ام . یك عمل مضر دیگر توزیع غیر متساوی فلزات گرانبها در هرلحظهٔ مورد نظرومخارج گزاف حمل پشیز بود که فقط‌باتحمل مخارج سنگین بوسیلهٔ حیوانات‌بارکش میسرمیشد

بازرگانان برای ارسال وجه به اروپا بااشکالات و خطرات عظیم مواجه میشدند . دسته‌های کوچك مردمی که کارشان داد وستد پولی است درشهرهای کوچك وقصبات دربازارها وجود دارند . سرمایه‌های داخلی‌بر اثر عدم اطمینانی که لازمه هرگونه بکار انداختن سرمایه است درهیچ عملی که سود عمومی درآن باشد بکار نمیرفت . وازاین همه بد تر ترتیب پس انداز کردن بود که ازشاه تاگدا همه بدان پابند بودند هیچ چیز بهتر

بقیه ازحاشیه صفحه قبل

فصل هشتم — بانك امتیاز خواهد داشت که بلیت رواج بدهد واسم آنرا بلیت بانك بگذاردورواج‌یافتن آن بلیت بطوری باشد که دارنده آن در هر شهر ممالك محروسه که مامور بانك درآنجا باشد بلیت خودرانزد آن ببرد وبمجرد نشان دادن وجه نقد بگیرد ومباشرین مالیات دولت علیه این بلیت بانك‌را در دست هر کس که باشد مانند وجه نقد بدون کسر قبول خواهند کرد .

فصل نهم — این بلیت بانك درزبان فارسی خواهد بود ونشان ایران‌را خواهد داشت وهریك کمتر از پنج تومان نخواهد بود وبرای اطمینان که مبادا بدون‌اذن دولت این بلیت بانك‌را زیاد کنند یکنفر ازجانب‌دولت مامور خواهد بود که مهر دولتی که بروی این بلیت‌ها زده میشود درنزد او باشد ودرروز رواج دادن این‌بلیت‌ها باید جمعی ازاعیان دولت ووزراء حضور بهمرسانیده هم بلیت‌های بانك‌را بامهر دولتی مزین کنند وهم هریك از ایشان نشانی برروی بلیت بگذارد تا بعد اگر در دست یکی بلیتی ابراز شود که یکی از نشانهای وزراء و اعیان که در روز رواج‌دادن‌بلیت بانك برروی‌بلیت گذارده اند کم‌داشته باشدخالی‌ازاعتباروماننده‌پول قلب خواهدشد .

فصل دهم — بانك متعهد میشود که در دوسال اول بمقابل بلیت‌هائی که رواج خواهد داد باطلاع‌اشخاصی که برای شراکت دولت علیه جزء روسای بانك خواهند بود پول نقد در خزانه خود موجود داشته باشد وبعد ازانقضای دوسال که اعتبار بانك معلوم شد ومردم آموخته کردیدند بانك مختار خواهد بود که بقدر یك ثلث این بلیت‌های رواج شده‌را وجه نقد وبقدر دو ثلث آنهارابا کروارزنده وباضمانت نامه معتبردرخزانه خود موجودداشته که آن اشخاص ایرانی که درجزء روسای بانك برقرارند تصدیق نمایند .

فصل یازدهم —دولت علیه متعهد میشود که احیانا اگرشخصی پیدا شود که بخواهد کارخانه راه بیندازد یابمردم قرض بدهد یاراه آهن بکشد یاکار دیگر کند اولیای دولت باید حالت معامله آن شخص‌را ببانك‌اظهار نمایند اگر بانك معامله آنشخص‌را باهمان‌قراردادی که بااولیای دولت علیه داده قبول کرد آن علیه را ببانك واگذار نمایند والا باهمان شخص معامله‌رابگذرانند

فصل دوازدهم — در هریك ازشهرهای ممالك محروسه از برای بانك مکانی لازم شود کرایه خواهند کرد لکن دردار الخلافه دولت علیه قرار خواهد داد که مکان بانك در ارك باشد و در سایر شهر های دیگر دولت قرار خواهد داد که بانك‌را برای مکان معطل نگذارند وبطور معمول کرایه‌بدهند.

فصل سیزدهم — دولت علیه از برای حفظ و حراست بانك اسباب واوضاع لازمه را دردار الخلافه یادر شهرهای دیگر حسب اللزوم فراهم خواهد آورد بدون ضمانت لکن درصورتیکه بانك خواسته باشد تنخواهی‌را ازولایتی بولایت دیگر حمل ونقل کند هرگاه این تنخواه‌را شمرده بمباشرین دولت تحویل کند دولت ضامن‌آن تنخواه خواهد بود که بدون عیب برساند واگر نشمرده وآدمی هم ازخود همراه تنخواه روانه بدارد که حفظ‌آن بعهده مباشرین دولت خواهد بود بدون ضمانت ولی کرایه مالی‌را که برای حمل ونقل تنخواه‌لازم خواهد شدبانك باید ازعهده برآید .

بقیه درحاشیه صفحه بعد

ازنرخ فاحش ربح که باگشاده روئی به ربا خواران محلی پرداخته میشد وضع عقب ماندهٔ ایران را نشان نمیدهد ربح قانونی‌راقرآن به صدی دوازده محدود ساخته‌است(بدیهی‌است که لرد کرزن دراین‌مورد سخت دراشتباه است) اما دراواسط قرن حاضر (نوزدهم) خانم شیل مینویسد نرخ ربح اندزة کمتر ازصدی بیست وپنج‌است واغلب به صدی پنجاه یاشصت و حتی صدی صد میرسد بانکهای محلی تایکی دو سال پیش درمورد پول نقد میتوانستند براساس ماهانه تاصدی دو یعنی براساس سالانه : صدی بیست وشش پول تهیه کنند اما افرادی که پول به قرض میدهند ربح گزافتری میگرفتند .

هنگامی که درسال ۱۸۸۸ شرکت بانك جدید شرقی مصمم شد ایران را نیز مشمول حدود عملیات خود درآسیا کند وشعب ونمایندگیهائی در تهران ، مشهد ، تبریز ، رشت ، شیراز و بوشهر افتتاح نماید وضع مالی ایران بطور خلاصه بدین نحو بود . این بانك بعنوان یك شرکت بازرگانی که بکاری که برای عموم آزاداست مشغول بود واحتیاجی به تحصیل امتیاز خاصی ازدولت ایران نداشت پس ازیکسال که از ایجاد آن

بقیه ازحاشیه صفحه قبل

فصل چهاردهم — بانك بزرك ایران‌وبانك‌های کوچك ازهرقسم مالیات وعوارضات دیوانی معاف خواهدبود

فصل پانزدهم — بانك حالت منفعت خودرا درهرسه ماه هم در روزنامه‌های طهران وهم در روزنامه‌ی بزرك فرنگستان ثبت واعلان‌خواهد نمود که معلوم خاص‌وعام شود که درچه‌حالت‌است ودربیستم ماه مارس هرسال که عبارت‌ازشب عید نوروز سلطانی باشد حساب سالیانه خودرا پرداخته منافع سالیانه هرحصه‌را هرقدر شود در روزنامه های مزبور استحضار خواهند داد وصاحبان حصه در بردن منفعت پول خود مختار خواهند بود .

فصل شانزدهم — بانك همانوقت که پانزده ازصد هرحصه که داده شد شروع بعمل خواهدکرد و اگر تاآخر ماه سپتامبر هزار وهشتصد وشصت وشش تاریخ عیسوی کل آن تنخواه که صاحبان حصه مقیم یوروپ‌بهمان قدرکه در فصل سیم ذکر شده و باید بدهند وارد دارالخلافه نگردد دولت علیه در دادن این امتیازبدیگری مختار خواهد بود .

فصل هفدهم — ازبرای‌اعتبار بانك دولت علیه متعهد میشود که تقویت لازمه‌را درانضباط‌هرگونه‌امورات بانك بعمل آورد ومطالبات اورا ازهرکس که باشد مانند مطالبات خودکه ازتبعه ورعیت غیر مقصر دولت علیه مطالبه میکند وصول نماید .

فصل هیجدهم — مرافعاتیکه درمیان بانك و سایرین اتفاق میافتد دراول مرحله رجوع بمحکمه شرع انور خواهدشد بهرچه ازمحکمه شرع حکم صادر شود دولت اجری خواهد داشت اما اگر درنزد حاکم شرع رفع گفتگو نشد آنوقت آن مرافعه را بمجلس آنچند نفر اشخاص بیغرض که ازجانب دولت برای طی مرافعه معین خواهدگشت ببرند تادرحضور آنها اجلاس شود هرحکم که ازآن مجلس دراین باب صادر شود حکام دولت اجری خواهند داشت .

فصل نوزدهم ـ بجهت اعتبار بانك ایران اعلیحضرت شاهنشاهی هرقدر حصه بخواهند بگیرند و پانزده ازصد هرحصه‌را چنانکه درفصل سیم ذکر شده بعد ازوصول تنخواه حصه‌های فرنگستان و ورود آن بطهران از جانب سنی‌الجوانب بکارگذاران امر شود کارسازی کنند .

فصل بیستم — بانك تجارت جزء نخواهدکرد باین معنی که‌اشیاء محصول این مملکت‌را ازتجار مملکت نخواهدخرید ومتاع تجارتی خارجه‌را بتجار نخواهد فروخت مگر در صورتیکه محصول مملکت‌را بانك باصرفه تر وبیشتر ازتجار این دولت ابتیاع کند دراینصورت اذن خواهد داشت که‌از اربابان ورعیت این دولت هم بخرند لکن درخرید وفروش بعضی‌اشیاء متفرقه منقوله از قبیل شال ترمه یا جواهر آلات و مس وفرش وغیره که مال تجار نباشد و مردم متفرقه خواسته باشند رهن بگذارند یا بفروشند بانك برضای مالك بخریدن آن اجناس مأذون خواهد بود .

بقیه در حاشیه صفحه بعد

میگذشت هنگامیکه من به تهران رفتم بانك بااجاره عمارتی کاخ مانند که یك سمت میدان توپخانه‌را گرفته بود هم درتهران وهم در ولایات خیلی خوب کار میکرد . ایرانیان تازه معنی حساب سپرده و ارزش ربح ثابتی که به سپرده ایشان پرداخته میشد می فهمیدند . بانك ربحی معادل صدی دو ونیم به حساب جاری و صدی چهار به سپرده‌هائی که شش ماه دربانك میماند وصدی شش به سپرده‌هائی که یکسال دربانك میماند منفعت میداد بانك تاآن‌موقع نرخ تنزیل‌را تاصدی دوازده پائین آورده وبطوریکه میگفتند به شخص شاه قرضی باربح صدی‌شش تاصدی هشت داده بود . بانك شرقی ضمناً مردم را بانوعی پول کاغذی بصورت حواله خزانه دار برای مبالغ ازپنج قران به بالا قابل پرداخت دروجه حامل آشنا ساخته بود واین پولها در پایتخت رواج بسیار داشت . پس از دو سال که از ایجاد بانك میگذشت شعبه ایران آن‌رابانك‌شاهنشاهی ایران به مبلغ هنگفتی‌خریداری نمود»

بانك شاهنشاهی بجای امتیاز ۱۸۷۲ رویتر

پس‌ازلغوامتیاز نامه۱۸۷۲- بارون جولیوس رویتر که خودرا ذیحق میدانست هرچند وقت‌یکبار توسط سفارت انگلیس بدولت ایران اعتراضی میکرد و ادعای خسارت خویش را ضمن پیشنهادهای‌مختلفی تجدید مینمودچنانکه درقسمت مربوط بامتیاز رویتر قبلا دیدیم .

پس از روی کار آمدن امین السلطان ومامور شدن‌ولف نماینده انگلیس‌بتهران وروابط صمیمانه‌ای که بین این دو نفر بر قرار شد وقت آن رسیده بود که انگلیسها منظورهائی‌را که ازمدتها قبل داشتند انجام دهند .

ازجمله این مقاصد یکی اجازه کشتی رانی در رود کارون بود که سابقاً دیدیم در ۲۴ صفر ۱۳۰۶ فرمان آنرا بدست آوردندودیگری‌رفع‌اختلاف دولت ایران ورویتربود که ازسال ۱۲۹۰ هجری تااین تاریخ به طول انجامیده بود .

بقیه ازحاشیه صفحه قبل

فصل بیست ویکم — بانك دراستیفاء مطالبات خودش ازتبعه ورعیت دولت علیه باسایر طلب کارهای این دولت حالت مساوات خواهد داشت و بطور شرع رفتار خواهد نمود و دولت علیه هم در استیفای مطالبات خود بایانك مساوات را منظور خواهد نمود مگر از اربابان و رعایای مالیات بده که ادای مالیات مقدم بر سایر مطالبات خواهد بود .

فصل بیست ودوم - بانك متعهد میشود که از ابتدای شروع کردن بعمل بانك الی زمانیکه کل سرمایه مسطوره فصل سیم تحویل بانك نگردیده حاضر باشد ازبرای اینکه همیشه معادل صد هزار تومان بادولت داد و ستد نماید باین معنی که هروقت دولت‌را هرقدر پول لازم شود ازیك تومان الی صد هزار تومان از قرار صد شش قرض بدهد بوعده معینی وهروقت که تنخواه دولت ازبابت مالیات وغیره عاید شد طلب بانك‌را برساندودر وقت ضرورت باز قرض کند که داد وستد شود وپس ازرسیدن کل سرمایه همین معامله‌را که عبارت ازصد شش باشد تایك کرور تومان با دولت خواهد نمود بشرطی که هروقت تنخواه دولت برسد طلب بانك‌را برساند فرضاً اگرتنخواه دولت موجودباشد ودرادای طلب‌بانك کوتاهی کند آنوقت بانك حق‌خواهد داشت که وجه تنزیل طلب خودرا بالمضاعف مطالبه نماید واحیاناً اگر اتفاقی بیفتد ازقبیل ساختن راه آهن ودرآوردن معدن وراه انداختن کارخانجات یادعوا کردن باسایر دول وبرای دولت بیشتر ازیك کرور تنخواه لازم شود مثلا الی پنجاه کرور بانك حاضر خواهد بود که بدولت قرض بدهد لکن یك کرور تومان تنزیلش بهمانقرار مسطور الفوق میباشد وتنزیل علاوه تر ازیك کرور تومان نسبت بتقاضای وقت ویك وبد بودن عمل که آن تنخواه استقراض صرف آن عمل خواهد شدتفاوت‌پیدا خواهد کرد یعنی کم وزیاد خواهد گردید . »

هنگامی که ولف وزیر مختار انگلیس باامین السلطان صدر اعظم ایران درباره خاتمه دادن این اختلاف مذاکره میکند ناصر الدین شاه در صدد تهیه مقدمات سفر سوم اروپا بود ومیخواست برای بار دوم بانگلستان برود .

باز مسافرت وعیاشی‌ها ومخارج بیهوده «شاه» وملتزمین رکاب پول لازم‌داشت و راهی بهتر از دادن امتیاز بانك. برویتر بنظر نمیرسد که در ضمن هم بدعاوی او خاتمه داده شود وهم پول برای‌مخارج‌اروپا تهیه گردد وبطوریکه بعد خواهیم دید بهمین‌منظور بود که رویتر متعهد شد پس ازتشکیل‌بانك مبلغ چهل هزار لیره انگلیسی (یك ملیون فرانك) بمدت دهسال باتنزیل صد شش بناصرالدین‌شاه‌قرض بدهد واصل وفرع این‌پول‌را ازمنافعی که بانك باید بایران بدهد محسوب دارد . (۱)

روزنامه اقتصادی آلمان « برلین‌تاگبلات » (۲) چاپ برلین درشماره ۱۳۶ سال هیجدهم مورخ ۱۵ مارس۱۸۸۹یعنی۴۵ روزبعدازامضای امتیازنامه بانك شاهنشاهی‌تحت عنوان «اهالی اروپا درایران» راجع باعطای این امتیاز برویتر مینویسد :

«چندی‌است که دولت ایران به بارون رویتر صاحب امتیاز قدیم تمام راههای آهن ایران امتیازمخصوصی ازبرای یك بانك داده‌است .

میدانیم که بارون رویتر در قرارنامه ۱۸۷۲ مسیحی‌متعهد شده‌بود که بحر خزر را باراه آهن‌بخلیج فارس متصل سازد ومعادن‌را دایر نماید وجنگلهارا بمصرف برساند واقدام درکارهای بزرك دیگر نیز بکند ولی این‌را هم میدانیم که بعدازامضای امتیازنامه مزبورکار بر بارون رویتر سخت گردید زیراکه از برای او محال بود ازعهده تقبلات خود برآید ازیکطرف بواسطه اینکه کارهائیکه بعهده گرفته بود بسیار بزرك بود وازطرف دیگر بواسطه اشکالاتیکه درلندن برای او فراهم آمدند . چراکه درآنجا خط رشت به بوشهر بامنافع انگلیس مطابق و ملحوظ نیفتادند ونیز مذکور گردید که امتیاز مزبور باعث ناخوشنودی دولت روس گردیده امپراطور الکسندر ثانی اعلیحضرت شاهنشاه ایران‌را در سفری که درسنه ۱۸۷۳ به پطرز بورغ کردند از این سرافت انداختند بی شك امپراطور روس به میهمان همایون خود گفته‌است که امورات واقداماتیکه برعهده بارون رویتر واگذار شده‌اند فوق قوه یك شخص میباشند وبارون مزبور هرگز نخواهد توانست آنکارهارا باتمام برساند واین عمل میتواند برای دولت ایران مایه اشکالات دائمی گردد .

درهرصورت امتیازنامچه مزبور مجری نگردید وپیوسته بین دولت علیه ایران وبارون رویتر در اینباب قیل وقال بود خصوصاً دراین اواخر وقتیکه بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی امتیاز یکراه آهن‌را بیك کمپانی بلژ واجازه کشتی رانی آزادانه را روی رودکارون مرحمت فرمودند سفیر انگلیس تمام هم خودرا مصروف بطرفداری بارون رویتر گماشته و بارون مذکور پسر خود را برای ادعای حقوق خود به تهران کسیل ساخت . بالاخره برای ختم این معارضه دولت علیه ایران امتیاز یك بانك بعارض داد ومشار الیه متعهد گردید که صرف نظر از حقوق سابقه خود نماید ..... »

گراهام استوری در کتاب«رویتر دریك‌قرن» بعدازآنکه پیشنهادهای‌بارون‌رویتر را برای جبران خسارت امتیاز سال ۱۸۷۲ شرح می‌دهد مینویسد .

«بالاخره درسال ۱۸۸۸ پسردوم خود جرج دورروبتر را بااختیارات نامه بتهران فرستاد تا دعاوی اورا

---

۱ — این چهل هزارلیره را ازمحل همان پولی که جولیوس رویتر بابت وجه‌الضمان امتیاز ۱۸۷۲ بریاناك انگلستان بنام دولت ایران سپرده بود استفاده نمودند .

(2) Abed - Ausgabe BERLINER TAGEBLATT Und Handels - zeitung

تصفیه کند . بازهم‌ظاهرا مذاکرات دنباله پیدا می‌کرد اما سر انجام یکسال بعدقرار دادی منعقد گردید .

درازاء دعاوی‌بارون حق‌تاسیس‌بانك شاهنشاهی درایران بوی تفویض‌شد . این‌بانك بموجب فرمان سلطنتی درهمان سال‌تشکیل گردید ومرکز آن درتهران ولندن بود وبارون جرج دو رویتر عضو هیئت مدیره آن بود . »

مذاکره برای تهیه امتیازنامه

بعداز آمدن جرج‌رویتر بتهران برای‌تهیه‌متن‌امتیاز نامه‌جلساتی تشکیل می‌گرددومذاکرات‌مفصلی بعمل‌میآیداعتمادالسلطنه وزیرانطباعات ناصرالدین‌شاه که‌خود درجلسات‌مذاکرات‌حضورداشته‌جریان‌اعطای امتیاز بانك شاهنشاهی رابرویتر ازقول امین‌السلطان‌در کتاب‌خلسه اینطورشرح میدهد. (۱)

«روزی در اثنای صحبت‌ولف وزیرمختارانگلیس صاف‌و ساده بدون‌پیرایه بمن(یعنی امین‌السلطان) گفت مسئله امتیاز رویتر که میرزا حسینخان قزوینی درصدارت خودداده بود همانطور لاینحل‌مانده وبعقیده‌من‌این‌تاخیر وتعویق عاقبت‌برای دولت ایران‌خالی ازضرر نباشد چه‌عیبی‌دارد کاری که اسلاف‌شما نتوانستند انجام دهند شما درست کنید واین نیکنامی باسم‌شما بماندا‌گر اینکار راصورت بدهیدبدولت متبوعه وپادشاه خود خدمت کرده‌اید ودولت انگلیس راهم بخودرایگان نموده ضمناًفایده کلی‌هم مالا خواهیدبرد ازآنجاکه من هنوز دولتخواهی پدرم رانسبت بشخص اعلیحضرت ووطن‌پرستی‌او رابه مملکت‌در نظرداشتم ویکباره آنرادر طاق‌نسیان نگذاشته بودم با بعضی ازثقات دولتیان بمشورت‌پرداختم دریکی‌ازمجالس‌مشاوره‌حکیم‌طلوزان‌فرانسوی حکیمباشی مخصوص‌اعلیحضرت همایونی که سالها درایران مستخدم بوده وهست حضورداشت مشارالیه‌که باروتر خصوصیت و مرابطه دارد ملتفت شده‌ودانست که وقت‌کار است وموقع رابباید ازدست‌داد ولف‌را باجرای این‌قصد تحریض و تحریك نمود معجلا تلگرافی بلندن‌کرد وروتر رابرآن داشت که بی‌تعلل ماموری بطهران بفرستد دوسه‌ماهی طول نکشید که پسر روتر باجیبی پراز بلیطهای بانك انگلیس بدارالخلافه رسید سفارت‌انگلیس برای‌اینکه پادشاه و رجال دولتخواه ایران را سوء ظنی حاصل‌نشودبرحسب ظاهراورا نپذیرفت انگلیسها چندی‌بود یکنوع صراف‌خانه باسم‌بانك شرقی‌درتهران دایر وبرقرار کرده بودند شخص‌مودب وخوشروئی موسوم‌به دونیل‌رادر آن بانك‌ریاست داده ودوقیل مردزیرکی بود باشروط خیلی‌آسان بمردم گرسنه وگدای تهران ازرجال دولت‌وکسبه‌واعیان پول قرض میداد ومردم از این بانك نهایت خورسند وراضی بودند پسر روتربعداز ورود بتهران وملاقات بادکترطلوزان و غیره عریضه بحضور همایون عرض وانجام واتمام‌کار گذشته را استدعا نمود .

اعلیحضرت شاهنشاهی زایدالوصف تعجب‌کردند که‌قریب ۱۷ سال ازاین‌مقدمه میگذرد ودراین‌مدت‌هیچ حرفی ازرویتر شنیده نشده مگر بعداز مراجعت موکب اقدس ازسفراول قرنك روتر چند بار پروتست کرد واز دولت ایران شکایت نمود جوابهای سخت از دولت انگلیس شنید حالا چه شده که باز شیر یاد هندوستان کرده

---

۱ — مرحوم محمد قزوینی درمجله یادگار راجع باعتمادالسلطنه مینویسد .

«محمد حسنخان مقدم پسرحاجی‌علیخان مقدم‌مراغه‌ای‌ملقب‌سابقاً بصنیع‌الدوله‌مترجم مخصوص‌ناصرالدینشاه ووزیر انطباعات دردوره آن پادشاه صاحب تالیفات کثیره منسوب باوکه در حقیقت جمیع آنها (باستثنای یکی دواز آنها که‌از جمله کتاب خلسه‌اوست) تألیف دیگران است واین‌امری است که در عصر ما مستفیض بلکه اجماعی است وشاید بعداز ماخلاف آنیه‌گمان‌کنندکه از خود اوست پدرش حاجی‌علیخان از جمله میر غضبان ناصرالدینشاه بود وهم اوست که مامور قتل امیرکبیر میرزاتقی‌خان گردید وهمچنین‌گویا مامور قتل باب در تبریز بود یعنی حکم‌قتل را او ازطهران به‌تبریز برده است

محمد حسن‌خان اعتمادالسلطنه در ۱٤حمل یعنی‌روز بعد از سیزده نوروز سال ۱۳۱۳ هجری‌قمری مطابق نوزدهم شوال فجاة درگذشت . وفات او قریب یکماه قدری کمترقبل‌از قتل‌ناصرالدینشاه بودکه در ۱۳ ذی‌القعده سال ۱۳۱۳ قمری رخ‌داد .»

اعتمادالسلطنه در کتاب خلسه (خوابنامه) از زبان بعضی رجال معروف دوره قاجاریه شمه‌ای ازاقدامات وکارهای خلاف آنها را بیان میکند .

ملکم‌خان ارمنی وزیرمختار ایران‌درلندن چون‌ابتدا یعنی‌وقت دادن‌امتیاز بروترمبلغ‌ها ازاو رشوه گرفته بودواین‌دفعه هم که‌پسرروتر بطهران می‌آمد برای‌آنکه‌پشت‌بند برای‌خود درست کند بازباوجهی سبیل‌ملکم‌راچرب کرد آن‌ارمنی آبستن‌هم‌نوشتجات زیادی‌ازلندن بپایتخت‌ایران‌فرستاد که دولت‌انگلیس‌چنین و چنان میگوید و مطالب چندانظهار مینماید ودرباب حقوق‌ثابته روترجدا ایستادگی دارد بیطرفی‌ظاهری من‌وحیله‌ولف ووسوسه‌سایر وزراء بواسطه پسرروتر اعلیحضرت پادشاه رابرآن‌داشت که‌حکم بانعقاد مجلس‌فرمایند و اینمطلب را در مجلس مذاکره‌نمایند وجوابیکه‌لازم‌است‌به‌پسر روتربدهند ازخوشبختی های‌من‌پرنس‌دالقورکی سفیرروس هم‌موقتا مرخصی حاصل کرده به‌پطرزبورغ رفته‌ازجانب‌دولت خودجوان بی‌حال وبی‌قابلیتی که هم‌مقهور خیالات زنانه‌حیله‌گر خود گردیده وهم‌دچار دسایس غری‌صاحب مترجم سفارت‌روس که سمت‌شارژدافری دولت معزی‌الیهارا درتهران داشت حکیم‌طولوزان راهم‌باغری‌صاحب سابقه مودتی‌بود میدانست که‌اودر مسئله‌پول حریص‌است شبی‌دوست قدیم خودرا بایسرروتر دعوت کرد شامی‌خوردند شامپنی‌زدند سکوت موقتی دولت‌روس رادرمسئله روتراز غری‌صاحب در همان مجلس بمبلغی نقدی‌خریدند اما معین ومعلوم نشدکه این‌بیع‌وشری بچند صورت گرفت خلاصه مجلس شورائی هم بحکم همایونی منعقدشد واشخاص‌مسطور ذیل‌اجزاءآن بودند .

(نایب‌السلطنه) (عضدالملك) (صاحب دیوان) (مشیرالدوله) (امین‌الدوله) (مخبرالدوله) (قوام‌الدوله) (امین‌حضور) (اقبال‌الملك) (حکیم‌الممالك)(اعتمادالسلطنه نویسنده این سطور) وخود چاکرروسیاه (امین‌السلطان) (۱) هنوزگفتگوئی درمجلس نشده‌بود که اعلیحضرت شاهنشاهی ورودفرموده نطقی‌در افتتاح‌ایراد فرمودند که

۱ـ اعتمادالسلطنه درجای دیگر اعضاء این‌مجلس را چنین معرفی میکند

«رئیس این هیئت نایب‌السلطنه شاهنشاه‌زاده‌است متصف بصفات ظاهری وباطنی‌ازالسنه خارجه زبان‌آلمانی وفرانسه میداند درزن پرستی‌وشاهد بازی سرآمد روزگار خود است وباهرمردی که معاشرت کند او را بدرجه سرهنگی یاسرتیپی میرساند .

امین‌الدوله میرزا علیخان مردی‌دانا‌وماهر درکلیه امورات درپلتیك نسبت بملکم‌خان ارمنی‌شاگردی‌دارد گرچه خود ملکم‌حاکم‌بی عمل وزنبور بی‌عسل است درصورتیکه متصف‌است بصفات‌رذیله پلتیك دانی اورا انکار نمیتوان کرد در وقتی که غرض ومرض‌نداشته باشد راهنمای ماهری‌است اماچون پای فایده وتصوربعضی منافع‌به میان آمد علمش نیز چون عملش هیچ میشود .

سوم عضدالملك علیرضاخان است ازمنسوبان پادشاه است خوشبخت ومال‌دار درخست وامساك باعلی درجه اشتهار اما متدین وظاهرالصلاح وپاك فطرت وپاکیزه سیرت‌در راه خدمت پادشاه ازبذل جان ومال عزیز مضایقه ندارد صرف در راه‌خداوخداوند پرستی میسپارد بتمام‌معنی‌شخص نازنینی‌است .

اما عامی وبسیطاست دربیسوادی‌وبی‌خبری بدرجه افراط وتفریط ـ متشرعی‌است که‌نه اصول میداندنه‌فهم مسائل فروع میتواند حتی‌قرآن ودعارا غلط‌میخواند .

ازپولتیك وعلم روابط خارجی بی‌بهره است وبی‌اطلاع فقط دلش‌باین خوش‌است که مردم باو احترام زیاد نمایند وویرا ببزرگی وشأن بستایند .

چهارم — میرزا فتحعلی‌خان صاحبدیوان است که مال‌ومکنت بی‌حساب دارد تنباکووآبلیموی معطرشیراز خاصه شراب‌خلر که هوش ازسرمهتر وکهتر میرباید شال‌کشمیری وزر جعفری‌میدهد وهرچه میخواهد میگیرد خوان و خانه‌اش نیزآراسته و گسترده است هفتاد سال عمر خود را در حکومت و ماموریتهای بزرك گذرانده .

پنجم ـ میرزا عباسخان قوام‌الدوله در محاسبه وسئوال وجواب باحکام مهارت وسررشته دارد لیکن طبع لئیم ونفس خسیس طوری‌او رایست کرده که‌ابداً قابل‌اعتنا نمی‌باشد زنده‌است وهست اماچنان است که نیست‌هر قدر پیرترمی‌شود برخست ولئامتش می‌افزاید طمعش نیزازکرامت حضرت‌مرتضی علی‌زیادتر میباشد هر روز رو به

بقیه درحاشیه صفحه بعد

از اول خلقت آدم تاکنون هیچ پادشاهی مستقل چنین عبارات برزبان نیاورده بلکه روسای ملل جمهور هم این قسم تقریرات ننموده پادشاه کارآگاه فرمودند شمارا امروز برای این مطلب باین مجلس احضار فرموده‌ام که گوش به عرایض روتر بدهید به‌بینید چه‌میگوید ذیحق است یابی‌حق اگر حق دارد چاره چیست واگرحق ندارد جواب‌شافی صریح باوبدهید مخصوصا بهریك از شماها میسپارم که عداوت وغرضی هم که باهم دارید کنار بگذارید فقط صرف دولت ومنفعت قاطبه ملت را منظور وملحوظ دارید طوری کنید که بعداز ده سال دیگر بیوه زنان ایران بمن که پادشاه شماهستم نفرین نکنند وپیرمردها لعنت ننمایند .

بقیه از حاشیه صفحه قبل

نزایداست وحرصش همواره‌درتصاعداز چنین کسی هیچکس‌را باك نیست

ششم ـ یحیی‌خان مشیرالدوله است این یحیای نزوینی دربذل ازیحیای برمکی کرو مبرد امادر طمع هم‌آنقدر علوباغلوداردکه دست عباس‌دوس به آن بلندی که میدانید بدامنش نمیرسد به پرروئی و زور میگیرد بابرام والتماس میدهد سر تاپا غلط و در یك گام سه مرحله خبط مینماید فرانسه خوب می داند و درکلیه کارها زرنگی‌دارد .

هفتم ـ علیقلی خان مخبرالدوله وزیرعلوم است که بوئی از علم‌بمشامش نرسیده وذائقه‌اش مطلقا این طعم رانچشیده برای سلطنت مستقله ومملکت مستبده‌چنین وزیرعلومی‌هم‌لازم است‌ازوجودش نه شری حاصل‌شود نه‌خیری مطلقا بهیچ‌چیز معتقدنیست می‌خواهد آسوده وبی‌دردسر فارغ اززحمت وضرر درعمارت مزین‌خود به نشیند خوش بخوردوخوش بنوشد نرم‌بیفتد وگرم بپوشداندوخته وافرومال ومابه‌متکاثر خود را بعیش صرف‌نماید نه عقب کسی‌برود ونه کسی دنبال‌او بیاید .

هشتم ـ میرزا محمدخان اقبال‌الملك او شخصی است مداهن و چاپلوس مفسد ومدبر ومفتن ومزور ـ نه در امور ومامورین خارجه کاری کرده ونه درخدمات داخله راه آوردی دارد مثل‌او مثل خس و موج دریاست از هرطرف که اورابردبرده

نهم ـ آقاعلی امین حضور است که ازبی‌حیائی وبی‌تعصبی ضرب‌المثل‌است ودر وفاوانسانیت از هر قلیلی اقل ـ پایه بی‌شرمی رابجای بلند گذاشته ورایت بدعملی را ازبالای ثریا وفرقدین افراشته خیلی حالات‌اوبشخص امین‌السلطان شبیه‌است در حقیقت برادردینی وروحانی اوست .

دهم ـ میرزاعلینقی حکیم‌الممالك پسرحاجی اسمعیل جدیدالاسلام است اومردی‌است طیب وامینی حبیب رفیق شفیق مهربان نزدیك بدل وخوش زبان چنانکه درتملق ومداهنه مشهوراست واسمش‌در طومار خوش آمد گویان مذکور برای خدمتگذاری هرکسی ازاعلی تاادنی وبرای هرخدمت از علیا تاسفلی حاضراست از جاروب کش‌تارتبه امارت ومقام صدارت هرچه باو رجوع شودحرفی ندارد وانکاررا بوجهی می‌گذارد دشمن ترین مردم بشخص وی خود اوست چه از بی مبالاتی کارش بقدری تو در تو است که با مواجب گزاف و دخل کلی هرگز نشده که چیزی داشته باشد درتحصیل نقود درهررا میدود وهرکاری میکند با وجود اغلب گرسنه و پریشان است احتیاج اورا بکردن کارهای ناشایسته وامیدارد از بیچارگی برخلاف خود ورسم انسانیت راه میرود هر بیوه زنی متمولی را برای خوردن مال خواستگار است و هر چه یتیم و بیمار بی مکنتی را پدر و پرستار .

یازدهم ـ اعتمادالسلطنه محمد حسن‌خان دارای همان صفات‌است که معاویه در تعریف عبدالله‌بن زبیر به پسربد گوهر خودیزید پلید بیان کرده وگفته مثل‌روباه فرار میکند ومثل شیرحمله مینماید

دوازدهم ـ امین‌السلطان نمیدانم طاعون مصرش خوانم یا وبای‌هند بلائی بود که بجان‌دولت وملت افتاد و ایران رابباد فناداد جامع‌تمام‌رذائل وفاقد کلیه فضائل است .»

من شمارا در حل وعقد این کار امین و مختار نموده‌ام شما هریك مسئول هستید مجبور نیستید که همین امروز جواب بدهید ورای خودرا ظاهر کنید مسئله مهم‌است عجله لازم نیست امروز تفصیل بشنوید درست بخاطر نگاهدارید بخانهای خود که رفتید بادوستان وآشنایان بلکه بابقال وعطار سرمحله خود دراین باب سئوال وجواب ومشاوره نمائید پس ازاینکه خیالات پخته شد هرچند بنظرتان آمد بنویسید واوراق مشوره‌را ده پانزده روز دیگر باخود باینجا بیاورید و بمجمع ارائه دهید تاصحیح از سقیم جدا شود ومسئله بدرستی حل گردد اعلیحضرت همایونی بعدازتقریر این خطابه شاهانه مراجعت فرمودند

اجزای مجلس شوری در اطاق آبدار خانه که منزل رسمی من بود جمع شدند من باوجودشأن صدارت وکمال قیدی که درباطن دارم ظاهرا درنظر شاهنشاه همیشه خودرا رئیس آبدارخانه بخرج میدهم درسفر وحضر هرگز این محل‌را ترك نمیکنم اما بااین اظهار بی‌قیدی ازتمام صدور ماضیه حتی میرزاتقیخان بیشتر توقع‌خدمت وادب‌ازمردم دارم چنانکه هریك ازارکان دولت ازدخول وخروج به من تعظیم نکنند در همان مجلس آنهارا بی‌آبرو وخفیف میکنم وبه منشی‌های خود دستور دادم که بمردم‌عمومااعلان واعلام‌نمایند که درعنوانهاو مراسلات به من همان نویسند که‌بحضرت ولیعهد ونایب السلطنه می‌نویسند اما مجلس شوری در باب انجام کار رو تر قبل از همه من پاکتی از کیف خود درآورده پیش از آنکه نوشتجات را بحضار نشان دهم مختصر تقریری کرده گفتم برتمام اهل مجلس معلوم باشد که من دراین کار مطلقا واصلا مداخله ندارم بکلی بی غرض وبی طرفم اوقاتیکه درجاجرود بودم پسر روتر بتوسط حکیمباشی‌طلوزان عریضه‌ای‌بخاکپای همایونی ایصال واستدعای اتمام کار گذشته پدر خودرا نمود عریضه آن اینست که می‌بینید وادعایش درسر امتیاز راه آهن است‌صورت حساب باعریضه‌فرستاده ومبلغی راکه بجهت امتیاز خرج کرده و بمصرف لوازم اسباب راه آهن رسانیده وآنچه‌راکه بمردم تعارف و تکلف داده درآن معین ساخته آن مبالغ‌را هم که داده حساب کرده‌وبراصل افزوده‌است موافق این صورت دولت ایران قریب یك کرور تومان پول این مملکت به روتر مقروض است باید تنخواه وطلب اورا داد و سندیکه در دست دارد ازاوگرفت وباطل نمود ونابود ساخت درصورتیکه دولت ایران برای این طلب و وجه خسارت روتر حاضر نباشد خود روتر چاره دیگری بدست آورده وفکر کرده که برای دولت ایران سنگینی وسختی ندارد بلکه فایده ومنفعت عاجل هم دارد وآن فکر وچاره این‌است که باو اجازه داده شود بانکی درایران دایرنماید اگر این امتیاز باو داده شود امتیازنامه اولی خودرا که سند دعاوی او است بدون اینکه مطالبه دیناری کند رد مینماید وسلب هرنوع حقوق خودرا نوشته میدهد بلکه مبلغی بعنوان مسئله تقدیم خواهد نمود بانکی که میخواهد دایر نماید آنرا بانك امپراطوری ایران مینامند فصول شرایط آنرا هم نوشته ملاحظه فرمائید آراء برهرچه قرارگرفت بحضور شاهنشاه معروض دارید تاامر اعلی صادر شود

مقصود این است که من دراین کار ملاحظه ندارم فقط حامل نوشتجات پسر روتر ومبلغ امر همایون‌هستم پاکت نوشتجات‌را یحیی خان مشیر الدوله گشوده آنهاکه بزبان فرانسه نوشته بود خود نگاهداشت و فارسیها یعنی‌ترجمه آنها را به میرزا علیخان امین الدوله داد مشغول خواندن گردید ومشیر الدوله بااصل‌آن که بزبان فرانسه بود مقابله و تطبیق نمود باقی اهل مجلس نشسته و هیچ نمیگفتند تا قرائت قرار نامه بانك بانجام رسید ونوبت اظهار رأی شد ازحضار آنهاکه چیزی ازمسائل بانك وثروت ملت نمی فهمیدند وازاین علم بهره نداشتند بعضی خرافات که ابدا ربطی نداشت بهم بافتند برخی که اندك باخبر بودند چون پسر روتر بلا واسطه یامع‌الواسطه یابوسیله حکیم طلوزان بآنهاوعده کرده‌وآنهارا بطمع انداخته بودند به تمجیدپرداختند گفتند برای دفع شر روتر بهتر از امضای امتیازنامه بانك چیزی بنظر نمیاید اعتماد السلطنه گفت اولا باید دانست که ترجمه این قرارنامه بااصل مطابق‌است یانیست زیرا درجزئی تفاوت‌واختلاف ترجمه بااصل بسیارانفاق افتاده که خسارت کلی وارد آمده زبان ما چندان بسطی ندارد وایجاد لغات مخصوص هنوز ننموده‌ایم خوب .

است ابتدا ترجمه‌را بااصل استکتاب نمائیم چنانکه اعلیحضرت فرمودند هریك‌ازحضار نسخهٔ ازآن باخود بمنزل ببرد ودرخانه بفراغت فقرات آنرا ملاحظه کند ومطالب آنرا بسنجد بعد هفته آینده باز جمع شده هرکس‌را هرچه بنظر آمده درمجلس اظهار نماید برحسب اتفاق‌روزی چند بود که من بظاهر اظهار لطف باعتماد السلطنه مینمودم بعد از آنکه این حرف‌را ازاو شنیده زائدالوصف ازاو رنجیدم وپشیمان شدم که چرا اورا باین مجلس راه دادم بتصور اینکه چون قبل ازوقت اورا از منظور ومقصود خود خبر نداده بودم خیلی ملالت حاصل ننمودم ظاهرا تصدیق قول اوراکردم قرار شد تمام نوشتجات‌راازاصل وترجمه درآنروز که پنجشنبه بود باعتماد السلطنه بدهم او ببرد ومقابله ومطابقه وتنقیح و تصفیه نماید وصبح شنبه بمجلس بیاورد درهمانروز بعد از خوردن ناهار بازمجلس منعقد شد اعتمادالسلطنه گفت مطلبی که صبح در اینجا مطرح ومذاکره کردید دو فقره بود یکی آنکه به بینیم روتر حق مطالبه خسارت امتیازنامه ۱۷ سال قبل را دارد یانداردٔ

فقره ثانی این است که باصل ترجمه و شرایط قرار نامه او رسیدگی شود و بوجه صحیحی دولت از این مخمصه فارغ گردد وما اصل کارراکنار گذاشته خودرا مشغول فرع مینمائیم و این کار ظاهرا صحیح نباشد نایب السلطنه فرمود من پسر شاهم وهیچکاری باین کارها ندارم بلکه حضورمن دراین مجلس لازم نبودتکلیف حاضرین است که درمسائل مشکلیه دقت کنند رای وعقیده خودرا بهپیشگاه همایونی‌معروض دارند هرطور میل ورای انور اقتضا کند من تابع ومطیعم وازخود رای مخصوصی ندارم،صاحبدیوان گفت ما بمطالب امتیازنامه‌اولی مربوط نیستیم پس باوجود بی خبری چگونه میتوانیم رای بدهیم وعرضی دراین باب بکنیم چه میدانیم چه‌بوده وچه شده امین الدوله در کشف این مطلب وحل این مسئله تقریبا یکساعت حرف زد خلاصه گفتار او این‌است درزمان صدارت میرزا حسینخان امتیاز راه آهن بروتر داده بودند بعد ازمراجعت ازفرنك که وقت‌وموقع‌اجرای آن امتیازنامه بود چون مردم برضدمیرزا حسین خان شورش نمودند علماءومجتهدین‌درفسخ ونسخ این‌امتیازنامه مصر شدند در منجیل ازمنازل گیلان حسنعلی خان که آنوقت وزیر فواید بود تلگرافی بروتر کرد که چون از موعد اجرای فصول امتیازنامه شما گذشته وهنوز اقدام جدی ازطرف شما نشده دولت ایران آن امتیازنامه‌را باطل میداند از آنجاکه درفرنك رسم و معمول است امور متعلقه بطرق و شوارع هرسئوال وجوابی دارد باوزیر فوایداست واو دخالت مینماید تلگراف مزبوررا حسنعلی خان‌وزیر فواید بروتر مخابره کرد اما افسوس که‌ازطرف دیگر عیب بهم رسانید یعنی عملجات ایرانی بدستورالعمل معلمین وچند نفر صاحبمنصب انگلیسی درآن حوالی نیم فرسخ از جنگل‌رابریده وراهی مسطح کرده بودند وآنها ازروتر رشوه گرفته تدلیس نمودند دردوسه روزتوقف رشت به تقریبی بندگان همایونی‌را بحوالی آن نیم فرسخ ازجنگل برده ومیرزا حسینخان که هنوزخود را از صدارت معزول نمیدانست بواسطه پنجاه هزار لیره دیگر تلگرافی بروتر زده اورا تبریك ازشروع‌شدن کار او گفت واظهار داشت که بندگان شاهنشاهی شخصاباتشریفات سلطنتی بسرکار رفته وخیلی تمجید فرمودندتلگرف صدر اعظم مشعر براجرای امتیازنامه روتر وتلگراف وزیر فواید در انکار شروع شدن کار بفاصله چهار روز در لندن بروتررسید وازآنجاکه روتربحسب ظاهرشروع بکار نموده‌واز صدراعظم ایران‌هم سندی‌دردست داشت‌لهذا معین‌است تلگراف حسنعلیخان وزیرفواید خالی‌از اهمیت مینمود لهذاروتر همان‌وقت در روزنامه‌های انگلیس پروتست کرد که من‌مبلغها خرج کرده‌ام وشروع بکار نموده سندصحیحی که مصدق من‌است از شخص اول دولت دارم حالا یکی‌ازوزرای نمره سوم‌ایران که وزیر فواید است چنین‌تلگرافی بمن مینماید پروتست روتر را ابتدا تمام اهالی انگلیس صحیح‌ودرست دانستند واورامحق‌شمردند درهمه‌روزنامهای انگلیس نوشتند دولت ایران یاباید امتیازنامه راه‌آهن روتر را معتبربداند ودراجرای فصول آن‌امتیازنامه وکارخودبااو همراهی نماید ویاباید مبلغی راکه اوخرج کرده بامنافع آن مسترد کند وامتیازنامه خودرابگیرد این‌روزنامه‌ها بتواتر بطهران رسید بعضی از نظر همایون گذشت وبرخی‌را ملاحظه نفرمودند سفارت‌انگلیس هم‌درآنوقت بواسطه‌تغییر صدارت‌وشورش‌اهالی وعلماء دانست صلاح‌در تصویب روتر نیست .

یك دوسال از این مقدمه گذشت ماموری که همیشه از جانب روتر درطهران بود وسالی هشت هشت هزار تومان از اومواجب دریافت مینمود بهرمجلس ومحفلی ورود میکرد اول حرف پروتست ودادخواهی روتر بودبیشتر از پنجاه مرتبه این تفصیل بعرض حضور مبارك شاهنشاهی رسیده ومن خودم که امین الدوله هستم چندین بار گفتم کار روتر را باید یکطرفی کرد سهل ومعوق نباید گذاشت از آنجا که تعلل وشارلاتانی یکی از کوك کارهای میرزا حسینخان بود هروقت بندگان همایون چیزی در این باب باومیفرمودند او هردودست را بسینه گذاشته عرض مینمود خاطر مبارك درمسئله روتر آسوده باشدوهیچ از این فقره چیزی نفرمایند طرف روتر مطالب خودرا بپارلمان انگلیس عرض ورجوع کرده اجزای پارلمنت صورت امتیازنامه راخواسته وبدقت ملاحظه کردند دیدندروتر فی الحقیقه دولت رافریب داده این بود که جمعی ازمعتبرین رجال دولت انگلیس ازاجزای پارلمان مثل لرد دربی وغیره گفتند دولت و ملت ایران در امضای این قرارنامه منتهای بلاهت راداشته چون کوری که هیچ نه بیند وکری که هیچ نشنود این تصدیق اجزای پارلمنت سبب شد که پروتست روتر بدرالگلیس فایده نبخشید ومایوس صرف گردید ماموری که در طهران داشت و هرسال مبلغی باومیداد بلندن طلبیده وازخیال افتاد اینك دوسال است که حرفی در اینباب زده نمیشود دیگر این ایام که مطلب را تجدید نموده اند من جهة این تجدید رانمی دانم .

حرف امین الدوله باینجا ختم شد بازمن بسخن آمده گفتم اگرچه من فرنك را ندیده و معرفتی در حق فرنگیها ندارم اما از قراریکه چند نفر بمن گفته اند رسم وعادت انگلیسها این است که درمطالبه حقوق خود عجله نمینمایند صابرند میدانندبا آن قوت کامل که آنها دارند هروقت باشد حق ثابت خود را دریافت میکنند بلکه منافع آنرا هم میگیرند قرضا که حالا هم جواب صریح بپسر روتر ندهید واوبی نیل مرام بلندن مراجعت کند بازپس ازچندی بتجدید مطلب وطرح مسئله خواهد پرداخت وشمارا بزحمت خواهدانداخت ادعای روتر باخگری ماند که زیرخاکستر باشد بمجرد وزیدن مختصر بادی روی آن بازشده شعله می کشد حضار همه تصدیق کردند .

اعتماد السلطنه گفت چه ضرر دارد ما بدانیم این مبلغی را که روتر اصلا وقرعا مطالبه میکند صرف چه کرده جواب دادند پنجاه هزار لیره میرزا حسینخان صدر اعظم گرفته همینطورها هم میرزا ملتم خان بیست هزار لیره حاجی محسن خان معین الملك بیست هزار لیره منیر الدوله حاضر مبلغی هم اقبال الملك حاضر مبلغی هم مردم دیگر که دست اندر کاربودند مختصر قریب دویست هزارلیره تعارف داده است ویکصد هزار لیره هم خرج کرده

اعتماد السلطنه گفت ازمیرزا حسین خان مکنت زیادی مخلف مانده آنچه ازروتر گرفته ورثه پس بدهند سایرین هم که این رشوه را خورده اند وحاضرند رد کنند باقی را دولت درظرف چهل پنجاه سال به قسط بپردازد کلا کار روتر کنده میشود من ازاین حرف خیلی بدم آمد ومشیر الدوله واقبال الملك وبعضی از حضار دیگر که حضور داشتند نیز هیچ خوششان نیامد وهمه درمخالفت بااعتماد السلطنه بامن موافقت کردندوبه همین حال آنروز مجلس بهم خورد .

روز شنبه باز مجلس منعقد شد اعتماد السلطنه ترجمه قرارنامه روتر را صحیح وبااصل مطابق کرده به مجمع اظهار داشت چون در این ترجمه راه هرنوع تدلیس بسته شده بود ما علی الظاهر هیچ نگفتیم ودر باطن همان ترجمه اولی را که میرزا نظام مهندس الممالك کرده وسرا پا غلط بود چنانکه بعد ازطبع و نشر آن عالم وعامی بصدا درآمدند وگفتند ما هیچیك ازمطالب این امتیازرا ندانستیم ونفهمیدیم ماخذ قرار دادیم.

مختصرا ما در همان مجلس قرار نامه را مهر کردیم و عاجلا بامضای همایونی رسانیدیم وبانکی در ایران ایجاد کردیم که هیچ خائنی ایجاد نمیکرد وزیر این بار نمیرفت حقیقتا ماشوکت وثروت وسرمایه دولت ورعیت را محضا للشیطان باو دادیم وازآنروز کمر عداوت بااعتماد السلطنه را جدا بمیان بستم ومن قسم خوردم تااورا بخاك سیاه ننشانم دست ازسرش برندارم زیرا دراین خیال این شخص را باخود ضد و مخالف دیدم وبس نمیدانم اگر پیش ازاین اورا دیده وبااو گفتگو کرده یاپیغام داده بودم که من در این فقره حاضرم مبلغی از پسر روتر برای تو میگیرم طمع پول ومیل سازش بامن اورا ساکت میکرد یانه درهرحال ضدیت او بامن مرا دشمن ابدی وی ساخت. خلاصه چون بانك سر گرفت. من ووالد سفیر انگلیس مقصود خود نائل شدیم.»

امضای امتیاز نامه بانك

بالاخره بعداز مذاکرات مفصل متن امتیازنامه بانك شاهنشاهی برای امضاء حاضر می‌شود ولی قبل از مبادله آن ناصرالدینشاه توسط امین‌السلطان از سر هنری درومندولف وزیر مختار انگلیس وجرج رویتر حل چند مسئله رامیخواهد که مهمتر از همه یکی تعهد پرداخت یکصد هزار تومان (چهل هزار لیره انگلیسی) وام بود که برای مخارج سفر اروپا نهایت ضرورت را داشت ودیگر تعهد استرداد عین اصل امتیازنامه ۱۸۷۲ رویتر که مدت ۱۷ سال وسیله ادعا واعتراض انگلیسها بردولت ایران بود .

این نظرها بانوشتن چندتعهدنامه بعنوان منضمات و ملحقات امتیازنامه بانك شاهنشاهی تامین‌میگردد. نوشته‌های مزبور که تاریخ‌امضای آنها ۲۷ روز قبل از تاریخ امضای متن امتیازنامه میباشد بشرح ذیل است .

«امضاء کننده ذیل متعهدمیشودمبلغ چهل‌هزارلیره انگلیزی‌فورا بورودخودش بلندن»
« بحضوراعلیحضرت‌اقدس‌همایونی کارسازی نمایددرصورتیکه بتوسط حکم دولت‌علیه »
«ایران‌و بتوسط‌جناب‌جلالتمآب‌محسن‌خان‌اختیارلازمه‌از برای بیرون آوردن‌مبلغ‌مذکور»
« از بانك انگلستان بدستش بیاید چنانچه درشرط ملحقیه ذکرشد .
«تسلیم‌این‌مبلغ بحضوراعلی حضرت‌اقدس‌همایونی بواسطه حواله تلگرافی‌ازطرف»
« امضاء کننده ذیل بیکی ازتجار که‌اعلیحضرت اقدس‌همایونی معین‌خواهند فرمود »
«خواهد شد .
«تحریرادرطهران بتاریخ سیم‌جانویه‌هزاروهشتصدوهشتادونه۱۸۸۹ (محل‌امضاء»
«ومهر جارج دورویتر)
« در حضور من‌امضاءشد(محل‌مهروامضاءهنری‌درامندولف‌ایلچی‌مخصوص‌ووزیر»
« مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیز به دربار ایران) (محل‌مهرسفارت انگلیس)»
« فصل ملحقیه امتیاز بانك شاهنشاهی نمره‌یك
« امضاء کننده ذیل متعهد میشود اصل‌امتیازیکه بیارون جولیوس دورویتر »
« بتاریخ بیست وپنجم جولیه سنه‌هزار وهشت‌صدوهفتاد ودومرحمت شده درظرف‌ده»
« روز بعداز ورود خودش بلندن بوزیر امورخارجه انگلیز تسلیم نماید .
« این نوشته باسم نماینده اعلیحضرت پادشاه انگلیزدرطهران عنوان خواهدشد»
« وجناب‌معزی‌الیه‌متقبل‌میشود که نوشته‌مزبوررا بدولت علیه ایران‌تسلیم نماید .
« تحریراً در طهران بتاریخ‌سیم جانویه‌هزاروهشت‌صدوهشتاد ونه ۱۸۸۹ (محل»
«امضاء ومهرجارج‌دورویتر)
«امضاء شده است در حضور من(محل مهر و امضاء هنری درامونـدولف ایلچی»
« مخصوص ووزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیز به دربار ایران) (محل مهر»
« سفارت انگلیس)
« فصل ملحقیه نمره‌دویم
« مقرر است که بانك شاهنشاهی‌مواجب مامورمخصوص مذکور در فصل چهارم»

« این امتیاز را بدولت علیه ایران ادانماید . این مواجب مذکور که عبارت است»
« از سه‌هزار تومان در آخـر هر سال مالیه یعنی در بیستم مارس بـانك بـایـد»
« کارسازی نماید .
تحریراً در طهران مورخه سیم‌جانویه هزار وهشتصدوهشتاد ونه ۱۸۸۹ (محل»
« مهر وامضاء جارج‌دورویتر)
«در حضور من‌امضاءشد (محل‌مهر و امضا هنری‌درامندولف ایلچی‌مخصوص و »
« وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیز به‌دربار ایران) (محل‌مهر سفارت انگلیس)
« فصل ملحقیه نمره سیم
«واضح ومعلوم‌می‌باشد که‌وجه‌الضمانه چهل‌هزارلیره‌انگلیسی که بموجب فصل»
« هشتم‌امتیازنامچه بایدبدولت علیه ایران داده‌شود تسلیم بندگان‌اعلیحضرت اقدس»
« شهریاری خواهدگردید ـ این تنخواه برای بندگـان اعلیحضرت همایونی قرض»
« دوکرور فرانك یعنی‌چهل هزار لیره‌خواهد بودکه در فصل ششم‌ذکرشده وباین »
« نحو ازپیش تسلیمش وقوع بهم‌میرساند بناءعلیه فردای‌روز تشکیل بانك بندگان»
« اعلیحضرت اقدس شهریاری بعوض‌اینکه از برای‌دولتشان قرض مذکوردو کرور»
« فرانك‌قید شده در فصل ششم‌را بخواهند بمدیرهای بانك شاهنشاهی امر خواهند»
« فرمودکه این مبلغ راچون ردوجه‌الضمانه بیارون‌ژولیوس رویتر بدهنداین‌مضاف»
« همان اعتبار را خواهد داشت‌که هـر گاه کلمه‌بکلمه در خـود امتیازنامچـه »
«درج شده می‌بود .
« محل امضاء جارج دورویتر
« در حضور من امضاء شد (محل امضاء ومهرهنری‌درامندولف ایلچی‌مخصوص»
« ووزیر مختاراعلی حضرت پادشاه انگلیز .)
« در یکهزار وهشتصد وهشتاد ونه در دارالخلافه طهران قلمی‌گردید . .
پس از امضای این تعهدات ازطرف ژرژ رویتر امتیازنامه بانك‌شاهنشاهی که در چهارده فصل تهیه شده بودبامضاء میرسد وبین‌طرفین مبادله میگردد .

« امتیازنامچه »

بانك شاهنشاهی ایران

« مقدمه ـ اشکالاتی که مدتها بین‌دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاه ایران و»
« بارن ژولیوس رترمعلق بودند چون آخرالامر برطرف گردیدند و امتیازنامچه»
«که بیارون ژولیوس ریترمذکور در بیست وپنجم‌ژوئیه ماه یکهزاروهشتصدوهفتاد»
« و دو عیسوی عطا شده بود چون معدوم گـردید باتفاق طرفین مـراتب مفصله»
« ذیل بر قرار شدند .
« فصل اول ـ امتیازنامچه ـ بموجب این امتیازنامچه دولت بندگان اعلیحضرت»
« اقدس شهریاری بیارون ژولیوس ریتر وبشرکاء یاعاملین اودر مملکت ایران‌حق»
«احداث یك بانك‌دولتی‌موسوم‌بیانك‌شاهنشاهی ایران‌می‌دهد .

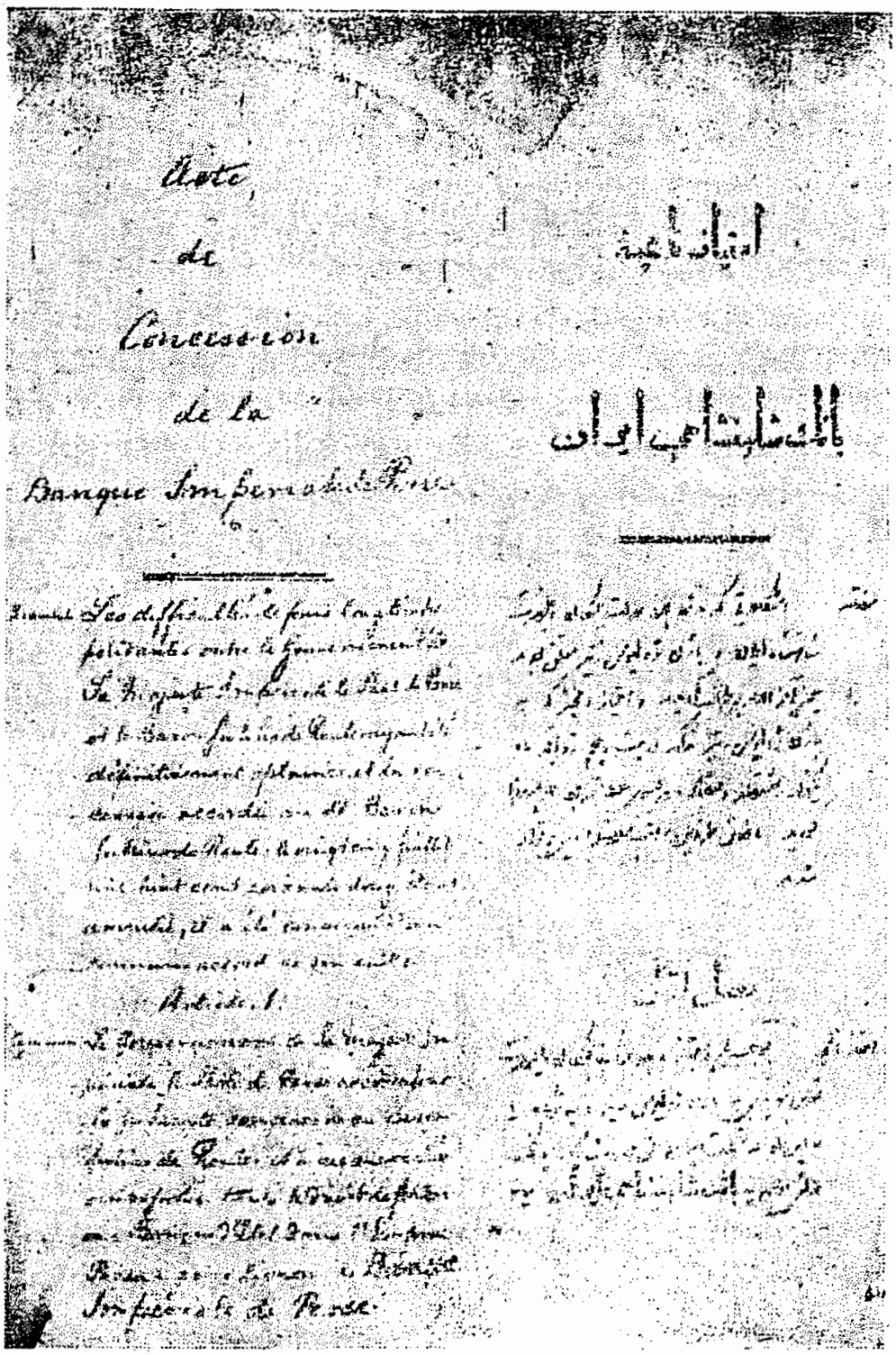

Acte
de
Concession
de la
Banque Impériale de Perse

امتیاز نامهٔ
بانک شاهنشاهی ایران

صفحه اول امتیاز نامه بانك شاهنشاهی ایران

« مدت ـ حق مزبور برای مدت شصت سال ابتداء از تاریخ امضای این متیازنامچه»
« بتوسط بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی عطامی شود .
« مرکز بانك ـ مرکز ومقر بانك در طهران خواهد بودو بانك مزبور خواهد»
« توانست درشهرهای دیگر ایران ودر خارجه شعبات برقرارسازد .
« اقدامات مختلفه ـ محض بسط تجارت وازدیاد ثروت ایران بانك شاهنشاهی گذشته»
« از اعمالی که متعلق بصرافی می باشند باخرج خودیا بخرج ثالثی اقدام در تمام کارهای»
« محاسبه وصنعتی وتجارتی که برای این مقصود نافع بداند خواهد کرد مشروط بر »
« اینکه هیچیك از آن اقدامات مخالف عهدنامه‌ها وقوانین دولت وملت ومذهب ایران»
« نباشد وقبل ازشروع اطلاع بدولت ایران داده شود .
« تقیدات ـ بانك حق نخواهد داشت درقلمرو دولت علیه ایران گرو بیع شرطی »
« قبول کندوغیرمنقول ازقبیل املاك واراضی و دهات و غیرها خریداری نمایدمگر»
« اراضی که برای یك بنای کافی درطهران و شعباتش درسایرایالات لازم میباشند ونیز»
« قدغن اکیداست که بانك مزبور بروات دولتی را که حواله باو نشده‌اند تنزیل کند»
« ویا باعتبار آنهاوجهی بکسی قرض بدهد .
« فصل دویم ـ سرمایه بانك مبلغ دویست کرورفرانك یعنی هشت کرورلیره انگلیسی»
« خواهد بود لهذاتعدادی اسهام احداث خواهند شدکه بانك آنهارا بدفعات نشر »
« خواهد داد هروقت که تقبل قسمت اول سرمایه یعنی پنجاه کرور فرانك یادو کرور»
« لیره انگلیسی امضاءشدبانك مزبورتشکیل شده ملاحظه خواهد گردید محل امضای»
« تقبل سرمایه در پایتخت‌های مختلفه خصوصا درطهران وبرلن و لندن و پاریس و »
« بطرزبورغ ووینه درصورت اجازه دول متبوعه آن ممالك وضع خواهد شد .
« اسهام باسم حامل خواهندبود وبانك اسهام اسم‌دار هم میتواندنشر بدهد بانك»
« مزبور میتواند هروقت مفید بداند سرمایه و عدد اسهام خود را باتفاق »
« دولت علیه زیاد کند .
« فصل سیم ـ نشر بلیطهای بانك ـ بانك شاهنشاهی چون بانکی است دولتی حق »
« مانع لغیر نشر بلیطهای بانك بی اسمی خواهد داشت که بمحض رویت قابل الاداء »
« خواهند بودوهرگز متجاوز از چهل کرورفرانك که هشتصد هزارلیره انگلیسی»
« باشد بلیت بانك نشر نخواهد دادمگراینکه بدولت اطلاع بدهد .
« برای مساعدت بسط اعتبارعامه ومحض تحدیدجریان مسکوکات نقره وازدیاد »
« نشر مسکوکات طلابانك دولتی من حیث القاعده قبول وضع یك عیاری میکندمینی»
برتومان طلا ـ در مدت ده سال اول تشکیل بانك دولت بندگان اعلیحضرت شهریاری»
« ومدیرهای بانك بین خود قرار ومدارهای لازمه رابرای وصول باین مقصود خواهند»
« داد معهذا نظر باقتضای وضع حالیه مسکوکات نشر بلیت‌های بانك شاهنشاهی بدوا»
« مبلغی برپایه قران نقره خواهند بود .

«این بلیت‌هارا تمام‌عمال ومأمورین‌دولت علیه قبول‌خواهند کرد ودرتمام‌معاملات»
«ایران رواج خواهند داشت ولی هرآنی کـه بانك نتواند قیمت یکی از بلیت‌های»
«خودرا ادا نماید نشر بلیت‌های بانك درتمام‌مملکت‌ایران منع خواهد گردید وبانك»
« مجبور خواهدبود که قیمت تمام بلیت‌های خودرا ادا کند .
«ضمانت اداء ـ محض‌اطمینان ادای بلیت‌هابانك مزبـورصریحاًمتقبل میشود که»
«دردو سال اول ابتداءازشروع به کار اقلانصف قیمت بلیت‌های منتشر شده‌خودرا»
« وپس از انقضای دوسال اقلاثلث قیمت آنهارا نقدا موجود داشته باشد .
«تفاوت‌بین وجه نقدموجودی وسرجمع‌بلیت‌های منتشرشده بتوسط اسنادمنقولات»
« وغیر منقولات متعلقه به بانك که آنهارا در ایـران موجود خواهدداشت‌ضمانت»
« کرده می‌شوند .
«بانك شاهنشاهی‌مجبوراست که قیمت‌بلیت‌های خودرا به محض رویت درهر کجا»
«نشر شده‌اند ادا کند معهذابلیت‌های شعباتش خواهند توانست در طهران‌اداءشوند»
« بلیت‌های بانك بزبان ایرانی خواهند بود و بانك نخواهد توانست بدون اذن»
«دولت علیه ایران‌بلیت کمتر ازدو تومان نشر بدهد .
«بلیت‌های بانك علامت یامهری خواهند داشت که مبین ثبت دفتری ایران باشد»
«وممضی خواهند بود بامضای یك مدیر یامدیر وبامضای تحویلدار عمده تاسیس که»
«درآنجا نشر شده‌اند .
«دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری متقبل میشود که در طول مدت این»
«امتیازنامچه هیچ نوع مسکوکات کاغذی نشر ندهد واحداث هیچ بانك تأسیسی‌را»
« که‌صاحب‌این گونه امتیاز باشد اجازه ندهد .
«فصل چهارم ـ دولت‌علیه‌ایران‌سرمایه بانك‌را ضمانت نمی کند وخواهدتوانست»
«بمیل خود خریدارا سهام شود ویادرخرید اسهام مساعد تبعه خودگردد تابه حد»
«خمس سرمایه منظوره ویابهیچوجه مداخلت نکند .
« اداره بانك ـ تقسیم سرمایه باسهام وعدد وقیمت بلیت های بانك مطابقاً »
« بمدلولات فصل سیم این امتیاز نامچه و نظم و نظارت بانك و تعیین روساء »
« و اجزاء چه در ایران وچه در خارجه و اداره کردن و جوهات بانك یامنافعی »
« که حاصل کند یاخساراتیکه ممکن است عایدش گردد بکلی برعهدهٔ دارای این»
«امتیاز وشرکاء وعمال آن خواهد بود وهرنفع‌وضرری باو مدخلیت دارد .
«مامور محترم مخصوص ـ دولت‌علیه ایران مراقبت تامه خودرا دربانك‌بتوسط»
«یك مأمور محترمیکه خود معین کند جاری خواهد ساخت واین مأمور حق خواهد»
«داشت از نظارت بانك اطلاع تحصیل کند ومواظب باشد که امورات بانك بروفق»
«این امتیازنامچه بگذرند مأمور مزبور هر وقت دعوت شود بر حسب تکلیف در»
«مجالس عمومی اسهام داران وهمچنین درمجالس‌شورای مدیران درطهران حضور»
«بهم‌خواهدرساندونشر بلیت‌های‌بانك‌را وارسی‌خواهد کردومواظبت‌تام خواهد اشت»

«که مدلولات فصل سیم این امتیازنامچه رعایت شوند و مراقبت روابط بانك با»
«خزانه دولت علیه برعهده اواست ونخواهد توانست درتدبیر ونظارت اعمال بانك»
«خود را داخل سازد و مأموریت او بهیچوجه اسباب مسئولیت دولت علیه ایران»
«نخواهد گردید .

«فصل پنجم ــ حمایت دولت ــ چون غرض این بانك که تأسیسی است ملتی خیر»
«عامه وخیر دولت میباشد دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری حمایت عسکریه»
«خودرا که برای حفظ امنیت مقر اصلی وشعباتش لازم است دریغ نخواهد داشت

«دولت علیه ایران ابتیاع اراضی وامکنه راکه بـرای بنای مقر اصلی بانك و»
«شعباتش لازمند حتی الامکان سهل و بوجه عادلانه وحامیاً لبانك خودرا بین بانك وصاحبان»
«اراضی ثالث خواهد ساخت .

«معاف بودن ازمالیات ـ خودبانك وبناهای اووشعباتش بکلی ازهر نوع عوارضات»
«ومالیات معاف میباشند وبهمچنین اسهام وبلیتها وقبوضات وبیجکها وجمیع اسنادی»
«که درباب امورات وداد وستدهای او از طرف خودش صادر میشوند نیز معافند»
«ولی هرگاه دولت درملك خود مالیات تمررا قرار بدهد بانك هیچ براتوسندی را»
«نخواهد گرفت که تمر دولت علیه رانداشته باشد .

فصل ششم ــ ادارهٔ وجهیه ــ بانك شاهنشاهی درسهولت تأدیه جات خزانه عامره»
«چه درایران وچه در خارجه کوتاهی نخواهد کرد و برای هرخدمتی که دولت علیه»
«باورجوع کند گماشته گان دولت وروسای بانك حقی که بایددراین باب به بانك داده»
«شود معین خواهند نمود .

«قرض دوکرورفرانك ــ پس ازتشکیل وتهیه سرمایه خود بانك شاهنشاهی تعهد»
«میکند که مبلغ دوکرور فرانك یعنی چهل هزار لیره انگلیسی برای مدت ده سال»
«سالی صد شش تنزیل به بندگان اعلیحضرت شهریاری قرض بدهد واصل آن تنخواه»
«ومنافعش بموجب میل بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری ازبابت صد شش منافع»
«خلص که بر حسب فصل هفتم این امتیازنامچه به پیشگاه سلطنت تعهد شده است»
«محسوب خواهد گردید .

«پیشکی ــ علاوه بر آن بانك شاهنشاهی پیوسته پس ازتشکیلش حاضرخواهد»
«بود ازبرای تمام وجوه پیشکی واستقراضاتی که دولت علیه لازم داشته باشد وازاو»
«طلب نماید ودرهروجه قرار رهاین آن واستقراض بین دولت وبانك داده خواهد شدویا»
«اینکه آن وجوه پیشکی یااستقراضات بمعادل خودشان یك ضمانتی خواهند بوداز»
«برای سرجمع بلیتهای نشر شده این وجوه پیشکی واستقراضات را دولت علیه در»
«رأس موعدهای مقرره اداء خواهد نمود ــ سرجمع تنزیلات منظما درآخر هرسال»
«مالیاتی ایران یعنی درآخر حوت داده خواهد شد .

«ده کرور فرانك ـ اولین این وجوه پیشکی که غیر از مبلغ دوکرور فرانك»
«فوق الذکر میباشند تدریجی وتاده کرورفرانك یعنی دویست هزار لیره انگلیسی»

«ودرسالی باصدهشت تنزیل خواهد بود .
«فصل هفتم ـ حصه منافع ـ درآخر هرسال مالیاتی ایران یعنی آخر حوت بانك»
«شاهنشاهی باید صد شش منافع خلص آن سال خودرا بدولت بندگان اعلیحضرت»
«اقدس شهریای بدهد ویا بجمعش بیاورد درصورتیکه حصه منافع صد شش مذکوره»
«دریك سال کمتر از صد هزار فرانك یعنی چهار هزار لیره انگلیسی بشود بانك»
«مجبور است که این مبلغ‌را کامل نماید ازاینکه کسر آنرا هرچه خواه باشد درجزء»
«مخارج خود محسوب بدارد وبدون اینکه حق داشته باشد وجهامن‌الوجوه آنرا»
«بخرج حصه منافعی که نتیجهٔ عمل سال بعداست بیاورد .
فصل هشتم ـ ضمانت ـ وجه‌الضمانه چهل هزار لیره انگلیسی که درهزار وهشتصد»
«و هفتاد ودو عیسوی بارون ژولیوس ریتر در بانك انگلیس گذارده بود برای»
«ضمانت تشکیل بانك شاهنشاهی بدولت علیه ایران‌تسلیم خواهد شد فردای تشکیل»
«بانك‌دولت علیه ایران مبلغ‌مزبورچهل هزار لیرهٔ انگلیسی‌را به بارن مذکوربس»
«خواهد داد هرگاه ابتداء ازتاریخ امضای‌این‌امتیازنامچه بتوسط بندگان‌اعلیحضرت»
«اقدس شهریاری تا مدت نه ماه بانك شاهنشاهی دایر نشود وجه الضمانه مزبور »
«بدولت ایران منتقل خواهد شد واین امتیازنامچه معدوم وساقط‌الاعتبار خواهدبود»
«مگردرصورتیکه بین‌بعضی دول‌بزرك اروپا جنگی برپاشود ویادرصورتیکه‌دولت»
«ایران درآن جنك دخالت بهمرسانند ویادروجه هراتفاق فوق‌العاده .
فصل نهم ـ قوانین ـ درحین تشکیل بانك شاهنشاهی بانیهای او قواعدیرا که»
«بموجب آنها باید بانك‌دایرشودنشر خواهندداد وآن قواعد باید مطابق مدلولات»
«این امتیازنامچه باشند پس ازتشکیل بانك قواعد مزبوره متغیر نخواهند شد مگر»
«بموجب قرار داد مجلس عمومی صاحبان اسهام ومجلس مزبور باید درتغییراتیکه»
«جاری میسازد حفظ ورعایت این امتیاز نامچه‌را بنماید.
«فصل دهم ـ حمایت ـ برای جراءوحفظ حقوقیکه بموجب این امتیازنامچه داده»
«شده بانك مزبور درظل حمایت بندگان اعلیحضرت شهریاری ودولتشان خواهد»
«بود و بانك هم متقبل‌میشود که قوانین عمومی مملکت‌را از جمیع جهات محترم »
«دانسته اطاعت نماید .
«حکمیت ـ در صورتیکه بین دولت وبانك ویابین بانك و سایر مردم اختلافی»
«ظاهر گردد هریك‌ازطرفین یك‌یادو حکم منتخب‌خواهدنمود وقرار دادآن‌حکمها »
«قاطع خواهد بود ودر صورت عدم توافق بین حکمها آن حکمها حاکمی‌دیگر»
«منتخب‌خواهند نمود که حکمش‌بدون برگشت اطاعت خواهد شد .
«فصل یازدهم ـ معادن ـ ازآنجائیکه بانك شاهنشاهی حاضر است که برای احیاء»
«تمام وسائل استخراج ثروتهای طبیعی مملکت فوراً کمال فدویت را بجا بیاورد»
«دولت علیه به بانك مزبور ودر تمام مدت این امتیازنامچه امتیاز مانع لغیر قطعی»
«میدهد که درتمام وسعت مملکت ایران معادن‌آهن ومس وسرب وذیبق وذغال سنك»

«و نفط و مانگانز و بورق و آمیانت را که متعلق بدیوان میباشد وقبل ازوقت بدیگران»
«واگذار نشده‌اند دایر نماید .

«چون مصادف این امتیاز نامچه دولت علیه ایران درروز امضای این امتیاز نامچه»
«به بارون ژولیوس ریتر صورت رسمی معادنی را خواهدداد که قبل ازوقت بدیگران»
«داده شده‌اند ـ معادن طلا و نقره و جواهریات وآن فلزاتیکه در فوق ذکر »
«نشده‌اند متعلق بدیوان میباشند لاغیر ومهندسین بانك که آنهارا کشف کنند مجبورند»
«فوراً کشف آنهارا بدولت بندگان اعلیحضرت شهریاری اطلاع بدهند .

«دست مزد ـ غیر ازمهندسین وسرکارهائیکه ضروری میباشند تمام عمله جات»
«معدنچی که برای دایر نمودن معادنش بانك اجیر نماید ازمیان تبعه بندگان اعلیحضرت»
«اقدس شهریاری منتخب خواهند شد .

«دولت علیه ایران به تمام وسائلی که دردست دارد بانك را اعانت خواهد کرداز»
«اینکه دست مزد عمله‌جات لازمه به نرخ عادلهٔ وقت برایش میسر شود .

«تمام معادنیکه بانك ده سال بعد از تشکیل خود شروع در دایر نمودن آنها»
«ننموده باشد مثل این ملاحظه خواهند شد که بانك مزبور صرف نظر از آنها»
«نموده‌است ودولت علیه خواهد توانست هر نوع تصرف در آنها بکند بدون اینکه بانك»
«صاحب امتیاز بتواند مانع شود .

«فصل دوازدهم ـ اراضی مجانی ـ اراضی که برای دایر نمودن آن معادن و برای»
«ساختن یك راه مراوده باطرق حمل ونقل اقرب یااسرع لازم میباشند آنچه متعلق»
«بدیوان است ازجانب دولت علیه مجاناً به بانك داده خواهد شد هرگاه درمعبر این»
«راه مراوده املاکی یافت شوند متعلق به اشخاص متفرقه دولت علیه ایران بانك»
«را در خرید آن املاك از صاحبانش به تمام وسائلی که در دست دارد اعانت»
«خواهد نمود .

«معاف ازخراج ـ ادوات لازمه برای دایر نمودن معادن بخاك ایران داخل خواهند»
«شد بدون اینکه هیچ حقی بدهند اراضی وابنیه متعلقه به آن اداره‌جات معدنی معاف»
«ازهرمالیات وعوارضی خواهند بود .

«فصل سیزدهم ـ منفعت دولت ـ ازمنافع خلص تمام معادنیکه بانك دولتی دایر»
«نموده‌است دولت علیه ایران سالی شانزده درصدش را اخذ خواهد نمود.

«رجعت بدولت ـ درانقضای مدت این امتیاز نامچه اراضی معادن باابنیه آنها و»
«ادوات و متعلقات بدولت علیه ایران تعلق خواهند گرفت موافق قوانین کلیه که دول»
«آنرا معمول داشته‌اند ودراین باب شرایط بسیار مساعدرا برقرار ساخته‌اند.

«فصل چهاردهم ـ صرفنظر ازحقوق سابقه ـ بازای حقوقیکه بموجب این امتیاز»
« نامچه به بارون ژولیوس ریترواگذار شده‌اند بارن مذکور صریحا اقرار برترك»
«کامل بلا استناد تمام حقوق وامتیازاتی را مینماید که برحسب امتیاز نامچه قدیم مورخه»
«بیست وپنجم ژوئیه ماه یکهزار وهشصد وهفتاد و دوعیسوی که بتوسط این شروط»

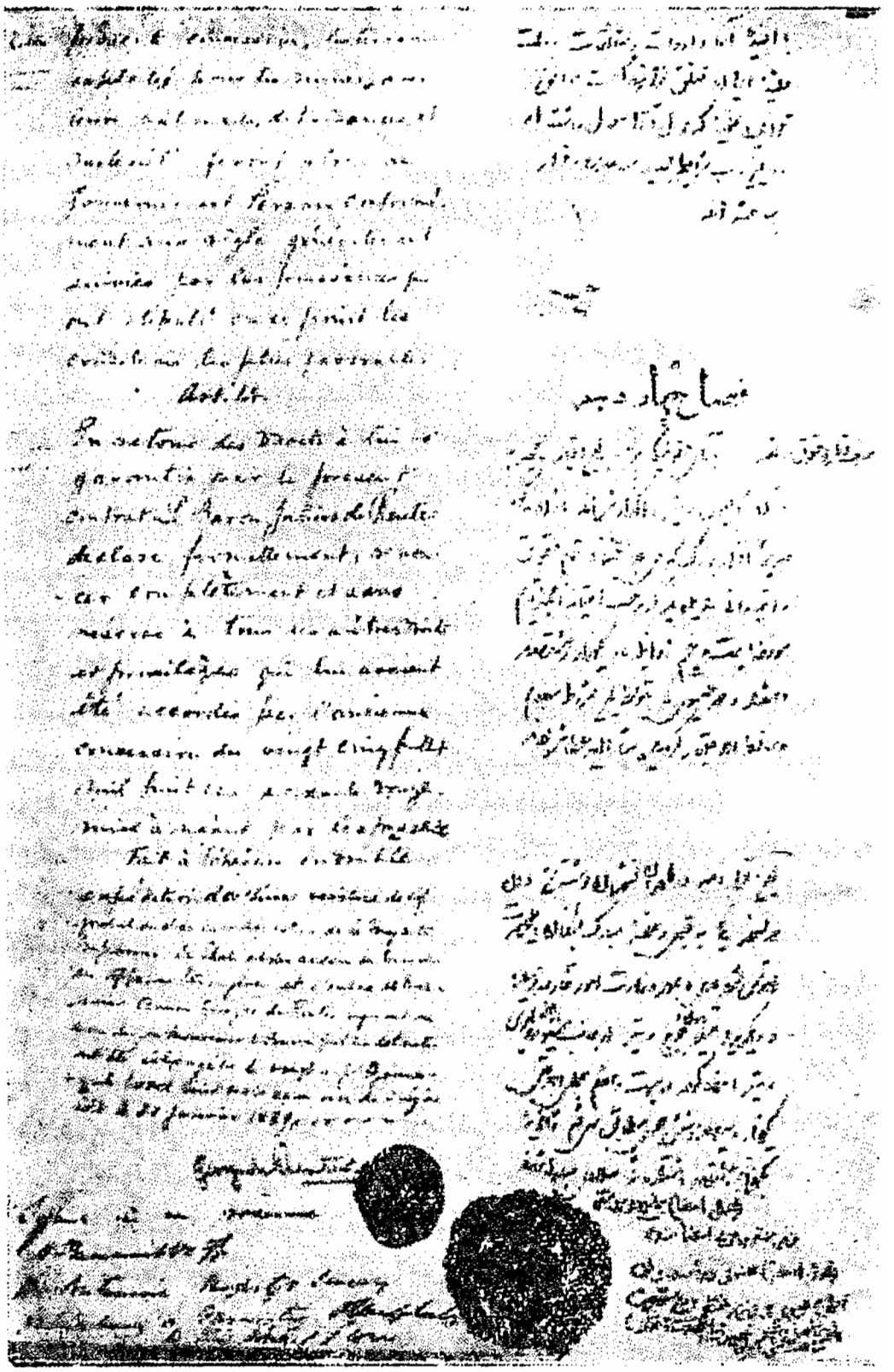

صفحه آخر امتیاز نامه بانك شاهنشاهی ایران

«معدوم وساقط الاعتبار گردیده بمشار الیه عطا شده بودند.
«این قرارنامه‌درطهران نسختان نوشته شد و آن دو نسخه یکی به قبول وصحه»
«مبارك بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری وبمهر وزارت امور خارجه رسیده و»
«دیگریرا مسیو بارن جرج‌ریتر ازجانب مسیو بارن ژولیوس‌ریتر امضاء کرده در»
«بیست وهفتم‌جمادی الاول یکهزار وسیصدوشش هجری مطابق‌سی‌ام ژانویه‌یکهزار»
«وهشتصد وهشتاد ونه میلادی مبادله شدند .
«محل‌امضاءجارج‌دورویتر(محل مهررویتر)
«درحضور من امضاء شده (محل امضاءهنری درامندولف ایلچی مخصوص‌ووزیر»
«مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس بحضوراعلیحضرت اقدس شاهنشاهی‌ایران)
«محل‌مهرسفارت‌انگلیس»(۱)

انتقاد از امتیازنامه

اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ناصرالدینشاه که همیشه متمایل بسیاست‌روسها بود قبل‌از آنکه‌امتیازنامه‌بامضاءبرسدنامه‌ای‌به ناصرالدینشاه نوشته ضمن‌انتقاد ازامتیازنامه بانك شاهنشاهی معایب ومضار آنرا شرح میدهد ودر اینجا متن‌آنرا نقل مینمایم .

« بسم‌الله تعالی
اعتراضات ثروتی وتجارتی
شهداله قرارنامه‌های بانکهای متعدد که‌فعلا درمدنظر این‌غلام است‌هیچیك درسهولت شرایط وملاحظات دولتی‌باینقرارنامه‌نمیرسد ولی‌اگر این‌اعتراضات‌وایرادات‌ذیل‌هم‌دفع‌ورفع شودبهترین جمیع‌قرارنامه‌های‌بانکهای دنیا خواهد بودوعمده جهت این‌سهولت وترجیحی‌که اینقرارنامه برشرایط بانکهای دول‌سایره دارد ازاینجاست که‌در ممالك دیگر دولتها خود طالب ایجاد وتشکیل بانك‌شده‌اند پس‌هرتکلیف که‌اداره بانك در ملاحظه جانب خود نموده است دولت قبول کرده ولی دراینقرارداد بانك طالب‌تشکیل گردیده لهذا در همه‌جا رعایت مصلحت دولت‌را نموده است تااینکه دولت‌بمیل تمام‌رد ننماید وقبول بفرماید .

در فصل اول که‌متعلق است بمرکز وشعب عباراتی مجمل‌آورده‌است واجمال‌این مطالب‌اختیار را ازدولت سلب میکند باید دراین مقام صریحا افزود که اداره بانك در تعیین مستقرمرکزی و مواقع تشکیل شعب باید مخصوصا اذن مجدد از جانب کارگذاران دولت علیه‌تحصیل‌بنماید

وهکذا در اقداماتی‌که زیاده برتکلیف اصلی‌خود خیال دارد ازقبیل تسهیل‌طرق تجارت و تکمیل جهات ازدیاد ثروت وامثالها مختار مطلق نیست‌و بایددر هریك ازاین‌خیالات اطلاع مخصوص بدولت بدهد و اجازه خاص تحصیل نماید ونیزدر فصل اول‌سرمایه بانك معین شده‌است امامقدار قبوض بانك‌که در عوض مسکوك رواج خواهد گرفت معین نیست وممکن است که بانك چند مقابل علاوه بر سرمایه خود قبوض بانك انتشار بدهد پس لازم است که‌معین بنماید .

---

۱ ـ روزنامه رسمی دولت ایران در شماره ۶۷۸ مورخ یکشنبه شانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۰۶ هجری قمری (هفدهم فوریه ۱۸۸۹) مقدمه‌ای بشرح زیر راجع ببانك شاهنشاهی انتشار داده وبعد متن امتیازنامه را درج نموده است .

«چون همواره همت اعلی نهمت بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خاداللّه تعالی ملکه ودولته مصروف آبادانی مملکت ومزید سود وثروت وترویج کلیه شعب صناعت وتجارت دولت علیه ایران است دراین ایام امتیاز ایجاد بانك بسیار معتبری موسوم ببانك شاهنشاهی به بارون ژولیوس ریتر که ازکمپانی معتبر با مکنت فرنك‌است‌مرحمت فرمودند که‌بموجب‌قرارنامه وشروط مفصله ذیل‌بانك مزبوررا درمملکت ایران‌ایجاد ودایرنماید.»

وهم در مسئله امتیاز معادن که‌نوشته است اگر اداره بانك آن امتیاز را بهمان شرایط قبول بکند بر غیر مقدم است باید قیدشود که) اگر اشکالات پلتیکی درمیان نیاید) چراکه ممکن است بانك آن امتیاز را بهمان شرایط که غیر قرار میدهد قبول بکند ولی یك‌ملاحظه دولتی ومصلحت پلتیکی آن غیر را ترجیح بر بانك بدهد ودر فصل چهارم که قرارداده‌اند یك‌نفر مامور محترم ازجانب دولت‌علیه تفتیش بکند یکنفر مفتش محترم کم است زیراکه‌ممکن‌است که‌یکنفر عمدایاسهوا درتکلیف‌مخصوص خوداشتباهی بکند پس‌باید قرار دادکه سه نفر ازطبقات مختلفه رجال‌دولت برتکلیف تفتیش اقدام ومراقبت داشته باشند درکمال اتحاد بمثابه وجودواحد وآیا حق‌الزحمه مامورین تفتیش راکی‌خواهدداد بدانك باید رجوع کرد اگر هم‌فی‌الواقع‌برعهده‌بانك قرار بگیرد در ظاهرا باید دولت خود دریافت‌نماید و بمامورین برساند که مامورین رسما مواجب خوار بانك نموده باشند .

ودر فصل ششم‌نوشته شده است که‌دولت علیه‌معادل یك‌ملیان فرانك بطوراستقراض ازقرارصد شش‌منفعت از بانك دریافت خواهد داشت جهةلزوم این‌استقراض معلوم‌نیست فی‌الحقیقة منت بیهوده‌ایست ومالاضرری که‌دارد این است که‌اولا درسال شصت‌هزار فرانك بایدمنفعت بدهد وبانك‌در ظرف دهسال تقریبا معادل دوثلث یکملیان استقراض را باسم منفعت‌دریافت کرده است علاوه همینکه باب استقراض مفتوح گردید حدیقف نخواهد داشت و خدانکرده مثل دولت عثمانی ومصر وتونس مقهور اجانب خواهد گردید .

در فصل نهم‌این عبارت رابایدافزود که اداره بانك‌بایدمتعهد شودکه درآخر هرماه صورت معاملات‌آن ماه را بتوسط روزنامجات مرکزی انتشار بدهد وهمچنین درآخر هرسال شمسی معامله‌دوازده ماهه‌را اعلان‌نماید تاتمام مردم ازدادوستد بانك مطلع بوده باشند

در فصل یازدهم اضافه‌شود که بانك در مقام استکشاف معادن اگر معدنی‌در اراضی بایره و بلامالك احتمال میدهد بدون استحصال اذن مخصوص از دولت میتواند در آنجا کاوش‌بکند ولی اگردر املاك مزرعه و آباد معدنی احتمال میدهد باذن و رخصت و رضای صاحب مالك کاوش بنماید خواه اراضی دیوانی باشد و خواه رعیتی .

در صورتیکه‌این‌قیدبطورتاکیدنشود مفاسدکلی بظهورخواهد رسید چنانکه در مملکت عثمانی ازاهمال این قید چه املاك عامر و اراضی دایر بیوتات مسکون خراب شد و زیانهای بی‌حد و احصاء بررعایاوارد آمد

(اما از حیث پلتیك)

در ظرف چهل‌ودوسال سلطنت بندگان اعلیحضرت‌قدر قدرت همایون شهریاری ارواحنا فداه بواسطه حسن تدبیر و اجراء پولتیك سالم وتعدیل درمهربانی بدو دولت رقیب بدون هیچگونه درد سر و زحمت خاطر بحمدالله تعالی سلطنت وحکمرانی فرموده‌اند وانشاءاله تعالی دوچهل سال دیگر هم بخواست خدا باکمال قدرت پادشاهی خواهند فرمود در این چند ماه‌بواسطه مسئله کارون خاطر مبارك فی‌الجمله مشغول است باز می‌توان متعذر گردید براینکه مسئله کارون انترناسیونال یعنی عمومی بود ولی دادن امتیازبه روطر ثابت می‌کند که اولیای دولت کلیة طرفدار یك‌سمت میباشند وبسمت دیگر چندان وقعی‌واعتنائی‌نمیکنند آیامصلحت‌اولیای قاهره است که از جاده تسویه‌وتعدیل که دراین مدت متمادی راه سلامت پیموده اند انحراف بورزند وبیطرفی راکنار بگذارند نه‌والله .

دولت آلمان باقرب چهارکرور سرنیزه محض اثبات بی‌طرفی خود بانهایت مخالفتی که بعد از جنك عثمانی وروس مابین آلمان وروس بروز کرد وماده طوری غلیظ شدکه هرساعت انتظار اعلان جنك بین‌دولتین مشارالیها بوداامپراطور حالیه باسرپرشور که لازمه‌جوانی ومقتضای سن اوست به‌نصیحت وزیراعظمش پرنس‌بیزمارك ملاحظه تعزیه‌داری جد وپدرخودراکه درظرف چهارماه پی‌در پی مردند نکرد بمحض جلوس تخت سلطنت هنوز تعزیت وتهنیت تاجداران وروسای دول کاملا باو نرسیده‌است سفری بروسیه کرد واظهار خصوصیت‌بامپراطور روس نمود بلکه برای تشید خصوصیت وجلب قلوب معاندین‌آلمان علی‌الخصوص امپراطریس روسیه به دانمارك که

در جنب آلمان نسبت پشه وعقاب دارد مسافرت نمود باسم اینکه من صلح طلب هستم وجنگجو نیستم فی الواقع اتمام حجت کرد که اگر مجادله مابین او ودولت روس واقع شود درانظار عامه ملل وامم روی زمین علی الخصوص اهالی مملکت خود مسئول نباشد که مبادرت بمخالفت نموده است نمیدانم مصلحت است که رجال دولت باین شدت بهانه بدست همسایه معتبر خودشان بدهند که از سه طرف حدود ایران وصل بخاك اوست وایلات وبادیه نشین های ما از ترك وتات لاعلاج باید باسرحد نشین های آن مرابطه داشته باشند روز چهارشنبه گذشته در مجلس مذکور شد که قرارنامه اولی روطر مطموس ومعلول نشد مگر بواسطه خواهش شخص امپراطور ماضی روس آیا ممکن نیست در این سفر سیم که بدولت واقبال بفرنك تشریف خواهند برد امپراطور حالیه نیز همین خواهش را بکنند ودر آن صورت بجای یك سند معلول که حالا دردست روطراست دوسند صحیح در یك ورقه که هم اعتراف بصحت سند اول است وهم امضای سند ثانی بچنك او خواهد آمد وهردو معلول وغیر معمول خواهد ماند و تکلیف رجال دولت بین المحذورین خواهد بود نه انکار وتکول سندی که بدست تبعه انگلیس سپرده اند میتوانند کرد ونه اجراء وقبول وراه عذری درمقابل گله روسها خواهند داشت.

این خانه زاد بیمقدار اطلاع وربطی ازپولتیك دولت علیه ندارد زیرا که درامورات دخالتی وراهی تحصیل نکرده است مثل یك اعمی نادانی عرض میکند که نه میبیند ونه میداند .

اما بواسطه بصیرت و اطلاعات کاملی که در زیر سایه بلند پایه اروا حنا فداه از پولتیك سایر دول دنیا داردمعروض میدارد که رجال دولت بواسطه این همسایه شمال ومشرق وشمال غربی خیلی ممکن است طرف زحمت وگرفتاری خیال بشوند و از همسایه جنوبی ظاهرا اینقدرها که تعدیل زحمت و فایده تواند شد منتفع نگردند پس موافق عقل قاصر و فکر فاتر این خانه زاد خوبست که راه حرف روسهارا به بندند ودرمسئله که روتر بعد ازچهارده سال مجدداً عنوان کرده است از آنها استشاره نمائیم واستمداد کنیم اگر چاره کردند نعم الاتفاق والا هیچوقت لامحاله حق گله از ما نخواهند داشت انگلیسها باید از افتتاح کارون بجهة کشتی های عمومی تاهزار سال دیگر ممنون رجال دولت علیه بوده باشند وسکوت کنند وبطلان قرارنامه اولی روطررا اگر هم بقول اینها صحیح است پیشکش رجال دولت نمایند .

این فقره پر روشن ومبرهن است که این خانه زاد بیمقدار هرچه ازاین قبیل عرایض بکند اسم آنهارا فضولی گذاشتن انسب است تادولتخواهی گفتن .

ولی محض تذکار خاطر عاطر رجال دولت جسارت ورزیده عرضه میدارد که برآحاد وافراد ملت ایران واجب است که اول ملاحظه قدرت سلطنت وحفظ شوکت و ناموس دولت و آسایش خاطر مبارك شخص شاهنشاه گیتی پناه خلداله تعالی سلطانه وآرامش قلوب کافه اهالی وطن را که ازنعمت های بزرك الهی است بنمایند و بعد رعایت حقوق ثابته حالیه ومالیه دولت علیه را بروجه کامل منظور دارند .

واگر در مقام دولتخواهی هرادنی رعیتی عرض بکند چنانچه قابل قبول ندانند تخفیف نیز ننمایند و توهین نفر مایند که آن بیچاره باعتقاد خود درمقام اداء تکلیف است نه استحقاق تخفیف جناب ولایت مآب صلواةالله وسلامه علیه دستور العمل بزرگی داده اند که انظر الی ماقال ولاتنظر الی من قال والسلام

خانه زاد بی مقدار محمد حسن مترجم

۲۳ جمادی الاول ۱۳۰۶ «

ضمائم امتیازنامه بانك شاهنشاهی

دوماه بعد از اعطای این امتیازنامه ناصر الدین شاه وامین السلطان عازم اروپا میشوندواز طریق روسیه بانگلستان میروند .

پذیرائی شایانی که در انگلستان از «شاه» ایران و همراهان او بعمل میآید تاآنوقت شاید سابقه نداشته است چنانکه اعتماد السلطنه که در این سفر همراه ناصرالدین شاه بود در کتاب خلسه خود مینویسد .

«طوری دولت انگلیس موکب اقدس‌را پذیرائی نمود که گویا هیچ پادشاهی را از سلاطین اروپا و آسیا تاآنروز اینطور محترم نه پذیرفته بودند ـ ولف وسالزبوری صدراعظم انگلیس وجمعی ازوزراء آندولت ووکلای ملت بایکدیگر همدست شده وآن تشریفات فوق العاده‌را فراهم‌آورده که ازاین راه تغییری درپلتیك اعلیحضرت بدهند وایران‌را بلع نمایند .

پلتیك اعلیحضرت همایون پیش ازاین بیطرفی بود هیچیك‌از دول روس وانگلیس بلکه عثمانی وغیره‌را بر دیگری ترجیح نمیدادند آقایان میخواستند باتعارف وتکلف اینوضع را بهم زنند دولت ایران را تابع ودست نشانده انگلیس کنند پادشاه حالیه وسلاطین آتیه مملکت را مثل صوبه دارهای هند درتحت اقتدار بریطانیای کبیر قرار دهند وشان شهریاری ایران‌را ازامارت افغانستان وخدیو مصر نازل ترسازند»

در همین چند روزه اقامت در انگلستان کـه ناصرالدین شاه سرمست خوشی‌ها و عیاشی‌ها ومحو جمال وزیبائی های جزیـره بریتانیا بود انگلیسها بدستیاری امین السلطان وملکم باگرفتن چند امضاء ازاو اوراق تازه‌ای بردفتر اشتباهات و خطاهایش میافزایند. ازجمله این اوراق یکی هم « ضمیمه چهار امتیازنامه بانك شاهنشاهی»است .

بعد ازاینکه جرج رویتر امتیازنامه بانك شاهنشاهی‌را بلندن برد نواقص ومعایبی در آن مشاهده میکنند وبودن ناصر الدین شاه‌را در انگلستان بهترین موقع برای رفع این معایب میدانند .

بالاخره متن اصلاحیه‌را تهیه و بامختصر جرح وتعدیلی دریکی از روزهای آخر توقف ناصرالدین شاه‌در انگلستان(روزشنبه۲۸ذی‌القعده۱۳۰۶)درشهر برایتن بامضاءمیرسانند این ضمیمه اصلاحیه شامل نه فصل و باین شـرح است .

ضمیمه‌چهار امتیازنامهٔ بانك شاهنشاهی

«این فصول ذیل‌هرگاه باشرایط‌امتیازنامچه وضمیمات آن تفاوت دارند برقرار»
«وقاطع‌خواهدبود .

«فصل-۱ مرکز معاملات درتهران‌خواهدبود ونشراصلی‌همه‌بلیت بانك درهمانجا»
«خواهد بود درسایر جاهـا نخواهد بود

«فصل-۲ بانك شاهنشاهی بدون‌اجازه دولت‌علیه ایران‌حق نخواهدداشت درقلمرو»
«دولت علیه ایران گرو بیعشرطی‌ازقبیل املاك‌واراضی ودهات وغیره کندوهم بدون»
«اجازه حـق نخواهد داشت بروات دولتی‌را تنزیل کند یاباعتبار آنهاوجهی بکسی»
«قرض بدهد غیر ازبرواتی که ببانك حواله شده باشد

«فصل-۳سرمایه بانك‌میتواندمنقسم‌شودباسهام‌واستاکو که‌مناسب‌باشدبانك‌میتواند»
«تشکیل‌شودمطابق‌قانون‌آنولایت که سرمایه یاقسم‌اکبرآن درآن‌تحصیل شده‌باشد»
«محل‌امضاء فقط‌درمکان‌یامکانهای‌مناسب‌وضع‌خواهدشداسهام‌بانك‌اسم‌دارخواهدبود.»

« فصل -٤ ضمانت اداء بلیتها ازقرارذیل خواهدبود .

«بانك صریحا متقبل میشود که اقلا یك‌ثلث ازوجه بلیتهای منتشرشده خودرانقدا»

«موجود داشته باشد ودو ثلث ازاین وجه نقدی‌میتواند قرض طلا ونقره باشد تفاوت»
«مابین وجه موجودی‌نقدی و وجه بلیتهای منتشر شده هرگز زیاد تر ازوجه‌سرمایه»
«اداء کرده نخواهد بود .

« فصل ـ۵دولت‌علیه‌ایران‌مراقبت‌تامه‌خودرادر بانك بتوسط مأمورمحترمی که خود»
«معین کند جاری‌خواهد ساخت حقوق این مأمور ا قرارذیل خواهد بود .
« برحسب‌حق درمجالس عمومی بانك وهمچنین‌درمجالس شورای روسا درطهران»
«حضور بهم خواهد رسانیدودولت علیه‌را ازهرتغییر و تبدیل فصول امتیازنامچه »
«مطلع خواهد ساخت ومخصوصا مراقبت تمام خواهدداشت که مدلولات فصل سیم »
«ازامتیازنامچه که دراین فصول‌بیان شده‌است رعایت شوند و مراقبت روابط بانك»
«باخزانه دولت علیه بر عهده اوست چون نخواهد توانست درتدابیر ونظارت‌اعمال»
«بانك خودرا داخل سازد ومأموریت او بهیچوجه من‌الوجوه اسباب مسئولیت‌دولت»
«علیه نخواهد گردید .

«فصل‌ـ٦ علاوه برچهل‌هزارلیره‌انگلیسی که‌قرارشده‌است بانك شاهنشاهی بدولت»
«علیه بدهد استقراضات وپیشکی دیگررا بدون ضمانت پسندیده نخواهد د د وجوه»
«کل این پیشکی واستقراضات هیچوقت زیاد تر از یك ثلث وجه سرمایه اداکرده»
«بانك نخواهد بود .

«فصل‌ـ٧ ادای‌حق‌سالیانه بدولت‌علیه که درفصل‌هفتم ازامتیازنامچه‌مقرره است‌در»
«آن بیستم ماه مارس یعنی آخر حوت خواهد بود که بعدازانقضای یکسال میباید»
«بعد از شروع بکار بانك درایران .
«فصل‌ـ٨ درصورت‌عدم‌توافق‌بین‌حکمیکه‌مطابق فصل‌دهم ازامتیازنامچه مقررشده‌اند»
«برای انتخاب حکم آخری جهت قطع اختلاف که مابین بانك و اشخاص مختلف»
«ظاهرگردد آن حکم آخری بتوسط سفیری ازدول فرانسه یاآلمان یااطریش یا»
«ایطالیا مقیم طهران انتخاب خواهد شد وباید اختلافاتیکه درممالك ایران خارج»
«ازدارالخلافه مابین بانك و اشخاص مختلف ظاهرگرددمیتواند قطع‌شود بتوسط»
«حکمیکه‌درخود محل‌اختلاف بتوسط قنسول یاوکیل‌قنسولگری‌دول مزبوره برضای»
«طرفین انتخاب شده‌است هرگاه اختلافی مابین دولت علیه وبانك ظاهرگرددبانك»
«حق داردکه شخصی از اهل خبره جهت حکمیت بخواهد واین شخص باید ساکن»
«اروپ باشد وبتوسط روسای کل ازبانکهای‌دولتی دول فرانسه وآلمان واطریش»
«وایطالیا یابتوسط یکی‌ازآنها انتخاب خواهد شد ودولت علیه رای‌حکم‌اولی‌را و»
«یارأی حکم آخری‌را فوراً جاری خواهد ساخت .

«فصل‌ـ٩ خودبانك معادن وکارهای دیگرمذکوره درفصل یازدهم ودوازدهم‌و»
«سیزدهم ازامتیازنامچه وایضا کارهای‌تجارتی‌مذکور درفصل‌اول‌ازامتیازنامچه‌دائر»
«نخواهد نمود اما بانك حق‌خواهد داشت یاهمه یایکی از حقوقیکه مطابق فصول»
«مزبور عطا شده‌اندبکسی‌یابکسان بفروشدیاواگذارنماید واین‌فروش یاواگذاری»

«مطابق فصول امتیاز نامچه خواهد بود مشروط بر اینکه آنکس یا کسان را جهت اجازه »
« بدولت علیه معرفی کند و بدون چنین اجازه از جانب دولت علیه چنین واگذاری یا فروش»
« کامل نخواهد بود .

« و هرگاه دولت علیه این اجازه را بدون اظهار سببی که صحیح باشد بتعویق بیاندازد»
« یا هیچ ندهد بانك حق دارد فقره را بحکمی رجوع نماید مطابق فصل دهم از»
« امتیاز نامچه که در فصل هشتم این اصلاحات بیان شده است وحق سالیانه فصل »
«سیزدهم از امتیاز نامچه آنکس یا کسان که معادن را دائر نمایند ادا خواهند نمود»
«و بانك ضامن صحت حساب و رسانیدن آن حقوق دولت است که درفصل سیزدهم»
«اصل امتیاز نامچه مقرر است و بانك حق دارد معادن یا کارهای دیگر را تصدیق و عموما»
«اعتبار آنها را تحقیق کند .

« بتاریخ ۲۸ ذیقعدة الحرام سنه ۱۳۰٦ هجری مطابق ۲۷ جولای سنه ۱۸۸۹ در برلیان»
«امضاء و بدو نسخه متساوی مبادله شد .

محل امضاء جولیوس رویتر محل امضاء درومندولف »

تشکیل بانك

باین ترتیب بموجب این امتیاز نامه اجازه تأسیس یك بانك مرکزی بنام «بانك شاهنشاهی ایران» باداشتن حق انحصاری انتشار اسکناس برای مدت شصت سال ببارون ژولیوس رویتر داده میشود .

این بانك گذشته از اعمال راجع بصرافی میتوانست بخرج خود یا بخرج ثالثی اقدام در تمام کارهای محاسبه وصنعتی و تجارتی که برای این مقصود نافع بداند بنماید و بعلاوه حق استخراج و بهره برداری تمام معادن ایران بجز معادن فلزات قیمتی ومعادنی که قبلا بدیگران واگذار شده است متعلق بصاحب امتیاز بود.

ژولیوس رویتر پس از تحصیل امتیاز نامه شرکتی مرکب از عده‌ای از سرمایه‌داران انگلیس مثل بارون شرویدر – روبن ساسون وجفری کلین که همه از بانکداران معروف انگلیس بودند برای تاسیس بانك شاهنشاهی با سرمایه چهار میلیون لیره انگلیسی (صد میلیون فرانك فرانسه) تشکیل میدهد .

قسمت اول سرمایه بانك یك میلیون لیره و به صد هزار سهم ده لیره‌ای تقسیم شد که ۲۰۰ سهم آن «سهم موسس» وبقیه اسهام عادی بود وهروقت سهام موسس بفروش میرسید بانك تشکیل مییافت .

لرد کرزن مینویسد .

«درماه اوت ۱۸۸۹ دولت انگلستان یك منشور ملوکانه شرکت بمدت سی سال به بانکی که بدین نحو تشکیل شده بود اعطا نمود .

درماه اکتبر اعلام نامه تاسیس بانك درلندن منتشر شد ودرآن خرید سهام باطلاع عموم رسید اطمینان عمومی باین موسسه چنان بود که چند ساعت پس ازانتشار اعلام نامه ۱۵ برابر سرمایه که یك ملیون لیره بود تعهد گردید .»

بواسطه این استقبال بی سابقه مردم هر سهم ده لیره‌ای تا ۱۲ لیره بفروش رفت. تفاوت بهای اصلی وبهای فروش سهام که به دویست هزار لیره بالغ میشد بنام

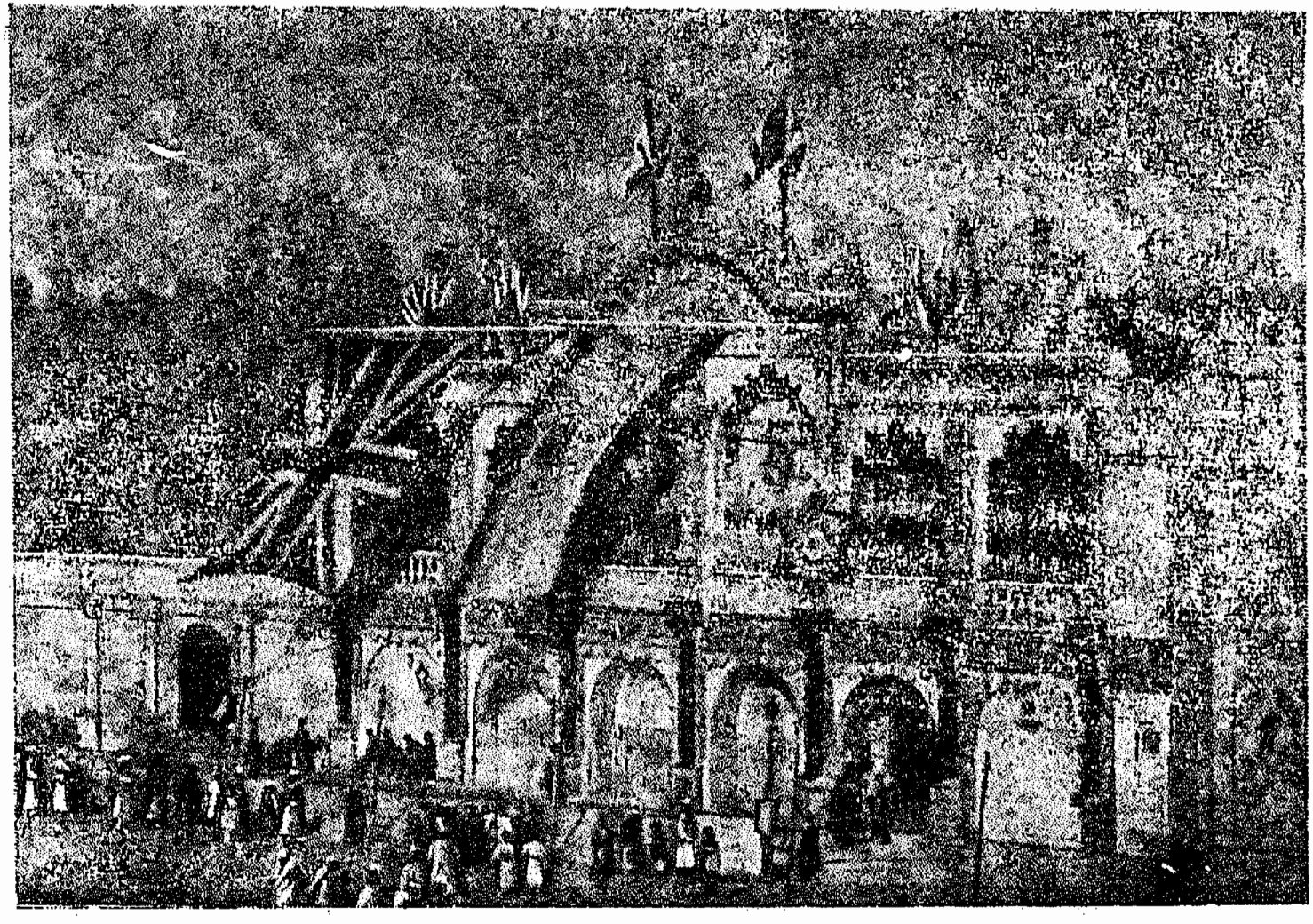

عمارت قدیم بانك شاهنشاهی ایران که بمناسبت جشن تولد «شاه» با پرچم های ایران وانگلیس تزئین شده است

حق‌الزحمه وقیمت امتیازنامه به بارون ژولیوس رویتر داده شد .

بعدازاین جریان هیئتی بریاست مستر رابینو (۱) برای افتتاح بانک بتهران میآیند .

لرد کرزن راجع بافتتاح بانك شاهنشاهی مینویسد .

بانك شاهنشاهی هنگام سفر من بتهران پس ازبدست‌آوردن بنائی درخیابانی که سفارت انگلستان درآن واقعست تازه شروع بکارکرده بود .

مدیر لایق بانك آقای‌را بینو بودکه سالها در قاهره بکار بانك لیون مشغول بود وروابط بانك بادولت ایران دردست ژنرال هوتم شیندلر بودکه خوانندگان این کتاب ازمدتها پیش باید بنام او عادت کرده باشند که‌در اکثر مسائل مربوط بایران مشار الیه بطور خارق‌العاده درآن شرکت داشته‌است .

دراوائل سال ۱۸۹۰ هیئت مدیره بانك باشرکت بانك‌جدید شرقی که ذکری ازآن بمیان آمد کنار آمده‌و ساختمان بانك شرقی‌را درتهران‌باتمام اثاثیه وحسن شهرت وارتباطات‌آن به ۲۰۰۰۰ لیره‌خریداری کرد»

حق انحصاری انتشار اسکناس

بموجب فصل سوم امتیازنامه حق صدور اسکناس در تمام ایران منحصر به بانك شاهنشاهی بوده و مقدارآن نباید از ۸۰۰٫۰۰۰ لیره انگلیسی (۲۰ میلیون فرانك)تجاوز نماید

بانك متعهد بودکه در دو سال اول شروع بکار اقلا نصف قیمت اسکناسهای منتشر شده خود را وپس ازانقضای‌دوسال‌لااقل ثلث قیمت آنهارا نقدا موجود داشته‌باشد

بانك ابتدا حق نداشت اسکناسهای کمتراز دوتومانی‌منتشر کند ولی بعدها بموجب اجازه نامه‌ای بشرح ذیل اجازه نشر اسکناسهای یك تومانی راهم بدست میآورد .

«سواد دستخط مبارك همیونی درباب نشربلیت یکتومانی

«بموجب‌فصل سیم‌ازامتیاز بانك شاهنشاهی‌ایران حق‌ندارد بدون اذن‌دولت علیه »

«بلیت کمتر از دو تومان نشر بدهد ولی چون دراین اوقات معلوم کارگذاران ابد »

«مدت گردید که نشر بلیت‌های یکتومانی اسباب سهولت معاملات وداد و ستدهای»

«بانك مزبور میشود بااهالی‌ایران لهذا بموجب این‌نوشته‌دولت‌بندگان اعلیحضرت»

«شاهنشاهی اجازه میدهند که بانك شاهنشاهی ازبابت آن اندازه بلیتی که بموجب»

« امتیازنامچه حق نشر دارد و قسمتی از آنرا که صلاح بداند بلیت یکتومانی»

« نشر بدهد .

«بتاریخ ۲۲ شهررجب‌المرجب ۱۳۰۷ محل‌صحه مبارك»

قبل از این تاریخ پول کاغذی در ایران رواج نداشت و بطوریکه لرد کرزن مینویسد

«هنگامیکه موقرن حاضر(نوزدهم) روبل کاغذی روسی بایران آورده شد طبقه حاکمه ایران باسوء ظن بسیار بدان نگریستند ووحشت داشتند که منظور ازآوردن روبل بایران بردن طلا ونقره ایران بخارج‌است .این سوء ظن چندان دامنه گرفت که در ۱۸۸۳ شاه فرمانی صادرکرد که درآن اعلام شده بود (مردم بسیار احمقند که قطعات نجس کاغذرا بجای طلا ونقره میپذیرند و در آتیه کلیه اسکناسهای روبل روسی ضبط خواهد شد) این فرمان مانند اکثر فرمانهای شاهانه بلا فاصله‌پس ازانتشار خوشبختانه بلا اثر ماند.»

---

(1) JosePh Rabino

لرد کرزن دردنباله این‌مطلب مینویسد .

«دربرابر چنین علائم شوم تاریخی ومیان مردم ودرباری که اطلاعات مالی ایشان بکلی بدوی بود بانك شاهنشاهی شروع بانتشار اسکناس نمود .

مدتی صرف انتخاب نقش زیبائی شد ودر ۱۸۹۰ اسکناسهای جدید بایك سرلوحه فارسی باعلامت شیر وخورشید دریك طرف ویك سرلوحه انگلیسی باتمثال شاه درطرف دیگر باذکر ارزش اسکناسها ازیك تاهزار تومان منتشر گردید . یکی ازاکتشافات بانك درهمان ابتدا آن بود که اسکناسهارا مردم ثروتمند میخریدند و پنهان میکردند زیرا اینگونه مردم که باندوختن پول عادت کرده بودند اسکناس‌راکه یك وکم حجم بود بپول فلزی ترجیح میدادند . این یك توسعه غیر منتظره علاقه مردم ایران باحتکاز پول بود . هنوز برای اظهار نظر در باره اینکه تجربه پول کاغذی بکجا خواهد کشید بسیار زوداست . اینطور شنیده‌ام که اسکناسهای شهر های کوچك فقط درمحل قابل پرداخت‌است وقابل معاوضه درسایر شهرها نیست دلیل‌آن این است که بانك بابت‌این نقل وانتقال حق‌العمل دریافت میکند . شاید این عمل مانع رواج وسیع وفوری اسکناس شود .»

هنری‌ساوج‌لندور (۱) انگلیسی‌در کتاب خودبنام ACROSS COVETED LANDS مینویسد .

«دولت ایران اسکناس منتشر نمیکند زیراکه میان مردم باظن وتردید تلقی خواهد شد اما این نکته جالب توجه‌است که انحصاری که جهت انتشار پول کاغذی ببانك شاهنشاهی ایران اعطا شده خصوصاً درتهران که بانك مورد علاقه بسیار میباشد واز اسکناسها بخوبی استقبال شده نتایج عالی داشته‌است مع الوصف در شهرهای دیگر ایران که من سفر کردم اسکناس رواج نداشت‌وفقط درشعب‌بانك ودر بازار از طرف بعضی تجار بزرك‌باکسر مقدار جزئی پذیرفته میشد .»

حق انحصاری انتشاراسکناس تا تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی (۱۹۳۰ میلادی) بابانك شاهنشاهی بود ـ در این تاریخ بموجب قرار دادی که بین دولت ایران وبانك مزبور منعقد میگردد حق انحصاری انتشار اسکناس باشرایط ذیل از این بانك سلب‌وببانك ملی ایران‌واگذار میشود

۱ـ دولت ایران مبلغ دویست هزار لیره ببانك شاهنشاهی پرداخت

۲ـ دولت ایران ازحق بازرسی حسابهای بانك شاهنشاهی محروم شد

۳ـ دولت ایران ازدریافت حق‌الامتیاز ٦ درصد سود ویژه محروم گردید

٤ـ ببانك شاهنشاهی اجازه داده شد در مقابل رهن املاك غیر منقول بمردم وام بدهد وحتی برای‌وصول طلب خود اموال غیر منقول‌را به تملك خود درآورد

منافع بانك لرد کرزن راجع به پیشرفت و منافع این بانك در سال‌اول مینویسد :

درانتهای سال‌نخستین تاسیس‌بانك (سپتامبر۱۸۹۰) هیئت‌مدیره بانك‌توانستند گزارش مقنعی به‌سهامداران بدهند . منافع‌خالص پس‌ازکسر مالیات وبرداشت‌ربح قروض بالغ بر ٦۸۰۰۰ لیره گردید وهیئت مدیره‌توانست سودسهامی‌برابرصدی‌هشت سرمایه‌ای که تاآن‌وقت پرداخته شده بود بپردازد . وشعب نمایندگی های بانك اضافه براندن وتهران درتبریز ورشت ومشهدواصفهان وشیراز وبوشهر وکرمانشاه وبغداد وبصره و بمبئی افتتاح‌شد و بانك جای‌خودرا بعنوان یك‌موسسه ملی‌بازکرده در مالیه ایران موثر وآنرابخود جذب میکند . بانك از طرف

---

1 - A . HENRY SAVAGE LANDOR

نمونه ای از اسکناسهای منتشره بانك شاهنشاهی ایران

دولت ایران برای وصول درآمد وپرداخت مخارج واجرای امور مالی عمومی وهمچنین ازطرف بسیاری ازدول خارجی که باایران روابطی دارند برای انجام کارهای لازم ایشان استخدام شده است مردم ایران ازبانك برای نقل وانتقال کالاهای بازرگانی خود زیاد استفاده میکنند وبانك بادادن مساعدت جهت بارنامه کشتی و کالای بازرگانی بتجارت ایران فایده بسیار رسانده است . وجوه امانی که دربانك گذاشته اند درشش ماه نخستین دوبرابر وجوهی شد که دریکسال دربانك جدید شرقی متمرکز شده بودواز آن وقت تاکنون پنج شش برابر شده است . همچنین پرداخت قروض بمردم درازاء

وثیقه در هشت‌ماه نخستین‌دو برابرشد ونرخ‌عادی ربح بنصف‌نرخ سابق تقلیل‌یافت . تاثیربانك درترقی وتنزل پول که از تغییر نرخ‌ارزناشی میشود نیزکمتر ازتاثیرآن درنرخ ربح‌نبوده‌است •در کشوری که سکه‌نقره درآن‌رائج است همواره براثرصعود ونزول قیمت‌نقره تغییری‌در ارزش‌پول حاصل‌میگردد امانغییرات شدیدتر که ناشی‌ازاحتکار پول بوسیله دلالهای ارز وبعضی علل دیگرست علاج شده و بطور کلی ثبات بیشتری در وضع بازار پول ایـران پیش‌بینی میشود •

گزارش هیئت مدیره در پایان سال دوم (سپتامبر ۱۸۹۱) شاید بطور کامل انتظارات سهامداران را بر نیاورد امامعهذا پیشرفت اساسی بعمل‌آمده بود و در هرصورت سود سهام برای۵ر سرمـایه توزیع گردید • باید امیدوار بودکه بانك بمنظور تحصیل یك پول رائج صحیح و خاتمه دادن به سیستم ارتجاعی فعلی‌در مدت قلیلی بتواند برضرابخانه نظارت کند .»

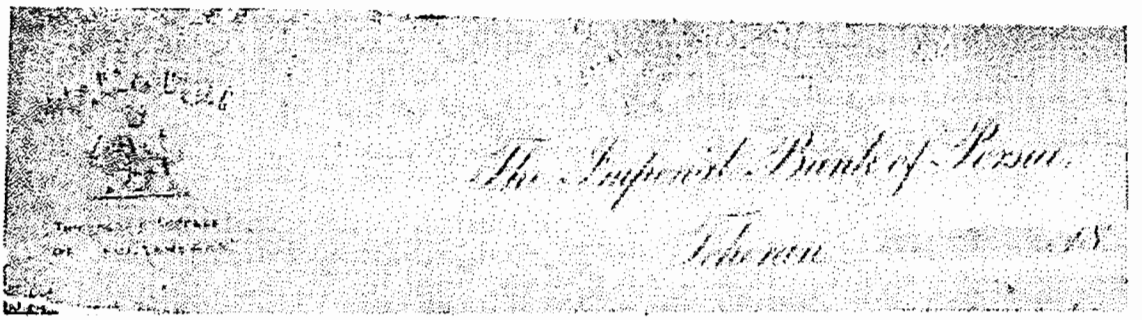

مـارك نامه های بانك شاهنشاهی دراوایل تأسیس بانك

این بود تاریخچه مختصری‌ازتـاسیس بانك شاهنشاهی ایران

این بانك درمدت‌شصت سال مخصوصا چهل‌سالی که حق‌انحصاری صدوراسکناس راداشت بادردست گرفتن امور ضرابخانه‌در کلیه شئون اجتماعی واقتصادی وسیاسی‌ایران دخالت‌های موثری مینمود وهروقت میخواست بعناوین‌مختلف بنفع سیاست انگلستان و برای‌منظورهای‌سیاسی، دولت‌ایران رادرمضیقه‌می گذارد وگاه‌و بیگاه‌باخریدارزاق‌وخوار- وبار وذغال وسایر مایحتاج اولیه وضروری مردم قحطی های مصنوعی ایجاد میکرد .

بانك‌شاهنشاهی به متنفذین‌دربار، دولت ، روحانیون وغیره بعناوین‌متعدد رشوه می داد وآنهارا میخرید ویاهروقت قرضی میخواستند باشرایط ساده‌ومدت طولانی بآنها وام میدادوباین وسیله‌در دستگاه دولتی اعمال نفوذودخالت‌های نامشروعی میکرد ودرحقیقت این بانك خزانـه و صندوق خانه سفارت انگلستان بود و همیشه از حمایت دولت‌انگلیس برخوردار میشد •

تنهـا رقیب بانك شاهنشاهی بانك‌استقراضی روس بود که گاهی بواسطهٔ رقابت بکارهای‌خطرناك و زیان آوری برای ملت ایران دست میزدنـد و زمانـی هم عملیـات یکدیگر را خنثی میساختند •

بالاخره مدت امتیاز نامه بانك شاهنشاهی بعداز شصت‌سال در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹٤۹ (۱۲ بهمن ۱۳۲۷) خاتمه یافت وبانك نام‌خودرا به «بانك‌انگلیس در ایران‌و خاور میانه »تغییر داد •

مقارن این‌احوال چون دولت ایران برای بانکهای خارجی مقرراتی وضع نمود که

بواسطه پیروی این مقررات از عملیات بانك انگلیسی مزبور نیز بمقدارزیادی کاسته میشد ودامنه آن محدودمیگردید ناچار بانک کم کم شعب خودرا در شهرهای ایران برچیدو سرانجام از ساعت ۱۲ روزچهارشنبه هشتم مرداد ۱۳۳۱ تعطیل شعبه مرکزی هم اعلام و برای همیشه بانك شاهنشاهی و جانشین آن یعنی بـانك انگلیس در ایران و خاور میانـه از ایران رفتند .

☆ ☆ ☆ ☆

امتیاز معادن ایران

چنانکه دیدیم مطابق فصل یازدهم امتیازنامه « از آنجائیکه بانك شاهنشاهی حاضر است که برای احیاء تمام وسائل استخراج ثروتهای طبیعی مملکت فوراً کمال فدویت را بجا بیاورد دولت علیه به بانك مزبور و در تمام مدت این امتیازنامچه امتیازمانع لغیر قطعی میدهد که در تمام وسعت مملکت ایران معادن آهن ومس وسرب وذیبق وذغال سنك و نفط ومانگانز وبورق و آمیسانت را کـه متعلق بدیـوان میباشند و قبل از وقت بـدیگران واگـذار نشده انـد دایر نماید .»

بنابراین درمدت شصت سال حق استخراج معادن ایران متعلق ببانك مزبور بودوفقط در اینمدت ازمنافع خالص ۱۶ درصد بدولت ایران داده میشد وهمچنین بعداز پایان شصت سال تمام ابنیه و ادوات و متعلقات معادن مذکور بایران تعلق خواهد گرفت .

چون بموجب فصل نهم ضمیمه چهار امتیازنامه بانک میتوانست تمام یا قسمتی از حقوق استخراج و بهره برداری معادن ایران را « بکس یا بکسان بفروشد یاواگذار نماید این فروش یاواگذاری مطـابق فصول امتیازنامچه خواهد بودمشروط برآنکه آن کس یا کسان را جهت اجازه دولت معرفی کندو بدون چنین اجازه از جانب دولت چنین واگذاری یافروش کامل نخواهدبود .»

در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۰۷ قمری ازامین السلطان تقاضای اجازه واگذاری معادن را بکمپانی انگلیسی باین شرح مینماید .

« بحضور مبارك جناب مستطاب اجل اکرم اشرف عرضه میدارد مطابق فصل نهم»
«از ضمیمه چهارم امتیازنامچه که اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ببانك شاهنشاهی»
« مرحمت فرموده اند باکمال شرف وافتخار بدولت علیه عرض مینماید خیال دارد »
« حقوق دائر نمودن عمل معادن را بکمپانی انگلیسی واگذار نماید که مدیری آن»
« کمپانی بیکی از روسای بانك شاهنشاهی باشد وازروسای دیگرسه نفراز روسای»
« بانك مذکور خواهد بودوچون این قرارمذکور بدولت علیه ضمانت کلی خواهدبود»
« که نصفه از معادن بدرستی کارسازی خواهد شد . محترما از جناب مستطاب اجل »
« اکرم اشرف استدعا مینماید که از دولت علیه ایران اذن واجازه حاصل نماید که»
« این واگـذاری مذکـور قبول بشود (رابینو) فی ۱۱ جمادی الاول ۱۳۰۷ ـ »
« ۳ ژانویه ۱۸۹۰»

ودو روز بعداین اجازه نامه برای رابینو رئیس بانك شاهنشاهی نوشته میشود .

« مقرب‌الخاقان دوستان استظهارمشفق مکرم‌مهربان مسیو رابینو رئیس‌بانك»
« شاهنشاهی ایران
« درخصوص واگذار کردن حقوق دایر نمودن‌عمل معاون‌رابکمپانی‌انگلیسی که»
« بانك شاهنشاهی ایران بموجب فصل نهم ضمیمه چهارم امتیاز نامه مجاز گردیده»
« کاغذی درتاریخ یوم‌جمعه سوم‌ژانویه ۱۸۹۰ میلادی‌مطابق یازدهم جمادی‌الاول»
« ۱۳۰۷ هجری نوشته بودید ملاحظه گردید از خاکپای مبارك همایونی »
« روحنا فداه گذراندم مقرر فرمودند در صورتیکه بانك شاهنشاهی متقبل اجرای»
«تمام شرایط مندرجه درفصل مزبور ضمیمه یازدهم ودوازدهم‌وسیزدهم امتیازنامچه»
«وضامن صحت حساب ورسانیدن تمام حقوق‌دولت‌علیه‌ایران‌است که درفصل‌سیزدهم »
«اصل امتیازنامچه‌قید شده‌است اجازه باو میدهیم که‌واگذاری مذکوررا جاری‌سازد»
«والبته در صورتیکه شرکت معدنی باین ترتیب تشکیل شود از جانب دولت علیه»
« کمال تقویت باو خواهد شد فی ۱۳جمادی‌الاولی ۱۳۰۷ مطابق ۵ژانویه ۸۹۰ »

چندی بعد بانك شاهنشاهی بموجب‌این‌اجازه نامه حقوق استخراج وبهره برداری معادن ایران را بیك کمپانی انگلیسی که بنام «بانك تعاونی معادن ایران » تشکیل شده بود بمبلغ ۱۵۰ هزار لیره انگلیسی میفروشد ودر تعقیب آن نامه‌ای دراین باب بدولت ایران مینویسد ونیزاعلانی بشرح ذیل برای اطلاع مردم منتشرمیکند

«موافق اجازهٔ که چندی قبل از طرف دولت‌علیه ببانك شاهنشاهی ایران‌مرحمت»
«شده کمپانی بجهت دایر نمودن معادن ایران عما قریب درلندن‌تشکیل‌خواهدیافت »
«سرمایه این کمپانی یك ملیون لیره انگلیسی‌خواهد بود که منقسم‌است بدویست»
«هزارسهم‌وهرسهمی‌پنج‌لیره - ازاین دویست‌هزارسهم صدوسی هزارسهمش رسمی»
«خواهد بودوهفتاد هزارش مقدمی وآن یکصدوسی‌هزار سهم رسمی را خود بانك»
« نگاه میدارد وعلاوه برآن یکصد وپنجاه هزارلیره نقدهم‌ببانك داده‌خواهدشد »
«ازاین هفتاد هزارسهم که هریك پنج‌لیره ونیم قیمت‌دارد چهارده هزارش‌باهل»
«مملکت ایران داده میشود .
«قبل ازآنکه بجهت سهام دیگر منفعتی منظور شود اسهام مقدمی حق سه‌عشر»
«ازمنافع دارند .
«ودرصورتیکه‌باقی منفعت از بابت تمام سرمایه بصد هفت برسد علاوه بر آنچه»
«ذکرشد منفعتی دیگر هم برای سهام مقدمی منظور خواهد شد هرکس که طالب»
«اسهام باشد قبول زحمت نموده ببانك شاهنشاهی ایران بنویسد که چند عدد از»
«اسهام‌را میخواهد وبرای هرسهمی ازتحریر این ورقه در عرض یك هفته باید مبلغ»
«سه لیره ببانك شاهنشاهی ایران بدهد ودو لیره ونیم باقی‌را سه ماه بعد اداء کند»
« بتاریخ شعبان ۱۳۰۷ «محل مهر بانك شاهنشاهی‌ایران»

کمپانی«بانك تعاونی معادن‌ایران» که عده‌ای ازسرمایه‌داران روسی وبلژیکی‌هم درآن شرکت داشتند پس‌ازتشکیل شروع بعملیات مقدماتی نموده و مهندسینی با وسائل وماشین آلات بنواحی‌جنوبی مخصوصا کرمان اعزام میدارد .

نکته قابل توجه دراینجا آنست که از طرف کمپانی مزبور مقادیری لوازم وماشین های مخصوص استخراج نفت ببوشهر وجزیره قشم ارسال میشود و بعدها که کار کمپانی پیشرفتی نمیکند تمام آنها رادر همانجا بفروش میرسانند

ویگام (۱) در کتاب « مسئله ایران » راجع بعدم پیشرفت این کمپانی مینویسد

« علل اصلی عدم موفقیت شرکت این بود که اولا نیروی مالی شرکت برمنطقه وسیعی تقسیم شده بود که اداره نمودن آن فوق العاده دشوار بود و تا حمل ونقل درایران هزینه زیادی دربرداشت پس از آنکه ماشین آلات گرانبها وارد وبازحمات فراوان بمعدن مانگا از کرمان حمل گردید معلوم شد که هزینه حمل ونقل یك تن سنك مانگانز از کرمان به بندرعباس مابین ٦ و ۱۰ لیره انگلیسی می باشد در صورتی که همان سنك در لندن تنی ٤ لیره بفروش میرفت.»

هنگامی که از طرف کمپانی معادن عده‌ای بعنوان مهندس و کارگر از انگلستان بایران اعزام میشوند درایران بواسطه قضیه رژی وواقعه تحریم تنباکو وشورش ومخالفت مردم با امتیاز انحصار دخانیات تنفر وبدبینی فوق العاده ان نسبت بانگلیس ها وجود داشت که بهمین جهت مردم با مهندسین انگلیسی بد رفتاری میکردند و عده‌ای از آنها را نیز مضروب ومجروح ساختند

میرزا محمدعلیخان علاءالسلطنه وزیرمختار ایران درلندن درماه جمادی الاولی ۱۳۱۱ تلگراف رمزی بشرح ذیل بتهران مخابره میکند که راجع باینموضوع نیز در آن اشاره کرده است.

استخراج رمز ازلندن

بجناب مستطاب اجل اشرف اکرم افخم صدراعظم روسای کمپانی امتیاز معادن ایران کاغذی بشرکاء نوشته ودر روزنامه‌های اینجا منتشرشده‌است که بواسطه بعضی اشکالات وعدم تقویت حکام محل و مخصوصا بملاحظه تعدی که درایالت کرمان وضرب وشتم و حبس مهندس معادن روی داده مجبور شده اند که دست از کار معادن برداشته وادعای خسارت ازدولت علیه نمایند کیفیت را بوزارت خارجه هم اطلاع داده‌اند ومشغولند باوجود بی‌اطلاعی ازچگونگی باوزارتخارجه مذاکره مطلب وسئوال وجواب لازم شد جوابی هم درمقابل اعلان روسای کمپانی باید جهة اطلاع مردم نوشت مستدعی‌است مقرر فرمائید حقیت مطلب را باآنچه که بنظر مبارك صلاح بیاید باتلغراف اطلاع بدهند که‌ازروی بصیرت جواب داده شود محمد علی ٦ جمادی‌الاولی ۱۳۱۱»

علاءالسلطنه درگزارشهای دیگری که بتهران میفرستد مینویسد .

«سرلپل گریفین (۲) مباشررتق وفتق عمل کمپانی معادن » ادعامیکند که بواسطه عدم حمایت دولت ایران کار کمپانی پیشرفتی نکرده ودولت ایران باید خسارت کمپانی را بدهد وبرای انجام این منظور از دولت انگلیس تقاضا کرده‌است که دراین باب بدولت ایران تکلیف شود که برای رفع اختلاف به حکمیت مراجعه گردد ولی لرد کیمبرلی وزیر امور خارجه انگلیس گفته‌است که نمیتواند ازاین پیشنهاد او طرفداری کند زیرا دولت ایران در امتیازنامه حق حکمیت را فقط ببانك داده‌است

بهرحال کمپانی مزبور باتقاضاهای مکرری که مدتها برای گرفتن خسارت ازدولت ایران میکرد نتیجه‌ای نگرفت و بالاخره مطابق فصل یازدهم امتیازنامه حق استخراج معادن درسال ۱۸۹۹ خود بخود ازبین رفت .

---

1 _ H.J. Whigham 2 _ Sir LePPel Griffin

۵

امتیاز لاتاری

امتیازنامه لاتاری

در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه که زمامداران وقت باسم «اعطای امتیازات» منابع مختلف کشوررا در« بازار استعمار » بمعرض حراج گذارده بودند امتیازی نیز برای انحصار عمل لاتار وبخت آزمائی وبازیهای مربوط بآن داده میشود .

مثل آنکه ناصرالدین شاه در سالهای آخر سلطنت که حب مال براو غلبه تامی یافته بود اگر پیشنهاد فروش قطعه‌ای از خاك ایران راهم باو میکردند درمقابل گرفتن پول حاضر بواگذاری آن میشد مخصوصاً در سفر سوم فرنگستان کـه «ملتزمین رکاب» باهم مسابقه فروش وطن‌را باجانب گذاشته وگاه وبیگاه هر یك فقط برای منافع شخصی راههای مختلف خیانت‌رابه «شاه» نشان میدادند .

ملکم خان ناظم الدوله بهتر از هر کس دراین موارد ابتکار بخرج میداد و در حقیقت دلال ماهری برای فروش منابع ایران . بیگانگان و وسیله خوبی برای توسعه نفوذ آنان دراین کشور بود .

در ماه ذی القعده ۱۳۰۶ هجری قمری که ناصر الدین شاه در اسکاتلند در شهر «اگوستا» مشغول سیروتماشابود وکاملامجذوب زیبائی پریرویان انگلیسی‌شده ودختران قشنك جزیره بریتانیا وزنان شیك پوش لردان انگلستان دل ودین «شاه ایران»رابرده بود «پرنس ملکم خان» وزیر مختارایران در لندن یك هزار لیره طلا « تقدیم حضور مبارك» کرده و«امتیاز دائر کردن لاتری‌رادرایران» برای منشی خود تقاضامینماید.

متن این امتیازنامه که اصل آن بخط ملکم‌نوشته شده بود بشرح ذیل‌است

« امتیاز لاتری »

«نظر بدولت‌خواهی‌وخدماتی که عالیجاه مسیو بوزیك دوکاردوال نسبت بدولت»
«علیه ایران ابراز نموده اعلیحضرت اقدس‌همایون شاهنشاه کل ممالك ایران امتیاز»
« کل معاملات بالا تری واستقراضهای عمومی بالا تری وترتیب کمپانیهای لاتری و»
«فروش بلیط های بالاتری وبازیهـای عمومی بالاتری از قبیل چرخ رولت در کل»
«ممالك ایران ازتاریخ امروز الی‌هفتادوپنج سال مخصوصا ومنحصرا باشرایطذیل»
«به عالیجاه مشار الیه دادند واو هم باشرط ذیل این امتیازرا قبول کرد

«درجمیع این معاملات وترتیبات واستقراضهای بالاتری که بحکم این امتیازحق»
«مخصوص و انحصاری عالیجاه مسیو بوزیك دوکار دوال است عالیجاه مشار الیه»
«هرسال ازمنافع خالص که بعدازوضع مخارج وادای‌صدپنج منفعت سرمایه مصروف»
«شده حاصل‌بشود صد بیست بخزانه دولت علیه کارسازی خواهد کرد که‌اولیای‌دولت»

«علیه باختیار خود صرف امور خیریه ایران نمایند .
«دولت علیه ایران حق خواهد داشت که بتوسط یکی ازمأمورین خود هر سال»
«حساب منافع خالص صاحب این امتیاز را تحقیق نماید اعلیحضرت اقدس همایون»
«شاهنشاه ایران این امتیاز را درحق عالیجاه موسیو بوزیك دوکاردوال و درحق»
«صاحبان حقوق او بامضای ملوکانه خودتصدیق ومقرر فرمودند وازتاریخ امروز ر»
«عهده دولت علیه ایران واجب است که حقوق این امتیازرا برای صاحب این امتیاز»
« بدرستی محفوظ ومجری بدارند .
«واین معنی بطور صریح مقرراست که دخیل این معاملات وبازیهای لاتری شدن»
«و خرید وفروش بلیطها و نمرهای قرعه ولاتری در ممالك ایران از برای احدی»
«بهیچوجه مجبوری نخواهد بود ودر کل ممالك ایران هـر کس خواه تبعه ایران و»
« خواه تبعه خارجه کاملا مختار خواهد بود که بمیل خود داخل این معاملات لاتری»
« بشود یانه .
«فی تاریخ ۲۲ ذیقعده ۱۳۰٦ بدو نسخه مبادله شد درملك اگوس
«این قرارنامه که بزبان وخط فارسی نوشته شده است برای اجرای عمل لاتری»
«وقرعه درایران صحیح است سنه ۱۳۰٦ هجری ۲۲ ذیقعده درملك اگوس امضی شد»
«ناصرالدین شاه قاجار
«ملاحظه شد بدست خط همایون روحنا فداه است شرف امضی یافته وصحیح است»
«امین السلطان .»

بوزیك دوکاردوال (Buzic de Cardoel) صاحب امتیاز منشی سفارت ایران درلندن تبعه فرانسه بود که سابقاً کلنل و درمونت کارلو زندگی میکرده است.

این شخص بامیر ئیل خان برادر ملکم وخود ملکم در منافع این امتیازنامه باهم شریك بودند ومعلوم است در حقیقت دارنده اصلی امتیاز شخص ملکم بود و اینها واسطه‌ای بیش نبودند

ناصرالدین شاه ازانگلستان بطرف فرانسه مراجعت مینماید وملکم نیز همراه او بپاریس میرود بالاخره بعد ازچندی بامذاکرات قبلی امتیازنامه مزبور توسط ملکم بمبلغ چهل هزارلیره به دو کمپانی انگلیسی بنام «پرشن اینوستمنت کور پریشن » (۱) و «انگلو اشیاتیك سندیکت» (۲) فروخته میشود.

عقیده میرزا ملکم خان

گفتیم این امتیازنامه هرچند باسم منشی سفارت ایران درلندن بود ولی صاحب حقیقی آن میرزا ملکم خان وزیر مختار ایران محسوب میشد .

بد نیست برای اطلاع ازنظر ملکم در باره این امتیازنامه و بطور کلی عقیده او راجع به «سفر آخر همایونی» باروپا نامه‌ای راکه بعد ازمراجعت ناصر الدین شاه از اروپا بعنوان قوام‌الدوله وزیر امور خارجه نوشته ذیلا نقل نمایم.

(1) Persian Investment CorPoration (2) Anglo—Asiatic Syndicate

« لندن ـ بتاریخ سوم اوکتوبر ۱۸۸۹
«فدایت شوم سردر ومون وولف (وزیر مختارانگلیس درتهران) چند روز»
« دیگر از لندن حرکت خواهد کرد .
« چند روزی در برلین وچند روزی هم در اسلامبول توقف کرده روانه طهران»
«خواهد شد .
«لرد سالسبوری که مدتی است بآبهای گرم رفته بود این روزها بجنوب فرانسه»
«رفته تاچندی درآنجاها خواهد ماند نسخه قرارنامه امتیاز لاتری که بیك ملاحظه»
«میخواستم تاچندی‌دراین‌سفارت نگاه بدارم‌برحسب اشاره اعلی درجوف این‌پاکت»
بتوسط چاپار سفارت انگلیس فرستادم گمان بنده این‌است که‌این عمل بی‌آنکه هیچ»
«زحمتی برای دولت علیه داشته باشد ازجمیع امتیازات دیگر زودتر وبیشتر منفعت»
«بخزانه دولت علیه برساند .
«میگویند یهودیهای اصفهان اذیت میکنند ولیکن قطعاً دروغ است وبنده بهر»
«زبان این شهرت لغورا تکذیب میکنم .
«اعتبار ونیك نامی وامیدهای ترقی ایران این اوقات روز بروز زیاد ترمیشود»
« عموم مردم براین اعتقاد هستند که دولت ایران پس ازتعقل‌وتأمل‌زیاد دراین سفر»
«آخرهمایونی کاملا معتقد وجوب‌ترقی‌شده‌وجاده ترقیات‌را بدرستی باز کرده‌وشکی»
«ندارند که عقل وقابلیت ایرانی‌دولت علیه‌را بیشتر وزودتر ازهرملك مظهرترقیات»
«بزرك خواهد ساخت ـ ملکم»

ناصرالدین شاه‌وقتی بتهران میآید امتیازنامه‌رالغومیکند

ناصر الدین شاه بعد ازگردش درکشور های اروپا در تاریخ ۲٤ صفر ۱۳۰۷ وارد تهران میگردد .

امین السلطان صدر اعظم که بجهاتی چند با میرزا ملکم‌خان کدورتی پیدا کرده‌بوددر صدد عزل اوازسفارت‌میافتد میگویند یکی ازعلل مخالفت امین السلطان باملکم بواسطه عدم وفای ملکم به قول‌وپیمان خود بود ـ ملکم درموقع تحصیل امتیاز لاتاری بامین‌السلطان وعده داده‌بود که پول‌گزافی که از محل فروش امتیاز نامه تحصیل میشود برای او خواهد فرستاد اما ملکم باین وعده خود عمل نکرد .

ازطرف دیگر وقتی خبر اعطای امتیاز لاتاری درایران منتشر شد علماء مذهبی بمخالفت باآن برخاستند و امین السلطان نیز به تحریك وتشویق‌آنان پرداخت تافتوای حرام بودن این امتیازراگرفت .

عاقبت چون ناصرالدین شاه می‌بیند که علماء باین‌کار عنوان مخالف شرع وعرف داده واجراء آن باشکالات زیاد برمیخورد فسخ امتیازنامه‌را اعلام وبه میرزا عباس خان قوام الدوله وزیر امور خارجه دستور میدهد درتاریخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۰۷ (۵دسامبر ۱۸۸۹) تلگرافی بشرح زیر برای ملکم بلندن مخابره نماید .

«بجناب ناظم الدوله سفیردولت ایران ـ لندن

« فقره لاتری چون در ایران خلاف شرع و اسباب فتنه و فساد میشد بحکم»
«دولت موقوف شد .
«قرارنامه امتیاز آن باطل است ازدرجه اعتبار ساقط بسفارت انگلیس مقیم طهران»
« هم رسما اطلاع داده شده است ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۰۷ نمره ـ ۷۷ »
نامه‌ای که دراین خصوص بسفارت انگلیس در تهران نوشته شده باین شرح است.
«برحسب امر اقدس اعلی زحمت افزا میشود که امتیاز لاتری که بجناب ناظم الدوله»
«داده شده بود بعد ا آنکه معزی الیه صورت قرارنامه آنرا فرستاد ودرمضمون»
« آن دقت شد معلوم شد که بازی‌های دیگر هم داخل امتیازنامه آن کرده است که مخالف»
«قانون شریفه شریعت اسلام واجرای آن درممالك محروسه ایران متحمل ظهور بسی»
« مفاسد است لهذا لزوماً قرارنامه مزبور فسخ وابطال شده بجهة اطلاع واستحضار»
«سفارت محترمه وآگاهی دادن هرعملی که لازم دانند زحمت اظهار داد مورخ ۱۶»
«ربیع الثانی ۱۳۰۷»

ضمنا به ملکم دستور میدهند پولی را که از بابت فروش امتیازنامه گرفته بصاحبانش مسترد دارد . تلگراف ابطال امتیاز نامه را وقتی درهولانـد پارك (محل سفارت ایران در لندن) بـه ملکم ارائـه میدهند ملکم پاکت تلگراف را باز کرده وآنرا میخواند وسپس مجدداً تلگرافـرا درپاکت گذارده به پیشخدمت خود میدهد که بآورنده بدهد و بگوید وزیر مختار بمسافرت رفته و در سفارت نیست و فوراً خودش ازلندن به بورن موت ازشهرهای جنوبی انگلستان میرود .

دعاوی خریداران امتیازنامه

هنگامیکه اعلان بطلان امتیازنامه درلندن منتشر میگردد کمپانی های خریدار امتیازنامه توسط سفارت انگلیس درطهران بدولت ایران اعلام میکنند که دولت ایران نمیتوانسته است امتیازنامه را باطل سازد واگر اجراء آن باشکالاتی برمیخورد بایدخسارت آنهارا بپردازد

ازطرف دولت به میرزا ملکم خان مجدداً دستور داده میشود که تمام پولی را که از کمپانیها گرفته زود تر پس بدهد ولی ملکم به بهانه‌هـای مختلف متعذر شده و میگوید معامله‌ای بوده که قبل از وصول تلگراف انجام شده و فسخ آن ممکن نیست و پول آنهم بمصرف رسیده است .

بالاخره چون ملکم از امر دولت خود داری میکند برحسب دستور ناصر الدین شاه در ۱۶ ماه مارس ۱۸۹۰ اعلامیه‌ای دائر برعزل ملکم ازوزیر مختاری ایـران در انگلستان ومنع استعمال القاب و عناوین او در لندن منتشر میکنند و چند روز بعد هم ملکم جواب تند وزننده‌ای باعلامیه دولت درروزنامه‌های انگلیس منتشر مینماید.

محاکمه دریك دادگاه انگلیسی

چنانکه گفته شد دعاوی کمپانی‌ها ابتدا آن بـود کـه دولت ایران حق لغو امتیازنامه‌را نداشته است و اگر اجرای امتیازنامه اشکالی داردلااقل خسارت آنها پرداخت شود .

ولی دولت ایران ادعای آنهارا رد میکند ومیگوید جبران خسارت آنها مربوط

بدولت ایران نیست وباید خود آنها پولی را که به ملکم داده‌اند پس بگیرند .

بنا بدستور دولت سفارت ایران در لندن برای تهیه پاسخ کمپانیهای « پرشن اینوستمنت کور پریشن » و« انگلو اشیاتیك سندیکت » ورد دعاوی واهی آنها وکیلی استخدام میکندوقبلا نظریه‌علمای‌حقوق انگلستان‌را هم دراین باب استعلام مینمایند .

ترجمه نامه‌ای که‌ویلسون‌بریستوهارپونل (Wilson Bristow Harpunel)

وکیل ایران در این مورد بزبان فرانسه به میرزامحمد علی خان علاء السلطنه وزیرمختارایران‌درلندن (که‌بعد ازعزل‌ملکم باین‌سمت انتخاب میشود)نوشته‌بشرح‌زیراست

«لندن ۲۱ژانویه ۱۸۹۱

«جنابا بموجب دستورالعمل جناب شما ازسیر والترفیلیمر

(Sir Walter Phillimore

« که ازاجزاء عدالت خانه ویکی ازمعتبرین وکلااست‌استعلامی تحصیل نمودیم »
«درباب این مسائل که اولا آیا دولت ایران مجبوراست اعتنا به پرتست‌هائی بکند»
« که صاحب امتیاز یاانگلو ازیاتیك سندیکا وپرشیان انوستمان کور پوراسیون در»
«باب ابطال امتیاز لاتاری اظهار داشته اند یاخیر وثانیاآیا میتوانند هیچ ادعائی»
« بدولت ایران از بابت جبران خساراتی که بواسطه ابطال امتیاز وارد شده»
«بکند یانه ؟

«شرح مواقعی که درآنها امتیازعطا شده بود واعمالی که منوط بآنها بودند و»
«ابطال آنرا به سیر والتر فیلیمر اظهار داشتیم و باکمال شرف سواد جوابهائی»
که برای این مسائل داده لفا ارسال حضور جنابعالی میداریم ملهم ضمیمه میکنیم»
که خود ما نیز بهمین عقیده هستیم‌چنانچه سابقا هم بجناب شما عرضه داشته بودیم»
«این خود واضح‌است که وقتی سیر والتر فیلیمر میگوید نه انگلو آزیاتیك سندیکا»
«ونه پرشیان آنوستمان کورپوراسیون حق ندارند هیچ ادعائی بدولت ایران بکنند»
«مقصودش این‌است که ادعای آنها ابداشرعی‌نمیتواند بود یقین‌است هیچ‌مانعی نیست»
«ازاینکه صاحب امتیاز یاانگلواز یاتیك سندیکا یاپرشیان‌انوستمان کورپوراسیون»
«عریضه بدولت‌ایران‌عرض کنندواستدعای جبرانی نمایند ویاباعلیحضرت‌امپراطوری»
«پادشاه عرضی درباب خسارات وارده بکنند

« ویلسن بریستوهارپونل »

ترجمه رای‌والتر فیلیمر

«بتاریخ ۱۷ژانویه ۱۸۹۱ـلندن

« اولا عقیده من این است که دولت‌ایران‌مجبور نیست‌اعتنابه‌پرتست هائی بکند»
« که درباب ابطال امتیاز باو عرضه شده‌اند پرتستهای مزبور صاحب هیچ قوه »
« قانونی نیستند .

«ثانیا انگلو آزیاتیك سندیکا و پرشیان انوستمانت کورپراسیون نمیتوانندهیچکدام»
«هیچگونه ادعائی بدولت ایران بکنند برای جبران خساراتی که میگویند از بابت ابطال»
« امتیاز بآنها وارد شده پادشاه ایران بحکم قدرت سلطنتی میتواند امتیاز خود را هر»
« طور وهروقت دلش بخواهد بدهد و پس بگیرد. والتر فیلیمر»

ظاهرا چون کمپانیهای مزبور درمییابند که نمیتوانند علیه دولت ایران در محاکم انگلستان اقامه دعوی نمایند وجبران خسارت خودرا بخواهند ناچار علیه مقصر واقعی یعنی میرزا ملکم خان ادعانامه تنظیم میکنند وازدولت ایران نیز میخواهند که مدارك لازم رادر اختیارشان بگذارد تا شاید بتوانند خسارات خودرا ازملکم وصول نمایند.

دراین مورد میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه که بعد از ملکم بسمت وزیر مختار ایران درلندن انتخاب شده گزارشی بتهران میفرستد که متن آن و دستور ناصرالدینشاه را ذیلا نقل مینمایم

« ازلندن نمره ر ۴۵۰

«قربانت شوم لکیداترهای کمپانی پرشن اینوستمنت کورپریشن یك مسوده درزبان»
«انگلیسی نزدفدوی فرستاده وخواهش کرده‌اند که آنرا بطهران بوزارت جلیله»
« خارجه بفرستد که ازطرف جناب مستطاب وزیرامور جلیله خارجه رسما بفدوی نوشته»
«وبفرستند وعین آن بمشارالیهم داده شود که هنگام مرافعه ومحاکمه باملکم خان در»
«دستشان سند باشد اگرچه مطالب آن که دایر بصدور تلگراف ازجانب وزیر امور»
« جلیله خارجه درابطال امتیاز لاتری بملکم خان ونبودن بانك مخصوص سفارت وغیره»
« است سابقا ومتدرجا حسب الامر ازطرف سفارت رسما بایشان داده شده است ولی»
« حالا محض استحکام عمل این مسوده را فرستاده واین خواهش را نیز کرده‌اند.»
«اینك سواد مطابق بااصل مسوده ایشان که درزبان انگلیسی است باترجمه آن»
« بزبان فرانسه درعریضه ارسال حضور مبارك میشود که بعدازگذشتن ترجمه آنها»
« درزبان فارسی از لحاظ وقادانور بهرچه رای اصابت پیرای مبارك علاقه گرفته حکم»
«ومقرر فرمایند از آنقرار اطاعت شود زیاده جسارت است معروضه ۱۹ جمادی الاولی ۱۳۰۹»

ناصرالدین شاه درحاشیه نامه اینطور نوشته است.

«البته بایدآنچه برضدملکم درباب لاطری وتقویت به‌صاحبان سهام است بنویسندخوب است لیکن طوری باید نوشته بشود که ریش دولت بگیرنرود همه‌اش طوری باشد که ریش آن پدرسوخته رالای تخته گذارده شود و پولشان را ازآن پدرسك بگیرند وپدرش را بسوزانند.»

بازپرسی از ملکم خان

بالاخره بعداز آنکه کمپانی‌های سابق‌الذکر در یك دادگاه انگلیسی درلندن علیه میرزاملکم خان وزیر مختار سابق ایران اقامه دعوا مینمایند وادعای جبران خسارت میکنند ازطرف دادگاه مزبور میرزا ملکم خان احضار وابتدا از اوبازپرسی میشود

برای مزید اطلاع ازجریان اعطاء امتیاز لاتاری وچگونگی انتقال وبعدلغوآن بی فایده نیست که خلاصه قسمتهائی از صورت جلسه بازپرسی و بیانات شهود ونمایندگان کمپانیها وهمچنین ملکم رادر اینجا نقل نمایم.

جریان این بازپرسی که بزبان انگلیسی بوددر همانموقع بفارسی ترجمه و بتهران فرستاده شده است .

« تقریرات شهود درعدالتخانه دولتی لندن

تقریرات (لارنس ودبین کلوئت) در مقابل استنطاق (مستر بولارد) دوم مارچ ۱۸۹۱

یك عده اشخاص ازمحترمین که وجهی معین نموده ومنتظر بودند که هروقت کمپانی تشکیل یابد پولی بدهند وسند اسهام بگیرند ومن نیز یکی از این اشخاص بودم .

(کارجیل) و (ماکدونالد) ازاجزای بانك جدیدشرقی و(فردریك بورك) صراف و (کورن هیل) و(دانیل کنیك) شرکت داشتند ولی این دونفر آخری قبل ازتشکیل کمپانی کنار رفتند .

مقصود ما این بود که بعضی امتیازات ازدولت ایران حاصل نمائیم وازبرای کسانیکه درصدد استحصال وقرار داد این امتیازات باشند تنخواهی تهیه نمائیم قبل ازتشکیل کمپانی قریب بیست یاسی هزارپوند بجهة این مقصود در عهده بعضی اشخاص قرار گرفت .

جنرال میکائیل خان واسطه ازبرای تحصیل اطلاع واستحصال امتیازات بوده ملکم خان نیزبرای تحصیل اطلاع ویکی از وسائط استحصال امتیازات بود وبعضی اشخاص درایران بودند که بالاطراف دراین مرافقت علاقه داشتند چه ازصاحبان مناصب وچه غیره .

امتیازاتی که می بایست حاصل شود ساختن راه آذربایجان و امتیاز جنگل های آن مملکت و دریاچه ارومیه بود .

بعضی امتیازات دیگر وامتیاز تنباکو ازبرای (کردیت فنیر) وسایرین درایران استدعا شده بود این امتیازات حاصل گشت اما تحصیل آنها قبل از درج شدن سندیکت دردفتر کامل نشده بودومن از امتیاز قرعه ایران از طرف شاه اطلاع داشتم که هنگامی که شاه در اسکاتلند بوددر ۲۰ جولای ۱۸۸۹ واقع گشته بودلیکن این اطلاع بعداز عزیمت شاه ازانگلیس وپاریس بود وتحصیل این خبررامن از کاغذی که (کلنل وسچامیس) از پاریس بمن نوشته بوده نمودم باین مضمون که قرارداد فروش امتیاز قرعه در میان است واین امتیاز بصاحب منصبان سفارت ایران داده شده بمحض شنیدن این خبرمن خواهش نمودم که (انگلوایزیانیك سندیکت) ازاین مطلب مطلع شده و آنها موافق قراردادی که قبل از تشکیل کمپانی داده شده بود حق اولی درخریدن این امتیاز داشتند وقرار دادمزبوردرمیانه (کلنل وسچامیس) ومیکائیل خان واجزای سفارت بانضمام خودپرنس داده شده بود ومخصوصا این امتیاز یکی از امتیازاتی بود که من قدر وقیمت آن رابصاحب منصبان سفارت القاء نموده بودم ومن در آن وقت درلندن ازطرف دولت ایران جنرال قنسول بودم دراواسط ماه سپتامبر ۱۸۸۹ من از این امتیاز قرعه اطلاع حاصل نمودم وکاغذی که من در این باب به(وسچامیس) نوشته بودم جوابش بواسطه تلگراف این شد که او وپرنس ملکم خان بزودی بانگلیس مراجعت خواهند نمود وپس از آن باندك فاصله یا باتفاق یابانفراده واردانگلیس شدند .

خلاصه کیردول ومن ازطرف (اینوستمنت کمپانی) و پرنس ملکم خان از طرف فروشنده در ۳ اکتوبر ۱۸۸۹ قراردادی منعقد نمودیم .

وبابت قسط اول بیست هزار پوند از بانك جدید شرقی قرض نمودیم و امتیازنامه را نزد آن بانك رهن گذاردیم .

بعد مزو(مستر کارجیل) و(مستر ماکدونالد) برات بانك شرقی را که محتوی مبلغ مزبور بوده در (هولاندپارك) که محل سفارت ایران بود به پرنس ملکم خان داده امتیازنامه اصلی که ممهور به مهر شاه بود گرفتیم .

قسط دویم که میبایست قبل از دویم نوامبر داده شود چهل هزار پوند بود ولیکن بواسطه نارسائی وعدم کفایت شرکای (پرشن اینوستمنت کورپریشن) از طرف عامه به بیست هزارپوند تبدیل یافت .

وقتی که ملکم‌خان را ملاقات نمودم که بیست هزار پوند تخفیف داده شود اومرا ملامت کرد و بالاخره راضی شد واین مبلغ راکه نصف مبلغی بوده که میبایست داده شوداز طرف (پرشن اینوستمنت کورپریشن) به ملکم‌خان داده شد .

سر مایهٔ که شرکای (پرشن اینوستمنت کورپریشن) بعهده گرفته بودند عبارت بود از یکصد و چهل‌هزار پوند .

وقتی درماه جنیوری ۱۸۹۰ پرنس‌ملکم‌خان از سفارت‌معزول‌شد من‌ازاو استفسار نمودم که آیا عزل او باعث تعرض ومزاحمتی باین‌امتیاز خواهد بود یانه اوبواسطه نمودن‌بعضی تلگرافات ومخابرات بمن‌مدلل نمود که اوهنوز در نزد شاه مورد عنایت ودارای افتخار است‌وعزل او ونصب محمدعلیخان (علاءالسلطنه) بسفارت بواسطه مخالفات شخصی او باوزیر اعظم‌است که در نزد شاه مقتدر است .

چنان بخاطر دارم که درشانزدهم دسامبر درهولاند پارك محل‌سفارت ایران مجلس ملاقاتی با حضور(سیر کوپرهالتر) و(مستر اربر) از جانب (اینوستمنت کورپریشن) وپرنس ملکم‌خان ومستر میکائیل ابراهام وکلنل وسچامپس و میکائیل‌خان تشکیل‌شد من از ملکم‌خان خواهش‌نمودم که تنخواهی راکه گرفته مسترد دارداو گفت که تنخواه بمصرف رسیده ومعامله گذشته وامتیازنامه بقوت خود باقی است .

وقتی که باپرنس ملاقات نمودم خیلی تاکید درادای وجه امتیاز نمودکه آن وجه بایستی درایران به بعضی ازایرانیها عاید شود این واقعه وقتی اتفاق افتاد که تشکیل کمپانی بتاخیر افتاد واو بعقب من فرستاد و همچنین در موقعی که من بدیدن او رفتم که چهل هزار پوند را تخفیف به بیست هزار پوند بدهم نیز این صحبت واقع شد .»

خلاصه تتمه استنطاق (لارنس ودبین کلوئت) در سیم مارچ

«تمام‌مطالب راجع‌است‌باینکه‌من‌دارای‌تلگرافات وامتیازات‌دیگرهستم وامتیازاتی که‌توسط من‌حاصل‌میگشت به (انگلوایزیانیك سندیکت) منتقل‌میگشت وبه ملاحظه یکی‌ازآنهابه‌تشکیل‌یك کمپانی‌درتحت‌این‌اسم (فرنکو پرشن کمپانی) اقدام‌شد که‌دارای‌یك ملیون‌لیره استرلین سرمایه‌بوداین کمپانی نه تنهابآن‌امتیازات بلکه بامتیازقرعه نیز بایدعمل نماید . ملکم‌خان نیزاز جمیع‌مطالب بااطلاع بودوسندیکت ازملکم خان‌خواهش نموده است که لفظ (استیت لاتریز) باین کمپانی‌اطلاق شود ومن‌ملکم‌خان‌را ملاقات کردم او راجع‌به تشکیل‌این کمپانی خیلی تاکید میکرد زیراکه وجه قیمت امتیاز میبایست بایران ازبرای اشخاصی که مربوط باین عمل بوده‌اند فرستاده شود»

تقریرات ملکم بعد از ادای قسم در مقابل استنطاق مستر بولارد (مستر کامبل از جانب پرنس ملکم خان وکالت نمود)

« من‌پرنس وخان وناظم الدوله دولت ایران هستم تاماه‌جنیوری ۱۸۹۰ چند سال بودکه از طرف دولت ایران در دربار لندن سفیر بودم وپس ازآن ازاین عمل انفصال یافته لیکن حفظ افتخارات خود را نموده‌ام و اکنون نمیدانم که سفیر هستم یانه .

مسافرت شاه دراین مملکت وسایر بلاد فرنگستان را درسال ۱۸۸۹ بخاطر دارم . قبل از آن بجهة استحصال امتیازات ازدولت ایران توسط مردمان دیگر اطلاعی نداشتم ولی مذاکراتی در افواه بودکه امتیازاتی داده شده وسابق نیز از من تقاضائی برای این امتیازات شده بود ومن امتناع میکردم بالاخره صدر اعظم بمن اصرار نمودکه برای منافع مملکت آنچه درقوه دارم امتناع نکنم تااینکه خود شاه تاکید بلیغ نمود که‌حتی المقدور دراین مطلب بوزرای اوکمك کنم اگر چه ازاول جزئی مددی در این باب بانها مینمودم ،لیکن بعد از اصرار شاه بجد وجهد عمل نمودم واگر چه قبل ازآن از توانگران انگلیس دراین فقره تمنا نموده بودم ،لکن ازروی اطمینان نبود اما پس ازفرمایش شاه بکوشش واطمینان دراین باب ایستادگی نمودم .

درموسم تابستان ۱۸۸۹ من باشاه باسکاتلند رفتم ازجملهٔ امتیازاتی که سابقا از من درخواست شده بود

یکی امتیاز قرعه ایران بود راجع باین امتیاز باشاه وصدر اعظم گفتگو نمودم .

شاه وصدر اعظم هردو گفتند که درهمان لحظه اعطا شود نظر بمراتبی که درمیان ما گفتگوشده بود شاه میخواست امتیازات دیگری نیز بمن بدهد لکن درآن مطالب قدری فکر وتامل لازم بود .

موجب این شد که درهمان وقت امتیازنامه را که سابق درمیان من وکسانی که استدعای آنرا نموده بودند ترتیب یافته بود بشاه تقدیم نمودم .

شاه وصدر اعظم آنرا در ۲۰ جولای ۱۸۸۹ درحضور خود من مهروامضاء نمودند

امتیاز نامه بخط من وبنام (بوزی دوکاردوال) بود شاه وصدر اعظم در آن رسیدگی ودقت نمودند و درباره این عبارت

«ده دو آن بخزانه دولت ایران رسیده ودولت ایران آنرا بطیب خاطر درراه نیکبختی مملکت صرف نماید» شاه ازمن سئوال نمود که بچه سبب این عبارت نوشته شده است من ایشانرا مطلع نمودم که دربعضی ممالك نظر بدیانت وتقوی بعمل قرعه اعتراضی وارد میآورند . شاه بطرف وزیر اعظم برگشت وگفت «خیر این فقره را فهمیده ام واین مطلب دردین ما نامشروع نیست»

بوزی دوکار دوال نویسنده سفارت ما وکلنل فرانسه ومدتها درمونت کارلو بود.

این شخص در منفعت این امتیازنامه بااشخاص دیگر ازجمله میکائیل خان برادر من شراکت دارد

حقیقت مطلب این است که بعضی ازمردم ایران قبل ازآنکه اعطای این امتیاز ازروی حقیقت صورت گیرد منفعتی ازآن بردند وبعضی دیگر بواسطه فرار ومدار مخفیه که باصاحب امتیاز داده بودند بعد از فروش امتیاز حصه وقسمتی ازمنفعت به آنها عاید گشت .

امتیازرا طوری نوشتم که بعدها جای حرفی باقی نباشد .»

میرزا ملکم خان در جلسه بعدی استنطاق که درششم ماه مارس منعقد میشود راجع باین که دادن امتیاز در ایران بموجب میل شاه است وچون قانون حمایت اتباع خارجه در ایران هست فقط اتباع بیگانه میتوانند ازامتیازات بهره مند شوند واتباع ایران اگر امتیازی بگیرند چون کسی ازآنها حمایت نمیکند درهرآن ممکن است فسخ شود صحبت میکند .

جلسات محاکمه مدتها بطول انجامید وسر نجام محکمه میرزا ملکم را محکوم به کلاهبرداری کرد ولی چون ملکم در همان محکمه ادعای افلاس نمود کمپانیهای خریدار موفق نشدند خسارات خودرا از اوبگیرند

بی اعتباری دولت ایران

این جریان یعنی تحصیل ولغو امتیازلاتاری بشرحی که گذشت مخصوصا که مقارن همانوقت امتیازانحصار دخانیات (رژی) نیز لغوشده بود گذشته از زیانهای مادی برای دولت ایران لطمه شدیدی به حیثیت وآبروی ایران درخارج واردساخت ومدتها باعث بی اعتباری و عدم اعتماد بدولت ایران شده بود البته این وضع یعنی بی اعتباری دولت ایران ازآن جهت که تاچندی مانع اعطاء امتیازات تازه ای به بیگانگان بودبرای ملت ایران نتیجه بهتری داشت ولی ظاهرا چون دولت ایران میخواست برای جبران خسارات کمپانی انحصار دخانیات (رژی) از سرمایه داران انگلیس پولی قرض بگیرد ناچار برای اعتبار خود خسارت کمپانی های «پرشن اینوستمنت کورپریشن» و «انگلواشیاتیك سندیکت» رامی پردازد .

«میسوارنستین» که مدتها باسمت کنسول افتخاری مستشار امور اقتصادی وسیاسی ایران درلندن بوده گزارشی راجع باین موضوع برای میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدر اعظم بتهران فرستاده که متن آنرا درپایان این قسمت نقل مینمایم .

ف حضرت اشرف بسیارعزیزم

سابقا عرض کرده بودم که بانك‌شاهنشاهی ازانجمن« ستك‌اکس‌شانژ» خواهش کرده بوداجازه بدهد اسناد استقراض دولت ایران‌را دربازار لندن‌بعیار معینی‌رواج بهمرساند باکمال تاسف‌عرض میکنم که این‌خواهش بانك قبول نیفتاد وانجمن‌مزبور بدون‌اینکه جواب یاس بدهدرای‌خود رادراین باب بوقتی دیگرموکول ساخته است‌با اینکه ازبرای‌من محال‌است بتوانم‌علت عدم‌موافقت انجمن‌را باین‌خواهش بانك تحقیق کنم‌چراکه انجمن حق‌دارد بدون‌اقامه دلیل دراینگونه امورات‌رای بدهد معهذاعلتش برهیچکس پوشیده‌نیست وآن‌علت این‌است که چندین نفراز اجزای معتبرآن انجمن اشخاصی‌هستند که برای امتیازلاتری مبالغها پول‌بملکم‌خان‌داده‌اند وپول‌آنها ازمیان رفته است‌وتاعمردارندمدعی‌عدم اعتباردولت ایران‌خواهند بود واشخاص مزبور بودند که انجمن‌را مانع قبول خواهش بانك شدند و من بعد هم در هر عملی که راجع بایران باشد تا قوه دارند کار شکنی وخرابی خواهند کرد .

ناچار شدم باجمعی از آنهاملاقات کردم وآن‌چه در قوه‌داشتم کردم که بلکه به‌آن‌ها ثابت کنم که در این‌عمل لاتری‌دولت ایران‌بجز راستی‌وحقگوئی کاردیگر نکرده‌است وتمام تقلب ازطرف ملکم بوده‌است نتوانستم خیال وعقیده آن‌ها راتغییر بدهم حرف آن‌هااین است که‌ماپول خودرا باعتبار امضای‌اعلیحضرت شاهنشاهی‌بسفیر ایران دادیم نه‌باعتبار شخص ملکم‌خان ودر حقیقت هم‌درطی مرافعه ثابت‌شد که بیست رارلیره اولی را در وقتی ملکم گرفت که هنوز سفیرایران بود وامتیاز را دولت ایران باطل‌نکرده‌بودوبیست هزار لیره ثانوی رادر ۱۳ دسامبر سنه ۱۸۸۹ دادند یعنی‌هشت‌روز بعداز تاریخ ابطال امتیاز وابطال مزبور درماه‌اول سال بعدباطلاع آن هارسید بااینکه حرف آنها وادعائیکه ازدولت‌ایران میکنند صحیح‌نیست‌وبدولت ایران‌حقی‌ندارند و ملکم‌خان بتقلب پول آن‌هارا خورده است معهذا چون اشخاصی‌هستند که‌در همه‌جا نفوذ بسیاردارند و تا عمردارند باعتبار دولت ایران ضدیت خواهند کرد بعقیده من بهتراین‌است آن‌هارا بیك‌طوری راضی‌باید کرد واز ضدیت بادولت ایران و اعتبارش در بازارهای لندن وفرنگستان انداخت اعتقادمن این‌است که‌اگر از جانب دولت‌ایران بمن‌ماموریت داده‌شود می توانم بنصف پولی که آن‌هاخرج کرده‌اند راضیشان نمایم وآن‌هم نه‌پول نقد بلکه‌بااسناد استقراض دولت ایران‌باین معنی که ازروی تحقیق صحیح‌واسنادیکه بعین‌مشاهده کرده‌ام مبلغ‌پنجاه ونه هزارلیره اشخاص مزبور خرج امتیاز لاتری کرده‌اند میشود آن‌هارا بدادن سی‌هزارلیره اسناداستقراض‌دولت ایران‌قانع ساخت وازضدیت انداخت و برای خریدن این‌سی‌هزار لیره اسناداستقراض تقریبا نوزده‌الی بیست‌هزارلیره پول‌نقدلازم‌است چراکه دراین تازگیهابانك شاهنشاهی معادل بیست‌وپنجهزار لیره‌اسناد مزبوره را ازقرار ۶۰ونیم‌درصد خریداری کرده ودولت ایران‌می‌تواند از بانك خواهش کند بیست‌وپنجهزار لیره‌اسناد مزبوره رابهمان‌قیمت که خریداری کرده است بدولت واگذار نماید باقی میماند پنجهزار لیره دیگر که باید اسنادخریداری کرد .

این‌پنجهزار لیره اسناد را هم‌می‌شود ازقرار صدی۶۵ خریداری نمود بناء علی‌هذا سی هزار لیره اسنادی که لازم است میشود بمبلغ بیست‌هزارلیره نقدخریداری نمود هرگاه‌این اسناد رابانك بدست من بدهد امیدوارم بتوانم تمام آن اشخاص را راضی نمایم و من بعد بر عکس گذشته در هر مقام حامیهای معتبر اعتبار دولت ایران باشند •

شکی نیست که‌یك چنین عدالت ودرست کاری‌دولت ایران اسباب شهرت اودر تمام روی‌زمین می شود واعتبار رفته اوصد مقابله بجای خود برمی گردد ودر کارهای‌راجع بدولت ایران اعتماد درقلوب مردم جاگیرمی شود وسرمایه‌های خارجی که بدون‌آن‌ها هیچ کار بزرگی نمی‌شود کرد روبایران میکنند .

خیلی افسوس‌دارم که وقت عزیز گران‌بهای حضرتعالی‌را مصروف باین گونه کارهای دل‌ناپسند مینماید ولی یقین دارم وقتی بقصدباطنی‌من‌برخورید از این زبان درازی معفوم خواهید فرموداز حضور مبارك استدعا دارم‌مراتب معروضه را بنظاردقت ملاحظه فرمائید وآن چه در این باب رای مبارك همایونی علاقه گرفت بمن اطلاع بدهید •

باکمال شرف فدوی صدیق دوانخواه حضرتعالی

ارلستین»

۶

امتیاز ساختن راه طهران

بسواحل خلیج فارس

علاقه انگلیس‌ها به ایجاد این راه و مکاتبات مربوط بآن

انگلیس ها ازهمان هنگامیکه‌درصدد بدست آوردن اجازه کشتی رانی‌در رودکارون افتادند ساختن راه طهران و سواحل خلیج فارس‌را نیز ازنظر دور نداشتند چنانکه در فصل مربوط برود کارون دیدیم ناصرالدین‌شاه نوشته بودموضوع‌ساختن راه‌طهران ومحمره وکشتیرانی رودکارون درموقع جنك ایران‌وانگلیس برسرهرات درمیان بود که در عوض واگذاری هرات‌بایران کشتیرانی در رودکارون برای‌انگلیسها آزادوراه‌طهران و محمره ساخته شود بهرحال سا لهااین موضوع ازطرف انگلیسها جداًتعقیب میشدوبرای انجام‌آن دولت‌ایران راموردتهدیدوفشارقرارمیدادند ــ رویا دولت ایران‌درمقابل‌انگلیسها مانند قضیه رودکارون بادادن وعده‌وبامروز وفردا گذراندن‌بودتابالاخره‌هنگام صدارت امین‌السلطان امتیاز این راه توسط یحیی‌خان‌مشیرالدوله بانگلیسها داده میشود.

لردکرزن درکتاب خودمینویسد .

«..... مدتهاست که احساس‌شده ایران محتاج براه‌می‌باشد . هرکسی درآن مملکت مسافرت نموده بخوبی می‌داندکه عبوراز آن راهها‌بااسب‌های چاپاری وکاروان چقدرمشکل است وچه‌مقدار بایدوقت تلف کرد ومخارج آن‌چه‌اندازه زیاد است . هوش‌سرشار سرجان ملکم‌دراوایل قرن فعلی (۱۲۱۵ قمری—۱۸۰۱ میلادی) این مسئله راخوب درك کرده بود وبشاه وقت(فتحعلی‌شاه) پیشنهادنمودوچه خوب‌ازآن استقبال شد و صدای شادی به‌آسمان رسید وفرمان شاهنشاهی برای ساختن‌آن ها صادرگردید ودرآن نوشته بود (طوری که ایلچی محترم اظهارداشته است) اما امین‌الدوله وزیر مالیه آن عصر دستهای خود را بهم مالید و گفت آقای ایلچی این جا ایران است .

حال قریب هشتاد سال‌متجاوز است که از زمان سرجان ملکم میگذرد وموضوع راه حل نشده است هنگامی که من‌در ایران مسافرت می‌کردم فقط دوراه شوسه موجود بود یکی راه طهران بقم ودیگر راه‌طهران‌به قزوین ــ برای‌ساختن‌راه قزوین هشتاد و هفت هزار تومان خرج‌شده وبرای راه‌قم قریب سی‌و پنجهزار تومان»

قبل از آوردن متن‌امتیازنامه اعطائی بمشیرالدوله و چگونگی جریان بعدی آن برای مزیداطلاع ازمذاکرات دولت ایران‌وسفارت انگلیس‌در این‌باب بعضی از نامه‌ها و مکاتباتی راکه بدست‌آورده‌ام بترتیب تاریخ ذیلانقل مینمایم .

رانلد تامسن‌شارژدافر انگلیس‌در تاریخ ۲۸ محرم ۱۲۹۶ هجری قمری هنگامی که برای گرفتن اجازه کشتیرانی دررود کارون بدولت ایران فشار می آورد در خصوص ساختن راه طهران‌بیوشهراین‌نامه‌را بمیرزاحسین‌خان سپهسالار صدراعظم‌ایران‌مینویسد .

« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع رازحمت میدهد
« امروز صبح شفاها ازآنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع خواهش شد که در»
« خصوص ساختن راه از اینجا بیوشهر قراریکه داده شده رسما بدوستدار نگاشته که »
« بلندن فرستاده شود چون چاپار سفارت روز دوشنبه آینده عازم است مجددا با کمال احترام»
« خواهش میشود که فقره مزبور را زودتر محبت فرموده بسفارت انفاذ فرمایند که به چاپار»
« مذکور برسد وهمچنین فقره رود کارون را از آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع»
« خواهشمند است که چنانچه وعده فرمودند بعرض مبارك اعلیحضرت اقدس شهریاری»
« رسانیده جواب اخیره را حاصل ودوستدار را مستحضر فرمایند که آن هم با نوشتجات»
« سابق در این خصوص بتوسط چاپار سفارت فرستاده شود در باب فقره که صبح مذاکره»
« شد تفصیل صحبت خود را علیحده نگاشته وارسال داشت ولی درخصوص تلگرافی»
« که اظهار داشت که ازجناب جلالتمآب وزیر امور خارجه از لندن رسیده لازم دانست»
« که خاطر مودت مظاهر را باین نکته ملتفت سازد که دوستدار تلگراف خودرا دیروز»
« سه ساعت بغروب مانده کرد وچون بمحض رسیدن پیش از غروب جواب فرستادند این»
« فقره دقت جناب جلالتماب وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در»
« این خصوص ظاهر میسازد زیاده زحمتی ندارد .
فی ۲۸ شهر محرم ۱۲۹٦ محل مهر رانلدطامسن»

در چهارم ماه شوال ۱۳۰۲ هجری قمری ناصر الدین شاه به میرزا محمود خان ناصر الملك وزیر امورخارجه مینویسد .

«جناب وزیر امورخارجه درباب راه محمره که بشما دستورالعملی داده بودم که باوزیر مختار انگلیس حرف بزنید فراموش کردم که ازشما تحقیق کنم براین باب چه کرده اید البته تفصیل اقدامات ومذاکره خودتان را که چه گفتید وچه جواب داده اند بعرض برسانید که اطلاع حاصل شده لازم است ٤ شوال ۱۳۰۲»

ناصر الملك جریان ملاقات خودرا باوزیرمختار انگلیس اینطورشرح میدهد.

«قربان خاکپای جواهرآسای مبارك اقدس همایونت شوم
در باب راه محمره خانه زاد حسب الامر قدر قدرت همایونی وزیر مختار انگلیس را ملاقات کرده گفتگو نمود جواب مشارالیه این شد که دولت انگلیس چندی قبل درباب راه برای ازدیاد مراوده این دولت که حالا روسها اسباب قطع آنرا فراهم آورده اند تمنائی کردند بعد از مذاکرات زیاد قبله عالم بمن وعده صریح داده و مرا مامور فرمودند که وعده ملوکانه را باولیای دولت انگلیس بنویسم وتابحال درباب قرار با رایطریا استقراض یافرستادن مهندس ازجانب دولت انگلیس امروفرمایشی نشده بود وحال که امرومقررشده است اما در باب مهندس یکنفر مهندس مستخدم دولت که محل وثوق دولت وعامه است چندی قبل رفته واین راه را دیده است خلاصه راپورت یاتصنیف او را که از لندن فرستاده اند میدهم تقدیم خاکپای مبارك کنید درهمان مجلس ترجمه خلاصه آنرا نموده وبعد برای خانه زاد فرستاد خانه زاد گفت در این خلاصه اسمی از مخارج راه برده نشده ومقصود این است که مخارج معین شود همان مبلغ را استقراض فرموده وبهمان خرج به انگلیس مقاطعه بدهند جواب داد که مخارج را هم نمیتوان بسهولت معلوم کنم ووعده کرد که معلوم نموده بفرستد ترجمه خلاصه راپورت مهندس که وزیر مختار بخانه زاد داده در جوف عریضه چاکرانه ازلحاظ انورهمایونی خواهد گذشت استدعا دارد چون نسخه منحصر بفرد است مجددا بچاکر مرحمت شود که برای گفتگوی مجدد حاضر باشد امادرباب قراربارایطر واستقراض گفت چون فرمایش نشده بود تاحال سئوالی نکرده ام حال که فرمایش شده است هردو فقره را باچاپار مخصوص مقرر خودمان مینویسم وزود

جواب تحصیل میکنم لیکن این مسئله رابایدبدانید که دولت هیچوقت قرض نمیدهد رسم نیست اگربدهند ملت و بانکیه های معتبر میدهند این امر رابایدمن بمجلس تجارت (شامبردوکمرس) بنویسم وخواهم نوشت چه بلندن وچه بهندوستان جواب زود میرسد عجالتا چنانچه خانه زاد بخاکپای مبارك عرض کرد اینفقره مسکوت عنه میماند تا جواب برسد دیگر هرروز نخواهند گفت چه شد محض امتثال فرمایش جهانمطاع همایونی خلاصه گفتگواینست که بعرض رسید تاخود خانه زاد شرفیاب خاکپای مبارك همایونی شده مراتب معروضه رامفصلا بعرض برساند وهمچنین جسارت ورزیده درتمام فقرات رای قاصر چاکرانه خودرا معروض خواهدداشت که در استقراض چه ملاحظات است وقرضا قرض دادند در باب راه گیلان که اگر اقدام بساختن آن نشود روسها خیلی بصدا در می آیند چه باید کرد .

در باب فقره حرکت پاطرویل (۱) یاقراول روس امروز ترجمه کاغذمحرمانه ازوزیر مختار انگلیس بعرض رسانید بعداز مرخصی از خاکپای مبارك ومراجعت بمنزل مراسله رسمی راجع بهمین فقره ازوزیر مختار رسید لازم بود ملفوف عریضه چاکرانه تقدیم نماید ومقصود جزاطلاع خاطرمبارك نیست چون جواب همان است که امر ومقرر گردیده و خانه زاد همانطور خواهد نوشت وباید منتظر جواب صریح قطعی از جناب آصف الدوله شد الامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع »

در حاشیه این گزارش ناصرالدینشاه نوشته است .

« جناب وزیرامور خارجه جواب بکاغذ وزیرمختار بنویسد که هرگز دولت ایران اجازه این نوع تخطی هارا بدولت روس نداده است واگر بداند که حقیقتا آنها این نوع رفتار کرده اند البته پروتست سخت خواهد کرد بدولت روس از حاکم خراسان تحقیق بعمل خواهدآمد

جناب وزیر .

در فقره راه انشاءالله در مراجعت خود بصاحب قرانیه بتفصیل بعرض برسانید حکمش میشود همراهی دیگراز این بیشترنمی شود اگراهمال کنند خود کرده اند دیگربما بهیچوجه دخلی نخواهد داشت درباب پاترویل روسها امروز تلگراف مفصل جان داری به آصف الدوله کردم بایدمنتظر جواب آن بشویم هروقت رسید بشما اطلاع میدهم حالا ماخودمان در حقیقت خبرصریحی نداریم. »

نامه سفارت انگلیس مورخ ٤ محرم ۱۳۰۳ هجری قمری بناصرالملك وزیرامورخارجه

« جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا»
« مکرما مهربانا
« خاطر محترم آنجناب بخوبی مستحضر است که حال تقریبا سه سال متجاوز است»
« که درباب افتتاح راه ازدارالخلافه طهران الی شوشترومحمره از طرف بروجرد»
« کراراً دوستدار باوزارت جلیله امور خارجه دراین خصوص کتباو شفاها وپیغاما »
« مذاکرات نموده وبعلاوه عرایضی که دراین باب بتوسط وزارت جلیله امورخارجه»
« بحضورمکرمت ظهوراعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاهی معروض افتادودوستدار هم»
« بلاواسطه چندفقره ازفواید ومنافع افتتاح این راه درپیشگاه حضورمبارك اعلیحضرت»
« همیون شهریاری عرض نمود وپس از توجهات کامله ومذاکرات عدیده در مجلس»
« شورای اعظم رای انور ملوکانه براحداث وافتتاح این راه قرار گرفت ومکرراً از»
« جانب سنی الجوانب همیونی ووزرای معظم دولت علیه ایران باولیای دولت انگلیس»
« بتوسط دوستدار اطمینان داده شد که یقینا راه تجارت ازاین طرف مفتوح خواهد»

1 _ Patrouille

«گردید لکن بعد در خصوص مخارجی که برای افتتاح این راه لازم بود مذاکرات عدیده بمیان»
«آمده تا اینکه در آخر بجناب جلالتمآب فرمودند که آیا ممکن است دولت هندوستان»
«در باب مخارج این راه همراهی نمایند و تنخواهی که برای این کار لازم است موجود»
«کنند آنوقت قراری داده میشود که دولت علیه ایران تاوقت پرداختن اصل تنخواه»
«منافع آنرا برساند دوستدار هم این مطلب را بدولت متبوعه خود راپورت نمود»
«اوقاتی که آن جناب جلالتمآب عزیمت بآبگرم فرموده بودند جناب دبیرالملك چند»
«فقره ابلاغ فرمایشات اعلیحضرت اقدس همیونی را دراینخصوص بدوستدار نمود»
«مبنی براینکه رای انور همیونی جدا برافتتاح این راه قرار گرفته است که همان»
«طوری که باآن جناب جلالتماب قبلا مذاکره شده بود دوستدار اقدام نموده تمام»
«نمایند لکن از آن وقت تاکنون دیگر بهیچوجه مذاکره دراین باب بادوستدار نشده»
«ومکنون خاطر مهر مظاهر ملوکانه دراینخصوص برای دوستدار معلوم نیست واز»
«آنطرف هم این اوقات گفتگوی سرحدی باتمام رسیده ویقینا دولت هندوستان»
«در مقام اظهار این مطلب برآمده وجهة تعویق را ازدوستدار مستفسر خواهد شد و»
«دوستدار هم در حقیقت نمی داند که بعد از آن اطمینانهائی که سابقا داده است حال»
«چه نوع این مطلب را بیان نماید لهذا در این وقت باکمال احترام خواهشمنداست که»
«عینا همین مراسله رابطوری که مقتضی میدانند بحضور مراحم ظهور اعلیحضرت»
«اقدس همیون شاهنشاهی تقدیم نمایند وهرجوابی که مقرر فرمودند برای اطلاع»
«دوستدار مرقوم وارسال فرمایند که منظور ومقصود اصلی دولت علیه ایران دراین»
«باب مفهوم و توضیحا مراتب رابدولت متبوعه خود اطلاع بدهد

«زیاده تصدیع نمی افزاید فی ٤ شهر محرم ۱۳۰۳ محل مهر (رانلدطامسن)

دولت ایران درجواب سفارت انگلیس این موضوع را موکول بآمدن ظل السلطان بتهران مینماید وموقعی که ظل السلطان بتهران میآید سفارت انگلیس اینطور مینویسد

«جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقاً»
«مکرما مهربانا

«آنجناب جلالتمآب بموجب مراسلهٔ که مورخه بیست وچهارم شهر محرم سنه ۱۳۰۳»
«جواباً باین سفارت ارسال فرموده بودند مرقوم شده بود که بعد از ورود حضرت»
«مستطاب اشرف ارفع والا ظل السلطان گفتگوی راه شوشتر ومحمره را باحضور»
«حضرت مستطاب معظم له مطرح مذاکره نمایند این خبر بهجت اثر همان وقت»
«بدولت انگلستان وهندوستان اطلاع داده شد وحال چون حضرت مستطاب معظم له»
«ورود بدارالخلافه طهران نموده اند لهذا دوستدار دراین وقت باکمال احترام از»
«مضمون مراسله مزبور خاطر مودت مآثر آنجناب جلالتمآب را یاد آور میگردد و»
«امید دارد که درانجام این مسئله که برای دولت علیه ایران تجارتاً و هم منفعة»
«مفیداست اقدام شایسته بعمل آورند بنا براین دولت انگلستان وهندوستان دراتمام»
«این مطلب کمال شوق ومیل را دارند وامیدوارند که این مسئله بادقت تمام مطبوعی»

«بطور خوشی اتمام وانجام پذیرد وازاین گذشته‌جناب جلالتمآب سیر رانلد طامسن»
«چندین فقره اظهارات مرحمت آمیز اعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاهی را در»
«اینخصوص مبنی براتمام این عمل بدولت‌متبوعه خود را پرت نموده اند لهذا کمال»
«تأسف و تأثر حاصل خواهد شد اگر این موقع حالیه از دست برود در صورتیکه»
«آن نتیجه که منظور ومقصوداست ازمیانه فوت شود .
«زیاده تصدیع نمی افزاید همواره احترامات فائقه را نسبت بآنجناب جلالتمآب»
«تجدید مینماید .

«فی ۸ شهرصفرسنه ۱۳۰۳ محل‌مهر (نیکلسن)

سفارت انگلیس چند روزبعد دردنباله نامه فوق مجددادرتاریخ ۲ دسامبر ۱۸۸۵ چنین مینویسد .

«جناب جلالت‌و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا»
«مشفقامکرما مهربانا .
«چند روز قبل دوستدار شرف آنرا داشت که مراسله مبنی برافتتاح راه محمره»
«وشوشتر بطهران نزد آنجناب‌جلالتمآب ارسال نمود که درمراسله مزبور خواهش»
«شده بود که آنجناب جلالتمآب حال که حضرت اشرف والا ظل السلطان در اینجا»
«تشریف دارند قبول زحمت فرموده این مسئله را درمجلس شورا مطرح مذاکره»
«نمایند ـ دوستدار ازقراریکه استماع نموده است چندین دفعه درمجلس شورا در»
«این باب مذاکرات بعمل آمده‌است لهذا کمال امتنان‌را حاصل خواهد نمود اگر»
«آنجناب‌جلالتمآب دوستداررا مستحضرفرمایند که آیا قراری دراینکارداده شده‌است»
«یاخیرچنانچه خاطر محترم‌آنجناب جلالتمآب‌مستحضراست‌اعلیحضرت اقدس‌شهریاری»
«بجناب جلالتمآب وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه‌انگلستان وعده فرموده بودند که»
«حکم اجازه ساختن این راه‌را مقرر خواهند داشت که صادرنمایند . بنا براین‌چنین»
«گمان میکند که مذاکرات‌درمجلس‌مزبور درباره جزئیات‌این‌مطلب وده است لکن»
«خود مسئله چنانچه‌جناب جلالتمآب وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان‌بدولت»
«متبوعه خود اطلاع داده‌اند اصلا ازجانب سنی‌الجوانب اعلیحضرت همایونی قبول»
«شده‌است‌وازمضمون مراسلاتی که دوستدارازجناب جلالتمآب مارکویزاف‌سالزبری»
«وزیر امور خارجه دولت متبوعه خود وصول نموده است چنین استنباط مینماید که»
«مسئله افتتاح این راه عبور میانه جنوب ایران و پای تخت این مملکت‌بجهاتی که»
«برخود آنجناب جلالت مآب واضح است بنظر اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه»
«انگلستان‌وهندوستان‌کار عمده میباشدوخیلی مسرور خواهند شد که بدانند اشکالی»
«دراین کارنیست وشروع بساختن‌راه‌تجارت مزبوره درجنوب ایران شده‌است و نیز»
«دوستدار لازم میداند که خاطر محترم آنجناب جلالتمآب را مطلع سازد»
«از اینکه اگر چه قبول ساختن راه مزبورکه‌اول قدمی است بجهت مطلبی که»
«منظوراست ولی بنفسه نمیتواند مایه‌ترقی‌وپیشرفت تجارت ایران شود واعلی درجه»

«آنرا متحقق سازد پس چیزیکه بجهت این مقصود لازم است باز کردن راه جهازات»
«تجارتی است درروی رودکارون فقط مقصود دولت انگلیس در اصرار این مطلب»
«ترقی رشته تجارت است مابین دولتین ایران وانگلیس و برخاطر محترم آنجناب»
«جلالتمآب واضح است که هرقدر رشته تجارت میانه این دو دولت علیه بیشتر باشد»
«اهالی مملکت انگلستان توجهشان بترقی دائمی وپایداری مملکت ایران زیاد خواهد»
«بوددراین موقع احترامات فائقه را نسبت بآنجناب جلالتمآب تجدید مینماید .
«زیاده زحمتی ندارد فی ۲٤ صفر ۱۳۰۳
«محل مهر شارژ دافر اعلیحضرت پادشاه انگلستان آرتر نیکلسن»
(جواب نامه بسفارت انگلیس)

«جناب مجدت وفخامت همراه نجدت ونبالت پناه دوستان استظهارامشفقامهربانا»
«از مضمون مراسله مورخه ۲٤ شهر صفر آنجناب مجدت همراه دائر بفقره»
«راه محمره استحضار حاصل نموده لازم میداند بخاطرمحترم آنجناب اخطار نماید»
«که فقره راه محمره یاسایر راهها و کلیه اموری که اسباب ترقی و رواج تجارت»
«باشد همیشه ملحوظ نظر اولیای دولت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام سلطانه»
«بوده وخواهد بود و تاحال هم تمامی مذاکرات جاریه دراین باب مبنی بر همین»
« اساس عمومی بوده وبعد از این نیز هرمذاکره بشود باز ازبابت اجراء»
«این حسن نیت ومقصود مقدس عمومی خواهد بود.
«نه اینکه رسما اختصاص باین راه مخصوص داشته باشد در این صورت میتواند»
«خاطر محترم آنجناب را مستحضر سازد از اینکه اولیای دولت علیه کمال سعی و»
«اهتمام را برای رسیدن باین مقصود که سبب آبادی مملکت است دارند وبرحسب»
« اقتضای وقت آنچه لازم و مقدور باشد معمول خواهد داشت اگر در بعض موارد»
«تاخیری درملزومات حصول این مقصود بنظر رسیده است ازبابت بعضی موانع است»
« که من جمله عدم اطلاع برمخارج ساختن طرق است که موقوف بیك برآورد (اطود)»
« کاملی است که تاحال نشده است احترامات فایقه خودرا نسبت بآنجناب مجدت همراه»
«تجدید مینماید زیاده چه زحمت دهد
شارژ دافر انگلیس بعد از دریافت جواب دولت ایران چون نتیجه عملی بدست نمیآورد در تاریخ ۱٦ ربیع الاول ۱۳۰۳ نامه ذیل را بناصرالملك مینویسد .
« جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارامشفقا »
« مکرما مهربانا
« دوستدار در مراسله قبل اظهار داشت که باحصول اجازه ازآنجناب جلالتمآب»
« بعضی ملاحظات واظهارات درخصوص راه تجارت مخصوص درجنوب ایران خواهد»
« نمودلهذا دراینوقت درمقام زحمت برآمده اظهارمیدارد که اول چیزی که لازم است»
« این است که همین طرق حالیه طوری ساخته شود که بارکش وعرابه بسهولت بتواند»
« ازآن عبور نماید وبدینجهت حمل ونقل متاع زودتر وارزانتر ازحالیه شود»

«آنجناب جلالتمآب خوب مستحضرند که آلان باری که منتها پنجاه‌من بوزن تبریز»
«باشد بمدت پنجاه روز و کرایه خرواری دوازده الی هیجده تومان از بندر بوشهر»
«بدارالخلافه میتوان حمل نمود اگرچه دور نیست آنجناب جلالتمآب اعتقاد نفرمایند»
«لاکن بدبختانه وضع چنین است که ازلندن ببوشهر که مسافت راه چند هزار میل»
«است زودتر متاع میرسد تااز بوشهر بطهران که چندصد میل است درصورتی که»
«کرایه این مسافت قلیل تقریباسه برابر آن مسافت کثیر است بااین احوال محل تعجب»
«نیست که تجارت روبه تنزل وعمل مالیات این قسم مغشوش ودرهم باشد .

«پول در ایران بی نهایت کم وتجارت روبه تناقص وانحطاط است بنابراین خیلی»
«لازم است که نزدیکتر واسهلترین راه در جائی که حاصل خیزترین اقطاع مملکت»
«است بازگردد وجای شبهه وتشکیك نیست که بهترین طرق راه محمره بطهران است»
«که از شوشتر ودزفول وخرم آباد وبروجرد وسلطان آباد وقم بگذرد ودر هیچ»
«راه دیگر فواید این راه متصور نیست وازبروجرد شعبات دیگر ازاین راه میتوان»
«منشعب کرد وباصفهان و کرمانشاهان وهمدان برد .

«طریق مزبور کوتاه وسهل ترین طرق است واگر بجهت اطلاعات وضع طبیعی»
«وجغرافیای آن باشد دوستدار ازروی خرسندی ومیل خاطر حاضر است که تقدیم»
«نماید ازهمه گذشته این راه که ازعراق که حاصلخیزترین اقطاع مملکت است عبور»
«مینماید وزراعت این قطعه که بواسطه نقص راه ولزوم حمل بدون ترقی مانده در»
«وقتیکه این سبیل احداث شود معلوم خواهد شد که چقدر بر حمل آن سریعا»
«افزوده میشود .

«ممکن است که تاحال یك راه سهل آسان ازمحمره بمبلغ پنجاه هزار تومان»
«احداث کرد که اشخاص بصیر معتبردر اول سال افتتاح منفعت آنرا بجهة شرکاء صد»
«بیست برآورد کرده‌اند ودرسنوات بعد که تجارت رونق گرفت علاوه گذشته ازاینها»
«متاع ازطرف جنوب به طهران بعوض پنجاه روز پانزده روزه بامقدار زیادتر وخروار»
«شش تومان کرایه در عوض دوازده وهیجده تومان حالیه خواهد آمد وجوهات فوق»
«چنان مبرهن است که زیاده براین اظهارات دوستدار رالازم ندارد .

«چنانچه آنجناب جلالتمآب اطلاعات دیگری دراینخصوص از قبیل مخارج احداث»
«یاکلیه تخمینات دراین باب بخواهند دوستدار باکمال شوق درارسال آن حاضر»
«خواهد بود مطلب دیگری است که توضیحا آنجناب جلالتمآب را از مفاد آن مستحضر»
«میسازد افتتاح راه محمره که قابل عبور عرابه وبارکش باشد اول گامی است بجهة»
«حصول بمقصد ولی آنچنان مفید است که جمیع مقتضیات رادربر داشته یاتمام فواید را»
«از حیثیت زودرسیدن وارزانی حمل جنس شامل باشد .

«ازمحمره بشوشتر یك رودخانه که میتوان درروی آن جهاز انداخت جاری است»
«که بهیچ وجه سزاوار نیست که از چنین راه طبیعی خدا داد اخذ و درك»
«فواید ننمود .

« دوستدار استنباط کرده‌است که دولت‌علیه‌ایران‌در مذاکرات اسباب یك تردید»
« خیال و بی‌میلی دارید چراچنین است بااشکال میتوان باور کرد که دولت‌علیه گمان»
« کند که دولت انگلیس از اصرار دراینخصوص بجزاعانت و کمك تجارت وفایده »
« عایده بدولت علیه ایران منظور دیگری‌داردا گرممکن باشد برخیال کسی‌خطور»
« نموده باشد دوستدار آن‌جناب‌جلالتماب را اطمینان میدهد که خیال‌آن شخص‌باطل»
« وعاطل است بهیچوجه خیال ومقصود نهائی نیست فقط صادقانه وخالصانه منظور»
« این‌است که رودکارون را معبر تجارت بیند مثل شط‌العرب که چه‌اندازه مایه»
« وسعت معاش وسعادت مردم‌آن نواحی‌شده است‌چراراضی نمیشوندبعوض‌این‌منازل»
« دور ودراز امتعه بتوسط کشتی حمل باهواز وشوشتر شود قائق های اهالی این»
« مملکت بجهة اینکارکافی نیست ولابدجهازات بخارباید درکار آورد وباینطورهم»
« صرفه وقت وهم صرفه وجه ملحوظ است مقدور نیست که تمام نکات و محاسن »
« افتتاح رودکارون رادریك مراسله اظهارداشت‌واگر بیش ازاین‌اطلاعات لازم‌بود»
« ممکن بود که تقدیم دولت علیه‌ایران نمود محل شبهه نیست که این‌کاری‌است که »
«سبب فواید کثیره بجهة عموم مملکت است ودوستدار نمیتواند اعتقادنماید که‌رای»
گیتی آرای اعلیحضرت اقدس‌شهریاری منکراجرای این‌عمل گردد.

« اگر سخن دوستدار بسمع قبول‌اصغاء میشدهر آینه‌اصرار بلیغ می‌نمود که‌دولت»
« علیه‌ایران بنحوحالیه خودرا از جمیع ملل‌دوروتنها نگذارد و قطع مراوده‌عملی»
«ازسایرجاها ننماید . یك‌ملت بمنزله شخص‌مفرداست که‌نمیتواندازدیگر مخلوق‌دور»
« باشد ازجنابعالی استفسار میشود که آیاممکنست شخصی‌درخانه خود نشسته‌ابواب»
« را ازهمه‌جانب بروی‌خودبسته وازانباری که گرد کرده وجمع آورده‌مزروق کرد و»
« برآن انبار نقصان‌روی ندهد زودباشد که اتمام‌آن انبار را ملاحظه وخرد را در »
«ورطه جوع‌مشاهده نمایدوخائف‌است که هرگاه‌دربازشوددوست‌ودشمن هردو داخل»
« میشوندوحال‌آنکه‌اگردشمنی بخواهدداخل‌شود درها بازیا بسته باشدجبراً وعنفا راه»
« خودرا باز کرده داخل خواهد شدوآن‌شخص‌ازروی بدبختی می‌بیند فرصتی نمانده»
« است که‌ابواب دیگررا گشاده که دوستان اوداخل شوند بلکه‌آن دوستان هم »
« بواسطه عدم‌مراوده رفته رفته‌سرد وبی‌میل‌شده‌اند وبااین‌حال درکمك وامداد او»
« دستی دراز نمیشود .

«واگر دوستدار معذور باشد که اظهار اعتقاد خودرانماید اظهارخواهدداشت که»
« دولت علیه ایران خوبست بدون‌بیش‌از این‌تعویق کلیه این‌خیرخواهی و صوابدید »
«دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان رادرخصوص طرق جنوب ایران قبول فرمایند»
«واگر این منظور صورت گیرد سختی درقرار دادن اجرای این مطلب باآنهائی»
« که مایلند دولت علیه‌ایران را دراینکار کمك نمایند نخواهدبود دوستدارخواهش»
« مینماید که‌این مطلب رانگذارند که درمیان مذاکرات وراپرتهائی که منتج‌هیچ»
« نتیجه نیست‌فقدان‌پذیرد یااینکه بگویندبایددرست‌ازحالات‌راهنمائی که‌باین‌مشهوریست»
« اطلاع نمائیم که این‌قسم گفتگوها رافقط عذر بجهة‌تعویق میداند وآنهائیکه مایل»

«اینکارمیباشند بواسطه تاخیر وتعطیل زیاد ازاین خیال منصرف خواهند شد واگر»
«صورت گیرد اشخاصیکه بنای اینکار را گذارده اندچنانچه دوستدار اظهار داشته کمال»
«فایده را خواهند برد ومصرانه بدولت علیه ایران اظهار مینماید که از هر جهت»
«اینکار ازحیث پولتیك وتجارت ومالیات بجهة دولت علیه فواید کثیره دارد درصورتی»
«که نگذارند فرصت حالیه ازدست برود در اینوقت احترامات فائقه ودوستانه صادقانه»
«خودرا بآنجناب جلالتمآب تجدید مینماید .

«زیاده چه تصدیع افزاید فی ۱۶ ربیع الاول ۱۳۰۳

محل مهر (آرتر نیکلسن)

امتیاز راه بمشیر الدوله داده میشود

باین ترتیب همان طور که گفته شد این موضوع سالها بطول انجامید تامیرزا علی اصغر خان امین السلطان بصدارت ایران رسید و درومندولف بسمت وزیر مختاری انگلیس در تهران منصوب گردید وامتیاز رودکارون وامتیاز تاسیس بانك شاهنشاهی داده شد وسپس امتیاز ساختن راه تهران بسواحل خلیج فارس توسط یحیی خان مشیرالدوله ببانك شاهنشاهی واگذار گردید . لرد کرزن در این باب در سال ۱۸۹۱ مینویسد .

«حال بانك شاهنشاهی درصدد است که راه محموره بطهران را نه تنها برای عراده رانی دایر کند بلکه میخواهد یك راه شوسه درست وحسابی که شاهراه باشد بایرانی ارزانی دارد این راه طوری خواهد بود که جنوب ایران را به طهران وصل کند ویگانه طریق ارتباط باشد نقشه اینکار درزمانهای قبل تهیه شده بود وحال شروع بکار نموده اند که راه بین طهران و نوشتر یا اهواز را که درکنار رود کارون واقع است از راه قم ، سلطان آباد ، بروجرد و خرم آباد شوسه نمایند .

امتیاز این راهرا برای مدت شصت سال در ۱۸۸۹ میرزا یحیی خان مشیرالدوله از شاه گرفت بعد بانك شاهی این امتیاز را ازایشان بدست آورد واینك مهندسین آن مشغول ساختن این راه میباشند وممکن است درهمین روزها یك موسسه مالی مخصوص برای عملی نمودن آن دایر گردد ومنافع زیادی برای آن متصور است زیراکه این راه خلیج فارس را بمرکز ایران نزدیك خواهد نمود وهمچنین قسمتهای فوق العاده حاصل خیز راکه تا حال از آنها غفلت شده است آباد خواهد کرد .

علاوه براین وسایل حمل ونقل مال التجاره انگلستان وهندوستان راسهل وآسان خواهد نمود بالاتر ازاینها بزوار اماکن متبرکه که از اطراف وجوانب سالیانه قریب یکصدهزار نفر میشود ومقصد آنها قم و مشهد درشرق وکربلا ونجف و کاظمین وسامره ومکه معظمه درقسمت غربی است کمك فوق العاده خواهد کرد .

در قسمتهای هموار آن وسائل حمل و نقل با دستگاه بسهولت برای مسافرین برقرار خواهد شد

رودخانهای عرض راه درصورت لزوم سدبندی میشود کاروانسراها وباراندازها وبناها برای مستحفظین راه تهیه خواهد شد همچنین ازبروجرد یك راه فرعی باصفهان ساخته میشود بین این دوشهر قریب ۲۱۰ میل راه است. تقریبا شصت فرسنك باین وسیله شهرهای جنوبی بشهرهای مرکزی وصل خواهد گردید .ومراکز پر جمعیت و شهرهای تجارتی بهم مربوط خواهند شد از این شهرها یك مخرج صحیحی بخلیج فارس مفتوح خواهد گردید. چنانکه مشاهده شده بوسیله این راه تمام این شهرها براه کشتی رانی رود کارون وصل میشود واز این راه در مدت

۶۲ روز از خلیج فارس میتوان باکاروان بطهران رسید در صورتی که امروزه از راه بوشهر و شیراز در مدت چهل الی پنجاه روز باید آن‌راه را طی‌نمود .»

متن امتیازنامه

امتیازنامه راه عربستان

«این امتیازنامه برای‌ساختن‌راه‌فیمابین دارالخلافه‌الی»
«اهواز برای حمل‌مال‌التجاره بتوسط عراده بایك شعبه ازراه بروجرد باصفهان
«فصل اول ـ اولیای‌دولت علیه بچاکر دولتخواه‌این‌امتیاز رامرحمت‌خواهندفرمود»
«ومدت آن‌ازروز تاریخ‌صدور فرمان الی انقضای‌شصت‌سال تمام‌میباشداین‌چاکردولت»
«خواه حق‌آنرا خواهد داشت که راه فیمابین اهواز وطهران‌را بانضمام‌راه فیمابین»
«بروجرد واصفهان بسازد .
«وحق دیگر چاکر آنستکه درعرض راه‌در هر نقطه و مکانی که صلاح بدانند »
«کاروانسرا وپل وخانه ازبرای سکونت‌عملجات وانبار واصطبل ولوازمات‌دیگر و»
«کارخانجات تجاری وحدادی که برای راه‌ضرورت دارد بسازد وحق دیگر چاکر »
« این‌است که حمل‌ونقل مال‌التجاره وسیاح رابوقت وقرار معین تجدید نماید ودر »
«عرض راه‌حق‌آنراخواهد داشت که درهرجا لازم است مجرای آب‌قنات احداث »
« نماید ولی فقط‌برای منزلگاههائی که‌آب نداشته باشد ودر هرمنزلگاهی اراضی»
«بایره که مال دولت باشد باندازه چهار هزار ذرع منزلگاه اعطاء خواهندفرمود»
« که بجهة قوت خودکشت وزرع نمایند .
«ومجاز خواهد بود که محصول آنرا اگر بخواهد بفروشدیابخارجه حمل نماید»
«وهمچنین مجازخواهد بوداراضی که‌بتوسط صاحب‌امتیاز دایرشده‌است اجاره‌بدهد»
«ولی برعیت ایران ودیگرچاکر خانه‌زاد متعهد است که حق عبورازدواب ومکاری »
« ومسافر دریافت نکند مگر در سر پلها که مخصوص ساخته شده‌است وقرار آن»
« را باید قبل‌از وقت بااولیای دولت بدهد .
« فصل دوم ـ برای ساختن ابنیه مفصله فوق‌درعرض‌راه اراضی که متعلق‌بدولت»
« باشد باید بقدر لزوم مجانا مرحمت شود واگر متعلق بمردم‌است چاکرخانه‌زادیا»
« اجاره خواهدکرد یاخریداری خواهدنمود .
« فصل سوم ـ راه ابنیه در هرقریه که ساخته خواهد شد آلات وادوات و اراضی»
« ابتاعی در تحت‌حمایت اولیای دولت خواهد بود و محض ازدیاد تجارت و امنیت »
« مال‌التجاره وسیاح درعرض راه‌چاکر خانه‌زاد حق‌آنرا خواهد داشت که اولیای »
« دولت حمایت کامل فرموده بحکام‌وضباط ولایات عرض راه که خط راه عبورمیکنند»
« احکام موکد صادر فرمایند که از اجزاءواعضای‌راه حمایت‌نموده وحفظ‌وحراست»
« کند تاتعهدات چاکر بموقع اجری برسد واگر درضمن این‌حفظ وحراست گاهی»
« احتیاطا محتاج بقوه عسکریه بشود دریغ نکنند وبهیچگونه عذری‌متعذر نشوند .
« فصل چهارم ـ چاکر دولتخواه برای اجرای این‌مقصود مجاز خواهد بود که »
«ازخارجه‌ازسرمایه‌داران خارجه کمك بخواهدومهندسین وعملجات‌خارجه اجیر نمایدتا»
« بعون‌الله این‌خدمت بزرك انجام پذیرشود .

« فصل پنجم ـ اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی حق مخصوص بچاکر میدهند که »
«ساختن راه ابنیه ازقبیل پلها ومنزلگاهها وقنات ومجاری آب و آلات حمل ونقل »
« رامحض اطمینان سرمایه‌داران داخله وخارجه که پولشان بمصرف کلیه راه میرسد»
« بضمانت بدهد واین امتیاز درمدت شصت سال ازچاکر گرفته نخواهد شدمادامیکه»
« تمام پول که بمصرف اینکار رسیده است بسرمایه‌داران رسیده باشد ویاکارهای »
« این راه باتمام نرسیده باشد واتمام این کار باید در دوسال ونیم بعداز »
«شروع باشد .

«فصل ششم ـ ششماه بعد از صدور فرمان بایدشروع بکارشود والا این امتیازنامه»
« از درجه اعتبار ساقط است .

«فصل هفتم ـ یکسال بعداز دایر شدن اداره حمل ونقل مال التجاره و مسافرین در»
« آخر هرسال از منافع حاصله این اداره چاکرخانه‌زاد ده‌دو بخزانه دولت تقدیم »
«خواهد کرد واولیای دولت بهیچ اسم ورسم مالیات وراهداری وصادر وعارض از»
« اراضی مزروع وغیر مزروع ومستغلات ومتعلقات باین اداره مطالبه نفرموده کلیه»
«را معاف خواهند فرمود ونیز ادواتی که از هرقبیل برای این راه لازم باشداز دادن»
« گمرك معاف خواهد بود و مباشرین گمرکخانه حق تجسس دربارها خواهند »
« داشت که معلوم شود مال متفرقه داخل آن نباشد .

«فصل هشتم ـ خانه‌زادمتعهداست که حمل ونقل پست دولتی رادر خط این راه بنصف»
« نرخ برد ونیزاین چاکر دولتخواه متعهداست که درحمل ونقل مال التجاره‌ها یا کرایه»
«تقدم و تأخر باشخاص ندهد و باملاحظه رعایتی نموده اشخاص رابدیگری اختصاص»
« و ترجیح بدهد و با تمام مردم در این مسئله بمساوات حرکت خواهد نمود که »
« اسباب رنجش احدی نشود .

« فصل نهم ـ چاکر خانه‌زادبرای انجام این مقصدمنتهی سی نفرعامله واجزاء خارجیه»
« لازم خواهد داشت و آنها در تحت قانون و آداب دولت علیه ایران »
« خواهند بود .

«فصل دهم ـ برای تحصیل ده‌دومنافع معروضه اولیای دولت علیه حق خواهندداشت»
« که هرششماه بواسطه مامورمخصوص دفاتر کسان چاکر راملاحظه ورسیدگی نمایند این»
« مامور باید دائمادرآنجا باشد .

«فصل یازدهم ـ محض اطمینان خاطراولیای دولت که این راه مسلما باتمام خواهد»
«رسیدچاکرخانه‌زاد مبلغ ده هزار لیره انگلیسی در بانك شاهنشاهی برده بطور »
« ضمانت خواهد گذاشت و قبض بانك را تسلیم اولیای دولت خواهد کرد و اینوجه»
«ضامن اتمام راه درمدت سه سال ابتداء ازتاریخ صدور فرمان خواهد بود واین»
«مبلغ وجه ضمانت که ده هزارلیره انگلیسی است بچاکر خانه زادرد نخواهد شدمگر»
«وقتیکه یك خمس ازراه ساخته شدیك خمس از آن وجه مسترد گردد باین ترتیب»
«که هریك خمس ازراه که ساخته شد یك خمس آن مسترد گردد و قس علیهذا»

« اگر در مدت سه سال راه تمام نشد هر قدر از وجه ضمانت که باقی است حق»
«دولت خواهد بود.
«فصل دوازدهم-در آخر شصت سال که مدت امتیازنامه از تاریخ صدور فرمان است»
« درصورتیکه این امتیازنامه تجدید شود تمام آلات وادوات ومستغلات غیر منقول»
«مال دولت ومنقول را درصورت لزوم خریداری خواهند فرمودانشاءاله تعالی در»
«سایه عدالت پیرایه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه بموجب شرایط دوازده»
« گانه این خدمت را انجام خواهد نمودفی ۷ ربیع الثانی سنه ۱۳۰۸ محل مهر»
« یحیی خان مشیر الدوله .

انتقال امتیازنامه به بانك شاهنشاهی وسپس بکمپانی لینچ

ازابتدا این امتیازنامه‌را به یحیی‌خان مشیرالدوله (۱) دادند که او به انگلیسها واگذار نماید زیرا بواسطه مخالفت روسها نمیخواستند دولت ایران مستقیما این عمل راکرده باشد چنانکه در مورد رودکارون هم دیدیم بااینکه افتتاح آن رود برای انگلیس‌ها بود معهذا عنوان« کلیه ملل»را روی آن نهادند .

یحیی خان مشیر الدوله در۱٤ جمادی الثانی ۱۳۰۷ هجری قمری یعنی همانسال اعطای امتیازنامه براهنمائی سفارت انگلیس در تهران وبااجازه دولت ایران امتیازنامه‌را بیك عده ازسرمایه داران انگلیسی میفروشد وامین السلطان صدر اعظم برای تأئیداین امر تحت‌عنوان«فصل الحاق برامتیازراه شوسه عربستان »شرح ذیل‌را بامضای ناصرالدین شاه بسفارت انگلیس میدهد .

« نظر باینکه جناب اشرف مشیر الدوله بتصدیق دولت علیه تمام حقوق خود را»

---

۱ - یحیی‌خان مشیرالدوله برادر کوچکتر میرزا حسین‌خان سپهسالار متولد بسال ۱۲٤۳ هجری قمری درقزوین است .

یحیی‌خان پس‌از تحصیلات ابتدائی بابرادرش میرزاحسین‌خان باروپا رفت و وقتی بتهران بازگشت وارد مشاغل درباری شد و چون‌زبان‌فرانسه راخوب می دانست ناصرالدینشاه او را بالقب معتمدالملك بسمت آجودان مخصوص خودانتخاب نمود .

یحیی خان مانندبرادرش مردی زیرك وباهوش وکاردان بود - دکترفوریه پزشك مخصوص ناصرالدینشاه علت ترقی اورا در یادداشت های خود اینطور شرح می‌دهد

«در سال ۱۲۷۵ موقعی که ارروی شاه‌در منزل حوض‌سلطان بود ویحیی‌خان درجلو چادر پادشاه قراول می‌داد ودستور داشت که احدی‌را نگذارد بچادر داخل شود حاجی مبارك خواجه‌سرا خواست بزور بداخل چادر سلطنتی قدم گذارد ویحیی‌خان مانع‌شد • حاجی‌مبارك قمه‌خود راکشید وچنان ضربتی به‌صورت یحیی‌خان زدکه بینی‌او را شکافت .شاه از این سروصدا ازچادر بیرون جست وچون‌برجریان‌قضیه اطلاع یافت امرداد‌تافی‌المجلس کردن حاجی‌مبارك‌رازدند وتمام دارائی اورا به‌یحیی‌خان بخشید . بعداز چندی‌ناصر الدینشاه خواهر تنی‌خود را به یحیی‌خان بزوجیت داد‌وباو مشاغل‌عمده ازقبیل حکومت‌های مهم‌واگذاشت واو را بالطاف‌جزیل‌سرافرازساخت . »

یحیی خان معتمدالملك بعداز فوت سپهسالار در سال ۱۲۹۹ ملقب بمشیرالدوله شد .

مشاغل عمده یحیی‌خان عبارت وداز مدیر مشورت‌خانه شاهی- وزیر مخصوص وسرکشیکچی باشی‌اردو- والی فارس - والی‌مازندران - وزیر امورخارجه ووزیر عدلیه وتجارت .

یحیی‌خان‌درماه جمادی‌الثانی‌سال۱۳۰۹ هجری‌قمری‌هنگامی که درطهران‌مرض‌انفلوانزا شیوع‌یافته‌بود باین مرض در گذشت و جنازه او را بمشهد بردند و در کنار قبر برادرش سپهسالار بخاك سپردند .

«ازاین امتیاز بیك جماعت بین المللی واگذار نموده و جماعت مذکور درمدت شصت سال»
«مالك وصاحب خالص حقوق مزبوره ومسئول تکالیف معینه این امتیاز میباشند ودولت»
«علیه قبول شرایطی رامینماید که برحسب آنها جماعت مذکوره خودرا بجای صاحب امتیاز»
«گذاشته است هرگاه کمپانی راهی بسازند که بالفعل دائر ومحل عبور قوافل است وجهو»
«برای راه بدولت علیه نخواهد داد ولی هرجا نظر به بدی راه معمول کمپانی صلاح»
«بداند جزئی انحرافی در یك قسمت خط کل بدهد اگر آن خط جدید از املاك»
«حاصل خیزدولت علیه یااشخاص دیگر بگذرد کمپانی باید قیمت آن املاك رابنرخ»
«عادله بصاحبانش بدهد واگر آن املاك لم یزرع وغیر حاصل خیزومتعلق بدیوان»
«اعلی باشد مجانا بکمپانی واگذار خواهد شد ونیزحق مانع لغیر نقل اشخاص ومال»
«التجاره بواسطه عرابه وکالسکه وهمچنین وضع حمل دیگردراین راه بجماعت مذکوره»
«مرحمت میگردد اما درباب رسوم باج به پیاده روان ومال حمل درسر پلهائیکه»
«دولت علیه اجازه بدهد کمپانی باج بگیرد درمدت ششماه بعد از تصدیق این»
«فصل الحاقی باید بین دولت وجماعت مذکوره تعیین وبرقرار گرددغره ذی القعده»
«پارس ئیل ۱۳۰۷

«محل صحه مبارك همایونی

«فصل الحاقی امتیاز راه شوسه عربستان که بتوشیح دستخط همایون اقدس اعلی»
«شاهنشاهی است زیارت وثبت شد صحیح است شهرذی قعده الحرام ۱۳۰۷

محل مهر (امین السلطان)

سرمایه داران مزبورشرکتی باسم «کمپانی راه شوسه» تشکیل میدهند ولی چندی بعد صلاح دیده میشود که امتیازنامه ببانك شاهنشاهی واگذار گردد وشخصی بنام (آلفردلمر) بنمایندگی کمپانی راه شوسه امتیازنامه را ببانك شاهنشاهی میفروشد و بالاخره بانك شاهنشاهی نیز درسال ۱۹۰۲ امتیازنامه را بکمپانی انگلیسی «لینچ وبرادران» منتقل میکند

چنانکه در امتیازنامه دیده میشود میبایست پس ازششماه ازتاریخ امتیازنامه (۷ ربیع الثانی ۳۰۷) عملیات راهسازی شروع شده وپس ازدو سال ونیم تمام گردد ولی هیچگاه این امر جامه عمل نپوشید و تاسال ۱۳٤٤ هجری قمری کمپانی لینچ بعناوین مختلف این مدت را مکرر تمدید میکرد وبه بهانه‌های متعدد از قبیل عدم مساعدت دولت ایران وضع غیر عادی مملکت وحوادث غیر مترقبه متوسل میشد تاسر انجام در ۱۱ عقرب ۱۳۰۰ شمسی) دوم ربیع الاول ۱۳٤۰ هجری قمری) اعلانی ازطرف دولت ایران منتشر شد که چون کمپانی لینچ رعایت مواد وشرایط امتیازنامه را ننموده وباتمام حجت دولت ایران در این باب ترتیب اثر نداده دولت امتیازنامه مزبوررا لغو مینماید.

☆ ☆ ☆

کمپانی انگلیسی لینچ سابق الذکر که سالها باسم تجارت جنوب کشور مارا میدان تاخت وتاز خود قرار داده بود وبعناوین مختلف دردستگاههای دولتی دخالت و

اعمال نفوذ میکرد امتیازات دیگری مثل امتیاز ساختن ونگاهداری راه ازاهواز باصفهان وازشوشتر باصفهان را هم دراختیار داشت .

این امتیاز ابتدا درتاریخ بیستم ماه‌ذی‌القعده ۱۳۱٤ هجری‌قمری بموجب‌قراردادی‌ـ درهشت فصل برای مدت شصت سال به «اسفندیارخان سردار اسعد و محمد حسین خان سپهسالار وحاجی علیقلیخان» داده میشود

بموجب فصل سوم صاحبان امتیاز حق دارند برای رفتن وبرگشتن‌ازهرشتر بابار ۱۵ قران وبی‌بار ۲ قران و قاطر بابار ۱۲ قران وبی‌بار ۲ قران والاغ بابار ٦ قران و بی‌بار ۱ قران‌باج دریافت‌دارند :

طایفه بختیاری از پرداخت این باج معاف بودند .

این‌راهها بایددرمدت سه‌سال ونیم بعد ازامضاء امتیازنامه ساخته شودوامنیت تمام راه بعهده صاحبان امتیاز خواهد بود واسباب وملزومات ساختن‌راه بدون دادن گمرك وراهداری وارد خاك ایران خواهد شد .

این امتیازنامه‌گذشته از امضاء صاحبان امتیاز ، امضاء ومهر « حاج میرزامحسن خان‌مشیرالدوله وزیر امور خارجه » و« امین‌السلطان صدر اعظم» وامضاء ومهر وزیر مختار دولت انگلیس را هم داشت

تقریبا یك سال بعد از امضاء امتیاز نامه فوق در تاریخ دهم ماه شوال ۱۳۱۵ (۳ مارس۱۸۹۸) قراردادی بین کمپانی لینچ ازیك طرف واسفندیار خان سردار اسعدو محمد حسین‌خان سپهسالار وحاجی علی قلی خان ازطرف دیگر درده فصل منعقد میشود.

بموجب این قرار دادکمپانی لینچ متعهد میگرددکه پولی از قرار صد شش در سال بمدت بیست و پنج سال به صاحبان امتیاز قرض بدهد و صاحبان امتیاز باقساط هر سالی یك هزار وصد تومان بابت اصل وفرع از آخر سال سوم تاریخ امضاء قرارنامه آنرا بپردازند .

تهیه نقشه راه وانجام کلیه‌عملیات ساختمانی راهها وکار وانسراها توسط کمپانی لینچ وبرادران خواهد بود .

صاحبان امتیاز متعهد میشوندکه درمیزان‌مبلغ باج بدون موافقت سفارت‌انگلیس تغییر وتبدیلی ندهند .

این‌قراردا گذشته‌ازامضاء طرفین بمهروامضاءوزیر مختار انگلیس نیزرسیده بود

گذشته از امتیازاتی که دراین بخش شرح‌داده شده انگلیس‌ها امتیازات دیگری نیز درایران تحصیل نموده‌اندکه برای‌جلوگیری‌ازتطویل‌وهم ازآنجهت که‌چون زیاداهمیت نداشته ویابمرحله اجراء درنیامده‌اند ازشرح آنها صر فنظر گردید مثل امتیاز انحصار تریاك ـ امتیاز انحصار پرورش کرم ابریشم ـ امتیاز انحصار صید مروارید ـ امتیاز تهیه اسفنج ـ امتیاز ایجاد مجاری‌آب وبرگرداندن مسیر رودخانه‌ها وبستن سد وغیره.

بخش سوم

۱

روابط ایران و روسیه تزاری

و

امتیازاتیکه روسها در ایران تحصیل کرده‌اند

مقارن افول ستاره قدرت وعظمت سلسله صفویه درایران ، درروسیه مردساحشور و باکفایتی بنام پطر کبیر ظهور کرد که تسخیر ایران و رسیدن بخلیج فارس جزئی از نقشه جهانگیرانه او بود .

وصیت نامه‌ایست منسوب به پطر کبیر که درفصل نهم آن بجانشینان خود در باره ایران اینطور دستور میدهد .

«دولت روسیه راوقتی میتوان درحقیقت دولت نامید که پایتخت خودرا شهر استانبول»
«که کلید کنوز آسیا و اروپاست قرار بدهد بنابراین باید حتی الامکان کوشید که»
«باین شهر وحوالی آن دسترسی پیدا کرد تامالك تمام دنیا شد .
«برای انجام این امر و رسیدن باین مقصود بایستی میان ایران وعثمانی اختلاف»
«انداخت تاهمیشه بین آنها جنك وجدال برقرار باشد اگر چه اختلاف مذهب وتباین»
«عقاید که جماعت شیعه بااهل سنت دارند کار هزار لشکر وتاثیر هرتیر وتیغی رامیکند»
«وبرای اجرای مقصود ما یعنی تسلط واقتدار روسیه درممالك آسیا بهترین وسیله»
«میباشد معهذا برشما لازم است که همواره بهرترتیبی هست شعله این اختلاف و»
«نقاررادرمیان دامن زنید وخصومت وعداوت آنهارا باهمدیگر زیاد کنید ونگذارید»
«بمقام الفت وموانست برآیند .

«چیزی که بیشتر ازهمه مرا خوشحال میکند دو موضوع است یکی تباین مذهب»
«میان شیعه وسنی دیگر مداخله وتسلط علمای دین درامور مسلمین و عدم تجویز»
«آنها مردم مسلمان را ازمخالطه بااهل اروپا که تاچشم وگوش آنها باز شده راه»
«ازچاه باز شناسند وهمین موضوع کفایت میکند که بزودی نام اسلام ازممالك آسیا»
«برطرف شود ومدنیت وتربیت دین عیسوی بدست سلاطین دولت جوان روسیه»
«جای آنرابگیرد .
«مدتها بود که این زویه یعنی دخالت علمای دینی درکلیه امور ما مردم روسیه را در»
«پست ترین مراحل نگاهداشته ومانع ازترقی و ظهور قدرت واستعلای آن میشد و»

«من باهزار زحمت این خار کثیر المضرت‌را ازراه‌ترقی‌ملت برداشتم ودست مداخله»
« آنهارا ازامور دولت کوتاه و بصوم وصلوة متقاعد نمودم .

«علاوه براین باید تدابیر گوناگون بکاربرد که مملکت‌ایران‌روز بروزبی‌پول‌تر»
«شود وتجارتش تنزل کند وبطور کلی‌همیشه باید درفکر تنزل‌این‌مملکت بود وچنان»
«بایداورا درحال احتضار نگاهداشت که‌دولت روس هروقت بخواهد بتواند بدون »
« زحمت قادر برهلاك وخفه کردن اوباشد وباندك فشاری‌کار اورا بآخر رساندلکن»
« مصلحت نیست که قبل‌ازفوت‌کامل ومرك‌حتمی‌دولت عثمانی از جسد ایران بالمره»
«قبض روح نمود .

« ممالك گرجستان وولایات قفقاز شریان حیاتی‌ایران است و همینکه نوك‌نیش »
« تسلط روسیه‌برآن خلید فی‌الفور خون‌ضعف‌ازرك ودل ایران‌فوران خواهد کردو»
« چنان او را از حال خواهد برد که بطبابت هزار افلاطون اصلاح طبیعت او »
« ممکن نشود .

« آنوقت سلاطین روسیه‌تا اطفاء شعله‌آخری‌مملکت عثمانی‌رامانند شتری مهار»
«شده دردست خواهند داشت که هنگام ضرورت بارکش مایحتاج وبعداز اتمام‌عمل»
« بدون اشکال‌نحروذبح نمایند .

«برشمالازم است که بدون فوت وقت ممالك گرجستان وقفقازرا تسخیر نموده‌و»
« فرمانفرمای ایران‌را خادم ونوکرمطیع‌خود سازیدو بعداز آن‌باید قصد هندوستان»
« کرد چونکه آنممالك بسیار بزرك ومحل‌وسیعی برای‌تجارت است وهر گاه در»
« آنجا تسلط پیدا کردید هرقدر پول که بوساطت انگلستان بدست‌می‌آید بیشترا »
«آنرا اصالة ازهندوستان میتوان تحصیل کرد ـ کلید هندوستان‌سمت ترکستان است»
« هرقدر میتوانید از جانب‌صحاری قرقیزو خیوق وبخارا پیش بروید تاشاهدمقصود»
« برادر آغوش کشید ولی تامل وتانی را از دست‌نبایدداد واز عجله وشتاب احتیاط»
« واجتناب باید نمود .»

پطر کبیر بمنظور انجام‌نقشه‌های خود وبرای آنکه‌راه‌تجارت مستقیمی باهندوستان داشته باشد درسال ۱۱۲۹ هجری قمری بادولت ایران یك‌عهدنامه تجارتی منعقدنمودولی بواسطه ظهور نادرشاه کاری‌از پیش نبرد و جانشینان اومخصوصا کاترین دوم باآنکه کوششهای زیادی برای اجراء وصیت‌نامه پطر کبیر ودسترسی بخلیج فارس بعمل آوردند معهذا نتیجه‌ای نگرفتند .

بعداز آنکه پل اول امپراطور روسیه که بواسطه اتحادبا ناپلئون وطرفداری از فرانسویها بتحریك انگلیسهادرسال ۱۸۰۱ میلادی بقتل‌میرسد والکساندراول‌امپراطورروسیه میشود دولت‌روس ازضعف‌وبی اطلاعی حکومت فتحعلیشاه استفاده کرده جدا بمنظور اجرای دستور پطر کبیر مشغول اقدام شده وبرای‌تسخیر قفقاز دراواخر سال ۱۲۱۸ هجری قمری (۱۸۰۳ میلادی) سیسیانف سردار روس درنواحی گرجستان‌بتعرض‌میپردازد ودوره اول جنك‌های ایران وروس شروع میگردد .

مدت این جنگ قریب ده سال بطول انجامید ودر تاریخ ۲۹ شوال سال ۱۲۲۸ هجری قمری باانعقاد معاهده گلستان پایان یافت :

در نتیجه این جنگ دولت ایران گذشته از تلفات جانی ومالی بسیار ولایات داغستان- قوبا- شیروان- شماخی- باکو- سالیان- طوالش - قره باغ- شوشه - گنجه - گرجستان را ازدست میدهد وازسرپرستی ایمرسی - غوری- مینگرلی (در ساحل دریای سیاه) ابخاز - شوراگلی- کاختی وغیره محروم میشود .

صلح بین ایران وروس چندان بطول نینجامید و بعنوان اختلاف مرزی مجددا در سال ۱۲٤۱ هجری قمری (۱۸۲۵ میلادی) آتش جنگ بین دولتین شعله ورمیگردد وسرانجام بعداز بیست ماه جنگهای سخت میان طرفین باوساطت و دخالت مامورین سیاسی انگلستان عهدنامه ننگین واسارت آمیز ترکمانچای رادر تاریخ پنجم ماه شعبان ۱۲٤۳ هجری قمری بایران تحمیل میکنند وباین ترتیب دوره دوم جنگ های ایران وروس نیز خاتمه میپذیرد .

ایران بعداز این معاهده ایروان ونخجوان وبقیه اراضی ماورای رود ارس را هم ازدست داد .

عهدنامه ترکمانچای وضمائم آن چون زنجیر گرانی بود که برای مدت تقریبا یك قرن بدست وپای ملت ایران افکنده شد وتزاران روس او را تا سرحدمرك کشانیدند .

سیاست تزاران روسیه دراین مدت همان طور که پطر کبیر گفته بود بـرانگیختن وسائل گوناگون بمنظور توسعه نفوذروسیه درکشور ماوبنده وبرده ساختن ملت ایران بود وسیاست تخریب واختناق ایران توسط عمال تزاری روز بروز شدیدتر میشد و بطوریکه خواهیم دید از اواخر قرن نوزدهم تا انقلاب کبیر اکتبر سال ۱۹۱۷ استقلال ایران اسمی بی مسمی بود .

علاوه برسرزمینهائی راکه ایران ازدست داد بموجب عهدنامه ترکمانچای دولت ایران مبلغ ده کرور تومان رایج یا بیست میلیون مناط بابت خسارات جنگ بدولت روس پرداخت واز داشتن کشتی جنگی دربحر خزر ممنوع شد وبرطبق معاهده تجارتی ضمیمه عهد نامه مزبور حقوق ومزایای بیشماری برای تجار تبعه روس در ایران شناختند وبمامورین سیاسی وکنسولی روس حق کاپیتولاسیون داده شد باین معنی که هرگاه «مابین اتباع روس قتل وجنایتی بوقوع رسد رسیدگی ومحاکمه آن راجع» به« وزیرمختار وشارژدافر وقونسول » روس خواهد بودوهمچنین «اتباع ایران که جزء من تبع وزیر مختار وشارژدافر یاقونسول بوده وبجهت خدمت مشارالیهم لازمند مادامیکه درنزد ایشان هستندمانند اتباع روس وبالسویه ازحمایت آنها بهره مند خواهند بود .»

بعداز عهدنامه ترکمانچای استقلال ایران تقریبا ازبین رفت و بصورت کشور تحت الحمایه روس در آمد و این حال تا انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ یعنی مدت نود سال ادامه داشت .

در این نودسال تزاران روس گاهی باکمك پول وبیشتر بازور وتهدید هرروز بر نفوذ خوددر ایران میافزودند وباگرفتن امتیازات مختلف ودادن وامهای سنگین که شرح

هریك خواهد آمد استقلال سیاسی واقتصادی ایران را از بین بردند و باز نجیر و بندهای محکم دست و پای ملت ایران را چنان بستند که اگر نسیم آزادی بخش انقلاب کبیر اکتبر آن رشته‌ها را نمی گسیخت خدا میداند که سرنوشت کشور ما امروز چگونه بود .

نماینده تزار روس در ایران در حکم نایب السلطنه انگلیس در هندوستان بود و بقول اورسل Orsolle فرانسوی در کتاب خود بنام «قفقازیه وایران»

«پادشاه حقیقی ایران آن شاهی نیست که در ارك تهران زندگی میکند بلکه آن مرد سیاستمداری است که در حوالی ارك نزدیك بازار منزل دارد یعنی وزیر مختار روس»

مامورین روسیه در این کشور دارای قدرت و اختیارات زیادی بودند ودر کلیه شئون مختلف مملکت ما دخالتهای ناروائی میکردند وکسی را هم یارای مقاومت در مقابل آنان نبود ومخصوصا بموجب صورت مجلس پذیرائی مامورین سیاسی مورخ دهم فوریه ۱۸۲۸ منضم بعهدنامه ترکمانچای برای نمایندگان سیاسی روس احترامات و تشریفاتی قائل شدند تاهمیشه بواسطه اهمیت و«جلال وجبروت» آنان رعب وهراسی در دل ایرانیان باقی بماند .

بعداز آنکه در سال ۱۲۹۷ هجری قمری بااجازه ناصرالدین شاه بریگاد قزاق تحت نظر افسران روسی تشکیل یافت مامورین سیاسی و کنسولی روس بعنوان حفاظت از سفارت خانه و کنسولخانه‌های روس در نقاط مختلف ایران عده زیادی قزاق استخدام میکردند وتشکیلات ودستگاههای عریض وطویلی برای خود فراهم میساختند وهنگام گردش وسواری باجلال وشکوهی هرچه تمام‌تر حرکت مینمودند چنانکه کنسول روس در رشت موقعی که در خیابانهای شهر بگردش میپرداخت دوازده نفر قزاق درجلو وعقب او حرکت میکردند وکنسول دیگر روس در تبریز که «دبدبه» وشوکتش بیشتر بود علاوه براجزاء وعمله صد نفر قزاق هم تحت اختیار خود داشت که در حقیقت قوه اجرائیه او بشمار میرفتند .

سفارتخانه و کنسولگری‌های روسیه سالها مأمن وپناهگاه اشرار ودزدان وخائنین بوطن بود و غالبا اشخاص مزدور وجیره‌خوار سفارت روس میتوانستند مرتکب هرخیانت وجنایتی بشوند وسپس بسفارت یا کنسولگری‌های روسیه پناه برند واز هرمجازاتی مصون بمانند . مامورین تزاری نیز علنا از این اشخاص حمایت میکردند و با تمام قوا از آنها طرفداری مینمودند .

روزنامه حبل‌المتین درشماره مورخ چهارشنبه ٦ جمادی‌الاخری سال ۱۳۲۵ هجری قمری مقاله‌ای تحت‌عنوان «خاك برسرما» نوشته‌وبدنیست برای نمونه‌از دخالت‌های ناروای دولت‌تزاری خلاصه‌ای ازآن‌در اینجا آورده‌شود .

نویسنده مقاله پس از شرح شکوه آمیزی بعنوان اعتراض و گله از دولت همسایه مینویسد .

« تمام قوانین دنیا ببانك بلندفریاد میزنند که سفیروکنسول و وزیر مختار بیگانه نمی تواند در امور داخلی یك مملکت مداخله کند وسفارتخانه خودرا پناهگاه دزدانی شرور قراردهد وعنصر عدلیه را حمایت کند حاجی ملك‌التجار را که‌تقصیرش ثابت شده گناهش آشکارامت وزارت عدلیه چندنفر مامور بشمیران فرستاد که اورا مغلولا بشهر بیاورند در نزدیکی زرگنده سفیر روس خبرشده باجزاءخود حکم‌میکند که‌با اسلحه‌جلوگیری

کرده بهرشکل باشد بردن اورا بشهر مانع گردند هرقدر مامورین عدلیه بزبان اندرز و بیان نصیحت والتماس و چاکری وهمه چیز عرض میکنند اینکار خلاف است آنها که از باده غرور سرمست بوده گوش نداده ملك را گرفته بسفارت میبرند .

مامورین عدلیه بامید اینکه شایدسفیر از این حرکات وحشیانه مسبوق نیست واگر آگاه شود کسان خود را ملامت کرده ملك را بدانان تسلیم خواهند کرد بسفارت رفته عجز و لابه مینمایند ولی جواب یأس می شنوند وناچار بادست تهی بشهر می‌آیند .»

قبلا گفتیم که در این مدت سیاست تزاران روس سیاست تخریب واختناق ایران بود و بعناوین مختلف از هرگونه پیشرفت وترقی ملت ایران جلوگیری میکردند .

مامورین روسیه تزاری امتیازات زیادی برای کشیدن راه آهن ـ ایجاد راههای شوسه ـ استخراج معادن وساختن کارخانه وغیره درایران بدست آوردند ودراین موارد همیشه دولت تزاری منظور نظامی یااقتصادی وبانظر سیاسی خاصی را داشت و هیچوقت کوچکترین منافع ملت ایران رادر نظر نمیگرفتند .

لرد کرزن انگلیسی در کتاب «ایران ومسئله ایران» مینویسد .

« سیاست تزاری روس چنین اقتضاء کرده که ایران کنونی را یك مستعمره ویران نگاهدارد روسها نه خودشان می‌گذارند ایران آباد شود نه اجازه می‌دهند دولت دیگری (اگرچه هرقدر دور وبی طرف هم باشد) در آبادی وعمران آن مداخله کند . روسها باساختن جاده‌ها ـ راه‌آهن‌ها ـ بندرها ـ استخراج معادن ـ اصلاح کشاورزی ـ توسعه بازرگانی وپیشرفت فرهنك وبهداری در ایران جدا مخالفت می کنند .

دربار پطرزبورغ معتقداست که اگرایران آباد واصلاح شود بهانه‌ای برای تصرف و تسخیر این کشور باستانی برای آنها باقی نمی‌ماند .

ایران باید ویران باشد تا امپراطوری روس بدنیای متمدن بگوید برای جلوگیری از سرایت توحش ایرانی‌ها باروپا آن مملکت را مسخر کردم ومردمانش را باصول تمدن جدید آشنا ساختم »

لرد کرزن درجای دیگر کتاب خود مینویسد .

«در این تردیدی نیست که قصد دولت امپراطوری روس تصرف مملکت ایران می‌باشد بنابراین دولت مذکور مانع هرنوع ترقی در ایران است که برای پیشرفت مقصود او ایجاد موانع کندوبانواید زحمت نماید برای همین نیت است که سیاست روس درایران کاملا مواظب اوضاع این مملکت می‌باشد گاهی باتهدید زمانی بانیرنك ودسیسه بعضی اوقات هم باتملق وچاپلوسی ودر مواقع مناسب بارشوه وبذل وبخشش چه سراً وچه علنا بهر تدبیری که باشد مقصود خود را انجام می دهند .»

میرزا محمودخان علاءالملك وزیرمختار ایران درپطرزبورغ گزارشی بشماره ٤۰ مورخ اول ربیع‌الاول سال ۱۳۰٦ هجری قمری بطهران فرستاده وپس از شرحی در باره منظور وهدف دولت تزاری در ایران راجع باشکالتراشی‌ها و برانگیختن وسائلی برای دور نگاهداشتن ملت ایران ازتمدن جهان ، میگوید عده‌ای ازتجار وسرمایه داران روسی برای ساختن راه آهن مصمم هستند بتهران بروند ولی دولت روس موانعی ایجاد میکندو ناچار تجار مزبور «..... باعلیحضرت امپراطور عریضه دادند رجوع بوزارت خارجه شد در وزارت خارجه اول به تجار عذرهای چند آوردند تجار بهمه جواب شافی ومسکت دادند آخرالامر صریح وزارت خارجه بآنها گفت که صلاح نیست در ایران راه ساخت باید تحمل کرد وقتش میرسد تملك کرده میسازیم .....»

☆ ☆ ☆

ترکمانان مردمی نیمه وحشی بودند که زندگی اکثر آنان از راه غارت قوافل وشرارت تامین میشد واغلب گاه وبیگاه بشهرهای شمالی وشمال شرق ایران حمله می کردند وامنیت راهها را مختل میساختند ومردم بیگناه را باسارت میبردند ودربازارهای مرو وبخارا بمعرض فروش میگذاردند .

وقتی که مامورین ایران تراکمه راتعقیب میکردند آنها با قایقهای بادی بدریای خزر پناه میبردند وبوسط آب میرفتند وچون ایران ازداشتن کشتی جنگی در بحرخزر ممنوع بود ارتش ایران نمیتوانست بترکمانها دست پیدا کند بهمین جهت هنگامی که از روسها یك فروند کشتی برای تنبیه تراکمه خواست روسها ازاین درخواست حسن استقبال نموده وبجای یك کشتی چند کشتی فرستادند و بالاخره برای پایگاههای دریائی بمنظور تنبیه تراکمه عاشوراده وچکشلر وغیره رامتصرف شدند ونیزهرچندی بچندی باسم استحکام سرحدات خود یك قطعه از خاك ایران راتصاحب میکردند وباعتراضات پی در پی دولت ایران ترتیب اثر نمیدادند و به توسعه نفوذ وبسط خاك خود ازطرف شمال وشمال شرقی ایران میکوشیدند تاسرانجام بعداز مذاکرات طولانی با عقد معاهده آخال وخراسان در تاریخ ۲۲محرم ۱۲۹۹ هجری قمری (۹ دسامبر ۱۸۸۱) حدود طرفین تعیین ودست ایران از نواحی ترکستان کوتاه شد .

☆ ☆ ☆

رقیب روسها درایران انگلیسها بودند

در بخش دوم گفتیم که درقرن نوزدهم روسیه تزاری و انگلیس دورقیب نیرومندی بودند که درایران بایکدیگر دست وپنجه نرم میکردند واقدامات این دو دولت استعماری صدمات ولطمات زیادی بکشور ما وارد آورد .

منظور عمده روسیه دسترسی بدریای آزاد وهدف انگلیس ممانعت از انجام این مقصود بود . روسیه میخواست خودرا بخلیج فارس برساند تاهندوستان را موردتهدید قرار دهد وانگلیس‌ها میکوشیدند تا این نقشه جامه عمل نپوشد

هروقت انگلیسها امتیازی درایران بدست میآوردند روسها تمام‌هم‌خودرا مصروف آن‌میکردند که یا آن‌امتیازرا برهم‌زنند یا امتیازی‌مشابه آن برای‌خود تحصیل نمایند. توسعه نفوذو بسط اقتدار روسیه درایران بیشتر ازهنگام واقعه رژی‌وتحریم تنباکو بود که ناصرالدین شاه وامین‌السلطان متمایل بسیاست روسها شدند وپس‌از آن در دوره سلطنت مظفرالدین شاه باگرفتن وامهای سنگین و تغییر تعرفه گمرکی این تمایل دولت ایران بحد اعلی رسید .

سرپرسی سایکس در کتاب (تاریخ ایران) مینویسد

«در دوره‌ای که دراین‌فصل ازآن بحث‌می‌شود رقابت بین‌انگلستان‌و روسیه از هر موقع دیگر شدیدتر شده است .

هردودولت برای حفظ منافع مورد نظر خود زیرکانه بایکدیگر مبارزه مینمودند و بالنتیجه احتراز از اصطکاك منافع بدون‌تنظیم یك‌موافقت قبلی‌غیرممکن گردیده بود .

ایرانیها بمن‌می‌گفتند که واقعه‌رژی ضربه شدیدی به‌حیثیت معنوی انگلستان وارد کرد پس‌از آن‌دریافت دوقرضه ازطرف ایران بود که هردوبوسیله روسیه‌تهیه شده بود ولی ضربه واقعی موضوع تعرفه‌های جدید گمرکی بود .

این ضربات در موقعی واردشد که انگلستان گرفتار جنگهای افریقای جنوبی شده ودر نتیجه قادر باتخاذ یك‌خط مشی‌محکم نبود .»

والنتین چیرول انگلیسی در کتاب خود بنام (موضوع خاور میانه یا بعضی مسائل سیاسی دفاع هند) راجع بتوسعه نفوذ روسهادر دوره مظفرالدینشاه مینویسد

«قدمهائی که در این‌مدت روسها در ایران بمرور برداشته اند در نتیجه شاه ودرباریان او کاملامتمایل بروسها شده‌اند .

روسها در بحر خزر و در تمام سرحدات شمالی ایران از تبریز تا مشهد در طرف شرق ایران تسلط نظامی پیدا کرده‌اند .

در پایتخت وایالات بوسیله بریگاد قزاق تنهاقشون منظم‌ایران هرطورکه اراده کنند دخالت مینمایند و حقوق قزاقخانه رانیز تأمین کرده‌اند ومرتب میرسانند شاه سلطنت‌خودرا مرهون‌سعی‌وکوشش جنرال کوزاکوسکی (فرمانده بریگاد قزاق) میداند که بدون داشتن مدعی‌توانست بتاج‌وتخت ایران برسد وهمان نیروئی که اورا به سلطنت رسانید همان نیروهم می‌تواند دست‌اورا ازسلطنت کوتاه کند .

بریگاد قزاق فقط ازصاحب منصب‌خود اطاعت‌میکند که‌جیره ومواجب آنها را مرتب پرداخت‌مینماید.

اعزام قزاق بولایات وایالات بعنوان حفظ حکام‌این است که برای روسها وسیله تبلیغ باشد وهم برای روسها جاسوسی کنند .

امروز روسها درایران به‌نیروی شمشیر نیروی‌طلا راهم ضمیمه کرده‌اند شاه‌جیره‌خوار آنهاست چون شاه درمخارج خیلی افراط میکند وبهرشکل خوش‌گذرانی وعیاشی عادت کرده است وزراء اوهم نه‌تنها جلوگیری‌نمی کنند بلکه آنها هم‌بنفع خودشان بساین‌اسراف و افراط کاری بی ملاحظه کمك مینمایند و خود برای شاه جاکشی‌میکنند .

البته در این‌صورت شاه بدولتی متمایل میشود که‌آن دولت احتیاجات مالی‌اورا رفع کند وحتی یکبارهم از او سئوال نکند این‌همه پول درکجا مصرف میشود .

دولت امپراطوری روس باپولهائیکه دراین‌چند ساله‌اخیر بدولت ایران‌قرض داده تمام اختیارات حکومت ایران را بدست آورده‌است .

بانك استقراضی را که شعبه‌ای از وزارت مالیه روسیه و یك موسسه نیرومندی است در طهران ایجاد کرده‌اند .

دولت امپراطوری روس بدون‌اینکه مااطلاع پیدا کنیم قرارداد گمرکی جدیدی‌بنفع تجارت خودباایران منعقد نموده وبرای قرضه‌ای که بایران داده وثیقه معتبری‌در اختیار خودگرفته است‌تایکروزی ایران ورشکست بشودوبه‌آرامی یابوسیله زوراین وثیقه راتصاحب کند .

این وثیقه امروز توسط مستشاران بلژیکی رسماداره میشود ولی باطنا مثل‌اینکه دردست خودشان است وبدون تردید در راس آنها وزارت مالیه دولت امپراطوری روس قراردارد .

ملت ایران خطرات آینده کشور خودرا هیچ تمیز نمی دهد دلیل هم این است که آنها سر پرست و رئیس ندارند .

در هرحال ایرانی‌ها امروز درك میکنند که وسائل‌سابق که بوسیله آنهاپس‌از لبریز شدن کاسه صبر وتحملشان بدان ها متوسل شده میتوانستند ازسوء سیاست وحکومت پادشاه یك‌سلسله جلو گیری کنند اکنون با

داشتن یك پشتیبان نیرومند مانند دولت امپراطوری روس که جداً از آن حمایت میکنند آن وسائل موثر نیست .

از طرف دیگر علائم زیادی آشکار است که بعضی ازآن اشخاصی که از اوضاع فعلی ناراضی هستند انتظار آنروز رادارند که شاه ووزرای او نوبتشان سرآید وروسیه آنهارا برکنار کند وخود زمام امورحکومت مملکت رابدست گیرد . همین‌وضع امروزه در قسمت بختیاری ودر نواحی‌دوردست کشور شاهنشاهی برقراراست وقرامین اوندرتاً بدون منازعه بمرحله اجراء در می‌آید .

پشتیبان اعمال حکومت طهران که برای مرکزیت ایران فعالیت می‌کند دست‌نیرومندروسیه‌است‌بااین دست ممکن‌است مدارا کرد یاکنارآمد ولی نمی توان مقاومت نمود .

ملخص کلام دولت امپراطوری روس نتایج سیاست ماهرانه خود راکه با مطالعه دقیق طرح‌ریزی‌شده‌و با پشت‌کار وجدیت تعقیب گشته‌وبادست مامورین عالی‌رتبه تعلیم‌یافته که مخصوصا دارای معلومات کامل ازحیث زبان و عادات مردمان آن مملکت هستند اجراءشده برمیدارد .

در این‌جا بالطبع این‌سئوال پیش می‌آید ـ در این‌صورت اگر ایران امروز کاملا در چنگال روسها گرفتاراست پس‌دلیل چیست که آنرا تصاحب نمیکنند جواب این‌سئوال بسیارآسان است برای کسانیکه سیاست دولت روس رادر شرق مطالعه کرده‌اند می‌دانند که روسها یك‌همسایه ضعیف و ورشکست شرقی را بیك کشور ضمیمه شده ترجیح می‌دهند .

دولت روس باین نکته سری‌آگاهست که حکومت یك مملکت شرقی بدست صاحبان اسمی آنهابهتر اداره می‌شود بشرطی‌که آن مملکت ضعیف ، فاسد ووظیفه خواروسیه باشد این‌خود یك‌تدبیری است توأم‌باحفظ ظاهر ورعایت معاهدات وقراردادهای موجوده ـ این‌عمل هیچ مخالفتی هم بااصل حفظ «وضع فعلی» ندارد سایر دول نیز کمترحس‌مخالفت میکنند وخطربین‌المللی‌هم‌خفیف‌تراست.ودراینصورت زرگترین استفاده را خواهد برد با کمترین مسئولیت »

لرد کرزن‌هنگامی که فرمانفرمای هندوستان بود راجع به‌پیشرفت‌نفوذ روسها وعقب رفتن سیاست انگلیس در ایران در تاریخ ماه‌مه ۱۹۰۱ نامه‌ای بعنوان لرد لنزدئون (۱) وزیر امور خارجه انگلستان فرستاده ودرآن چنین مینویسد .

« در ماه سپتامبر ۱۸۹۹ که بشما گزارش دادم آن ایام اوضاع خیلی بد بود و امروز بمراتب بدتر شده است .

در مدت بیست وپنجسال گذشته حیثیت واعتبار ونفوذ دولت انگلیس درایران هیچ وقت‌باین درجه‌پست نشده بود امروز شاه برضدماست چونکه خزانه داری‌دولت انگلیس نظر بخودپسندی وایرادهای بیجا پیشنهادقرضه ایران رارد کرد درصورتیکه شاه مایل‌بود این‌قرض درلندن مورد موافقت واقع‌شود ولی‌مورد قبول قرار نگرفت و گذاشتیم شاه خودرا به‌آغوش روس‌ها بیندازد .

چرا وبچه دلیل‌دولت انگلیس این‌رویه راپیش‌گرفت من‌تابحال نتوانسته‌ام دلیل‌آنرا بدانم حتی در سال ۱۹۰۰هم که شاه ایران مایل‌بود بلندن‌بیاید برای‌آن‌هم درلندن موانع ایجاد گردید .

صدراعظم ایران امین‌السلطان نیز برضدماست دلیل‌آن‌هم اینستکه در هنگامی که او در تبعید بود میانست باو بی‌اعتنائی کردیم وگذاشتیم روسها اورا دومرتبه بصدارت برسانند . حال تمام‌دوستان و طرفداران ما از تهران تبعیدشده‌اند وهریك ازآن‌ها بنام‌حاکم در شهرهای دوردست بسرمی‌برند بانك روس در طهران بسرعت از بانك شاهنشاهی جلوافتاده قونسولگری های روس درتمام‌شهرهای تاسیس شده وبعده نفرات قزاق‌ایران که درتحت فرماندهی صاحبمنصبان روس است زیاد افزوده گردیده و پیشقراولان آنها فعلا باصفهان رسیده‌اند و عنقریب عده‌ای ازآنها رادرشیراز ، محمره وبوشهر خواهیم دید .

Lord Lansdowne

ماپیش خودتصور می‌کنیم بدولت ایران غدغن کرده‌ایم درجنوب ایران بدون صوابدید ما دست‌بساختن راه آهن نزنند امامهندسین دولت روس درتمام کشور ایران برای طرح ریزی و مساحی راهها درگردش وآمدورفت هستند بدون اینکه کسی متعرض آن بشود یاجلوگیری کند .

عده زیادی ازاتباع دولت انگلیس در جنوب‌ایران متضرر شده‌اند وبمنافع آن‌ها زیان‌وارد گشته است ما نمی‌توانیم دولت ایران راوادارایم این ضررها راجبران کند اکنون کشتی‌های تجارتی روس که ازطرف آن‌دولت مساعدت مالی به‌آنها می‌شود راه خودشان را بخلیج فارس باز کرده‌اند .

این تجارت مصنوعی که روسها درخلیج فارس بکار انداخته‌اند دردنبال‌آن ادعاهای حقوق سیاسی مصنوعی بیشتری ایجاد خواهدنمود . حکومت هندوستان آنچه که می‌توانست دراین‌باب انجام‌داده است ضمنا باید بگویم من‌اطلاع ندارم وزارت امورخارجه انگلستان درباب‌این مسائل چه اقدامی کرده است‌آنچه که‌من می‌دانم‌هیچ ماهنوز از این مرحله‌دور هستیم که یك‌سیاست مخصوص در این‌مسائل داشته باشیم —

حقیقت مطلب را بگویم در پنجاه‌سال اخیر ماهیچ سیاست صحیح‌نداشته‌ایم حال جسارت کرده‌آنچه را من فکر می‌کنم بایدانجام شود می‌گویم ومی‌توان آن‌رادر یك جمله‌بیان کنم — دولت انگلیس‌بایدتصمیم‌بگیرد تاکجاها اجازه‌خواهد دادکه روسها درجنوب ایران دست بتجاوز بزنند بدون‌اینکه دولت انگلیس مقاومت کند. لزومی ندارد که‌یك‌خط فرضی‌از وسط ایران ترسیم کند من‌بانهایت جدیت تاکید میکنم که سرفرصت . بطور عاقلانه ازروی‌بصیرت واطلاع باید یك‌سیاست بخصوص برای این‌مسائل اتخاذ کرد تادولت انگلیس در اجرای‌آن بکوشد و حکومت هندوستان از آن پیروی کند دولت ایران آن سیاست راصریح و روشن بداند وبفهمد .

دولت ایران هیچ نوع اطلاعی‌از مقاصدونظریات نهائی ماندارد که چیست چونکه خودماهم نداریم . امیدوارم شماآنچه راکه من‌باکمال راستی وصداقت نوشته‌ام سوء تعبیر نکنید البته واضح‌است شماتمام این‌ها را در یکروز ممکن نیست چاره سازی کنید من انهایت درجه‌آرزووجدیت ازشماتقاضادارم درزمان تصدی خوددروزارت خارجه که امیدوارم زمان‌طولانی باشد ونقین دارم‌سالها طول‌خواهد کشید مسئله ایران را ازنظر دور نکنید چون من مشاهده‌میکنم که مابیك واقعه‌ای مانند پرت‌آرتوروعقد معاهده‌ای شبیه عهد نامه‌منچوری سوق داده میشویم بطوری که نماینده رسمی دولت انگلیس درتهران برای من‌توضیح داده‌است در تمام مدتی که‌او در طهران‌مامورت داشته او خودرا مانند یك غریقی تصور می‌کرده که در یك گردابی گرفتار شده است.»

در سال ۱۳۱۷ هجری قمری که دولت ایران گرفتار مضیقه شدید مالی بود ومظفرالدین شاه برای رفتن باروپا دست گدائی بسوی دولتهای روس وانگلیس دراز کرده بود روزنامهای روسیه پیشنهاد میکردند که دولت تزاری باید از موقعیت استفاده نموده وبا دادن پولی بدولت ایران در سواحل خلیج فارس پایگاه جنگی ایجاد کند و چون انگلیس‌ها درآنموقع گرفتار جنك بوئرها در جنوب افریقا بودند و مجالی برای جلوگیری ازنفوذ روسها نداشتند این فکرروز بروز بیشتر قوت‌میگرفت چنانکه روزنامه روسی (برژویاویدومستی سنت پطرز بورغ) (۱) ناشر افکار وزیر امور خارجه روسیه تزاری در شماره مورخ ۱۲ نوامبر ۱۸۹۹ مینویسد .

« دولت‌روس بایدوقایع فعلی راغنیمت‌شمرده بندرعباس وچهارجزایر مجاورآن بندررا که عبارت ازهرمز ولارك وقشم‌وهنگام باشدتصرف نمایدوبرای انجام این‌مقصود بایدبندر وجزایرمذکوره رابموعد بیست‌وپنجساله‌مانند پرت‌آرتور که‌یکی ازبنادر چین‌است اجاره کندواز جانب دولت‌ایران برای‌انجام‌این‌مسئله‌هیچگونه اشکالی‌نخواهد بود زیراکه دولت‌ایران اکنون زیادمحتاج پول می‌باشد واگریك مبلغ کلی نقدا داده‌شود یابوجه معینی که سالانه پرداخته شود حصول این‌مقصود آسان خواهدبود اگرازموقع مساعد فعلی‌استفاده نکنیم انگلیسها بعداز جنك ترانسوال موضوع بنادر خلیج فارس رامطرح خواهند کرد .

(1) Birzheviya Viedomosti

تاحال دولت انگلیس مامورین سیاسی دربندر عباس ولنگه نداشت و کارهای خودرا توسط مامورین بومی انجام می‌دادند ولی اکنون مذاکره‌ای درمیان است که آنها را بمامورین انگلیسی مبدل نمایند .

روزنامه های انگلیسی اظهار می دارند که فرمانفرمای هندوستان باید فورا جزایر هرمز و قشم را تصرف کنند .

بندر عباس وجزایر آنرا بسهولت می‌توان مبدل بقلعه جنگی نمود درصورتی که راه‌آهنی از دریای خزرتا بندرعباس داشته باشیم که درصورت لزوم قشون روس به‌آن قلاع حمل شود. مخارج راه‌آهن رشت تا بندرعباس بیش از هشتادوشش کرور تومان نخواهد بود و نظر بترقی واهمیت فوق‌العاده تجارتی این راه مبلغ مذکور گزاف نیست...»

روسها باوجود تمام کوششی که برای این منظور بکار بردند موفق بانجام آن نشدند وانگلیس‌ها بعداز جنگ افریقای جنوبی بتحکیم وضع خود در جنوب ایران پرداختند و بالفور (۱) نخست وزیر انگلستان درماه‌مه سال ۱۹۰۳ راجع باهمیت خلیج فارس برای بریتانیا اعلامیه‌ای بشرح زیر صادر نمود وتاسیس پایگاه دریائی رادر آن نواحی بزرگترین تجاوز نسبت بمنافع انگلیس شمرد .

«دولت پادشاهی انگلستان تاسیس پایگاه دریائی رادر سواحل خلیج فارس یك اقدام خصمانه و بزرگترین تجاوزی خواهد شناخت که نسبت بمنافع دولت انگلستان شده است و از این تجاوز بانمام وسایل خود که در اختیار دارد جلوگیری خواهد نمود »

ودر پائیز همانسال لرد کرزن باجلال وشکوهی هرچه تمامتر بایك کشتی جنگی انگلیسی بخلیج فارس مسافرت کرد و بانشان دادن قدرت نیروی دریائی انگلستان شیوخ آن نقاط رامرعوب ومجذوب نمود .

رقابت انگلستان وروسیه درایران تاسال ۱۹۰۷ بشدیدترین وجهی ادامه یافت ودر این تاریخ طرفین ایران را بموجب قراردادی بدومنطقه نفوذ تقسیم کردند و چنانکه می دانیم طولی نکشید که بواسطه جنگ بین‌الملل اول و بعد انقلاب کبیر روسیه این قرار داد و سایر قرار داد های اسارت آمیزی که دولتهای تزاری بایران تحمیل نموده بودند از بین رفت .

در پایان این قسمت نیز مانند بخش دوم بی مناسبت نیست که ترجمه دو مقاله از روزنامهای انگلستان وروسیه درآنموقع راجع برقابت این دو دولت استعماری رابرای نمونه ومزید اطلاع خوانندگان نقل نمایم .

چنانکه دراول این کتاب توضیح داده شد ترجمه مقالات روزنامهائی که در این اوراق نقل میشود ترجمه‌هائی است که نمایندگان ایران در ممالك اروپا درهمانموقع تهیه کرده و بطهران برای وزارت امور خارجه فرستاده اند با همان عباراتی که آنها ترجمه نموده‌اند مگر در بعضی موارد که مختصر تغییری در عبارات آن داده‌ام بدون آنکه معنی آن عوض شود .

روزنامه انگلیسی تایمز (TheTIMES) چاپ لندن در شماره مورخ سوم دسامبر ۱۹۰۲ مینویسد .

1- Balfour

«امروز مقاله‌چهاردهم از مقالات مفیده خبر نگار خودمان راجع بایران در این روزنامه بطبع آمده.

قرائت قسمتی ازاخبارات خبرنگار ماحاکی ازپست شدن مقام ما درایران‌وفوت فرصت های با قیمتی که محض ضعف خاطرازدست دادیم برای انگلستان وطن‌پرست دولت‌خواه دردناك خواهد بود ازچهل‌سال‌قبل‌ببعد که ایران در عالم پلتیك آسیااهمیتی بهمرسانده ازنفوذات مابتدریج کاسته‌شده در غالب نقاط ایران نابود گشته و آنچه بعلت تکاهل‌و بی‌بصیرتی ماباختیم دیگری در پیروی دائمی بفقرات وصایای پطر کبیر که متجاوز ازصدو پنجاه سال است گفته‌بدست آورده (عین فقرات این‌است) (تعجیل کنید درزوال ایران داخل شوید بخلیج ایران وتجارت قدیم‌بالوانت رابرقرار نمائید وبرسید بهندوستان که‌خزینه عالم‌است)

روسها درپیروی این‌وصیت وتحصیل مقصود چقدرساعی‌اندوپیش رفته‌اند وچطور در این اواخربتعجیل‌پیش میروند ازاخبارات خبرنگار ما مبرهن‌است دیرمعلوم است که بیانات خبرنگار ما(از پیشر فتهای رقیب بزرك ما در نقاطی از ایران که‌ما ازدست دادیم)

از شایبه‌غرض و مرض دور است وقتی باقدامات مفیده صحیحه روس در ایالتی که بتحت قدرت آورده معترف است واز پیش بینی وعزم‌راسخی که روسها درتحصیل این‌مقام بکاربرده‌اند تمجیدات مینماید تمام شمال ایران امروز درقریب چنگال روس است

وحال مناسب‌نمی‌بیند که‌چنگال برطعمه خود فروبرد همین که وقتش رسید طعمه بیچاره وار در پیشش افتاده است سربازخانهاومعسکرهای‌روس‌در اطراف ایران آماده‌است راه آهن‌هم‌سرتاسر ایران برای حمل عساکر ساخته ودر خودایران هم راه‌مهیا کرده که عساکرش بطرف پایتخت یورش‌برند و مراقبت هم‌بعمل آورده که فقط لشکر ایران که‌قزاق است درتحت صاحب‌منصب روس‌باشد .

روس که در علم‌بنیان کنی وبرانداختن دول‌نیمه تربیت شده کهنه استاد است درتحصیل مقصود فقط بزور اتکال ندارد بل‌در کشیدن قدرت اسیر خود تمهیدات مالی‌وتجارتی وپلتیکی همه‌را بکار میبرد

روسیه چنانکه تمام‌اروپا میدانند بهیچوجه مملکتی متمول نیست باوجود این دلیری کرده متقبل‌قرض دادن بایران شد ومامحض اینکه شنیدیم رهنی که ایران میدهد چندان محل‌اطمینان نیست خو مانراپس کشیدیم وحال روس ثمراقدام خود رامی‌برد وبانك استقراضی روس درایران همان سبك را پیش گرفته که بانك (روس وچین) درپکین دارد .

وزیر مالیه روس‌هم که در امور نهایت سختی را دارد نسبت بایران اظهار سخاوت مینماید وباکی هم ندارد زیرا که در موقع اضطرار لشکرروس پشت اوایستاده‌اند ودراین بین هم وزارت مالیه در تحصیل صرفه و عوض پولهائی که میدهد مراقب است

مظفرالدین‌شاه در اتلاف پولها بهرطوری که میخواهد مورد خوش‌آمد روس‌اند هرقدرلاابالی تر وزودتر پولهاراهباوهد رسازند برای روس بهتراست زیرا هرقدر بیشتر قرضشان می دهند بیشتر بدامشان می آرند و منظورانشارا مجری‌میسازند در مسئله تجارت قرار ملاحظه که‌در حق روسها داده‌شده مختصر نیست در مسئله استقراض‌هم‌ایران‌رااز همه‌دول بریده‌وبخود محتاج کرده حال‌شنیده‌ایم مدت‌عدم‌استقراض ازدول دیگر را الی ۱۹۱۲ امتداد داده ودور نیست در استقراض دیگر مدت رابیشتر نماید وشکی هم‌نیست که بروس که فقط قرض دهاست توسل خواهند جست‌زیرا که ازقراری که به‌ثبوت رسیده شعف‌زندگی بابول قرض درماده شاه هم همان اثر بی اختیاری وخرابی را دارد که در ماده سلاطین دیگر مشرق که‌تازه بااوضاع عالم تمدن‌آشنا میشوند

عمل‌مالیات راهم شنیده‌ام به‌بلجیکیها می دهند بی شك آنها خودشان را در مسئله مالیه وسیله‌انجام منظورات روس‌خواهند ساخت چنانکه در مسئله گمرکات کرده‌اند ودر جنوب وشمال اسباب خسارت و شکست تجارت انگلیس رافراهم می‌آرند .

قرانتین هم که قایدش قونسول روس است و معاضدش قزاق روس حیله و مکری است در راه این مقصود .

نویسندگان روس آشکارا وصول روس را بخلیج‌عین نیل بمقصود میدانند و درخرابی دولت شاه‌ووصول بجنوب ایران‌عین وصول بمقصودرا که هندباشد می‌بینند درانگلستان هم‌بعضی‌خلیج رابروس هدیه میکنند وبرخی دیگر آلمان را بحمایت آنجادعوت مینمایند ولی‌ما باهیچیك ازاین‌عقایدسهیم و شریك نیستم عقیده راسخ مااین است که قدرتی راکه در جنوب ایران صدسال‌است تنهاتحصیل کرده‌ایم بهرقسم که باشد بی شراکت غیر باید تگهداری‌نمائیم اقداماتی که در خلیج ایران کرده‌ایم وامنیت وآسایش که درآن صفحات در این مدت فراهم آورده‌ایم حقی بمامی‌دهد که دخل وتصرف دیگران در آن حق مورث خطر بزرك برای هندوستان و استرالیای ماخواهد بود .

خبر نگار ما مارا تحذیر کرده که حیلی که در شمال ایران‌در بیرون کردن مابکار برده‌اند در جنوب هم بعمل خواهد آمد غیر از اینکه سخت بایستیم و مانع ازپیش آمدن غیر شویم هیچ اقدام دیگری فایده‌مند نیست .

بهرحال مابایدعقیده وپلتیکی راکه لردکرزن بورن سال گذشته درباب خلیج ایران درپارلمنت گفت‌به زبان سخت‌تر وآشکارتر بگوئیم وآن پولتیك را بهمه کسانی که دخیل‌اند آشکارا سازیم اگرچه در اجرای آن محتاج بسوق کشتی‌ها جنگی بشویم .»

روزنامه روسی نویه وریمیا (عصرجدید) چاپ پطرزبورغ درشماره ۹٦۲۷مورخ ۲۱ دسامبر (روسی) ۱۹۰۲ (۳شوال۱۳۲۰ هجری‌قمری) مینویسد

« خلیج فارس — رای آنکه بیشتر پولتیك‌انگلیسها در ایران وخلیج فارس بکسانیکه دراین مسئله مدخلیت دارند توضیح شود روزنامه تیمس میگوید که الازم‌است این پولتیك را بواسطه حرکت سفاین نظامی مستحکم نمود سفاین‌نظامی باید مدلل کندکه دولت انگلیس ابدا خیال ندارد قدمی از پیشرفت مقاصد خود بکاهد)

اوضاع‌و امور ایران‌بواسطه همجواری قفقاز و آسیای وسطای ما باآن مملکت باعلی درجه‌مد خلیت مربوطه دارد علی الخصوص که روابط تجارتی وپولتیکی ما با این دولت قدیم واقعه در شرق نزدیك وقتی شروع شده‌است که انگلیسها هنوز گرفتار خیالات خود درباب هند بودندو کشتی های جنگی وتجارتی انگلیس میتوان گفت درحالت جنین بود .

بی‌فایده نبود اگر روزنامه تیمس قبل ازاینکه ازحرکت کشتی های انگلیس حرف بزند قدری توجه والتفات باهمیت بستگی تاریخی وارتباط و آمیزش قرون میکرد. کشتی‌های روس هم منجمد و میخکوب در یك نقطه نیستند ودرصورت لزوم میتوانند شجاعانه کار خودرا کنند .

جشن بیست و پنجساله عبور قشون روس از کوه‌های بالکان که چندی قبل منعقد گردید وکذلك جشن جنك جنرال سکو بلوف درمرو وکوك تپه که درحدود افغانستان بفاصله کمی ازهند واقع شده میتوانند بخاطر انگلیسها بیاورند حرکت قشون روس را درسخت ترین اوضاع واحوال بطرف هندوستان ـ حرکت سفاین نظامی وتوانای بری در بدو مذاکرات ممکن نیست ولی مقصود روزنامه تیمس که میخواهد بواسطه حرکت سفاین حربی مذاکرات راجعه بامور ایران سهل. آسان شود البته حاصل میشود درصورتیکه فصول جراید لندن‌موافق خیالات سیاسیون ووزراء انگلیس باشدما دراین‌مسئله که عقاید روزنامه تیمس موافق خیالات سیاسیون انگلیس است شك داریم زیراکه این تصورات وعقاید مطبوعات خود پسندانه‌انگلیس‌ها درباب خلیج فارس سالم ومنطقی نیست این نوع مطبوعات حتی راضی نمیشوند که دولت انگلیس نظارت خودرا در آبهای جنوب ایران باروسها تقسیم نماید دولت انگلیس در بلوچستان مشغول ساختن راه آهن بی منفعتی است بطرف حدود ایران البته انگلیسها این قدر نابینا نیستند که ندانند عنقریب لازم خواهد شد که این باراه آهن روسیه بتوسط راههای افغانستان وبابواسطه طرق ایران متصل گردد

ازاین قرار زود یادیر روسیه وانگلستان درآسیای وسطی تلاقی خواهند کرد بنا براین چرا در خلیج فارس هم ردیف یکدیگر نه ایستند هرچه بیشتر نقاط تلاقی مابین آنها باشد کمتر خود پسندیهای فوق العاده تیمس درمسائل مهمه مشرق ازدیك که بیشتر بروسیه مدخلیت دارد ظاهر خواهد شد.

بعضی ازروزنامه‌های انگلیس‌را عقیده آن‌است که دولت انگلیس بعضی گذشت‌های خیر خواهانه درخلیج فارس بدولت روس بنماید ولی تنها ازگذشت نمیشود حرف زد بلکه لازم‌است که منافع طرفین مقایسه شود و دایره نفوذ دولتین درآسیای وسطی درقطعاتیکه نباید فقط بانگلیسها اختصاص داشته باشد بامصالحه قسمت شود یااین است که انگلیس مصمم شده است همیشه پیروی دولت آلمان را نموده همه نوع مسائل را بچشم آلمانی نظاره کند . »

این شرح مختصری‌است ازروابط ایران وروسیه در قرن‌نوزدهم ونظریات دولت تزاری دراین کشور وبعداز این بشرح امتیازاتی که‌دولت‌روسیه برای توسعه‌نفوذوپیشرفت مقاصد سیاسی وتجاری خوددر ایران بدست آورده بود میپردازم .

در این‌بخش ابتدا درباره اجازاتی که درنیمه‌اول قرن‌نوزدهم برای‌ورود کشتی‌های جنگی روس بمرداب انزلی وتاسیس‌بیمارستان وتجارتخانه در سواحل بحرخزر داده‌شده و در حقیقت باید آنها را یکنوع امتیاز بمعنای مورد نظر آن در این کتاب دانست اشاره میکنم .

این اجازات وفرامین که بدرخواست وپافشاری مامورین تزاری و بواسطه بی اطلاعی رجال‌این کشور ببهانه های مختلف مثل ازدیاد روابط دوستی و نزدیکی دولتین ایران وروس وتسهیل امورتجارت طرفین صادرشده مدتها اسباب زحمت و درد سر دولت ایران را فراهم ساخته بود وبمامورین روسیه فرصت‌بیشتری برای دخالت درامورمملکت ایران میداد .

بعداز آن بتاریخچه اجاره‌داری شیلات توسط اتباع روس و چگونگی جریان روابط یکصدساله ومکاتبات‌مربوطه بآن که بین‌ایران وروس مبادله‌شده اشاره‌خواهم‌نمود وسپس بایجاد قزاقخانه وبعد بشرح امتیازاتی که روسها پس از آزادی کشتیرانی در رود کارون وبهم‌خوردن موازنه سیاسی بین‌روس وانگلیس بدست آوردند میپردازم وراجع‌به امتیازات تاسیس راه‌آهن که‌بروسها داده شده همانطور که در بخش دوم گفته شد با امتیازاتی که انگلیس‌ها وسایردول درایران تحصیل نموده‌اند دریك بخش جداگانه ودر جلد دوم شرح خواهم داد .

۲

مرداب انزلی و تاسیس

تجارتخانه و بیمارستان در سواحل بحر خزر

دعاوی روسها در نیمه‌اول قرن نوزدهم

سواحل جنوبی بحرخزر از نقاطی بود که‌دولت تزاری روسیه سالهای متمادی بدان‌چشم دوخته وگاه وبیگاه بدانجا دست اندازی میکرد.

چنانکه در اوایل قاجاریه‌از آقامحمدخان اجازه گرفتند در نزدیکی شهر استراباد «دارالمعامله» (تجارتخانه) بنا کنند ولی بجای «دارالمعامله» قلعه جنگی محکمی ساختند وهیجده ارابه توپ درآنجانصب کردند وبالاخره آقا محمد خان که متوجه میشود روسهااورا فریب داده‌اند شب هنگام صاحبمنصبان روس را بشام دعوت مینماید وپس‌ازپذیرائی دستورمی‌دهد روسها را زنجیر کرده وباتهدید بقتل ازآنها میخواهد که‌فورا قلعه جنگی راخراب کنند وسپس باهمان‌حال چشم هایشان را بسته و در کرجی‌های مخصوص نشانیده وبدریا رهاشان میسازد.

در دوره فتحعلی‌شاه پس‌از جنگهای ایران وروس بموجب فصل‌پنجم عهدنامه ترکمانچای «به تبعه روس درایران اذن‌داده میشود که برای‌سکنی و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت هم‌اجاره نمایند وهم بملکیت تحصیل کنند ومتعلقان دولت ایران بآن خانه‌هاوانبارهاومکانها عنفا وغصباداخل نمیتوانند شد.» ونیز بموجب فصل هشتم دولت ایران ازداشتن کشتی جنگی دردریای خزر محروم‌میگردد وبحرخزر منحصر بکشتی‌های جنگی روس میشود وفقط کشتی‌های آن‌دولت میتوانست آزادانه در این‌دریا بسیروگشت مشغول باشند.

بعداز فتحعلی‌شاه دردوره سلطنت محمدشاه‌روسها برای‌ازدیادنفوذ خود در سواحل بحرخزر مسائل تازه‌ای بمیان کشیده ودراین زمینه برای‌بدست‌آوردن پایگاههای نظامی بدولت ایران فشار میآورند ازجمله ازدولت ایران‌میخواهند که بروسها اجازه داده‌شود در ساحل استراباد بیمارستانی برای‌نیروی دریائی‌روس وممالجه‌ملوانان وتجارتخانه‌جهت کار تجار روسی بسازند و نیز بکشتی های جنگی روس اجازه داده شود که بمرداب انزلی آمده در آنجا لنگراندازند و همچنین شیلات و صید ماهی دربحرخزر باتباع‌روس باجاره واگذار گردد.

☆ ☆ ☆

الف ـ اجازه ورود کشتی‌های جنگی روس بمرداب انزلی

گفتیم بموجب فصل هشتم عهد نامه ترکمانچای دریای خزر منحصر بکشتی های روسیه شد و کلیه کشتیهای آن دولت میتوانست آزادانه در بحر خزر بسیر و گشت بپردازند.

در زمان محمد شاه بعداز آنکه روسها ببهانه تنبیه دزدان‌دریائی و جلوگیری از شرارت ترکمانان جزایر عاشوراده را اشغال و آنرا بیکی از پایگاههای دریائی خود مبدل ساختند در سال ۱۲۶۲ هجری قمری از محمدشاه تقاضا کردند که فرمانی مبنی بر اجازه ورود کشتی های جنگی روسیه بمرداب انزلی و لنگر انداختن در کنار سواحل آن صادر نماید.

محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی(۱) ابتدا زیربار این تکلیف نمی رفتند و بروسها

۱ـ حاجی‌میرزاعباس‌مشهوربحاجی میرزاآقاسی ابن میرزا مسلم ایروانی صدر اعظم محمدشاه‌است.

حاجی میرزا آقاسی در جوانی برای تحصیل بعتبات رفت وپس از بازگشت به آذربایجان عباس میرزا نایب‌السلطنه اورا برای‌معلمی فرزند خود محمدمیرزا(محمد شاه) انتخاب نمود.

در مدتی که محمدشاه سمت‌شاگردی حاجی میرزا آقاسی راداشت باقیافه حق‌بجانب و عوامفریبی که این «معلم» زیرک‌داشت توانست شاگرد ساده‌لوح‌را کاملامجذوب ومفتون خودکند و تاپایان عمر رابطه مریدی ومرادی بین این‌دونفر برقرار بودوهروقت عارضه‌ای بمحمدشاه دست میداد ازمراد ومرشد خودیعنی حاجی‌میرزا آقاسی‌میخواست که اورادعاکند وسلامتی‌او را ازخداوند مسئلت‌نماید.

«محمدشاه بعدازکشتن‌میرزا ابوالقاسم‌قائم‌مقام‌فراهانی‌حاجی‌میرزاآقاسی رابجای اوبرکرسی‌صدارت مینشاند. درصدرالتواریخ مینویسد.

«در آخرصفر ۱۲۵۱ هجری‌قمری وزارت حاجی‌میرزا آقاسی اعلام‌شدواز سال ۱۲۵۲ شروع بکار صدارت کردو تاربیع آخرسال ۱۲۶۴ بوزارت مشغول بود وسیزده سال باینکار پرداخت وبیک‌قاعده چهارده سال باین اعزاز قرین امتیاز بود.»

حاجی میرزا آقاسی همیشه‌مقام خودرا مافوق صدارت‌ووزارت میدانست ورجال دربار ودولت ونمایندگان خارجی در مکاتبات خوداورا «شخص اول‌ایران» میخواندند ومحمدشاه در نامه‌های خویش او را «جناب حاجی» خطاب میکرد.

حاجی میرزا آقاسی که آخوندی خرافاتی وبی‌اطلاع ازامور سیاست بود در دوران صدارت خودمرتکب اشتباهات زیادی‌شد.

بعداز مرگ محمدشاه (ششماه شوال ۱۲۶۴ هجری قمری) مدتی از ترس مردم در حضرت عبدالعظیم متحصن شد وچنانکه درصدرالتواریخ مینویسد.

«وزیر مختار روس وانگلیس بحمایت‌او کلمات زیادگفتند وتهدیدات کردند وآخرجواب صواب‌شنیدند وعاجز ماندند.»

وبالاخره در ذیحجه۱۲۶۴ هجری‌قمری باواجازه دادندکه به عتبات عالیات برود ودر ۱۲ رمضان سال ۱۲۶۵ درآنجا درگذشت.

جواب رد میدادند

کنیازدالکورکی وزیرمختار روس که‌از فعالیت‌های خود نتیجه نمیگیردجریان‌را بیطرز بورغ گزارش میدهد و کنت نسلرود صدراعظم و وزیر امور خارجه روسیه نامه مفصلی بشرح ذیل برای‌حاجی میرزا آقاسی مینویسد .

حاج میرزاآقاسی

« جناب جلالت ونبالت نصابا کفایت وکفالت انتسابا ابهت و فخامت اکتسابا محبان‌نوازادوستا مشفقامکرما محترما معظما

جناب کنیازدالغا روکی وزیرمختار دولت بهیه‌روسیه مقیم دار الخلافه طهران بدوستدار مکالماتی که با جناب سامی و اعلیحضرت شهریاری داشته در خصوص موانع غیرمتوقع که از جانب دولت علیه‌ایران که کشتی‌های آتشی ما بمرداب انزلیچی داخل نشوند بظهور رسیده معروض داشت عرایض مفصله راکه جناب وزیر مختار مادر این باب نوشته بود بلادرنك دوستدار بخاکپای مبارك اعلیحضرت امپراطور اعظم معروض داشت ومضامین آنها موجب حیرت ملالت انگیز اعلیحضرت‌امپراطوری گردید. بعد از حمایت عالی همت که دولت بهیه‌روسیه درمدت چندین ساله بدولت علیه‌ایران نموده است واین‌همه‌دلایل آشکارای دوستی اعلیحضرت امپراطور اعظم نسبت باعلیحضرت پادشاه ایران آیادولت بهیه‌روسیه می‌توانست منتظراین‌باشد که‌از جانب‌دولت‌علیه ایران اینگونه‌رفتار مخالف بروابط دوستی ازقبیل قدغن صریح که کشتی‌های آتشی مابه‌آبهای انزلی‌آمد ورفت نمایند بظهور برسد آن‌جناب استحضار دارند که عهدنامه مبارکه ترکمانچائی بسفاین حربیه و بکشتی‌های‌تجارتی روسیه حق نامحدود وسیرآزادی‌درجمیع آبهای بحرخزر می‌دهد ازین‌حق عام استثنای مخصوص که بمرداب انزلی‌دخل داشته باشد در عهدنامه مذکوره مندرج‌نشده است‌چون اینگونه استثنای مخصوص قرارداده نشده‌بناء علیه‌موافق‌مضمون‌حقیقی عهدنامه مذکوره سفاین روس آشکارا حق‌ثابت دارند که داخل مرداب مذکورشوند مثل‌همه خلیجهای بحرخزر

برهمزدن حقوق خودرا ازهرکه بوده‌باشد دولت بقیه روسیه ابدانخواهدگذاشت وهرگز رخصت نخواهد دادودر هیچوقت متحمل نخواهدشد .

بالفرض که‌قانون صریح درباب سیرآزادی کشتیها قرارداده نمی‌شد آنوقت‌هم سیر موافق‌قواعد عام که درمدت چندین صد سال‌شرافت‌پذیرفته‌شده‌است ومتداول‌است‌واز جانب‌جمیع‌ملل وطوایف مشهور معروف‌متفق‌الرای مقبول است سفاین‌حربیه نه‌تنها مرخص هستندکه بدون ممانعت داخل‌بندرات دول‌متحابه شوند حتی‌محل‌احترام وامتیازات مخصوص‌میشوندوعندالضروره ازجانب کارگذاران مملکت دوست ازهرنوع اعانت وکمك بهره ورومتاز می‌باشند این‌قانون شریف‌بمرتبه قایم‌وقطعی است که استثنای بسیار کم جایز می باشد که مبنی و مقرون بـز قرارداد های مخصوص که درینباب منعقد می شود و بس مثلا در باب اینکه سفاین حربیه بداردانل و با سفار داخل شوندفیمابین دولت علیه عثمانی ودول‌یوروپ‌ها شرط مخصوص علاحده (کذا) قطعی داده‌شده است سئوال میشود که آیا ضرورمی بودکـه در این خصوص قرار علیحده داده شود اگـر اختیـار تنهای دولت علیه روم میتوانست کافی بوده باشدکه قدغن نمایندکه سفاین حربیه در درنبد های دریای درونی متعلق بدولت علیه روم داخل شوند بااستثنای در بندهای مزبور در جمیع سایربندرات دولت علیه‌عثمانی که‌بحکم‌حق‌الناس‌عام‌تعلق‌دارندنه تنهـا بعضی جداگانه سفاین حربیه بجمیع‌دولتها داخل‌میشوند بلکه‌سفاین متعدده داخل‌می‌شوند قدغن که‌موافق عهدنامه‌ها درباب در بندرهای مرمره دنکیز قرارداده شده است همین تعلق دارد بسفاین بزرك که لی‌بنافرقته می گویند ولی‌کشتی‌های حربی‌کوچك مرخص وماذون هستندکه در دربند های مذکوره آمدورفت نمایند درخود اسلامبول نزد سفارتهای روس وانگلیس وفرانسه همیشه سفاین جنگی که‌باهمه آلات حربیه آراسته‌اند حاضرو موجود می‌باشد درحق کشتی‌های آتشی قدغن دخول بدر بندهای دولت علیه روم‌هرگز مجری نبود. است باین‌طور کشتیهای بخار جنگی فرانسه درمدت چندین سال همیشه آمدورفت میانه اسلامبول وفرانسه می کنند در سال گذشته کشتی بزرك آتشی جنگی روسیه موسوم به سرابیا چهاردفعه در اسلامبول در دردنل وباسفاربیدق خود را زده بود کشتی‌های آتشی روس که باندازه وقوت چهارپنج مرتبه‌زیادتر میباشند ازکشتیهائی که‌از بحرخزر عبور دارند هرده‌روز بااهالی کشتی که بسفاین ماکه‌در قره دنکیز می‌باشند تعلق دارند از اودسه باسلامبول آمد و رفت می کنند .

چرا اینگونه واقعه رادر دول خارجه جستجونمائیم باوجود اینکه خوددر دولت علیه‌ایران اتفاق میافتد بکل‌عالم معلوم ومشخص‌است که سفاین حربیه دول مختلفه‌در هروقت بدون ممانعت داخل بحرالعجم می شوند و بابوشهر فرومی آیند ودر آنجا جناب غراف مدم‌وزیر مختارسابق ماکه به‌آنجناب خوب معروفست خودفرصت داشت که بکشتی‌جنکی انگلیس که درآنجا لنگر انداخته بودرفت ـ دوستار زیاد می‌داند که دلائل دیگرانظهار دارد از برای اثبات اینکه همین‌در حین‌برهم زدکی آشکار یاجنك هردولتی که بوده‌باشد می‌تواند قدغن‌نماید که سفاین حربیه به بندرات او داخل نشوند یا بپارهٔ از سواحل فرو نیایندکـه قبل‌از این موافق قاعده متداوله صورت محاصره بآنهـا بجهت حـالت جنك داده بـاشد در هرحال دیگـر قدغن دخول کشتی جنگی بـه بندر بیحرمتی و تعرض آشکار به بیدق آن دولتیکه کشتی تعلق بـاو دارد میدانند وجهت کافی از برای برهمزدگی میشمرند چنانچه برای اینگونه رفتار کماینبغی رضامندی داده نشده باشد چون دوستدار آن جناب را باینگونه مراتب مسطوره ملتفت ساخته آنجناب به‌آسانی اندازه‌حیرت مـارا درك خواهند نمود درحین وصول خبراز تدبیرات بیمثال اولیای دولت‌علیه ایران در باب کشتی‌های آتشی مایکار برده‌اند دوستدار باید که این‌گونه تدبیرات را همین بفساد قبیح مردمان بسیار بدخواه حمل کند که بمکالمات دروغ جرات نموده‌اند ـ آنجناب واعلیحضرت پادشاهی مارا باشتباه بیندازند .

تا بحال کشتی‌های جنگی مابدون ممانعتی داخل فرضات‌استراباد میشدندپس‌چه حق‌میتوانند قدغن‌نمایند که داخل مرداب انزلی نشوند اگرقبل از این کشتیهای بادی مابمرداب مذکوره آمدورفت نمی کردند جهت آن

فقط حالت خود آن کشتی‌ها بوده‌است چون در گودی آب‌فرو می‌نشستند نمی‌توانستند داخل مرداب شوند بجهت کم آبی دهنه آن مرداب بود این کیفیت را وقت ساختن کشتی های بخار ما منظور داشته‌اند اندازه ضروره به‌آنها داده شده است که بتوانند از دهنه مرداب عبور کنند وایستادن آن‌ها بیرون از مرداب در خود دریا به هیچوجه ممکن‌و مقدور نیست بجهت اینکه کشتی‌های آتشی بطغیان عناصر گرفتار میشدند و چون بهیچوجه‌از باد وامواج دریا محفوظ نشده میتوانند غرق شوند .

قطعا مراتب مسطوره ازنظر آن‌جناب دوست مشفق مکرم افتاده بود وقتیکه لنگرگاه ازبرای کشتیهای آتشی در خود بارگاه دریا مشخص نموده بودند یااینکه اخبارات بالمره دروغ‌آمیز در باب این مکانیت به آن جناب سامی داده‌اند توپها که در کشتی‌های بخارهستند نتوانستند بهیچوجه من‌الوجوه دلیل براین‌بشوند که دخول آنها بمرداب ندغن شود بجهت اینکه کشتی‌های تجارتی که در مرداب لنگرمیاندازند نیزتوپ دارند که آن‌ها ضرور وواجب‌دارند درحین سیر از سارقین‌بحری محفوظ نمایند .

آن جناب ازهمه‌کس بهترمی‌داند جسارت آن اشراررا واگردر سواحل گیلان ومازندران واستراباددر این اوقات بالاخره آه وناله وزاری ومایوس ساکت‌شده گریه واشك که نتیجه‌از چپاولهای جسور دائمی سارقین ترکمانیه وخرابی وخونریزی آن‌ها بوده است خشك شده واگر حالا در سواحل ایران کمال رفاه وآسایش می باشد اهالی آن‌جاباید این‌نعمت‌های‌بیکران رابه حمایت پرزور وجانفشانی بی‌نظیر اهالی سفاین دولت بهیه روسیه حمل نمایند که اعلیحضرت محمدشاه ایران از علوهمت اعلیحضرت امپراطور اعظم خواهش نموده است . چون دوستدار مراتب اخلاص آن‌جناب را که نسبت باعلیحضرت پادشاه ایران دارد میداند واز اعتباری که آن‌جناب بوصف شخص اول در مشورت امور متعلق بدولت علیه ایران دارند واقف‌است دوستدار بر خود قرار داده که کیفیت این امر رادر صورت حقیقت خود باصداقت تمام به‌آنجناب بیان واظهار نماید بمقتضای فراست و فطانت آن جناب البته معنی عهده تدبیرات مخله که در انزلی نسبت‌بکشتی‌های آتشی مابکار انداخته‌اندرفع‌خواهند فرمود و دوستدار دراین امید است که برطبق عرض آن جناب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی تعجیل خواهند فرمود که احکام لازمه بکار گذاران آنجا صادر فرمایند که کشتی‌های آتشی مابدون ممانعت داخل مرداب شوند زیرا که همین در آنجا کمی‌ها میتوانند محافظتی که از برای سلامتی آن‌ها ضرور است حاصل نمایند

اینگونه حکم بالمره مطابق خواهد بود بمراسم دوستی که اعلیحضرت پادشاهی مکرر باعلیحضرت ولی‌النعمی امپراطوری اظهار فرموده بودند وخللی که شایدبواسطه اشتباه بحقوق مارسیده‌است هموارخواهد کرد اینطور حقوقی‌را که اعلیحضرت امپراطور اعظم بهیچکس اذن‌نخواهد داداخلال نمایند وهرنوع که در محافظت آن حقوق‌میتواند اقتضا کند بدون‌مضایقه خواهد گذاشت .بملاحظه بیغرضانه حقیقت‌حال واقعی این‌امر اعلیحضرت پادشاهی البته متقاعد خواهند شد از فایده علانیه که بواسطه قرار داد آمد و شد سریع مترادف بمملکتین عاید خواهد شد .

این نوع مراوده تامرا حاصل‌نمیتوان کرد مگربواسطه عبورومرور کشتی‌های آتشی این‌اراده که اهالی مملکتین بهمدیگر تقرب جسته‌مرتبه اتحادزیاد حاصل نمایند و پیشرفت حمل تجارت آن‌ها بطریق سهولت و خاطرجمعی وخالی‌از موانعیکه بکشتی‌های بادی دردریا واقع‌میشود بوده‌باشد این مراتب مسطوره‌اولیای دولت‌بهیه روسیه رابرین داشت که بحسن‌سعی واهتمام قطع‌نظر ازمخارج کثیره ومشکلات این‌مرحله قرار بدهند که کشتیهای آتشی در بحرخزرآمد ورفت نمایند وباهالی ایران نیز مثل بارعایای روسیه‌بدون هیچ‌تفاوت فرصت داده شد که‌به مصارف خودبکار ببرند یعنی‌چه‌عوض امتنان از برای‌این نعمت‌تازه مادر ایران نه‌تنهاعدم اطمینان وبدخواهی حتی اخلال‌آشکار در حقوق‌ثابته خودمی بینیم‌نظربمحبت قلبی که دوستدار به‌آن‌دوست مشفق‌مکرم دارد باصرار متوقع است که جد وجهدفرموده حقیقت حال‌را متن واقع درنظر مبارك اقدس‌همایون شهریاری بجلوه ظهور در آورده فساد مردمان بدخواه راآشکار سازد .

بنحویکه درابتدا مذکور شد که عدم‌اذن‌دخول کشتی جنگی‌به‌بندر درحین‌صلح وصلاح درهمه‌جاهاتعرض آشکارا وعلانیه به‌بیدق‌آن دولت می‌دانند پس‌ازاین بعداز اظهار مراتب مشروحه اگربرخلاف مامول اولیای‌دولت

علیه‌ایران در نابینائی خود ازبرای موقوف کردن قدغن آمدوشد کشتی‌های آتشی باتزلی اهمال نمایند آن‌جناب به آسانی درك خواهند فرمود که وظیفه‌شریفه حفظ آبرو وننك وناموس ملتی‌چه نوع تکالیف رابگردن ماوارد می‌آورد وچطور جواب که نتایج‌آن میتواند ببخشد ودر عهده خود اولیای دولت‌ایران خواهد بود .

این شرح رابملت مضمون عمده‌خطیر اعلیحضرت ولی‌النعمی‌ام‌امپراطور اعظم باین‌بنده آستان‌معدلت‌ارکان خود فرمایش ملوکانه فرمودند که بصحابت فلدکر مخصوص نزدآن جناب ایفاد دارد باونیز حکم‌شده است که در آن‌جا منتظر شده ازآن‌جناب جواب بیاورد برآنجناب مخفی ومستور نماند که مضمون شرح جواب آنجناب تاثیر بلاواسطه برمراوده آینده فیمابین دودولت خواهدداشت و دوستدار امیدوار است‌آن جناب تعجیل خواهند فرمود که هرچه زودتر ممکن‌باشد مارا از اشتباه گران در آورند در خصوص تدبیراتی که اولیای دولت علیه ایران نسبت‌بدولت بهیه‌روسیه در این‌اوقات می خواهند بکار ببرند بعداز اظهار همه مراتب مشروحه به آن جناب آن چه باقی می ماند آنست که اعتقاد واقعی خود را در احترامی که نسبت به آن جناب مشفق مکرم دارد تکرار وبیان نماید .

شانسلیه دولت بهیه روسیه ـ دردارالسلطنه پطربورق بتاریخ ۳شهر سپطمبر سنه ۱۸٤٦ عیسوی مطابق
غراف نسلرود شهرشوال المکرم ۱۲٦۲ هجری

وبطوری که ملاحظه می‌شود دولت‌روسیه دولت‌ایران را تهدید میکند که بموجب معاهده ترکمانچای برای‌خود درکلیه نقاط‌بحرخزر حق آزادی عمل را قائل بوده و می میگوید اگرتاکنون کشتی‌های روس بمرداب انزلی نیامده‌اند بواسطه نقص ساختمانی آنها بوده که نمی توانسته‌اند بیایند و اکنون که این نقص مرتفع و ساختمان‌آنها کامل شده باید بمرداب انزلی آمده درآنجا لنگراندازند و نیز این امر را از لحاظ‌بشردوستی لازم دانسته وامنیت سواحل ایران رابواسطه عملیات کشتیهای جنگی روسیه میداند — بالاخره حاجی میرزاآقاسی پس از مطالعه نامه‌فوق درذی‌لقعده ۱۲٦۲ جواب‌ذیل‌رابرای کنت‌نسلرود میفرستد .

«مراسله آمیخته بمهروقهر که جسب‌الامر قدر قدرت اعلیحضرت قضاشوکت امپراطور اعظم بدوستدار نکارش ومصحوب ملاکر (فرستاده) مخصوص ارسال‌داشته بودند بتوسط جناب جلالت ونبالت‌نصاب زبده السفراء المسیحیه محبان استظهاری پرنس دولغاروکی وزیرمختار آن دولت بهیه‌واصل شد و مسطوراتش‌را از فاتحه الی خاتمه بنظر تحقیق وتدقیق ملاحظه و مطالعه‌کرده استحضارکامل حاصل نموده وفورا مراتب راعرضه حضور مهر ظهور اعلیحضرت قدرقدرت قضاشوکت شاهنشاه ولی‌نعمت‌خود روحنافداه داشته کمال تحیروتعجب را از مضامین و مسطورات مراسله آن جناب حاصل نمودند وفرمودند این‌معنی برهمه‌اهل عالم‌هویدا وظاهر است که ماتاچه‌مرتبه اهتمام در حفظ شروط عهدنامه مبارکه ترکمانچای داریم و انتظار امر دولت و رفاهیت رعیت و مملکت خود را در التیام‌و اتفاق دولت بزرك همجوار خود میدانیم و دوستی اعلیحضرت امپرا طور اعظم را بسیار باقدر وگرانبها می شماریم وراضی وراغب هستیم که بقدر ذره‌از حکم عهد نامه مقرره تخلف و انحراف نشود امادر باب دخول کشتی‌های جنگی‌آتشی‌آن دولت بمرداب انزلی که فیمابین دولت‌علیه وجناب پرنس دولغاروکی وزیر مختارآن دولت بهیه گفتگو درمیان است. وازاینکه اولیای دولت علیه‌اذن دخول به‌آن‌ها نداده اند آن‌جناب این معنی‌را حمل به‌بیحرمتی وتعرض آشکار به‌بیدق‌آن‌دولت بهیه کرده‌اند وجهتی کافی‌برای برهمزدگی شمرده‌اند فرمودند اگر در امور دایره بین‌الدولتین گفتگوئی فیمابین اولیای حضرتین باشد نبایداین معنی‌راحمل‌به‌بیحرمتی‌نمایند و باعث برهمزدگی بشمارند چنانچه آن‌جناب مضمون فقره‌عهدنامه را باینطور تاویل کرده‌اند که مرداب انزلی داخل‌بحرخزر است وچون برای‌سیرسفاین حربیه‌آن دولت‌بهیه حدی نگذاشته‌اند حق دارند داخل مرداب مزبور شوند اولیای‌دولت علیه‌را سخن‌این‌است که بحرخزر نامیده شده‌است نه‌مرداب انزلی ومضمون فصل‌هشتم عهد نامه این‌است که سفاین حربیه‌آن دولت بهیه‌حق دارند کمافی‌السابق در بحر خزرسیرنمایند بطور وضوح معلوم است که

مرداب راخارج ازبحر خزر داشته‌اند بازمضایقه نداریم عهدنامه رابمیان گذاریم اگرحق باماست اولیای آن دولت بهیه‌را چه‌حرف واگر حق‌با امنای آن‌شوکت بهیه‌است، ماراچه سخن‌واینکه مرقوم‌داشته بودندآن دولت بهیه‌باید حفظ آبرو وننك وناموس ملتی‌خودرا فرموده‌ماهم باید رعایت این‌فقره را نمائیم چنان‌چه مکرر نوشتیم و گفتیم باوصف‌اینکه جناب غراف مدم کاغذ دولتی داده‌است سفاین‌حربیه آن‌دولت دربحرخزر تردد دارند نه‌توقف وداخل بجزایرمتعلقه باین‌دولت علیه نخواهد شد سفاین حربیه‌آن دولت بهیهٔ بدون اذن واسترضای این دولت علیه در قلتق استراباد وعاشوراده لنگراقامت انداخته‌اند وجزیره مزبوره‌را متصرف شده‌اند جاومکان ساخته یا چرا کار گذاران آن‌دولت بهیه تجار تبعه این‌دولت علیه‌را منع‌از بیع وشرای امتعه محصوله ایران می‌نمایند واموال‌آن‌ها را ضبط می‌کنند و علاوه‌از وجه‌گمرك بچندین صیغه‌از آن‌ها پول می‌گیرد وتعدیات که تفصیل‌آن‌مأیه اطناب است اینکه مرقوم داشته‌اند توبهائی که در کشتی‌آتشی هستند نتوانستند بهیچوجه من‌الوجوه دلیل‌براین شوند که دخول آن‌ها بمرداب قدغن‌شود بجهته‌اینکه کشتی‌تجارتی که درمرداب لنگرمیاندازد نیزتوپ دارند که‌آن‌ها ضرور وواجب دارند درحین‌سیراز سارقین بحری‌محفوظ بماند می‌فرمایند اگراین عده معمول‌است که کشتی‌های تجارتی آن‌دولت بهیهٔ حق‌تساوی دارند منع‌ازآلات حربیهٔ وداشتن از توپ مینمایند .

ودیگر آن جناب مرقوم داشتهٔ اگردر سواحل گیلان ومازندران واستراباد دراین‌اوقات آمونالهٔ وزاری ومایوس ساکت شده‌وگر به‌اشك اهالی‌آن‌جاکه ازچپاول سارقین وخرابی وخونریزی ترکمانیه خشك‌شده ودر سواحل ایران کمال رفاهیت میباشد باید این نعمت های بیکران‌را بحمایت پر زور و جانفشانی بی نظیر اهالی سفاین دولت بحریه روسیه حمل نمایند میفرمایند بعد ازآنکه ترکمانیه اهالی سفاین دولت بهیه روسیه‌رادرآن فرضه مقتدر وحکمران ومسوط الید دیدند وبلیط مروروعبور به آنها دادند وبیکلر بیگی استراباد را بی‌رجوع ومسلوب الاختیار شناخته بطوری جسارت ورزیدند وپای طغیان وعصیان‌راپیش گذاشته وچندین دفعه برسربیکلر بیگیان استراباد هجوم‌آوردند که‌اولیای دولت قاهره را لابد کرده‌اندبمخارج کثیره که‌لشگرکشی وخونریزیهانمایند وآنهارا تنبیه وتأدیب کنند کجااهالی‌فرضات از شرارت ترکمانیه آسوده مانده اند از اینهاگذشته مکرر اولیای دولت علیه بقوای آندولت بهیه اظهارکردند ونوشتند که بسیار اتفاق میافتد که دولتی ازحقوق خود بپاس دوستی دولت دوست خود میگذرد چنانچه دولت علیه ازحقوق خود که در باب مهاجرت داشتند واین فقره هم‌وعده‌عهدنامه مقرر بود نظر بدوستی آندولت بهیه گذاشتند و سالدانهائیکه فرارا باین دولت علیه آمدند وپناه جسته بودند رد کردند خواهش داریم که معاملت ومراودت باستراباد‌را که برای این دولت علیه ضرر فاحش دارد موقوف دارند قبول نکردند ومارا بخسارت وزحمت زیاد انداختند دیگر نوشته بودند که دخول سفاین حربیه آندولت بهیه درحالت صلح درهیچ بندری وخلیجی ومردابی ازدول متحابه ممنوع نیست ومثال ندارد مثل بغاز اسلامبول زده بودند که کشتی‌های جنگی آن دولت بهیه ودولت های دیگر داخل میشود جواب فرمودند درصورتیکه همچنین باشد آنها حکم علیحده دارند زیراکه اولا آن دولت ممنوع از داشتن کشتی خود درآن بندر وخلیج(هستند) نیستند ثانیا بنادر خودرا چنان بقلاع محکمه وتوپخانه مستحکم کرده که بتواند دروقت ضرورت خودرا محفوظ بدارند هیچیك ازاین دو فقره برای دولت علیه مقدور ومیسر نیامده است برای رعایت حزم مملکت داری حفظ حقوق خود را لازم میشمارم دیگر مرقوم‌داشته بودند چرا سفاین حربیه دول مختلفه درهروقت بدون ممانعت داخل‌بحرالعجم میشوند وبه بندرابوشهر فرود می‌آیند ودرآنجا غراف مدم وزیرمختار سابق آن دولت بهیه کشتی جنگی دولت بهیه انگلیس‌را دیده که لنگر انداخته‌است فرمودند اولا لنگرگاه بندرابوشهر تاخشکی قریب دو فرسخ مسافت دارد وهرگزممکن نیست هیچ کشتی‌جنگی نزدیك بخشکی بیاید مگرقایق وبطیل‌وبکارهای کوچك

ثانیا این دولت علیه ممنوع از داشتن سفاین حربیه درآن بحر نیستند وهیچ دولتی درآن بحر شرکت ندارند وپیوسته درفکر داشتن چند فروند کشتی جنگی درآن بحر هستند وحاضر خواهند کرد در وقت ضرورت ومحافظت بنادر وجزایر خود را نمایند

ثالثاً آمدن سفاین حربیه دول مختلفه بان بحر بسیار بندرت اتفاق میافتد واگر آنها نیز بخلیج یا مردابی وخشکی نزدیك شدند البته ممنوع خواهد شد رابعاً اولیای دولت علیه مدتهااست درفکر استحکام قلعه بندرابوشهر افتاده‌اند وآنجا را چنان کرده‌اند که تواند دروقت ضرورت خودرا محافظت نمایند خلاصه فرموده‌اند

اگر مرداب انزلی‌را موافق عهدنامه مقرره داخل بجزیره میدانند دیگر چه اذنی و کاغذی ازما میخواهند ؟ و اگر نیست چرا اذن بدهیم یاعهد تازه ببندیم زانکه ما تجربت بسی کردیم درباب تصرف جزیره عشوراده وغیره امتحان‌نمودیم ؛

فرمایشات‌اعلیحضرت‌قدرقدرت قضاشوکت‌شاهنشاهی‌صان‌الله‌شوکته‌عن‌التناهی‌ازقرارتفصیلی‌بود که‌به‌آنجناب ابلاغ‌نمودا گر باین فرمایشات‌اکتفانمیشودپس‌ازآن‌جناب‌توقع‌دوستانه‌مینماید که زحمت کشیده ازجانب‌سنی‌الجوانب امپراطوری‌حکم‌برای‌جناب زیرمختاروحکام‌عرض‌راه‌صادرنمایند که‌بلیط‌جواز‌بدونمتدار که خبرخواه دولتین‌ودعاگوی حضرتین است بدهند که خود به پطرزبورغ آمده غرلاط بوسی حضور همایون اعلیحضرت امپراطوری حاصل کرده باآنجناب دوست مشفق مکرم نیز درمجلس ملاقات کرده آنچه در خبایای ضمیر دوستی وتخمیرمکنون است بعرصه شهود درآورده وبعد ازحصول ملاقات بحسن اهتمام یکدیگر باز دید روابط اتحاد واتفاق دولتین علیتین پرداخته معاودت نماید زحمت کشیده جوابی‌مرقوم‌دارند که دوستدار تکلیف خودرا بداند . اما پیش ازآنکه نعمت مواصلت دست دهد وباآنجناب ملاقات نماید بطور دوستی اظهار میدارد وازآنجناب سئوال مینماید که آیا دولت بهیه روسیه مرداب پطرزبورغ راداخل‌بحر بالتیك میشمارند وحق دارند که کشتی های جنگی دول‌متحابه از کرن اشتاد داخل آن مرداب شوند که اولیای دولت علیه اذن بدهند کشتی‌های جنگی آن دولت بهیه نیز داخل مرداب انزلی شوند پس چه توقعی‌است که‌از این دولت علیه دارند.

مع‌ذالك‌المراتب دوستدار که دولتخواه‌ارادت‌کیش دولتین است‌به‌آن‌دوست مکرم‌محترم اظهار میدارد که آنچه حقیقت وراستی‌است اعلیحضرت قدرقدرت پادشاهی ابدالله عیشه وابد جیشه کمال اطمینان و خاطر جمعی بدوستی واتصاف بزرگانه اعلیحضرت قدرقدرت امپر امپراطوری دارند وتشکیك وتردیدی درمراتب اتحاد دوستی اعلیحضرت امپراطوری‌ندارند ودرانجام خواهشهای آن‌دولت بهیچوجه مضایقتی نمی‌فرمایند ولی‌چندی است که‌از کارگذاران آن دولت‌بهیه پایهٔ حرکات صادروناشی میشود که‌مخالفت صریح‌عهدنامه مبارکه دارد و اولیای این دولت علیه‌رادر توهم وتوحش‌انداخته‌اند که‌البته آن حرکات بعرض حضور اعلیحضرت امپراطوری نرسیده است ازجمله چندسال قبل ازین‌اولیای ایندولت علیه‌از امنای‌آن‌شوکت عظمیه‌فخمیه خواهش کردند که چون دولت علیه‌دربحرخزر نمی‌خواهند کشتی جنگی‌نگاهدارندبرای چندوقتی‌دوفروند کشتی‌جنگی بدولت علیه بدهند که با قشون خود اشرار ترکمانیه رعیت‌خود راکه ازخشکی بدریا فرار مینمایند تنبیه کنند کارگذاران آن‌دولت‌بهیه همین رادست‌آویز کرده چندفروند کشتی بعشوراده که ملك‌الیمین دولت‌علیه‌ومحل گمرکخانه قدیم‌بوده آورده ودر آن‌جا لنگراقامت‌انداخته دست‌تصرف مالکانه دراز کرده در آنجا بیمارخانه وحمام وباغچه وبیوتات بنانهادند وتوپ ودیگرآلات حرب درآنجا گذارده سهل‌است رعایای‌تبعه این‌دولت علیه‌رادر آنجاراه ندادند ودیگرقونسول‌هائیکه برای‌امرتجارت وحمایت‌دولت بهیه خوبولایات ایران‌مامور وتعیین نموده‌اند بخصوص درگیلان چنان‌دست تطاول‌وتعدی را دراز وآمر وناهی آن‌ولایت شده‌است که حاکم رابهیچوجه‌تسلطی‌نیست لطف‌وعنف هم‌بدست‌اوست بهرکس از تبعه‌دولت علیه می‌خواهد بلیط رعیتی‌میدهد ودر تحت‌حمایت خود نگاهمیدارد بهرکه میخواهد تنبیه وتعزیر میکند این‌اسبابهائی است که باعث‌وحشت وسوءظن‌اولیای دولت قاهره‌شده است وآمدن سفاین حربیه به مرداب راهم‌بنوع تسلطی برای رفتارآینده آن قونسول میشمارند علم‌الله تعالی که این دوست صادق‌الولاء آن چه گفته ونوشته است خیردولتین وصلاح حضرتین راخواسته است ومیخواهد وهیچ وقتی منظوری جزازدیادا‌تحاد شوکتین فخیمتین نداشته‌ونداردا گر آن جناب بحسن‌انصاف در مقام رفع‌اسباب توحش اولیای این‌دولت علیه‌بر آیند و با دوستدار شرکت نمایند انشاءالله گفتگوئی و گله فیمابین دولتین بهیتین باقی نخواهد ماند باقی ایام جلالت مستدام باد

تحریرا فی‌شهرذی‌قعده سنه ۱۲۶۲

بطوری که دیده میشود بااینکه حاجی میرزا آقاسی نامه کنت‌نسلرود رابتفصیل جواب میدهد ودلایل‌اورا رد میکند در پایان آن‌مینویسد «..... مع ذلك‌المراتب . ... اعلیحضرت قدر قدرت . .... . در انجام خواهشهای آن دولت بهیه بهیچوجه

مضایقتی نمیفرمایند .....»

در دنباله‌این مکاتبه دالکورکی وزیر مختار روسیه بپافشاری خود میافزاید و جدا از حاجی میرزا آقاسی میخواهد که فرمان اجازه ورود کشتیهای روس بمرداب انزلی صادر شود .

سر انجام حاجی میرزا آقاسی تسلیم میگردد ولی قبلا ضمن نامه ای به دالکورکی مینویسد .

«دوستدار قدغن کرد موافق خواهش آن‌جناب ملفوفه‌فرمان نوشتندلکن‌اعلیحضرت قدر قدرت ..... شاهنشاهی ..... از دوستدارسئوال فرمودند که معلوم‌است هروقت کشتی جنگی آن‌دولت بهیه بمرداب انزلی میآید یکفروندبیشتر نخواهد بود .

..... حال در این باب جوابی مرقوم دارید که مراتب عرضه حضور اقدس همایون پادشاهی داشته فرمان همایون راصادر کرده نزد آنجناب ارسال دارد .»

وزیر مختار روسیه از قبول این‌تعهد که هر دفعه فقط یك کشتی بمرداب انزلی بیاید امتناع میکند و درنامه‌ای مینویسد این‌امر از«دستورالعمل دوستدار خارج‌است.»

حاجی میرزاآقاسی که از رفتاروزیرمختارروسیه دراین موردعصبانی میشود ضمن جواب مینویسد .

« رقعه آن‌جناب واصل ومضمونش‌رابعرض اعلیحضرت پادشاهی رسانید فرمودند»
« اگر منظور این‌است که‌دولت‌های خارج بدانند مااحترام ازدوست بهیه‌روسیه‌بعمل»
« آورده‌ایم که قبول کردن یك‌فروند کشتی جنگی آن‌دولت بهیه‌درآمدن بمرداب»
« انزلی کافی‌است وزیاده ازیك‌فروندآمدن بآنجا لزومی‌ندارد واگر زیاده از یك»
« فروند بخواهند اذن بدهیم در حالت مصالحه و انعقاد دوستی درست‌نیست واگر»
«مقصود ازآمدن چهارپنج فروند کشتی‌جنگی‌بآنجا جنك‌است‌آنراهم بدانیم‌فرمایش»
« اقدس ملوکانه این‌بود که بآنجناب اعلام شد »

بالاخره در تاریخ ۲۶ماه ذی‌القعده ۱۲۶۲ هجری‌قمری‌دستوری بشرح ذیل‌بعنوان محمد امین‌خان بیگلربیگی گیلان و میرزا ابراهیم خان سردار انزلی نوشته میشود .

« عالیجاه مقرب‌الخاقان مخدومی محمدامین‌خان بیگلربیگی گیلان

« درینوقت اظهار میشود که هروقت کشتیهای جنگی آتشی‌دولت بهیه‌روسیه به»
« مرداب انزلی‌میآیدبهیچوجه من‌الوجوه مانع ومتعرض آنها نشوند و گذارند که»
«یاانزلی ومرداب‌آنجابیایند البته‌آن مخدوم از قراری که‌نوشته شده‌است معمول دارند.»
«فی۲۶ شهرذی‌قعدةالحرام۱۲۶۲ »

در ذیل نامه حاجی میرزا آقاسی باخط خودنوشته

« مقرب‌الخاقانا مخدوماهروقت کشتیهای‌جنگی آتشی دولت‌بهیه‌روسیه‌آنجا میآیند»
« کمال احترام به بیدق کشتیهای آندولت بهیه نمایند .»

بمضمون فوق نیزنامه‌ای بعنوان «عالیجاه میرزاابراهیم سردار انزلی» مینویسند

و باین ترتیب حاجی میرزا آقاسی اجازه میدهد که کشتیهای جنگی روس آزادانه بمرداب انزلی آمدورفت کنند .

میرزا آقاخان نوری از ورود کشتی های جنگی روس بمرداب انزلی ممانعت میکند

بعداز حاجی میرزا آقاسی میرزاتقی خان امیر کبیر با تدابیری مدتهااز ورود کشتیهای جنگی روس بمرداب انزلی جلوگیری میکرد وهروقت وزیر مختار روس در مقام اعتراض بر میآمد با خواهش و تمنی آن را بامروز وفردا میگذراند .

پس ازامیر کبیرمیرزا آقاخان نوری(۱) بصدارت ایران منصوب ومصمم میشوداجازه‌ای

۱ـ میرزا نصرالله خان معروف به میرزا آقا خان نوری فرزند میرزا اسداله خان نوری است ودر کتاب روضة الصفا اجداد اورا اینطور مینویسد

«از اولاد واحفاد خواجه بزرگوار مدنی مولد ابوالصلت عبدالسلام بن صالح الهروی مرید و محرم اسرار حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه التحیه والثناء وبدین وجه طایفه ایشانرا طایفه خواجه گویند »

اولاد ابوالصلت درمازندران وگیلان زندگی میکردند ومیرزا اسداله خان درزمان آقا محمد خان قاجار باستراباد رفت وبسمت لشکر نویس او انتخاب شد وبعدها دردوره سلطنت فتحعلی شاه «بوزارت عساکر منصوره ومعاملات تمامی سپاه اختصاص» یافت

میرزا آقا خان که کوچکترین فرزند میرزا اسداله خان بود در پشت هم اندازی و دسیسه بازی گوی سبقت ازهمگنان ربوده وبقول دکتر پلاك معلم اطریشی دارالفنون «یك مرد محیل ودسیسه بازیی بدلی بود»

وقتی فتحعلی شاه میرزا آقاخانرا در اوان جوانی بعنوان «نیابت وزارت عساکر» بمعاونت پدر (یعنی میرزا اسداله خان) انتخاب کرد میرزا آقا خان باپدر نیز بنای رقابت را گذارد وآنقدر کوشید تافتحعلی شاه پدر را معزول وبه حکومت نور وکجور وتنکابن فرستاد وپسررا بوزارت لشکر منصوب نمود .

دردوره محمد شاه نیز چندی این سمت را داشت ولی چون باحاجی میرزاآقاسی بنای رقابت را گذارد وعلیه او بتوطئه ودسیسه پرداخت حاجی میرزا آقاسی اورا بکاشان تبعید کرد.

میگویند علت تبعید میرزا آقا خان نوری بکاشان بواسطه آن بود که برای انگلیسها جاسوسی میکرد واخبار واسرار دولتی را به آنها میداد وحتی شبی اورا مشاهده میکنند که بالباس مبدل بسفارت انگلیس میرود

بعد از مرگ محمد شاه میرزا آقا خان از کاشان به تهران میآید و چون میرزا تقی خان امیر کبیر از دسیسه کاری وتوطئه چینی او باخبر بود تصمیم میگیرد که مجدداً اورا بکاشان عودت دهد ولی میرزا آقاخان مهد علیا مادر ناصر الدین شاه ووزیر مختار انگلیس را واسطه قرار میدهد ودر تهران میماند و چندی بعد نیز بلقب اعتمادالدوله ملقب میگردد .

میرزا فضل اله برادرمیرزا آقا خان درتذکره تاریخی وزیر نظام راجع به آمدن خودوبرادرش از کاشان بتهران وکمك انگلیسها به آنها اینطور مینویسد .

«..... چون بلای ناگهانی میرزا تقی خان فراهانی که ازجانب حضرت اقدس شاهنشاه روح العالمین فداه مصدر امور جمهور خلایق بود بارای کج وطریقه لج درفکر جان ودور نمودن ما بندگان ازخانمان بود ـ لابد دولت انگلیس را ازآن شر المرید که فعال مایرید بود مکمن انس واستیناس خود نموده باحالت تاه پناه بردیم وازلوح خاطر خودنقش عافیت سترديم .....»

بالاخره میرزا آقاخان وسائل عزل وقتل میرزا تقی خان امیر کبیررا فراهم میسازد ودرمحرم ۱۲۶۸ هجری قمری خود بجای او بر کرسی صدارت ایران قرار میگیرد.

هنگامی که ناصر الدین شاه میخواست فرمان صدارت میرزا آقا خان را تحت تأثیر وسفارش سفارت انگلیس ومهد علیا مادر خود صادر کند چون باو کاملا اعتماد واطمینان نداشت و بعلاوه معروف بود که میرزا

بقیه در حاشیه صفه بعد

را که روسها قبلا برای ورود کشتیهای خود به مرداب انزلی بدست آورده بودند برهم بزنند ونگذارد جهازات جنگی روس بمرداب وارد شوند .

بدین منظور بعیسی خان حاکم گیلان دستور میدهد که از ورود کشتیهای جنگی روسیه بمرداب ممانعت نماید و خود باوزیر مختار روس وارد مذاکره میگردد .

میرزا آقاخان دلایل جلوگیری از ورود کشتیهای جنگی روس را بمرداب انزلی در نامه‌ای که بتاریخ اول محرم ۱۲۶۹ هجری قمری بمیرزا محمدحسین صدر قزوینی عضدالملك وزیر مختار ایران مقیم پطرز بورغ مینویسد چنین شرح میدهد .

« در باب کشتی جنگی و تجارتی که روسها باصرار میخواهند بمرداب انزلی »
« داخل کنند وهنوز داخل نشده است پیشتر شرحی بشما نوشتم وصورت سئوال وجواب مرحوم »
« حاجی میرزا آقاسی را باجناب غراف نسلرود پیش شما فرستادم نمیدانم رسید وجوابی »
« ننوشتید یا هیچ بشما نرسید باری مجدداً وزیر مختار کاغذی باصرار هرچه تمام تر نوشته »
« است ایستادگی غریبی دارد که باید داخل مرداب شود دولت ایران میگوید .»
« اولا مرداب داخل دریا نیست که موافق عهدنامه حق داشته باشد .
« ثانیا معمول این چندسال را باید رعایت کرد .
« ثالثا مرداب ممتد میشود تاداخل آبادی مملکت بااین حال آمدن کشتیهای روس »
« ظاهر است چه حالت بمردم این مملکت واهالی بلدو بیگانه وبومی خواهد داد شما »
« نمیدانم چه حرف زدید وچه شنیدید یا هیچ کاغذ بشما نرسید اگر بنای شما با جناب »
« سیتاوین بطور دوستی واتحاد وخالی از محاجه است حالی نمائید که آمدن کشتی »
« شما بمرداب انزلی از برای شما نفعی ندارد اما از برای ما از داخل وخارج که شما میدانید ضرر »
« کلی دارد بالفرض اگر حق ثابت دولت روس هم باشد که از شما توقع داریم »

بقیه از حاشیه صفحه قبل

آقا خان تحت حمایت سفارت انگلیس ووابسته به آنهاست تعهد نامه‌ای بشرح ذیل ازاو میگیرد .

« این چاکر قدیمی پدر بر پدر خانه زاد ونمك پرورده این آستان مبارك بوده محمد حسنخان مرحوم وآقا محمد شاه مرحوم وخاقان مغفور وشاه مرحوم مبرور خودم واجدادم بارث خدمت کرده‌ایم بصداقت ،رعیت ونوکر خانه زاد شاهنشاه روحی فداه هستم کسی را یارای تخلف ازاین حرف وگفتار نیست و اگر خدای نکرده از این فدوی قدیمی جان نثار خیانتی دولتی سر بزند مورد مواخذه شاهنشاه روحی فداه باشم لیکن استدعای این چاکر این است که اگر عرض شود تحقیق شود وبعد از اثبات عقوبت شود تحریراً فی محرم ۱۲۶۸ » درذیل آن مجدداً اضافه نموده .

« این بنده درگاه درزیر حمایت هیچ دولتی بجز در ظل حمایت شاهنشاه ایران خلدالله ملکه نیستم و امید الطاف ومرحمت ازاین آستان مروت نشان داشته ودارم » محل مهر در پشت صفحه «عبده آقا خان ابن اسداله» دوران صدارت این شخص تامحرم سال ۱۲۷۵ هجری قمری بطول انجامید .

میرزا آقا خان دراین مدت هفت سال ازلحاظ سیاست داخلی و خارجی کشور مرتکب اشتباهات جبران ناپذیری گردید وعده‌ای خیانت اورا درقضیه هرات وجنك بین ایران وانگلیس مسلم میدانند

میرزا آقا خان پس ازعزل مدتی بحال تبعید درسلطان آباد عراق ویزد واصفهان بسر میبرد وعاقبت در شب جمعه ۱۲ ماه شوال سال ۱۲۸۱ هجری در قم فوت میکند و جنازه‌اش را به نجف اشرف حمل و درآنجا بخاك می سپارند .

« پایی نشوید .....»

هنگامیکه مامورین ایران از ورود تمام کشتیهای روس بمرداب انزلی جلوگیری میکنند. وزیر مختار روسیه نامه اعتراضیه ذیل را بمیرزا آقاخان نوری مینویسد .

« نمره ۱۰- چهارم اکتوبر ۱۸۵۳ غره محرم ۱۲۶۹

« ازقرار شرحیکه بواضع این دستخط وزیرمختار اعلیحضرت ایمپراطوری ازجانب»
«قونسول دولت فخیمه روسیه مقیم رشت رسیده است وبنظر امنای دولت بهیه خواهد»
« رسید کارگذاران انزلی اعلام داشته اند که برطبق احکام دولت خودشان وموافق»
« دستورالعمل والی گیلان ایشان نمیتوانند گذارند که کشتی آتشی تجارتی روس»
« متعلق بتجار کمپانی مسکو که بارش مال التجاره است بآزادی داخل مرداب انزلی»
«شود بغیراز این از برای مزید حیرت سرحد داران بعالیجاه ایوانفسکی صاحب»
«اطلاع داده اند که به آنها رسما حکم شده است که بواسطه جمیع تدابیر امکان پذیر»
« در این باب ممانعت نمایند این با اکراه زیادی است که واضع این دستخط باید»
« بملاحظه عمده جناب میرزا آقاخان صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی در آورد این»
« گفتار تهدید آمیز مباشرین زیردست دولت ایران را چون واضع این دستخط»
« آرزوی صدیق دارد که درینباب فقط نتیجه خبطی مشاهده نماید وخود را بدون دلایل»
« کافیه ماذون نخواهد دانست باور کند که این نوع اعلام که باین طریق اقرب متعلق»
« است بمراسم خصومت آشکار نسبت بدولت بهیه روسیه هیچوقت توانست اظهار»
« اراده سنیه بوده باشد . واضع این دستخط زیاد متقاعد است از میلی که اولیای دولت»
« اعلیحضرت پادشاهی در هرفرصت خواهند داشت که رابطه حسن اتحاد وصلح فیمابین»
« مملکتین حفظ نمایند تا که این قسم احتمال رنجش آمیز را قبول نماید بنظر واضع»
« این دستخط میآید که اولیای دولت ایران بقدر کفاف از فصول عهد نامجات»
«مستحضرند وزیاد وظیفه خود میدانند که آنها را حفظ نمایند تا که اینگونه مقاوله»
« از جانب کارگذاران زیردست ایندولت خودشان متحمل شوند در کمال نادانی»
«خود مباشرین بلکه خبر ندارند که قطع نظر از عهدنامجات قدغنی که سفاین خواه عسکریه»
« خواه تجارتیه به بندر دولت دوست وهمسایه داخل نشود رنجش است عمده وتدبیری»
« است که فقط درحین جنك جایز میدانند وگذشته ازاین که این تدبیر نقض آشکار»
« عهد نامه مقرره است بلاواسطه خللی میرساند بحقی که فیمابین ملل مجری است»
«که طالب شیوه منوره خود که سیویلزاسیان مینامد میباشد مباشرین زیردست ایران»
« که اینطور انحراف از قواعدی که عموما معمول است جایز میدانند بلکه خبری»
«ندارند بنحوی که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی بواسطه اعلانات سابقه باید»
« اطلاع داشته باشند که دولت فخیمه روسیه درهیچوقت آنرا نخواهد گذارد ومتحمل»
« نخواهد شد خلاصه واضع این دستخط مطالبه مینماید که به اشخاصیکه جرئت نموده»
« اسم دولت خودشان رابکار بردند از برای این نوع مکالمه خصومت انگیز وغیر»
« موجه بوسعت اطلاعی داده شود واز وظایف خود و از ضرورت الزم که حسن»

« مراوده فیمابین دولتین را که بواسطه مراسم دوستی و همجواریت صلح آمیز »
« متحداند حفظ نمایند . »

میرزا آقاخان نوری در جواب نامه اعتراضیه سفارت روس نامه ذیل را نوشته و میگوید که بکارگذاران گیلان دستور داده که از ورود کشتیهای تجارتی بمرداب انزلی ممانعت ننمایند .

« جناب جلالت ونبالت نصابا کفالت و کفایت انتسابا محبان استظهارا »
« مشفقا مکرما
«کاغذ آن‌جناب مورخه غره شهرمحرم‌الحرام سنه۱۲۶۹رسیدقلمی داشته بودند»
« که سرحدداران‌انزلی اعلام‌بعالیجاه فطانت‌همراه موسیوایوانفسکی قونسول‌دولت»
« بهیه روسیه مقیم رشت نموده اند که نمیتوانند گذارند که کشتی تجارتی »
« تجارآن دولت بهیه بآزادی‌بمرداب‌انزلی داخل شود چون کشتی های تجارتی »
« آن دولت سابقاً بادی بود و کشتی آتشی تجارتی دربحر خزر تازه »
« ایجاد شده است اگر منعی کرده اند بگمان این بوده است که کشتی »
«مزبور ازکشتیهای جنگی است که‌چنانچه در مراسله مورخه ۲۵ شهر رمضان‌سنه»
« ۱۲۶۸ بآن‌جناب نگارش رفته‌است موافق عهدنامه حق‌آنها همین سیر در بحر »
«خزر است‌وبس‌حالا که آنجناب بالصراحه‌نوشته‌اند که‌کشتی مزبور تجارتی است»
«بکارگذاران‌گیلان اعلام خواهدشد که موافق قاعده متداوله که‌باکشتیهای‌تجارتی»
«آندولت رفتار میکنند بااین‌کشتی نیزعمل نمایند وچون کمی‌آتشی‌درین‌مدت آمده»
«ورفت در مرداب انزلی نداشته‌ودر نظر خلق آنصفحات تازگی دارد بجهت رفع»
« بعضی تصورات عوام کالانعام آنولایت توقع میرود که‌آن‌جناب قراری‌بدهند که»
«کشتی‌مزبورهردفعه که میآید بقدر ضرورت مکث‌نماید واسباب‌تماشا وبیکاری‌مردم»
« و باعث شهرتهای مرارت‌افزا نشود .
« چون لازم بود در مقام زحمت برآمد حررفی ۹شهر محرم سنه ۱۲۶۹ »

در نتیجه این‌مکاتبات میرزا آقاخان صدراعظم نامه ذیل‌را به «عالیجاه عیسی‌خان حاکم گیلان» و «عالیجاه میرزا محمدعلی منشی مهام خارجه گیلان » مینویسد و بآنها دستور میدهد که فقط کشتیهای تجارتی روس را اجازه ورود بمرداب انزلی بدهند و از ورود جهازات جنگی ممانعت نمایند .

« بعالیجاه عیسی‌خان حاکم گیلان
« مقرب‌الخاقانا محترما وزیرمختار روسیه‌درباب‌دخول کشتیهای‌آتشی آندولت»
« بمرداب انزلی مراسلهٔ بدوستدار نوشته وجواب رانزد میرزا محمدعلی انفاذ نمود»
« وباونوشت که بملاحظه آنمخدوم برساند اگرچه بعد از اطلاع بر مضامین آن »
« سئوال وجواب دستورالعمل‌خودرادربنباب‌خواهید دانست ولی‌از بابت غایت‌وضوح»
« بآنمخدوم زحمت میدهم که قدغن نمایند کشتیهای آتشی‌آندولت‌بهیه راکه خالی»
« از توپ جنگی وسرباز وادوات جنك‌باشد وکشتی تجارتی برآن صادق آید از»

« دخول وسیردر مرداب انزلی ممانعت ننمایند اما اگر کشتی آتشی جنگی آندولت»
« که سرباز وتوپ جنگی درآنست بخواهد داخل مرداب شود بگویند از برای ما»
« حکم و دستورالعمل از اولیای دولت است خلاصه اذنی که بآنها داده شده است همان »
« کشتیهای تجارتی روسیه است نه کشتیهای جنگی دولت مشارالیها و فرق میان »
« کشتیهای تجارتی وجنگی بودن توپ و سرباز است در آن که هر کدام توپ و »
« سرباز دارد جنگی است وهریك ندارد تجارتی است آنمخدوم اهتمام زیادی دراین»
« باب بعمل آورند که خدانکرده نقصی ووهنی حادث نشود .

«شهر محرم الحرام ۱۲۶۹»

«بعالیجاه میرزا محمدعلی منشی مهام خارجه گیلان

« عالیجاها مجدت همراها عزیزا

« فیمابین من وجناب وزیرمختاردز باب دخول کشتیهای تجارتی دولت بهیه روسیه»
«بمرداب انزلی سئوال وجوابی شد که سواد هردو را اینك ملفوف این نوشته از برای»
«استحضار آنعالیجاه فرستادم و بمقرب الخاقان مخدومی عیسی خان حاکم گیلان »
«مراتب را نوشتم آنعالیجاه مخدوم معزی الیه را از مضامین سوادها اطلاع بدهید چون»
« در جوابی که از جانب من بجناب معظم الیه نوشته شده است صریحا نگاشته نشده»
« است که کشتی های تجار دولت بهیه روسیه آیا ماذون است بمرداب داخل شود یانه»
« از برای عدم شبهه و رفع ابهام و ظهور بصیرت و بینائی آنعالیجاه مینویسم که »
« کشتیهای آندولت بهیه خواه بادی خواه بخاری ماذون است که در مرداب انزلی»
« گشت وگذار ورفت وآمد نماید اما شرطش این است که خالی از توپ جنگی و»
« ادوات و سرباز باشد هر گاه توپ و سرباز داشته باشند کشتی جنگی هستند و »
« کشتیهای جنگی را از دخول بمرداب مزبوره اذن داده نشده است آنعالیجاه »
« بسرحددار انزلی مراتب را حالی نماید ودقت کند امر تازه احداث نشود اگر بخواهند»
« کشتی دودی بادوات جنك داخل بمرداب نمایند جواب اینطور بگویند که ما از»
« جانب اولیای دولت خود ماموریم که ازدخول کشتیهای تجارتی دولت روسیه بمرداب»
« ممانعت ننمائیم چون این کشتیها توپ وسرباز دارد و کشتی جنگی است اذن نداریم»
« که بگذاریم داخل مرداب شود موقوف بحکم مجدد اولیای دولت علیه است »
« بانسانیت ومعقولیت رفتار نمائید که حرفی وسخنی از آن بیرون نیاید از مضامین»
« سئوال وجواب آنعالیجاه همین کیفیت را استنباط خواهد نمود که بغیر این اذنی»
« بکشتیهای دولت روسیه داده نشده است زیاده چه نویسم . سلخ محرم ۱۲۶۹»

بدین ترتیب قرار میشود فقط کشتی های تجارتی روس داخل مرداب انزلی بشوند واز ورود جهازات جنگی جلوگیری نمایند .

میرزا آقاخان نوری همیشه این اقدام را ازخدمات خود میشمرد چنانکه درجلددهم روضة الصفای ناصری ضمن کارهائی که در دوره صدارت میرزا آقا خان انجام شده مینویسد .

« دیگر آن که اهالی دولت روسیه خطی از حاجی میرزا آقاسی گرفته بودند که جهازات ایشان را بلنگرگاه انزلی جواز نزول باشد و چون مایه بعضی اختلال میشد جناب صدارت آن را موقوف داشته بر خط حاجی خط برزد .»

بعد از میرزا آقاخان نوری نیز همیشه از ورود کشتیهای جنگی بمرداب انزلی جلوگیری میشد و حتی اگر یك کشتی را که روسها تجارتی مینامیدندولی بنظر مامورین ایرانی جنگی میآمد از ورودآن‌هم بمرداب جلوگیری میکردند چنانکه حاج میرزا سعید خان وزیر امور خارجه در نامه‌ای بعنوان « میرزا صادق خان منشی مهام خارجه گیلان» بتاریخ سلخ جمادی‌الاخر سنه ۱۲۷۷ چنین مینویسد .

در خصوص کمی آتشی از خیالات کمپانی روس اطلاع وضمنا استفسار نموده بودید که کمی آتشی اذن دخول بمرداب دارد یا نه حقیقت این است که بتغییر وضع چنین کمی و اسم اورا تجارتی گذاشتن با اینکه خود آنعالیجاه نوشته است که یك چرخ زیر آب خواهد داشت که بکار جنك هم میآید نمیتوان اذن دخول بمرداب داد و اینطور کشتی ها جنگی محسوب خواهند شد فقط کشتی باد بانی را تجارتی میدانم و حق دخول بمرداب دارند کشتی آتشی شد وتوپ هم دارد دیگر ازجنگی بودن چه باقی خواهد داشت گفتن روسها که چنین کشتی تجارتی است دلیل نمیشود و البته آنعالیجاه مراقب باشد که کشتی آتشی ابداً داخل مرداب انزلی نشود لزومی هم ندارد وهرگاه ازآنطرف بمقام سئوال وجواب برآیند در مقابل بگوئید که ما همان جور کشتی را تجارتی میدانیم که متداول بوده وتا بحال داخل مرداب میشده است این وضع جدید را نمیشناسیم که تجارتی باشد و ماذون نیستیم که سوای جور کشتی‌های تجارتی سابق اجازه داخل شدن بمرداب بدهم این فقره درنظر مرحمت پایگاه همیون زیاد معتنا بهاست مبادا آن عالیجاه غفلت نماید واگردر آنجا نگذشت مراتب را عالیجاه قونسول بجناب وزیر مختار وشما باولیای دولت بنویسید تااز آنجا حکم صادرشود باقی والسلام .»

☆ ☆ ☆

ب ـ بنای تجارتخانه

قبلا گفتیم که روسها ازآقا محمد خان قاجار اجازه گرفتند در ساحل استراباد «دارالمعامله»ای بنا کنند ولی بجای آن بنام تجارتخانه مشغول ساختن قلعه جنگی شدند وبطور اختصار دیدیم که چگونه آقا محمد خان روسهارا ازسواحل ایران راند و نگذارد که درآنجا پایگاه نظامی بسازند .

بعد از معاهده ترکمانچای در زمان محمد شاه روسها بموجب فصل پنجم معاهده مزبور ازحاجی میرزا آقاسی درخواست مینمایند که اجازه داده شود دراستراباد و بندر جز کمپانی روسی محلی برای معاملات تجارتی وسکونت بازرگانان روس بسازد .

حاجی میرزا آقاسی که سابقه موضوع را در زمان آقا محمد خان میدانست و مخصوصا رفتار خشونت آمیز غراف مدم وزیر مختار روس را میدید می‌ترسید که ساختن انبار تجارتی بهانه باشد ودوباره ساختن قلعه جنگی تجدید شود.

ابتدا قضیه‌را بامروزوفردا میگذراند ولی بالاخره بواسطه پا فشاری وزیرمختار

روس موافقت مینماید که انباری برای مال‌التجاره اتباع روس در استراباد بسازند ولی قبلا ازوزیر مختار روس میخواهد که تعهد کند این بنا فقط اختصاص بتجارتخانه خواهد داشت وهرگزه انبار مهمات جنگی و آلات حرب نخواهد شد وزیر مختار روس نیز درماه صفر ۱۲۵۸ این تعهدنامه‌را بشرح زیر بعنوان‌حاجی میرزاآقاسی‌مینویسد .

« جناب مجدت وجلالت نصابا فخامت ومناعت‌اکتسابا محبان‌اوازا دوستدن استظهاراً مشفقاً معظما مکرما بجهه.رفع اشتباه وپارهٔ تصورات آزخواهش تجار روس درساختن انباری بکنار بندر استراباد برای مال‌التجاره خود که از مملکت‌روس می‌آورند چنانکه گفتگووقرار شده‌است انبار مذکور بهیچ بهانه مستحکم‌نخواهد شدوهرگز انبار آلات حرب واسباب قورخانه نخواهدگردید ودولت علیه‌ایران هیچ چیزبعهده خود نمی‌گیرد مگر دادن سربازکه برای حفظ مال‌التجاره مطالبه‌خواهد شد چنان‌چه انبار مذکور بخرج‌دولت علیه‌ایران ساخته شود تجار دولت بهیه‌روسیه برای مدت‌زمان که مال‌التجاره خود درآن خواهدماند رسومی خواهند داد وچنان چه برخلاف آن ساختن انبار فوق الذکر بعهده تجار روس باشد همین اخراجات سرباز مستحفظ این دولت جاوید مدت را خواهند داد .

. . زیاده چه مصدع شود باقی ایام دوستی و اتحاد مستدام باد تحریرا فی بیست ودویم صفرالمظفر سنه ۱۲۵۸ محل مهر

وزیرمختار دولت بهیه روسیه غراف مدم »

وبالاخره حاجی میرزا آقاسی اجازه می‌دهد که «موافق شروط عهد نامه مبارکه انبار باید در محل تجارت که خود شهراستر آباد است ساخته شود .» بعدا پس از اینکه «غراف مدم» وزیر مختار تندخوی روس‌از ایران میرود و بجای او کنیازدالگورکی مامور دربار محمدشاه می‌شود وروابط حاجی میرزا آقاسی باسفارت روس بهبودی می یابد «چرنایوف» کنسول روس در استراباد از حاجی میرزاآقاسی‌تقاضا میکند که‌اجازه بدهند در «فرضه استراباد» نیزانباری برای تجارت بنا کنند .

حاجی میرزا آقاسی نیز بااین تقاضا موافقت و به چرنایف کنسول دولت روس اینطور مینویسد .

«عالیجاه بلند جایگاه مجدت وفخامت همراه دوستا مشفقا مهربانا

مراسله حلت مواصله درزمانی خوب واصل واز مسطوراتش که مشعر برمراتب دوستی و یك جهتی بود کمال فرح وسرور حاصل‌آمد اینکه فقراتی از مراتب صدق عقیدت ودولتخواهی خود نسبت بدولت علیه نوشته بودند ومندرج داشته بودندکه میخواهند انشاءالله ازحسن نیت وخیرخواهی برمراتب دوستی و یك جهتی‌دولتین بهیتین بیفزایند ودرآن حدود که‌اقامت دارید از روی کمال حسن‌انصاف بمهمات تبعه دولتین بهیتین پردازندالحق آن‌چه نوشته‌اند همه‌مقرون بصدق‌و صوابست ودوستدار را یقین حاصل است که امورات تبعه دولتین بهیتین از حسن نیت‌وخیر خواهی آن‌دوست بخوبی وخوشی‌انجام خواهدیافت در باب ساختن انبار در فرضه استراباد بجهت گذاردن مال التجاره تجار تبعه دولت بهیه که اشعار کرده‌بودند که دوستدار بکارگزاران استراباد قدغن‌نماید بسازند و به تجار تبعه دولت بهیه روسیه کرایه بدهند حسب‌المسئول آن دوست شرحی بعالیجاه مقرب‌الخاقان سلیمانخان بیگلربیگی استراباد قلمی‌داشت که انباری بقدر کفاف مال التجاره تبعه آن دولت بهیه در فرضه استراباد در محلی که مناسب باشد ساخته به‌تجارآن دولت بهیه کرایه بدهد یقین است که عالیجاه معزی الیه ازقرار نوشته من عمل‌خواهدکرد وانبار را خواهد ساخت زیاده مطلبی‌نیست »

نامه‌ای که حاجی میرزا آقاسی به‌سلیمان خان نوشته ودر نامه کنسول دولت‌روس بآن اشاره کرده این‌است

«مقرب الخاقانا مخدوما

چون از اوقاتیکه عالیجاه چرنایوف صاحب قونسول دولت بهیه روسیه در دارالخلافه بود درباب ساختن انبار بجهت گزاردن مال التجاره تبعه دولت بهیه روسیه بامن گفتگو کرد ومن بعالیجاه مشارالیه وعده کرده بودم که انبار بقدر کفاف گذاردن مال التجاره تبعه آن دولت بهیه در فرضه استراباد می‌سازم و به آن‌ها کرایه می دهیم هم این اوقات عالیجاه مشارالیه کاغذی بمن نوشته بودوخواهش این مطلب رانموده بود که بوعده وفا نمایم از اینکه عالیجاه مشارالیه راخیرخواه صداقت کیش دولتین بهیتن میدانم بقدرالمزوم انباریکه کفاف گذاردن مال التجاره تبعه آن دولت بهیه رانماید در فرضه استراباد درجائیکه مناسب دانند بسازیدو بتجار تبعه آن دولت بهیه اجازه دهید که من اخراجات ساختن انبار مزبوره را به آن مخدوم خواهم داد تحریرا فی شهرصفرسنه ۱۲٦۳»

حاجی در دنباله این اقدام شرحی نیز باین مضمون برای کنیاز دالگورکی وزیر مختار روس نوشته است .

«جناب جلالت ونبالت نصابا محبان استظهارا دوستان اعتقادا مشفقا معظما

در اوقاتیکه عالیجاه مجدت همراه دوست مهربان چرنایوف صاحب دردارالخلافه بود ازمن خواهش کرد که در فرضه استراباد انباری بجهت گذاردن مال التجاره تجار تبعه دولت بهیه روسیه بسازم و کرایه بدهم و عالیجاه مشارالیه نیزدراین اوقات شرحی ازاستراباددرینباب بدوستدارنوشته بودا گرچه موافق شروط عهدنامه مبارکه انبار باید در محل تجارت که خود شهراستراباد است ساخته شود اما از اینکه دوستدار میخواهد رضای خاطر عالیجاه مشارالیه رابعمل آورد درینوقت شرحی بعالیجاه سلیمان خان بیگلار بیگی قلمی داشته که انباری بقدر کفاف مال التجاره تبعه دولت بهیه روسیه در فرضه استراباد درمحلی که مناسب باشد ازپول دوستدار که دخلی بکار دولتی ندارد بسازد کرایه بدهد چون استحضار آن جناب لازم بود دراینوقت نوشتجات استراباد رانزدآن جناب فرستاد که از مضامینش استحضار حاصل نموده زحمت کشیده ارسال استراباد فرمایند . فی هفتم شهرصفر سنه ۱۲٦۳»

چرنایوف کنسول روس در نامه ای باین شرح از اقدام حاجی میرزا آقاسی تشکر میکند .

«تعلیقه رفیعه شریفه که بجهت قبول مستدعیات این مخلص ارادت کیش صلاح اندیش شرف صدوریافته بود دراسعداوان وخوشترین زمان کالوحی المنزل عزوصول و پرتونزول ارزانی داشته از عبارات وفقرات تلطیف آیاتش که مبنی باظهار محبت ومکرمت بود کمال مسرت وفرخ رخ نمود وبمراتب اخلاص وامیدواری افزود چون در این ایام سعادت فرجام که چاپار سفارت دولت بهیه عازم آن صفحات برکت علامات بود واجب بل متحتم آمد که بمقتضای اخلاص باطنی که باعلی مراتب کمال بود قدم صدق وارادت بساحت شکر گذاری و حق شناسی نهاده بنگارش این مختصر پرداخته آمد امیدوار است که انشاءاله پیوسته اوقات باینگونه مراحم و اشفاق مخلص خودرافرین مباهی وافتخار فرمائید تحریرا فی ۲۹ شهرصفر ۱۲٦۳»

حاجی میرزا آقاسی گذشته از نامه‌ای که قبلا به سلیمان خان بیگلار بیگی استراباد نوشته وتوسط پست سفارت روس ارسال داشته بود جداگانه ومحرمانه نامه‌ای هم بسلیمان خان مزبور مینویسد که در ساختن انبار دقت کافی بعمل آورد که مبادا روسها انبار را بصورت قلعه جنگی درآورند .

«مقرب الخاقانا مخدوما

موافق شروط عهدنامه مبارکه ترکمانچای باید کارگذاران دولت علیه در شهراستراباد که محل تجارت ومعاملت است انباری بقدر کفاف مال التجاره تبعه دولت بهیه روسیه بسازند بدآنها کرایه بدهند امادر اوقاتیکه عالیجاه دوست مهربان چرنایوف صاحب دردارالخلافه بود ازمن خواهش کرد که چون اموال تجار تبعه دولت بهیه روسیه راکه ازکشتی بخشکی فرود می‌آورند مکانی ندارند که مال خود را ازبرف وباران محفوظ بدارند اموال آنها ضایع وتلف میشود من انباری در فرضه استراباد بسازم به آنها کرایه بدهم من محض استرضای خاطر

عالیجاه مشارالیه قبول کردم انباری ازپول خود که بهیچوجه دخلی بامور دولتی ندارد بسازم دراین باب بآن مخدوم نوشته بتوسط چاپار سفارت فرستادم که ملاحظه خواهید نمود لهذا مجدداً به آن مخدوم مینویسم که انبار مزبور بقدر مال التجاره آنهادر محلی بسازد که بهیچوجه ضرری برای دولت علیه نداشته باشد و انبار مزبور حصار وقلعه نمی خواهد مجتمع هم نسازد ومتفرق باشدمیباید آن مخدوم بطوری که نوشته شده است انبار مزبور رادر فرضه استراباد بسازد آنچه خرج نماید من خود بـه آن مخـدوم خواهـم داد وکسی هم از مضمون این نوشته مستحضر نشود باقی والسلام »

در ذیل نامه حاجی میرزا آقاسی باخط خودنوشته

«انبار انبار است وکاروانسرا کاروانسرا وقلعه قلعه چند جا انبار ساختن وبهم متصل ننمودن و بصورت قلعه در نیاوردن سبب اطمینان اهالی طرفین است بوضعی بسازید که بصورت قلعه وکاروانسرا که برادر کوچك قلعه است در آن سرحد باعث صدهزار گفتگو است خانه که چنداطاق کوچك برای نشستن تجار وانبار بزرگی که بسیار بزرك باشد برای گذاشتن بار کفایت دارد بعد بفاصله یکصد ذرع باز مثل آن میتوان وهمچنین اگر مطلب را یافتید فبهاوالا آدم دیگر بفرستم بیاید انبارها راساخته مراجعت کند . بتاریخ سه شنبه ۹ شهرصفر سنه ۱۲٦۳»

وباین ترتیب انبارهائی در سواحل استراباد و بندر جز ساخته برای تجارت در اختیار روسها گذارده می شود .

☆ ☆ ☆

هنگامی که امیر کبیر صدر اعظم ایران بود اتفاقا یکی از انبارهای فوق الذکر آتش گرفته وتمام بنای آن دستخوش حریق میگردد .

روسها بعد از خاموش کردن حریق در صدد ساختن مجدد بنا میافتند ومصالح و اسباب کار را فراهم میسازند .

از آن طرف امیر کبیر موقع را مغتنم شمرده به محمد ولیخان بیگلر بیگی استراباد دستور میدهد بهرطریق هست در کار ساختمان تجارتخانه موانع واشکالاتی ایجاد نموده تا میتواند نگذارد کار بنائی صورت بگیرد .

کنسول روس چر نایوف مقیم استراباد در تاریخ ۳ صفر ۱۲٦۷ بـه محمد ولیخان مینویسد :

«از قراری که معلوم میشود بعضی از اهالی جز و مباشرین آنجادر باب ساخته شدن انباری که از اول معاملت وتجارت کامپانیا در کنار جز ساخته ودرین عرض مدت درتصرف ایشان بوده واین اوقات صورت احتراق یافته بود مانع میشوند ومردم را از بردن چوب وتخته منع میکنند ونمی گذارند که چوب آلات بفروشند . ازین طرز وطور وترس حقوقها که بمردم داده ومیدهند وعاقبت کار بجائی رسید که نه تجار جرأت معامله میکنند ونه مکاری قدرت حمل ونقل مال التجاره ازکناره دارند و این معنی که منافی مراسم اتحاد دولتین بهیتین است موجب سدطرق تجارت وباعث ضرر وزیان رعایای طرفین خواهدآمد ومردم از دادوستد و کسب و معیشت باز خواهند ماند ..... لهذا زحمت میدهد که در عالم اتحاد وموالات دولتین فخیمتین قدغن فرمایند که کسی در باب ساخته شدن همین یکباب انبار سوخته چوب فروش وتخته بران رامانع نشده گذارند که ساخته کمافی السابق در دست داشته باشند و بطریق اول مشغول تجارت خود گردند .....»

در طهران بین وزارت امور خارجه وسفارت روس مکاتبات و مذاکراتی بعمل می آید وبالاخره میرزا محمد علیخان از طرف وزارت امور خارجه به پرنس دالگورکی در ماه صفر ۱۲٦۷ می نویسد «..... دولت علیه ایران میل دارد انباریکه پنج سال قبل ازاین

بخرج تجار کامپانی روس‌در کنار جز ساخته شده بود واین روزها آتش گرفته سوخته است بخرج خود از نوع بسازد ...»

پرنس دالگورکی این پیشنهاد رابادو شرط قبول میکند .

«شرط اول انبار مذکور هرچه زودتر بطوری ساخته شود که مقصود حاصل‌آید درینصورت معلوم است بنظارت عالیجاه قونسول و تجار کمپانی باید ساخته شود

شرط دوم تجار کامپانی برای ساختن انبار واسباب ومصالح جمع کرده نواب مهدیقلی میرزا (حاکم استراباد ومازندران) خرج آنرا بدهد زیراکه در راه مودت این خرج راکرده‌اند و خواسته‌اند که خرج بی فایده را از دولت رفع نمایند .»

وبدین ترتیب مطابق نقشه روسها یك انبار ویك عمارت مسکونی مشتمل بر دو اطاق باهتمام محمدولیخان بیگلربیگی استراباد ساختند وقرارشد که آشپزخانه و حمامی نیز بسازند واین بناها را رویهم از قرار سالی دویست وپنجاه تومان بکمپانی تجاری روس اجاره دادند .

صورت اجاره نامه از اینقرار است .

«کمپانی انبار جدید و مایتعلق‌بهارا که عبارت‌از نشیمن‌وحمام‌وآشپزخانه که باید ساخته شوداجاره میکند که مبلغ دویست وپنجاه تومان هرساله بدهد مشروط بشرایط مذکور :

شرط اول این‌است بعد ازآنکه همه انبار ونشیمن وحمام وجای عمله‌جات وآشپزخانه‌را درست کردند و بتصرف سرکشیك دادند چهار ساله اجاره نماید درهرسال دویست وپنجاه تومان بدهد واول وقت اجاره بعد از درست شدن نشیمن وحمام وغیره باشد .

دوم اینکه وجه اجاره‌را دریك سال بسه قسط بدهد یعنی ازچهار ماه بچهار ماه

سیم اینکه درظرف مدت اجاره هرگاه جائی خراب بشود باید فورا صاحب انبار در مرمت وتعمیر آن بپردازد و اگر تأخیر بیندازد سرکشیك خود درست کرده آنچه خرج نماید از وجه اجاره موضوع و محسوب بدارد .

چهارم اینکه قبل ازاتمام مدت اجاره که چهار سال‌است صاحب انبار آنرا بکس دیگر اجاره ندهد و نتواند فسخ اجاره نماید .

پنجم اینکه هرگاه کمپانی ضرور داشته باشد بخواهد جائی‌یامکانی علاوه برآنچه که ساخته‌شده‌است بسازد مانع نشوند واین قسم اخراجات را ازخود خرج خواهدکرد بشرطی که بعد ازانقضاء مدت اجاره همان جا و مکان علاوه ساخته مال صاحب انبار باشد سوای آنچه که از خرج و مال دیگر در آنجا باشد یعنی در میان آن مکان .

ششم اینکه هرگاه صاحب انبار نخواهد بغیر از انباری که جدید ساخته است نشیمن و مکان دیگر بسازد مانع نشده کمپانی خود خرج کرده خواهد ساخت ولی آنوقت اجاره انبار یکصد و پنجاه تومان خواهد بود در یکسال .

هفتم اینکه پل رودخانه که درپهلوی انبار است‌وخراب شده است باید صاحب انبار آنجا را نیز بسازد که تردد آسان باشد ۱۳ شوال ۱۲٦۷ »

وبدین طریق انبار تجارتخانه ساخته وبروسها اجاره داده میشود .

بعدازامیرکبیردردوره‌صدارت‌میرزاآقاخان نوری‌بواسطهٔ‌سوء سیاست ، روسها بنای اشکالتراشی را گذارده و پرداخت اجاره بهارا بتعویق میاندازند و تقاضای خرید انبار تجارتخانه را مینمایندوهمچنین به‌بهانه کمی‌جاتقاضای واگذاری زمین‌های‌دیگری‌رامیکنند

بالاخره ساختن حمام و آشپزخانه که تاآن دوره بتأخیر افتاده بود توسط خود روسها ساخته میشود ودولت ایران خرج ساختمان آنرا بروسها میپردازد .

وراجع بفروش بنا که مکرر مورد تقاضای روسیه بود میرزا آقا خان زیر بار نمیرود وباین بهانه که آنجا خالصه وملك پادشاه است متعذرودرتاریخ صفر ۱۲٦۸ مینویسد «..... آنجا کلاخالصه وملك سرکار اعلیحضرت پادشاهی ارواحنا فداه است وبدیهی است یك مشت سفال آنرا به پنجاه هزار تومان نخواهد فروخت .....»

ج - بنای بیمارخانه

درسال ۱۲٦۲ هجری قمری هنگامی که حاجی میرزاآقاسی صدر اعظم ایران بود دولت تزاری روس بمنظوری که قبلاگفته شد بدولت ایران فشار میآورد که برای معالجه کارگران کشتی‌ها وملوانان واتباع روس ازطرف‌دولت ایران درساحل استراباد زمینی برای ساختمان بیمارستان بآن دولت واگذار شود .

پس ازمذاکراتی که در این باب بین دولتین بعمل میآید حاجی میرزا آقاسی از طرف محمد شاه دستوری بعنوان موسی خان حاکم استراباد صادر میکند که « در محلی خارج ازقصور بیمار خانه‌ای که جای‌زیاده ازحد واستعداد بیمارخانه نداشته باشد وتصور چیز دیگر نشود و استحکام آن همینقدر باشد که آن بنارا بیمارخانه توان گفت بفاصله وبطرز وترکیب جایهای معمولی رعیتی استرابادکه بکار سکنی دادن مریضها برخورد که با اخراجات جزئی‌میتوان ترتیب داد بسازد ولاغیر»

باآنکه این دستور از طرف حاجی میرزا آقاسی صادر میشود ولی چون بعد از آن دوران صدارتش چندان بطول نمی انجامد این اقدام به نتیجه‌ای نمیرسد و بالاخره محمد شاه فوت میکند و ناصرالدین شاه بجای او مینشیند و امیرکبیر برکرسی‌صدارت تکیه میزند .

یکی ازموضوعاتی که وزیر مختار روس باامیر درمیان مینهد همین تاسیس بیمار خانه دراستراباد بود وعاقبت امیرکبیر موافقت میکند که‌مطابق قرار حاجی میرزاآقاسی بیمارخانه ساخته شود و بدین منظور نامه‌ای بشرح ذیل به عباس خان بیگلر بیگی استراباد مینویسد .

«عالیجاها مقرب الخاقانا مخدوما درایام حیوة شاهنشاه مغفور »
«مبرور سفارت دولت بهیه روسیه ازاولیای دولت قاهره خواهش دوستانه کرده»
«بودند که کارگذاران دولت علیه بیمار خانه‌برای اهالی سفاین آن دولت بهیه»
«که دردریای استراباد تردد داردترتیب دهند وازمصدر خلافت ملفونه فرمانی»
«بعهده عالیجاه مقرب‌الخاقان موسی خان حاکم سابق آنجا صادر شده بود »
«باین مضمون که‌درمحلی‌خارج ازقصور بیمارخانه که جای‌زیاده ازحد واستعداد»
«بیمارخانه‌نداشته باشد وتصور چیزدیگر نشود واستحکام آن همین قدرباشد»
«که آن بنارا بیمارخانه توان‌گفت بفاصله وبطرز وترکیب جای های معمول »
«رعیتی استرابادکه بکار سکنی و اذن مریضها برخوردکه با اخراجات جزئی»

«میتوان ترتیب داد بسازد ولا غیر اما از قراریکه مذکور شد تابحال چنین »
«بیمارخانه درآنجاساخته نشده‌است .
«از اینکه سفارت آندولت بهیه‌دوستانه خواهشی‌است که کرده‌اند بآنمخدوم »
«اظهار میشود که بیمارخانه مزبور را بطوریکه درفوق مسطور است درمحلی»
«خارج ازعیب ونقص بسازد وازکارگذاران دولت بهیه روسیه موافق قاعده »
«کرایه بگیرد و اخراجات بیمار خانه مزبور چون جزوی است من خود بشما»
«خواهم رسانید و اگر برای بیمار خانه مزبور کشیکچی بخواهد من دراینجا»
«باجناب جلالتمآب زبدةالسفراء المسیحیه محبان استظهاری پرنس دولغاروکی»
« وزیر مختار آن‌دولت‌بهیه گفتگو کردم‌قرارشد که ازخودسالدات برای کشیك»
«آنجا بخشکی نیاورندوازتبعه دولت‌علیه کشیکچی که بخواهند بگیرند وآجرت»
«آنهارا بدهند . فی۱۹ رجب المرجب ۱۲٦۵»

چند هفته بعدامیر کبیر ملتفت‌میشود چون این‌اقدام موجب‌بسط‌نفوذ روسها درشمال ایران است تغییر رای میدهد و بر آن میشود که اقدامی نماید تاشاید روسها را اصولا از این‌فکر منصرف نماید .

بدین منظور در تاریخ ۲٦ رمضان ۱۲۷۵ نامه ذیل را به پرنس دالگورکی وزیر مختار روسیه مینویسد .

« اینکه درطی مراسله مرسوله فقراتی از ساختن بیمارخانه‌برای بحریان‌روسی»
« در ساحل دریای استراباد اشعار رفته بود بلی ازآنجا که بحمداله امروز مراتب»
« مهر ومحبت ومراسم‌دوستی ومخادنت فیمابین دودولت‌بمرتبه کمال رسیده که‌این»
« طور مواحدت محسوداقارب واجانب آمده واولیای آن‌دولت‌بهیه بوضعی درترقی»
« وپیشرفت امور این‌دولت علیه‌اقدام اقتحا گذاشته نظر التفات واهتمام گماشته‌اند»
« که‌دولتین بهیتین حکم دولت واحدبهم رسانیده‌ودرمجاری‌تغییرات وتبدیلات که‌این»
« اوقات بحکم تقدیرات درین همایون‌شوکت ظاهر شد بنوعی در مهمات ایندولت »
« مجاهدت‌کافیه ومساعی جمیله از اولیای‌آن‌شوکت فخمیه بظهور رسیده که مافوق»
« برآن متصور نیست بتخصیص‌آن جناب دوست مکرم که دردقایق دولتخواهی و »
« مراسم صلاح‌اندیشی بهیچوجه فروگذاشت‌نفرمودند مقتضیات این طریق مواحدت »
« البته مستلزم‌آنست که تکالیف دوستانه جانبین درخدمت همایون حضرتین مقبول »
« گردد ولی‌این خواهش موجب استیحاش عامه‌خلایق وسرحد نشینان که مردمان »
« وحشی صحرائی وازرسوم دولتداری ومصلحت بینی عاری بلکه ضررهای فاحش‌را»
« محتمل است چنانچه آن‌جناب‌ازاحوال واخلاق خلق ایران استحضار دارند ومی»
« دانند که آنچه نوشته شده است‌ازروی حقیقت وراستی‌است نه‌عذر وبهانه انشاءاله»
« تعالی امنای‌آندولت بهیه بنظر انصاف ملاحظه‌خواهندفرمود که منظور ومقصود»
« اولیای‌این دولت علیه استیحاش از خلق‌ایران است‌نه‌ازکارکنان آندولت بهیه‌زیرا»
« که ازآنها کمال حسن‌ظن دارند ودوست خیرخواه حقیقی خود میدانند بموجبات »

« مزبوره یقین حاصل است که آنجناب دوست مشفق مکرم ازراه دولتخواهی وصلاح
« اندیشی راضی بضرر فاحش ایندولت علیه نخواهند شد و بهمان بیمارخانه که در »
« جزیره آشوراده ملك ایندولت علیه موجود ومهیاست اکتفا خواهند فرمود چون»
« لازم بود اظهار شد ومصدع آمد ۲۶ شهر رمضان ۱۲۶۵»

این نامه ودلائل امیر کبیر وزیر مختار روس دالگورکی راقانع نکرده در جواب نامه اعتراض آمیز ذیل رادر تاریخ ۲۹ رمضان ۱۲۶۵ مینویسد .

« نوشته که آنجناب مناسب دانسته بدوستدار قلمی وارسال فرموده بودید رسید درضمن آن که فقرات چنداز دوستی رسمی مندرج بودآن جناب بقدرقوه ساعی وجاهد بوده که طفره بزنند ازاقرار واعتراف حقی که دولت بهیه روسیه بموجب فرمان ملك شاه جنت مکان تحصیل نموده برای ساختن بیمارخانه درساحل استراباد . دوستدار میل ندارد که حالی وخاطر نشان آنجناب نماید که چه خیالی باید داشته باشد از دولتی که تعهدات خود را محترم نمیدارد وبدون سبب وجهت حسابی بهم میزنند کلام پادشاهی راکه جمیع خلایق مقدس میشمارند ونقض آنرا جایز نمیدانند ولی دوستدار تکلیف ووظیفه خودرا در این میداند که بطریق اکمل ایراد بگیرد اینگونه نقض وعدم کلی ظن نسبت بدولت همجوارودوست بزرك ودرستکار»

در دنباله این نامه مکاتباتی چند بین صدراعظم ایران و وزیرمختار روسیه رد و بدل میگردد وهرچه دولت ایران از زیر بار این تکلیف شانه خالی میکند نماینده دربار تزار براصرار وابرام خود میافزاید امیر کبیر ناچار درماه ربیع الاول سال ۱۲۶۶ نامه‌ای باین شرح توسط پرنس دالگورکی برای کنت نسلرود صدر اعظم و وزیر امور خارجه روسیه مینویسد .

« برصفحه مضافات وموالات مینگارد که مراتب اتحاد واتفاق دوحضرت بحمدالله»
« تعالی بطوری وضوح وبروز نموده که جای شبهه وابهام نباشد .
« در این عهد وروزگار خجسته آثارفیمابین شاهنشاه ولینعمت من ناصرالدینشاه»
« ابدالله عیشه وایدجیشه بااعلیحضرت قدرقدرت قضاشوکت امپراطور اعظم اکرم »
« که پس از زمان ملاقات ووعده‌های ملوکانه امپراطوری نه بطوری بمحبت ونظر»
« تقویت آن اعلیحضرت اطمینان وخاطر جمعی دارند که احدی تواند سوء ظن یا »
« خطشه در مراسم دوستی و التیام و اتفاق حضرتین داشته باشد این معنی بر رای »
« صوابنمای آنجناب ودوستدار بلکه برهمه کس از دور ونزدیك هویدا و ظاهر و»
« معلوم است که موالیان وکارپردازان حضرتین نیز بوسایل مستحسنه طالب ازدیاد و»
« استکمال این حسن مودت و مراودت هستند جناب زبدة السفراء المسیحیه پرنس »
« دولقاروکی وزیر مختار آندولت بهیه در رمضان ۱۲۶۵ کاغذی بدوستدار نوشته»
« بموجب یکطغری سواد بخط منشیان سفارت فرمانی ازشاهنشاه مرحوم صادر شده»
« است که کارگذاران استراباد بیمارخانه برای بحریان سفاین دولت بهیه روسیه»
« در ساحل استراباد بسازند لهذا دوستدارشرحی در جواب کاغذ معزی الیه بموجب»
« حکم اقدس پادشاهی خلداله ملکه وسلطانه نگارش داشت که البته سوادآن بنظر»
« آن جناب رسیده این خواهش باعث استیحاش خاطر مردمان وحشی استراباد و »

« ساحل آنجا می‌شود البته بدین‌مهمات‌ضرر فاحش برای‌نظم ملکداری دولت علیه»
« خواهد داشت اولیای آن‌دولت بهیه نظر بتقویت‌وحسن نیتی که در پیشرفت کار »
«ایندولت دارند این تکلیف را ننمایند در این اوقات باز جناب معزی‌الیه مجددا »
« اظهار ساختن بیمارخانه در محل مذکور نموده ومراتب‌بعرض اقدس ملوکانه‌رسید»
« دوستدار را مامور فرمودند که بآنجناب اظهار دارد که زحمت کشیده بحضور »
« اعلیحضرت امپراطوری عرضه دارند که نه ما و نه اولیای دولت‌ما بهیچوجه در»
« این باب سوءظن وبدگمانی در حق دولت بهیه روسیه نداریم وآندولت بزرك و»
« دوست همجوار خود را مبرا از اینطورتخیلات وتصورات میدانیم اما اینکه‌عالمیم»
« بحالت رعیت ومملکت خود بجهات مسطوره فوق قبول آنرا باعث ضرر فاحش»
« وخرابی امور مملکت خود می‌دانیم‌البته مسموع داشته‌اید رعایای آن ملك درباب»
« توقف بحریان سفاین آندولت بهیه در جزیره‌عاشوراده‌ملك طلق ایندولت‌زیاده»
« مایه استیحاش شده است از اعلیحضرت امپراطوری در عالم دوستی واتحاد »
« متوقعیم که تکلیف ساختن بیمارخانه در سواحل استراباد بکارگذاران ایندولت »
« علیه نشود وقراری در باب تخلیه جزیره‌عاشوراده ملك‌دولت علیه خواهند فرمود»
« بدیهی است که بیشتر باعث بروز و ظهورتقویت‌اعلیحضرت امپراطور اعظم‌اکرم»
« در انتظام امورات ایندولت و این مملکت خواهد بود . »

کنت نسلرود در جواب نامه امیر کبیر در ماه جمادی الثانی ۱۲۶۶ نامه ذیل را نوشته واز طرف امپراطور روسیه موافقت میکند که چندی ساختن بیمارستان بتعویق افتد .

« عالیجاه رفیع جایگاه اولین وزیر اعلیحضرت شاه امیر نظام میرزا تقی‌خان دوست مهربان دام اقباله نامه آن عالیجاه شرف وصول بخشید ودر ضمن آن سببی رادرج‌فرموده بودند که بنابر رای آن عالیجاه‌اجرای حکم رضوان مکان محمدشاه را نسبت بتعمیر بیمارخانه در سواحل استراباد برای عساکر سفاین حربیه ماکه گشت وگذار کرده ولایات ساحلیه ایران را از هجوم وغارت ترکمانان محافظت مینمایند اکنون مانع‌آمده است واین دوستدار ازآن مضمون تمایل سرکار ایران از اجرای آنکه لازمه عهده اوست بحزن‌و حیف مطالعه کرده عدم موافقت آن‌را پرسخت مشاهده نمود باتوثیقات جدیدآن‌عالیجاه که در میل‌ورغبت دوستانه دربارشاهی نسبت بدولت روسیه نموده‌اند وسبب رد رمنع بیمارخانه را چنان مینمایند که گویا اینگونه تمهید مردمی و مردم پروری مبادا اهالی‌استراباد را بسبب جهالت ودرشتی‌طبع ووحشیت‌اخلاق ایشان به‌آشوب آورد حالادوستدار را بایدملاحظه نماید که اینگونه سبب درزمانی معتبرمیتوانستی‌شد اگرازحین صدور فرمان محمدشاهی‌فی‌الحقیقه دراحوال وضع آن‌حوالی تغییرات کلی بهمرسیدی وبدانواسطه اکنون اخلاق اهالی درشت‌تروناملایم‌تر از سابق میگردید امادراین‌مدت قلیله پرظاهراست که دراخلاق مردم آن‌گونه تبدیلات متحیره نمی‌تواست عارض‌گردد بلکه برخلاف آن‌بموجب اخبارات که از طرف گماشتگان مادائما رسیده است ظاهرونمایان می گردد که اهالی آن‌حوالی قدر محافظت سفاین حربیه مارا که بایشان می‌نمایند هرساله‌بیشتر از پیشتر می‌فهمند ومی‌دانند که ایشان را ازنهب وغارتی که سابقا سواحل بحریه خزریه‌ایران روبخرابی نهاده بود حراست میکنند پس بدین تقدیر سرکار دولت امپراطوری بمجرد اظهار بهانجات پنداری بهیچوجه نمی توانند سببی یابد تااز حقوقی که بموجب فرمان محمدشاهی ثابت ولازم است باز استد فلهذا دوستدار لازمه خودمی‌شمارد که بموجب حکم‌همایون اطاعت مقرون امپراطوری به‌آن عالیجاه اظهار واعلام نمایند که حضرت همایون اعلی‌دررعایت ثبات واستقامت آن

حقی که بموجب فرمان مذکور حاصل است عزمی ثابت می‌دارند اماباوجود آن باز ازروی مهربانی وهمت‌نسبت بسرکار ایران راضی‌شده‌اندکه طلب اجرای آنکه بموجب فرمان مذکورلازمه ذمه سرکار ایران می‌باشد برای چندی فروگذاشته بیمارخانه را تابوقتی در جزیره عاشوراده متعلقه ایران بازدارند ونسبت بسیر سفاین آن همه هجوم دزدان برکشتی‌های تجارتی و سوختن آن وقصه‌غارت وخراجی انبار اموال تجاران روس که درین نزدیکی واقع شد ظاهرا خیلی روشن مینماید که وجوب وجود قوت بحریه‌روسیه برای تحصن کشتی‌ها و برای امنیت ورفاهیت اهالی سواحل مازندران و استراباد از مقتضیات می‌باشد ورفع وجود آنها موجب تجدید خرابی و غارت است که سابق براین دزدان دریا مینمودند که بنان جسارت ایشان محض باستیلای ترس بیرق جنگی روس بازداشته میشود خلاصه دوستدار فرصت را غنیمت شمرده باکمال احترام و ارادت خود را نسبت به آن عالیجاه تجدید مینماید •

وزیر دولت عظمی غراف نسلرود در دارالسلطنه پطرز بورغ ٤ماه آمپریل ۱۸۵۰ مسیحیه قلمی شد . »

وبدینطریق باآنکه روسها اجاز. تاسیس بیمارخانه را بدست‌آورده بودند امیر کبیر نمیگذارد بچنین امری مبادرت نمایند .

شاید مناسب بود که‌در این قسمت راجع بجزیره عاشوراده ودست اندازی دولت تزاری روس بآن نیز بحثی بشود ولی‌چون تصرف عاشوراده بیشتر صورت تسخیر نظامی را داشته و بعلاوه اخیرا در بعضی از کتب راجع بآن کم وبیش صحبت شده در اینجا برای احتراز از تطویل ازاین موضوع صرفنظرشد .

۳

شیلات

روسها و شیلات

سواحل جنوبی بحرخزر ورودخانهائی که بدان میریزد دارای انواع واقسام ماهیهای خوراکی است وصید ماهی در نواحی شمالی ایران از منابع مهم‌ثروت مردم آن سامان است .

سواحل‌جنوبی‌دریای مازندران که متعلق بایران است نسبت‌بسواحل شمالی‌بواسطه سرما در مدت زمستان ازیخ پوشیده شده‌وماهیهادر این‌فصل بطرف سواحل‌ایران که آب وهوای معتدلی دارد ونیز عمق آن بیشتراز نقاط شمالی است مهاجرت میکنند .

مراکز عمده شیلات (۱) ایران‌عبارت‌است ازآستارا ـ پهلوی (انزلی) ـ حسن کیاده ـ مشهدسر ـ خواجه نفس ـ خلیج استراباد (در مصب قره‌سو) وگمش تپه.

صید وخرید وفروش ماهی های رود خانهای شمالی ایران و سواحل جنوبی بحر خزر توسط روسها سابقه ممتدی دارد وتوسعه‌آن بعداز جنگ های ایران و روس و انعقاد معاهده ترکمانچای میباشد بخصوص که باامضاء عهدنامه تجارتی مورخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری (۲۲ فوریه ۱۸۲۸) ضمیمه معاهده مزبور برای تجارت اتباع روس‌درایران حقوقی را شناختند وامتیازاتی را برای آنها قائل شدند .

از این تاریخ تاسال ۱۲۹۳ هجری‌قمری که ناصرالدین‌شاه تمام‌شیلات را بمیرزا حسین‌خان سپهسالار اجاره میدهد واونیز یکجا تمام‌آنرا بروسها واگذار میکند حق‌صید وفروش ماهی هررودخانه و ناحیه دراجاره اشخاص مختلفی اعم ازروسی وایرانی بود .

این اجاره داری برای اتباع روس که داری وسائل بهتر هم‌برای صیدوهم برای حمل ونقل وفروش بودند فواید زیادتری داشت وبهمین‌جهت‌چون اغلب مواقع اتباع‌روس اجاره بهای بیشتری بحکام نواحی شمالی ایران میدادند اتباع ایران نمی توانستند باآنها رقابت نمایند .

این موضوع بعدها بااختلافاتی که بین موجر ومستاجر واتباع ایران وروس یابین خود مستاجرین پیش میآید مخصوصا آنکه دولت تزاری روس برای‌انجام مقاصد سیاسی

---

۱ ـ سدی که صیادان در نواحی شمالی ایران در عرض رودخانه برای صیدماهی باچوب وشاخ و برگ درختان میسازند شیل نامیده میشود وجمع آنرا شیلات گویند .

ماهیها که در فصل معینی برای خوردن آب شیرین از دریا وارد رودخانه میشوند در موقع مراجعت در کنار این سدهای مشبك جمع میگردند وصیادان بانور یاقلاب بصید آنها می‌پردازند .

وتوسعه نفوذ خودبواسطه داشتن حق کاپیتولاسیون از این امرسوء استفاده‌هائی میکرد اشکالات زیادی برای دولت ایران تولید مینماید .

اولین صدراعظمی که بااجاره دادن شیلات بحر خزر بروسها مخالف بود شاید حاجی میرزا آقاسی را بتوان نام برد وبعداز او امیر کبیر و میرزا آقا خان نوری نیز اقداماتی در این باب بعمل آوردند ولی هیچکدام نتوانستند بکلی دست روسها را از شیلات شمالی ایران کوتاه سازند .

نوشتن تاریخچه کامل چگونگی قراردادهائیکه‌قبل‌ازسال۱۲۹۳هجری قمری با اتباع روس رای استفاده از شیلات ایران منعقده شده خالی ازاشکال نیست زیرا گذشته‌از عدم دسترسی باسنادی که ممکن‌است امروز موجود باشد قسمت عمده آنها یقیناً تاکنون از بین رفته است .

بهرحال برای آنکه خوانندگان تااندازه‌ای بجریان این‌موضوع آشنابوده وازروابط بین دولت‌ایران‌وروسیه تزاری دراین باب ومکاتبات مربوطه‌بآن مطلع باشندبعضی‌ازاسناد ونامه‌هائی راکه بدست آورده‌ام در اینجا میآورم وسپس‌بشرح قرارداد میرزا حسین‌خان سپهسالار بابرادران لیانازوف می‌پردازم .

اجاره داری اتباع روس و اختلاف بین آنها

حاج میرباقرتاجر حاجی طرخانی وفرزندان‌او که‌اصلا اهل گیلان وبرای تجارت بقفقازرفته ودر آن‌جا سکونت‌اختیار کرده بودند از مستاجرین عمده شیلات بشمارمیرفتند .

بعداز جنگ‌های ایران وروس وعقد معاهده ترکمانچای حاج میر باقر به تابعیت روس درآمد وپس‌ازمرگش فرزندان ونوه‌های اونیز مانندپدر کارعمده آنها اجاره‌داری شیلات بحر خزر بود . وراث حاج میر باقر بعضی مثل میر - ابوطالب به‌تابعیت روس باقی ماندند وبعضی دیگر مثل‌میرزا اسمعیل ومیرزا صادق‌تبعیت ایران‌راپذیرفتند .

نامه ذیل را وزیر مختار روس هنگامی به وزیر امور خارجه ایران مینویسد که بین میرابوطالب باقراسیموف نام ارمنی اتباع روس اختلافی ایجاد شده بود .

در پشت پاکت نوشته

«عالیجاه رفیع‌جایگاه مجدت ومناعت اکتناه شوکت‌وجلالت انتباه دوستان استظهاری میرزا مسعود وزیر امور دول خارجه مفتوح فرمایند .»

متن نامه

« عالیجاها رفیعجایگاها ابهت ومناعت اکتناها دوستان استظهارا مکرما نظربراینکه در خصوص یازده رودخانهای سید ماهی‌میانه میرابوطالب خان تاجر حاجی ترخانی و قراسیموف ارمنی منازعه واقعست و برای تشخیص حقیت هرکدام از آن‌ها لازم است که دو فقره از دولت علیه ایران استعلام واستفسار شود .

اولا آیا گومش‌تپه ومحل موسوم بحسینقلی از لواحق دریای استراباد‌اند که در اجاره میرابوطالب‌خان است یااینکه مکانهای مزبوردخلی بدریای استراباد ندارندوعلاحده‌اند وآیامسافت جایهای‌مرقومه‌ازرودخانه سرحد استراباد چقدر می‌شود وثانیاً از جماعت حسینقلی و گومش‌تپه آیا حق دارند که بدون شراکت دولت ایران از رودخانه اترك ابتدا کرده تاگمش‌تپه برودخانه حاجی نفس وقراسینقیرالی رودخانه قراسو دخل تصرف داشته باشند

یانه چگونگی راتوقع دارم که بدوستدار نلمی ومعلوم نمایند تاحقیقت امرمحقق‌ومشخص گردد زیاده چه زحمت دهد تحریرا فی ۲۲ شهر رمضان ۱۲۵۱ »

پشت صفحه محل مهر (وزیر مختار دولت بهیه روسیه غراف‌ایوان سیمویچ) .

دولت ایران ضمن جوابی که بنامه سفارت روس میدهد میگوید که « عالیجاه عباس خان بیگلربیگی استراباد مینویسد قراسیموف بدون‌اجازه بدستیاری عنایت‌ترکمان باکشتیهای خود در دریای استراباد مشغول صیادی است » و از سفارت روس میخواهند که قراسیموف را از این‌کار منع نمایند .

استپان سوجایوف تبعه‌روس سالها در دوره محمد شاه مستاجر شیلات رودخانه‌های مختلف مازندران بود .

سوجایوف برای پرداخت اجاره شیلات رودخانه بابل مشهد سرتعهدنامه‌ای بشرح ذیل به میرزا مسعود خان وزیر امورخارجه میدهد که سالانه‌مبلغ‌یکصد وده تومان بابت اجاره بپردازد .

« از مال سرکار جلالت‌مدار مقرب‌الخاقان میرزا مسعود وزیر دول خارجه مبلغ یکهزار ویکصدتومان رایج خزانه‌عامره از بابت اجاره شیل ده‌ساله رودخانه بابل مشهد سرازهذه‌السنه پیچی ئیل برذمت دارد استپان سجایف تاجر حاجی ترخانی که ان‌شاءالله تعالی مبلغ مزبور را از قرار قسط سالی یکصدوده تومان دروجه کارگذاران معزی‌الیه کارسازی نموده عذر نیاورد ـ تحریرا فی شهر ذی‌القعده الحرام سنه ۱۲۵۲»

محل امضاء استپان سجایف (بروسی)

هنگامیکه بین میرابوطالب سابق الذکر و استپان سوجایف اختلافی پیش میآید سفارت روس نامه‌ای بشرح ذیل بمیرزا مسعود وزیردول خارجه می‌نویسد .

« جنابا جلالت ونبالت نصابا فخامت ومناعت مآبا محبان نوازادوستان استظهارا

در باب نزاع حدود شیلابات مازندران‌متنازع‌فیه‌دو نفررعیت‌دولت‌بهیه‌روسیه که سوجایوف‌مسیحی‌ومیر — ابوطالب اهل‌حاجی ترخان باشند آن‌جناب شنیده ومطلع بوده‌است سفارت دولت بهیه روسیه بجهته دفع نزاع ایشان بدقت وتحقیق‌وتفحص نموده حکم‌صریح بررفع نزاع طرفین نموده‌اند چون‌امنای‌دولت علیه‌ایران هم‌اظهار مصلحت اندیشی اینگونه نزاع ودعاویرا نموده‌اند بر دوستدار لازم‌آمد که کیفیت وچگونگی مابه‌النزاع ایشان وحکم سفارت رادر آن‌خصوص قلمی‌واظهار نماید ازقرار اجاره نامچهٔ سوجایوف مسیحی که‌از نواب شاهزاده‌ملك آراء حاکم سابق مازندران ومطابق همانفرمان اعلیحضرت پادشاهی دردست دارد حدود شیلاباتیکه دراجاره‌اوست از حد غربی ملاکلاست الی کلباد که یکحد مازندران وشرقی استراباد میشود .

میر ابوطالب ولدمیرباقر موافق اجاره‌نامچه که از نواب اردشیر میرزای حاکم سابق استراباد در دست دارد مدعی‌است که ازکواهوك تااشرف دراجاره من‌می‌باشد وحال آنکه شهراشرف‌در سه فرسخی غربی کلباداست مع‌هذا میرابوطالب علن‌وآشکار می‌خواهد بدون حق‌و حساب محل‌صیدوشیلاتیکه در اجاره سوجایوف است‌ضبط نماید ودر این صورت میرابوطالب نام نمی‌تواند خودرا در این‌نزاع بی‌تقصیرنماید چون‌قبل از آن که‌میرابوطالب اجاره نامچه از حاکم‌استراباد گرفته باشد مضمون اجاره‌نامچه فرمان سوجایف بحکم دیوانیان از روی قانون‌در حاجی ترخان گوش‌زد همه اهالی آن‌جا شده شهرت یافته است که احدی دخل‌وتصرف دراجاره‌شیلابات‌سوجایف ننماید بهمین مضمون‌هم دوستدار بحاکم حاجی ترخان قلمی داشته است که تکلیف خودرا دانسته باشند ' در همان‌وقت‌عالیجاه‌میرزا الکسندر را نیزآگاه ساخت که‌میرابو طالب ولدمیرباقرتاجر کلادی (؟) اول حاجی‌ترخان

را اطلاع دهد که اگرخواسته‌باشد غیرآن رفتارنماید در هر باب ازعهده برآید گزارش‌وکیفیت اینستکه‌قلمی شد از آن جناب توقع است که از کارکنان دولت علیه خواهش نموده‌باشند که در هر جهة مراقب احوال سوجایف بوده احدی دخل وتصرف در شیلاباتیکه در اجاره اواست ننموده بهیچوجه مانع ومزاحم سیداو نشوند تحریرا فی ۷شهرجمادی‌الثانی من‌شهورسنه۱۲۵۳»

شیلات در دوره حاجی میرزا آقاسی

گفتیم حاجی میرزا آقاسی صدراعظم محمد شاه با دخالت روسها درشیلات مخالف بود واز اجاره دادن شیلات باتباع روس حتی‌المقدور جلوگیری میکرد و بحکام نواحی شمالی ایران نوشته بود که بدون اجازه اوهیچیك ازشیلات‌را بروسها اجاره ندهند .

حاجی میرزا آقاسی در نامه‌ای به اسمعیل خان میزان آقاسی مباشر شیلات چنین مینویسد .

«حکایت تازه شنیدم‌خیلی بنظرم غریب آمد ازاستراباد روزنامه نوشته‌بودند که»
«آقاسی نام آدم تو شیلات استراباد را بتجار روس اجاره داده‌است اگر این»
«حکایت راست باشد خدا میداند دیگر از دست من خلاص نخواهی شد درین»
«عرض مدت مرا نشناخته باشی خیلی بعیداست من جهد دارم سایرشیل‌را هم از»
«دولت بهیه روسیه‌بگیرم آدم تو برمیدارد شیلاتی که‌دردست ماست بتجارروس»
«اجاره میدهد مجملا مینویسم اگرفی‌الواقع‌این کیفیت اصل دارد بورود نوشته»
«آدمی بفرست آن‌آدمت که‌آقاسی نام‌است ازسرشیلات استراباد بردارند وکس»
«دیگررا مباشر این امر بکن که شیلات را ازدست تجار روس بگیرد دردست»
«خودش باشد اگر درحقیقت حرف بی‌جا و بی‌پائی است بنویس که مستحضر»
«باشم البته بزودی شرح این فقره را نوشته بفرست تا بدانم باقی والسلام . »

درنامه‌ای هم بشرح ذیل بوزیر مختار روس مینویسد که هر اجاره‌ای که بدون اجازه دولت ایران باشد باطل‌است .

«جناب جلالت ونبالت نصابا محبان استظهارا مشفقا .
«چون بعرض اولیای دولت جاوید مدت قاهره رسید که درسواحل‌بحر خزر»
«که متعلق باین دولت علیه است که حکام بدون اذن دولت بعضی از شیلات»
«ماهی‌گیری را باجاره داده‌اند لهذا فرمان قضا جریان عز نفاذ یافت که هر»
«اجاره که بی‌رخصت مخصوص دولت‌علیه منعقد شده باشد باطل‌است بعدذلك‌هر»
«کس خواسته باشد هرشیلی‌را اجاره کند باید ازاولیای دولت علیه مرخصی»
«حاصل نماید نظر باینکه احتمال میرفت که بعضی از رعایای دولت علیه‌روسیه»
«خواسته باشند بعضی ازشیلات‌را اجاره نمایند استحضارآن‌جناب‌ازمدلول‌حکم»
«محکم شاهنشاهی لازم نمود که‌آنهارا اخبار نمایند .
«زیاده چه تصدیع دهد تحریرآفی‌شهرمحرم‌الحرام سنه۱۲۵۲»

حاجی میرزا آقاسی برای آنکه شیلات مستقیما تحت نظر خودش اداره شود از محمد شاه درخواست میکند که تمام شیلات دریای خزررا باواجاره دهد وبعد از آن هر

نقطه‌ای ازشیلات را که در اجاره تبعه روس بود ومدت آن پایان می یافت سعی میکرد دیگر باتباع روس اجاره ندهد .

چنانکه عمل کفتانیکوف تاجر روسی که مدت هفت‌سال شیلات گرگانرودرا اجاره کرده و پس از پایان مدت اجاره نمیخواست آنها را بتصرف دولت بدهد مورد اعتراض دولت ایران واقع شده‌واز وزارت امورخارجه بسفارت روس‌چنین مینویسند .

«جناب جلالت نصابا مجدت‌وفخامت انتسابا مخلصان استظهارا مشفق معظما.

«درباب شیل گرگانرود البته جناب سامی مستحضراندکه جمیع شیلات را»

«اعلیحضرت قدر قـدرت.قضا شوکت شاهنشاه اسلام پناه بجناب جـلالت نصاب»

«فخرالمسلمین حاجی مدظله‌العالی بازگذاشته اندکه باید آدمی از خود جناب»

«معظم الیه برسر آنهاباشد چندی پیش بخواهش عالیجاه‌میرزا الکسندر قبول»

«فرمودند که کفتانیکوف رعیت دولت بهیه روسیه تاعید نوروز مشغول صید »

«شده بعد ازعید اسباب خودرا برده درگرگانرود صید ننمایند (وهرگز جناب»

«ایشان بکسی اجازه نداده وحرف وفرمایشی نفرموده‌اند)

«حال‌ازقراریکه بعرض جناب معظم الیه رسیده است‌تاجر مزبور تازه‌اسباب»

«صید بگرگانرودآورده است‌بااینکه مدتی است اسباب صید را عالیجاه میر»

«ابراهیم خان که اورا بمصلحت گزاری نپذیرفتند درآنجا حاضر کرده‌است مقرر»

«فرمودند که‌بآنجناب‌زحمت (دهد که‌بدون‌اذن‌مال‌مختص‌ایشان را عبث‌عبث رعیت»

«دولت بهیه متصرف شود چـه معنی دارد چرا باید بی‌استیذان اسـباب صید را»

آنجا جمع نماید)

« ونظر باقتضای مواحدت دولتین علیتین حکمی بکفتانیکوف تاجر دولت »

«خود مرقوم دارند که اسباب صید خودرا درگرگانرودبرده متعرض صید آنجا»

«نشودوبکسان جناب معظم الیه بازگذارد .

«یقین است که بمقتضای‌مواحدت‌دولتین درینباب مضایقه‌نخواهند فرمود فی۶»

« شهرمحرم‌الحرام سنه ۱۲۵۶ »

«(قسمت های بین پرانتز درحاشیه نامه نوشته شده‌است)

ودر دنبال آن نیز شرحی نوشته میشود که شیلات گرگانه رود به میرزا ابراهیم خان دریا بیگی اجاره داده‌شده است . سفارت روس درجواب اینطور مینویسد :

« عالیجاها رفیعجایگاها دولت و اقبال همراها مجدت و نجدت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظها را مهر بانا

شرحی مشعر براینکه جناب جلالتماب حاجی سلمه‌اله تعالی شیلات گرگانه‌رود را ازعید نوروزباینطرف بعالیجاه میرزا ابراهیم خان اجاره داده‌اند نگارش وارسال داشته بودید رسید ازمضمون آن کما هو حقه اطلاع حاصل گشت دوستدار همان شرح مذکورا ازبرای عالیجاه میرزا الکسندر فرستاد بلی دوستدار اطلاع واستحضار دارد کـه اعلیحضـرت پادشـاهی شیـلات مـازنـدران و گیـلانرا بجنـاب جلالتماب معزی الیه مرحمت و واگـذار فرموده اند اما این عنایت و واگـذاشتن نمیبایست باعث و موجب فسخ و ضرر قـرار داد نامهائیکه قبل ازاین چند نفر ازرعایای دولت بهیه روسیه درآن شیلات بسته‌اندکه بعضی ازآن قرار دادنامهـا بامضای فرامین همایون اعلیحضرت پادشاهی رسیده‌بوده‌است گردد ازاینقرارآنچه دوستدار میتواند بکند این است.

که قرارداد نامه جناب جلالتماب سلمه‌الله را که دراین باب گذاشته اند باطلاع اجاره دهان دولت بهیه روسیه برساند اما برذمه‌خود نمیگیرد ومتعهد نمیشود که جواب بدهد که آیا امنای دولت بهیه روسیه راضی‌خواهند شد که رعایای‌ایشان ازحق‌خود محروم نمایند وازقرار داد خود بگذرند . تحریرافی ۵ صفرسنه ۱۲۵۶»

درپشت صفحه محل مهر وزیر مختار دولت بهیه روسیه ـ دوحامل .

تهدیدات روسها

هروقت بین دولت ایران ومستاجرین شیلات تابع روس اختلافی پیش میآمد سفارت روس درکمال شدت از دعاوی اتباع دولت متبوع خودپشتیبانی مینمود چنانکه درمورداختلافی که بین حاجی میر ابوطالب تبعه روس ودولت ایران پیدا میشود سفارت روس نامه های سختی مبنی برحمایت ازدعاوی میر ابوطالب بوزارت خارجه مینویسد و دولت ایران را تهدید میکند . نامه ذیل نمونه‌ای از آن نامه‌هاست که بعنوان میرزا مسعود «وزیر دول خارجه» نوشته‌است .

«جناب مجدت وتجدت نصابا فخامت ومناعت انتسابا مقرب‌الخاقانا دوستان استظهارا محبان نوازامشفقا

دوستدار امیدوار بوده که در آن تفصیلات که درباب ادعای عالیجاه میر ابو طالب خان تاجر دولت بهیه روسیه بعرض اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی رسانیده بجهت اسباب ضرر و تعدی که جناب جلالتمآب اعتقادی حاجی سلمه الله‌تعالی بمشار الیه رسانیده است درنظر مبارک کافی خواهد بود و حالا که آنجناب شرحی مبسوط مشعر برسئولات چند ازجانب سنی‌الجوانب اعلیحضرت قضا شوکت شهریاری بدوستدار نوشته‌اند برخود واجب میداند که جواب آنرا فقره بفقره نگارش نماید ،

اولا آنجناب نوشته است که بندگان اقدس شهریاری تعجب میفرمایند که چرا دوستدار باوصف انصاف دخیل امری میشود که بدوستدار رجوعی‌ندارد جواب این‌است که دوستدار نیز زیاده ازحد متحیر است که‌بندگان اشرف همایون جایز نمیدانند که دوستدار دخل وتصرف در امری نماید که خیر و شر رعیت دولت بهیه روسیه درآن آشکارا دخیل باشد آیا بر دوستدار لازم نیست که بمقتضای وظیفه وزیر مختار دولت بهیه روسیه حامی حق وحقوق رعایای خود شود و تعاقب نماید آن کسی راکه بـه آنها تعدی نماید چنین اهتمام بعهده دوستدار است و لازم است سعی تمام بعمل آورد .

دویما حالا میخواهند آن سندرا که آنجناب برسم دولتی بسفارت نوشته ضمنا اعلام داشته‌اند که جناب جلالتماب ایشان معترفند براینکه آقا میر صادق دریا بیگی شیلات‌را به برادر خود عالیشأن حاجی میر ابوطالب خان اگذار نموده است که حاج مشار الیه تنها صیادی نماید بی‌اعتبار نموده باشند چگونه دولت علیه ایران میتواند عذر آورد بر صحت امری که وزیر دول خارجه‌اش اعلام نموده است بنا براین باشد بهیچوجه عظمی و اعتباری برای عموم مستندات دولتی ایران باقی نمی‌ماند انصافا از این راهها آسان است برای گذرانیدن امور وقطع نمودن جمیع مطالب اما اگر دولت علیه میخواهد تعهدات خودرا باین طریق بعمل آورده سهو میکند زیراکه این طریقه بگوش ما فرو نمیرود .

مجملا رضای جناب ایشان ازاول اینکار تابحال درقراری بوده است که نگارش میرود بعد ازآنکه از اول راضی شده‌اند که حاجی میرابوطالب خان بجای آقامیرصادق که‌هم برادرش بود و هم شریکش و درمنفعت شیلات‌سهیم . پارسال جناب‌ایشان غفلة بسفارت پیغام‌داد که‌آقامیرصادق مال‌الاجاره شیلات را رسانیده‌ـهل‌است طلب دیوان همایون‌را نیز نداده ومفلس شده‌است باین‌عذرها اجاره آقامیرصادق را برهمزد وشیلات‌را بمیرزااسمعیل داد دوستدار هم حرفهای جناب معظم الیه را باور نموده جهاتیکه برای بهمزدن اجاره بیان کرد حسابی‌دانست وبرخود لازم ندید که بمقام ممانعت ابدی برخیزد که اعتقاد دوستدار جایز بود زیراکه هراجاره باطل خواهد شد همین که از یکطرف خلف تعهدات روی دهد همانوقت دوستدار بقوه‌سولگری رشت نیز اوشت که حاجی میر ابوطالب خان‌را نگذارد که‌مانع صیادی میرزا اسمعیل شود ونیز بنا بخواهش جلالتماب حاجی‌سلمه‌الله بکار

گذاران حاجی ترخان شرحی نوشت که هر نوع حمایت مقرون بقاعده را در فروش محصولات شیلات که میرزا اسمعیل فرستاده است مضایقه ننمایند دو ماه قبل ازاین حاجی میرزا ابوطالب خان با مستندات رجوع سفارت دولت بهیه نمود قبوضات معتبر مقرب الخاقان امیر دیوان وکیل جناب معظم‌را رد نموده مدلل نمود که آقامیر صادق نه بدیوان اعلا ونه بجناب ایشان بهیچوجه مقروض نبوده ومازاد الاجاره شیلات را الی دینار آخر قسط بقسط کسر سازی کرده‌است مقرب الخاقان امیر دیوان ازشیراز مراجعت نموده درهرباب نوشتجات خودرا قبول کرده‌پس معلوم شد که جناب معظم الیه برخلاف حق وحساب اجاره آقا میرصادق را برهمزده و مقصود عمده ایشان ازین بود که مال‌الاجاره شیلات‌را زیاد نموده باشد جناب معظم الیه بواسطه این عمل مایه ضرر وخسارت مستاجر خود شده وچون حاجی‌میرابوطالب‌خان حق مطالبه خسارت ازآقامیرصادق شریك خوددارد سفارت دولت بهیه‌روسیه‌هم طابق قرارداد تازه که باینطریق‌شرط‌شده کازگذاران‌روس طلب‌های‌ورشکسته‌را ازبده کار نش که‌اهل ولایات خوداند چنان مطالبه‌خواهندمثل‌اینکه مقروض‌خود رعایای دولت‌بهیه‌بوده‌باشد بجهت‌دفع‌ضرر وخرابی‌تاجرروس گریبان جناب معظم‌الیه‌را گرفته میگوید که‌چرا اجاره آقامیرصادق‌رابی‌سبب پیش ازانقضاء وعده برهمزده وباین واسطه تاجر دولت بهیه راخانه خراب کرد علت دخل وتصرف آشکارا که دوستدار درامر شیلات مینماید ازقراری بود که نگارش رفت جناب معظم الیه همین که دیدند سفارت مورد بحث شده‌اند خیال کرده‌اند که راه گریز ایشان درانکار کل شیلات که اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری بایشان مرحمت کرده بود آیا اینطور پس دادن شیلات اجاره‌هائیکه سابقاً فی‌مابین جناب ایشان وآقامیر صادق مقرر شده باطل نمینماید حالا بردوستدار لازم‌است که رجوع بدولت علیه نموده ساعی بشود که شیلاتیکه یکسال قبل از انقضای وعده بدون حق وحساب از مستاجر پس گرفته‌اند به‌آقا میر صادق وبرادرش‌رد نمایند .

اعلیحضرت قضا شوکت پادشاهی خود انصاف خواهند فرمود که رفتارجناب جلالتمآب حاجی سلمه‌الله‌تعالی دراینکار ناپسند بوده دوستدار بجز آنکه خواسته باشد تفصیل چنین حرکات جناب معظم الیه را بیان نماید بگفتن این چند کلمه اکتفا میکند که جناب ایشان فاحشاً خلاف باعتماد دوستدار فرموده‌اند که نقول ایشان داشت و مدعی امر بی‌اصل درپیش وزیر مختار اعلیحضرت امپراطوری شده گفتند که آقا میرصادق مفلس است و نگذاشته‌اند دخیل ایزامر شود که مایه خرابی رعیت روس شده وقتیکه چنین اسناد بایستی داده شود که محل اعتماد اعلیحضرت اقدس شهریاری‌است آنوقت حکایت خیلی عمده میشود .

سیما علت اینکه دوستدار چهارده ماه قبل ازاین مانع نشد که شیلات بمیرزا اسمعیل اجاره داده شود مفصل نوشته شد اینکه ایراد میگیرند چرا دوستدار زود تر اظهار ننمود که رعیت دولت علیه نمیتواند بصرفه صیادی کند این نوع ایراد خیلی غریب است آیا جناب معظم الیه بفریاد درنمی‌آیند که چرا دوستدار دخل و تصرف درامری مینماید که رجوع بدوستدار ندارد گذشته ازین فقره آنوقت دوستدار ازکجا بایستی دانسته شود که میرزا اسمعیل میتواند فایده بر دارد یا مایه و سررشته ضرور به این کاررا دارد یانه کار دوستدار نبود که آنوقت این تحقیقات را در حق اوبعمل آورد سفارت دولت بهیه روسیه همین بمقام حفظ اعتبار رعایای روس میباشد اینطور که میرزا اسمعیل مال الاجاره زیاد کرده چنان مفهوم میشود که او در کار خود خیلی مطمئن است و لازمه اسباب‌را دارد که ازشیلات منفعت بردارد وچنانچه حالا نتیجه بعکس بخشیده‌است تصبر خودش‌است خیلی عجیب است که جواب این فقره‌را از دوستدار میخواهند دیگر شکایت دارید که چرا دوستدار ادعای‌خودرا زود تر بمیان نیاورد وتامل کرد تا میرزااسمعیل بموجب فرمان مشغول صیادی شدند زحمات دید خسارتها کشید آنوقت دوستدار بصدا درآمد جواب این‌است همانوقت که دوستدار دلایل آنرا بدست آورد که اجاره آقا میر صادق را بی‌سبب بر همزده‌اند بگفتگو درآمد اگر این دلایل زودتر بدست می آمد دوستدار نمیگذاشت که چنین تعدی روی دهد و جناب معظم الیه فرصت داشتند که نگذارند میرزا اسمعیل خود را در اخراجات بیجا اندازد اینکه نوشته اند میرزا اسمعیل درین بین خانه خراب خواهد شد این رحم ایرا جناب ایشان آنوقت که حاجی میر ابوطالب خان تدارك صیادی‌را دیده بود شیلات‌را از آقا میر صادق برادرش بزور گرفتند ظاهر نفرمودند جناب معظم الیه تاملی درامر مزبور نفرمودند که چنان عمل باعث خانه خرابی دو نفر

شخص محترم باخانه واده ایشان خواهد شد آیامحل تعجب نیست که بجهت رد ننمودن آن چیزی راکه ناحق از کسی بزور گرفته‌اند وبرای حمایت آنکس که بغیر متصرف است چنین بهانه و عذرها آوردن خود میرزااسمعیل باعث خانه خرابی خودش شده‌است . ازتقبل مبلغ کلی محض پامال کردن حاجی میر ابوطالب خان همین میرزا اسمعیل بقدر ۵۰ هزار تومان اسباب صیادی مشار الیه‌را بتوسط آدمهای خود بسرقت برده‌است‌حالا اگر بخواهند دوستدار باحوال چنان بی‌مایه رحم نموده بجهت اوچشم ازحقوق رعیت روس بپوشد چنین عمل ازجانب دوستدار دلیل ساده لوحی خواهد بود

باعتقاد دوستدار بیکراه میتوان بمیرزا اسمعیل خوبی کرد یعنی یکدقیقه زود شیلات‌را از اوگرفت و نگذاشت که بالمره خانه خراب شود دیگر دوستدار بجهت استخلاص او ازقرض کلی‌اش که برعایای روس دارد امروز بحاجی طرخان خواهد نوشت که آنچه ازمحصول شیلات دارد ضبط نموده بقدر تنخواه حاجی میرابوطالب خان وسایر طلبکاران روس خراج نمایند چهارم آنجناب نوشته است که جناب جلالتماب دوستان نوازی حاجی سلمه‌الله تعالی پیش ازوقت بسفارت دولت بهیه اعلام نموده بوده‌است که میخواهد شیلات‌را ازآقا میر صادق پس بگیرد این فقره بالمره بی‌اصل‌است زیرا وقتیکه جناب معظم الیه در پس گرفتن شیلات افتاده اند حاجی میر ابوطالب خان برسر سیدگاه بود ولازمه تدارك را هم دیده بود چنانچه دوستدار آنوقت ازحرفهای بی‌پای جناب ایشان فریب خورده بقونسولگری رشت نوشته‌است که میرزا اسمعیل‌را درشغل صیادی خود آسوده گذارده مماهات ننمایند وچنانچه آنوقت ازجانب تاجر خود ادعاعی ننمود بعلاوه بکارگذاران حاجی تر خان سفارش میرزااسمعیل را نوشته‌است وحسن اهتمام دراین‌امر جناب معظم الیه که‌درنظر دوستدار حق می‌آمد ظاهر کرده‌است اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی این رفتار دوستداررا باید حمل بر صداقت دوستدار فرمایند ودلیل اعتماد دوستدار بدانند که درقول جناب ایشان داشت اما اگر جناب معظم‌الیه‌بگویند که دوستدارتحریراً یاتقریراً وعده کرده است که دخل وتصرف درامر شیلات ننماید صراحت دروغ چنان حرف را ظاهر و آشکارا خواهد نمود در عالم کاری نیست که دخلی برعایای‌روس داشته باشد ودوستدار نتواند مداخله درآن کار نماید .

پنجم اعلیحضرت بندگان اقدس همایون‌را اعتقاد این‌است که این طایفه حاجی میر ابو طالب خانی‌سالی هفتاد هزار تومان مداخل خالص از شیلات داشته‌اند دوستدار میتواند اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی را معاضد سازد که هرکس چنین عرض نموده است محض کذب وکذبٌ محض بوده است بهترین راه تنبیه چنان اشخاص اغراق گواین است که شیلات را به‌آنقیمة به‌آنها بدهند تا مداخل‌خالص شیلات را درست بدانند بهترین طریقه تادیب آنها این است که نگارش نمود وهرکس جسارت نموده عرض کند که آقامیر صادق وبرادرش بدیوان اعلی آنچه بایستی بدهند نداده‌اند دروغ این معنی ازروی قبوضات که دردست است ثابت خواهد شد چنانچه مدعی برآنند که هرچه حاجی میر ابوطالب خان دارد از پرتو التفات ایندولت جاوید مدت است دوستدار اینفقره را اقرار ندارد اگر از اولیای دولت چیزی باو رسید است همین خسارت کلی است وتعدی نمایان دوستدار راگمان این است که این تفصیلات بجهت جواب جمیع فقراتیکه درشرح آن جناب مندرج بوده کافی است دوستدار امیدوار است که بندگان اقدس همایون شهریاری ازروی کمال ارادت ومروت حکم برحقیقت این ادعا فرموده قراری خواهند دادکه بمقتضای انصاف سزاوار شوکت و شأن دولت علیه این گفتگو از میان جناب جلالتماب حاجی سلمه‌اله تعالی وسفارت رفع شود . چیزیکه بر دوستدار باقیست که از آنجناب توقع نماید این است که زحمت کشیده ازجانب دوستدار این چندفقره طریقه گذرانیدن این امررا که درنظر دوستدار مصلحت طرفین‌است معروض حضور معدلت دستور اعلیحضرت قضاشوکت شهریاری دارند .

طریقه اول حاجی میر ابوطالب خان بجای برادر خود آقامیر صادق یکسال ازوعده اجاره‌نامه به آخر مانده‌است درشیلات صید نماید وعلاوه برآن دوسال هم عوض‌خسارت صید پارسال نماید .

دویم اگر اجاره نامه فی‌مابین جناب معظم‌الیه وآقا میر صادق منعقد شده باید باطل شود بجهة رفع خسارت لااقل فرمانی وسید یکسال نیز به وعده بیفزایند و مال الاجاره آن عوض سالی پنجهزار تومان که بجناب معظم الیه داده شده همان هشتصد وپنجاه تومان که درفرمان مبارك مرقوم است مطالبه نمایند اگر اعلیحضرت قدرقدرت پادشاهی مصلحت دانند کل شیلات را سوای آنها که در اجاره سوجایف است بخود حاجی‌میر ابوطالب

خان بچهارده هزار تومان ده ساله یاهشت ساله اجاره بدهند مشروط براینکه مشار الیه ازجانب خود و برادرش ازمطالبه خسارت دست بردارندوهزار تومان هم پیشکش بدهد

چهارم چنانچه رای مبارك قرار بگیرد که کل شیلات رابحاجی میر ابوطالب خان اجاره ندهند لااقل سفید رود تنها را ده ساله زقرار سالی چهار هزار باو اجاره بدهند مشروط براینکه مشار الیه ازجانب خود و برادرش ازمطالبه خسارت بگذرد .

پنجم یا اینکه عوض خسارت سفید رودرا دوساله بدون وجه اجاره بحاجی میرابوطالب واگذار نمایند اگر بندگان اقدس همایون پادشاهی بهیچوجه راضی نشوند که شیلات بدست تاجر دولت بهیه روسیه باشد دوستدار استدعا دارد که بعد از آنکه از روی انصاف سیاهه که حاجی میر ابوطالب خان بسفارت قدرکل خسارت مشخص شده را نقدا مرحمت کنند تکلیفات مختلفه دوستدار ازقراری بود که نگارش نمود متوقع است که همدرا بحضور مبارك معروض داشته باشد چنانچه هیچیك از این تکلیفات درخاطر مبارك مستحسن نیفتد دوستدار لابد خواهد شد که موافق قرار داد تازه بجناب جلالتماب حاجی مدعی شده ومراتب را بدولت بهیه عرضه دارد زیاده چه مصدع شود تحریرا فی شهر ربیع الاول سنه ۲۶۱ »

التماس حاجی میرزا آقاسی

باتمام کوششی که حاجی میرزا آقاسی برای جلوگیری ازدخالت روسها بعمل میآورد نمیتوانست جلو اخلال وکارشکنی آنهارا بگیرد وسرانجام نامه تضرع آمیز ذیل‌را بوزیرمختار روسیه نوشت وازاو میخواهد که از تجاوز ودست اندازی مأمورین روس در امر شیلات جلوگیری نماید .

نامه حاجی میرزا آقاسی به « کنیاز دولغاروکی » وزیرمختار روس

« جناب‌جلالت ونبالت‌نصابا محبان استظهارا دوستان‌اعتقادا مشفقامعظمامهربانا »
« قریب دوسال میشود که دوستدار بتوسط جناب جلالتمآب غراف مدم وزیر »
« مختار سابق دولت بهیه روسیه بحضور شرافت دستور اعلیحضرت قدرقدرت‌قضا »
« شوکت امپراطور خجسته طور اعظم‌اکرم عرض‌واستدعانمود که چون امرمعیشت »
« ومخارج من باید ازممرحلال بگذرد ودیناری‌ازمداخل ومالیات‌ممالك محروسه »
« ابرانرا برخودحرام میدانم‌اعلیحضرت‌قدرقدرت‌قضاشوکت‌شاهنشاهی‌خلداله ملکه »
« وسلطانه وافاض علی العالمین یده و احسانه شیلات بحرخزر از اترك تاآستارا »
« راکه داخل انفال‌است وموافق شریعت‌مطهره‌اسلام‌بمن‌میرسد‌بموجب فرمان‌جهان »
« مطاع بمن واگذار فرموده اند اعلیحضرت امپراطوری درعوض اینکه من خیر »
« خواه دولتین واخلاص‌کیش حضرتین‌هستم مقتضی همم عالیه ملوکانه‌آنست که مرا »
« مشمول‌هرنوع عوارف وعواطف‌خود فرمایند احکام‌مطاعه اعلیحضرت‌امپراطوری »
« صادر شود که تبعه آندولت بهیه بهیچوجه من الوجوه مداخله درامر شیلات بحر »
« خزرنکرده گذارند که مستاجرین‌شیلات مزبوره درکمال‌فراغت‌وآسودگی‌مشغول »
« امرصیادی وسماکی بشوند که بتوانند ازعهده اجاره برآیند وآنچه‌ازتبعه‌آندولت »
« بهیه بیشتر متعرض شیلات‌برخلاف حساب شده اند ازعهده‌غرامت برآیند‌درینباب »
« هروقت ازجناب معزی الیه مطالبه جواب شد بعذر و بهانه متمسك شده جوابی »
« کافی وشافی ازجناب معزی الیه استماع نیفتاد چنانچه درباب قراسیمف که‌چند »
« سال باترك وگرگان وقلتق استراباد‌آمده صید میکرد هرقدر مطالبه خسارت »

« شد و جناب معزی الیه وعده وصول فرمودند اما وفانکردند بسوجایف حاجی »
« ترخانی که در رودخانهای مازندران صید میکرد بجناب معزی‌الیه اظهار شد که »
« اولا مشار الیه ورشکسته ومفلس‌است‌وبدون اذن واجازه من صیادی رودخانهای »
« مازندران را بدیگری درعوض طلب واگذار کرد و مخالف قرارداد او رفتار »
« نموده است بقاعده هردولتی اجازه‌آن باطل است ثانیاً موافق سواد فرمان که »
« دردفترخانه مبارکه‌ثبت است‌اجاره سوجایف منقضی‌شده‌است اگرسخنی‌درینباب »
« دارند اصل فرمان مبارك را ابراز کنید تامعلوم شود ابراز نکردند و برخلاف »
« حساب همچنان‌مشغول صیادی رودخانهای مازندران شدند درگیلان‌بااینکه سفید »
« رود دراجاره عالیجاه حاجی میرصادق دریابیگی رعیت دولت علیه‌ایران بود و »
« بعلت نرسانیدن وجه‌اجاره‌باوفسخ‌اجاره شده باجاره‌عالیجاه میرزااسمعیل میزان »
« آقاسی گیلان داده بود و جناب معزی الیه نوشتجات دولتی که در دست است »
« مستحضرشده خود سفارشات مؤکده درباب عمله وصیادی وفروش ماهی‌باوداده »
« بودند ومشار الیه مبالغی کلی‌اسباب صیادی تدارك کرده‌یکسال هم درآنجاصید »
« کرده بود مع ذلك جناب معزی الیه بطور های ناخوشی بر خواسته بعنف از »
« اولیای دولت علیه سفید رود راکه سالی پنجهزار تومان اجاره دارد سه ساله »
« سالی هشتصد و پنجاه تومان برای عالیجاه حاجی میرصادق اجاره گرفتند واگر »
« آنجناب درینباب غوررسی باشند نوشتجاب ومستندات همه حاضراست وبملاحظه »
« آنجناب خواهند رسانید . »

« علی ای‌التقادیر درعوض اعانت وحمایت بطوری جناب معزی الیه بی‌اعتنائی »
« فرمودند که مداخل شیلات که سالی‌قریب‌پانزده هزار تومان میشد پنج شش‌هزار »
« تومان بیشتر عاید دوستدار نشد وازبس بخلاف حساب‌تبعه آندولت بهیه مداخله »
« در امر شیلات دوستدار کرده اند وبدون اذن و اجازه و اجاره آمده اند صید »
« نموده اند چنانچه همین‌روزها آمده‌اندبسان کاله(؟)صید مینمایند که‌بآنجناب اظهار »
« شدوکاغذ دادند کسی جرئت نمیکند شیلات را اجاره نماید چنانچه درهمین اوقات »
« ده دوازده کشتی ازتبعه دولت بهیه روسیه‌آمده‌اندالی اشرف بدون حق وحساب »
« صید مینمایند لهذا نظر بکمال اتحادی که فیمابین دوستدار و آنجناب است و »
« دوستدار آنجناب را شخص بزرك و نجیب وعاقل و صاحب مدرك و با انصاف »
« میداند ونهایت اطمینان‌واعتقاد بدوستی‌آنجناب دارد درین باب که‌امردولتی‌نیست »
« ومتعلق بدوستداراست ازآنجناب سئوال میکند که‌اگر دوستدار را محق‌میدانند »
« وشیلات بحر خزر را متعلق بدوستدار میسازندنظراهتمامی گماشته هرچه‌بیشتر »
« درینباب‌تعدی واجحاف شده است گرفته وقدغن شدید بفرمایند که‌بی‌اذن ورخصت»
« دوستدار درهیچ مکان از فرضات وسواحل‌بحرخزر ازاترك تاآستارا تبعه دولت »
« بهیه روسیه مشغول صیادی نشوند و آنچه صفاین (کذا) تبعه دولت بهیه روسیه »
« برای صیادی آمده اند معاودت نمایند اگر آنجناب دوست مشفق معظم خاطر »
« جمع‌اند که آنها اطاعت بحکم آنجناب خواهند کرد وصیادان مزبوره مراجعت »

« خواهند نمود دوستدار را مطمئن سازند واگر میدانند که آنها بحکم آنجناب »
« نخواهند کرد وبزور خود مرتکب این عمل میشوند اذن بدهند که خود درینباب »
« عریضه بحضور سعادت دستور اعلیحضرت امپراطوری عرض کرده رفع این تعدیات »
« از عدل و انصاف ملوکانه اعلیحضرت امپراطوری مستدعی شود چون لازم بود »
« مصدع شد متوقع است که جوابی بزودی در ینباب مرقوم و ارسال دارند »
تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲٦۲
(درحاشیه این نامه عبارات ذیل هم نوشته شده)

« اما ازاینکه بحمدالله تعالی آنجناب دوست مشفق معظم بحسن انصاف ونیکی »
« اخلاف موصوف ومعروفند وبهیچوجه راضی بضرر دوستدار نیستند انشاءالله چه »
« در باب قراسیمف چه درامر سوجایف چه درکارسفید رودقرارمنصفانه خواهندداد »
« وبزودی تدارك خسارتهای گذشته را خواهند فرمود و از برای آینده حکمی »
« موکد صادر خواهند کرد که ازصیادان وغیره صیادان دولت بهیه روسیه بدون »
« اجازه واذن دوستدادصید ننمایند وازاین راه ضرر بدوستدار نرسانند تادوستدار »
« درکمال اطمینان وخاطر جمعی بتواند شیلات رابآدم معتبری اجاره بدهد واورا »
« ازخلاف حساب مطمئن سازد . تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲٦۲ »

سفارت روس درجواب نامه زیررا بحاجی میرزا آقاسی نوشته و وعده میدهد که ازعملیات کسانیکه بدون اجازه مشغول صیادی هستند جلوگیری کند.

« جناب جلالت ونبالت نصابا کفایت وکفالت انتسابا محبان نوازامعظم مشفق مکرم عالیمقاما

شرح آنجناب دوست مشفق معظم رسید درضمن آن بطرین دوستانه اشاره رفته بود از شکوه وشکایت حرکات تجاوز درامر صیادی که ازبعضی تبعه روسیه درسواحل بحر خضر بظهور میرسد برحسب خواهش آنجناب مشفق معظم ، دوستدار بلاتامل بعالیجاه دریابیگی خواهد نوشت که اسامی آنکسانرا معلوم کند که مرتکب بعمل صیادی شدند درجاها ومکانی که غیر مقرر درفرمان مبارك که بسوجایف داده شده ودرصورتیکه برخلاف مضمون آن رفتار شده عالیجاه مشار الیه درمقام ممانعت بر آمده قدغن نماید که موقوف کنند درباب اصل فرمانی که بسوجایف داده شده است دوستدار بعالیجاه بیکلر بیگی حاجی طرخان خواهد نوشت که آنرا گرفته ارسال دارد تامنتهای دقت وغور رسی نسبت بوعده اجاره که اولیای دولت قاهره بسوجایف داده بعمل آید بهر طور باشد آنجناب میتوانند متقاعد باشند که سفارت دولت بهیه روسیه هرگز درصدد آن نخواهد بود که ضرری یانقصانی بصرفه مخصوص آنجناب برسد ودوستدار تکلیف ووظیفه خود را میداند که حسب الاظهارآنجناب شرح مذکوررا باطلاع اولیای دولت بهیه روسیه برساند . زیاده مصدع نشد — تحریراً فی ٤ شهرربیع الثانی سنه ۱۲٦۲ »

اختلاف حاجی میرزا آقاسی باروسها تاپایان حل نشد وهمیشه شکایت و اعتراض طرفین باقی بود .

یکی دیگر ازنامه‌های سفارت روس دراین مورد که دراواخر بحاجی میرزا آقاسی نوشته شده این است .

« جناب شوکت وجلالت نصابا عظمت وحشمت مآبا دوستان استظهارا محبان نوازا مشفقا مکرما معظما

شرح آنجناب مشعر برشیلات بحر خزر که ازروی اجاره نامجات عدیده صیادی آنها بتوسط ودستیاری سفارت دولت بهیه برعایای روس وایران واگذار شده رسید درباب شیلات سفید رود برخلاف آرزوی دوستداردر عمل آوردن رضای آنجناب اجاره نامه فیما بین جناب سامی ومرحوم حاجی میر صادق متضمن شرایط میباشد

که دوستدار را امیگذارد راضی بر بطلان آن قبل از انقضاء وعده بشود زیرا که گذشت حاجی میرابوطالب خان ازمطالبه خساراتیکه بعلت برهمزدن دولت علیه اجاره‌نامه قدیم باو رسیده بود مشروط براین بود که تعهدات مندرجه دراجاره نامه دو سال قبل بعمل آید بناء علیه وفات حاجی‌میر صادق نباید ضرر بخیر اولاد اووبرادران اوکه رعایای دولت بهیه روسیه هستند و حق حمایت از دولت بهیه دارند برساند عدالت مشهوره آن جناب مشفق مکرم دوستدار را متقاعد میسازد که آن‌جناب مشتبه نخواهندشد برسر جهاتیکه دوستدار را مجبور دارد اینگونه جواب بنویسد و بجهة اینطور رفتار دوستدار که از روی مروت و انصاف است تغییر اعتقاد در حق دوستدار نخواهند داددر خصوص اینکه مرقوم‌داشته‌اند سوجایف رعیت دولت بهیه برخلاف التزام که داده است همین‌درآبهای مفصله‌در فرمان مبارك سیدنماید تجاوز میکند دوستدار دراین‌باب شروح‌موکده هم‌بدریابیگی‌دولت بهیه روسیه وهم بقونسول استراباد که مراتب اخلاص اوبه‌آن‌جناب معلوم‌است نوشته است و بعلاوه صرارنوشته است که اصل فرمان که در دست سوجایف است بسفارت بفرستد تامشخص شود وعده‌آن‌که باعتقاد آن جناب تغییر داده شده است زیاد چه مصدع شود فی هشتم شهر صفرسنه ۱۲۶۳ ،

جواب حاجی میرزا آقاسی نیز باین شرح است .

«جنابا

« مختصر شرحی که‌در جواب کاغذمفصل دوستدار که در باب شیلات بحرخزر »
«بآنجناب اظهار داشته بود در هشتم‌شهر صفر درباب‌سفیدرود مرقوم وارسال‌داشته »
«بودند که برخلاف آرزوی آنجناب درعمل آوردن رضای دوستداراجاره‌نامه‌فیمابین»
«دوستدار ومرحوم حاجی میرصادق دریابیکی متضمن شرایطی می‌باشد که آن‌جناب»
« را نمی گذارد راضی بر بطلان آن قبل‌ازانقضاء وعده شودزیرا که گذشت حاجی‌میر »
«ابوطالب‌خان‌ازمطالبه‌خساراتیکه‌بعلت برهمزدن‌دولت‌علیه‌اجاره‌نامه‌قدیم‌باورسیده‌بود»
« مشروط براین بود که تعهدات مندرجه در اجاره‌نامه که سال قبل‌بعمل‌آمد رسید»
« لازم شد بجواب مصدع آید که دوستدار چنین‌ازمحبت ومودت‌جناب سامی وحسن»
« انصافی که‌دارند توقع نداشت که غورسی‌نکرده‌بسنت جناب غراف‌مدم وزیرمختار»
«سابق‌عمل نمایند ومیرابوطالب‌خان رامحق درمطالبه خسارت‌بعلت برهمزدن اجاره»
« بدهند حقیقت ماجرا این است که اولا تامرحوم دریابیگی‌بکربلای معلی نرفته »
«بود مرحوم حاجی میرابوطالب‌خان‌اصلا ادعائی‌نداشت که شیلات راقبل از انقضاء»
« وعده دوستدار از دست دریابیگی گرفته وباینواسطه ضرر وخسارت باورسیده »
« اما همینکه دریابیگی‌بعلت بیست‌هزار تومان وجه‌اجاره که از سابق مانده بود و»
«دوستدار از او مطالبه می کرد فراراً بکربلای معلی رفت حاجی میرابوطالب‌خان»
«بمیدان آمد ومدعی براین‌شد که‌شیلات‌رادرانقضاء وعده‌سه‌ساله که مقرب‌الخاقان»
«امیردیوان اجاره‌دار بود دوستدار پس گرفت‌وباین‌واسطه‌ضرر باورسانید:وستدار»
«هرچه بجهة اثبات چنین دعوی از حاجی میرابوطالب خان دلیل وبرهان و سند »
«خواست بغیر ازعربده وتهدید ونوشتجات تندوتلخ جناب‌مدم چیزی مشاهده نکرده»
«دوستدار بجهة رفع عربده‌جوئی ومعرکه آرائی که هرروز جناب غراف‌مدم برپا»
«می کرد وشیل سفید رود را بوعده سه‌ساله باین‌خیال داده که هروقت دریابیگی »
«مراجعت نماید اگر مصدق دعوی برادرش باشد از خود اودلیل وبرهان و سند»
«بخواهد واگر منکر دعوی برادرش باشد خود دریابیگی‌ازعهده‌شلتاق وناحسابی»

«برادرش بر آید بعداز مراجعت دریابیگی مجال این گفتگوها نشد تابرحمت خدا »
«رفت حالاهم که جناب سامی غور نفرموده‌چنان می‌دانند که دوستدارقبل‌از انقضاء »
«وعده سه‌ساله شیلات را ازدست دریابیگی پس گرفته است ومی‌ترسیدجناب غراف»
«مدم نزد اولیای دولت بهیه روسیه هم دوستدار را بدنام کرده‌باشد لهذااز آنجناب»
«توقع دارد که مجلس اجلاسی قرار بدهند ومستندات‌دوستدار ودریابیگی راملاحظه»
« نمایند چنانچه دوستدار قبل از انقضاء وعده ازدریابیگی‌شیلات راپس گرفته‌باشد»
« دوستدار وجه اجاره شیل سفیدرود وطلب سابق خود را مطالبه نخواهد کرد و »
« هرگاه حق بادوستدار باشد احقاق حق فرمایند ومبلغ بیست هزارتومان طلب »
« سابق ومنافع این‌مدت که شیل سفیدرود رادرتصرف داشته‌اندبگیرندوبدوستدا »
« برسانند خلاصه از جناب سامی متوقع است که‌یامجلس‌اجلاس درینباب قراربدهند»
« یامقرر دارند شیل سفید رود را بتصرف کسان دوستدار بدهند یا مقرر دارند »
« محصول سفید رود رادخل وتصرف ننمایند برسم‌امانت‌درحاجی‌ترخان نگاهدارند»
« تادوستدار چگونگی رابدربار پطرزبورغ عرض نموده‌ازآنجا آنچه حکم برسد »
« از آن‌قرار معمول شود دیگر سالی پنجهزارتومان گمرک‌ماهی میشود که‌سه‌ساله»
« پانزده هزار تومان می‌شود قراری نیز باید در این‌باب داده شود زحمت کشیده »
« جوابی مطابق سئوال زودی مرقوم دارند که تکلیف خود را بداند چون لازم »
« بود مصدع جناب سامی شد تحریراً فی‌شهر ربیع‌الثانی سنه۱۲۶۳»

ولی گویا هرچه حاجی میرزا آقاسی بیشتر التماس ودرخواست می کرده روسها بعملیات خلاف‌آمیز خود بیشتر ادامه میدادند که در تاریخ شعبان سال ۱۲۶۳ نامه ذیل را نوشته وبآنها میگوید

«هل جزاءالاحسان الاالاحسان »

این نامه را حاجی میرزا آقاسی باخط خود بوزیر مختار روسیه نوشته است.

« بتاریخ ۱۰ شعبان‌المعظم سنه ۱۲۶۳

« جناب جلالت ونبالت نصابا مجدت و نجدت اکتنابا کفالت و کفایت انتسابا »
« دوستان نوازا محبان اعتقادا جنابا
« جنابا بعداز مدتها که انتظار کشید عالیجاه‌میرزااسمعیل میزان‌آقاسی گیلان »
« را که همه امور و املاك و شیلات دوستدار در دست اوست معطل »
« نموده خسارتها حاصل آمد جواب مراسله دوستدار را بآن نحو »
« نگاشته بودند خدای آفریننده آسمان وزمین‌عالم است که دوستدارعاشق مال »
« دنیا نیست والا چرا همیشه مدیون‌ومقروض بودمرا خیال اینکه چهارده سال‌است»
« بصداقت بهردو دولت عظمی بی طمع وتوقع خدمت میکنم که این خدمت کلیه »
« منظور اولیای دولتین علیتین است‌غافل‌ازاینکه بقدرسوجایف در دولتها اعتباری»
« واحترامی نداشته‌ام زحمت داده بودم که‌اگر سایر شیلات‌است موعد آنهامنقضی»
« گشته واز آستارا الی گرگان واترك‌همه‌شیلات‌میباشدومستاجرین آنجا هااسبابی»
« دارند وآدم دوستدار باید تدارك صید واسباب آنرا نماید فردا کسان مستاجرین »

« خواهند گفت که آدمهای دوستدار فلان چیز را بردند و فلان چیز را تصرف »
« نموده ومایه دردسر خواهد شد نوشته آنجناب جلالتمآب محبان نوازی بدهند »
« که بعداز فلان مدت دیگر کسان مستاجرین مداخله در شیلات نبایدبکنند واسباب»
« واشیاء خودرا جمع آوری نموده بروند ومانع کسان دوستدار نشوند که آنها انبار»
« واسباب آنجا را سرانجام نمایند ودر میان بیجهة گفتگو نشود وباعث پر زحمت»
«دوستدار وسرکار آنجناب جلالتمآب نشوددر این باب هیچ حکمی نفرموده بودند»
«واگر شیل سفیدرود است که جناب غراف مدم محض تعدی ازدست دوستدار گرفته بحاجی»
«میرابوطالب خان داد که نه باوشیل داده بودند و نه اوحرف میتوانست بزند باری مضی مامضی»
« نزدیك بانقضاست وباید تدارك وصیادی آنجا از حالا دیده شود بآنجناب جلالتمآب »
«زحمت داد که اگر حرفی باقی نمانده حکمی بکسان مستاجرین مرقوم دارید تا برای دوستدار»
«اطمینان حاصل شود تا تدارك صید پیش ازوقت دیده شود هنگام رسید موعد معطلی حاصل»
« نگردد والا باز حرف بمیان خواهد آمد وخسارت کلیه خواهد رسید آنوقت »
« اختیار باسرکار جناب جلالتمآب خواهد بود که دوستدار بحول الله تعالی احتیاج »
« چندان بشیل وشیلات ندارد خلاصه توقع از آنجناب جلالتمآب در مقام دوستی این»
« است که حکمی بحاکم حاجی ترخان مرقوم فرمایند که اگر اسبابی یاعمله برای»
« عالیجاه میرزا اسمعیل میزان آقاسی گیلان ضرور باشد ممانعت نکرده بلکه معاونت»
« وتقویت نمایند دیگر بعالیجاه بلند جایگاه قونسول گیلان مرقوم فرمایند که »
« هنگام موعد باید شیل سفیدرود مفوض بعالیجاه میزان آقاسی شود دیگر حرف »
« وگفتگوئی بمیان نیاورند دیگر بعالیجاه بلند جایگاه دریابیگی استرابادبهمین »
« مضمون این طغرا نوشته مرا مرقوم میدارید که دوستدار هم پولی میدهد و اسباب و»
« مایحتاج تدارك می کند دیگر من بعد سالی اقلا یکصدهزار تومان ضرر شیلات را»
« نمی کشد ومنفعتی تحصیل می نماید واگرمرقوم نمیدارید بیجهت زحمت نکشد و »
« پول مفت خرج ننماید جواب کاغذ دوستدار این است والا دوستدار میداند که »
« سال تمام است شیلات مال دوستدار راسوجایف یاغیر متصرف می باشند و ضرر »
« بدوستدار میرسد وبدولت فخیمه روسیه هیچ عاید نمی شود واولیای دولت ایران»
« هیچ اطلاع ندارند که دوستدار دراین نه سال چقدر ضرر برای خود قبول نموده »
« حرفی بزبان و بیان نیاورده - زیاده مصدع نیست هل جزاء الاحسان الا الاحسان»
باقی ایام جلالت مستدام »

امیر کبیر و شیلات

یکی ازکارهای میرزا تقی خان امیر کبیر در دوران صدارت خود جلوگیری از توسعه نفوذ و کوتاه ساختن دست خارجیان از امور ایران بود.

بی ترتیبی وضع شیلات و دخالت نمایندگان سیاسی و کنسولی روسیه تزاری در امور آن بعنوان حفظ منافع اتباع روس ازموضوعاتی بود که امیر باصلاح آن توجه خاصی مبذول می داشت.

امیر کبیر برای این منظور تصمیم می گیرد شیلات را بمیرزا ابراهیم‌خان دریابیگی تبعه ایران اجاره داده واورا مسئول این کار بداند .

بدستور امیر کبیر میرزا محمدعلی‌خان نایب اول وزارت امور خارجه درماه ربیع الاول ۲۶۵ نامه ذیل را بوزیر مختار روس می نویسد وضمن اطلاع این تصمیم از او می‌خواهد که « کمال اعانت وحمایت را از میرزا ابراهیم‌خان و کسان او بنمایند »

« جناب جلالت ونبالت نصابا مجدت وفخامت انتسابا مخلص استظهارا مشفقا معظما »
« جناب جلالت‌مآب اتابك اعظم امیر کبیر دام اجلاله خودشان شیلات بحر خزر را از »
« آستارا الی اترك باجاره دادند عالیجاه میرزا ابراهیم خان دریابیگی رعیت »
« دولت علیه ایران از اینکه باید اسباب صیادی ازحاجی طرخان بیاورد وتهیه و »
« تدارك خودرا آن‌طرف‌ها نماید لهذا از آن جناب متوقع است که شرحی در سفارش »
« او بحاکم حاجی طرخان مرقوم دارند که اسباب صیادی که عالیجاه مشارالیها »
« می‌خواهد باینطرف‌ها بیاورد ممانعت ننمایند و کمال اعانت وحمایت را از او و »
« کسان او بنمایند و نیز سفارشی ببزرگ سفاین حربیه قلمی دارند که عالیجاه »
« مشارالیه را مستاجر شیلات بحر خزر دانند که دیگری در امر شیلات مداخله »
« نداشته باشد چون لازم بود خدمت آن‌جناب مصدع آمد تحریراً فی‌شهر ربیع الاول »
« سنه ۱۲۶۵ ».

موضوع اجاره دادن شیلات بحر خزر به میرابراهیم‌خان مورد اعتراض وزیر مختار روس واقع شد و بعناوین مختلف در صدد شکایت و کار شکنی بر آمدند ـ وزیر مختار روس بامیر کبیر چنین مینویسد .

«آنجناب میدانند که عالیجاه میر ابراهیم‌خان که امر صیادی در بحر خزر باو واگذار شده است اقوامیکه تبعه دولت بهیه روسیه میباشند دارد فیمابین ایشان وعالیجاه مشارالیه اموال موافق قاعده و قانون تقسیم شده‌است وباین جهة جواب استعمال مایملك که آن ها جمع‌المال می‌باشند در عهده عالیجاه میرابراهیم خان است و شارالیه نمی‌تواند که اقوام خود را از منافعی که ازاین معاملات حاصل می‌شود محروم سازد از روزیکه جناب سامی اراده ظاهر فرموده بودند که شیلات مزبوره را بعالیجاه مشارالیه تفویض وواگذار فرمایند دوست‌دار بجناب سامی حالی وخاطر نشان نمود مرارتهائی راکه از برای دولتین بهیتین حاصل خواهد شد از روابط خویشی وقرابتی که تبعهٔ روسیه باعالیجاه میرابراهیم‌خان دارند در این اوقات عالیجاه میرتقی ودونفر دیگر اولاد مرحوم حاجی میرابوطالب خان نزد قونسول اعلیحضرت امپراطوری مقیم دارالمرز رشت در مقام شکوه و شکایت برآمدند که عالیجاه میرابراهیم خان در رسانیدن حصه ورسدی که از مایملك ایشان بهم میرسد مطالعه نمی‌نماید حتی محاسبه استعمال اموال مزبوره را نیز پس نمی‌دهد .

لهذا موافق عرایض واصرار ایشان عالیجاه رفیع‌جایگاه قونسول معزی‌الیه بجهة حفظ صرفه رعایای روسیه لابد شده که باطلاع سرحددار دولت علیه‌ایران موازی بیست‌ودوتای سریش‌ماهی که میرابراهیم‌خان می‌خواست بخاك روسیه بفرستد ضبط ونگهداری نماید دوستدار بعالیجاه قونسول حکم‌داد که لازمه تدبیرات را از برای محافظت رعایای روس ازبی‌حسابی وخودسری عالیجاه میرابراهیم‌خان بکاربرد عالیجاه معزی‌الیه آن‌چه که حق وکیفیت امورات اقتضا مینماید البته بعمل خواهد آورد ولی دوستدار باید آن‌جناب مشفق مهربان را مطلع و مستحضر نماید از عملکیه ترضیه‌فوری وعبرت از برای سایرین باشد اقتضا میکند عالیجاه میرابراهیم خان بدو نفر ازکسان خود میرمهدی ومیراسمعیل خان در انزلی حکم داده بود که امهار قونسولگری که اجناس ضبطی به آن‌ها ممهور بود بشکنند این نوع رفتار مقتضی آنستکه هیچ دولتی نمی‌تواند متحمل‌شد لهذا از جناب‌سامی

متوقع است که بکارگذاران اعلیحضرت ایمپراطوری رضامندی که ایشان حق‌دارند مطالبه نمایند بدهندعالیجاه غراف صاحب که همین مراسله را بنظر جناب سامی‌خواهد رسانید مامور است که به‌آنجناب جلالتماب دراین باب گفتگو نماید چون‌لازم بود مزاحم گشت تحریرا فی‌سیم شهر شعبان المعظم ۱۲۶۵ »

امیر کبیر باین اعتراضات ترتیب اثر نداد و برای مدت چهار سال شیلات را به میرابراهیم‌خان دریابیگی اجاره دادوهروقت اتباع روس درامورشیلات دخالت‌میکردند از اینکار جلوگیری وبسفارت‌روس اعتراض میکرد .

چنانکه در نامه ای بتاریخ ماه رجب ۱۲۶۶ بوزیر مختار روس مینویسد

« حاجی‌عباس نام‌گیلانی ساکن‌استراباد که ازجانب‌میرابراهیم‌خان‌دریابیگی مباشر »
« امور شیلات استراباد است عریضه‌ای خدمت‌اولیای دولت قاهره نوشته است که در »
« این اوقات که‌دونفر از رعایای‌دولت‌بهیه روسیه یکی‌مسمی به‌پسر کفتان نیك و »
« دیگری عامل مسمی به‌متکالف‌باچند فروند کمی‌وارداستراباد شده‌مداخله درامر »
« شیلات مینمایند وخلاصه از قیمت‌متعارفه‌ازطایفه ترکمانیه خریداری‌ماهی مینمایند »
« از اینکه شیلات استراباد ازاترك الی آستارا دراجاره عالیجاه میرابراهیم خان »
« است واینطور رفتار خلاف قاعده وحساب‌است لذا ازجناب سامی متوقع است که »
« زحمت کشیده شرحی بدریابیگی مرقوم دارید که قدغن نماید تبعه دولت بهیه »
« روسیه ماهی از طایفه ترکمانیه خریداری ننمایند و اگر طایفه ترکمانیه صید »
« ماهی مینمایند بآدمهای عالیجاه میرابراهیم‌خان دریابیگی بفروشند ونیز قدغن »
« نماید که مشارالیه کمی های خودرا ازآنجابرداشته بروندومداخله در امر شیلات »
« عالیجاه مشارالیه ننمایند . چون لازم بود اظهار شد فی‌شهر رجب ۱۲۶۶ »

میرابراهیم‌خان از اولاد میرباقرسابق‌الذکر وبابعضی از برادران وخویشان خود که تابع دولت روسیه بودند جمع‌المال بود وبهمین جهت برای آنکه این موضوع‌وسیله دخالت مامورین روسیه تزاری در امور شیلات نباشد و از بهانه جوئی آنها جلوگیری کند هنگامی که میرابراهیم در پرداخت قسط دیوانی تاخیر کرد امیر کبیراجاره‌نامه‌رافسخ وشیلات را بمیرزا اسمعیل ومحمدولی بیك نامی اجاره می‌دهد .

میرزا آقاخان نوری وشیلات

میرزا آقاخان نوری در دوران صدارت خود برای کوتاه ساختن دست روسها از سواحل بحرخزر کوشش‌زیادی مبذول داشت چنانکه دیدیم از ورودکشتی‌های جنگی‌روس به مرداب انزلی جلوگیری نمود وهمچنین در مورد شیلات بمنظور کم‌کردن نفوذ و تسلط روسها در امر صید ماهی بااجاره شیلات باتباع روس مخالفت می‌کرد و نسبت برعایا و ماهیگیران روسی‌در دوران صدارت اواز طرف مامورین ایرانی تضییقاتی ایجاد میشد چنانکه وزیر مختار روس در نامه اعتراضیه‌ای در ماه جمادی الثانی ۱۲۶۹ بمیرزا آقا خان صدراعظم می‌نویسد :

« وزیر مختار دولت روس برطبق عریضه عالیجاه ایوانفسکی صاحب قونسول گیلان تکلیف خودرا می داندکه اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی را ملتفت سازد برسوء رفتاری‌که معمول می شود در حق رعایای روسی که مشغول صیادی در شیلات سفیدرود ازجانب مباشرین وآن شیلات می‌باشند قطع نظراز قلیل اجرتی

که به‌آن‌ها بجهة این‌عمل می‌رسد واضع ایندستخط باین‌اکتفا خواهد که بجناب صدراعظم دولت ایران‌معلوم نماید که بعضی از رعایای مذکوره مریض واز گرسنگی نزدیك بهلاکت رسیدند بجهة نرسیدن مواجب ایشان در وقت وموقع خود درایام تابستان گذشته لابد شدند که در مدت چندروز درجبال وتلال سکنی‌نمایند وبعد از آن‌که آن‌ها نزد یك در ایرانی که مواظبت‌شغل صیادی سفیدرود بعهده او مفوض است بشکایت بر آمدند مشارالیه در جواب گفت آن‌ها می‌توانند سنگریزهای دریا را بخورند ممتنع است که اولیای دولت ایران‌توانند این نوع سلوك وحشی را متحمل شوند بناء علیه واضع ایندستخط بامنای دولت ایران‌تکلیف مینمایند که‌حکمی صادر فرمایند که بعداز این بارعایای دولت روس بهتراز این رفتار شود و اجرت آن‌ها نقد یومافیوما از جانب عالیجاه میرزا اسمعیل کارسازی شده برسد هرگاه غیر از این باشد جناب میرزا آقاخان خود تصدیق خواهند نمود که برطبق حالت این اوضاع اگر رعایای روس من بعد راضی نخواهند شد که آمده مشغول امر صیادی سفید رود شوند البته اولیای دولت روس هم به‌آن‌ها تکلیف نخواهند کرد که‌بیایند واز گرسنگی بمیرند در انجام شغلیکه از برای آن‌ها منفعت بسیار قلیل دارد .»

وهمچنین شارژدافر روس درتاریخ ۹ماه شوال۱۲۷۲ نوشته

« عمله‌جات ماهیگیری از رعایای دولت روس که درکنار سفیدرود میباشند از رفتار میرزا احمد نام نویسنده عالیجاه میرزا اسمعیل مباشر شیلات مزبور شاکی میباشند که او به‌آن‌ها اسناد دزدی حتی فحش و دست درازی می‌کند گذشته از همه این‌نوع حرکات مانع میشود که هیچ چیزیرا در اطراف نتوانند بخرند به مقصود اینکه بقیمت سه مقابل گران‌تر اشیاء دکان خود را بفروش برسانندواضع‌ایندستخط شارژدافراعلیحضرت ایمپراطوری مقیم دربار ایران مکررتقریرا وتحریرا ازجناب جلالتماب اشرف امجد صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی خواهشمند شده بود که قرار رفع ودفع این‌نوع رفتار را نسبت برعایای روس که از برای عمله صیادی در کنار سفید رود می‌آیند بفرمایند ونیز مجددا همان خواهش را اظهار نموده لابد است بامنتهای افسوس معلوم آنجناب اشرف امجدا رفع نماید که من بعدها نیز متحمل این نوع ظلم ورفتار ناهنجار واضع ایندستخط را مجبور خواهد نمود که بمقام چاره مرخص نمودن عمله روسیه از سفید رود وخواهش قدغن من بعداز برای آمدن آن‌ها از هشترخان بسفید رود برآید واضع این‌دستخط وغیره . »

ایرانیها محتاج به کمك بودند

سابقا گفتیم که چون روسها وسائل بیشتری برای صید وحمل و نقل ماهی داشتند بهتر می توانستند امور شیلات را اداره کنند

علت اساسی که اولیای دولت ایران را وامیداشت شیلات را بروسها اجاره دهند همین موضوع بود . البته دولت روسیه برای انجام‌منظورهائی که قبلا بدان اشاره شداز اجاره داری اتباع روس پشتیبانی وحمایت میکرد ولی اگر دولت ایران از پذیرفتن این پیشنهاد سرباز میزد روسهامیتوانستند عمل بهره‌برداری از شیلات راخنثی سازند زیرا عمله صید ومتخصص ماهی گیری بایداز روسیه بیاید-وسیله صید وماهیگیری بایداز روسیه خریداری شود - کشتی ووسائل حمل ونقل متعلق باتباع روس بود و بالاخره قسمت عمده محصول شیلات بشهرهای روسیه صادر میشد.

هرگاه اجاره دار عمده شیلات تبعه‌ایران بود نمی‌توانست بدون مساعدت و جلب نظر روسها از عمل خود نتیجه‌ای بگیرد وبدین جهت‌همیشه‌اجاره‌داران ایرانی ومباشرین شیلات منوسل بدولت ایران می‌شدند تااز طریق سیاسی همراهی وکمك روسها رانسبت بخود جلب نمایند .

برای روشن شدن این موضوع بدون آنکه توضیح بیشتری دراین‌باب بدهد دو

نامه که از طرف دولت ایران بسفارت روس نوشته‌شده ودر آنها برای متصدیان ایرانی امر شیلات تقاضای کمك گردیده ذیلا نقل مینمائیم .

میرزا مسعود وزیر امور خارجه محمدشاه به‌دستور حاجی میرزا آقاسی صدراعظم درماه ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۱ بوزیر مختار روس چنین مینویسد .

«عالیجاه میرزا اسمعیل میزان آقاسی سه‌فقره عرض بجناب اجل اعظم آقای »
« حاجی مدظله العالی کرده بود که بلوجود خسارتی که درین سال در معامله سفید»
« رود بمن رسیده است استدعا دارم که اولیای دولت قاهره قراری‌در باب این‌سه»
« فقره عرض بدهند که زیاد ضرر بمن که رعیت دولت علیه‌هستم نرسدجناب‌معظم»
« الیه بدوستدار فرمایش فرمودند که در باب این‌سه فقره‌عرض او بآنجناب‌زحمت»
« دهند که بمقتضای کمال اتحاد دولتین بهیتین وحسن اتفاق که آنجناب دارندر »
« انجام آنها نظر التفات گمارند .

«فقره اول این است که عالیجاه مشارالیه یکفروند کشتی تجارتی ساخته است »
« که بحکم عهدنامه میتواند در آن‌دریا داشته باشند این اوقات میخواهد کشتی »
« خودرا ماهی حمل کرده بفرستد بحاجی‌ترخان آنجناب نوشته بدهند که کسی »
« متعرض کس‌او نشود .

« فقره دویم کسان‌او از گیلان نوشته‌اند که پیش‌از قطع وفصل‌کار سفید رود »
« جناب سامی به‌تجاردولت بهیه روسیه قدغن فرموده‌اند که کشتی خود را اجاره »
« باوندهند که ماهی خودرا حمل‌حاجی‌ترخان نماید حال که کار سفید رود گذشته»
« است نوشته بتجار دولت بهیه روسیه مرقوم دارند که اگر مشارالیه کشتی اجاره»
« بخواهد باو بدهند و از او مضایقه ننمایند که ماهی خودرا حمل حاجی ترخان »
« کرده بفروش برساند .

« فقره سیم این است که‌در سفید رود بار واسباب وصیادی دارد وعمله‌ازتبعه»
« دولت بهیه روسیه یکساله اجیر کرده است عالیشأن محمد حسن‌بیك مامور است»
« بزود باطلاع عالیجاه موسیولمبروس مباشر قونسولگری آندولت بهیه اسباب »
« صیادی اورا باعمله صید که در اجاره اوهستند بجائی دیگرحمل کرده مشغول امر »
« صیادی شوند جناب سامی نوشته بعالیجاه‌موسیولمبروس مرقوم دارند که متعرض»
« اسباب صیادی مخصوص او وعمله که در اجاره اوست نشوند چون این‌سه فقره »
« عرض واستدعای عالیجاه مشارالیه مقرون بحساب است یقین است که آنجناب به »
« مقتضای کمال اتحاد دولتین بهیتین این زحمات را قبول فرموده نوشتجاتی که »
« استدعا کرده است خواهند داد که بزودی آدم خودراروانه دارد . چون لازم‌بود»
« زحمت داد ـ تحریرا فی۲۴ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۱

نامه دیگر که ازطرف وزیر امور خارجه بوزیر مختار روس نوشته شده .

« جناب جلالت و نبالت نصابا محبان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا »

« امور شیلات متعلقه بایندولت علیه برحسب امرهمایون‌سرکاراعلیحضرت اقدس»

« شاهنشاهی خلدالله ملکه وسلطانه درهذه‌السنه یونت‌ئیل و بعدها بامیرالامراءالعظام»
« عمیدالملک حاکم گیلان مفوض وموکول شده است که در ضبط ونسق شیلات اهتمام»
« نمایند و همه ساله موافق قرار داد اولیان دولت وجه عمل آنجا را بدیوان »
« کارسازی دارند چون انضباط این مهم همراهی جناب مجدت‌ونبالت همراه‌حکمران»
« حاجی ترخان را لازم دارد لهذا زحمت افزای خاطر آنجناب جلالتمآب میشود که»
« شرحی در اینخصوص بجناب معزی‌الیه بنویسند که لدی‌الضروره باقتضای مودت و»
« موالات دولتین علیتین ایران وروس از همراهی ومراقبت‌دراداره این عمل‌مضایقه»
« ننمایند واظهارات عالیجاه مجدت همراه میرزا یوسف‌خان کارپرداز مقیم آنجا »
« را در این باب باجابت مقرون دارند و چنانچه گماشتگان امیر الامراءالعظام »
« عمیدالملک عمله واسباب صیادی و سایر ملزومات لازم داشته باشند قدغن نموده »
« بآنها بدهند وقیمت ملزومات رادریافت نمایند وچون عمل فروش ماهی که‌درسنه»
« ماضیه درحاجی ترخان شده است‌درهذه‌السنه باید بتوسط گماشتگان عمیدالملک »
« بدیوان عاید شود توجه اهتمامی در وصول وایصال آن‌از جانب حکومت حاجی »
« ترخان بعمل آید بدیهی است آنجناب هرچه زودتر شرح موکدی در این‌باب‌قلمی»
« داشته‌نزد دوستدارخواهند فرستاد که نزد امیرالامراء العظام معزی‌الیه بفرستد . »

حرره فی سلخ شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۷۵»

سپهسالار شیلات را اجاره میکند

در شرح زندگانی میرزا حسین خان سپهسالار گفتیم که بسیاری از امور دولتی را در دوران صدارت خود تحت نظم وقاعده درآورد .

موضوع بهره برداری شیلات چنانکه گذشت نه تنهااز لحاظ سیاسی بواسطه اختلافاتیکه بین مستاجرین متعدد ایرانی وروسی پیدا میشد برای دولت ایران اشکالاتی را پیش میآورد ازجهت مادی نیزدرآمد دولت چندان قابل‌ملاحظه نبود وهیچوقت مبلغی که ارزش واقعی شیلات باشد عاید خزانه نمیگشت .
مال‌الاجاره ای که برای دولت وصول‌میشد ازدست سوم وچهارم بود تازه مبالغی ازآنرا بعناوین مختلف بابت مخارجی که صورت میدادند محسوب و کسر میکردند .

میرزا حسین خان سپهسالار برای آنکه باین وضع خاتمه دهد بر آن میشود که شیلات‌را مستقیماً خود ازناصرالدین شاه اجاره کرده وسپس یکجا بروسها اجاره دهد .

این نکته باید دراینجا گفته شود علت اینکه سپهسالار شیلات‌را بروسها واگذار کرد و آنهارا بمستأجرین ایرانی ترجیح داد یکی از جهت سیاسی بود که دولت روسیه باین موضوع بی‌نظر نبود وبطوریکه دیدیم مامورین سیاسی‌وکنسولی روس اغلب مواقع ازدولت ایران تقاضای اجاره داری شیلات‌را برای اتباع روسیه مینمودند ویقیناً عدم توجه بآن باعث رنجش دولت تزاری روس میگردید وازلحاظ روابط دولتین که بواسطه لغو امتیاز رویتر میرفت بهبودی یابد بسیار مهم بود .

دیگر از نظر مادی که روسها بعلت داشتن وسائل بهتری برای صید و خرید و

فروش مال‌الاجاره بیشتری میدادند .

قبل ازدوران صدارت سپهسالار مکرر از طرف روسها پیشنهاد اجارهٔ شیلات میشد ولی ناصرالدین شاه ازقبول آن پیشنهادها خود داری میکرد چنانکه در گزارشی که بتاریخ ذی الحجه ۱۲۸٦ راجع بموضوعات مختلف ازجمله شیلات بنظرش رسانده‌اند نوشته‌است

«وزیر دول خارجه

فقره نوشته بودید که قونسول روس خواهش دارد شیلات را بتاجر حاجی طرخانی اجاره داده شود حالا موقع این گفتگوها نیست البته در کمال خوبی از قونسول عذر بخواهید ۸٦»

بهرحال پیشنهاد سپهسالار مورد تصویب «شاه» واقع واجاره‌نامه‌ای بعنوان میرزا حسین خان سپهسالار تهیه و بامضای ناصرالدین شاه میرسد . که عین آن در صفحه بعد گراور شده است

سپهسالار شیلات را بروسها اجاره میدهد

میرزا حسین خان سپهسار پس از امضاء اجاره نامه شیلات‌را بموجب قرارداری‌درتاریخ ۱۲ یون (ماه ژوئن‌روسی) ۱۸۷٦(سال ۱۲۹۳هجری‌قمری) به استپان لیانازوف‌بازرگان ارمنی حاجی طرخانی تبعه روس اجاره میدهد ولی مدت این قرار داد چندان بطول نمی انجامد که بین طرفین اختلاف حاصل و لیانازوف ازپرداخت مال الاجاره خود داری نموده ومامورین ایرانی نیز بدستور سپهسالار با اطلاع سفارت روس اسباب صیادی لیانازوف‌را توقیف میکنند و بالاخره بعد از مذاکراتی که بین ملك بیگلروف وکیل لیانازوف‌وسپهسالار درتهران بعمل‌میآید اختلافات گذشته مرتفع وقرار میشود شیلات به لیانازوف وشرکای او اجاره داده شود .

بدین منظور ابتدا مصالحه نامه‌ای بشرح زیر تهیه میگردد .

مصالحه نامه

دارالخلافه تهران بتاریخ ٤ ماه اکتبر ۱۸۷۹ مسیحی‌جناب مستطاب اجل اشرف امجد حاجی میرزا حسین خان مشیر الدوله سپهسالار اعظم وزیر امور خارجه دولت علیه ایران بموجب اختیار وافتداریکه از دولت علیه ایران دارند بجناب دیستوی تلوبی‌استاتسکی ساوت‌نیك پاول شادمیرویچ ملك بیگاروف (۱) بموجب‌وکالت نامه که ازپانو مستوانی پاچوتنی گراژدانین استپان مارتین اویچ لیانزوف (۲) تاجر درجه اول شهر حاجی ترخان دارند جمیع مجاسباتی که درخصوص اجاره شیلات دولت علیه‌ایران بموجب قرار نامه منعقده فی دوازدهم شهربون ۱۸۷٦ سنه‌مسیحی‌فیمابین جناب مستطاب اجل‌اشرف امجد سپهسالار اعظم ولیانزوف مزبوربوده‌است‌موافق شروط مفصله ذیل بالمره قطع وفصل گردید .

شرط اول ـ جناب مستطاب اجل‌اشرف امجد سپهسالار اعظم جمیع‌مطالبات خودرا که ازاستپان‌لیانزوف از بابت اجاره شیلات دولت علیه ایران بموجب قرارنامه مذکورداشتند تا تاریخ اول ماه‌اکتبرهذه‌السنه ۱۸۷۹ مسیحی بالمره قطع وفصل نمودند وچه آن قرارنامه وچه جمیع مستندات‌ومعاهدات راکه فیمابین جناب‌مستطاب

1— Deystvitelniy Statskiy Sovetnik PAVEL CHADMIROVITCH MELIK-BGLIYAROV

2 — Potomstvenniy Potchotniy Grajdanin STEPAN MARTINOVITCH LIANOZOV

«از ابتدای هذه السنه سیچقان ئیل خیریت تحویل سنه ۱۲۹۳ هجری لغایت ده سال تمام کامل الشهور والایام همگی و تمامی کل شیلات و صید انواع ماهی بحر خزر را چه در گیلان و چه مازندران و تنکابن و رودخانهای مخصوصه و مرداب وغیره آنچه متعلق بدولت علیه ایران است باجاره صحیحه شرعیه متصله غیر منفکه در سالی سی و یک هزار تومان وجه رایج خزانه عامره بجناب مستطاب اشرف حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه واگذار فرمودیم که همه ساله سالی هجده هزار تومان مواجب خود را از مبلغ مزبور موضوع داشته مبلغ سیزده هزار تومان باقی را که خالص از وجه اجاره می ماند کار سازی دارد و ضمناً اختیار تام تمام شرعی بجناب معزی الیه داده‌ایم که برای ترقی شیلات هر گونه عملجات و اسباب و آلات صیادی و پیرپاس و ابنیه که صلاح داند زیاد نموده و از ارباب خبرت و بصیرت بهر کس که مقتضی ترقی این عمل به بیند رجوع کرده کمال جهد و کوشش را در ترقی این عمل بعمل آورده و همچنین شرط بتی شرعی شد که پس از انقضاء مدت ده سال که موعد اجاره است آنچه اسباب و آلات و پیرپاس وغیره بر تهیج مرقوم جناب معزی الیه حاضر و از زیاد کرده است مال و ملک خالص خود اوست و هر گاه مستأجر جدید و هر کس دیگر کائناً من کان آن اسباب وغیره را کلاً او بعضاً بخواهد از او بقیمت عادله ابتیاع نماید و در این مدت ده سال احدی را شرعاً و عرفاً حق و اجازه نخواهد بود که بدون اطلاع و اجازه مستأجر مرقوم مداخله جزئی یا کلی در امور شیلات نماید حرره فی غره شهر جمادی الاخره سنه ۱۲۹۳

ناصر الدین شاه با خط خود در حاشیه نوشته .

«این قرارداد و اجاره شرعی صحیح است و بهیچوجه تخلف نباید بشود و انشاءالله جناب سپه سالار اعظم هم بنهایت مراقبت را در انتظام عمل شیلات خواهد کرد ۹۳ .»

معظم‌الیه ومسیولیانزوف در خصوص شیلات مزبوره فوق منعقده بوده جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم باطل واز درجه اعتبار ساقط نموده بنابراین به محض امضای همین مصالحه نامه جناب مستطاب معظم الیه متعهد می باشند که بسفارت دولت بهیه روسیه مقیم‌دارالخلافه طهران اعلام نمایند که‌جمیع واطکه‌ها واسباب ولوازم‌متعلقه بعمل صیادی آن‌ها راکه در ضبط بوده آنها را از ضبطیت خارج نمایند وکلا را بوکیل لیانزوف مسترد دارند واحکام لازمه بهمین مضمون با تلغراف بحکام گیلان ومازندران واسترابادصادر فرمایند .

شرط دویم- جناب ملك بیگلروف هم‌بموجب وکالت خود متعهد می‌شود که جمیع محاسبات ومطالبات وادعاهائی که مسیولیانزوف بموجب قرارنامه منعقده مورخه دوازدهم ماه‌بون‌سنه۱۸۷۶ فیمابین جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم ولیانزوف از بابت اجاره شیلات مذکوره فوق ازجناب مستطاب سپهسالار اعظم داشتند که عبارت ازسی‌ونه هزارتومان می‌باشد بالمره ترك وموقوف نماید لهذا چه‌قرارنامه‌مذکوررا وچه جمیع مستندات و معاهدات راکه در خصوص شیلات مزبوره منعقد بوده باطل واز درجه اعتبار ساقط نمود علاوه براین جناب‌ملك بیگلروف متعهد می‌باشد از جهة قطع وختم محاسبات طرفین بفاصله یکماه بعداز امضای همین مصالحه نامه مبلغ سی‌ودوهزار تومان از جانب لیانزوف بجناب مستطاب سپهسالار اعظم کارسازی نماید .

شرط سیم- این مصالحه نامه بامضای طرفین باید نسختین باشد وبه ثبت ومهروزارت جلیله مهام‌خارجه دولت علیه ایران وسفارت دولت بهیه روسیه مقیم دارالخلافه تهران‌رسیده یك نسخه آن را جناب مستطاب‌اجل اشرف افخم سپهسالار اعظم ونسخه دیگرآن را جناب دیستوی تلنی استاتسکی ساوت نیك ملك بیگلروف‌داشته باشند . محل مهروزارت امورخارجه • محل امضاء « میرزا حسین خان سپهسالار اعظم وزیر امور خارجه دولت علیه ایران .»

بعداز رفع اختلافات گذشته وامضاء مصالحه نامه قراردادی بمدت پنجسال برای بهره برداری از شیلات ایران بین‌میرزا حسین‌خان سپهسالار صدراعظم‌ووزیر امورخارجه از یکطرف وچهار بازرگان روسی بشرح زیر در همان تاریخ بامضاء میرسد .

قرارنامه کنتراکت

«دارالخلافه تهران بتاریخ ٤ شهراکتبر سنه۱۸۷۹ مسیحی مطابق هفتم شهر»
« ذی قعده ۱۲۹٦ هجری اشخاص مفصله ذیل یعنی جناب مستطاب اجل‌اشرف امجد »
« حاجی میرزا حسین‌خان سپهسالار اعظم وزیرامورخارجه‌دولت علیه ایران بموجب»
« اختیار واقتداری که ازدولت علیه‌ایران دارند ازیك جانب وجناب دیستوی تلنی »
« استاتسکی ساوتنیك پاول شادمیرویچ ملیك بیگلروف ازجانب خود و بوکالتهای»
« مطلق از جانب استاتسکی ساوتنیك لوآرساب ملیك بیگلروف (۱) برادر خود»
« واز جانب پاتومستونی پاچوتنی گراژدانین استپان مارتینویچ لیانازوف تاجر »
« درجه اول شهرحاجی ترخان والکسندر آقافونویچ ملیك آزاریانس (۲) تاجر »
« درجه اول شهر طفلیس این قرارنامه کنتراکت را منعقد نمودم به شرایط ذیل»
« شرط اول
« جناب مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم تمام‌و همگی شیلات وعمل »
« صیدماهی دولت علیه ایران‌را که مسمی بحلال وحرام است ازرودخانه آستارا که»
« سرحد دولت‌بهیه روسیه‌است الی‌رودخانه‌انزك که سرحددولت‌علیه‌ایران‌است‌بموعد»
« پنج‌سال کامل یعنی‌از اول ماه اکتبر سنه۱۸۷۹مسیحی‌الی‌اول‌ماه‌اکتبرسنه ۱۸۸٤»

---

1 _ Statskiy Sovetnik LOUARSAB MELIK-BAGLIYAROV
2 _ ALEXANDR AGHAFONOVITCH MELIK_AZARIAN

« باجاره صحیحه قطعیه میدهد ببرادران ملیك بیگلروف و به لیانازوف و ملیك آزاریانس »
« بمبلغ اجاره هرساله پنجاه هزار تومان پول ایران .
« شرط دویم ـ اجاره داران مذکور متعهد و متقبل میشوند که وجه اجاره »
« را از بابت شیلات وعمل صید ماهی که در شرط اول مذکوراست یعنی مبلغ پنجاه »
« هزار تومان راپول قران رایج دولت علیه ایران در هریکسال دردوقسط مساوی ک »
« عبارت از پانزدهم ماه ژانویه وپانزدهم ماه مارس سنوات آتیه ذیل ـ سنه ۱۸۸۰ »
« وسنه ۱۸۸۱ وسنه ۱۸۸۲ وسنه ۱۸۸۳ وسنه ۱۸۸٤ مسیحی باشد درشهرطهران »
« بجناب مستطاب سپهسالار اعظم کارسازی نمایند در صورتیکه اتفاقا اجاره داران »
« مذکور وجه اجاره مذکور را برسرموعدهای مذکورکارسازی ننمایند از برای »
« هرقسطی از اقساط یکماه مهلت داده خواهدشد بشرط این که بجهة اوقات پس »
« افتاده تنزیل از قرار تومانی یکصد دینار در هر ماهی یعنی از صد دوازده در »
« سال کارسازی نمایند .
« شرط سیم ـ در صورتیکه جناب مستطاب سپهسالاراعظم خواسته باشند صید »
« ماهی حلال را دراختیار خودداشته باشند اجاره داران مذکور متعهد ومتقبل میشوند »
« که این اختیار را بآنجناب واگذار نمایند ولی در این صورت آنجناب نیز متعهد »
« میشود که دوازده هزارتومان از پنجاه هزار تومان وجه اجاره سالیانه را از دو »
« قسط آنسال موضوع ودر جزوحساب محسوب بدارند ونیز بشرطاینکه هردفعه این »
« میل واراده خود را قبل از وقت تا اول ماه نوامبرهرسال به اجاره داران مذکور »
« اعلام نمایند .
« شرط چهارم ـ کل پرپیاس یعنی جمیع اسباب ولوازم که از هرجهة از برای »
« عمل ومصارف واطاکه های صیدماهی وشیلات حمل ونقل بداخل دولت علیه ایران »
« بشوند وایضا هرقدر از اجناس متفرقه متعلق بصیدماهی وعمل شیلات از واطاکه »
« های صیادی ایران حمل ونقل بخارج از دولت ایران شوند مباشرین گمرکخانه های »
« دولت علیه ایران از قرار اجاره سالهای سابق از اجاره داران مذکور بهیچوجه »
« حق مطالبه وجه گمرك نخواهند داشت .
« شرط پنجم ـ چون واطاکه واقع در جزیره آشوراده بواسطه سیل آب منهدم »
« شده است لهذا جناب مستطاب سپهسالار اعظم قبول میکند که اجازه بدهد در »
« یکی از نقاطی در سواحل قولتق استراباد به استثنای سرتك ومیان قلعه انتخاب »
« بکنند واطاکه ازنی بجهة صیدماهی بسازند مستاجرین مجبورند که قبل از وقت »
« نقاط مزبوره را باطلاع سپهسالار اعظم رسانیده اجازه بخواهند بجهة »
« ساختن واطاکه .
« شرط ششم ـ محض ترقی وشیوع وانتشار عمل صیدماهی به اجاره داران مذکور »
« اجازه داده میشود که در تمام امتداد ومسافت واقع درمیان رودخانهای آستارا »
« واترك بغیراز سرتك (میان قلعه) واطاکه های جدید بغیراز آنهای که الان حاضر »

« وموجود میباشند ساخته دایر نمایند ولی بشرط اینکه هردفعه قبل‌از وقت بجناب»
« سپهسالار اعظم اطلاع واخبار دهند واجازه بخواهند وجناب سپهسالار اعظم‌هم»
« دردادن اجازه مذکور انکار نخواهند داشت .

« شرط هفتم ـ اگرچه در حسن سلوك ورفتار حضرات اجاره‌داران با رعایای »
« دولت علیه ایران شك‌وشبهه نیست لیکن اگر فیمابین کسان اجاره‌داران واهالی»
« دولت علیه ایران حرفی‌یااختلافی واقع‌شود اجاره داران مذکور تعهد میکنند که »
« کسان آنها اول بحکام دولت علیه ایران رجوع نمایند یاآنکه بدان‌شخص که »
« بسمت کارپردازی از جانب جناب مستطاب سپهسالار اعظم معین و مامورباشداز»
« برای امورات متعلق بعمل شیلات (در صورتی که چنین شخصی در آنجا باشد)»
« رجوع خواهند نمود .

« شرط هشتم ـ در صورتیکه برهم خوردن‌هریك از فصول‌بغیرازفصل هفتم این»
« قرار نامه‌هر کس ازطرفین که‌اسباب‌برهم‌خوردن‌آن بشودبایدمبلغ‌یکصدهزارمنات»
« پول اسکناس روس بطرف مقابل برسم جریمه کارسازی نمایدو در مدت اماره »
« واطاکه‌ها و اسباب صیادی تمام آنها مثل یك‌ضمانت بجهة موجود باقی‌خواهد »
« بود و مستاجرین در مدت اجاره حق اینکه آن‌ها را بسایرین بفروشند یا انتقال»
« نمایند ندارند .

« شرط نهم ـ بعداز اتمام موعداجاره مذکوردرقرارنامه کل‌واطاکه‌هاوپرپیاس »
« ها یعنی اسباب ولوازم متعلق بعمل شیلات وصید ماهی ملك طلق‌اجاره داران می»
« باشند وبعداز اتمام موعداجاره داران مستحق‌میباشند که‌قرارنامه باجناب‌مستطاب»
« سپهسالار اعظم‌یاباجاره‌داران جدید منعقدنموده قراری در باب واگذار نمودن»
« واطاکه‌ها واسباب لوازم مذکور را باایشان بگذارند ولی در صورتیکه ایـن »
« قرارنامه‌ باجناب‌مستطاب سپهسالار اعظم ونه بااجاره داران جدید سر نگرفت »
« آنوقت اجاره داران مختار ومستحق میباشند که واطاکه‌ها واسباب‌لوازم خودرا»
« برچیده‌در مدت سه ماه از ازایران حمل ونقل نمایند اگر فورس ماژور یعنی »
« حادثه فوق‌العاده رخ ننماید .

« شرط دهم ـ کنتراکت یعنی قرارنامه حاضر نسختین نوشته شده و بامضای »
« طرفین رسیده بایك نسخه ازآن در نزد اجاره‌داران باشد ونسخه دیگرآن‌باید »
« تقدیم خدمت جناب مستطاب اجل اشرف امجدسپهسالار اعظم بشود . میرزاحسین»
« خان ـ محل مهر شیروخورشید (وزارت جلیله مهام خارجه دولت‌ایران)»

بطوری که ملاحظه میشود سپهسالار شیلات رابسالی سی و یك هزار تومان از ناصرالدینشاه اجاره میکند که هیجده هزارتومان آنرا بابت مواجب خود برداشته‌وسیزده هزارتومان بقیه را به‌خزانه دولت بپردازد وسپس خود شیلات را بسالی پنجاه هزارتومان بروسها اجاره میدهد .

میرزا حسین‌خان سپهسالار سال بعداز امضای این قرارداد در شوال ۱۲۹۷ از

صدارت عزل و بقزوین تبعید میگردد .

بدستور ناصرالدینشاه تلگرافی بقزوین مخابره میشود که اجاره نامه ذیلات و اسناد مربوط بآن‌را بتهران بفرستد .

سپهسالار ضمن نامه‌ای که از قزوین بناصرالدینشاه مینویسد اسناد مربوطه را بتهران میفرستد و از اینکه بشیلات سروصورتی داده و میزان مال‌الاجاره‌را بمقدارزیادی افزایش‌داده « کمال‌تشکر وافتخارومباهات » رامینماید . نامه سپهسالار بناصرالدینشاه .

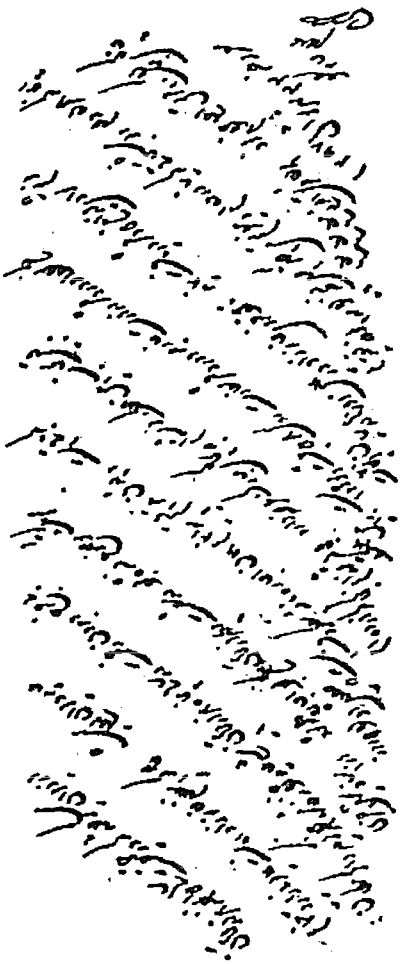

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارکت شوم چند روز قبل بواسطه تلغراف امر قدر قدر همایون شاهنشاه ظل الله روحنا وروح العالمین فداه شرف صدور یافته بود که انتقال نامه واسناد اجاره وغیره شیل رازودتر تقدیم خاکپای مبارك نمایم در کمال ضراعت وخاکساری جسارت بعرض نمودم که دو روزه تقدیم حضور مهر ظهور اقدس اعلی روحنا فداه خواهم داشت لهذا اولا ملفوفه فرمان همایون شاهنشاهی روحنا فداه که بمنزله اجاره واختیار نامه اینغلام خانه زاد است ودرصدر اوشرحی بدست خط مبارك همایونی در تحکیم عمل شرف صدور یافته است ثانیا انتقال نامه که بقدر قوه سعی نموده ام که بقاعده مزاکون نوشته شده باشد واصل اجاره ومال الاجاره وعمل را در آتیه برضا ورغبت خودم انتقال بذات مقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه نموده وازخود کلیة سلب اختیار واقتدار وصرف مداخله را درامر شیلات ودر وجه مال الاجاره نموده ام

ثالثا نوشته از جانب خود بسفارت روس نگاشته واین انتقال بذات اقدس همایونی وسلب اختیار از خود را بهمه جهة در نوشته مزبور اعتراف نموده خواهش کرده ام که این اعتراف غلام خانه زاد رادر انتقال وسلب اختیار از خودم در دفتر سفارت ثبت وضبط و بمسیو بیگلروف مستاجر رسما اخبار نماید که درآتیه سروکار خودرا باهر که قبله عالم روحنا فداه معین ومنتخب خواهند فرمود دانسته ومال الاجاره رادر اقساط معینه بهمان شخص کار سازی داشته وقبض وصول بجهت سند خود دریافت دارد مال الاجاره درسال مبلغ پنجاه هزار تومان نقد رایج خزانه عامره است که در تهران روز اول ماه ژانویه روسی بیست وپنج هزار تومان وروز اول ماه مارس روسی بیست وپنج هزار تومان نقد باید بدهند وبدون حرف ودقیقه تأخیر میدهند وقسط بندی را طوری نموده ام که همیشه آنها پیش باید بدهند مثلا غره ماه ژانویه روسی هذه السنه مطابق است با ۱۲ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۹۸ که هفتاد روز قبل از عید نوروز است و غره ماه مارس روسی هذه السنه مطابق با ۱۲ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۸ که ده روز قبل از عید نوروز است مثلا تمام وجه مال الاجاره سنه آتیه ئیلان ئیل ده روز قبل از نوروز کاملا پرداخته شده است . کمال تشکر وافتخار ومباهات بجهت اینغلام خانه زاد حاصل است روزی که شیل را به تیول واجاره این فدوی بیمقدار مرحمت وعنایت فرمودید اگرچه در دفترسی ویك هزار تومان جمع داشت لکن هیچوقت ازهفده هزار تومان زیادتر عاید دولت نمی گردید چنانچه کتابچهای مفاصا حساب حکام سابق ازقبیل مرحوم اعتمادالدوله ومجدالدوله ونظام الدوله وغیره وغیره شاهد برصدق عرض فدوی خاکسار میباشد واز این هفده هزار تومان هرسال پنجهزار تومان قیمت پیرپاس از دیوان می گرفتند که درحقیقت سالی دوازده هزار تومان عاید دیوان اعلی میشد . حالا که این غلام خانه زاد امانت همایونی را رد می نمایم بی خرج وبدون زحمت در سالی پنجاه هزار تومان بیش عاید خزانه عامره خواهد گردید واگر مکان سرتك موضوع نشده بود در شصت وپنج هزار تومان ممکن بود اجاره داده شود .

از اسناد شیل چیزی که باقی است والان نتوانستم پیدا نمایم همان اجاره نامه بیگلروف است که تفصیل اورادو روز قبل بجناب امین الملك نوشته ام که بخاکپای مبارك عرضه دارد عجالة نمی دانم کجا گذارده ام لکن سواد او را در دفتر وزارت خارجه ودردفتر سفارت روس هردو ثبت وموجود است به امین الملك نوشتم سوادی ازاین دودفتر دریافت نماید تاخود فدوی خانه زاد در همین روزها در میان نوشتجات اینجا که همراه دارم ونوشتجاتی که نیاورده ام و می فرستم می آورند اصل نسخه را پیدا نموده تقدیم خاکپای مبارك اقدس اعلی خواهم نمود .

الامر اقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

معروضه ۲۲ شهر شوال ۱۲۹۷ غلام خانه زاد ـ حسین »

انتقال نامه‌ای را که دراین نامه بدان اشاره نموده بشرح ذیل است .

بنا به اجازه واختیاری که از جانب دولت علیه متبوعه خود داشتم به اجاره صحیحه داده بودم تمامی شیلات حلال وحرام ایران را از قولتق استراباد الی رودخانه آستارا به استثنای محل موسوم به سرتك بعالیجاه بلند پایگاه پول شادمیر رووبیچ ملك بیگلروف ازتاریخ ماه سپتامبر سنه ۱۸۷۹ مسیحی بمدت پنجسال تمام شمسی که دراین مدت بهرقسم که معمول سابق بوده است پول شادمیر رووبیچ ملك بیگلروف یاشرکاء وکماشتگان او صیادی ماهی حلال وحرام را نموده و مال خود بدانند ودر مکان موسوم بسرتك بهیچوجه مداخله نکرده ونه واتکه صیادی بسازند ونه درآن مکان صید نمایند ودر عوض سالی مبلغ پنجاه هزار تومان تنخواه ، درایج خزانه عامره ایران دردارالخلافه طهران در دوقسط متساوی

یکی ابتدای ماه ژانویه روسی ودیگری ابتدای ماه آوریل روسی بمن کارسازی دارند چنانچه قسط سال اول را بهمین نهج کارسازی داشته وقبض دردست دارند ومال الاجاره چهارسال دیگر را که عبارت باشد ازدویست هزار تومان رایج ایران موافق قسط ونهجی که درفوق ذکر شد بالطوع والرغبه بمیل ورضای خودم انتقال داده و تحویل نمودم بذات اقدس همایون شاهنشاه جمجاه ظل اله (ناصر الدینشاه) خلدالله ملکه وسلطانه و تخلیه ید نمودم کاملا ازجمیع شیلات و منافع مال الاجاره او به قسمی که ازامروز ببعد مرا بهیچوجه حقی وقدرتی دراخذ مال الاجاره یا تغییر شرایط مندرجه در اجاره نامه که در دونسخه بیك مضمون نگاشته شده وبمهر وزارت جلیله خارجه دولت علیه ایران و بمهر سفارت دولت امپراطوری روس در تهران تصدیق شده نسخهٔ در نزد اینجانب ونسخهٔ در نزد پول شادمیر وویچ ملك بیکلروف می باشد باقی بماند و عالیجاه پول شادمیر وویچ ملك بیکلروف قسط مال لاجاره سنه آتیه ۱۸۸۱ وسه قسط دیگر متوالی این قسط را درظرف چهارسال تامدت اجاره منقضی شود بهر که ذات اقدس همایون شاهنشاه ایران خلدالله ملکه معین و منتخب فرمایند کار سازی داشته و قبض الواصل دریافت نمایند و از امروز ببعد هیچ قبض وسندی بجز ازشخصی که ذات مقدس ملوکانه معین میفرمایند محل اعتنا واعتبار نخواهد بود این چند کلمه برسبیل انتقال نامه و کف ید نمودن در کمال استحکام قلمی وتحریر شد مورخه ۲۲ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۹۷ هجری مطابق ۱۶ سپتامبر سال ۱۸۸۰ روسی فقرات مسطوره درفوق صحیح واعتراف اینجانب است - حسین

محل مهر (عبده الراجی محمد حسین)

نامه‌ای هم که سپهسالار بوزیر مختار روس مبنی بر انتقال امور شیلات بناصر الدین شاه نوشته بتاریخ ۲۲ شوال ۱۲۹۷ ودر ذیل آن نوشته است « ازقزوین زحمت داده

شد مخلص جناب شما ـ حسین » ولی این نامه را بسفارت روس نفرستاده‌اند .

شیلات بعداز سپهسالار

پس‌از عزل سپهسالار ناصرالدینشاه شیلات را بکامران میرزا نایب‌السلطنه فرزند خود واگذار میکند در جریان مدت اجاره لیانازوف با نایب‌السلطنه وارد مذاکره میشود که بعداز انقضای مدت اجاره شیلات را به تنهائی خودش اجاره کند و شش هزار تومان نیز اضافه بر مال‌الاجاره سالانه سابق بپردازد .

بهمین منظور قراردادی باهشت شرط برای‌مدت شش‌سال از اول ماه‌اکتبر ۱۸۸٤ تهیه‌ودرتاریخ ششم‌جمادی‌الثانی‌سال ۱۳۰۰ هجری‌قمری(اول آوریل ۱۸۸۳) بین‌نایب‌السلطنه ومیرزاسعیدخان‌وزیرامورخارجه از یکطرف‌واستپان‌لیانازوف‌ازطرف‌دیگرمنعقدمیگردد .

شرایط این قرارداد تقریبا مانند قرارداد قبلی است‌بجز حق اختیار صید ماهی خلال که بموجب شرط سوم‌قرار داد سابق میرزا حسین‌خان سپهسالار برای خود محفوظ داشته بوددر مقدمه این قرارداد چنین نوشته شده .

استپان لیا نازوف

« شهردارالخلافه طهران غره‌ماه اپریل سنه ۱۸۸۳

مادر ذیل امضاء کنندگان وقول گذارندگان وکلای دولت علیه‌ایران‌حضرت‌مستطاب ارفع اشرف‌والانایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ‌دولت علیه‌ایران وفرمان فرمای طهران ـ گیلان ـ مازندران ـ استراباد و جناب مستطاب اجل‌اکرم افخم میرزا سعیدخان موتمن‌الملک وزیرامورخارجه دولت‌علیه‌ایران بموجب اختیار واقتداری که از دولت علیه‌ایران دارندازیک‌جانب ورعیت روس پاطومستونتی پاچطنی غراژدانین استپان مارتینچ لیانازوف تاجر درجه اول‌حاجی‌ترخان ازجانب خود این کندراخت قرارنامه رامنعقد نمودیم »

ذیل قرارنامه‌را اشخاص مزبور امضاء کرده‌اندومهر «وزیرامور دول‌خارجه‌دولت علیه ایران میرزا سعید خان» و «کامران عبد شاه مهرسریرنایب السلطنه امیر کبیر» دیده میشود.

بعداً قرارداد شیلات بااستپان لیانازوف و وراث اوبترتیب زیر در موارد مختلف تمدید گردیده است:

در ماه ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۶ هجری قمری بااین مقدمه.

«شهردارالخلافه طهران‌دوازدهم ماه‌دکابر سنه‌یکهزاروهشتصدوهشتادوهشت ۱۸۸۸ مسیحی‌مطابق‌بیستم‌شهر ربیع‌الثانی سنه یکهزاروسیصدوشش مادر ذیل امضاء کنندگان‌وقول گذارندگان‌وکیل دولت‌علیه‌ایران‌جناب‌مستطاب اجل اکرم افخم میرزاعباس‌خان قوام‌الدوله وزیرامور خارجه دولت‌علیه بموجب اختیار واقتداری که از طرف سنی الجوانب اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی کل‌ممالک‌ایران خلدالله ملکه وسلطانه دارند ازیک‌جانب ورعیت روس پاطومستولی غراژدانین استپان مارتنیچ لیانازوف تاجر درجه اول حاجی ترخان از جانب خود این کندرخت رامنعقد نمودیم»

موعد این‌قرار داد سال از اول اکتوبر ۱۸۹۰ و مال الاجاره سالانه «شصت هزار تومان پول قرانی ایرانی» در سه قسط و سایر شرایط مانند قراردادهای سابق.

در ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۱۱ هجری قمری بااین مقدمه

«شهردارالخلافه طهران بیست‌وپنجم سپتامبر ۱۸۹۳ مطابق بیست‌وششم ربیع‌الاول ۱۳۱۱ مادرذیل امضاء کنندگان وقول گذارندگان وکیل شاهنشاه ممالک ایران خلدالله ملکه وسلطانه حضرت اجل‌اعظم اشرف میرزا علی اصغرخان صدراعظم دولت علیه‌ایران دام اجلاله‌العالی ورعیت روس تاجردرجه اول حاجی‌ترخان مستشارالتجار استپان مارتنیچ لیانازوف این کندراخت رابشرح ذیل‌منعقد وبرقرار نمودیم.

موعد ده‌سال از اول اکتوبرسال ۱۹۱۱ میلادی

«وجه اجاره هرساله مبلغ بیست وچهار هزار نصف امپریال روسی که هریک‌عدد آنرا از قرار بیست فرانک که جمعا چهارصد وهشتاد هزار فرانک طلای‌فرانسوی محسوب داشته باید کارسازی نماید.»

هریک از طرفین که موجب بهم‌زدن‌قرارداد بشوند باید بطرف مقابل‌مبلغ‌ششصد هزار فرانک طلا بپردازد سایرشروط مانند قرارداد سابق.

بعداز این ناصرالدینشاه بقتل میرسد واستپان‌لیانازوف فوت‌میکند.

مظفرالدین شاه بتخت سلطنت جلوس مینماید ولی امین‌السلطان بصدارت باقی میماند ودر تاریخ جمادی‌الاولی ۱۳۱۴ هجری‌قمری‌قرارداد شیلات رابرای‌مدت پنجسال با گئورگی لیانازوف فرزند استپان لیانازوف تمدید میکند.

این قرار داد بامقدمه ذیل شروع میشود.

«شهر دارالخلافه‌طهران - دهم ماه اکتابر ۱۸۹۶ مطابق چهاردهم شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۳۱۴ ما در ذیل امضاء کنندگان وقول گذارندگان وکیل‌شاهنشاه کل ممالک ایران خلدالله ملکه وسلطانه حضرت‌اجل اعظم اشرف میرزا علی اصغر خان صدر اعظم دولت علیه ایران دام اقباله العالی ورعیت روس تاجر درجه اول حاجی ترخان پاطو مستوبنی پاچطنی غراژدانین غیورغی استپانوویچ لیانازوف (۱) فیما بین خودمان این کند راخت را منعقد وبرقرارنمودیم»

شرایط این قرار داد همان شرایط قرار داد سال ۱۳۱۱ میباشد و مدت پنجسال

---

(1) GEORGIY STEPANOVITCH LIANOZOV

بقرار داد سابق افزوده شد یعنی تا اول اکتبر سال ۱۹۲۵ شیلات در اجاره لیانازوف خواهد بود .

مبلغ مال الاجاره «هرساله ازقرار معادل بیست وپنج هزار نصف امپریال‌روسی که هریك عددآن از قرار بیست فرانك طلا بوده باشد محسوب داشته هرساله ادا و کار سازی » نماید .

ضمنا مقرر گردید « اگر چنانچه برای ترقی کل صیادی شیلات مسیو غیورغی لیانازوف بخواهد برای‌خود شرکاء قرار بدهد لهذاازاین‌تاریخ‌به بعد مجاز ومختاراست که هروقت ازاوقات لازم بداند از روی قانون مملکتی روسیه درانعقاد ودائر نمودن‌آن شراکت‌مختار خواهد بود»

بطوریکه ملاحظه میشود قرار داد شیلات را قبل از آنکه موعد آن منقضی شود باگرفتن مبلغی تمدید میکردند . درماه صفر ۱۳۲٤ هجری قمری بواسطه مضیقه مالی‌و بی‌پولی خزانه عین‌الدوله صدراعظم وقت قرارداد مخصوصی‌بشرح ذیل بانماینده قیم‌های ورثه گئورگی لیانازوف برای پیش‌گرفتن مال الاجاره پنج ساله شیلات منعقد میسازد

«قرارداد مخصوص»

«تهران ۱۷ صفر۱۳۲٤ مطابق۳۰مارت ماه روسی۱۹۰٦امضاءکنندگان»
« ذیل صدر اعظم اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری خلدالله ملکه حضرت »
«مستطاب اشرف ارفع افخم والاشاهزاده سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله »
« اتابك اعظم دامت شوکته و پاتومست و ننی دواریا نین پطر یطرویچ »
«واسکرسنکی(۱)وکیل اوصیای‌گئورگی‌استیپانویچ لیانازوف که‌بطورشایسته»
«مجاز ومختار بودند قرار داد ذیل‌را نمودند .

«ماده اول ـ وراث گئورگی استیپانویچ لیانازوف متعهد میشوند که موافق»
«میل دولت علیه ایران وجه الاجاره آب‌هائیراکه درآن صید ماهی می‌نمایند »
«ازقرار ذیل بالمساعده پیشکی بدهند .

«الف ـ درتاریخ پانزدهم آپریل ماه روسی هذه‌السنه ۱۹۰٦ مال‌الاجاره»
«سه ساله سنه ۱۹۰۷و۱۹۰۸ و۱۹۰۹راکه‌عبارت از یك‌ملیون‌وسیصد وهشتاد»
«هزار فرانك‌باشد پس ازکسر تنزیل ازقرار صدی شش سالیانه بپردازند .
« ب ـ چهارصد وشصت هزار فرانك ازبابت وجه‌الاجاره سال ۱۹۱۰ درغره»
« ماه دکابرروسی هذه‌السنه ۱۹۰٦ داده شود .
« ج ـ ازبابت وجه الاجاره سنه ۱۹۱۱ در پانزدهم آپریل ماه روسی سنه »
«۱۹۰۸ باید چهار صد وشصت هزار فرانك‌پرداخت شود وهردفعه صدی شش»
«تنزیل سالیانه کسر گردد .

«ماده دویم ـ ازطرف دیگر چون دولت علیه ایران همیشه مراحم خودرا »
«نسبت به تجارتخانه وراث لیانازوف ابراز نموده وحالا هم نمی‌خواهد امور»
«آنهارا درآبهای اجاره‌شده‌مشوب نماید چنانکه تاحال این نکته مرعی بوده»

(1) Potomstvenniy Dvoriyanin PETR PETROVITCH VOSKRESENSKIY

« لهذا برای توضیح و تصریح کنترات هائی که در ۲۵ سپتامبر ماه روسی سنه»
«۱۸۹۳ مسیحی مطابق ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۱ بتوسط استپان لیانازوف بمدت»
«بیست سال ودردهم ماه اکتابر روسی ۱۸۹۶ مطابق ۱۴ جمادی‌الاولی سنه»
«۱۳۱۴ بتوسط گئورگی لیانازوف بمدت پنجسال دیگر منعقد شده بموجب این»
«قرارداد دولت‌علیه ایران متعهدمیشود که بدون رضایت وراث گئورگی استپانوویچ»
«لیانازوف کنترات‌های مزبوررا فسخ ننماید .

«ماده سوم ـ دولت علیه ایران تمام حقوق وراث گئورگی استیپانویچ لیانازوف»
«را که مبتنی بر ماده چهارم کنتراتهای منعقده در ۲۵ ماه سنتیابر روسی سنه»
«۱۸۹۳ مطابق ۱۶ ربیع الاول ۱۳۱۱ است بموجب این قرارداد تاکید و تائید مینماید»
«ماده چهارم ـ وراث گئورگی استیپانویچ لیانازوف بموجب این قرار داد»
«رضایت خود را اعلام مینماید که اجرت ماله‌های مرداب را که صید ماهی سوداك»
«(اسپاك) نموده به وراث لیانازوف میدهند درهرهزار قطعه ماهی بیست قران»
«بر پنجاه قران حالیه اضافه نمایند که جمعا هفتاد قران بشود ازغره اکتیابر سنه»
«۱۹۰۶ مسیحی از آنجائیکه وراث گئورگی استیپانویچ لیانازوف از الطاف دولت»
«اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری نسبت به خود بسیار متحسس اند وازاجرای»
«تعهداتی که دولت علیه قبول فرموده اند کمال تشکر را دارند چنانکه قرارداد حاضر»
« هم این نکته را ثابت مینماید لهذا وراث مشارالیهم مراتب تشکرات خود را »
« بدولت علیه اظهار نموده امیدوارند که در آتیه نیز به اعمال مسالمت آمیز خود»
«همین طور توجه دولت علیه را نسبت بخود جلب ومعطوف نمایند »
« این قرار داد در دو نسخه نوشته شده .
«این قرار نامه درسال یونت ئیل ۱۳۲۴ درباغ گلستان نوشته شده صحیح است»
« این قرار نامه که موشح بصحه مبارك ملوکانه است در دفتر وزارت امور »
«خارجه ضبط شده و نسخه دیگر آن که بامضاء رسیده است بوکیل اوصیای »
«لیانازوف داده خواهد شد شهر صفرالمظفر ۱۳۲۴ یونت ئیل محل مهر سلطان»
«عبدالمجید ـ محل مهر وزارت امور خارجه ـ در نمره ۲۳۵ ثبت دفتر محاکمات»
«وزارت امور خارجه شده است . فی ۲۷ شهر صفر المظفر ۱۳۲۴ محل امضاء »
« واسکرسنسکی ـ محل تصدیق ومهر سفارت روس »

لغو قرارداد شیلات

در سال ۱۹۱۷ بواسطه انقلاب اکتبر و ممنوع شدن حمل پول طلا اززوسیه وراث لیانازوف نتوانستند مال‌الاجاره را بموقع بپردازند و بالاخره مشار الملك وزیر مالیه در ۱۲ خرداد ۱۲۹۷ شمسی (۱ ژوئن ۱۹۰۸ ـ ۲۱ شعبان ۱۳۳۶ هجری قمری) قرار داد را لغو میکند . در ۲۴ خرداد ۱۲۹۸ شمسی (۱۳ ژوئن ۱۹۱۹ ـ ۱۴ رمضان ۱۳۳۷ هجری قمری) شیلات بحر خزر بضمانت تجارتخانه تومانیانس به شخصی بنام گریگور پطرویچ وانتیتسف تبعه روس بیست ساله اجاره داده میشود که همه ساله نصف عایدات خالص مطابق دفتر مستاجر متعلق بایران باشد بعلاوه سال اول یکصد هزار تومان سال دوم یکصد و پنجاه هزار تومان سال سوم دویست هزار تومان سال چهارم دویست و پنجاه هزار تومان وسال پنجم سیصد هزار تومان وازسال ششم ببعد همه ساله پانصد هزار تومان بدولت ایران بدهد .

وانتیتسف چون نتوانست بشرایط اجاره نامه رفتار کند این قرارداد نیز درتاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۰ شمسی (۲ ماه مه ۱۹۲۱ ـ ۲۳ شعبان ۱۳۳۹ هجری قمری) لغو واموال و دارائی شیلات درمقابل طلب دولت توقیف گردید .

از همان هنگامیکه قرارداد وراث لیانازوف لغو گردید مکرردر خلال این‌مدت بدولت ایران شکایت واعتراض مینمودند وجبران خسارات خودرا تقاضا میکردند و عاقبت قرار میشود اختلاف بین‌دولت ایران وورثه لیانازوف به حکمیت‌مراجعه شود .

در سال ۱۹۲۰ مرحوم ذکاءالملك فروغی رئیس وقت دیوان عالی تمیز و مرحوم دکتر ولی‌الله‌خان‌نصر رئیس وقت ثبت اسناد ومرحوم حاج‌سید نصراله تقوی مدعی‌العموم وقت دیوان عالی تمیز حکمین‌دولت ایران و از طرف وراث لیانازوف نیز دو نفر روس حکم تعیین میشوند .

بعداز رسیدگی حکم‌ها علیه دولت ایران رای میدهند وقرار میشود بهره برداری از شیلات تاپایان مدت (هشت سال بقیه) متعلق به ورثه لیانازوف باشد وبرای جبران خسارت هفت‌سال دیگر نیز اضافه برآن قرارداد تمدید گردد .

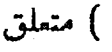

فصل چهاردهم عهدنامه دوستی ایران واتحاد جماهیر شوروی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ (۱۶اسفند ۱۲۹۹) مقرر میدارد .

«باتصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه دولت ایران پس از انقضاء اعتبار قانونی تیلات فعلی خود نسبت به شیلات مزبوره حاضراست که با اداره ارزاق جمهوریت اتحاد اشتراکی شوروی روسیه قراردادی درباب صید ماهی باشرایط خاصی که تاآنزمان معین خواهد شد منعقد نماید .

همچنین دولت ایران حاضراست که بادولت شوروی روسیه داخل مطالعه مسائلی که حالیه نیز تنرسیدن موقع شرایط مذکوره درفوق امکان‌رساندن شیلات مزبوره‌را به روسیه درنظر ادارات ارزاق جمهوری‌اشتراکی روسیه تامین نماید بشود .»

پس از انعقاد عهدنامه مزبور برای طرز اجرای فصل‌چهاردهم آن کمیسیونی‌مرکب از نمایندگان ایران وشوروی تشکیل میگردد ولی این کمیسیون نمی‌تواند تصمیمی اتخاذ نماید زیرا شورویها پیشنهاد اجاره شیلات را مینمودند و دولت ایران میخواست که‌یك شرکت ایرانی و روسی باسرمایه مساوی جهت بهره برداری شیلات تشکیل شود و چون بامذاکراتی که بین طرفین بعمل می‌آید نتیجه‌ای‌حاصل‌نمی‌گردد در تاریخ ۱۵میزان ۱۳۰۰ شمسی (۶صفر ۱۳۴۰ هجری قمری ـ ۸ اکتوبر ۱۹۲۱) نمایندگی‌شوروی در ایران تقاضا میکند که تااتخاذ تصمیم قطعی قرار موقتی داده شودکه محصول شیلات را بآنها بفروشند ودولت ایران نیز بااین تقاضا موافقت وبموجب‌تصویب‌نامه مورخ ۲۸حوت ۱۳۰۰ شمسی(۲۰رجب ۱۳۴۰ هجری‌قمری ـ ۲۰مارس ۱۹۲۲)هیئت دولت اجازه میدهد که محصول شیلات بقیمت عادله بشورویها فروخته شود .

در سال ۱۹۲۲ ورثه لیانازوف که بسن‌بلوغ رسیده بودند ما ترك لیانازوف را بموجب تقسیم‌نامه مورخ ۲۴ آبان ۱۳۰۱ (۱۶نوامبر ۱۹۲۲) بین خود قسمت‌نمودند ودر تاریخ دهم اوت ۱۹۲۳ مارتین لیانازوف یکی‌ازوراث‌سهم‌خودرا که عبارت ازشیلات واقعه در انزلی وخلیج انزلی وآستارا ودر ساحل دریااز انزلی تاآستارا بود با قطعات زمین وابنیه منجمله جزایر کولان کودای کوچك وکولان کودای بزرك ووسائل حمل ونقل ومصالح وذخائر وآلات صید و غیره باداره مؤسسات صیادی دولت اتحاد جماهیر

مارتین لیانازوف

شوروی واگذار نمود .

دولت شوروی که در اینوقت مالك حقوق ورثه لیانازوف بود و قرار موقت را برای اجرای فصل ۱٤ عهدنامه دوستی سال ۱۹۲۱ کافی نمیدانست مکرر ازدولت ایران میخواست که اقدام جدی برای اتخاذ تصمیم قطعی دراین‌مورد بعمل بیاید و سرانجام در اول اکتوبر ۱۹۲۷ (مهرماه ۱۳۰٦ شمسی) قرار دادی در۲۱ ماده منعقد وبضمیمه پنج صورت مجلس و پنج مراسله در مسکو بین ایران وشوروی مبادله میگردد .

بموجب ماده اول این قرارداد امتیاز بهره برداری از شیلات بحرخزر بیك شرکت مختلط ایران وشوروی واگذار گردید .

بموجب ماده‌دوم‌حدوداین‌امتیازهمان حدود شیلاتی‌است که‌سابقا به برادران‌لیانازوف داده شده بود باستثنای دهانه رودخانه‌های سفید رود بابل در مشهدسر ـ گرگان وشعبه آن قره‌سو ـ مدت این امتیاز بیست وپنج سال‌از روزمبادله اسناد مصوب خواهد بود .

پس‌ازخاتمه مدت ، تعهدات دولت ایران ناشیه از فصل ۱٤ عهدنامه دوستی فوق‌الذکر خاتمه یافته محسوب میشود واگر دولت‌ایران نخواهد امتیاز مزبور را تجدید نماید شرکت مزبور منحل خواهد شد ودارائی آن بغیراز اراضی که متعلق بایران است بین طرفین بطور مساوی تقسیم میگردد ودولت‌ایران‌متعهداست که‌درصورت عدم‌تجدید قرارداد تا مدت بیست و پنجسال یعنی تاسال ۱۹۷۷ میلادی شیلات بحرخزر را به ممالك دیگر یاباتباع آن‌ها واگذار ننماید ونیز متخصص بیگانه برای اداره شیلات استخدام نکند .

سرمایه طرفین در شرکت شیلات متساوی بودوشرکت باید بابت حق الامتیاز هشتصدهزار ریال باضافه پانزده درصد ازعایدات خالص خودرا بدولت ایران بدهد وبقیه منافع خالص بالمناصفه بین‌طرفین تقسیم میگردید .

هیئت مدیره شرکت که مقرآن‌در تهران بود ازشش‌نفر که سه‌نفراز طرف دولت ایران وسه نفراز طرف دولت شوروی تعیین میشدند تشکیل می‌یافت

امتیاز شرکت مختلط شیلات ایران‌وشوروی در تاریخ شنبه ۱۱ بهمن۱۳۳۱شمسی (۳۱ ژانویه ۱۹۵۳) پایان یافت وچون دولت‌ایران از تجدید قرار داد خود داری نمود انحلال آن اعلام و قرار است دارائی شرکت مطابق شرایط قرار داد سابق بین‌طرفین تقسیم گردد .

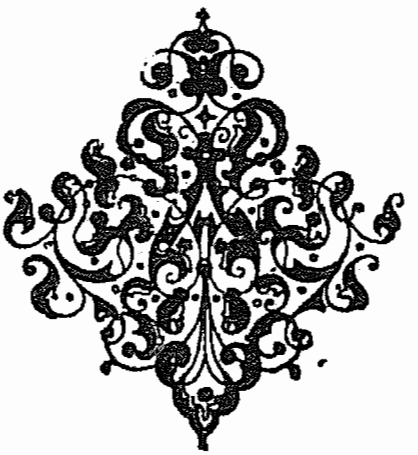

۴

قزاقخانه

ایجاد قزاقخانه‌را درایران باید یکی از اشتباهات بزرك ناصرالدین شاه و میرزا حسین خان سپهسالار دانست .

در سال ۱۲۹۵ هجری قمری هنگامی که ناصر الدین شاه برای بار دوم باروپا میرود وضع ارتش روس مورد توجه او واقع میگردد مخصوصا پس از دیدن رژه عده‌ای ازسپاهیان روسیه درمیدان «شان دومارس» پطرزبورغ هوس میکند که باهمان روش سربازانی درایران تربیت نماید .

سپهسالار بواسطه دلتنگی که از انگلیس ها داشت و تمایلی که بسیاست روسها پیدا کرده بود این فکررا در «شاه» تقویت وتصمیم میگیرند عده‌ای ازافسران روسی‌را بایران آورده‌قزاقخانه‌را تشکیل دهند وبالاخره درسال۱۲۹۶ برای اولین بار قراردادی بین دولت ایران ویك دسته ازافسران روسی بریاست ژنرال دومونتویچ منعقد میگردد .

در هنگام سفر اروپا در اطریش نیز عده‌ای افسر برای تربیت ارتش ایران استخدام‌نمودند ولی این دسته نتوانستند مدت زیادی دراین کشور توقف نمایند و بزودی متفرق شدند .

لرد کرزن راجع بآمدن صاحبمنصبان روسی بایران مینویسد

« مقارن همان اوقات که صاحب منصبان اطریشی‌بایران‌آمدند یك‌عده از صاحبمنصبان روسی نیز بپایتخت ایران وارد شدند که نفوذ دولت امپراطوری روس‌را در ایران توسعه دهند و قشونی دراین کشور ترتیب بدهند که فرم واسلحه وتعلیمات‌قزاقهای روسی‌را داشته باشند .

کلنل دومونتویچ (۱) که‌یکی ازصاحبمنصبان تعلیم یافته‌ژنرال ترکوکاسوف (۲) ودرجنگهای تراکمه شرکت کرده بود باپنج نفر صاحب منصب دیگر برای تشکیلات قزاقخانه بطهران وارد شدند البته کار روسها از حیث تعلیم ومشق قزاقان ایرانی خیلی خوب پیشرفت نمود .

دروهله اول یکهزار تفنك بردان یابردانکه که قیمت هریك سه لیره بود ودو باطری توپخانه صحرائی بدون اخذ قیمت ازطرف امپراطور روس که دوست پادشاه ایران بود بشاه ایران هدیه شد شمشیرهای این عده قزاقان درخود ایران هردانه به دوازده قران ونیم ساخته و آماده گردیدواین دسته درلباس و تعلیم‌مانندقشون‌غربی بودند وپادشاه‌ایران بخوبی‌می‌توانست‌بداشتن‌چنین‌لشکری که‌درست‌مطابق‌قزاقان قفقاز و نمونه آنهابودند بخودببالد .

دراین تاریخ (۱۸۹۱) عده قزاقهای ایرانی بالغ بر سه فوج است واسماً هر فوجی ششصد نفر که جمعا هزار و هشتصد نفر میشوند ولی درحقیقت‌تمام دو فوج هستند که هرفوج‌ششصد نفر ومجموعاً هزار ودویست نفر میشوند واگر اینهارا سه فوج فرض‌کنیم باید گفت که هرفوج بالغ برچهار صد نفر خواهد بود .

صاحب منصبان روسی عبارتند‌ازیك سرهنك و۳ نفرسروان یك نایب وده نفر گروهبان ولی‌هنگامیکه من درطهران بودم عده این صاحب منصبان‌کمتر بود یعنی یکنفر سرهنك یك نفر سروان یك نایب و شش نفر

---

(1) Colonel Dumantovitch (2) General Terqukasoff

گروهبان ودراین سالهای اخیر تصمیم گرفته شده که یك فوج نیز باین عده علاوه کنند ونفرات آنرا از کردها و تیموری‌ها وسایرطوایف سرحدات شمال شرقی خواهند گرفت .»

تعدادافراد قزاق بتدریج افزایش میافت وبعد شعباتی ازقزاقخانه درشهرهای تبریز واصفهان ومشهدوبار فروش ورشت تاسیس گردید .

مخارج یك بریگاد قزاق که مرکب از ٥٤ نفر صاحب منصب وگروهبان و ٦٠٠ نفر تابین بوده از روی بودجه‌ای که برای یکسال از نهم مارس ۱۸۸۲ تانهم مارس (روسی) ۱۸۸۳ مطابق عید نوروز ۱۲۹۹ تا عید نوروز ۱۳۰۰ هجری قمری تهیه شده بشرح ذیر بوده‌است .

۱ ـ مواجب عده مزبور	ـ/۲۸۰۳٦ تومان
۲ ـ جیره برای ٦٠٠ نفر تابین	ـ/ ۸۷٦۰ تومان
۳ـ علیق یکساله اسبها	ـ/ ۱٥٥٠٠ تومان
٤ـ قیمت لباس ٦٠٠ نفر	ـ/ ٤۳٥٠ تومان
(هرنفر هفت تومان ودوهزار وپانصد دینار)	
٥ـ تعمیرات ابنیه قزاقخانه	ـ/ ۸٠٠ تومان
٦ـ سوخت چراغ	ـ/ ٦٠٠ تومان
۷ـ مخارج اردو	ـ/ ٤٠٠ تومان
۸ـ مخارج متفرقه	ـ/ ۱٠٠٠ تومان
جمع	ـ/ ٥۹٤٤٦ تومان
۹ـ مواجب صاحب منصبان وعلیق آنها	ـ/ ۷٠۹٠ تومان
جمع کل	ـ/٦٦٥۳٦ تومان

این مخارج بتدریج زیاد میشد بطوریکه بودجه قزاقخانه در سال ۱۳۲٤ قمری مطابق صورتی که روزنامه تمدن درشماره ۱٦ مورخ ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲٥ درج کرده و پرفسور ادوارد برون در کتاب انقلاب ایران و آقای جمال زاده در کتاب گنج شایگان نقل نموده‌اند بالغ بر ـ/ ۲۳٠۱٠۲ تومان شده‌است ودرسالهای بعد این مبلغ تاچند برابر افزایش یافته است .

تاسیس قزاقخانه باآن ترتیبی که در ایران دایر شد باید یکی از امتیازاتیکه بروسها داده شده‌است دانست . این خبط بزرك سالها اسباب زحمت ودرد سر کلی برای دولت وملت ایران فراهم ساخته بود .

قزاقان درحقیقت قوه اجرائیه ونیروی نظامی سفارت روس و عمال تزاران بودند وبانواع واقسام مختلف در کلیه اموردخالتهای ناروا میکردند .

افسران روسی هرچند ظاهرا مستخدم دولت ایران واز بودجه این ملت حقوق میگرفتند ولی مستقیم وغیر مستقیم تحت فرمان فرمانفرمای قفقاز و سفارت روسیه قرار داشتند وعملیات بی رویه و خلاف انسانی قزاقان داستانهای دلخراشی است که متاسفانه

دراینجا مجال شرح آنها نیست و نمونه آن ، رفتارظالمانه لیاخوف درمحو آزادی وجنبش مشروطیت وتوپ بستن مجلس شورای ملی و کشتن آزادیخواهان ایران است که درتاریخ مشروطه شرح آن داده شده‌است .

مجله کاوه درشماره ٤ مورخ ۸ جمادی‌الاولی سال ۱۳۳٤ هجری قمری مقاله ای راجع بقزاقخانه در ایران نوشته که برای مزید اطلاع خوانندگان متن آنرا در اینجا نقل مینمایم .

« قزاق ایران »

فوج قزاق ایرانی یکی ازبلا یا وبدبختیهای ایران‌است که کسی نیست ثمرات تلخ آن شجره خبیثه‌را که ناصرالدین شاه کاشت مسبوق نباشد .

این دسته دشمن داخلی درسال ۱۲۹٦ قمری بعد ازعودت ناصرالدین شاه ازفرنك اینجا شد . مشارالیه درقفقاز وایروان ازلباس نظامی و ترتیب قزاق روس خوشش آمده خواست که برای کشیك مخصوص خود دسته قزاقی بترتیب روسی تشکیل‌دهد وبدین جهت چهار صاحب منصب و پنج نفر صاحب منصب جزء روسی برحسب خواهش وی مامور تشکیل‌یکعده قزاق پانصد نفری‌در« رکاب مبارك » شدند قرارداد منعقد میان صاحب منصب اول روس قزاقخانه که درجه سرتیپی داشت و دولت ایران حکم واختیار قشون مزبور را منحصر بشخص پادشاه میکرد و بدینواسطه از قوای نظامی دولتی مجزا میشد .

اولین سرتیپ روسی مامور تشکیل قزاق ایرانی دومونتوبیچ فقط پانصد نفر قزاق میبایست تشکیل بدهد بعدهابتدریج قزاقخانه از حیث عدد ومخارج‌سالیانه وبالخصوص اختیارات وامتیازات متصل وسعت میگرفت .

درعهد وزارت جنك آقا وجیه سپهسالار سرتیپ روسی قزاقخانه بعنوان قوانین وقواعد نظامی یك‌جزوه قانون نامه نوشته ودست خط وصحه همایونی‌را به مجری بودن آن تحصیل کرد این فصول راجع به ترتیبات‌فوج مزبور دارای اختیارات زیاد و حقوق متعددی بود برای صاحب منصب روسی ازعزل ونصب وانجام دادن و اخراج وتنبیه وغیره واگر چه آنها بموجب فرمان بر قرار شده بود وجزو مواد یك قرار نامه میان ایران و روس یا صاحبمنصب مزبور نبود باوجود براین باز آنها را همیشه مجرا داشته وحق دولت ایران را درنسخ یکی از آن مواد قبول نکردند درایام مشروطیت ایران هرصاحبمنصب ایرانی قزاقخانه که باملتیان و آزادی طلبان همدردی داشت و بمیل قلبی روسها مخالف بود فورا عزل و اخراج میشد و این فقره سبب این شد که درقزاقخانه فقط بدترین اشخاص ایرانی فرومایه و فاسد بمانند وآن فوج خلاصه شرارت وخیانت باشد هیچ وقت ازعده و عدد قزاقخانه اطلاعی صحیح بخارج و حتی بخود اولیای دولت نمیدادند .

درمخارج وافزودن وکاستن عدد و مقدار ذخیره و اسلحه آزاد بودند وگاهی گفته میشد که عده قزاق خیلی بیشتر ازحد معلوم‌است .

در اواخر عهد مظفر الدین شاه سالی قریب سیصد و شصت هزار تومان ازدولت میگرفتند درعهد دوره استبدادی محمد علی‌شاه بیك کروربالارفت درگرفتن پول محتاج دولت ایران ،حواله رزیر مالیه نبودند .

بموجب قرار داد استقراض روس۱۳۱۷ بایدکه تمام عایدات گمرکات شمالی ایران مستقیما بصرافخانه روس (بانك استقراضی درایران برسدواوپس ازوضع اقساط استقراض باقی‌را بدولت ایران ردکنند .

دراینصورت ریش دولت پیش صرافخانه روسی که شعبه وزارت مالیه روس درایران است گیراست سرتیپ روسی در سر موقع مخارج لازمه راکه خود ضرور می بیند بدون مشورت احدی از صرافخانه مزبور بعنوان قرض میگیردآن اداره نیز آن وجه‌را باتنزیل بحساب دولت آورده ازپول دولت که پیش اوست‌اخذمیکند.

عده قزاق رسما یك فوج سواره (بریگاد) مرکب از۱٦۰۰سواره وپیاده بودلکن بنابراطلاعات اخیر گویا به پنج هزار و پانصد نفر مرکب از چهار فوج سواره و دوگروهان پیاده ودو باطری توپ کوهستانی ودو

قطعه توپ مسلسل رسیده بوده است بعد ازدستبرد مشروطیت در ۱۳۳۰ دولت روس درجزو امتیازات زیادی که در زیر تهدید از حکومت انوقت تحصیل کرد یکی هم تشکیل یك قزاقخانه ایرانی تازه بود درتبریز مرکب از هشتصد نفر بود که بدین ترتیب میخواستند کم کم شعب این اداره رادرولایات شمالی بتدریج برقرار کنند ضدیت شدید و کارشکنی جدی که روسها برای پیشرفت قزاقسوروانی جدید میکردند بیشتر برای آن بود که بجای آن قوه قزاق ایرانی بنا کنند قزاق ایرانی همیشه بر خلاف ملت ایران و مقاصد ملی حرکت کرده و آلت دست دشمن بوده است .

توپ بندی مجلس ملی در ۱۳۲۶ بدست لیاخوف و قزاقهای او جنك قزاقها بعد ازآن با ملتیان درتبریز وقزوین وسایر نقاط وآلت استبداد وجور شد نشان درتهران مردم‌را ازاین دسته بسیار متنفر کرد وانحلال آنرا اولین آمال ملی میشمردند در ورود مشروطه طلبان بطهران و عزل محمد علیشاه از سلطنت یکی از شرایط تسلیم شدن قزاقها بمجاهدین تعهد کتبی صاحبمنصبان قزاقخانه بود باطاعت ازدولت و وزیر جنك که باز بعدها هیچ عمل بآن تعهد نکردند .

اینك روزنامه‌های طهران خبر میدهند که اولیای دولت‌ایران مصمم برافزودن عده قزاق شده وحکم‌داده تاشماره آنرا بده هزار نفر برسانند معلوم است که این اقدام یك بنائی است برای تشکیل یك قشون ایرانی برای روس درایران ومخصوصاً برای تخریب بنای قراسوران ملی دولت روس از ابتدای دخول ترتیب قشون‌نظامی در ایران درعهد فتحعلی شاه : امروز همه وقت درهرجا برای جلوگیری از پیدا شدن قشون ملی کار شکنی کرده وبانواع دسایس وزور وزر بهم زده‌است هیئت معلمین انگلیسی را باسازش باانگلیسها در عهد عباس میرزا درنود سال پیش بهم زد هیئت معلمین اطریش‌را باهزار دسیسه پریشان نمود قوای نظامی ظل‌السلطان‌را بدسایس شاهزاده دالگاروکی وتحریك امین السلطان درهم شکست قوای قراسورانی شوستررا باعزل امریکائیان پاشیده کرد اینك قوای نظامی قراسورانی تازه‌را هم بسخت گیری مالی وکار شکنی بر ضد صاحب منصبان سوئدی بر انداخته ومیاندازد .»

۵

دعاوی روسها

بعداز افتتاح رود کارون

توسعه نفوذ انگلیسها

بعداز آنکه سردرومندولف وزیرمختار زبردست انگلستان در سال ۱۸۸۷ مامورد ربار ناصرالدین شاه میگردد ومخصوصا بواسطه روش «انگلیسی مآبانه» امین السلطان وزیراعظم و روابط صمیمانه‌ای که بین این دو نفر برقرار میشود نفوذ دولت انگلستان در دستگاه دولتی ایران بمنتهای شدت خود میرسد وچنانکه دیدیم بعداز مدت تقریبا پنجاه سال کوشش که انگلیسها برای بازشدن رودکارون بعمل میآوردند وموفق بانجام آن نمی‌شدند عاقبت در تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۰۶ هجری قمری فرمان آزادی کشتیرانی در رودکارون را تحصیل میکنند وسه ماه بعداز آن امتیاز نامه بانك شاهنشاهی را بامضای ناصرالدینشاه میرسانند وباین ترتیب ادعای روبتر واختلاف بین ایران وانگلیس که قریب هفده سال طول کشیده بود پایان میابد و مقدمات سفر مجدد ناصرالدین شاه بانگلستان تهیه میگردد.

البته در خلال این جریان صحبت‌های دیگری برای اعطای امتیازات دیگر باتباع انگلیس نیز گاه وبیگاه بمیان می‌آمد که روسها توسط عمال خود کم و بیش از آن آگاه میشدند.

بدیهی بود که روسها هیچوقت ساکت نخواهند نشست که این حوادث را فقط تماشا نمایند وچیزی نگویند وانگلیسها هم تمام بازارهای تجارتی ایران را منحصر بمال التجاره خود کنند ونفوذ سیاسی خویش را بیش از پیش توسعه بخشند. گویا امتیاز روبتر در سال ۱۸۷۲ ناصرالدینشاه را متنبه نکرده بود ویا گذشت زمان تجربیات تلخ آن را از خاطرش برده بود بهرحال بادسیسه‌های ولف وزیر مختار انگلیس وبدستیاری امین السلطان فرمان آزادی رودکارون وامتیاز ایجاد بانك شاهنشاهی را امضاء کرد.

نارضائی روسها

از همان هنگامیکه روسها از این جریانات مطلع شدند جدا شروع بمخالفت کرده و دولت ایران را تحت فشار گذاردند.

از طرف دیگر روزنامه‌های روسیه حملات شدیدی بایران کردند و هریك برای مجازات دولت ایران پیشنهادی مینمودند که قبلا نیز در بخش دوم قسمت سوم صفحه ۱۷۳ اشاره‌ای بآنها شد واینك در اینجا ترجمه مقاله دیگری از آن روزنامه‌ها را باعباراتی که

درهمان موقع ترجمه شده نقل مینمایم .

روزنامه روسی « نوی‌وریمیا» (عصر جدید) چاپ پطرز بورغ در شماره مورخه ۲۷ نوامبر سال ۸۸۸ مینویسد .

« کار ما با ایرانیها از ترتیب وقاعده ممکن نیست خارج شود روس با قدرت کامل »
« خوددر اموراتیکه راجع باوست درایران مجری خواهد کردواین مطالب موافق تواریخ »
« سابقه بماوصیت شده است وانجام اینکارها برای سلطان مقتدری مثل روس سهل وآسان »
« است ممکن نیست که بتوانیم خودمان را راضی کنیم که انگلیس برما مقدم باشد وبرتری »
« بجوید اگر بخواهد انگلیس درایران برما مقدم شود اسباب ملالت وتاسف ماخواهد »
« شد مسافت ما با ایران وبهمه املاك ومخلوق آنجا یکهزار وپانصد ورس است »
« از یکصد وپنجاه سال قبل الی حال ایران قدرت مارا فهمیده ودولت روس هم »
« بادولت ایران بدوستی وخصوصیت ثابت وبرقرار بوده است تاقدرت انگلیس از آنجا »
« زایل نشود مادر حق این دولت کوچك بی قدرت بدگمان خواهیم بوداز برای ما »
« ممکن است بدون زحمت از عهده این کارها بیرون بیائیم اگر درست ملاحظه کنیم »
« در ایران مثل سایر ممالك مجلس غوررسی ندارند وقدرت تجارتشان چندان نیست ودادرس »
« هم یافت نمیشود ومادر مملکتی که حق تحکم را داریم خواهش نخواهیم کرد ودیگر »
« آنکه ما باشاه وامنای دولت اودر نهایت احترام حرکت کرده‌ایم وخیلی هم زحمت »
« کشیده‌ایم اگر دیپلومات‌های مادوستانه کارهای خودشان را اصلاح نکنند وباحترام »
« از پیش نبرند باقوت وقدرت خوداز پیش برده وانجام خواهند داد .
« مشهد وتبریز وبار فروش از حدود روس دور نیست قبل از اینکه بخواهد »
« انگلیس کمك وامداد کند این شهرها تصرف خواهد شد چرا باید خیال کرد که »
« انگلیس‌ها در مقابل ما کمپانیه تازه درطهران باز کرده‌اند ونباید ملاحظه کرد »
« مثل سردرومانداولف که خود رادیپلومات عاقل وکارآگاه وبصیر میداند و از »
« کارهائیکه کرده است مقصود خودرا بعمل خواهد آورد اگر چه اینفقرات را »
« تلگرافا مطلع شده‌ایم خواهیم دید نتیجه این تعارفات اورا روس بدون هیچ ملاحظه »
« واحتیاط در سر حرف خود ایستاده بایران حکم خواهد کرد . عهدنامه ای که در »
« سنه ۱۸۸۱ (منظور عهد نامه خال و خراسان که برای تعیین حدود بین ایران و »
« روسیه منعقد گردیده است) بسته شده مجری نمایدولی باید ساعی وجاهد باشد که »
« نتیجه آنها بدعاقبت نشود مامورین روس در ایران نسبت بسابق باید بیشتر باشند »
« ولازم میدانیم که درهمه سرحدات ایران اگنت(نماینده) بگذاریم حتی در کنار »

Новое Время

№ 9105 С.-ПЕТЕРБУРГЪ, СРѢДА, 14-го (27-го) ИЮЛЯ 1901 ГОДА. № 9105

روزنامه نیم رسمی « نوی وریمیا » (عصر جدید) ناشر افکار
دولت تزاری روس که بزبان روسی درپطرزبورغ چاپ
میشد راجع بایران مقالات زیادی مینوشت

« رودخانه ها واین اگنت‌هاهم باید اشخاص تربیت شده وحکماروس باشند بجهة »
« اینکه روسها در امر دیپلومات خاطرجمع‌ترند وممکن نیست جنرال قونسول »
« مشهد مسلمان باشد امروز اینمقدمه را روزنامه گزاژدانین میگوید باید راههای»
« طهران ومشهد بخاك روس‌متصل بشوندبجهة سهولت در عبور ومرور در اینکار»
« هرچه زودتر اقدام شود بهترخواهد بود آنچه لازمه انگلیس است خواهدفهمید»
« که او مثل روس‌بایران‌دسترسی نداردوباو افغانستان‌راوامیگذاریم ولی‌نخواهیم»
« گذاشت پابایران بگذارد واوهم راضی‌نخواهد شددراین موارد خود را ذلیل کند»
« زیرا خاك ایران نزدیکتر است باحاطه‌وتصرف روس ـ دولتی که قادر بر هیچ »
« نباشد قیمی مثل روس باولازم است نه انگلیس مدت‌زمانی نیست که انگلیس‌ها »
« از هزار ورس باینطرف از هندوستان آمده که سرحدات مارا باافغانستان‌تعیین »
« کنند واز این بابت میخواستند اوقات‌را برما تلخ کنند که مامورین دولت مخفی »
« آمده‌اندبرای‌محافظت سرحدات‌اما آمدنشان‌بیحاصل‌بود ماهم‌لازمه‌احترام رابآنها »
« کرده وازخطرات دائمی هندوستان‌آنهارا آسوده کرده بآنهاواگذار کردیم‌آنچه»
« راکه توانستیم ولی‌حالا کارطوری‌گردیده است که مابیشترقدرت داریم‌بایران نه»
« انگلیس در افغانستان این‌مسئله را باید انگلیس ملتفت شود و الا ممکن است »
« بحالت‌سابق‌خود برقرار باشد . »

مقارن این‌احوال دالگورکی وزیرمختار روس‌درتهران نبود . شارژ دافر سفارت روس در تهران برای خنثی کردن عملیات انگلیسها شدیداً بفعالیت پرداخت وبناصرالدینشاه وامین‌السلطان پیغام‌داد که‌رفتار دولت ایران‌نسبت بروسیه خصمانه میباشد ودولت روس برای‌حفظ امنیت کشور خود باقدامات شدیدی دست‌خواهدزد . جریان‌ملاقات ومذاکراتی راکه شارژدافر سفارت روس باامین‌السلطان بعمل می‌آورد قوام‌الدوله وزیر امورخارجه در نامه‌ی بعنوان ملکم وزیر مختار ایران درلندن شرح‌داده و متن‌آن قبلادر صفحه۱۷۰ نقل‌گردیده است .

ناصرالدین شاه و امین السلطان که تهدیدات روسها را مشاهده مینمایند سخت بوحشت افتاده و در پی چاره میگردند و با ولف وزیر مختار انگلیس در این باب مشورت میکنند .

دالگورکی وزیر مختار روس باآنکه برای استفاده ازمرخصی چندین ماهه خود به‌پطرزبورغ‌رفته‌بود بواسطه‌جریان‌مخالف‌منافع‌روسیه‌دراواسطماه‌جمادی‌الثانیه‌سال۱۳۰۶ هجری قمری (فوریه ۱۸۸۹) باعجله بتهران می‌آید ودر همان روزورود بتهران باامین‌السلطان وزیراعظم ملاقات میکند .

دالگورکی امین‌السلطان راتهدیدمیکرد که اگردولت ایران فورا روش خود را تغییرندهد ودر صدد جبران این موضوع برنیاید روابط دولتین قطع میشود و از ایران خواهد رفت و مسئول پیش آمدهای بعدی اولیاء دولت ایران هستند .

ناصرالدین‌شاه که در این‌موقع باعلاقه خاصی‌مشغول تهیه‌لوازم سفراروپا بودنمی

توانست این تهدیدات را نادیده انگاشته وراه اروپا را پیش گیرد زیرا گذشته از آنکه روسها اورا از راه روسیه نمی گذاردند باروپا برود چگونه میتوانست ازحوادثی که ممکن بود بااین ترتیب در غیاب اوروی دهد ایمن باشد . باین جهت بامین السلطان دستور میدهد که هرطوری هست رضایت دالگورکی راجلب نماید .

اعتمادالسلطنه در کتاب خلسه خود از قول امین السلطان راجع باین موضوع مینویسد .

« این وقت دالقورکی سفیرروس هم ازطرف دولت متبوعه خود تعلیمات خیلی سخت داشت همان روز ورود بامن (یعنی امین السلطان) ملاقات نمود و گفت باقرارنامه انگلیس بایدپاره شود یابابد منتظر آمدن قشون روس به ایران بشوید وبهیچوجه بمخیله شماخطور نکند که ماازراه ممالك روس بگذاریم شاه باندن برود من در جواب دالقورکی متحیرماندم که روس دشمن قوی واز سه طرف همسایه راه رفتن بفرنك مسدود امتیاز جدید رویترسر گرفته چه خاکی بایدسرریخت غری غرویچ صاحب (مترجم اول سفارت روس) هم اگرچه به مسیو پوجیو شارژدافر بی حال روس که سابقا ذکری از ایشان شده مسلطاست امادرنظر دالقورکی بقدرسك عظم ندارد لابد شب دیگر بعداز مشورت باولف سفیر انگلیس پاسی از شب گذشته متنکرأدر کالسکه نشسته قانوسهای کالسکه را خاموش کرده بی خبر بسفارت روس رفته بردالقورکی وارد شده و دست و پای اورا بوسیده ویرا ازمرکب لجاجت فرود آورده بعدازآنکه نرم وملایم شدچاره کاررا ازاو خواستم دالقورکی یك کلمه فارسی نمی دانست شگفت نامی مترجم داشت سئوال وجواب مارا ترجمه مینمود ابتدا دستم را بدست دالقورکی دادم هرچه خواست اشتلم کرد بدستورالعمل واف من ساکت وحیرت زده باونگاه کردم وتبسم مینمودم همین که ازجوش وخروش فرونشست وحرفش تمام شد گفتم چه عیب دارد مادر عوض امتیاز بانکی که بانگلیس هادادیم وعلی العجاله چندان فایده بحال قدرت دولت انگلیس در ایران ندارد بشما امتیازات دیگر میدهیم وشما فورا برقدرت متزلزله خودد ایران قوت واستحکام دهید و بیشتر از پیشتر نمائید دالقورکی گفت مثل چه گفتم هرچه بخواهید جواب مرابمجلس دیگر انداخت این تاخیر وتعویق اسباب امیدواری من گردید فهمیدم میخواهد ازدربار پطرسبورغ استیذانی نماید واجازه حاصل کند خلاصه بعد از چند روز دالقورکی بمنزل من آمد وگفت ماامتیاز راهی از انزلی بطهران را میخواهیم که ابتدا آنرا هموار نموده بعد راه آهن بکشیم گفتم دادیم ودیگر چه میخواهید گفت اختیار کشتی رانی درتمام رودخانهائیکه درخاك ایران است و بدریای خزر میریزند ازمصب تامنبع گفتم دادیم دیگر چه میخواهید گفت سند معتبریکه بعدها هر امتیازی بسایردول وملل میخواهند بدهند ازهرقبیل باشد اول ازماا جازه خواسته ومارا مستحضر سازند شاید ما باشروط سهل تر قبول کنیم گفتم دادیم دیگرچه میخواهید دالقورکی که این جوابها راشنید واین تمکین را دید عرش را سیر کرده چه باور نمینمود یکی از این تکالیف او پذیرفته شود برخواست وبمن دست داده من فقط همان دست راست که بضرر ایران دراز بود بودا م ودست چپ را که اختیارنامه رویتردر بذل ایران درآن بود دریغ کردم وباخود گفتم اگرضرری بمملکت ایران وارد می آید بیایدانگلیس ها که دوستان من می باشند بهتر این است که دچار خسارتی نشوند این سه فصل ازملاقات من بادالقورکی می باشد که آشکار است شاید فصول مخفی دیگری هم داشته باشد که هرآدم عاقلی میداند که ازهمین سه فصل چه ضررها بدولت ایران وارد می آید ..... و خیالی که در وقت دادن این امتیازات بدولت روس مینمودم فقط این بود که سردالقورکی را پیچانیده اوراساکت کنم وبار راه فرنك را بهبندم ....»

پیشنهادهای روسها

بین امین السلطان صدر اعظم وقوام الدوله وزیرامور خارجه ازیکطرف ودالگورکی وزیرمختار وپوجیو مستشار سفارت روس از طرف دیگرملاقات های مکرری اتفاق افتاد . تکالیفی که روسها بدولت ایران پیشنهاد میکردند بسیارشاق وغیرقابل قبول بنظر میرسید بحدی که ناصرالدین شاه را بسیار نگران ساخته بود .

هرچه امین السلطان و قوام‌الدوله با راهنمائی ولف وزیر مختار انگلیس کوشش کردند که ازسنگینی تکالیف دالگورکی وزیر مختار روسیه بکاهند ممکن نشد وبالعکس پافشاری وخشونت او بیشتر میگردید .

عاقبت ضمن ملاقاتی که بین« غری غرویچ صاحب مترجم اول»سفارت روس‌وقوام الدوله وزیر امور خارجه بعمل میآید آخرین تکالیف وپیشنهادهای‌وزیر مختار روس‌بدولت ایران داده میشود .

قوام الدوله جریان این‌ملاقات‌را بشرح ذیل بضمیمه عین تکالیف دالگورکی‌برای امین السلطان میفرستد .

«فدایت شوم‌امروز که روزجمعه است دوساعت‌بغروب مانده غری صاحب »
«آمد و از جانب وزیر مختار صورت تکالیف را آورد که ترجمه آن ارسال»
«گردید پیغام آورده بود که تکالیف روس این‌است که صورت آن‌را فرستادم»
«غیر این اگر بشود یاجرح وتعدیلی درآن نمایند اختیار ندارم آن را قبول»
«نمایم درباب پنج‌سال وچهارسال گفتم وزیرمختار وعده بمن دادومن بخاکپای»
«مبارك عرض کردم حالا مرا دروغگو بیرون‌آوردن‌چه معنی دارد گفت وعده»
«وزیر مختار دروغ نمیشود همین که پنج سال ازجانب دولت‌قبول شد شرط»
«باشد که یکسال را از امپراطور تخفیف بگیرندوزیر مختار خواهش دارد که»
«این کار را زود تمام نمائید که تعویق افتادن آن کار خوبی نیست وهرچه زود»
«تر بشود باعث رضای خاطر امپراطور روس خواهد بود زیاده عرض و»
«زحمتی ندارم»

تکالیف مزبور بشرح زیر بضمیمه نامه فوق برای امین السلطان ارسال‌شده‌است

« اولا آزادی مرداب انزلی باجمیع رودخانهائی که‌مصب‌آنها مرداب انزلی میباشد با حق ساختن اسکلها وانبار وغیره وسایر ملزومات متعلقه که مفصلا مذاکره خواهد شد .

ثانیاً آزادی سفید رود ورودخانه مشهد سر وسایر رودخانها که مصب آنها بحرخزراست

ثالثا ساختن راه عراده رو یعنی شوسه ازانزلی الی دارالخلافه طهران که این راه باید قبل ازهمه راهها ساخته شود وباز بشود کمپانی میتواند یاباز اهالی روس یا از اشخاص متفرقه باشد اما راه قوچان باید در سر وعده وپیش ازهمه راهها ساخته وحاضر باشد .

رابعا تسهیل‌راه ازاستراباد الی اردبیل .

خامسا درباب ساختن راه آهن درخاك ایران مذاکره خواهد شد یعنی درباب خطوط این راهها وهم در باب ضمانت دولت ایران ـ باید دولت علیه ایران متعهد بشود که‌درمدت پنج سال؛یاحدی‌اجازه ساختن راه‌آهن ندهد بعد از انقضای مدت مزبوره (یعنی فلان مدت) اگر دولت روسیه بخواست راه آهن بسازد دولت علیه ایران بهر که بخواهد اجازه ساختن بدهد مختار خواهد بود در تمام اطراف ایران و تمام خطوط .»

امین السلطان بعد از ملاحظه این نامه درذیل آن نوشته‌است

«کی مذاکره خواهد کرد باید معین بشود نه بی تعیین — خطوط در شمالی ایران را فقط یادرهمه جا جنوب مغرب مشرق باید توضیح شود — لفظ خطوط جمع‌عمومی است‌وما صلاح نمیدانیم باید یك خط‌مذاکره شود — درکجا وچه خطها درمدت معین اجازه ساختن راه آهن بدهد باید توضیح بشود »

این نامه بخط امین‌السلطان نوشته شده و ناصرالدین شاه آنرا با جمله
« بسیار صحیح است » تصدیق نموده است

رفتار خشونت آمیز وزیر مختار روس

دالگورکی برای قبولاندن پیشنهاد های خود بدولت ایران زیاد تعجیل میکرد ورفتار گستاخانه و خشونت آمیز او فوق العاده موهن و زننده بود وناصرالدین شاه از این روش جسورانه وزیر مختار روس بسیار عصبانی بود .

متن نامه‌ای‌راکه قوام الدوله وزیر امور خارجه درتاریخ ٤ ربیع الاول ۱۳۰٦ به میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله وزیر مختار ایران درلندن نوشته واظهارات ناصرالدین شاه‌را درجواب اعتراضات سفارت روس در مو د افتتاح رود کارون درآن نقل کرده بود قبلا درصفحه ۱۷۰ دیدیم واینك دراینجا متن تلگراف ناصر الدین شاه به میرزا محمود خان‌علاءالملك وزیر مختار ایران دربطرز بورغ ونامه‌ای‌راکه بامین السلطان نوشته‌ودر آنها ازرفتار دالگورکی وزیر مختار روس شکایت کرده نقل مینمایم .

پیش نویس‌تلگراف‌مزبورکه بخط امین السلطان نوشته شده و بامضاء ناصرالدین‌شاه رسیده بشرح زیراست .

« دستخط است بطر بمیرزا محمودخان وزیرمختار همین دستخط مرا فوراً ببرید برای‌جناب موسیو کیرس ومسیو زینانوبف بخوانید وبگوئید پرنس دالغوروکی‌آمد وچند فقره تکالیف ازجانب اعلیحضرت امپراطور آورده اظهار داشت وباکمال تندی و سختی جواب خواست بااینکه اینمطالب خیلی تامل وتفکر لازم داشت و خیلی مهم بود چون وضعی برداشت کرده بودکه میخواست خدا نخواسته در دوستی و اتحاد چندین ساله سکته وارد بیاورد ما هم بدون ملاحظه وتامل وتفکر باحترام اینکه دست آنرا بشخص اعلیحضرت امپراطور میداد فوراً امضی کرده دادیم که تفصیل آنرا مکتوباً بشما خواهیم نوشت ومقصود ازاین تلگراف این است که بجنابان مشارالیهما بگوئیدکه ماهیچوقت‌ازخواهشهای دوستانه اعلیحضرت امپراطوروحفظ روابط‌دوستی مضایقه وخودداری نداشته‌ایم واین سختی وتندی وبیمزگی‌های ایندفعه پرنس ابداً لازم نبود خوب است‌که اولیای آندولت دوستی مارا نسبت بخودشان بهترازاین‌بشناسند که‌حاجت باین وضعها نباشد بسیارصحیح‌است .»عین‌این‌نامه‌درصفحه‌قبل گراور شده

ودرتعقیب آن‌این‌نامه هم‌بخط‌ناصرالدین‌شاه بامین‌السلطان‌صدراعظم نوشته‌شده‌است

« جناب امین‌السلطان

این فقره یاد داشت راهم باید صریح به دالغوروکی بگوئید ازاین قرار

ما کلیتاً منکر این هستیم‌که ابدا خلاف ادب وخلاف عهدنامها وخلاف قراردادنامها را بادولت روسیه نکرده‌ایم‌که لازم شود این گفتگوها بعمل بیاید و این نوع تکالیف سخت بلا جهت‌که از حقوق اصلی دولت ایران می‌کاهد وخلاف بین عهدنامه ترکمانچای است بما تکلیف شود . اگر این اظهار مارا صحیح میدانید پس چه اصراری دارید‌اگر صحیح نمیدانید ومیگوئیدکه ما خلافی‌کرده‌ایم و باید عوض آن خلاف‌را تکلیفات جدیده حتمی قبول نمائیم پس اورا دریك مراسله رسمی بنویسید ومدلل نمائیدکه خلاف عهد شده‌است تاما جوابی که داریم بدهیم والا درهمسایه‌گی‌ودر دوستی اگر خواهشی دارید برای‌رواج و تسهیل تجارت خودتان در شمال دیگر آن را باین طورهای تحکم آمیز وسخت که نباید بخواهید چیزی را باید بخواهیدکه ما بتوانیم قبول بکنیم وخلاف عهدنامه وخلاف استقلال وانتکریته وآرای ایران نباشد وامر بطور دوستانه برضای طرفین بگذردوحل شود ۳۰٦ .» عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است

ناصرالدین شاه و امین‌السلطان باهمه کوششی که برای تعدیل تقاضاهای روسیه بعمل آوردند فایده‌ای نگرفتند وخود را بتنظیم و امضای تعهدنامه‌ای که متضمن تمام پیشنهادات دالگورکی باشد ناچار دیدند .

امین‌السلطان درمذاکراتی که باوزیر مختار روس بعمل میآورد باو قول میداد که

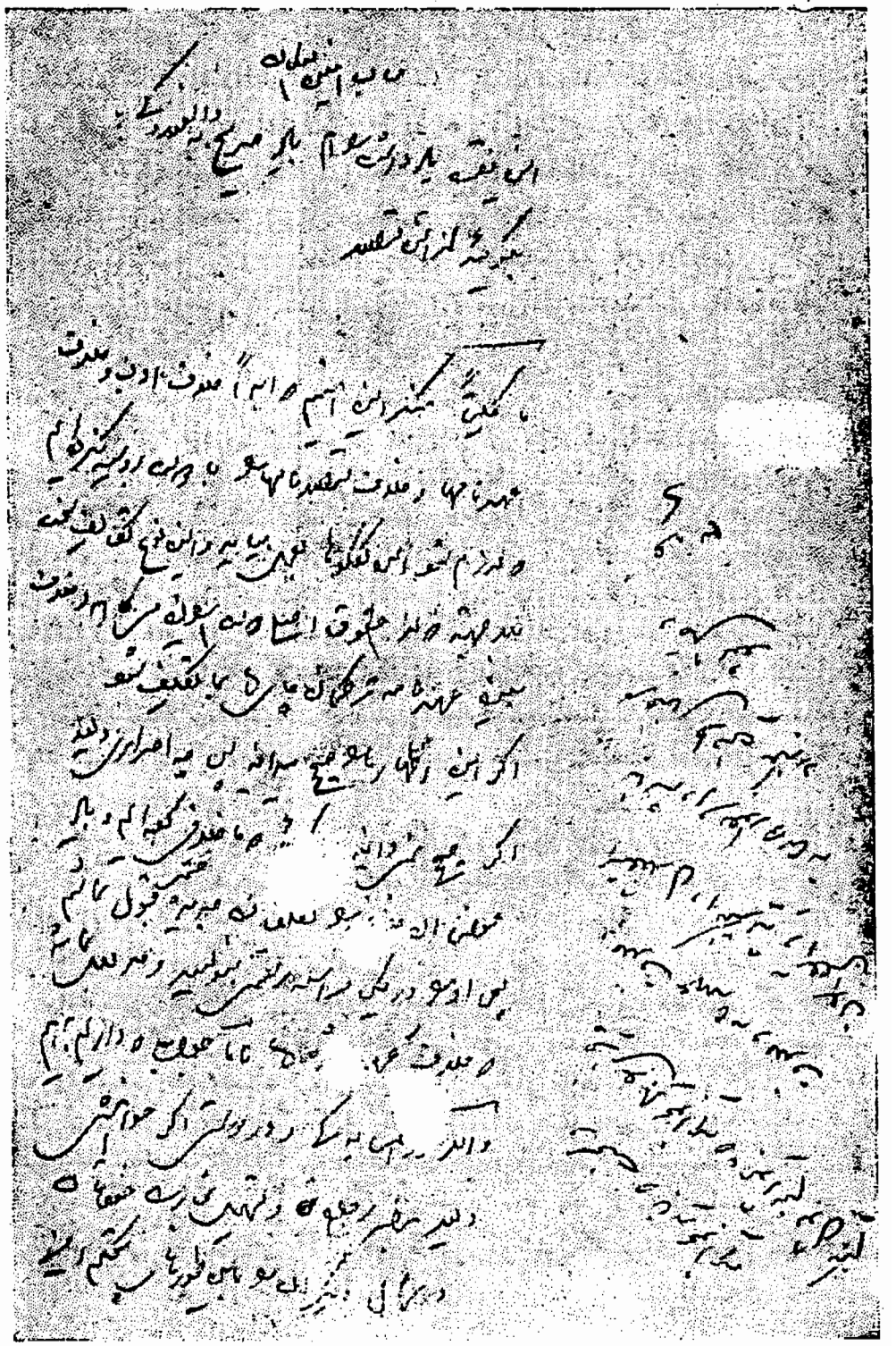

این نامه بخط ناصرالدین شاه خطاب بامین‌السلطان است

تمام پیشنهاد های اورا دولت ایران خواهد پذیرفت وچون «شاه» باید بسفر اروپا برود فعلا مجال زیادی برای دقت درتنظیم این تعهد نامه نیست آنرا موکول بباز گشت ازاروپا نماید ولی دالگورکی وزیر مختار روس زیر بار نمیرفت و نه تنها تاخیر در امضای این تعهد نامه را جایز نمی شمرد بلکه بامسافرت ناصر الدین شاه هم از راه روسیه موافقت نمیکرد .

بالاخره ناصر الدین شاه که بیش از آن نمیتوانست در برابر روسها مقاومت نماید دستورمیدهد امین السلطان وزیراعظم وقوام الدوله وزیر امور خارجه بادالگورکی وزیر مختار روس مجلسی تشکیل وصورت تعهد نامه را تهیه نمایند .

این تعهد نامه که قید محرمانه را داشت ظاهرا باطلاع ولف وزیر مختار انگلیس رسیده بود واو باتمام مواد آن موافقت داشت بجز ماده شش که در مدت پنجسال ساختن راه آهن را در تمام ایران منحصر بروسها میکرد - ولف برای آنکه دولت ایران این ماده را قبول نکند فعالیت شدیدی بخرج میداد وآنرا مخالف منافع ونظر اولیای دولت انگلستان میشمرد .

مقاله روزنامه «نووستی»

درهمان حینی که مذاکرات بین دولت ایران و سفارت روس در تهران ادامه داشت و دولت ایران آماده برای قبول پیشنهاد های روسها بودیکی ازروزنامهای روسیه بنام «نووستی» (خبر)(۱) چاپ پطرزبورغ درشماره مورخه ٦ ماه مارس سال ۱۸۸۹ راجع باختلاف بین دولتین ودعاوی روسها درایران مقاله‌ای نوشته که ترجمه آن ذیلا نقل میگردد .

«حل مسئله مسافرت اعلیحضرت شاه ایران باروپا بموجب اطلاعات دیپلوماسی که ازطهران رسیده مربوط بانجام مذاکراتی است که اکنون درمیان دولت ایران وکنیاز دالقورکی آغازشده است .

چون مذاکرات مزبوره کلیة بطریق دوستانه است بسرعت تمام پیشرفت میابد باید امیدوار شد از عموم جهات هم اتفاق حاصل خواهد آمد واحتمال میرود که اعلیحضرت شاه مسافرت خود را درنیمه اول ماه مارس که سابقا نیز بدین خیال بودند شروع نمایند .

مطالبات روسیه بدو قسم است پولتیکی وایکونومی.

مطالبات پولتیکی او تقریبا بدینقرار است ،

دولت روسیه میخواهد که دولت ایران اورا ازتکرارافداماتی مانند فقره نهر کارون تأمینات دهد و دیگر اینکه مسئله وراثت تخت سلطنت درحال حاضر متحمل گردد که در آتیه سد راه مخاطرات عظیمه ایران بود و دولت روسیه را وسیله مداخله بکارهای داخلی ایران بدست نیفتد زیراکه دولت روس بموجب عهدنامه منعقده درمیان این دودولت حمایت دودمان قاجاریه را بعهده گرفته است .

از آنجا که مطالبات روسیه از روی کمال اعتدال است چنین گمان میرود که روسیه بوعده بر ملای اعلیحضرت شاه قانع شود که درآینده نه‌از طرف خود ایشان نه ازجانب دولت ایران چیزی که موجب خلاف مرام روسیه باشدبظهور نیاید .

اعلیحضرت شاه حفظ روابط دوستی میان خود و روسیه را یکی از مواد اصلیه پولتیك خارجی نسل قاجار می شمارد

از مطالبات ایکونومی روسیه هم‌مقصود این‌است که‌در عوض خسارتیکه‌از بازشدن نهر کارون‌بکشتیهای انگلیس تجارت روسیه‌را عاید شده بروسیه نیز تلافی‌شود .

---

(1) NOVOSTI

قبل ز همه روسیه خواهش می‌کند که حکومت ایران بساختن راههای راه آهن در ایران روسها را امتیاز بدهد .

حکومت ایران بانجام این‌خواهش بکمال ممنونیت اظهار آمادگی مینماید چه ازقراریکه وزراء تصدیق می‌نمایند شاه بشخصه‌مقصودی بالاتراز این‌ندارد که خطوط راههای‌آهن‌ایران در همه جای‌آن کشیده شود وچون تاکنون هیچیك ازروسها در باب امتیاز سعی‌وکوشش ننموده‌اند لهذا اکنون را نمی‌توان گفت که آیا کارکنان روسیه وتجارت روس ازحالت حالیه ایران فعلا بهره یاب خواهند بود یانه .

در انجام سه مطالب هم‌روسیه‌اصرار دارد .

یکی اینکه دولت ایران ملتزم بشود که بند مرداب انزلی رابرای کشتیهای‌روس بازنماید (این لنگرگاه برای کشتی‌های روسیه تاکنون بسته‌بود)

ثانیا بدون تاخیر باقی راه شوسه ازعشق‌آباد تاخراسان را بسازد ثالثا بزودی بساختن راه شوسه از رشت تاطهران بپردازد .

این سه خواهش روسیه را دولت ایران تماما قبول نمود اکنون مقاوله نامه‌آمد وشد کشتی‌های ما را ترتیب می دهند وانتشار مقاوله‌نامه مزبور و اعلان باز شدن لنگرگاه مرداب بسفاین روس در این روزها منتظر است .

دولت ایران بوالی خراسان حکم‌موکدی فرستاد که مشارالیه راه شوسه از سرحد روس تامقرحکومت خود را بزودی انجام دهند واز هیچگونه بناگذاری دریغ ننمایند چون‌ما اکنون در خراسان جنرال قونسول داریم و مراقبت خواهد نمود که امر شاهی را با کمال جد و جهد انجام دهند لهذا این مسئله را حل شده باید انگاشت .

ساختن راه شوسه از رشت تاطهران را هم بعهده حاکم گیلان‌شاهزاده حسام‌السلطنه که‌درفصل خزان گذشته در تفلیس شرفیاب حضور امپراطوری شد محول داشته‌اند وشاهزاده برای ساختن این‌راه کنترانچی‌ها می‌طلبند وکنترانچی‌ها می‌توانند از خارجه هم‌باشند و بدینجهت پرنس‌نیز بتوسط مامورین دولت ایران مقیمین روسیه به کنترانچی‌های روسیه از عمل کنترات اطلاع میدهند ـ در خصوص حسن علاقجات ما با ایران هم‌بیان کنیاز دالقورکی ووزیر اول شاه صلح وصفای کاملی حاصل شده است .

جناب امین‌السلطان در خصوص رفتار وکارهای خود در غیاب دالقورکی توضیحاتی داد که دالقورکی را راضی نمود وبرای مشارالیه یقین حاصل شده است که شایعات برودت آمیز میان وزیر اول ودولت روس بی اصل و ساخته بوده است واین صلح وصفا اعلیحضرت شاه را خیلی خرسندنموده و بعلامت شادی خودبامین‌السلطان خرقه خلعت باقرمان مرحمت نموده است .»

پیشنهادهای روسها قبول میشود

عاقبت بعد از مذاکراتی که بین طرفین بعمل میآید متن تعهد نامه تهیه ودر ماه رجب ۱۳۰۶ هجری قمری باین شرح بامضای‌ناصرالدین شاه میرسد وسپس‌برای سفارت روس ارسال میگردد .

محرمانه

السلطان ناصرالدین شاه

«بملاحظه دوستی‌خالصانه خودمان بادولت بهیه روسیه حاضریم فقرات مفصله ذیل را قبول نمائیم و برای تسهیل وتوسیع تجارت میانه‌ایران وروس برقرار نمائیم

اولا ـ مرداب انزلی ورودخانهائیکه مصب آنها مرداب انزلی است

برای عبور کشتی های تجارتی از بخاری و باد بانی و کرجی تبعه دولت روسیه آزاد خواهد بود و بملاحظه رفع خطرات کشتی ها و کرجیها دهنه مرداب انزلی ودهنه رودخانه مشهد سرپیر بازار که مشهور برودخانه سیاه‌رودبار است تنقیه‌واصلاح‌خواهد شد حقوق و شروط این آزادی کشتی رانی علیحده مقرروازطرف دولت ایران به‌تبعه دولت روسیه اعلان میشود.

ثانیاً ـ کل رودخانه هاکه مصب آنها بحر خزر است وعبور و مرور کشتی ها وکرجیها در آنها ممکن است برای عبور کشتی ها وکرجی های تجارتی تبعه روسیه آزاد است واین آزادی کشتی رانی برطبق حقوق وشروط فوق است که درفصول اول اشاره شده است

ثالثاً ـ انبارهای تجارتی واسکله‌هائی که لازم باشد و غیره را دولت علیه ایران بارعایای ایران ساخته و بتجار تبعه روسیه بقیمت عادله اجاره خواهند داد و از روزی که آنها را معین نموده وبکارگذاران دولت‌ایران از طرف تجار روسیه اعلان خواهند کرد تا انقضای مدت یکسال دولت ایران بارعایای ایران نساختند آنوقت تجار دولت روسیه حق خواهندداشت که موافق عهد نامه مقدسه آنهارا بسازند و تجار روسیه حق آنرا دارند که برای بار دادن وبارگرفتن از تبعه ایران باروسیه بقدر ضرورت عمله و مزد بگیرند.

رابعاً ـ دولت ایران ساختن راه شوسه را از پیر بازار یا مبارك آباد بطهران قبول میکند که کمپانی آنرا دولت روسیه تشکیل بدهد باشروطی که نافع تجارت دولتین باشد وتبعه ایران هم حق شراکت باآن کمپانی خواهند داشت‌وشروط قرارنامه اینراه شسه فیمابین‌اولیای دولت‌ایران وکمپانی‌مزبور برضای طرفین معین و مقرر خواهد شد و هنگامیکه در شروط و قرار داد ساختن اینراه شسه مذاکره و گفتگو میشود امتیازاتیکه بکمپانی راه آذربایجان داده شده بنظر خواهندآورد که نظایرآن امتیازات باین کمپانی هم مرحمت شود.

خامساً ـ بکمپانی راه آذربایجان مقرر خواهد شد که راه عراده از تبریز بجلفا و از تبریز باواجق را یکدفعه باتمام برسانند وبهمین کمپانی‌امر ومقرر میشودکه راه‌آستارا راهم الی اردبیل بزودی شروع نموده و تعمیر و تسهیل نمایند.

سادساً ـ دولت‌ایران قبول‌میکند که بکمپانی روس‌اجازه بدهدراههای آهنی که بهرجاکه مفید ومناسب منافع تجارتی دولتین روس و ایران باشد درخاك ایران بسازد وشرایط قرار نامه‌آن باید مناسب و برضای طرفین باشد برای مذاکرات‌این‌مسئله بکمپانی‌مزبورپنجسال‌مهلت میدهدووعده‌میدهد که درظرف این پنجسال بهیچ کمپانی دیگر اجازه ساختن راه آهن ندهد بعداز

انقضای مدت مزبوره باامضای قرارنامه دولت ایران مختار خواهد بود که اجازه ساختن راه‌آهن بهر سپ[illegible] وازهرطرف بخواهد بدهد درصورتیکه درظرف این پنجسال ازکمپانیهای روس بخواهند راه‌آهن بسازند دولت ایران ازاین وعده تعهد خودبکلی آزاداست.

بملاحظه قبول فقرات مزبوره‌فوق‌وعده قراریکه درچهاردهم ذیحجه ۱۳۰۴ متعلق براههای آبی و آهنی باعلیحضرت امپراطوری داده بودیم از اعتبار خود ساقط شد

بتاریخ شهر رجب المرجب ۱۳۰٦ امضی شد وبجناب پرنس دالقوروکی وزیر مختار دولت بهیه روسیه داده‌شد صحیح است السلطان ناصر الدین ـ شاه قاجار . »

ناصرالدین شاه باروپا میرود

باین ترتیب باسپردن‌این تعهد نامه تااندازه ای‌رضایت روسهاجلب میشود وروابط دولتین ایران وروس‌ظاهراً بهبودی میبابد وناصرالدین‌شاه مقدمات سفرسوم اروپا رافراهم‌میسازد تاباخیال راحت درماه بعد عازم روسیه شود .

ناصرالدین شاه و امین السلطان در دوازدهم شعبان ۱۳۰٦ از طریق روسیه باروپا میروند .

روسها با آنکه باگرفتن تعهدنامه فوق هنوز بواسطه اعطای امتیاز ایجاد بانك شاهنشاهی واجازه کشتی رانی رودکارون بانگلیس ها ازناصرالدین شاه و امین‌السلطان دلخوشی نداشتند ونمیتوانستند اثرات بعدی این عمل رانادیده انگارند معهذا درپذیرائی از شاه ایران وهمراهانش کوتاهی نکردند وباکمال گرمی وصمیمیت رفتارنمودندچنانکه خود ناصرالدین شاه درسفرنامه خویش مینویسد.

« درحقیقت منتهای دوستی ومهربانی واتحاد را بجاآوردند . »

درملاقاتهائی که بین طرفین بعمل میآمدگاه و بیگاه روسها عدم‌رضایت خود را ازروش حکومت ایران اظهارمیداشتند وچون امین السلطان راموجد این رویه میدانستند نسبت باو بی‌اعتنا وبدبین‌بودند.

ناصرالدین شاه وهمراهان از روسیه به لهستان وآلمان وهلند وبلژیك وسپس بانگلستان میروند .

پس از پذیرائی مفصلی که درلندن از «شاه ایران» بعمل میآیدبه فرانسه وازآنجا به اشتوتکارت ومونیخ وسپس باطریش رفته وباز از راه روسیه بایران مراجعت مینماید ودرتاریخ ۲٤ صفر ۱۳۰۷ بطهران وارد میشود .

درمدتی که ناصرالدین شاه وامین السلطان درکشور های مختلف اروپا برای گردش وعیاشی باینطرف وآنطرف میرفتند تنها چیزی که موجب ناراحتی فکرآنهامیشد نارضائی روسها ومسئله دعاوی وطرز رفتار آنها درآینده بود .

ناصرالدین شاه هنگامی که درانگلستان مشغول عیاشی وباده نوشی بود درکمال بی‌خبری وبی‌اطلاعی علاوه برامتیازات گذشته بادستیاری امین السلطان و ملکم امتیازات

دیگری هم بانگلیس ها میدهد که بعد ها مزید بر گرفتاری هـای سابق شد مثل امتیاز لاطار وضمیمه چهارم امتیاز نامه بانك شاهنشاهی ودعوت ماژوتالبوت برای دادن امتیاز انحصار دخانیات وغیره

امین السلطـان که میدانست بواسطه این مسائل روسها باو فـوق العاده بـدبین میباشندو نخواهند گذارد اوآسوده در مقام خود باقی بماندبیش از ناصرالدین شاه ناراحت ومشوش بود مخصوصا اینکه درآینده بااجرای مواد امتیازاتی که انگلیس ها و روس ها بدست آورده اند بااشکالات فراوانی دست بگریبان میباشد دائم در فعالیت و جستجوی راه حلی بود .

سید جمال الدین اسدآبادی مامور مذاکره باروسها میشود

بهمین منظور وقتی که عازم ایران بودند درشهرمونیخ امین السلطان با سیدجمال الدین اسدآباد ملاقاتی میکند و باو ماموریت میدهدتا به پطرزبورغ رفته واطمینان روسها را نسبت بخود جلب نماید .

سیدجمال الدین اسدآبادی بعدها که رنجشی از امین السلطان پیدا کرد ضمن نامه شکوائیه ای جریان این ملاقات وماموریت خودرا بپطرزبورغ برای ناصرالدینشاه مینویسد. در اینجا متن آنرا برای مزید اطلاع ذیلا نقل مینمایم .

این نامه راسید جمال الدین از حضرت عبدالعظیم بناصرالدینشاه نوشته است .

«عرضه داشت بسده سنیه عالیه وعتبه رفیعه سامیه اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه در (مونیك وقتی که از شرف وعداحترامات واجزه مصاحبت موکب همایونی در زمره طرب بودم) در همان محضراسنی جناب امین السلطان وزیر اعظم چنان پسندیدندکه این عاجز برای اصلاح بعضی امورضروریه اولابه (پطرز بورغ) رفته پس از انجام آنها بایران بیایم اعلیحضرت شاهنشاه اقام الله بهغامة المدن استحسان فرمودند در شب همان یوم الشرف بنجساعت جناب وزیراعظم باین عاجز مکالمه نمودند خلاصه اش این شد آن که اولا دولت روسیه ورجال وارباب جراید آنرا حق نیست که ایشان رابرجلس ونشانه سهام نمایند واز در معادات ومعاندت برآیند چون که ایشان یعنی جناب وزیراعظم مالك وصاحب ملك نیستند ورتق وفتق امور بقدرت ایشان نیست دیگر آنکه مسئله کارون و بانك ومعادن قبل از ارتقاء ایشان برتبه وزارت عظمی انجام پذیرفته است نهایت این است که اجراء آن ازسوء بخت درزمان وزارت ایشان شده است پس حین ورود پطرزبورغ بایددر نزد وزارت روسیه ابراء ذمه وتبرئه ساحت ایشانرا بنمایم وتبدیل افکار فاسده وزراء روس را درحق ایشان داده وحسن مقاصد ونیات ایشان را در باره دولت روس مسجل کنم .

ثانیا از این عاجز خواهش نمودند که به (مسیو کیرس) (۱) رئیس الوزراء ووزیردول خارجه ومستشارهای ایشان (ویلنکالی) و زینوویف) (۲) شفاها بگویم که ایشان یعنی جناب وزیر اعظم از برای اثبات حسن مقاصد خود در هرحال حاضرند که اگر از طرف روس طریق سهلی ارائه شود در ظرف چندروز مسئله کارون و بانك و معادن را حل نموده بحالت سابق اعاده نمایند این عاجز چون نجاح مقاصد جناب وزیر اعظم راعین رضایت پادشاه وخیر ملت اسلام میدانستم بهپطرزبورغ عودنمودم وچندنفر را که درسیاسیات مشرق زمین یاخود هم مشرب می دانستم چون ژنرال (ابروچف) درحربیه وژنرال (دیختر) دروزارت دربار وژنرال (اغناتیف) (۳) سفیر سابق روس

---

(1) — De Giers
(2) — Zinoveieff
(3) — IG Cnatieff

در اسلامبول ومادام (نوویکف) (۱) که از خوانین نافذالکلمه وغالبا در مسائل سیاسیه که مابین روس وانگلیس است میکوشید باخود متفق کردم ودر ظرف دوماه بیست بار بامسیو (کیرس) وبامستشارهای ایشان ملاقات کردم و بیش از آن که در مقاصد جناب وزیراعظم شروع نمایم اولادر این سعی نمودم که بادله وبراهین سیاسیه وباعانت هم مشربهای خودم ثابت کنم که صلاح دولت روس در مشرق زمین آن است که علی الدوام بادولت ایران از در مسالمت ومواده ومجاملة برآید وسخت گیری ومخاصمت ننماید ودر ضمن همه وقت منع وسماح اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه را در اترك واراضی ترکمانیه وجایهای دیگر خاطر نشان ایشان مینمودم چون دانستم که این مطلب اصلی مسجل شد ومقبول گردید واز برای ایشان انحراف رای روی داد وآتش غضبشان فرونشست در آن وقت مقاصد جناب وزیر اعظم را بیش نهاده گفتم وزیر اعظم بنفس خود در مونیك بمن گفتند بشما تبلیغ کنم که ایشان حاضرند اگر شما طریقی نشان دهید که موجب حرب وسبب غرامت نگردد مسئله کارون وبانك ومعادن را حل نمایند وموازنه سابقه که در میان دولت روس وایران و انگلیس بود دو باره برقرار کنند و در تلو این مطلب اینقدر که ممکن بود در تیرتفهمه جناب وزیراعظم وحسن مقاصد ایشان درحق دولت روسیه کوشیدم چنانچه دو بار هم اینمطالب را از پطرسبورغ بایشان نوشتم مسیو کیرس ومستشارهای ایشان پس از آن که مکرر از حسن مقاصد ونیات عزم جناب وزیر اعظم پرسیدند گفتند که ما باید دراین مسئله باوزیر جنك ووزیر مالیه اولا مشورت کنیم و بامپراطور حاصل مشورت خودرا عرضه نمائیم بعداز آن اگر طریق سیاسی یافت شد که بدان توان حل مسئله رانمود بشما شفاها خواهیم گفت که بنهج جواب بجناب وزیر اعظم برسانید البته اگر این مسئله بنهجی حل شود که موجب مخاصمه در میان دولت ما ودولت ایران نگردد بهتر است •

پس از چندین بار مشورت دومسلك پلتیك یکی از برای خود ویکی از برای جناب وزیر اعظم تعیین نموده بمن گفتند که اگر جناب وزیراعظم می‌خواهند ابواب خطرهای آینده را ببندند در جواب رسالت این دومسلك را بدیشان از طرف ما ابلاغ کن وچون هریك از ما خط حرکت پلتیك خودرا برآن دو مسلك معین قرار دهیم مسئله بخودی خود بلاغرامت وبلاجدال حل شده سبب رضایت همه خواهد بود این عاجز شادان وخرسند شدم که بقوت الهیه بتمامی توانستم پس از اطلاع تام از مسالك سیاسیه خفیه روس در مشرق زمین خدمتی بدولت اسلام نمایم ووزیراعظم را از خودخوشنود کرده باشم چون بطهران رسیدم خارج شهر توقف نموده بجناب وزیراعظم اطلاع دادم جناب ایشان خانه حاج محمد حسن امین الضرب رامعین نمودند که در آن جافرودآیم ونجل ایشان رامهماندار مقرر نمودند واین عاجز مدت سه ماه تمام از جای خود حرکت نکردم بغیر از یکبار آن هم بعداز یکماه که عز شرف حضور حاصل شد وبدان نویدهای ملوکانه مفتخر گردیدم ودر اینمدت جناب وزیراعظم هیچگونه از این عاجز سئوال نکردند که در پطرزبورغ چه واقع شد وجواب آن مسئله که ترا برای آن بدانجا فرستادم چه شد بلی در اینمدت چند بار بعضی از حاشیه خودرا برای احوال پرسی فرستادم وعده ملاقات مفصل می‌دادند چون مدت طول کشید از کیفیت مسئله سئوال شد در جواب گفتم که هنوز از طرف وزیراعظم استفسار نشده است و سببرا هم نمی‌دانم در وقتیکه اعماق جناب وزیراعظم بوزارت روس معلوم گردید باهمه آن محاجات ومجادلات وتبلیغات ملحانه این عاجز در پطرسبورغ ایشان این امر را بمجرد ملاعبه وبازی واهانت وتحقیر وباخود حیله سیاسیه مقصود کشف افکار طرف مقابلست (کانّ سئوال میشد وکشف افکار طرف مقابل میگردید) شمرده بسفارت خود در دارالخلافهٔ طهران تلگراف نمودند که سیدجمال الدین از طرف وزیر اعظم شفاها بعضی تبلیغات نمود اگر وزیراعظم میخواهند که در آن مسائل داخل شوند راسا بنهج رسمی باسفارت روس درطهران یاباسفارت ایران در پطرزبورغ مکالمه نمایند و سید جمال الدین که بنهج غیررسمی بعضی تبلیغات نمود اگرچه پس از این سخنی از اینطرف بگوید مقبول نیست (لاحول ولا قوة الا بالله) رامرتکب رنج کشیده مرجوع قهقری بنقطه اولی برگشت (شکفت) عقده حل کرده را دو باره محکم کردن (شگفت) اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه نتایج اینگونه حرکات را بخرد خداداد دیپلوماسی ازهر کس بهتر میدانند جناب وزیراعظم چون از مضمون آن تلگراف مطلع شدند بخلاف عادت سیاسیین جهان بجای آن که تلف نمایند که چرا افکار وزراء روس رادر این مسائل استکشاف ننمودند و جوابهای ایشانرا استماع نکردند

(1) — Novikoff

(بعرب صاحب گفته بودند که من چیزی بسید جمال‌الدین نگفته بودم که بوزارت روس تبلیغ نمایند) ومن ایشان را بپطرزبورغ نفرستادم (اناالله واناالیه راجعون) اینك لعب معکوس اینك فکر سقیم اینك نتیجه فاسده با اینمسلك چگونه توان راه اخطار رابست واز مهالك دوری جست (بلاسبب شبهه دردلها افکندن وقلوب را متنفر کردن خداوند تعالی مگر بقدرت کامله خودما را ازآثار وخیمه اینحرکات حفظ کند .... واعجب از اینوا مه اینست پس از آن که وعداحترامات وستایش خود را ازلسان مبارك اعلیحضرت شاهنشاهی شنیدم حاجی محمد حسن امین‌الضرب تبلیغ نمودند که رضایت اعلیحضرت شاهنشاهی اینستکه اینعاجز طهران را ترك نموده مجاور مقابر شهر قم بشوم هرچه در خیابانهای ذهن خودتفتیش نمودم سبب راندانستم - آیابجهت آن بود که دولت روس را میراهین و وسائط دعوت بمسلك ومواده دولت ایران نمودم یا برای آنست که بخواهش وزیراعظم بپطرزبورغ رفته در تیرته تمه و حسن مقاصد ایشان بادولت روس کوشیدم - یابدین جهت که طرق حل مسائل را چنانچه خواهش وزیر اعظم بود بقوه کدوجد بدست آوردم - اگرچه برمجرب ندامت رواست آنچه بپاداش مهمانی اول بمن گذشت مرا کافی بود که دیگر خیال ایران را نکنم امالفظ شاهنشاه رامقدس شمرده خواستم بخلاف آنچه گفته بودند معلوم گردد که هم خیر خواهم هم مطیع دیگراین چه نقش است که باز ژاژخوایان گوازه پسند باللهعلیکم اگرخدا نخواسته ظهورات مرا از مسلك خیرخواهی منحرف ومنصرف کند برمن چه ملامت خواهد بود سبحان‌الله توهم مزاحمت در مناسب‌ترین وقت این صاحبان عقول صغیره ونفوس حقیره را براین میدارد که ذهن وقاد نقاد اعلیحضرت شاهنشاه را در باره این عاجز مشوب گردانند اینك درحضرت عبدالعظیم نشسته تاامر از مصدر عزت چه صادرشود .

واسئل‌الله تعالی ان یمدکم بالعدل والحق و ینصرکم بالحکمة ویشیددولتکم بقدرته و یحرسه عن کید - الخائنین آمین العاجز جمال‌الدین‌الحسینی»

پس از بازگشت از سفر اروپا

ناصرالدینشاه بعداز بازدید کشورهای مختلف اروپادر تاریخ ۲٤ صفر ۱۳۰۷ هجری قمری (۲۰ اکتوبر ۱۸۸۹) به تهران وارد میشود .

از این تاریخ ببعد امتیازات بیشماری که متضمن خطرات زیادی برای استقلال سیاسی واقتصادی کشور بود بخارجی‌ها اعطا میگردد .

لردگرزن انگلیسی راجع باین موضوع مینویسد .

« بعد از مراجعت شاه از سفرفرنگستان نمایندگان سرمایه‌داران اروپائی برای گرفتن امتیازات مانند مور وملخ بطهران هجوم آوردند ومعروف بود عده زیادی درطهران حاضر بودند امتیازاتی از قبیل امتیاز کارخانه قند - شیشه - تلفون - چراغ برق - ایجاد تاکستان وانحصار انواع واقسام محصولات فلاحتی وغیره بدست آورند شاه نیز حاضر است موافقت کند چونکه مبلغ کلی بحساب شخص شاه داده میشود .»

دکتر فوریه فرانسوی پزشك ناصرالدین‌شاه دریادداشت‌های خود مینویسد .

« چنین بنظر میرسد که بااعطای این امتیازات پی‌در پی ایران بالاخره بتمامی بدست خارجیان بیفتد .»

ناصرالدین‌شاه وامین‌السلطان که منابع مملکت رابمعرض حراج گذارده‌بودند یا گرفتن مبلغ مختصری بدون آنکه از عواقب این عمل بیم وهراس بخودراه‌دهند تحت‌عناوین عمران وآبادی کشور و بکار انداختن سرمایه‌های خارجی در ایران از دادن هرامتیازی روگردان نبودند .

پس از ورود ناصرالدینشاه بتهران روسها قبل از هرچیز هم‌خودرا مصروف اجراء مواد تعهدنامه رجب ۱۳۰٦ مینمودند راجع بقسمت چهارم وپنجم وششم تعهد نامه مزبور یعنی راههای شوسه و راه‌آهن بعدها در جای خود اشاره خواهم کرد ودر اینجا فقط چگونگی اجرای مواد اول ودوم وسوم آنراشرح میدهم .

نصرت‌الدوله — معین‌الدوله — ناصرالدین شاه — میرزاحسین‌خان‌سپهسالار — اعتضادالسلطنه — اعتضادالدوله

مقررات ورود کشتیهای روس بمرداب انزلی ورودخانهای شمالی

در تعهدنامه مورخ رجب ۱۳۰۶ که مرداب انزلی و رودخانه‌های آنرا برای عبور ومرور کشتی‌های روس آزاد می ساخت نوشته شده که « حقوق وشروط این آزادی کشتی رانی علیحده مقرر و از طرف دولت ایران به تبعه دولت روسیه اعلان میشود . »

روسها بدولت ایران فشار می‌آوردند که این مقررات رازودتر تعیین واعلان نماید تا کشتی‌ها و کرجی‌های روسها بتوانند بمرداب و رودخانها آمدورفت کنند .

هنگامی که ناصرالدینشاه دراروپامشغول تفریح وتماشا بود روزی شارژدافرسفارت روس در تهران از قوام‌الدوله وزیرامورخارجه ملاقات وپیشنهادهای خودرا دراین باب باو میدهد وجدا تقاضا میکند که تکلیف آنرا تعیین نماید .

قوام‌الدوله جریان این ملاقات و تقاضای شارژ دافر روس را بناصرالدینشاه که آنموقع در انگلستان بود بوسیله سفارت ایران در لندن تلگراف میکند .

« تلغرافی است که از جناب قوام‌الدوله باین سفارت سنیه رسیده بتاریخ یازدهم ذیقعده »
« ۱۸۸۹ . (۱۲ ذی‌القعده ۱۳۰۶)

« قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم امروز که پنجشنبه دوازدهم »
« شهرذیقعدةالحرام است صبح شارژدافر روس آمده اظهار داشت موافق دستخط »
« مبارك که بسفارت داده شده نوشته شده در باب آمدورفت کشتی بمرداب انزلی »
« ورودخانها قراردادی برقرار خواهدشد وازطرف ایران بتجاروتبعه روسیه اعلان »
« خواهد شد مسیوغرس را ماموریت داده است که باشماحرف زده آن قرار داد را »
« توضیح ومراتب را معجلا اطلاع بدهم این پیرغلام باو گفت موکب همایون تشریف »
« ندارند ومن بدون اذن واطلاع نمیتوانم سئوال وجواب در این باب بکنم گفت و »
« اصرار کرد که مراتب رابخاکپای اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه تلغراف »
« نمایم شارژدافر گفت از پطرزبورغ صورت قراردادی برای من نیامده است من »
« بسلیقه وعقل خودم چیزی یادداشت کردم اگردرخاکپای مبارك مقبول افتاد میتوانم »
« تلغراف نمایم که اولیای دولت روسیه هم تصدیق وامضاء نمایند باید از طرف »
« ایران اعلان بشود که برای تسهیل امور تجارتی فیمابین ایران وروس دولت علیه »
« ایران بکشتی تجارتی روسیه اعم از آنکه بخاریا بادی یا کرجی باشد اجازه میدهد »
« که در مرداب وجمیع رودخانها که بمرداب ودریای خزر میرود در کمال آزادی »
« آمدورفت نمایند بموجب قرارداد ذیل .

« اولا ـ کشتی و کرجیها باید در اسکله توقف نمایند همینقدر که برای داد وستد »
« بار ومسافر وآذوقه و تعمیر ومرمت لازم باشد ودر صورتی هم که دریا »
« طوفانی باشد .

« ثانیا ـ از برای انتظام امور در اسکله هم قراول ازدولت علیه ایران تعیین و »
« برقرار خواهد شد .

« ثالثا ـ تبعه ایران که مشغول فعله گی وحمل مال‌التجاره بکشتیهای مزبور »

« خواهندبود باید از کارگذاران ایرانی تذکره دردست داشته باشند .
«رابعا ـ از رعایای ایران که در کشتی‌های روسیه خدمت میکنند هرگاه تقصیری»
« در خاك ایران کرده باشند بعداز آنکه کارگذاران ایران تقصیراو را برئیس »
« کشتی مدلل داشتند رئیس کشتی مقصر رابکارگذاران ایران تسلیم خواهد کرد با »
« ملاحظه شرایط عهدنامه ترکمانچای .
« خامسا ـ حمل و نقل اسلحه کلیتا قدغن وموقوف است ولی روسای کشتیها بجهة»
« خودشان چند قبضه تفنك‌های شکاری میتوانندداشته باشند .
«سادسا ـ بدون اذن واطلاع از طرف دولت علیه ایران کشتیها نمی‌توانند باروت»
« ودینامیت حمل و نقل نمایند .
« هفتم ـ هرگاه از کشتیهای روسیه غرق بشوند بایدموافق قرارداد کلیه روی زمین»
« سکنه ساحل در خلاص آن کشتی ومال التجاره آن اهتمام کافی بعمل بیاورندوحق»
« زحمت را هم که مستحق هستنددریافت نمایند .»

بااین ملاقات و ملاقاتهای بعدی وتقاضاهای مکرر شارژدافر سفارت روس تعیین واعلان مقررات مزبور رامو کول بآمدن ناصرالدینشاه بتهران نمودند .

بالاخره پس از آمدن ناصرالدینشاه بتهران ومذاکرات مفصل شرایط و مقررات عبور ومرور کشتی‌ها و کرجی‌های تبعه روسیه بمرداب انزلی ورودخانهای آن(که تقریبا همان شرایطی است که در مورد ورود کشتی ها برود خانه کارون مقرر شده) با تراضی طرفین تعیین واعلان میشود .

وضمن نامه‌ای بتاریخ ۱٤ ماه شوال ۱۳۰۸ رسما این مقررات را به دبوتزوف(۱) وزیر مختار جدیدروسیه اطلاع میدهند .

مورخه ۱٤ شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۸

«جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت ومناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقامکرما مهربانا .

بموجب فقره اول قرارداد فیمابین دولتین قویشوکتین ایران وروس مورخه شهر رجب ۱۳۰٦ در باب عبور کشتی‌های تجارتی بخاری وبادبانی وکرجی تبعه دولت بهیه روسیه در مرداب انزلی ورودخانهائی که مصب آن‌ها مرداب انزلی است ومقرر است حقوق وشرایط این آزادی کشتی‌رانی علیحده مقرر وازطرف دولت ایران بتبعه روسیه اعلان خواهد شد اکنون صورت حقوق وشرایط مزبوره را که درسایر بنادر دولت علیه معمول ومجری است ومتضمن بیست ویك فقره است درضمن این مراسله ارسال گردید که آن جناب جلالتماب ازمراتب مندرجه درآن استحضار حاصل فرموده بتبعه دولت متبوعه معظمه خوداعلام بفرمایند در اینموقع احترامات فائقه راتجدیدمی‌نمایند .

محل مهر (قوام الدوله)

ضمیمه نامه فوق

«دولت علیه ایران برای تسهیل تجارت بشروط مسطوره ذیل اجازه می‌دهد که سفاین تجارتی بخاری و بادبانی تبعه دولت بهیه روسیه و کرجی در مرداب و رودخانهائی که مصب آن‌ها بحر خزر است به آزادی تردد نمایند .

۱ ـ کشتی‌های تجارتی تبعه دولت بهیه روسیه زیاد برضرورت بارگیری وباراندازی وحمل آذوقه مسافرت در اسکله ورودخانها توقف ننمایند .

۲ ـ درکشتی‌ها اشخاصی که وجود آنها مضر نظم وباعث گفتگووزحمت بشود نباید باشند هرکس می‌آید

1 _ de Butzof

باید تذکره از دولت متبوعه خود داشته باشد زیرا که اگر تذکره نداشته باشد فهمیده نمی شود که کارش چه‌جیز است .

۳ ـ هیچ کشتی حق هیچگونه حمایت بهیچ اسم‌ورسم ازرعایای دولت ایران نخواهد داشت .

٤ـ حمل اسلحه مطلقا قدغن‌است واگر بخلاف قدغن دولت‌در کشتی‌ها اسلحه حمل‌شده‌باشد گمرکخانه حق ضبط آنهارا دارد .

۵ ـ اشیاء محترقه وترکنده بهیچوجه درکشتی‌ها حمل‌نخواهدشد

٦ـ صاحبان کشتی وجهامن‌الوجوه ایجادهیچگونه ابنیه از قبیل انبار ذغال و مال‌التجاره ودکان کاروانسرا وکارخانه وغیرها دراطراف مرداب ورودخانها نخواهند کرد .

۷ـ از برای وضع مال‌التجاره و زغال کشتی‌ها از طرف دولت باتجار ایران انبار ومکان واسکله بقدر کفایت ساخته خواهد شد .

۸ـ از برای انبارهای مال‌التجاره و زغال یك مبلغ معتد ومعمولی اجاره معین خواهد شدکه صاحبان کشتی ادا خواهند نمود .

۹ـ تحویلدار انبار زغال رعایای ایران خواهند بود .

۱۰ـ از برای انبار مال‌التجاره یك امینی از ایران منتخب خواهد شد ویك نفر هم از جانب کل کشتی‌ها وکالة مشخص‌خواهد شدکه متفقا مراقب‌باشند .

۱۱ـ مستحفظین‌انبارها از قبیل‌قراولی وغیره کاملا ازجانب ایران‌خواهد بود .

۱۲ـ اهل‌هیچیك ازکشتی‌ها حق‌ندارند وجها من‌الوجوه از احدی از رعایای ایران هیچگونه ملك بیع‌وشری ورهن‌وغیره نمایند بغیر از آنچه‌عهدنامه جات اجازه میدهد .

۱۳ـ ازکشتی‌هاکه درمرداب انزلی ورودخانها عبور ومرور می‌کنند ذهابا وایابا اگرکشتی بخار است بهرتن‌یکفران واگربادبانی باشد دهشاهی باج وحق‌العبور گرفته میشود اگربی‌بار باشند نصف‌باج ازآنها گرفته خواهد شد و کشتی‌های بادبانی رعایای داخله ایران که از سی تن کمتر باشد از رسوم مزبور معاف خواهند بود .

١٤ـ حمالهابرای‌حمل‌مال‌التجاره‌ازاسکله‌به‌کشتی واز کشتی باسکله باعلامت وثبت مخصوص ازجانب دولت ایران‌معین‌خواهند شد .

۱۵ـ در صورتیکه درکشتی‌ها بااجازه دولت ایران عملجات‌ایرانی‌مستخدم شوندورزمانی‌که تحت‌حرکات بیایند یا متهم شوند محاکمه و مجازات آن ها مستقیما بدون مداخله احدی با مامورین ایران خواهد بود .

١٦ـ در باب بیرق کشتی‌ها تحت‌قانون کلیه بحریه‌خواهند بود .

۱۷ـ اهل کشتی‌ها بعموم رعایای ایران باستثنای عمل داد وستد تجارت‌زیاده ازدوتومان قرض نخواهندداد والا حق مطالبه نخواهند داشت .

۱۸ـ هیچیك از صاحبان کشتی حق ندارند مداخله در عمق مرداب و طرح و مجرای رودخانها وجهامن الوجوه نمایند .

۱۹ـ عدد واسم‌ورسم اشخاص که باذن‌واجازه دولت داخل خدمت کشتی‌ها میشوند بایددردفتر حکومت مقیدباشد وتذکره ازایران داشته باشندوالا نمی‌توانند مستخدم‌شوند .

۲۰ـ در وقتیکه یك کشتی‌غرق شودهمان‌معامله که درعموم سواحل‌دریاها معمول‌است حق‌خلاص‌مال و نفوس را باهل‌ساحل رودخانه ادا خواهند نمود .

۲۱ـ اهالی کشتی‌ها اشیاء مضره ازقبیل اسلحه‌وغیره بهیچیك از رعایای ایران وایلات عشایر نخواهند فروخت والااسلحه ضبط وقیمت‌عادله مستردخواهد شد .

ملاحظه شد صحیح است (محل امضاء ناصرالدینشاه)

ساختن اسکله و انبارهای تجارتی

سفارت روس ضمنا از دولت ایران میخواهد که برای ساختن اسکله وانبارهای تجارتی اقدام بنمایدوچون نتیجه‌عملی از آن نمی‌گیردتقاضا میکنند خوداتباع روس باینکار مبادرت ورزد ولی دولت‌ایران باین درخواست روی‌خوشی نشان نمیدهد و در پاسخ نامه وزیر مختار روسیه چنین مینویسد

در جواب یاد داشت مورخه ۲۶ شهر رجب ۱۳۰۸ آنجناب جلالتمآب زحمت میدهد که مراتب مرقومه در آن یادداشت‌از عرض حضورهمایون شاهنشاهی گذشته اسکله وانبارهائی راکه محض سهولت امرتجارت خواهش فرموده‌اند که در بندرقازیان ومبارك‌آباد ساخته شود امرومقرر فرمودندکه کار گذاران دولت تمام آنها را خواهد ساخت ولازم نیست‌که تجار خارجه آنهارا بسازند زیراکه این بناها در حقیقة تمامامتعلق بگمرکخانه دولتی است ودولت باید بسازد وخواهد ساخت ولی مسلم‌است که تمام آنها بزودی تمام نمیشود از امسال موافق حکم همایون که صادر شده است شروع بساختن آنها نموده تاسه سال تمام اینها ساخته و پرداخته خواهد شد که هم اسباب‌آسایش تجار وهم رونق و شکوه گمرکخانه دولت باشد محض اطلاع آن جناب از اوامرمقدسه‌زحمت داد . ۲۹ شهررجب ۱۳۰۸»

۶

امتیاز استفاده ازجنگلها شمالی ایران

روسها و جنگلهای شمالی

جنگلهای شمالی ایران یکی ازمنابع ثروت مردم آن سامان بشمار میرود . وسعت این جنگلها که در ایالات مازندران واسترابادو گیلان و طالش وآذر بایجان واقع شده تقریبا درحدود یك میلیون ونیم جریب میباشد .

مالك قسمتی از این جنگلها اشخاص مختلف بودند ولی قسمت عمده آنها جزء خالصه ومتعلق بدولت بود وچوب آنها گذشته ازرفع احتیاجات محلی درسابق یکی ازشعب تجارت مردم ایالات شمالی و ازصادرات مهم مملکت محسوب میشد

بعد ازمعاهده ترکمانچای که اتباع روس امتیازاتی بدست آوردند عده زیادی از تجار روسی بادادن مبلغ مختصری بحکام ومالکین جنگلها را اجاره میکردند و بقطع چوب ومحصولات جنگلی و صدور آن بخارج مبادرت میورزیدند وچون قاعده وقانونی برای حفاظت جنگلها نبود لطمات و صدمات زیادی باین منبع طبیعی ثروت ایران وارد آمد وبهمین علت قسمت زیادی ازجنگهای شمالی ازبین رفت .

عباس میرزا ملك آراء برادر ناصر الدین شاه درکتاب شرح حال خود مینویسد

«رشت تمامش جنگل است ازهرخانه بخانه دیگرکه شخص برود بین‌راه بوته‌و درخت‌است بیرونها گل وباتلاق است ولی‌درختهای بلندخوب هرچه بوده روسها بریده وبرده‌اند چه‌بسا که در وسط‌جنگل درخت خوبی‌بوده وبریده‌اند وبجهت بیرون بردن آن‌درخت صددرخت دیگررا بریده‌اند که راه گشوده‌شود وجنگل باین معذری را در واقع بکلی‌تمام کرده‌اند درختی که زیاده‌از سه‌زرع ارتفاع داشته باشدخیلی کم است پول‌جزئی بشاه و امنای دولت وحکام داده جنگلی‌را که میتوان گفت خزانه دولت‌است ازدست‌اینها برده‌اند وتعجب در این‌است که وقتی بطهران آمدم‌روزی مهمان کامران میرزای نایب‌السلطنه بودم درکامرانیه وضع جنگل‌را گفتم چون گیلان در اداره ایشان بود بطوری تحاشی کرد که من‌از اظهار مطلب پشیمان‌شدم وبکلی‌انکارداشت که یك‌درخت راروسها نمی‌توانند ببرند حتی‌شاخه‌ای راقدرت ندارند از حسن اتفاق محمودخان ناصرالملك قراگزلو حاضر بود که دو سال حکومت رشت راکرده بود باکمال جرات تصدیق مراکرد وکامران میرزا هیچ خجالت‌نکشید .»

واگذاری جنگلهای شمالی بنایب السلطنه

گفتیم که این جنگلها یامتعلق باشخاص مختلف بود و یاغالباجزء خالصه‌و بدولت‌تعلق داشت .

تجارت واتباع خارجی که میخواستند از چوب جنگل‌ها استفاده نمایندقراردادهائی بامالکین‌وحکام محل منعقدمیساختند وباپرداخت مبلغ مختصری استفاده‌های سرشاری ازچوب ومحصولات جنگل‌ها میبردند سابقا دولت دربیشترمواقع‌جنگل‌های خالصه هرناحیه‌رادرمقابل‌مبلغ معینی بشخصی

که معمولا ازحکام محلی بودند واگذار میکرد .

درسال۱۲۹۹ هجری‌قمری ناصرالدین‌شاه بموجب فرمان مخصوصی اختیارجنگلهای مازندران را برای مدت پنجاه سال بنایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنك و فرزند خود واگذار میکند وضمن نامه‌ای بسفارت‌خانهای انگلیس وروس و فرانسه وعثمانی‌مینویسند که به تجار تبعه خودشان اعلام نمایند که بعد ازآن تاریخ برای تجارت وخرید وفروش چوب ومحصولات جنگل‌ها باید بنایب‌السلطنه مراجعه کنند وازاواجازه بگیرند .

این موضوع موجب شکایت سفارت خانه‌های‌مزبور میشود وهریك بدولت‌ایران اعتراض مینمایند چنانکه سفارت انگلیس در تاریخ هشتم ماه جمادی الثانی سال ۱۲۹۹ هجری قمری ضمن نامه اعتراضیه ای مینویسد .

« اگرچنانچه اختیارنامه مذکور فقط مرجوع به‌آن قطعات جنگل است که رجوع بدیوان اعلی میباشد بلکه به بیشه‌های مال‌شخصی مردم‌هم پس‌در اینصورت یك‌شق‌حقه از تجارت منحصر ومسلوب شده است وآن‌نقض حقوق عهدنامه میباشد .... .»

سفارت روس نیز در تاریخ ۱۹ ماه جمادی‌الثانی ۱۲۹۹ در نامه‌ای بوزارت‌امور خارجه چنین مینویسد .

«.... اولیای دولت اعلیحضرت شهریاری دراین جور تدبیر صرفنظر کرده‌اند از اینکه واگذار نمودن بدست یك‌شخص برقرارکردن البته موجب ضیق‌آزادی مراودات تجارتی مابین‌رعایای دولتین علیتین قویشوکتین و مایه خسارت گزاف اشخاص از تجار روس که سابقا قرارنامهاچه باحکام وچه با مالکین جنگلهای مزبوره نوشته‌اند خواهدشد .....»

واین وضع‌را مخالف عهدنامه منعقده میشمارد .

همچنین سفارتخانه‌های فرانسه‌وعثمانی‌هم دراین باب بدولت‌ایران اعتراض میکنند وآنرا مخالف عهدنامه های مقرره میدانند .

بااینکه دولت‌ایران این اعتراضات‌را رد میکند ولی عملا در وضع جنگلها تغییری داده نمیشود وطرق استفاده ازچوب و محصولات آنها مانند سابق بود تابعد از مراجعت ناصر الدین شاه ازسفر سوم اروپا که امتیازاتی بشرح زیر برای استفاده از محصولات جنگل‌های‌شمال بیك تجارتخانه روسی بنام« کوسیس‌توفیلاکتوس»(۱)اعطامیگردد .

۱ــ استفاده از درخت های زیتون

این قرار داد که درتاریخ اول ماه شوال ۱۳۰۷قمری (۲۲ ژوئن ۱۸۹۰)بامضای امین السلطان و نماینده تجارتخانه کوسیس توفیلاکتوس و وزیر مختار روس رسیده شامل نه فصل وبااین مقدمه شروع میشود .

«فیما بین دولت علیه ایران و تجارتخانه کوسیس‌توفیلاکتس‌مقیم بادکوبه‌رعیت دولت‌بهیه روسیه قرارنامه حاضر باشرایط ذیل استقرار یافت »

مطابق فصل اول «دولت علیه ایران همگی درخت های زیتون ایالت گیلان وا در منجیل ورود بار ورستم آباد و اطراف رودخانه سفید رود وسایر نقاطی که زیتون بعمل میآید برای مدت بیست وپنج سال بتجارتخانه کوسیس‌توفیلاکتوس‌واگذارمینماید .»

بموجب این امتیازنامه تجارتخانه مزبور درنقاط شمالی کارخانه های لازم رادایر

1 - Kossis Theophylactos .

ومحصولات زیتون راکه منحصر بآن خواهد بود خریداری وپس ازتهیه صابون و روغن وغیره حمل خواهد کرد .

تجارتخانه دردوسال اول ازپرداخت حقوق دیوانی معاف است ولی ازسال سوم سالی هزار تومان وجه رایج بخزانه دولت خواهد پرداخت .

۲ـ استفاده ازچوب شمشاد .

این قرار داد که درتاریخ سه‌شنبه ۲۰ ربیع الاول سال ۱۳۰۸ مطابق ۱۳ اکتبر ماه روسی ۱۸۹۰ بتصویب امین السلطان رسیده شامل شش شرط وازطرف دولت ایران «جناب فخامت نصاب امیر الامراء العظام محمد ولیخان نصر السلطنه حکمران استرابادو گرگان دام اجلاله العالی» امضاء کرده است .

بموجب این قرارداد تجارتخانه «کوسیس وتوفیلاکتوس» درمدت پنجسال مجاز است که چوب شمشاد ازجنگلهای آستارا الی استراباد بریده وبخارج حمل کند

تجارتخانه مزبور در مقابل متعهد است سالی یازده هزار تومان دردو قسط بنصر السلطنه تسلیم نماید .

۳ـ استفاده ازچوب درخت جنگل‌ها

اولین امتیازی که برای استفاده از چوب درختهای جنگل‌های شمال بتجارتخانه «کوسیس توفیلاکتوس» داده شده بتاریخ دهم ذی القعده سال ۱۳۱۱ هجری قمری بمدت پنجسال وبامضای میرزا علی اصغر خان امین السلطان میباشد .

این امتیاز درچهاردهم رجب سال ۱۳۱۷ برای مدت هشت سال دیگر از ۲۱ مارس ۱۹۰۰ لغایت ۲۰ مارس ۱۹۰۸ بموجب قرار داد تازه‌ای که در پنج فصل نوشته شد تمدید گشته است .

بموجب فصل اول قرار داد اخیر «تجارتخانه کوسیس وتوفیلاکتوس ازطرف دولت علیه ایران مختار و مجاز است که از جنگلهای آستارا وگیلان وکلارستاق وکجور و مازندران واستراباد ازهرقبیل چوب آلات گرفته حمل بخارجه نماید .»

واگر دیگران بخواهند از چوب جنگل‌ها استفاده نمایند باید بااجازه تجارتخانه فوق الذکر باشد وهمچنین حقوق دیوانی راهم بآن تجارتخانه بپردازند .

در مقابل این امتیاز تجارتخانه مزبور سالی پانزده هزار تومان بدولت ایران خواهد داد وچون مقارن آن زمان مظفرالدین شاه برای رفتن باروپا بپول احتیاج داشت مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان بابت پنجسال پیشکی دریافت داشتند و نیز بموجب نوشته جداگانه ای این قرارداد رابرای مدت هشت سال دیگر پس ازپایان مدت آن باسالی بیست وپنج هزار تومان تمدید مینمایند .

بالاخره درسال ۱۳۲۵ بعد ازآنکه هشت سال اول قرار داد خاتمه پذیرفت دولت ایران بتجارتخانه «کوسیس توفیلاکتوس» اعلام داشت که دیگر تمدید مدت را برسمیت نمیشناسد وازحمل چوب ودخالت آن تجارتخانه درامور جنگل‌ها ممانعت خواهد کرد .

سفارت روس باین جریان اعتراض و باتهدیداتی که بدولت ایران مینمود عاقبت دولت ایران تسلیم میگردد و قرار میشود تجارتخانه مزبور کما فی السابق به عملیات خود ادامه دهد .

۷

بانك استقراضی رهنی روس

قبلا دیدیم که پس‌از افتتاح رود کارون وپیش‌از مسافرت ناصرالدین شاه باروپا هنگامی که امین‌السلطان بادالگورکی وزیر مختار روسیه ملاقات کرد برای جلب نظر و موافقت روسها باووعده دادکه امتیاز تاسیس‌یك بانك روسی نیز بآنها خواهد داد.

بانکی راکه روسها میخواستند در ایران تشکیل‌دهند درمقابل بانك‌شاهنشاهی وبرای رقابت باآن بانك وبمنظور توسعه نفوذ روسیه بود.

صاحب امتیاز بانك استقراضی روس کیست؟

امتیاز نامه‌بانك‌استقراضی بیك نفرروسی بنام‌ژاك‌پلیاك اعطاء شده است ولی این شخص بایکنفر دیگر بنام رافلوویچ شریك بود.

لرد کرزن در کتاب «مسئله‌ایران» راجع باین دو نفر می نویسد.

«در سال ۱۸۹۰ (۱۳۰۷هجری قمری) دو نفر ازاتباع روس که کارآنها گرفتن کنترات وامتیازات بود برای تحصیل‌امتیاز راه‌آهن بطهران‌آمدند یکی‌موسوم به‌رافلوویچ (۱) ودیگری بنام‌پولیاکف (۲) بود.

شخص اولی سابقا قونسول ایران مقیم‌اودسا بوده‌است — این‌دونفر می‌خواستند امتیازراه آهن و انحصار گمرکات ایران‌را بدست‌آورند ـ پیشنهاد آنها این‌بود که ازجلفای ارس‌یك خط‌آهن بتهران وبندرعباس‌و بندر محمره ویك خط هم‌ازتهران بمشهد کشیده شود ومدتی‌مذاکرات درباب پیشنهاد آنهاادامه پیدا کرد ولی عاقبت در این‌مورد نتیجه‌ای بدست نیاوردند واز این‌موضوع مایوس وخسته‌شدند. این‌اشخاص د. قسمت دیگر که‌تحصیل امتیاز یك موسسه رهنی‌از شاه بود موفق شدند واین موسسه رادر طهران دایر کردند که علاوه بر امور رهنی معاملات بانکی راهم انجام میداد وبزودی رقیب بانك شاهنشاهی گردید.»

هنگامی که میرزا رضاخان ارفع‌الدوله وزیرمختار ایران درروسیه بودازپطرزبورغ گزارشی بشماره ۲۶ مورخ ششم‌محرم ۱۳۱۶ هجری قمری بوزارت امور خارجه فرستاده وراجع بخدمات پالیاکف چنین مینویسد.

«نظر بخدمات چندین ساله‌مسیو پالیاکف جنرال قونسول دولت‌علیه مقیم پطربورغ که معروف حضور مبارك وزیاده از بیست‌وپنج‌سال است اول در طاقا نروق وحالادرپطربورغ بدین‌سمت‌مشغول‌خدمت است‌اعلیحضرت شاهنشاه شهید (ناصرالدینشاه) نورالله مضجعه درسفرآخری فرنگستان بموجب فرمان جهانمطاع لقب بارونی باو مرحمت فرمودند مشارالیه برای‌استعمال این‌خطاب مکرر در مقام تحصیل اجازه امپراطوری برآمده دولت روسیه این خواهش‌را رد کرده جواب داده‌اند که این‌لقب تاکنون درایران نبوده....»

ومیخواهد که از طرف دولت ایران در تهران باسفارت روس مذاکره و جلب موافقت روسها بشود.

1– Rafflovitch 2 _ Poliakoff

بهرحال در مرتبه سومی که ناصرالدینشاه در روسیه بودپالیاکف بوسائل مختلف «خدمات وزحمات» خودرا بنظر «ملوکانه» رسانیده و«شاه»نیز برای اظهار «مرحمت والتفات» بیشتر اورا بتهران دعوت میکند .

البته پالیاکف بااستظهار وراهنمائی وزارت امور خارجه روسیه پیشنهادات خود را در همانموقعی که ناصرالدینشاه وامین‌السلطان در روسیه بودند برای تحصیل امتیازات مختلف تهیه وعرضه داشته بود ووقتی که پالیاکف بتهران آمد فقط پیشنهاد او در مورد ایجاد یك مؤسسه استقراضی مورد قبول وموافقت قرار گرفت .

امتیازنامه بانك استقراضی

بالاخره بعداز مذاکراتی که در تهران بین دولت‌ایران وپالیاکف بعمل میآید قرار میشود که این‌موسسه فقط اعمالی را انجام دهد که آن اعمال در انحصار بانك شاهنشاهی ایران نباشد وحتی برای احتیاط ابتدا از گذاردن عنوان « بانك » روی این‌موسسه خود داری میکنند وآنرا بنام« انجمن‌استقراض‌ایران » میخوانند .

امتیازنامه بانك استقراضی در دوقسمت وبشرح زیر است

امتیاز برای تشکیل یك شرکت استقراض

«باعتبار رهن‌ویك مغازه فروشی ونیزمغازه وانبار برای‌نگاهداری‌مال‌التجاره‌وغیره»
«ماده‌اول- نظر باینکه عمل استقراض باعتبار رهن وعمل حراجی در تحت یك »
« قانون آورده شود وبرای اینکه قرض‌کنندگان ازدست اشخاص که‌پول به‌تنزیل »
« زیاد میدهند خلاصی یابند اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران بمسیوژاك‌پلیاکف»
« قونسول ژنرال ایران وورثه ویا کسان دیگر که محق باشد امتیاز انحصاری »
« تشکیل شرکت استقراضی باعتبار رهن ویك مغازه حراج ومغازه های دیگر در »
« ایران داده ومدت امتیاز فوق۷۵ سال خواهد بود از تاریخی که اعلیحضرت »
« همایونی آنرا امضاء نمایند .
« ماده دویم -اسم‌شرکت‌مذکور (انجمن استقراض ایران)خواهد بود ومقصودش»
« قرض دادن در مقابل هرقسم که باشد، باستثناء اموال غیر منقوله شرکت باید »
« حراج را برسمی که در یکی از پایتخت‌های اروپا معمول است ترتیب بدهد.
« ماده سیم- صاحب امتیاز یا ورثه اویا کسانیکه محق باشند باید از طهران »
« شروع نموده معاملات خودرا بمرور بسایر نقاط ایران توسعه بدهند .
« ماد چهارم - شرکت باید درهرحال تادوسال‌بعداز اینکه اعلیحضرت همایونی»
« این امتیازرا امضاء کرده شروع بعملیات نمایند و هرگاه شرکت تشکیل شد »
« باید قانون تشکیل خودرا بدولت ایران تقدیم‌نماید آنوقت فقط قانون رسمی‌شده»
« ومیتواند بمعاملات شروع نماید .
«ماده پنجم - انتشار سرمایه ورقه اسهام‌واسناداز‌هرقسم‌باشدبعهده‌صاحب‌امتیاز»
« یاشرکت است وهمچنین ترتیب دادن شرکت و ریاست آن با صاحب امتیاز یا »
«شرکت‌است.

« ماده ششم ـ دولت ایران در پناه خود گرفته است شرکت ومال منقول وغیر»
« منقول او و عمارات ومغازه او واجزاء راهر گاه از جانب شرکت تقاضا شود دولت»
« هراقدامی که برای محافظت ازهرغرض باشد بنماید مستحفظین اطاقهای دفتر و»
« مغازه شرکت قراول خواهند بود .

« ماده هفتم ـ یك قسمت که صدی ده باشد ازمنفعت خالص ازروی امانت شرکت»
« که مامورین دولت درآنها حق رسیدگی خواهند داشت بخزانه اعلیحضرت همایون»
« ناصرالدینشاه خواهد رسید بعلاوه این شرکت مبلغ یکهزار تومان درآخر هذه السنه»
« (عملی) خواهد پرداخت از بابت امتیاز حراجی در طهران .

« ماده هشتم ـ در تمام مدت این امتیاز شرکت باتمام دارائی وسرمایه وعایدات او»
« و اسناد قرار دادهای او وغیره از هر گونه حقوق و باج و مالیات وغیره و غیره»
« بهراسم ورسم که باشد معاف خواهند بود .

« ماده نهم ـ ممکن است گماشتگان ومامورین شرکت تبعه ایران باشند .

« ماده دهم ـ اسبابها واشیاء ومال التجاره وغیره که در نزد شرکت رهن گذاشته»
« شده باشند نمیتوان ضبط یا فروخته شود برای بدهی قرض کنندگان باشخاص »
« ثالث یا از جهة دیگر مگر بعداز این که شرکت بتمام طلب خود رسیده باشد.

« ماده یازدهم ـ برای ختم گفتگوها وادعاهائی که ازاجراء شرایط این امتیاز»
« تولید میشود یك کمیسیون دائمی که مشتمل برچهار عضو باشد که دو نفر از آنهارا»
« دولت معین خواهد نمود ودو نفر دیگر راشرکت تعیین خواهد کرد تشکیل »
« خواهد یافت فتاوی این کمیسیون برحسب اکثریت تامه اعضاء معین خواهد شد و »
« این احکام برای تمام اشخاص که طرف هستند قطعی است در صورتی که اکثریت »
« حاصل نشود مسئله بشخص ثالثی رجوع خواهد شد که از طرف دولت و شرکت »
« معین می شود وحکم او قطعی است ووسائل مهمه وفوری وهر گاه شرکت شکایتی »
« داشته باشد حق دارد مستقیما مطلب را بوزیر اعظم رجوع نماید .

« ماده دوازدهم ـ هر گاه اختلاف رائی روی دهد نسخه فرانسه این امتیاز سند»
« معتبر خواهد بود .

« ماده سیزدهم ـ نرخ تنزیل نباید از صدی (۱۲) الی صدی (۱۸) تجاوز نماید و»
« در معاملات از احدی طرفداری نخواهد شد شرکت رهن از هر گونه مال التجاره »
« واشیاء را که دارای قیمت هستند تا پنج قران بعنوان رهن قبول نماید شرکت »
« حق دارد آن چه را که خراب باشد یا اینکه نگاهداریش خطرناك یا غیر ممکن»
« باشد ردنماید .

« ماده چهاردهم ـ قرض کننده میتواند جزواً مستخلص نماید بواسطه پرداخت »
« وجوه پی در پی یامعادل مبلغ قرض این وجوه جزئی ازدو قران قبول میشود هر گاه»
« بموجب تقاضای صاحب رهن رهن او فروخته شود پرداختهای جزئی او راجع نموده به»
« تتمه طلب رهن گذارند از فروش رهنش اضافه خواهد شد .

« ماده پانزدهم ـ رهنی که ازگرو بیرون نیاورده باشند یااینکه تجدید قبولی »
« دومرتبه رهن گذاران در موعدخود نشده بردر حراج عمومی فروخته خواهد شد»
« وقرض دهندگان حق ندارندآنرابخرندهرچه از فروش اشیاء ورهن بعلاوه بدهی»
« قرض کنندگان باقی ماند متعلق برهن گذارنده است که حق دارد دوروره بعداز»
« حراجی الی مدت سه سال بعد از رهن گذاشتن تتمه خودرا مطالبه نماید .
« ماده شانزدهم ـ بیرون آوردن از گرو بترتیب معمولی باید در عرض یکسال»
« صورت بگیرد هرگاه رهن گذارنده نتواند رهن خودرا بیرون بیاورد باید در »
« عرض سه ماه بعداز انقضای مدت یکسال تجدید معامله نماید واگرچنانچه از این»
« شرکت تخلفی شود رهن فروخته خواهد شد برای اینکه تجدید معامله نماید قرض»
« کننده بدواً باید تمام تنزیلهای گذشته را بپردازد ونیز باید متقبل شود که رهن »
« مجدداً به تخمین وتقویم تازه برسد ونیز تفاوت مابین قیمت تخمین حالیه واولیه را»
« بپردازد تقویم جدید بترتیب معمولی صورت خواهد گرفت ووقتی که قرض کننده»
« تمام تنزیلهای عقب افتاده را پرداخته ومخارج وحقوق معینه را وهمچنین تفاوت »
« موجودرا (در صورتی که بوده باشد) پرداخته است تجدید را از روی قیمت حالیه»
« رهن بهمان ترتیب وهمان شرایط و برای همان مدت قرض اولی صورت خواهد»
« گرفت .
« ماده هفدهم ـ اگر چنانچه شیئی که رهن گذاشته شده باشد مفقود شود قیمت»
« آنرا از روی تخمینی که درموقع رهن گذاردن یادر وقت تجدید کردن شده »
« است باضافه یك ربع آن مبلغ بعنوان غرامت بصاحب رهن پرداخته میشود اگر »
« چنانچه رهن ضایع شده باشد صاحب آن حق دارد آنرا به شرکت واگذار نماید »
« و قیمت رهن گذاشتن آنرا یا قیمتی که در وقت تجدید کردن تعیین شده »
«دریافت نماید .
« ماده هجدهم ـ در باره حراجهای شهرهای آبادشرکت مالیاتی را که اکنون»
« باین حراجها در شهرها تعلق میگیرد باید بپردازد .
«به نسخحین نوشته شددر طهران مورخه سیم مه ۱۸۹۰ فرانسه مطابق ۲۱ آوریل»
« روسی این اصل قرارداد دارای امضاهای کتبی ذیل است .
« ۱ ـ صحه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ناصرالدینشاه
« ۲ ـ امضاء حضرت صدراعظم امین السلطان
« ۳ ـ امضاء وزیر امورخارجه قوام الدوله

امتیازنامه من دوپیته (۱)

«قرار نامه وامتیاز برای ایجاد من دوپیته وساختن مکانی جهة حراجی عمومی و»
«همچنین ساختن انبارها جهت حفظ اسبهائیکه درنزد کمپانی رهن میگذارند .» .
«فصل اول ـ اشخاصیکه باگروپول قرض مینمایند برای آنکه ازمنفعت دادن»
«گزاف آسوده باشد وعمل حراجی در تحت قاعده باشد اعلیحضرت همایون»

(1) Mont .. de - Pi été .

«شاهنشاهی اجازه میدهند بژاك دوبلیاکوف قونسول جنرال ایران و وراث او»
«که من دوپیته برقرار نمایند ومکان حراج وانبارهائیکه لازم دارند بسازند»
«ومدت این امتیاز هفتادو پنج سال خواهد بود ازتاریخ امضای این قرارنامه
«فصل دویم - این کمپانی قرض دهنده از هرقبیل اجناس منقول رهن قبول»
«خواهد کرد- غیرمنقول مثل خانه وملك ودکان و زمین وغیره قبول نخواهد»
«داشت و یك مکانی خواهد ساخت برای حراج کردن عمومی مثل اینکه در»
«شهرهای فرنگستان معمول است .
«فصل سیم-صاحب امتیازابتدا شروع درطهران خواهد کرد وبعد حق خواهد»
«داشت که درسایر شهرهای ایران مثل طهران یك من دوپیته ومکان جهت»
حراج عمومی برقرار نماید .
«فصل چهارم- صاحب امتیاز میباید دوسال بعدازامضای این قرار نامه شروع»
«بکار نماید والا این امتیازنامه از درجه اعتبار ساقط است قرارهائیکه این»
«کار خواهد داد قبل از اجری باید بعرض و اطلاع دولت برساند وبعد شروع»
«بکار کند .
«فصل پنجم - سرمایه وتقسیم سهام وساختن انبارها ومکان وکلیه تمام مخارج»
«لازمه این کار بعهده صاحب امتیاز خواهد بود .
«فصل ششم -تمام آلات و اجناس منقول مرهونه ونقد وابنیه از قبیل خانه و»
«انبار وعملجات و غیره که متعلق بصاحب امتیاز است وبرای همین کار ایجاد»
«کرده است درتحت حمایت اولیای دولت خواهد بود بجهت حفظ اموال اوهر»
«چند قراول که لازم باشد دولت مضایقه نخواهد فرمود .
«فصل هفتم - درآخر هرسال بعد از وضع مخارج صاحب امتیاز باید صدی»
«ده ازمنافع کل بخزانه دولت کار سازی نماید علاوه براین صدی ده درهرسالی»
مبلغ هزار تومان مالیات حراج طهران است صاحب امتیاز بخزانه دولت کار»
«سازی خواهد نمود .
«برای معلوم نمودن منافع ده ازصد که بدولت باید برسد دولت علیه ایران»
«حق دارد بدفاتر عمل رسیدگی نماید .
«فصل هشتم-درتمام مدت این امتیازنامه اموال صاحب امتیاز ازقبیل منقول و»
«غیر منقول ووجه نقد کلیة آنچه را که مالك هستند ازجمیع صادرات وعوارضات»
«دیوانی معاف خواهد بود .
«فصل نهم-عملجات واجزای کمپانی میتوانند تبعه دولت ایران باشند
«فصل دهم - اجناس از هرقبیل که در رهن صاحب امتیاز است دیگری »
«نمیتواند بهیچوجه آن اسباب را ضبط کند یا بفروشد تازمانیکه تمام تنخواه صاحب»
«امتیاز داده شود .
«فصل یازدهم -هرگاه گفتگو ومنازعه مابین صاحب امتیاز و دیگران پیدا»
«شود رسیدگی باین کار بعهده چهار نفرخواهد بود که دو نفر آنهارا دولت »

«معین خواهد فرمود و دو نفر آنرا صاحب امتیاز هرحکمی که طرف غالب»
«مجلس خواهند کردهمان‌مجری خواهد شدهرگاه ادعا وگفتگو درآن مجلس»
«تمام نشود چند نفر دیگررا طرفین‌معین خواهند کرد که‌رسیدگی نمایندهرگاه»
«صاحب امتیاز مطلب مهمی داشته باشد بجناب وزیر اعظم اظهار نماید.

«فصل دوازدهم ـ هرگاه گفتگوئی جهت این امتیازنامه بمیان بیاید ازروی»
«نوشته بخط فرانسوی که عیناً مطابق ترجمه فارسی آن خواهد بود رسیدگی»
«خواهد شد.

«فصل سیزدهم ـ قدر منفعت در هرصدی دوازده الی هیجده خواهد بود»
«زیاده‌تجاوز نخواهد کردوهمه‌نبیل اسباب‌واشیاء قبول خواهدشد الی‌اسبابیکه»
«پنجهزار قیمت‌آن باشد مگر اسبابیکه‌نگاهداشتن‌آن متکل ومحل خطر باشد»

«فصل چهاردهم ـ شخص مقروض میتواند دین خودرا بدفعات اداکند واین»
«وجوه‌دفعاتی‌ازدو قران‌ببالا قبول خواهدشدهرگاه‌بموجب خواهش قرض کننده»
«اسباب مرهونه فروخته شود وجوه دفعاتی محسوب خواهد شد هرچه از وجه»
«فروش باقی ماند بصاحب گرو داده میشود.

«فصل‌پانزدهم‌ـ هرگاه در سر وعده اسباب مرهونه ازرهن خارج نشود و یا»
«اینکه سندش را تجدید نکند آن اسباب در حراجی عمومی فروخته خواهد شد»
«صاحب طلب‌نمیتواند آن اسباب‌رابخردتفاوتی که‌ازفروش‌اسباب‌بعدازادای‌قرض»
«پیدا میشود بصاحب گرو داده خواهد شد وصاحب گرو از فردای روز حراج»
«الی سه سال میتواند مطالبه‌آن تفاوت‌رابکند.

«فصل شانزدهم‌ـ اسباب مرهونه باید بعد ازمدت‌یکسال ازگرو خارج بشود»
«هرگاه صاحب مال نتواند بعد ازیکسال مال خودرا ازگرو بیرون بیاورد یا»
«تجدید سند نماید درماه سیزدهم آن سند فروخته خواهد شد برای تجدید سند»
«باید بدواً فرع گذشته را بدهد بعدگرو را مجدداً بقیمت بیاورد تفاوت قیمت»
«حالیه باقیمت دفعه اول هرچه باشد باید شخص مقروض بدهد یعنی‌قیمت ثانوی»
«دروقتی خواهد شد که فرع گذشته‌را داده باشندوهرگاه کسر قیمت پیدا شود»
«صاحب گروباید آن کسرقیمت‌رابدهد وباقتضای قیمت ثانوی گرو بهمان وعده»
«وشرایط اول تجدید عمل‌نماید.

«فصل هفدهم ـ هرگاه شیئی گروی مفقود شود قیمت آنرا از روی تعیین روز»
«اول بعلاوه یك ربع بصاحب گرو داده خواهد شد هرگاه اسباب گرو معیوب»
«شود صاحبش حق دارد باداره واگذار نماید وقیمت آنرا ازروی‌تعین روزاول»
«یاازقرار تعیین دفعه ثانی مثل اینکه‌سند تجدید میشودمطالبه نماید.

«فصل هیجدهم ـ برای حراجی شهرهای دیگر صاحب امتیاز مالیات حالیه»
«حراجی آن شهررا خواهد داد.

«این قرار نامه دردو نسخه نوشته شد.
«بتاریخ غره‌شهر شوال المکرم‌سنه ۱۳۰۷هجری»

اجازه استعمال لفظ بانك

بطوریکه گفته شد ابتدا قرار بود که پلیاکف موسسه‌ای را که تاسیس مینماید بنام «انجمن استقراض ایران» بنامد ولی درجریان تهیه مقدمات تاسیس آن ازدولت ایران تقاضا میکند که موافقت شود اسم «بانك» را روی این موسسه بگذارد.

دولت ایران اول شفاها موافقت خودرا بااین درخواست اعلام میدارد وبعدهانیز که ازطریق سفارت روس کتباً این موافقت‌را میخواهندوزیرامور خارجه ایران درجواب وزیر مختار روس چنین مینویسد.

«از مضمون رقمه‌آن‌جناب جلالت‌ونبالت نصاب مورخه۱٦ شعبان ۱۳۰۹ استحضار حاصل کرد اینکه مرقوم داشته بودند مسیواستروبی رئیس اداره انجمن استقراض رهنی روس درایران اظهار نموده بود که چون این‌اسم برای اهالی ایران اشکالی دارد متمنی است اجازه داده شود باسم بانك این اداره موسوم شود وچون استعمال لفظ بانك برای‌اداره مزبور ضرری ببانك شاهنشاهی نداردزحمت دادباداره مزبور بانك نامیده شود ولی معلوم است که امتیازات وحقوقی که مخصوص بانك شاهنشاهی ودولت است مخصوص خود همان بانك خواهد بود • این اداره فقط باسم بانك موسوم خواهد بود مورخه‌فی شهررمضان ۱۳۰۹»

اعمال بانك

ژاك پالیاکف بعداز آنکه قسمتی‌از سهام این بانك را بعده‌ای ازسرمایه داران روسی‌و بلژیکی میفروشد مقدمات کار را تهیه مینماید و شعبه مرکزی بانك رادرتهران افتتاح‌واعلانی که عملیات وکارهای بانك را بتفصیل برای‌مردم شرح میداد منتشر میسازد.

برای اطلاع ازکارهای این بانك و چگونگی آن متن این اعلان را در اینجا نقل مینمایم.

اعلان بعموم ناس

«محض صرفه‌عموم وتسهیل‌معاملات تجارتی ومخصوصا برای‌آسانی کار استقراض وکم کردن تنزیل آن وکمك بتوسعه شعب‌مختلف صنایع‌ایران‌اعلیحضرت قدرقدرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه وسلطانه بسرمایه‌داران روسی‌مرحمت فرموده اجازه داده‌اند که مجمعی برای قرض دادن تنخواه تشکیل‌دهند وآن مجمع نامیده‌میشود (بانك استقراضی رهنی‌روس) وچون این‌بانك عنقریب شروع واقدام بکار مینماید رئیس دایره چنین صلاح دانسته که وضع اعمال و طریقهٔ را که پیشنهاد مینماید بموجب این اعلان بعموم مردم معلوم کند.

فصل اول ـ بانك استقراضی رهنی روسی تشکیل مییابد بوضع شرکت (آنونیم) یعنی مجهول‌الاسم از سرمایه‌داران مختلفه روسی که صاحبان اسهامند وسرمایهٔ که برای خود مشخص کرده دوکرور ودویست وپنجاه هزار منات مسکوك‌طلا است که آن تخمینا معادل ششصدهزار تومان پول نقره ایران میباشد.

فصل‌دویم‌ـ مرکز اداره کل بانك‌مزبور دردارالخلافه‌طهران‌در خیابان‌لاله زاردر خانه جناب مشیرالملك است ودر سایر ولایات ایران نیزاز جانب این‌بانك متفرجاشعبات برقرار خواهد شد و هر وقت شعبهٔ در ولایتی بر قرار شد بعامه ناس اطلاع

داده میشود.

فصل سیم - این بانك استقراضی رهنی روسی بلیت بانك در معاملات خود برواج نخواهد انداخت وتمام داد وستد آن از مسکوکات طلا و نقره که در ایران رایج است خواهد بود.

فصل چهارم- این بانك استقراضی رهنی روسی ازاعمال ارباب معاملات خوداحدی را مطلع نخواهد ساخت وهیچگونه خبری بهیچکس نخواهد داد.

فصل پنجم -این بانك استقراضی رهنی روسی هر کس طالب باشد پولی باین بدهد برات میتواند بگیرد بتمام بانکهای شهرهای روسیه ومخصوصا بلادعمده ممالك فرنك عموما بهمان شروط ووضعی که در بلاد فرنك معمول است.

(استبصار)

در داخله ایران نیزاگر کسی براتی حواله بشهرهای دیگر این مملکت غیر از طهران داشته باشد بانك استقراضی رهنی روسی که مرکزش درطهران است بمجردافتتاح شعبه‌ها درآن شهرها برات خواهدداد.

فصل ششم - هرشخص معتبر بایك ضامن معتبر میتواند با منفعت معینی که معلوم خواهد شدبوعدهٔ سه ماه یاشش ماه الی نه ماه از این بانك استقراضی رهنی روسی استقراض نماید.

تنزیل پولی که این بانك قرض میدهد تابع معاملات روزمره بازار است وچون الان نمی‌توان آن تنزیل را بدرستی معین نمود رئیس بانك همیشه اهتمام میکند که منفعتی معین نماید که مناسب وبقاعده باشد وباعث خسارت مدیون نباشد.

فصل هفتم - هرشخص تاجری میتواند ازاین بانك تنخواهی قرض کند دادن سندی که امضاء کرده باشد وضامن دیگر لازم ندارد درصورتی که مال التجاره رهن بگذارد که بانك بتواند آنرا قبول کند وموعد این تنخواه استقراض زیاد ازسه ماه نخواهدبود وتاجری که تنخواه قرض میکندبایدعلاوه برمنفعت مقرر اجرتی برای نگاهداشتن مال التجاره وحفظ آن ببانك مزبور کارسازی نماید وآن اجرت ازروی تناسب مال التجاره وحجم آن است. هرگاه مدیون بعداز سه ماه مال التجاره خودرا ازرهن بیرون نیاورد و حبس مال التجاره طوری باشد که بانك مزبور قابل تجدید معامله نداند حق دارد که مال التجاره رادرماه بعد از انقضای مدت بهراج بفروشد وتنخواهی راکه قرض داده بامنفعت زمان پس افتاده و حق نگاهداشتن وحفظ کردن وخرج حمل ونقل ومخارج فروش ازقیمت مال التجاره بردارد بعد از آنچه باقی ماند حق صاحب مال التجاره است.

فصل هشتم - دراین بانك استقراضی رهنی روسی اشیاء گرانبها ازقبیل طلا ونقره وجواهر وغیره همچنین اشیاء منقوله که نگاهداشتن آن ممکن باشد از چیزیکه پنجقران بیرزد تاهرقدر گروگرفته تنخواه قرض داده میشود واشیاء مرهونه رامجمع باتفاق مالك قیمت مینمایند ورهن اگر فلزات گرانبهاست بانك مزبور درازاء صد هفتاد و پنج قرض میدهد واگر چیزهای دیگر است در ازاء صد پنجاه یعنی نصف قیمت عادله اشیاء بعنوان مرهونه را قرض خواهد دادودروقت گرفتن آن اشیاء رهن قبض بصاحب آن میدهد

که مطالب مسطوره درذیل آن مندرج است .

اولا تفصیل صحیح ازاشیاء مرهونه بقدرامکان
ثانیا تاریخ استقراض ورهن
ثالثا وعده تنخواه
رابعا قیمت عادله اشیاء مرهونه موافق تقویم
خامسا مبلغ تنخواه استقراض

سادسا منافعی که باید برای وجه استقراض ونگاهداشتن اشیاء مرهونه وحفظ آن داده شود قبوضی که این جمله درآن ثبت است بامضاء ومهربانك مذکور خواهد بود و باسم حامل مگرآنکه قرض کننده بخواهدقبض مخصوصا باسم خوداوباشد .

بانك مزبور اشیاء مرهونه رابمناسبت جنس وحالت آن بوعده یك ماه الی دوازده ماه قبول میکند همینکه وعده معین منقضی شد یك ماه مهلت داده میشود که مالك اشیاء مرهونه آن اشیاءرا ازرهن بیرون آرد یابرای مدت دیگر تجدید معامله نماید در صورتی که آنچه ازوعده پول گذشته تنزیل اورا بپردازد ومنافع موعد جدید را نیز بدهد و در صورت تجدید معامله بانك مزبور اشیاء مرهونه را مجدداً قیمت خواهد رسانید اگر کمتر از قیمت اول قیمت کردند مدیون مجبور است تفاوت وکسررا کارسازی کند و اگر زیادتر قیمت نمودند علاوه را دریافت مینمایند اگر بعد از انقضای یك ماه مهلت مذکور اشیاء مرهونه را ازرهن بیرون نیاوردند یاتجدید معامله نکردند آن اشیاء بطور هراج فروخته خواهد شد . وبرای فروختن اشیاء مرهونه درهراج نه اعلام خواهدشد و نه چیزی بطبع خواهد رسید فقطدوهفته قبل از فروش نمره‌های قبوض اشیاء مرهونه در دفتر خانه بانك بدیوار چسبانیده خواهد شد قرض کننده ذیحق خواهد بود که قبل از وعده معین کل تنخواه یابعض آن را بپردازد . دراینصورت بانك مسطور تنزیل مدتی را که پیش داده در حساب اومحسوب خواهد داشت قرض گیرنده حق دارد بعداز انقضاء وعده معینی نیزاشیاء مرهونه رابتوسط بانك بفروش رساند در صورتیکه مشخص نماید که آن اشیاء باید تاچه مبلغ بفروش رسد درهنگام فروش اشیاء مرهونه اگر بقیمتی که پیش تقویم شده فروخته نشود بانك مسئول نیست وتنخواهی راکه قرض داده بامنافع آن وحق نگاهداشتن و حفظ کردن از روز انقضاء وعده تاروز فروش برخواهد داشت همچنین مخارج حمل ونقل وخرج فروش و غیره را بعداز آنچه علاوه میماند بحامل قبض تسلیم مینماید .

درصورتیکه حامل قبض بمطالبه علاوه تنخواه مزبور نیاید بانك استقراضی رهنی روسی مجبور است آنرا بدون نفع و تنزیل تامدت سه سال نزد خود نگاهدارد اگراز سه سال هم گذشت مبلغ علاوه راباحضوریکنفر ازگماشتگان دولت بفقراء شهر تقسیم خواهند کرد . واگر بجهتی دروهله اولی اشیاء مرهونه بفروش نرسد درشش هفته بعد بازبفروش وهراج آن میپردازد وهرگاه دردفعه ثانی اشیاء مرهونه را به قیمتی که معادل طلب بانك است نخریدند بانك مختار است آنها را بضرر بفروشد یابرای خود نگاهدارد بدون اینکه دیگر چیزی از مدیون مطالبه کند یامدیون ازبانك مطالبه نماید .

بانك مذكور باعتبار تمام مكنت و سرمايه خود ضامن حفظ جميع اشيائی است كه نزد اورهن گذاشته ميشود اگر احياناچيزی ازاشياء مرهونه گم شد مالك تمام قيمت آنرا بموجب تقويم آخری ازبانك دريافت خواهدنمود بعلاوه بيست وپنج درصد كه ابتدادر گذاشتن رهن ازقيمت آن كسر شده.

تنزيل درسال بايدازدوازده الی هيجده درصدتجاوز نكند يادرماه ازدوتاسه شاهی برای يك تومان وقرار تفاوت تنزيل باشخص قرض كننده داده خواهد شد بتناسب جنس و نوع اشياء ومال التجاره مرهونه وبمناسبت عمده بودن تنخواه ورواج مسكوكات بازار وغيره وغيره .

اگرچه بانك ذيحق است كه برای كرايه انبار ومخارج نگاهداشتن وحفظ كردن اشياء مرهونه حقی كه زياده ازنه درصد نباشد دريافت كند معهذا دربعضی مواقع ميتواندازاين مبلغ هم چيزی كسر كندياآنكه بكلی ازآن صرف نظر نمايد.

فصل نهم-بانك مذكور هرقسم اسناد ونوشتجات معتبره واسهام وتمسكات راكه ممكن اقبول داند رهن گرفته تنخواه قرض خواهد داد .

(استبصار)

اين بانك استقراضی رهنی روسی حق ندارد بروات دولتی واملاك واقعه درخارج شهرها رابعنوان رهن قبول نمايد وتنخواهی درازاءآن قرض دهد.

فصل دهم-زارعين ومالكين مزارع ميتوانندازين بانك تنخواهی قرض كنند وحاصل مزارع خودرا رهن آن تنخواه قراردهند يايكنفر ضامن بااستطاعت بدهند وصبر نمايندتا موقع مساعد برسد ومحصول خودرا بقاعده فروخته قرض خودرا ادانمايند .

يكنفر ازملاكين بزرك قريه ياجمعی از زارعين وملاكين كوچك همان دهكده ميتوانند برای بهبودی وتوسعه عمل زراعت خود اعم ازاينكه برای خريد دواب وحيوانات كاری باشد يا آلات زراعتی يابجهت حفرقنوات جديده بوعده چند سال معين كه از پيش مشخص شود ازين بانك تنخواهی قرض كنند وهرسال بقسط السنين يك قسمت از اصل تنخواه وفرع آنراكار سازی نمايند تاتمام پرداخته شود ورهن وضامن اين تنخواه اشياء منقوله و مياه قنوات جديده ومحصول زراعتی آنهاباشدوبهيچ وجه املاك واشياء غير منقوله ممكن نيست رهن وگرواين تنخواه شودچه بانك مذكورحق مالك شدن آنراندارد.

فصل يازدهم- اين بانك استقراضی رهنی روس قبول مينمايد خريد وفروش هرنوع مال التجاره را بوكالت ثالثی وبشروط عادلانه .

فصل دوازدهم-هركس تنخواهی داشته باشد ميتواند بعنوان امانت عندالمطالبه يا بعنوان امانت وعده دراين بانك بگذارد ووضع امانت عندالمطالبه اين است كه بانك درصدی دو درسال بصاحب تنخواه تنزيل ميدهد وكتابچه باسم صاحب تنخواه باومیدهد كه هروقت بخواهد پولی ببانك بطور امانت عندالمطالبه بدهد درآن ثبت كند نيز كتابچهٔ ديگر كه اوراق آن ازآن جدا ميشود بانك مزبور بهمان شخص ميدهد و اسم هرورقه اين كتابچه

(چك) میباشد صاحب تنخواه هروقت میخواهد پولی ببانك ازبابت حساب خود حواله کند روی چك حواله میدهد که بحامل یابشخص معین دیگر پرداخته شود وهروقت چك دربانك درمحل ادای تنخواه ابراز شود فوراً تنخواه حواله آنرا می‌پردازند.

تنخواهی که بطور امانت عند المطالبه دربانك مسطور گذارد میشود ممکن است صاحب آن یکدفعه آنرا دریافت کند ومیتواند بدفعات بگیرد بمیل خوداوست.

اماامانت وعده آن نیز بادو کتابچه وبهمان قواعد داد وستد میشود فقط شرط آن این است که صاحب تنخواه باید هفت روز وعده حواله دهد. چك امانت وغیره هروقت در دفترخانه بانك ابراز شود قبولی آنرا بموعد هفت روز مینویسند وبعد از مدت مزبور کار سازی میکنند واین امانت وعده که درتمام بانك های فرنك معمول است محض آن ایجاد شده که بانکها مجبور نباشند درصندوقهای خودتنخواه رازیاد عبث نگاه دارندبنابراین منافع تنخواه امانت وعده در بانك استقراضی رهنی روسی درسال صدسه میباشد یعنی بانك مزبور برای هرصدی درسال سه بصاحبان تنخواه امانت وعده تنزیل میدهد.

فصل سیزدهم ـ نیزاین بانك استقراضی رهنی روسی پولی را که میخواهند در آن بموعد معین امانت بگذارند قبول مینماید وبجای کتابچه که درفصل دوازدهم ذکر شد قبوض مخصوصه بموعد معین بصاحبان تنخواه خواهد داد وتنزیل این قسم تنخواه درسال درصد چهارخواهد بود درصورتیکه مدت امانت ازسه ماه الی ششماه باشد ودرصورتیکه مدت آن ازهفت الی دوازده ماه باشددرسال برای صدشش تنزیل خواهد داد وادای تنزیل ومنفعت بعدازانقضای موعد خواهد شد.

فصل چهاردهم ـ اشخاص بی چیز که میخواهند بصرفه جوئی رفاهیتی دراحوال خود حاصل نمایند برای امدادبآنها وآسانی کارایشان پولی راکه پس انداز مینمایند بانك استقراضی رهنی روسی بشروط ذیل بطور امانت قبول مینماید.

تنخواهی که امانت گذارده میشود در کتابچه مخصوص ثبت خواهد شد وآن کتابچه بصاحب تنخواه داده میشود وبانك مزبور درسال درصدچهار بآنها منفعت خواهد داد و ماهها را تماماً موافق ماههای روسی حساب خواهد کرد و منفعت مزبوره در اول هرماه ژوئیه واول هرماه ژانویه ضمیمه اصل تنخواه میشود که صاحبان آن ازنفع اندر نفع منتفع شوند یعنی بعد ازآنکه فرع ضمیمه اصل شد آن نیزمثل اصل فرع خواهدداشت

شخص یکدفعه ممکن نیست کمترازدوقران وبیشترازصدقران دربانك امانت گذارد واگر تنخواه شخص بهزار قران رسید باید ازبانك دریافت کند اگرنگرفت جزو امانت عندالمطالبه که پیش شرح آن نگاشته شد محسوب میشود واین قسم پولهارا بانك استقراضی رهنی روسی نمیگیرد ونمی‌دهد مگر درهفتهٔ یکروز وآن روز دوشنبه است.

فصل پانزدهم ـ هرنوع توضیحات که مردم درمطالب بانك استقراضی رهنی روسی بخواهند رئیس بانك همیشه حاضراست که بطیب خاطرومیل آن توضیحات را بایشان بدهد.

فی شهر صفر المظفر ۱۳۰۹ ،

بانك استقراضی شعبه‌ای از وزارت مالیه روسیه بود

باین ترتیب روسها در مقابل بانك شاهنشاهی بانکی را تاسیس مینمایند که تمام کوشش وسعیش درراه توسعه نفوذ و مقاصد سیاسی روسیه تزاری بکار میرفت.

کار عمده این بانك پول قرض‌دادن باشرایط خیلی سهل و ساده و مدت طولانی بایرانیان متنفذ وطرفداران سیاست روس دراین کشور بود.

این بانك بعدها برای جلب توجه مردم بخود شرایط ومقررات ساده‌تری وضع می کند بنحوی که حتی بتواند فقیرترین مردم این مملکت رازیر بارقرض بانك استقراضی روس بکشاند از جمله درماه جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۱ هجری قمری اعلانی بشرح ذیل منتشر میسازد.

اعلان

« بانك استقراضی رهنی ایران بقاطبه اهالی طهران محترما اعلان میدهد محض »
« آسایش حال فقراء ومستقرضین مستاصل هر کس ازهرقبیل اسباب در بانك استقراضی »
« بمبلغ یك تومان گرو بگذارد در هرماه یکشاهی برای یك تومان تنزیل »
« خواهد گرفت.

« بتاریخ یوم دهم شهر جمادی الثانیه سنه ۱۳۱۱ »

از تاریخ ایجاد این بانك چندی نمی گذرد که دولت روس تمام امور آنرا بدست میگیرد و رسما شعبه ای ازوزارت مالیه روسیه میشود.

روزنامه روسی « نوی وریمیا » (عصرجدید) چاپ پطرزبورغ درشماره ٦٦١٩ مورخ ۳ ژوئیه ۱۸۹٤ (۱۲ صفر ۱۳۱۲) مینویسد.

« بانك استقراضی ایران که کونتوار عمده درطهران دارد ومتعلق به پولیاکوف بودبدست دیگران رسیده واکسیونهای آنرا اشخاص تازه‌خریده‌اند ازمرکزاصلی آن بانك که در پطرزبورغ است اجزای خودشان راتغییرداده وبرای کونتوار طهران هم اجزای تازه منتخب کرده‌اند بانك مزبور بابانك دولت روس من بعدرجوعات خواهد داشت ودر هرنوع کارمتعلق ببانك طهران ممکن است درهرجا ببانك دولتی روس رجوع گردد.»

هانری ساوج لندور ( )[1] انگلیسی در کتاب خود بنام Across Coveted Lands راجع ببانك استقراضی روس چنین مینویسد.

«بانك مهم دیگری که هرچند بکارهای دیگر مشغول است وامید بسیار بدان دارند بانك معروف ببانك روس یابنحوی که هنگام تاسیس بوسیله پالیاکف در ۱۸۹۱ نامیده شد انجمن استقراضی ایران است. تاسیس این انجمن تجربه‌ای بود بمنظور کشف دقیق احتیاجات کشور وبهترین طریق جلب تجارت انحصار خراج عمومی بانضمام « مون‌دوپیته» (۲)

اما این نقشه ابتدا توفیق کامل حاصل نکرد زیرا که اهالی به تازگیهای ناگهانی عادت نداشتند. موسسه مزبور سپس تبدیل به بانك استقراضی گردید ولی ازحیث مالی فایده نمی کرد وموقعی رسید که انتظار میرفت برچیده شود. گفته میشود که در آن موقع بانك تهدید کرد که بابانك شاهنشاهی شریك خواهد شد با آقای دوویت (۳) (وزیر مالیه روس) در این امر مشاوره شد ومشارالیه درست پس از ۲٤ ساعت تصمیم خودرا راجع به بهترین طریق ممکن اتخاذ نمود وی بانك را خریداری کرد و بانك دولتی سنت پطرزبورغ سهام راپیش پرداخت نمود.

---

1 _ A. Henry. Savage Landor 2 - mont-de-piété 3_De Witte

وزیر مالیه‌حق دارد کلیه مامورین بانك‌را تعیین نماید وبرای حفظ‌ظاهر لازم‌نیست که کلیه این‌مامورین‌روسی باشندو درامور بانك‌عینا ازروش بانك‌دولتی‌سنت پطرزبورغ تبعیت‌میشود . بعنوان مدیرمرد بسیارمبرزی‌راقرستادند واو آقای گروب(۱) بود که بسیارمبادی‌آداب وخوش معاشرت بودومانندآقای رابینو مدیر بانك‌شاهنشاهی) در کار مالیه نابغه بودواهالی‌را باخصائصشان خوب میشناخت .

در مدت کوتاهی که‌وی‌در طهران بود بانك ولو با سرو صدا کارهای بسیار صورت داده وموسسه‌معروفی شده است •

تصور میکنم آقای گروب این‌امتیاز رانسبت بمدیر بانك شاهنشاهی‌دارد که‌روسها وقتی می‌بینند مرد کار بری‌را بر کاری گمارده‌اند او راآزاد می گذارند و کاری بکارش ندارند .

چنین کسی اختیار کامل خواهدداشت که هر کار را صلاح بداند انجام دهدو دیگر سهامدارانی که در کشورخود مانده‌اند مزاحم‌او نمی‌شوند این‌آزادی طبعاًامتیازمحسوسی نسبت‌بمدیر بانك‌شاهنشاهی باومیدهد زیرا که مدیر بانك شاهنشاهی همواره باید منتظردستور لندن‌باشد .

آقای گروب که من‌بااو مصاحبه‌طویل‌وجالبی کردم‌بمن‌اظهارداشت که چگونه‌روزها رادر شعبه بازاربانك طی میکند‌ودرآن محل‌مشغول مطالعه‌طرق امکانات‌آینده وبهترین‌طریق معامله ونقل‌وانتقال که قابل برابری بااصول اروپائیهاباشد وخصوصا مشغول تحلیل‌بهترین طریق جلوبردن تجارت روسیه درایران میباشد .

در همه این کارهامشارالیه مورداعتماد کامل‌دولت خودمیباشد وواقعااین‌نکته جالب‌توجه‌است که وی چه خدمتی به‌نفوذ روسیه درایران کرده‌است .

هیچ حقه‌بازی‌ودسیسه ودغلی‌درآن نیست‌بلکه رقابت‌آشکار وصریح‌در کاراست ودرنتیجه ملتی که قویتر است جلوتر خواهد بود•

جای خوشوقتی بود که دومدیر دو بانك‌رقیب باچه احترام واهمیتی‌از یکدیگر صحبت‌میکردند این‌هردو نفر بجنك تن‌بتن مالی‌مشغول بودند وهردوطرف مردانه ومنصفانه وشجاعانه می‌جنگیدند . هیچگونه اثر خدعه در هیچ طرف موجود نبودومن این‌نکته‌را خصوصاً ذکرمیکنم‌چون‌شخص درروزنامه‌های‌انگلیس مقالات مهملی‌می بینند که اکثربوسیله نویسندگان مجهول وغیرمطلع نوشته‌شده است .»

آقای سیدمحمدعلی جمال‌زاده در کتاب گنج شایگان راجع ببانك استقراضی روس مینویسد

«موجب تاسیس این‌بانك رابایدقصدحکومت روس‌بتوسعه نفوذخود درایران دانست چنان که دراول کار مدتها کاربانك‌منحصربدسیسه در راه رقابت‌بابانك شاهنشاهی که انگلیسی‌است وبانفوذ انگلیسها درایران بوده و در این‌راه ودر راه‌تقویت نفوذ روس‌بانك استقراضی اصراف زیادنمود ومبالغ کلی بدرباریان واعیان وارباب نفوذ وعلماء قرض‌داد وچه بسا که مبلغ قرض‌چند برابراز اعتبار مالیه طرف‌زیادتر بود ودراین راه‌بانك مزبورچنان بافراطرفتار نمود که درذی‌الحجه ۱۳۲۲ وقتیکه وزارت‌مالیه‌روس جلواعتبار سیاسی بانك راگرفت معلوم گردید که از ۳۰ ملیون منات‌سرمایه‌اولیه بانك‌فقط ۳ملیون منات در صندوقهای آن‌باقی مانده ودوبقیه درمحلهای بی‌اعتباردرقرض اعیان‌وتجار وعلمای‌ایرانی‌بود ودر شهرطهران تنهاطلب بانك‌ازمردم۱٦ ملیون منات‌بودوبایدداانست که بانك‌استقراضی شعبهٔ از مالیه‌روس است •

ترقی وپیشرفت بانك مزبور رابایدمخصوصاً ازفرط جدوجهد وکوشش گروبی دانست که در آن‌تاریخ رئیس بانك درطهران بود .

بعدها که کار بانك استقراضی درایران بالاگرفت دولت روس‌در ایران‌ایجاد یك وزارت بانك نمود و از طرف وزارت مالیه‌روس یك ماموری‌بایران آمد که مدیر کل بانك استقراضی‌در طهران ومدیر شعبهای آن‌درایالات وولایات درتحت نظارت وحکم‌او بودند . اول‌نمایندهٔ که دارای منصب مزبور گردید اوسترو گلودسکی (۲) بود که کار بانك را استحکام زیاد بخشود .

---

1 _ Grube. 2_ Stroglodesky

بانك استقراضی یك‌شعبه بانك رهنی‌نیز دارد که بموجب امتیازنامه خصوصی ایجاد گردیده و مرکزش در مسکواست وعمل کرد بسیاردارد »

بانك استقراضی روس‌تا هنگام انقلاب اکتبرسال ۱۹۱۷ بکار خود ادامه میداد و بعدا بموجب فصل نهم عهدنامه دوستی ایران و شوروی مورخ بسال ۱۹۲۱ که مقرر میدارد .

« چون دولت جمهوری فدراتیوسوسیالیست شوروی روسیه مخالفت خود را با سیاست مستمرانه کاپیتالیست ها که موجب از دیادفقر وفاقه و باعث سفك دماء بوده‌اند علنا اعلام کرد لهذا جدا از استفاده ازکارهای اقتصادی دولت‌امپراطوری روسیه که‌مقصود رقیت اقتصادی ایران بود صرفنظر می‌نماید وباین ملاحظه تمام نقود و نفایس و قروض و مطالبات و کلیه اشیاء منقوله‌وغیر منقوله بانك استقراضی ایران واقعه در خاك ایران را کاملا بملت ایران تفویض میکند .»

بانك استقراضی دراختیار دولت ایران قرار میگیرد و دولت حسابهای آن را تصفیه وبجای آن بانك ایران تاسیس میگردد .

۸

امتیاز راههای شوسه و تسهیل

وسائل حمل ونقل درشمال ایران

اهمیت راههای شوسه ورقابت روسها وانگلیسها

یکی از اقداماتی که از سالهای قبل موردنظر روسهای تزاری قرار داشت ایجاد راههای شوسه وراه‌آهن وتسهیل و توسعه‌حمل ونقل درشمال‌ایران مطابق‌نقشه خودآنها بود.

راجع براه‌آهن وامتیازاتی که درآن باب داده شده در جلد دوم‌بتفصیل بحث خواهد شد ودراینجا بامتیازاتی که برای ایجاد راههای شوسه داده شده بنحو اختصار اشاره خواهد رفت

برای پیشرفت بازرگانی روسیه درایران وتوسعه فروش مال‌التجاره های روسی درشهرهای مختلف‌این کشور اولین ومهمترین اقدام ، ایجاد راههای متعدد درنقاط شمالی بود و بدینجهت دولت تزاری باین موضوع اهمیت‌فوق العاده‌ای میداد خاصه آنکه‌نظرهای سیاسی ونظامی مخصوص نیز دراین‌بین بود.

اصولا برای ترقی وتوسعه تجارت دریك کشور ایجاد راه قدم اول میباشد میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله مینویسد .

«درمیان اصول بزرگی که دول فرنگستان برای امتعه خود مرور ومجری داشته‌اند از همه بزرگتر از همه مفید تر از همه ساده تر از همه عجیب تر واز همه جامع تر ساختن راه است اهل آسیا تا امروز نفهمیده‌اند که ساختن راه بجهت آبادی وقدرت یك دولت متضمن چه کرامتهای عظیم‌است .....

هرگز بعقل ایشان نرسیده که در ساختن راه چه خزاین چه آسایش چه سعادت و قدرتهاست . فقر ایران ، خرابی ایران ، مغلوبیت‌ایران‌بدبختی بزرك ایران وصد نوع معایب دیگر ازنداشتن‌راه‌است ایران‌میتواند صد مرتبه ازامروز زیاد تر امتعه بعمل بیاورد چرا نمیآورد ؟

بعلت اینکه نمیخرند چرا ؟ زیرا گران است چرا گران است ؟ بعلت اینکه حمل و نقل امتعه بواسطه نبودن راه زیاد تر ازخرج عمل آوردن خود امتعه است .....

ایران میتواند اقلا سالی سی کرور تومان فقط پشم‌بخارج بفروشد چون راه ندارد این سی کرور تومان متاع‌هم ازبرای ایران وهم از برای دنیا مفقود میماند .....

خاك ایران میتواند گندم نصف انگلیس‌را بدهد ودرعوض آن ماهوت وقند وطلا بگیرد ولی چون راه ندارد نمیتواند گندم خودرا مناسب بانگلیس برساند وآنهمه گندم ایران بی مشتری می‌ماند . چون بی مشتری میماند اهل ایران گندم کمتر میکارند گاهی نصف اهل ایران ازقحطی می‌میرندو گاهی نصف دیگر ازبیکاری‌و گرسنگی بممالك خارجه پناه برده نیست ونابودمیگردد اگر درایران راه میداشتیم فقط گمرك پنبه ماازکل مالیات زیاد تر بود .»

بیشتر قحطی هائی که سابق در مملکت ما اتفاق میافتاد بعلت نبودن راه و نداشتن وسائل حمل و نقل بود.

مسئله ایجاد راه در این کشور بواسطه وضع جغرافیائی و کوههای بلندی که اطراف فلات ایران را فرا گرفته سابقاً از اهم مسائل بشمار میرفت.

روسها و انگلیس ها برای منظورهای سیاسی و تجاری خود گاهی بدولت ایران فشار میآوردند که مطابق نقشه آنان بایجاد راه شوسه بپردازد یا بیکی از اتباع آنان امتیاز ایجاد راه بدهد.

در این موارد غالباً چون مخالف صرفه وصلاح طرف دیگر بود بامخالفت شدید رقیب مواجه میگشت و بهمین جهت مدتهای مدید اگر روسها میخواستند بایجاد راهی اقدام کنند انگلیسها بکارشکنی دست میزدند و بالعکس اگر انگلیسها درجنوب میخواستند راهی بسازند روسها مخالف بودند.

دولت ایران نیزهم ازجهت ضعف بنیه مالی وهم ازلحاظ سیاسی که مبادا ساختن راهی درشمال یاجنوب مملکت مخالف سیاست یکی ازدو رقیب وبالنتیجه موجب اعتراض آنها بشود باین موضوع مهم توجهی نمیکرد.

امتیازاتی که انگلیسها برای ایجاد راه شوسه در جنوب ایران بدست آوردند در بخش دوم درقسمت ٦ شرح داده شد ودراینجا باختصار امتیازاتی راکه برای ایجاد راههای شوسه درشمال ایران روسها بدست آورده‌اند وهمچنین اقدامات دیگری که برای توسعه وسائل حمل ونقل بعمل آمده شرح میدهم.

درتعهد نامه مورخ ماه رجب ۱۳۰٦ هجری قمری که متن آن درصفحه ۳۲۲ نقل شد قبلا دیدیم که بموجب قسمت چهارم وپنجم دولت ایران متعهد میشود که امتیاز ساختن راه پیر بازار (رشت) تاطهران را بیك کمپانی روسی بدهد ونیز قبول میکند که به کمپانی راه آذربایجان دستور دهد راه تبریز بجلفا و تبریز باواجنق و راه آستارا باردبیل را بسازد.

کمپانی راه آذربایجان

از همان وقتی که صحبت ازصدور فرمان آزادی کشتی رانی دررودکارون میرفت برای آنکه ازمخالفت روسها بکاهند اولیای دولت ایران بفکر آن میافتند که ازاتباع داخلی وخارجی شرکتی برای ایجاد راههای شوسه درآذربایجان تشکیل دهند و بهمین منظور مقارن همان موقعی که تعهد نامه رجب ۱۳۰٦ امضاء میگردد امتیازی برای تشکیل کمپانی مزبور بامیر نظام داده میشود.

متن این امتیازنامه در روزنامه رسمی ایران شماره ٦۷۹ مورخ پنجشنبه چهارم ماه رجب ۱۳۰٦ هجری قمری (هفتم مارس ۱۸۸۹) ضمن مقدمه ای بشرح زیر درج گردیده است.

«ازآنجاکه خاطر خطیر بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی شیدالله تعالی دعائم ملکه ودولته همواره متوجه ومصروف تمهیداسباب آبادی بلاد وآسایش عباد وتسهیل مسالك وتامین ممالك محروسه ایران است ودرحقیقت اکثری ازین مقاصد خیریه یعنی تکثیر سود وثروت و ترویج تجارت مملکت منوط به تسهیل طرق و

شوارع عامه‌است علی‌الخصوص شاهراهی که ازعراق بآذربایجان امتداد دارد که بزرگترین راههای داخله محروسه ایران است لهذا درین اوقاتی که نواب والا ولیعهد گردون مهد دولت علیه صاحب اختیار مملکت آذربایجان حاضر و متوقف دربار همایون بودند امر قدر قدر جهانمطاع خسروانی در خصوص ساختن این راه بنواب والا شاهنشاهزاده معظم عز نفاذ یافت‌ونواب والا شاهنشاهزاده معظم‌حکم قضا جریان همایونی‌را بامیر نظام کارگزار کل‌مملکت آذربایجان‌ابلاغ فرمودند.

امیر نظام بجهت اجرای این عمل هیئت کمپانی ازتبعه داخله وغیره تشکیل داده وامتیازنامه بجهت‌این کمپانی مرکب نوشته بدار الخلافه فرستادند و امیر زاده نصرة الدوله امیر تومان‌را ماموریت دادند که بعرض اولیای دولت برساند امیر زاده معزی الیه کتابچه قرارداد کمپانی را بمجلس وزرای شوری اظهار داشته بعد از تدقیقات لازمه ذیل که مبنی‌بربیست و سه فصل‌است بصح همایونی موشح گردیده تسلیم امیر زاده نصرةالدوله‌شد که بدارالسلطنه تبریز برده بهیئت کمپانی تسلیم نماید »

بموجب فصل اول کمپانی باید راهی « از قزوین به‌تبریز وازآنجا الی سرحد خوی یعنی اواجق » بسازد

مدت امتیاز ۹۹ سال است وبموجب فصل دهم‌امتیاز ساختن راه جلفا ازکنارارس نیزمتعلق باین کمپانی خواهد بود.

کمپانی مزبور میتواند درنقاط مختلف آذربایجان‌کارخانه قند وشمع گچی وشیشه وچینی وکاغذ سازی وغیره دایر نماید . کمپانی راه‌آذربایجان برای ساختن راه تبریز به قزوین‌کارش بجائی نرسید و بالاخره چنانکه خواهیم دید امتیاز ساختن این راه در سال ۱۳۱۹ به بانك استقراضی روس داده میشود .

چندی‌بعداز این‌درهمان سال ۱۳۰۶ هجری‌قمری‌نیزامتیازی‌برای‌ساختن‌راه اردبیل بآستارا در ۱۲ فصل بمدت پنجاه سال « بامیر زاده نصرة الدوله عبد الحسین میرزا » اعطاء میگردد .

کمپانی بیمه و حمل و نقل

چندی بعد از بازگشت ناصرالدین از سفر سوم اروپا بمنظور اجرای قسمت چهارم‌تعهد نامه سابق الذکرمذاکراتی بین دولت ایران وسفارت روس‌بعمل میآید و بالاخره شخصی بنام لازار پولیاکف تبعه روس امتیازی برای « تأسیس اداره‌بیمه وحمل ونقل درمملکت ایران » بدست میآورد .

درمقدمه‌این‌امتیازنامه که درتاریخ اول ماه جمادی الاولی‌سال ۱۳۰۸هجری‌قمری بامضای امین السلطان رسیده چنین نوشته شده.

«چون همواره منظور نظر همیونی ترتیب اسباب آسودگی وامنیت وتهیه شرایط ضمانت آسایش راحت وبناهای‌خیر وأصلاحات مفیده بجهت آحاد و افراد رعایای خودوحفظ آنهارا از آفات وبلیات وارده از حریق و خسارات زراعتی که بواسطه تکرك حاصل شوند ویامرك ومیر دواب وچهار پایان درشهر وقصبات وقراءمحروسه ایران ونیز چون همیشه مترصد ومصمم‌آن بوده وهستیم که بهریك ازرعایای خود حتی آنهائیکه نه دارای ملك ونه مایه بضاعت هستند بخواهند درصورت‌عارضه بدنی وعجز ازکار ازگذران مالیه ومعاش آتیه خود اطمینان حاصل کنند وسیلهٔ که ضمانت فقرات مزبوره‌را نماید تدارك فرمائیم همچنین محض تسهیل لوازم حفظ تجارت‌در داخله وباداخله وخارجه ازهرقسم خسارات ومخاطرات که درحمل و نقل و ارسال مرسول ویادرمحل و انبار بر مال‌التجاره وارد میشوند لازم ومتحتم‌شمردیم که یك اداره بیمه وحمل‌ونقل درممالك خود تاسیس و برقرار فرمائیم.

علیهذا نظر بهمین مقصود بموجب امتیازنامه حاضر به لازار پولیاکف عضو حالیه شورای دولتی و رئیس اداره شرکت مروج تجارت وصناعت درایران امتیاز مخصوصی مرحمت میفرمائیم که برای اجرائیات مقاصد سابق الذکر درممالك ما اداره بیمه وحمل ونقلی احداث نمایند که موافق شروط مفصلة الذکر معمول ومجری بدارد.»

این امتیاز نامه شامل ۱۲ فصل وبرای مدت هفتاد و پنجسال بود

مرکز اداره آن درتهران ودرتمام مملکت میتوانست شعبه داشته باشد عملیات و اسناد ونوشتجات از عوارض دیوانی ومالیات و همچنین اشیاء ولوازم از گمرك معاف بود

صاحب امتیاز میبایددرده سال اول سالی سیصد تومان ودرده سال ثانی سالی پانصد تومان ودرسالهای بعد سالی یك هزارتومان بدولت ایران بدهد .

لازاربولیاکف پس از تحصیل این امتیاز نامه درمورد بیمه کارش پیشرفتی نمیکند وبعد هااین حق ازاوسلب میگردد ولی برای ساختن راههای شوسه شرکتی باسرمایه‌های روسی وایرانی تشکیل میدهد وامتیازاتی بدست میآورد که مهمتر ازهمه عبارت است از:

۱ـ امتیاز ساختن راه رشت وقزوین

درسال ۱۳۱۰ هجری قمری چون روسها بدولت ایران فشار میآوردند که امتیاز ساختن راه رشت و تهران بکمپانی بیمه وحمل ونقل داده شودو دولت ایران نمیخواست که این راه را کاملا دراختیار روسها بگذارد پس ازمذاکراتی بین سفارت روس وامین السلطان قرار میشود که یك کمپانی ازسرمایه داران ایرانی وروسی تشکیل گردد و باینکار اقدام نماید بدین منظورابتدا درتاریخ چهارم ذی القعده ۱۳۱۰ قراردادی مابین امین السلطان صدراعظم ازیکطرف وامین الدوله وسعدالسلطنه وبیکلر بیگی وشرکت بیمه وحمل ونقل که مدیریت آن باشخصی بنام « اناطولی نکالا یویچ بستلمان » (Bostelman) بود از طرف دیگر، برای « دایر کردن راه عراده رومابین شهر قزوین وخلیج انزلی ازرشت» منعقد میگردد .

این قرارداد شامل ۱۲ فصل وبموجب آن برای امور این کمپانی چهارنفر مدیر که عبارت از امین الدوله وسعد السلطنه وبیگلر بیگی ومدیر شرکت بیمه وحمل و نقل بود تعیین میشود .

صاحبان سهام ازاتباع ایران وروس خواهندبود وهرسهم پانصدتومان میبود .

هریك از امضاء کنندگان موسس درابتدا باید مبلغ ده هزار تومان برای تشکیل کمپانی بپردازند وبقیه وجه لازم را ازمحل فروش سهام بدست خواهندآورد

عامل اصلی وسازنده راه مزبور همان کمپانی بیمه وحمل ونقل بود وبقیه فقط در منافع سهیم بودند ـ امین السلطان نیز ازمنافع اینکار بی بهره نبود.

بعد از انعقاد این قرار داد درماه بعد یعنی ماه ذی الحجه ۱۳۱۰ امتیازنامه ای نیزشامل چهارده فصل بین دولت ایران ازیکطرف وسفارت روس واناطولی بستلمان مدیر شرکت بیمه وحمل ونقل ازطرف دیگر امضاء میگردد .

در فصل اول این امتیازنامه چنین نوشته شده .

«بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری روحنا فداه بموجب همین امتیازنامه حق مخصوص ساختن راه عراده رو ازقزوین تاساحل خلیج انزلی را بشرکت بیمه وحمل ونقل در ایران مرحمت میفرمایند که کمپانی ایران و روس ترتیب بدهند ووعده داده اند که حمایت خودشان را دراجرای این عمل بشرایط مفصله درامتیازنامه حاضر

دریغ نفرمایند شرکت بیمه وحمل ونقل درایران مختار است که صاحبان تنخواه روس وایران را برای مداخله براین عمل دعوت نموده باتفاق ایشان شراکتاً احداث راه نمایند . راه مذکور درمدت نودونه سال درتصرف مخصوص شرکت مذکور وشرکای اوخواهدبود.»

بموجب سایر فصول این امتیازنامه عرض راه نباید کمتر ازسه متر باشد ـ اسباب ولوازم ازگمرك معاف خواهدبود ـ درمدت دوسال پس ازامضاءباید شروع بکار شود ـ عبور اردوی پادشاهی وافواج قشون ازپرداخت حق العبور معاف هستند حق العبوری که کمپانی از مسافرین میگیرد صدی پانزده اضافه برآنچه درآن تاریخ گرفته میشود تامدت پنجسال وبعدازآن صدی پانزده تخفیف خواهدداده شد .

اگر منافع خالص از صدی دوازده بیشتر شود نصف مازاد متعلق بدولت ایران است .

دولت ایران متعهد است که اجازه پاك کردن وگودنمودن مرداب انزلی را برای ورود وخروج کشتی ها باین کمپانی بدهد کمپانی مزبورچون نمیتواند درموعد مقرر باجرای شرایط امتیاز نامه قیام نماید درتاریخ ۱۵ محرم سال ۱۳۱۳ (۲٦یون ۱۸۹۵) مجددا قراردادی شامل پنج فصل برای تمدید امتیازنامه قبلی منعقد میگردد .

درمقدمه این قرارداد چنین نوشته شده .

« امضاء کننده ذیل میرزا علی اصغر خان صدر اعظم دولت علیه ایران برحسب اختیاریکه از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت همایون شهریاری دارد امتیازنامه که دردوم ذی‌حجه سنه ۱۳۱۰ مطابق پنجم یون سنه ۱۸۹۳ بکمپانی بیمه وحمل ونقل درایران درخصوص شوسه نمودن راه ازخلیج انزلی تاقزوین داده شده تامه سال دیگرازاین تاریخ که لغایت ۲٦ یون سنه ۱۸۹۸ مطابق خواهد شد بقوت واعتبار خودمقررمیدارد.»

این قرارداد بامضاء میرزاعلی اصغرخان امین السلطان و ستلمان ووزیر مختار روس رسیده است

روزنامه تایمز لندن ازقول خبرنگار خود درشهروینه درشماره مورخ ۲ فوریه سال ۱۸۹٦ (۲۸ شعبان ۱۳۱٤) راجع باین موضوع مینویسد

« روزنامه رخسور Reichswehr خبرذیل راکه ازانزلی رسیده بطبع رسانیده است

مدتی است که بجهة افتتاح راه مراوده بین سواحل بحرخزرو داخله ایران مذاکراتی درمیان است مقصود این است که بین انزلی وقزوین راهی ساخته شود تاچندی قبل نتیجهٔ از این مذاکرات بظهور نرسیده بودهمینقدر دولت ایران امتیاز این کار را بکمپانی روس وایرانی پولیاکف فروخته بود ولی کاری نکرده بودند بعدازچندی دولت روس بعضی امتیازات بکمپانی مزبور داده وچند نفر مهندس بجهة آنها معین کرد بعد از این مقدمه در اواخر سنه ۱۸۹۵ بنای ساختن را گذاردند الحال مامورین خود دولت روس این عمل را متقبل شده درکمال سرعت مشغول کارهستند »

روزنامه روسی نویه وریمیا (عصرجدید) چاپ پطرزبورغ درشماره ۸۲۲۰ مورخ ۲۱ ژانویه (روسی) ۱۸۹۸ ضمن شرحی مینویسد .

« پس از افتتاح راه مرشت چون عوام الناس مطلع میشوند که ازکالسکه واسب سواری وحشم حق عبوراخذ میشود دست به تظاهرات زده وشروع به تهدیدات میکنند وبطرف ابنیه محل مستخدمین کمپانی حمله کرده آنها را خراب میکنند و مهندس راه بنام اغلی نویتسکی از ترس فرار میکند واگرقونسول روس نرسیده بود ممکن بود اورا بکشند . »

۳- امتیاز ساختن راه قزوین بتهران

این امتیاز بموجب قراردادی در چهار فصل در تاریخ ۱٤ رجب ۱۳۱۳ بکمپانی مزبور داده میشود .

درمقدمه این‌قرارداد که بامضای امین السلطان وسعدالسلطنه ازیکطرف وبستلمان ازطرف دیگررسیده‌چنین نوشته شده.

« جناب مستطاب اشرف امجد صدر اعظم بااجازه ملوکانـه همایونی راه قزوین الی طهران را مطابق شرایط امتیازنامچه قزوین وانزلی بکومپانی راه انزلی و قزوین واگذار میفرمایند . »

سعدالسلطنه باید تمام « ستاسیونهای » راه را تحویل کمپانی راه انزلی وقزوین بدهد ولی چاپار پست کمافی‌السابق در« ید تصرف خود او » خواهد بود وهمچنین سعد ـ السلطنه باید تمام کالسکه وغیرآنرا بکمپانی تحویل داده وقیمت آنهارا که دونفر نماینده طرفین باحضور مامور سفارت روس‌تعیین میکنند بگیرد .

کمپانی باید راه را طوری بسازد که‌کالسکه فنردار بتواند در هرساعت دوفرسخ طی مسافت نماید .

کمپانی موظف است که ازاسهام کمپانی ۷۵۰ سهم به صدر اعظم و ۳۰ سهم به سعدالسلطنه بدهد .

۳- امتیاز ساختن راه قزوین تاهمدان

« محض‌استدعای کمپانی‌راه‌انزلی وقزوین که درنظرمراحم‌اثرملوکانه‌اعلیحضرت»
« اقدس شاهنشاهی مطبوع افتاده اجازه امتدادآن راه‌از قزوین تاهمدان بکمپانی»
« مذکور مرحمت ومبذول میشود که‌درباب‌ساختن ودایرنمودن این خطنیزشرایطی»
« که درامتیازنامچه راه انزلی وقزوین مذکور است مجری گردد وموعدآغازکار»
« های این راه ازروز انقضای مدت ختم‌تشکیل راه انزلی وقزوین محسوب خواهد»
« شد الی مدت سه سال . »

«تحریراً فی ۱٤ شهر رجب ۱۳۱۳ محل‌مهر صدر اعظم.»
«ملاحظه شدصحیح‌است۱۳۱۳»

کمپانی مزبور پس از ساختن راههای فوق الذکرشروع‌به‌بهره برداری از آنها میکند منافع خالص کمپانی که ازبابت حق العبور این راهها دریافت کرده درسال۱۹۱۰ میلادی مطابق سال ۱۳۲۸ هجری‌قمری درحدود ٤٦٦۷۱ منات و ٤۰ کپك یعنی تقریبا ۲٦۰۰۰ تومان بوده است .

۴ - اجازه پاك کردن وگود نمودن مرداب‌انزلی

قبلا دیدیم که درامتیازنامه ساختن راه انزلی بقزوین دولت ایران متعهد شده‌بود که‌اجازه‌پاك کردن‌مرداب‌وگود نمودن‌آنرا نیز به« کمپانی‌راه شوسه‌انزلی وقزوین» بدهد.

این امتیازنامه که‌شامل پنج ماده ویك‌ضمیمه‌است درماه رجب ۱۳۱۳ بامضاءرسیده وبشرح زیر میباشد .

« بندگان اعلیحضرت قدر قدرت‌اقدس شاهنشاه کل‌ممالك محروسه ایران حق‌تنقیه‌دهنه‌مرداب انزلی‌را بشراکت‌راه شوسه‌انزلی وقزوین ازقرار فصول ذیل‌مرحمت می‌فرمایند .

اولا- کارهائیکه‌شراکت مذکوره انجام خواهدداد این‌است کود کردن وتنقیه‌مرداب‌انزلی وساختن دیوار میان دریا برای‌ممانعت امواج و کار گذاشتن‌فانوس در بالای دیوار جهت سهولت‌دخول -فاین‌در هنگام شب-خطی که از دهنه بسمت‌غربی عمارت گمرکخانه مبارکه کشیده شده حدمنتهای کارهای کومپانی خواهد بود وساختن ابنیه بندری از انبارواسکله وامثال آن‌هرچه لازم‌وکسر باشدبرعهده اولیای دولت‌علیه‌ایران است که هرقدر لازم باشد بسازند دخلی بکومپانی ندارد .

ثانیا- بعداز اتمام کارها بموجب تعیین کومیسیون مرکب ازوکلای دولت علیه وسفارت روس درطهران و کومپانی راه انزلی و قزوین ، کومپانی از کشتی‌ها مبلغی بعنوان حق‌توقف‌دریافت خواهد نمود .

برای میزان مبلغ مزبور در هر صورت ملاحظه خواهد شد که منفعت خلص کومپانی در سال از ده یك تجاوز ننماید .

سفاینی که درپشت دیوار توقف کنند البته از این‌وجه یاخرج معاف خواهد بود - مگر اینکه باید حق قانوس را ادا نمایند - کومپانی محق‌است درمدت هفتاد وپنجسال (۷۵) بشرط مامورنگاهداشتن آثار زحمات‌خود خرج بندری مزبور را بگیرد - بعد از انقضاء این مدت تمام کارهائیکه انجام یافته دولت علیه ضبط خواهد کرد .

ثالثا- کرجیهای متعلقه باهالی محلیه ساحل خلیج انزلی مجانا از راه دریا که کومپانی ساخته عبور خواهند نمود .

وآنها هم باید قانون عمومی کومپانی رادر باب عبور ازاین‌راه مجری بدارند .

رابعا - بموجب اراده سنیه دولت علیه‌کومپانی راه از ادای حقوق گمرك برای ماشین‌و هرقسم اسبابی که جهت کارهای اصلاح بندر انزلی لازم باشد واز فرنگستان بیاورند وهمچنین بعضی‌مصالح که برای همین کار از نقاط متعدده ایران حمل‌شود معاف خواهد بود و مباشرین گمرك حق‌بازدید بارها را خواهند داشت که‌مال‌التجاره داخل آنها نباشد .

خامسا - کومپانی میتواند مثل‌سایرین قایق‌های بخاری وغیر بخاری که‌برای حمل بار ومسافرلازم‌باشد نگاه بدارد ولی از حدود بندر انزلی نباید خارج برود .

بتاریخ غره شهرجمادی‌الثانیه ۱۳۱۳ این قرارداد بفارسی در دو نسخه مبادله شد - محل‌مهرصدراعظم
محل امضاء ناصر الدینشاه (ملاحظه شد صحیح است)

این امتیازنامه که از جانب سنی‌الجوانب همایون بکمپانی شوسه راه انزلی وقزوین برای تنقیه خلیج انزلی داده شده صحیح‌است فی۱۳رجب ۱۳۱۳ مطابق ۱۸ دکابرمسیحی ۱۸۹۵

محل مهر مسیواندری سچعلوف شارژدافر دولت بهیه‌روسیه مقیم‌طهران . »

توضیحاتی است که ضمیمه قرارنامه تنقیه دهنه مرداب انزلی خواهد بود .

اولا چون تامدت انقضای‌امتیازنامه باید دهنه تنقیه شود برعهده کمپانی است که همیشه دهنه راپاك‌نگاه دارد وماشینی که برای اینکار لازم است باید داشته باشد .

ثانیا خطی راکه محل‌آمد وشد کشتی است دردوطرف آن علامات ازتیر نصب خواهند کرد ودولت علیه ایران‌حکم خواهند داد که کسی‌علامات نصب شده راخراب ننمایند.

ثالثا کمپانی باسم دولت ایران قانونی برای اینکه کشتی ها بدون خطرآمد وشد وتوقف بقدرلزوم در بندر نمایند وضع خواهد کرد وبنظر اولیای دولت ایران رسانیده بعدازصدور اجازه معمول و مجرا خواهد شد که‌آن قانون‌قانون بندری دولت ایران خواهد بود فی‌شهررجب‌المرجب قوی‌ئیل ۱۳۱۳

این توضیحات ضمیمه قرارنامه تنقیه دهنه مرداب انزلی است صحیح است فی‌رجب ۱۳۱۳ مطابق۱۸ دکابر ۱۸۹۵ محل مهر شارژدفر دولت بهیه روسیه مقیم طهران مسیواندری سچعلوف »

راههای شوسه رشت وتهران وقزوین وهمدان وهمچنین اسکله انزلی باتمام ابنیه وانبار وغیره بموجب فصل دهم عهدنامه دوستی ۱۹۲۱ ایران وشوروی در اختیار دولت ایران گذارده شد.

راه شوسه تبریز تاقزوین

ایجاد راه شوسه ازسرحد ایران وروس درآذربایجان تاتهران مدتها مورد نظردولت تزاری روسیه بوده ودر این باب امتیازات متعددی باشخاص مختلفی داده شد ولی هیچیك بمرحله اجراء در نیامد تاآنکه در دوره سلطنت مظفر الدینشاه در سال ۱۳۱۹ هجری قمری هنگامیکه دولت ایران باردوم برای گرفتن وام که شرح آن خواهد آمد دست گدائی بطرف روسها دراز میکند روسها موقع رامغتنم شمرده پیشنهادهائی بدولت ایران مینمایند از جمله یکی اعطای امتیازات ساختن راه شوسه تبریز تا قزوین ببانك استقراضی روس بشرح ذیل بود.

امتیازنامه راه شوسه تبریز

«دولت علیه ایران لازم دانسته که پای تخت خود که طهران است متصل نماید بیکی ازمنزلهای سرحدی ازراههای آهن دولت روسیه بتوسط راهی ارابه رو وبجهة این مقصود امتیاز امتداد اینراه ارابه‌رورا ازسرحدروسیه ازراه تبریز الی قزوین ببانك استقراضی ایران داده بشروط ذیل.

اول ـ بانك استقراضی اینراه را باخود ساخته ودایر مینماید یامحول میدارد حقوق خود را مبنی باین قرار داد موافق قانون روسیه بانجمن سهامی وسهم این انجمن را تبعه دولت روسیه و دولت ایران میتوانند خریداری نمایند فقط

دویم ـ اینراه بدوقسمت منقسم میشود اولا ازسرحد روسیه الی تبریز وثانیاً ازتبریز الی قزوین وبانك استقراضی قسمت اول را شروع بکار خواهد نمود درمدت دوسال بعد از امضای اینقرارنامه وحالت ارابه‌روی‌راه مزبور حاصل خواهد نمود بعد از دادن اراضی لازمه بمدتیکه زیاده ازشش سال نباشده قسمت ثانی را بانك استقراضی نباید شروع بکار نماید درمدت زیاده ازچهار سال‌از امضای این قرارنامه گذشته وباید بعداز دادن‌اراضی لازمه زیاده ازشش سال طول نکشد که حالت ارابه روی حاصل نماید.

سیم ـ اینراه ارابه رو درجاهای مقتضیه میتواند که شوسه باشد وسمت امتداد راه را باید بانك معین نماید وعرض راه‌نباید کمترباشد ازدوساژین و شصت صدم بعبارة اخری‌پنج متروئیم

چهارم ـ حکام ولایات ومباشرین وغیرهم مداخله درکار بانك راجع بدایر نمودن راه نخواهند داشت واگراختلافی حاصل شود فقط‌باید رجوع شود بحکومت مرکزی دولت علیه‌ایران

پنجم — دولت علیه ایران بحکام وعمال محلی احکام خواهند داد ومساعدت وهمراهی ببانك در تحصیل مصالح برای راه واجیرنمودن عملجات‌وکرایه مال وتحصیل‌آذوقه وعلیق وغیره بنمایندکه بقاعده وقیمت‌عادله باشد و بانك مختار خواهد بود که کارگرها و عملجات اجیر نماید از رعایای ایران و رعایای روس و رعایای سایرین.

ششم — عمل مطالبات وقتل‌وجنایات که درعرض این راه‌اتفاق افتد قطع وفصل میشود موافق‌عهودمقدسه که میانه دولتین روس وایران منعقد است

هفتم — اراضی خالصه که درامتداد این راه واقع شود ومصالح ازخاك وسنك مجاناً ببانك داده میشودو اراضی که اربابی علماء واعیان وغیرها بوده باشد داده میشود ببانك بقیمت عادله یابطور اجاره.

عرض اراضی که راه درآن‌امتداد میشودنباید کمتراز بیست ساژین یعنی چهل و دومتروهفتاد صدم بوده باشد ودربعضی محلها باقتضای‌ضرورت میشود این عرض زیاده‌باشد.

اراضی که متعلق ببانك شده یا بخریداری یا باجاره از همه قسم مالیات و عوارض دیوانی معاف خواهد بود.

بانك حق دارد که دراراضی مزبوره هرنوع عمارت بنا بنماید و نیز خط سیم تلگراف برای ضرورت راه امتداد بدهد.

هشتم — هردخل ومنافعی که ازامتداد این راه واعمال راجعه بآن ببانك عاید شود ازمالیات وعوارض دیوانی معاف خواهد بود.

تمامی مصالح که بجهة بناوتعمیر ودایر نمودن راه واعمال راجعه بآن لازم میشود یاحمل ونقل میشود از مالیات وعوارض و گمرك معاف خواهد بود.

نهم — امتیاز مخصوص ببانك داده میشود که معدن ذوغال سنك ونفط که درده فرسخ از دوطرف راه واقع باشد متعلق ببانك باشد اگردراملاك خالصه است مجانا ببانك واگذارمیشود واگرازاملاك اربابیست اعم ازدایر وبایر بامالکین قرارآنرا بانك میدهد.

ببانك اجازه داده میشود که ازخیط عمده راه بجائیکه معدنی باشد خط راه کوچکی احداث نماید وتحصیل اراضی بهمانطور خواهدبود که درفصل هفتم ذکرشده.

ازمنرو چوب وهیزمی که بجهة ساختن راه لازم شود بانك میتواند ازجنگلهای اطراف بحرخزر یاجاهای دیگر نزدیك راه تحصیل نماید اگر ازخالصه است مجانا واگر از اربابیست بشروطی که بانك باتفاق ماموری ازطرف دولت علیه ایران مقررمیدارند گرفته میشود.

دهم — مال التجاره روسیه که ازاینراه داخل خاك ایران میشود بعداز ادای گمرك درسرحد دیگرازهمه عوارض و گمرك درهرجاازخاك ایران معاف خواهد بود.

بندولوازم سفر که ازینراه عبور میکند از همه عوارض و گمرك معاف خواهدبود

دولت علیه ایران متعهد میشود که ازاینراه متعلقه ببانك راهداری مطالبه ننماید

یازدهم — دولت علیه ایران تعهد میکند که درنقطه اتصال راه بسرحد روسیه ایجاد گمرکخانه بنماید وریاست این گمرکخانه بااولیای دولت علیه ایران خواهد بود که اگربخواهند بانك واگذارمینمایند ومامورین این گمرکخانه اگر از تبعه سایردول باشندباید باتصویب اولیای دولت روسیه بوده باشد

دوازدهم — حق لعبور وحق گذاشت وبرداشت مال التجاره را دراین راه متعلق بانك بجهة کالسکه و گاری وبارکش ومال التجاره وسایر مسافرین بانك مقرر خواهد داشت وتعهد میکند ازپست دولت علیه ایران نصف معمول سایردریافت دارد.

سیزدهم — ایجاد این راه میشود بسرمایه و مخارج بانك و دولت علیه ایران در ضرر او مسئول نخواهد بود.

این راه درمدت نودو نه سال متعلق ببانك خواهد بود وبعد ازآن مجانا وبلاعوض مخصوص دولت علیه ایران خواهد شد.

چهاردهم — بانك تعهد میکند که درسالهائیکه منافع راه نسبت بمخارج ازصدی پانزده زیاد تربوده باشد نصف آن فاضل را باعلیحضرت همایونی بدهد.

پانزدهم — درصورت اختلاف درمفهوم عبارت روسی وایرانی مفهوم عبارت روسی مقدم خواهدبود

هـــــو

این قرارنامه صحیح است درقصر گلستان ذیحجه ۱۳۱۹

محل امضاء مظفرالدین شاه

۹

امتیاز بهره برداری از معادن

قراچه داغ

استخراج و بهره برداری ازمعادن نقاط مختلف آذربایجان مخصوصاً ناحیه قراچه داغ ازسالهای قبل مورد نظر اولیاء دولت ایران بود.

در دوره سلطنت فتحعلیشاه یکی از صاحب منصبان انگلیسی که متخصص معدن و درسال ۱۸۰۹ بایران آمده بود بنام کاپیتان مونتیث (۱) درسال ۱۸۱۵ از طرف عباس میرزا نایب السلطنه مامور بررسی وتحقیق معادن آذربایجان شد ودرگزارشی که به عباس میرزا داد نوشته بود که درکوههای قراچه داغ ذخائر مهمی ازآهن موجود است. بعدها انگلیسی دیگری بنام بثون لیندسی(۲) از فتحعلی شاه فرمانی بدست آورد که معادن قراچه داغ رااستخراج کند وهمین شخص درزمان محمدشاه در سال ۱۸۳۶ میلادی (۱۲۵۲ هجری قمری) یکدستگاه ماشین بخار وعده ای کارگر بایران آورد و درمعادن مزبور مشغول کارشد ولی به نتیجه مطلوب نرسید وپس ازچندی کارش تعطیل شد.

دردوره صدارت امیر کبیر مقداری مس وآهن برای توپ ریزی ازمعادن قراچه داغ استخراج گردید اما اینکار نیزچندان بطول نینجامید وبحال تعطیل درآمد بعدها عده‌ای ازفرانسویها واطریشی‌ها پیشنهادهائی برای استخراج این معادن بدولت ایران دادند که مورد توجه واقع نشد تادرزمان صدارت میرزاحسین‌خان سپهسالار که امتیاز استخراج معادن ایران به بارون جولیوس رویتر داده شد ولی چنانکه میدانیم این امر نیز جامه عمل نپوشید.

بهرحال اقدام برای استخراج معادن قراچه داغ بجائی نرسید تادر دوره سلطنت مظفرالدین شاه وهنگام صدارت میرزاعلی اصغرخان امین السلطان دو فرازسرمایه داران روس پیشنهادی دراین باب بدولت ایران میدهند وبعدازمذاکراتی که با نماینده آنها درطهران بعمل میآید امتیازنامه‌ای بشرح زیر نوشته میشود ودرتاریخ دهم جمادی الاول ۱۳۱۶ هجری قمری بامضاء طرفین میرسد.

---

(1) Capitaine Monteith

(2) H. Bethune Lindsay

صورت قرارنامه معادن محال قراچه داغ آذربایجان

باکمپانی روس

مابین دولت علیه ایران که نماینده اش حضرت اشرف صدر اعظم است ازیك طرف ازطرف دیگر مسیو الکسی میشل کوریانیف وتئودور راماکیف که نماینده آنها مسیو نیکولا کورماکوف مهندس معادن ماربوپول است وبرای فصول این قرارنامه رجوعات به آنها درسنت پطرزبورغ ودرکوچه میخایلوسکایا درخانه نمره پنج خواهد بود منعقد شد .

فصل اول —دولت علیه ایران بمسیو الکسی میشل کوریانیف وتئودور راماکیف حق مخصوص مانع الغیر ازقرار ذیل را میدهد

فقره اول—ازشروع امضای این قرار نامه تامدت ده سال حق دارند تفحص وتجسس درمعادن ودرآنجاهائیکه گمان معادن میرود درقسمت ایالت آذربایجان که درفصل دوم مذکور است بنمایند

این تفحص وتجسس صاحبان امتیاز در اراضی که ساختمان ندارد ومال دولت باشد مجاناً به آنها واگذار میشود .

درجاهائیکه بی ساختمان ومال اهالی است تفحص وهمچنین استخراج آتیه آنها درصورتی خواهدبود که باخودآنها ازروی صحت بکنارآمده وقرار ومدار گذاشته طرفین اتفاق آراء داشته باشند درصورتیکه باصاحبان زمین متفق الرای نتوانند بشوند کمسیونی مرکب ازسه نفر اعضاء داده میشود که دونفر ازطرفین که یکی صاحب زمین ویکی صاحب امتیاز رسمی ازطرف حضرت اشرف صدراعظم معین خواهدبود درصورتیکه باطلاع وصوابدید جناب وزیر مختار روس مقیم طهران بود. باشد هرگاه آندونفر که ازطرفین منتخب شده اندبخواهندخردشان شخص ثالث رامعین نمایندزحمت تعیین آن ازحضرت اشرف ساقط خواهد بود.

بدون رای کامله ورضای مخصوص صاحبان اراضی هیچگونه تفحص درحصار وحیاط وباغ وهمچنین در زمینهائیکه متعلق بسکنای آنهاست ودرجائیکه محصور است نمیتوانند بکنند دیگرآنکه بفاصله دویست ذرع از حصار سکنای مذکور باشد جاهای مقدسه وجمیع متعلقات آنها دردایره که دویست ذرع قطرآنها باشد مجزی ومستثنی هستند .

فقره دویم- درمدت هفتاد سال تمام ازتاریخ اول مارس ۱۸۹۹ هزاروهشتصد ونودو به روسی مطابق غره ذی قعدة الحرام ۱۳۱٦ که امتیاز استخراج معادن باستثنای معادن نفت پرقیمت یعنی طلاونقره وطلای سفید و غیره وهمچنین جواهرآلات وهمچنین اقسام معدن نمك خوراکی به آنها داده شده است آنچه که درمدت ده سال اول بموجب فقره اول مذکوره همین فصل کشف می کنندتاانقضاء مدت این قرارنامه مشغول استخراج آنهامیتوانند شد این مکاشفه را صاحبان امتیاز باید بتوسط پست یاکاغذ سفارشی بوزارت معادن ایران معلوم نموده وسه ورقه نقشه اورا هم که صدمتری یك ده هزارم متر نمایش داشته باشد کشیده درضمن آن کاغذ بفرستند صاحبان امتیاز حق خواهند داشت که معادن مکشوفه درده سال اول را برای خود ذخیره نگاهدارند یعنی اول معادن دیگر باصرفه را استخراج کنند وبعد آن معادن ذخیره را بکاربرند بشرط اینکه بعدازده سال مشروطه برای هریك ازمعادنی که ذخیره کرده اندسالی صدمنات پول طلابدولت بدهند ووسعت آن معدن ذخیره مطابق نقشه که صاحبان امتیاز خواهند فرستاد خواهدبود .

فصل دویم — این امتیاز شامل یك وسعت زمین است که واقع درایالات آذربایجان ومحدودباین حدوداست ازطرف شمال برودخانه ارس .

درطرف مغرب یك خط مستقیمی ازقریه سیاه رود که واقع درطرف راست ارس وروبروی شهر اردوبادروس است شروع میشود تاشهر مرند .

درطرف جنوب ازشهر مرندیك خطی درامتداد شرق مداومت میکندتاالی شهر اهر وآن خطازقراء الینجا

وموجان‌بار و بهراران ودزریکان عبور میکند .

ازطرف مشرق یك‌خط از شهراهر شروع‌میشود که کوه شیوا درضمن‌آن خط واقع است از قراء جلقالو وکیك‌لان که درکنار رود قراسوواقع شده اند وقراء صفرآباد و بیلاق وقراکادان مداومت میکند تاالی‌نقطه اتصال قراسو بارس .

فصل سیم — فقره اول صاحبان این امتیاز حق دارند که برای بهتر عمل‌آوردن معادن یابرای حمل ونقل حاصل معادن‌بقدر لزوم راهها‌بسازند ووسایل همه قسم‌حمل‌ونقل‌راایجادنمایند.

فقره دویم — حق دارند اقدامات لازمه را برای اینکه رودارس را قابل کشتی رانی نمایند بکنند ودرآنجا بقدر لزوم‌حمل ونقل حاصل استخراج خودشان و همچنین برای حمل و نقل اسباب وآلات وذخیره که برای استخراج معدن لازم خواهد شد قایقها وکشتی های کوچك بخاری‌وغیره بکاربیندازند

فقره سیم — حق دارند کارخانجات لازمه برای تکلیس وذوب وباعمل‌آوردن سنگهای معدن که از استخراج مخصوص خودشان حاصل میشود بسازند وهمچنین حق دارند خانه وابنیه‌دیگر برای دفترخانه وسکنای اشخاصیکه مخصوص استخراج معدن هستند بنا کنند

فقره چهارم ـ صاحبان امتیاز حق دارند طاحونهابجهة‌آرد کردن وانبار های آذوقه مختص معاش اشخاصی که مشغول استخراج هستند بسازند درصورتیکه این‌آسیا ها وانبار ها باعث خلل تجارت سابقه ساکنین‌آب‌دهانی که این انبارها وطاحونها که درآنجا ساخته خواهند شد نشوند.

برای راهها وبناهائیکه ساخته خواهد شد اززمین‌های دولتی مجاناً منتفع خواهند شد هرگاه راهها وبناهای‌مذکور کلا یاجزءاً لازم شود که د زمین‌های اهالی ساخته شوند دولت علیه ایران آن زمینهارا باخرج صاحبان امتیاز خریده همینکه مالك آن اراضی خود دولت شد فقط باید استعمال آن زمین‌ها را بصاحبان امتیاز درتمام‌مدت‌این قرارنامه واگذار کندوبیات‌آن زمینهاازدومقابل قیمت معموله نباید تجاوزبکند

فصل چهارم- صاحبان امتیاز حق دارند مقدارهای لازمه آب‌رابقدر کفایت ولزوم استخراج و ماشین‌هائی که محرك آنها آب‌است از رودخانه وسیلابها جدا نمایند اما در تحت شرط مخصوص که این جدا کردن آب ساکنین مملکت را ازمقدار آبهائیکه‌برای زراعت وسایر استعمالات عادی آنها لازم‌است محروم‌نسازند

فصل پنجم ـ همچنین حق دارند که از جنگلها وجنگلهای کوچك بقدر لزوم استخراج خود چوب و هیزم قطع کنند بعد ازآنکه ساکنین مملکت قبل از وقت چوب وهیزم برای استعمال عادی خودشان از آن جنگلها قطع کرده باشند مشروط براینکه آن چوب برای ضرری به بقای آن جنگلها نرساند .

وهمچنین حق دارند که برای بنای کارخانجات وابنیه یاعمارات خودشان ازهرقبیل‌مصالح سنك وآهك و وشن وغیره که درزمینهای این قرارنامه واقع‌ومال دولت‌است مجاناً منتفع شوند

فصل ششم - صاحبان‌امتیاز ازادای حق دخولیه و همه قسم‌مالیات ماشین‌ها ومیکانیکها و اسباب وآلات لازمه برای تفحص درمعدنها یابرای استخراج معدنها وهمچنین برای ذوب سنگهای معدن درمدت ده سال اولیه که ازخارج داخل مملکت‌می کنند معاف هستند ولیکن کمرك حق دارند که‌صندوقها وبسته‌های متضمن‌ماشین‌های مذکوررا معاینه نمایند بعلاوه دولت متعهدمیشود درسی‌سال اولیه این قرار نامه صاحبان امتیاز را ازهمه قسم مالیات عمومی وخصوصی کارخانجات وسایر بناها وماشین‌ها معاف بدارد

فصل هفتم ـ صاحبان امتیاز آزاد هستند که هم در داخله مملکت سنگهای معادن را تکلیس و ذوب نمایندیااینکه خودآن سنگهارا بخارجه حمل کنند

فصل هشتم ـ صاحبان امتیاز ازقرار تفصیل ذیل منافع‌را بدولت ایران خواهند داد .

فقره‌اول ـ ازمنفعت‌خالص سنگهای معدنی که از معادن دولت استخراج کرده ودر ایران آب بکنند بدولت ایران صدی شانزده میدهند واز سنگهای معادن اهالی که در داخله ایران آب میکنند فقط صدی پنج بدولت ایران کار سازی‌می کنند

فقره دویم- برای‌حمل کردن سنگهای معادن که ازاستخراج‌آنهاست‌بغیر ازآهن وبافلزات پرقیمت که خارج ازاین امتیازنامه هستند هر پوتی سه کوپك واز مواد تکلیس شده یا موادی که ازکوره اول بیرون آمده

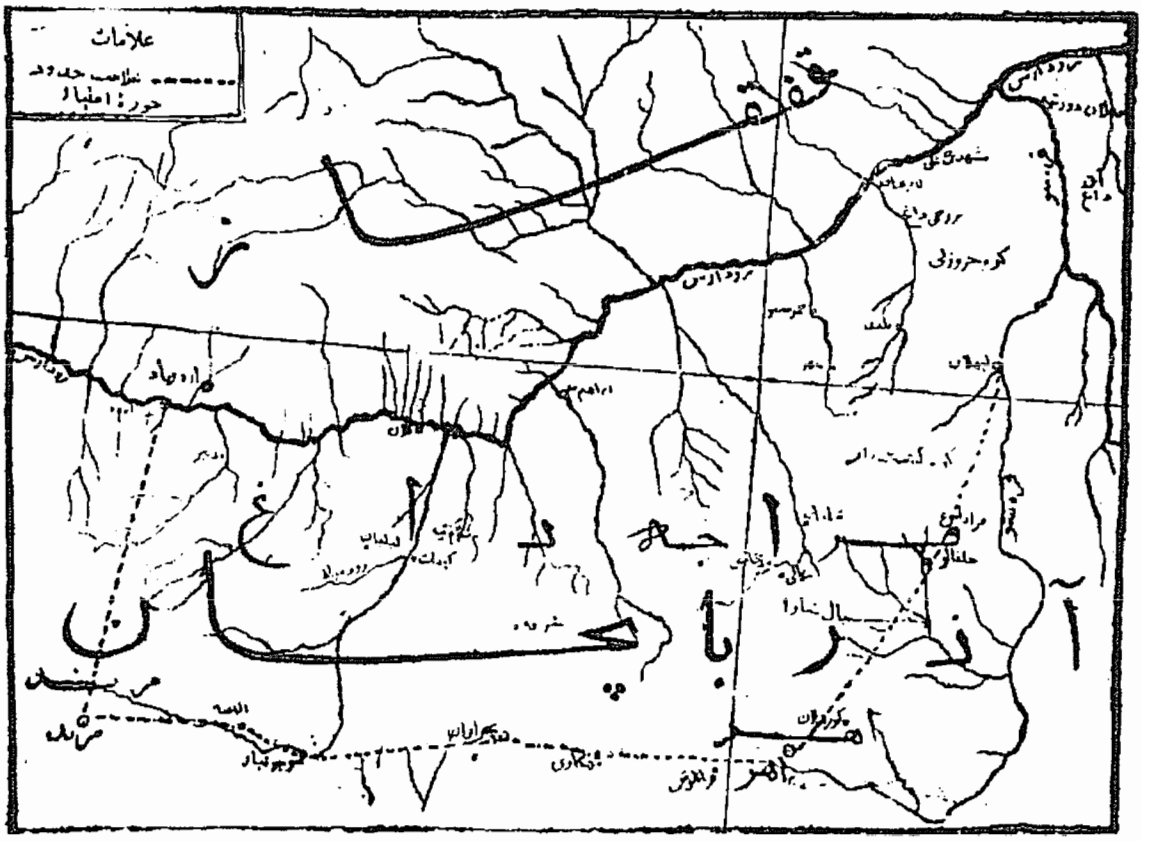

حوزه امتیاز معادن قراچه داغ

باشد هرپوتی شش کوپك بدولت ایران کار سازی میکنند وبعد ازده سال ازتاریخ این قرارنامه این فیات بچهار وهشت کوپك خواهد رسید فیات مذکوره فوق برای حمل بخارجه سنگهای معدنی است که مال دولت باشد در حمل سنگهای معادن اهالی بخارجه بهرپوتی یك کوپك و نیم وبرای مواد تکلیس شده معادن اهالی سه کوپك درمدت ده سال اولیه بدولت علیه ایران کار سازی خواهند کرد وبعد ازده سال اولیه فیات مزبور بدو وچهار کوپك خواهند رسید صاحبان امتیاز متعهد میشوند که برای مامورین که دولت ایران برای مواظبت و محاسبه خواهند فرستاد برای نگاهداری دونفر دروقتیکه صاحبان امتیاز شروع باستخراج سنگهای معادن و آب کردن آنها واحمل بخارجه آنها خواهند کرد هرساله موازی هزار ودویست منات برای نگاهداری این دو نفر مامور بدهند مبلغ مزبور هرساله دراول سال بهر کس که دولت امر کند داده خواهد شد

فقره سیم - برای حمل و نقل سنگهای معادن آهن بخارجه بهر هزار پوتی (۵۵ خروار) دو منات و نیم میدهند .

فقره چهارم - برای حمل زغال سنك بخارجه بهزار پوتی پنج منات و برای استخراج سوخت امتیازی خود که بمصرف خواهند رسانید و یابرای فروختن در خود ایران بهزار پوتی دو منات ونیم کار سازی خواهند کرد .

منفعت مذکوره درفقره اول فوق هرساله بتوسط وزارت معدن بخزانه دولت علیه ایران دراول ماه آوریل سال روسی منافع سالیانه سال قبل اداخواهد شددر صورتیکه محاسبات صاحبان امتیاز تااول ماه آوریل تمام نشود باید مبلغ معتنابه که کمتر ازآن پولی که باید بدولت بدهند نباشد موقتاً بدهند تااینکه درسه ماه دیگر محاسبات خودرامرتب نموده بعد کم وزیاد آن مبلغی که سپرده اند بپردازند درصورت تاخیر ادای منفعت مزبور صاحبان امتیاز موازی پنج هزار منات طلا بعلاوه برسم غرامت خواهند داد .

حقوق اخراجیه که در فقره دوم وسوم وچهارم فوق مذکور است بپول طلای روسی داد خواهد شد سالیانه مبلغ مزبور

را درظرف دوماه ازسال روسی گذشته بموجب حسابی که صاحبان امتیاز ومامورین دولت نگاه خواهند داشت به وزارت معادن پرداخته میشود ادای مبلغ فوق بپول طلای همان معادل منات رایج است که تقریبا هر منانی دو فرانك وشش سانتیم است .

حمل سنگهای معادن زغال سنك راباسایر حاصل معادن بخارجه یااز گمرکخانه‌هائی که موجود هستند عبور خواهند داد ویااز یك راه جدیدی که صاحبان امتیاز تعیین خواهند کرد .

فصل نهم ـ صاحبان امتیاز ومامورین آن‌ها درمدت امتیاز هرمعدن ازجواهرات وفلزات پرقیمت که کشف می‌کنند باید بدولت ایران اطلاع بدهند هرگاه بتوسط آنها یامامورین آن‌ها معدن سنك چقماق طلادار یامعدن شن طلا داریا سنگهای معدنی که مخصوص فلزات پرقیمت هستند یعنی زیادتر از صدی سه متضمن فلز پرقیمت باشد و سنگهائی که در اروپا بسنگهای فلزات پرقیمت وجواهرات محسوب هستند بدون اجازه دولت آب کنند یابفروشند ویا حمل بخارجه نمایند در آن صورت صدهزار منات جریمه باید بدهند .

فصل دهم ـ صاحبان امتیاز حق خواهند داشت که برای کارهای اختصاصی معادن و برای کارهائی که اطلاعات مخصوصه لازم است مهندسین ومامورین ازهرملت که بخواهند مستخدم نمایند و برای فعله گی وکارهای متعارفی وکارهای معدنی یاصنعتی صاحبان امتیاز بطور رجحان تبعه ایران رابکارخواهند انداخت .

فصل یازدهم ـ دولت ایران حق دارد که برای توجه ونظارت امورات ومواظبت صاحبان امتیاز یکنفر یاچند نفر مهندس ویا مامور داشته باشد ولیکن مامورین مذکور در اعمال تجارتی و شخصی آن‌ها مداخله نخواهند کرد .

صاحبان امتیاز هرساله صورت صحیح و مطابق بامضای خودشان را بوزارت معادن خواهند داد واین صورت حساب باید متضمن تفاصیل واضحه باشد که بسهولت بتوان از آن صورت حساب فهمید که معادن ذوب شده و سنگهای حمل شده ازمملکت چقدر است .

صاحبان امتیاز مخارجی که دولت برای مواظبت استخراج وحمل سنگهای معدن بخارج مامور گذاشته متحمل میشوند تامدت پنجسال اولیه سالی چهارهزار منات میدهند وبعدازپنجسال به آن طرف سالی ششهزار ویانصدمنات کارسازی مینمایند این مبلغ هرساله ششماه به ششماه قبل ازوقت داده خواهدشد دفعه اول از اول ماه آوریل (۱۸۹۹) هزار وهشتصدونودونه بهرکس که دولت بخواهد داده خواهد شد .

فصل دوازدهم ـ دولت ایران متعهد میشود درده سال اول ازتاریخ امضای این امتیاز برای تفحص و استخراج معادن درآن قسمتی که در فصل دوم این قرارنامه محدودشده است باشخاص دیگراجازه ندهند بعدازده سال اولیه این قرارنامه مستحکمه معادنی که صاحبان امتیاز برای ذخیره که در فصل اول در فقره اول مذکوراست نگاه نداشته باشند دولت ایران حق خواهد داشت که تفحص و تجسس و استخراج آن معادن را باشخاص دیگر واگذار کند .

فصل سیزدهم ـ برای اینکه صاحبان باستراحت وآسودگی ازاین قرارنامه که به آنهاداده میشود منتفع شوند دولت ایران متعهدمیشود که انعقاد این قرارنامه را بحکومت آذربایجان معلوم نموده که بقدرلزوم سربازبصاحبان امتیاز برای حفظ معادن وکارخانجات وباخانه آنها بدهند مواجب و مخارج سربازهای مذکور بعهده صاحبان امتیاز خواهد بود .

فصل چهاردهم ـ درمدت پنجماه از تاریخ غرمارس روس ۱۸۹۹ هزار و هشتصد ونودونه روزی راکه صاحبان امتیاز تعیین خواهند کرد دولت علیه ایران بایدیکنفر مامورمعین کند برای اینکه معادن واقعه درخاك خود راکه قسمت زمین محدوده درفصل دویم است بتحویل صاحبان امتیاز بدهد وهمچنین آن مامور باید حتی الامکان معادنی که اهالی سابقا استخراج کرده‌اند به آنها بنماید وباصاحبان امتیازدر معامله با اهالی همراهی نماید

فصل پانزدهم ـ بعدازانقضای هفتادسال که طول مدت این قرارنامه است تمام معادن وکارخانجات وابنیه وبناها که صاحبان امتیاز درتمام امتیازخود که متملك بودندوهمچنین راهها باهمه قسم دخل وتصرفی که در آنهاشده است مجانا بملکیت مطلقه دولت علیه ایران عودت خواهند کرد .

فصل شانزدهم ـ صاحبان امتیاز حق‌دارند ازاجرای این‌قرارنامه نکول نمایند درصورتیکه استخراج این معادن را بی‌فایده وبی‌صرفه بدانند صاحبان امتیاز همچنین حق خواهند داشت که کلیه حقوق وتعهداتی که از این‌قرارنامه حاصل‌میشود بیك‌سوسیت منتقل کنند دراین‌صورت آنهاباید دوماه‌بعدازامضای این‌انتقال بدولت‌ایران اطلاع بدهند ووکلای سوسیت مزبورهم‌باید قبول‌فصول وشرایط این قرارنامه رامکتوبا باطلاع دولت علیه ایران برسانند. در طهران نسختین شده در پانزدهم ماه‌سپتامبر روسی‌هزار وهشتصدونودوهشت که مطابق‌دهم‌جمادی‌الاول هزار وسیصد وشانزده هجری است‌وهریك ازطرفین یك‌نسخه‌را ضبط کرده‌اند .

درحینی که امضاء کنندگان میخواستند این‌قرارنامه را امضاء کنند درشرایط‌مذکور درذیل هم‌متفق‌الرای شدند درفصل اول بدیهی‌است که برای استخراج معادنی که ازاراضی اهالی‌حاصل خواهد شد صاحبان امتیاز باید معادن‌را اجاره کرده ووجه اجاره را بصاحبان معادن‌مذکوره فوق کارسازی نمایند درفصل دوم‌قراء اسکولووهجران دوست که شکارگاه اعلیحضرت اقدس همایونی‌هستند ازاین امتیاز خارج‌اند .

برای استحکام‌ارتباط این‌دوفصل‌فوق‌بقرارنامه حاضره امضاء کنندگان ذیل شرایط مذکوره را اضافه‌نمودند وجزء قرار نامه صاحبان امتیاز محسوب داشته وبموجب تاریخ فوق امضاء کردند.

محل مهروزیر معادن نظام‌الدین محل مهر وزیرامورخارجه مشیر الدوله محل مهر و امضاء علی اصغر صدراعظم •

بعداز مقابله وامضای این‌قرارنامه امضاء کنندگان درجمله‌هائی که قلم کشیده شده وکلماتی که دربالای سطرهای این‌قرارنامه گذاشته شده‌است متفق‌الرای شدندواز قرارتفصیل ذیل‌است .

در صفحه اول و سطر پنجم اسم الکسی اضافه شده ودر سطر هشتم مهندس معادن ماربوپول اضافه شده است •

در صفحه اول در فصل‌اول‌اسم الکسی‌اضافه شده است .

در فصل هشتم فقره چهارم درسطرنهم ودهم کلمات‌بدست یابحکم قلم کشیده شده وبجای آنها بتوسط وزارت معادن بخزانه‌دولت علیه ایران گذاشته شده‌است درفصل‌دهم کلمات‌درصورتیکه درآن صنعات عمله ایرانی‌پیدا شود قلم کشیده شده‌است .

در عبارت فارسی درفصل‌هشتم فقره‌دویم سهوا دوهزار منات‌بجای هزار ودویست منات‌برای مقرری‌مامورین مواظب نوشته شده است .

برای استحکام ارتباط امضاء کنندگان شرایط دویمی فوق‌را اضافه نموده‌و جزء قرارنامه صاحبان امتیاز محسوب وبموجب تاریخ فوق امضاء کردند

محل امضاو مهر

نظام‌الدین وزیر معادن　　مشیرالدوله وزیر امور خارجه　　علی‌اصغر صدراعظم

سواد مطابق بااصل امتیازنامه است که در وزارت فوائد عامه است ۲شهرجمادی الاولی ۱۳۱۷

در سال ۱۳۲۷ هجری‌قمری که مدت دهسال حق‌تفتیش‌معادن مزبور تمام‌شده بود روسها ازدولت ایران تقاضا کردند که چون‌تفتیشات‌کامل نشده۳سال‌دیگر مدت آنراتمدید نمایند ودولت‌ایران نیز باآن موافقت نمود .

بعدها در گزارشی که صاحبان امتیاز با نقشه معادن بوزارت معادن ایران دادند نوشته بودند که درمدت تفتیش‌هشت‌نوع معدن مختلف در هفتادو پنج محل کشف و به کار انداخته‌اند .

این امتیازنامه بعداز انعقاد عهدنامه دوستی‌ایران‌وشوروی در سال ۱۹۲۱ لغو و باطل گردید .

۱۰

استقراضهای ایران

از روس وانگلیس

یکی ازوسائلی که دولتهای استعماری روسیه تزاری وانگلیس برای اختناق ملت ایران بکارمیبردند دادن وام‌بدولتهای فاسدایران بود .

قرونی که روسها وانگلیسها باشرائط ننگین‌واسارت‌آمیز آن بایران‌تحمیل کردند زنجیرهای سنگین ومحکمی بود که بدست وپای ملت‌محروم ایران‌افکندند واورا تاسرحد اضمحلال وفنا کشانیدند .

آقای سیدمحمدعلی جمال‌زاده درکتاب گنج‌شایگان (که در سال ۱۳۳۵ هجری قمری چاپ شده) راجع باین‌موضوع مینویسد .

«جای آن‌دارد که‌بگوئیم همین‌سلسله قروض سلسله بندگی کشورایران گردیده است و یك‌ملت بزرك و قدیمرا محکوم خواهشهای جابرانه بیگانگان پرطمع وکم انصاف نموده است .

باید دانست که مقروض بودن دولتی‌بدولت یابدولتهای دیگری بخودی‌خود دارای اهمیتی نیست ومیتوان گفت که امروزه دولتی‌نیست که درزیر بارقرضی نباشد چنان که همین‌روسیه که به‌مناسبت چند کرور تومان‌سرتا-سر وطن‌مارا‌ملك‌طلق خودمیداند ویکایك‌ما وهموطنان مارا از خردوبزرك وداراوگدا بنده‌زر خرید خود پنداشته ودر پایتخت ماکوس لمن‌الملکی میزند ودر مقابل الدك جنبشی‌دارها برسرپا مینماید ومغابد مارابتوپ وعزیزان‌ما را بشلاق وتازیانه می‌بندد در صفرسال ۱۳۳۱ مطابق بااول سال ۱۹۱۳ مسیحی‌بنا براحصائیه رسمی‌سالنامه کتا ۸۸٤۱۷۲۳۹۱۱ منات که معادل است تقریباً با۸۸۵۰ کرور تومان قرض‌داشته‌است‌وبعداز آن‌دراول سال۱۹۱۷ مسیحی (ربیع‌الثانی۱۳۳۵) مقدار قرض دولت مذکور به ۲۵۱۲۰۹۳۶۸۹۵ منات که معادل است تقریبا با ۲۵۲۵۰ کرور تومان بالارفته بوده است و همچنین خود دولت انگلیس هم که از حیث تمول مشهور است مبلغ‌ها مقروض این وآن است .

چیزی که هست شرائط قروض متفاوت است وگاهی چنان که در ایران دیده میشود شرائط مذکوره منتهی بسلب اختیارات اساسی از یك دولت وملت میگردد ونکته اساسی مهم هم همین است . »

این قروض که سالها ملت‌ایران رابرده وبنده بیگانگان ساخته بود هیچگاه یك شاهی ازآن‌برای بهبودوضع ملت ایران خرج‌نشد وتمام بمصرف‌عیاشی وگردش «شاه» ودرباریان فاسد اومیرسید .

البته معایب ومفاسداین قروض که شرایط آنهارا ذکرخواهم کرد برای همه کس واضح وآشکار است وسوء استفاده‌هائیکه دولتهای استعماری‌درچین‌ومصر وسودان‌وعثمانی وغیره بادادن وامهای کمرشکن کرده‌اند نمونه‌های بسیار دارد وبدون‌آنکه تفصیلی دراین

باب بدهم بترتیب تاریخ باختصار بشرح قروض ایران میپردازم

شاید مناسب بود که استقراض ایران از انگلیسها جداگانه ودر بخش دوم ذکر گردد ولی چون استقراض ازروسها وانگلیسها بهم مربوط است وضمنا رقابتهای این دو دولت در این باره بهتر مجسم میگردد مناسب دیده شد که هر دو قسمت در یك جا شرح داده شود .

۱- قرض سال ۱۲۹۰ هجری قمری (۱۸۷۳ میلادی)

هنگامیکه درسال ۱۲۹۰ هجری قمری ناصرالدینشاه برای اولین بار باروپا میرود قبلا دستور میدهد بجهت مخارج سفر قراردادی برای گرفتن دویست هزار لیره با ربح صدی پنج با ژولیوس رویتر منعقد شود .

این قرارداد که درتاریخ ٦ ماه آوریل ۱۸۷۳ (یکشنبه ۸ صفر ۱۲۹۰ هجری قمری) بامضاء رسیده در شش فصل بفارسی و فرانسه نوشته شده و ملکم خان ناظم الملك وزیر مختار ایران درلندن بوکالت ازطرف ناصرالدینشاه آنرا امضاء نموده وبشرح ذیل است .

«قرارنامه فیمابین اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ناصرالدین شاه بوکالت جناب»
« میرزا ملکم خان ناظم الملك از یکطرف و بارون ژولیس رایتر از »
«طرف دیگر .
فصل اول - بارون ژولیس رایتر متعهد میشود که ازبرای انتفاع اعلیحضرت همایون»
«شاهنشاهی راه اعتبار ومعامله که بمیزان دویست هزار لیره انگلیسی باشد باز»
« نماید که بعهده صرافان مسکو و پطربورغ وبرلن ولندن وپاریس ووین و »
«روم واسلامبول برات صادر گردد وباختیار و موافق میل اعلیحضرت همایون »
« شاهنشاهی بوده واز قرار تقسیم ذیل وضع وتحصیل گردد .
« در مسکو بیست هزار لیره - درپطربورغ بیست هزار لیره - دربرلن بیست»
«هزار لیره - در لندن سی هزار لیره - درپاریس سی هزار لیره - در وین چهل »
« هزار لیره - در اسلامبول بیست هزار لیره - درروم بیست هزار لیره این »
« وجوهات ازروی قبض رسید صدراعظم یاخود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی »
« یااینکه بیك ماموری که حامل حکم امضاء شده اعلیحضرت همایونی باشد »
« تحویل داده خواهد شد .
«فصل دویم - این مبلغ مزبور دویست هزار لیره ازقرار درصد پنج منفعت قرض»
«داده خواهد شد وحساب آن ازقرار تاریخ هر کدام قسمت وجوهات ماخوذه »
« خواهد گردید .
«فصل سیم- ردوادای مبلغ مذکور درخود طهران بوکیل بارون رایتر مزبور »
« صورت خواهد پذیرفت آنهم قسط بقسط وشش ماه بعد از تاریخ هر قسمت »
«وجوهات ماخوذه گذشته واقساط نیزازقرار مقیاس اقسام وجوهات مقرره فوق»
«خواهد بود.
« فصل چهارم-این قرارنامه اعتبار نخواهد داشت مگر اینکه صدراعظم »

« بواسطه تلگراف آن راامضاء وتصدیق نمایند .
« فصل پنجم ـ تصدیق این قرارنامه تحریراً وبدون شرط وقید درطهران بوکیل»
« بارون رایتر تسلیم خواهد شدلکن همین قرارنامه از اعتبار ساقط و در مقام »
« هیچ خواهدبود هرگاه این تصدیق تحریری دولت ایران تا بیستم این ماه بوکیل»
« بارون رایتر تفویض نگردد .
« فصل ششم ـ از این مبلغ دویست هزار لیره بمحض امضای همین قرارنامه »
« مبلغ بیست هزار لیره بتحویل جناب میرزا ملکم خان داده وبحساب دولت ایران»
« محسوب خواهد گردید .
« در لندن بدو نسخه نوشته شده فی ششم شهر آوریل سنه ۱۸۷۳ »
« امضای میرزا ملکم خان ناظم الملك »
« امضای بارون ژولیس دورایتر »

بعد از لغو امتیاز رویتر مستر کوت نماینده بارون رویتر مقاله ای در روز نامه مموآردپیلماتیك چاپ پاریس مورخ ۲۶ دسامبر ۱۸۷۳ نوشته و بعد از شرحی در باره صحت واعتبار امتیازنامه راجع باین وام مینویسد .

« درخصوص وجه استقراض بجهت مصارف سفر اعلیحضرت شاه حقیقت از این قراراست بارون رویتر قول داده بود که دویست هزار لیره بسرکار اعلیحضرت ایران قرض بدهد — دراغلب پایتخت هاپول را حاضر میکردند ودر مسکو ویطرزبورغ نیزعده ای ازصرافان بجناب صدراعظم گفته بودند که پول حاضر وموجوداست جناب مشارالیه درجواب به آن ها گفته بود فعلاچندان بپول احتیاج نداریم مگردرلندن دراول بیست هزار لیره بمیرزاملکم خان که قرار معامله در دست او بود دادند وسپس درماه اوت درانسبروك بابودن من ونظرآقا (وزیرمختار ایران درپاریس) بیست هزار لیره بخود جناب صدراعظم کارسازی نمودند همچنین در استانبول جناب صدراعظم ده هزار لیره عهده بارون رویتر برات داده بودند واین همه قسمت مجموعا صدوبیست وپنج هزار تومان میشود »

این قرض بعداز مراجعت ازاروپا توسط میرزا حسین خان سپهسالار پرداخت شده وشاید چون قرارداد آن دارای قیدوشرط سختی نیست زیاد اهمیت نداشته باشد ولی ازاین جهت که ناصرالدینشاه برای اولین بار دست خود را بطرف بیگانگان برای گرفتن وام به منظور مصرف درراه گردش وعیاشی دراز میکند قابل توجه است .

۳ـ قرض سال ۱۳۰۶ هجری قمری (ژانویه ۱۸۸۹ میلادی)

این قرض بمبلغ چهل هزار لیره انگلیسی وبرای هزینه سفر سوم ناصرالدینشاه باروپا گرفته شده .

قبلا دیدیم که پیش از آنکه ناصرالدینشاه امتیازنامه بانك شاهنشاهی را امضاء کنداز ژوژ رویتر فرزند بارون رویتر میخواهد نوشته ای بدهد که چهل هزار لیره باوقرض خواهد داد .

جرج رویتر نیز درتاریخ سوم ژانویه ۱۸۸۹ (۳۰ ربیع الثانی ۱۳۰۶ هجری قمری) مینویسد که هرگاه دولت ایران مبلغ چهل هزار لیره ای را که سابقا بابت وجه الضمان امتیازنامه ۱۸۷۲ ـ دو بانك انگلستان بنام دولت ایران بودیعه نهاده بود باو رد کند از همان محل این وام را خواهد داد :

بالاخره پس از آنکه دولت ایران اجازه میدهد بانك انگلستان چهل هزار لیره را برویتر رد کند جولیوس رویتر نیز این مبلغ را بناصرالدینشاه میدهد .

در فصل ششم امتیازنامه بانك شاهنشاهی نوشته شده

«پس از تشکیل وتهیه سرمایه خود بانك شاهنشاهی تعهد میکند که مبلغ دو کرور فرانك یعنی چهل هزار لیره انگلیسی برای مدت ده سال سالی صدشش تنزیل به بندگان اعلیحضرت شهریاری قرض بدهد واصل آن تنخواه ومنافعش بموجب میل بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری از بابت صد شش منافع خلص که بر حسب فصل هفتم این امتیازنامچه به پیشگاه سلطنت تعهد شده است محسوب خواهد گردید .»

در فصل ششم ضمیمه چهارامتیازنامه بانك شاهنشاهی مینویسد .

«علاوه برچهل هزار لیره انگلیسی که قرار شده است بانك شاهنشاهی بدولت علیه بدهد استقراضات وپیشکشی دیگر رابدون ضمانت پسندیده نخواهد داد وجوه کل این پیش کشی و استقراضات هیچوقت زیادتر از یك ثلث وجه سرمایه ادا کرده بانك نخواهد بود .»

۴ - قرض سال ۱۳۰۹ هجری قمری (ماه مه ۱۸۹۲ میلادی)

مبلغ این وام پانصد هزارلیره انگلیسی و برای پرداخت خسارت کمپانی انحصار دخانیات در ایران بود.

بطوریکه در کتاب اولین مقاومت منفی در ایران بتفصیل شرح داده شده پس از آنکه کمپانی رژی بواسطه مخالفت توده مردم مجبور شد تشکیلات خودرا برچیند وایران را ترك گوید باتوافقی که درماه رمضان ۱۳۰۹ بین طرفین بعمل آمد دولت ایران متعهد گردید مبلغ پانصدهزارلیره انگلیسی برای جبران خسارت بآن کمپانی بپردازد .

برای تهیه این مبلغ ابتدا بانك شاهنشاهی شرائط سختی پیشنهاد میکرد چنانکه تنزیل پول را صدی ده و بمدت پانزده سال میگفتند و برای ضمانت نیز میخواستند که برابر ارزش این مبلغ جواهرات سلطنتی در یکی از بانکها گذارده شود.

ناصرالدینشاه که حاضر باین ترتیب نبود دستور میدهد نمایندگان ایران با دولتهای روسیه وعثمانی وهمچنین بانکهای آلمان وایتالیا واطریش وارد مذاکره شوند و بالاخره چون مذاکرات باروسها بسرعت پیش میرفت بتوصیه دولت انگلیس بانك شاهنشاهی حاضر میشود که مبلغ پانصدهزار لیره بافرع صدی شش بمدت چهل سال بضمانت گمرکات جنوب از طرف دولت ایران بکمپانی رژی بپردازد .

از لحاظ اهمیتی که این وام در وضع اقتصادی ایران داشته متن قرار داد آنرا در اینجا نقل مینمایم .

« دولت علیه ایران مبلغ پانصدهزارلیره انگلیسی بتفصیل ذیل وازقرار صد و»
« شش تنزیل از بانك شاهنشاهی ایران قرض میکند .
«فصل اول ـ بانك مزبور متعهد میگردد درتاریخ ۱۵ ماه مه سنه ۱۸۹۲ پانصد»
« هزار لیره استقراض را در لندن باداره رژی شاهنشاهی تحویل نموده وقبض رسید»

« گرفته باطلاع سفارت انگلیس تسلیم کارگذاران دولت علیه ایران نماید .
« فصل دویم- این وجه استقراضی را دولت علیه ایران اصلا فرعا درمدت چهل سال »
« شمسی بتفصیلی که درفصول سیم وچهارم ذکر شد خواهد پرداخت .
« فصل سیم - اصل وجه استقراضی را دولت علیه ایران درمدت چهل سال شمسی »
« ودر آخر هر سال باقساط متساویه که هر قسطی دوازده هزار وپانصد لیره باشد »
« ببانك خواهد پرداخت .
« فصل چهارم - نیز در مدت همان چهل سال شمسی در هر سال دولت علیه »
ایران تنزیل صدوشش آن مبلغ را از اصل وجه استقراض را که در اول آن سال برذمه اش »
« بابت بوده است نصفی در روز آخر ششماه اول ونصف دیگر را در آخر همان »
« سال ببانك خواهد داد یعنی دولت در مدت چهل سال باین تفصیل فرع »
« خواهد داد .
« ..... سال اول ۱۵ نوامبر ۱۸۹۲ ..... سال چهلم ۱۵ مه ۱۹۳۲
« فصل پنجم- ضمانت اداء وجه استقراض عایدی گمرکات بنادر خلیج فارس »
« خواهد بود (بوشهر- عباسی- لنگه- شهر شیراز) باین معنی که چهل فقره وجهی »
« را که بتفصیل فوق درچهل سال از بابت اصل وفرع باید ببانك بدهد درچهل طغرا »
« ورقه دولتی حواله بوزارت جلیله مالیه میدهد ووزارتخانه مزبوره قبولی نوشته »
« وثبت وزارت امورخارجه کرده ببانك خواهد داد ودرهر سال بانك ورقهٔ که متعلق »
« بآن سال است تسلیم وزارتخانه مزبوره کرده وجهش را از خزانه خواهد گرفت »
« هرگاه بجهتی از جهات خللی دروجه یکی از گمرکاتیکه بضمانت رفته اند وارد »
« بیاید دولت ایران معادل آن وجه را از وجه گمرکی دیگر که خود دولت معین »
« خواهد کرد برداشته در ازاء قرض سالیانه خود خواهد داد .
« فصل ششم- هرگاه در بین مدت چهل سال برای دولت علیه ایران محل جدید »
« معتبری حاصل شود که اعتبار آنرا سفارت انگلیس وبانك تصدیق نماید وبخواهد »
« وجه الضمانه را تبدیل بآن محل نماید چه از برای تمام مبلغ وچه از برای قسمتی »
« از آن محق خواهد بود .
« فصل هفتم - درمدت این چهل سال هروقت دولت علیه ایران بخواهد تمام »
« وجهی را که از بابت اصل در آنوقت برذمه اش باقی است یکدفعه بدهد ومعامله را »
« فسخ نماید حق خواهد داشت .
« فصل هشتم - دولت علیه ایران ببانك شاهنشاهی اجازه میدهد که برای تهیه »
« این پانصدهزار لیره استقراضی که بموجب چهل طغرا ورقه دولتی که درتصرف »
« بانك است سال بسال ازدولت خواهد گرفت پنجهزار عدد سند استقراض که هر »
یك یکصدلیره وشرائط استقراض درآنها درج باشد باسم دولت ایران در لندن »
« انتشار بدهد آن اسناد استقراض امضاء سفیر ایران درلندن وامضاء بانك »
« شاهنشاهی را که از برای این استقراض عامل دولت علیه است خواهد داشت .

« در هر اداء دوازده هزار و پانصد لیره از بابت اصل استقراض بانك باید یکصد»
« و بیست و پنج عدد از آن اسناد استقراض یکصد لیرهٔ را باطلاع سفیر ایران در »
« لندن باطل کرده پس بگیرد و تحویل دولت ایران بدهد .
« این ورقه بتاریخ پانزدهم ماه مه ۱۸۹۲ عیسوی (یکشنبه ۱۸ شوال ۱۳۰۹»
« هجری قمری) در طهران نسختان نوشته ثبت دفتر وزارت امور خارجه ایران و »
« سفارت انگلیس شده باطلاع سفارت مزبوره مبادله گردید که انشاءالله تعالی»
« بعداز پرداخت واداء تمام مبلغ عین این سند را بانك مزبور باطله کرده بدولت»
ایران مسترد خواهد داشت .
« محل مهر و امضاء ناصرالدین شاه «ملاحظه شد صحیح است ـ الملك لله ـــ »
« السلطان ابن السلطان ناصرالدینشاه قاجار »
«هوالله تعالی قرارنامه استقراض دولت علیه ایران که بمهر و دستخط جهانمطاع»
« اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه موشح و ممضی شده در دفتر»
«وزارت اعظم ایران ثبت و ملاحظه شد صحیح است امین السلطان »
«قرارنامه استقراض دولت علیه ایران که موشح بدستخط مبارك شاهنشاهی و مشرف »
«بمهر مهر آثار اقدس اعلی است در دفتر وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه ایران »
« ملاحظه و ثبت شد فی شهر شوال المکرم ۱۳۰۹»

پس از گرفتن این وام از بانك شاهنشاهی چنانکه درجای خود اشاره رفت چون سیاست دربار و دولت ایران متمایل بروسیه شده بود ناصرالدین شاه و مخصوصا امین السلطان میخواستند از روسها مبلغ هفتصد هزار لیره قرض بگیرند و از این پول قرض بانك شاهنشاهی را بپردازند و بقیه را بمصارف بیهوده درباری برسانند .

با آنکه در این باب مدتها مذاکراتی بین طرفین بعمل میآمد معهذا به نتیجه نرسید تا ناصرالدینشاه بقتل رسید .

برای مزید اطلاع عین گزارش محرمانه‌ای را که سفارت ایران در پطرزبورغ راجع باین موضوع و جریان رقابت روسها و انگلیسها را در دادن وام برای امین السلطان صدر اعظم بطهران فرستاده ذیلا نقل مینمایم .

محرمانه

« سفارت دولت علیه ایران در پطرزبورغ
نمره ۱ مورخ ۳ شهر ذی قعده ۱۳۱۲ (۲۹ آوریل ۱۸۹۵)

قربان حضور مبارکت شوم بعداز زیارت تلغراف رمزیکه درخصوص استقراض هفتصد هزار لیره انگلیسی باقتخار چاکرجان نثار شرفصدور یافته بود باجناب مسیو بطسوف که بسفارت آمده بود در آن باب مذاکره شد مومی الیه اظهار داشت که این مسئله تازگی ندارد و حالا دوسال است که در طهران مطرح مذاکره میباشد و وقتیکه عمل وزرای ایران بهم خورد اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنافداه باکمال عجله متعهد شدند که بانگلیسها نیم ملیون لیره پول بدهند و همانوقت بانك شاهنشاهی ایران را وکیل فرمودند که نیم ملیون مزبور را استقراض نماید و بانك شاهنشاهی تنزیل از قرار صدی ده اول و بعداز قرار صدی هشت خواست این بود که در آن باب بسفارت روس رجوع و تکلیف فرمودند و همینکه ما شروع بمذاکره کردیم ما را دست آویز نموده و بانگلیسها فرمودند که دولت روس از قرار صد شش پول میدهد و باین وسیله انگلیسها را راضی نمودند که وجه مزبور را از قرار صدی شش

بدهند ودادند پارسال هم از بانك دولتی عثمانی خواستند یك میلیون لیره انگلیسی بگیرند که نیم میلیون آنرا بقرض انگلیسها بدهند ونیم ملیون دیگر رادولت بمصارف دیگر برساند وبهمین جهت وکیل بانك عثمانی بطهران آمد و تایك اندازه معامله خودشان را بادولت علیه تمام کردولی شرایط آن برای دولت ایران خیلی سخت بود ازجمله شرطش بود که دولت ایران گمرك مملکت خودرا تماما تضمین آن قرض فرمایند ودرهر محل درسر گمرك از جانب بانك عثمانی دونفر صاحبمنصب گذاشته شود لهذا همینکه من از مسئله مطلع شدم وشرایط را تااین درجه سخت دیدم اعلیحضرت همایونی رابه نتایج ناگوار این کار ملتفت کرده وبهرقسمی که بوداز این صرافت نداختم . پارسال سیدهاً اعلیحضرت همایونی روحنا فداه بتوسط جناب اعتمادالسلطنه بدون اطلاع حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف السید آقای صدراعظم بمن تکلیف فرمودند که هفتصدهزار لیره انگلیسی ازدولت روس جهة دولت ایران قرض بکنم که پانصدهزاره لیره بانگلیسها بدهند ودویست هزار لیره باقساط مردم که بتاخیر افتاده‌اند وبسایر مصارف دولتی برسانند وحقیقت مطلب این است که من باور نکردم وخیال نمودم که باز میخواهند باین سبب مرا پیش کشیده واز انگلیسها قرض نمایند وبااینکه تنزیل پول آنهارا باین واسطه کمتر بکنند وعلیهذا من این تکلیف دولت ایران را قبول نکردم حالا مجدداً بتوسط شارژدافر دراین خصوص تلغراف کرده‌اند این است که ماباز ازحقیقت این مطلب مطمئن نیستیم نمی‌دانیم که بعداز مذاکرات واقعا این پول را ازماقرض خواهند کرد وبااگرانگلیسها بدهند در ثانی از خیالات خودشان منصرف شده وباز ازآنها خواهند گرفت .

در مقابل این اظهارات مسیوبطروف چاکرجان نثار جواب داد در صورتی که دولت علیه ایران در طهران بسفارت روس این مطلب را اظهار فرموده وبسفارت خوددر پطرزبورغ تلغرافا بتوسط صدراعظم خود مامورت داده است که گفتگو درآن باب نماید وسفارت رسما سئوال وجواب مینماید که جای تردید در این مسئله باقی نیست بعداز اینکه جان نثار از این ره گذر بکلی او رامطمئن وخاطرجمع کرد مشارالیه اظهار داشت که برای این استقراض دو مسئله مشکل درپیش میباشد

اولا این است که تنزیل خیلی کم میدهند بعلت اینکه از قرار صدی چهار حالا هیچکس بدولت ایران پول نمی دهد .

ثانیا عمده ایراد وزیر مالیه اینست که اگر واردات گمرك ایران که تضمین این پول داده میشود قرضا کفایت اصل وفرع آنرا نکرد دولت ایران از کدام محل می‌تواند این پول را ادا نماید.

چاکر گفت که شش ماه قبل براین پانزده ملیون وهشتصد وبیست هزار لیره انگلیسی بدولت چین دولت روس از قرار صدی چهار قرض داد حالا هفتصد هزار لیره چه قابلیت دارد که در خصوص فائض آن بادولت دوست وهمسایه گفتگو نکنید ودراینکه واردات گمرك ایران درهفتادسال کفایت اصل وفرع این پول راخواهد کرد هیچ جای شبهه نیست مسیو بطروف گفت صحیح است که دولت روس بدولت چین آنقدرها پول از قرار صدی چهارداد ولی نمیدانید که در مقابل دولت روس چقدر منافع پولطیکی وسیاسی برد که در باره ایران هیچیك ازآنها ملحوظ نیست و من خودم می‌دانم که البته واردات گمرك ایران کفایت آن پول را خواهدداد ولی وزیر مالیه این مسئله را بمیان آورد وقت میکرد بالاخره بعداز گفتگوهای زیاد جناب وزیر مختار را باخود متفق کرده ومشارالیه وعده صریح داد که در در این باب ازهیچ قسم همراهی ومساعدت کوتاهی ننماید امروزهم که بزیارت تلغراف رمز ثانوی حضرت مستطاب اجل اشرف امجد روحی فداه مفتخر گردید واز شرایط هم مطلع شد انشاءالله در همین روزها با خود جناب وزیر امورخارجه ملاقات کرده وامیدوار است که موافق مامول بندگان حضرت مستطاب اشرف اعظم روحی فداه این خدمت را انجام بدهد عجالتا لازم بود که از سئوال و جواب خود با مسیو بطروف خاطر مبارك را مستحضر نماید .

الامر الاجل الاکرم الاشرف الامجد العالی مطاع.»

۴ـ قرض سال ۱۳۱۷ هجری قمری (ژانویه ۱۹۰۰ میلادی)

قراردادی که برای گرفتن این وام توسط مظفرالدینشاه وامین السلطان باروسیه تزاری منعقد گردیده از ننگین ترین قراردادهائی است که درتاریخ سیاسی ایران بامضاء رسیده وسالها ملت ایران را اسیر و برده تزاران روس ساخته بود .

در اواخر دوره سلطنت ناصرالدینشاه مخصوصا از هنگامی که پانصد هزار لیره به عنوان خسارت کمپانی رژی بانگلیسها پرداخته شد مضیقه مالی دولت ایران روز بروز بیشتر میشد وچنانکه قبلا دیدیم ناصرالدینشاه میخواست مبلغی درحدود هفتصدهزار لیره ازروسها قرض کند تامبلغ پانصدهزار لیره آنرا ببانك شاهنشاهی که بابت خسارت رژی پرداخته بود بپردازد وبقیه رابمصارف دیگر برساند .

ناصرالدینشاه درماه ذی‌القعده ۱۳۱۳ هجری قمری بقتل رسید ومظفرالدینشاه بجای او نشست ولی امین‌السلطان کمافی‌السابق بر کرسی صدارت ایران باقی بود تاپس از چندی در تاریخ یازدهم ذی‌القعده ۱۳۱٤ میرزاعلیخان امین الدوله از تبریز بتهران احضار و بریاست وزراء و سپس در رجب ۱۳۱۵ هجری قمری بجای امین‌السلطان صدراعظم ایران شد .

مضیقه مالی خزانه ازهنگامیکه مظفرالدینشاه بایك عده رجال طماع ازتبریز برای اشغال مقام سلطنت بتهران آمد بواسطهٔ مخارج وهزینه‌های فوق‌العاده بیشتر از پیش شد واین مضیقه بعدها که «شاه» هوس رفتن باروپا میکند زیادتر میگردید ودر نتیجه فکر گرفتن وام روزبروز تقویت میشد .

سرپرسی سایکس در «تاریخ ایران» مینویسد .

« مظفرالدینشاه در موقع قتل پدرش بعنوان ولیعهد در تبریز اقامت داشت ودر هنگام مسافرت نامبرده به تهران نمایندگان انگلستان وروسیه باوی همراهی نمودند وباآنکه احساس ترس ونگرانی میشد که ممکن است برادرانش برای رسیدن بتخت سلطنت باوی شروع بمبارزه نمایند اما چون آنها قبلا همکاری واتحاد خودرا اعلام کرده بودند شاه بدون مخالفت وارد تهران شدوبا آرامش تاجگذاری کرد .

بطور کلی گمان میرفت که ناصرالدین‌شاه برای جانشین خودخزانه پری گذارده است ولی‌پس از بازرسی خزانه معلوم شد مبلغ ناچیز و یا اصلا پولی درآن نیست وشایعات مربوط به میلونها اندوخته کاملا بی اساس است .

شاه جدید که سلامت وصحت خوبی نداشت مایل بود که بلافاصله پس‌از تاجگذاری مسافرتی بخارجه بنماید ومخصوصا میل‌داشت در (Contrexeville) (۱) بمعالجه بپردازد ولی‌بدون تردید یکی‌از آرزوهای او این‌بود که در این مورد از پدرخود تقلید کند واز خوشگذرانیهای اروپا لذت برد بعلاوه در میان گروهی از مشایعین و همراهانی محصور بود که ضمن اظهار تبریك اظهار امیدواری زیادی جهت دریافت پاداش خدمات گذشته مینمودند »

میگویند امین‌الدوله(۲) که دربین مردم به نیکنامی معروف بودمیخواست درشئونات مختلف مملکت اصلاحاتی بنماید ازجمله برای ازدیاددرآمد دولت برآن میشود ازیك کشور

---

۱ ـ از دهکده‌های ناحیه وژ در قسمت شرقی فرانسه که دارای آبهای معدنی میباشد

۲ ـ مرحوم محمدقزوینی راجع بامین‌الدوله درمجله یادگار چنین مینویسد .

« حاجی میرزاعلیخان سینکی پسر مرحوم حاجی میرزا محمدخان مجدالملك متولد هشتم ماه ذی‌القعده ازسال هزار ودویست وپنجاه ونه قمری درطهران ازوزرای معروف عهدناصرالدینشاه ومظفرالدین‌شاه مشهور به آزادیخواهی ومعطوف دوستی واصلاح طلبی که درعهدمظفرالدین‌شاه یعنی درسال ۱۳۱۵ بمقام صدارت نیزرسید وی خط ملیحی مینوشت که باسم او بسبك امین‌الدوله معروف شده بود بسیار کسان تقلیدخط وانشاء اوراکه آن نیزانشاءموجزوشیرین بود مینمودند وفاتش بمرض کلیه درشب جمعه بیست‌وششم شهرصفرسنه هزارو سیصد وبیست‌ودو قمری درلشته‌نشای گیلان که بعداز صدارت وروی کار آمدن میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان به آنجا تبعید شده بوده اتفاق افتاد بسن‌شصت وسه »

بیطرف (بلژیك) مستشارانی استخدام کند وهمچنین برای رفع مضیقه مالی و انجام کارهای عمرانی کشور ازیك دولت بیطرف مبلغی وام بگیرد .

متاسفانه این اقدامات نه تنها فایده‌ای برای ایران نداشت بلکه بالعکس چنانکه خواهیم دید بعدها موجد مفاسد و زیانهای جبران ناپذیری برای وطن ما شد.

بالاخره امین الدوله که برخلاف امین السلطان متمایل بسیاست انگلیس‌ها بود چون موفق بگرفتن وام از یك کشور بیطرف نشد بواسطه اصرار وفشار مظفرالدینشاه با انگلیسها واردمذاکره برای گرفتن قرضی بمبلغ دومیلیون لیره انگلیسی میشود .

با آنکه این مذاکرات باحرارت بعمل می‌آمد و با جدیت تعقیب میشد به نتیجه‌ای نرسید زیرا اولا مبلغی را که دولت ایران تقاضا میکرد انگلیسها زیاد میدانستند و وثیقه آنرا کافی نمیشمردند

ثانیا شرایط پیشنهادی دولت انگلیس فوق العاده سنگین بود

سروالنتین چیرول انگلیسی در کتاب خودراجع باین موضوع مینویسد .

«هنگامی که مظفرالدینشاه بسلطنت رسید خزانه ایران رابیش از آنچه تصور میشد خالی یافت مخارجی که در هر تغییر سلطنت پیش می‌آید خیلی زیاد است • در سال ۱۸۹۸ (موقع صدارت میرزا علیخان امین الدوله) دولت ایران فوق العاده در مضیقه مالی بود بخصوص که شاه قصد سفراروپا راهم داشت • در این وقت پولی در بساط نبود که شاه بتواند با آن پول باروپا برود حتی برای مخارج عادی هم پول نداشتند •دولت ایران بفکرافتاد از خارج قرض کند•

دولت ایران از بانك شاهنشاهی خواست که ازبازار لندن تحقیق نماید که آیا ممکن است این قرض در آنجا فراهم شود ؟ نتیجه تحقیقات آن شد که گفتند تادولت انگلیس جداً از این موضوع حمایت نکند انجام این قرض ممکن نخواهد بود • در آن تاریخ وزیر مختار انگلیس درطهران سرمورتیمردوراند (۱) بود که کوشش زیادی بکار میبرد که این قرض عملی گردد ولی نتیجه نداد زیرا مقامات مربوطه لندن تردید داشتند و تعلل میکردند .

وثیقه‌ای که دولت ایران میداد عبارت بوداز عایدات گمرکات جنوب واین وثیقه مناسبی بود چونکه ما در جنوب ایران منافع مهم سیاسی واقتصادی داریم وبهتر بود که غیرازخود دولت انگلیس کسی در آنجا ها امر و نهی نکند ودخالتی نداشته باشد

آیا ازومی داشت که گمرکات همانطور که سرمایه‌داران اصرار داشتند بادست خودما اداره شود ؟ ویابهتر نبود بنحویکه دولت ایران پیشنهاد میکردخود ایرانیها اداره کنند واگر درعمل نواقصی پیداشد آنوقت مادخالت بکنیم؟ در اینجا بود که مذاکرات به بن بست رسید ونتیجه‌ای نداد . با آنکه در آخر کار بواسطه مضیقه شدید مالی ایران بانك شاهنشاهی حاضرشد که درصورتی که گمرکات بوشهر و کرمانشاه بادست عمال بانك اداره شود مبلغ پنجاه هزار لیره برای رفع احتیاجات فوری بدولت ایران بپردازد معهذا این بار نیز بمسامحه گذشت ومذاکرات بجائی نرسید ودر ضمن نفوذهای دیگرهم وارد شد وباین مذاکرات خاتمه داد.»

نتیجه مذاکرات امین الدوله باانگلیس باینجا رسید که انگلیسها پیشنهاد کردند مبلغ یك میلون ودویست وپنجاه هزار لیره برای مدت پنجاه سال بافرع صدی پنج بدولت ایران بدهند ودر عوض تمام مالیات مملکتی ودرآمد گمرکات جنوب رادردست بگیرند و حتی پیش نویس قرارداد این وام رادر هفت فصل تهیه کردند .

در فصل چهارم این قرارد نوشته شده بود «علاوه بر کلیه مالیات مملکتی اعلیحضرت اقدس شهریاری بطوراختصاصی درازاء این استقراض واگذار مینماید کل وجوه گمرکی

1-Sir Mortimer Durand

بنادر ونقاط وانه‌در خلیج‌فارس‌وولایات کرمانشاهان‌وشیرازومحمره وآنچه که‌حالیه‌دولت بهراسم‌ورسم مستحق مطالبه واخذ است و آنچه را که از این ببعد مستحق مطالبه واخذ باشد ....»

امین‌الدوله بواسطه حزم واحتیاطی که‌داشت باوجود اصرار و ابرام مظفرالدینشاه امضاء این‌قرارداد رابامروز وفردا میگذراند .

خودداری امین‌الدوله یکی بواسطه کمی مبلغ‌وشرایط‌سخت مخصوصاوثیقه سنگینی بود که انگلیسها میخواستند ودیگر بواسطه تهدیدروسها بود .

بهرحال چون‌امین‌الدوله موفق‌بگرفتن این‌وام‌نگردید درتاریخ ۱۵ محرم ۱۳۱٦ هجری‌قمری (۵ژوئن ۱۸۹۸) مجبورا ازصدارت استعفاداد وبقریه « لشت نشا » چهار فرسنگی رشت رفت .

بعداز استعفای امین‌الدوله چندروزی میرزامحسن‌خان مشیرالدوله بریاست وزراء منصوب شد وسرانجام درماه‌ژوئیه ۱۸۹۸ امین‌السلطان ازقم‌بتهران‌احضار گردید و مجددا درماه اوت همانسال برکرسی صدارت‌ایران قرار گرفت .

در خلال این‌مدت که صحبت‌از تغییر صدراعظم ایران میرفت انگلیسها که فهمیده بودند بازیگر صحنه سیاست ایران امین‌السلطان «روسوفیل» خواهدبود بفعالیت شدیدی دست‌زدند ونامه‌هائی که‌درحقیقت اتمام‌حجت‌بود بدولت‌ایران نوشتنداز‌جمله بانك‌شاهنشاهی در ماه ربیع الاول ۱۳۱٦ هجری‌قمری نامه ذیل‌را بعنوان‌میرزا نصراله خان‌مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران‌مینویسد

« بانك شاهنشاهی
«۲۳ ژوئیه ۱۸۹۸
« ۳شهرربیع‌الاول ۱۳۱٦
« خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای مشیرالدولـه وزیر امـور خارجـه »
« دامت شوکته‌العالی
« باکمال احترام خاطرمبارك جناب‌مستطاب اجل‌عالی‌را مسبوق‌میداریم ازاینکه»
« اداره بانك‌شاهنشاهی تاالساعه برشرایط یك‌میلیون ودویست وپنجاه هزار لیره »
« انگلیسی استقراض که در قرارنامه بخط انگلیسی نوشته‌شده وبنظرمبارك رسیده»
« باقی وثابت‌هستند وجواب اظهارات‌ما بایددرظهر سه‌شنبه ۲۷ماه‌ژوئیه‌حالیه‌مطابق»
« باهفتم شهرحال‌باداره مرکزیه لندن بانك‌داده شود واگردرموقع مذکور جواب»
« به‌آنها نرسد موسسین‌مجلس استقراض‌متفرق گشته‌ازاین‌فقره‌صرفنظر خواهندنمود»
« و بعد از آن دیگر ابواب مکاتبه و مخابره مسدود خواهد شد زیاده عرضی »
«نیست رابینو .»

دوروز بعد سفارت انگلیس نیزاین‌نامه رامینویسد .

« جناب مستطاب اجل‌اکرم افخم‌راباکمال احترام تصدیع افزامیگردد .
«روزپنجشنبه گذشته بجناب مستطاب اجل‌عالی اظهار داشت که‌دوستدار یقین‌دارد»
« این‌تکلیف که مبلغ‌وجه استقراض را به‌دومیلیان برساند نمیتواند قبول‌نمایند چرا»

« که وثیقه آن بقدر کفایت نیست حال جناب مستطاب اجل لاردسالیسبوری تلگرافا »
« بدوستدار اطلاع داده‌اند که بانك قبول نمیکند که تکفل زیاده از همان مبلغ رابنماید »
« وهمین مطلب راهم برئیس بانك اطلاع داده‌اند ازقرارمعلوم مشارالیه هم سوادی از »
« آن تلگراف بجهة جناب مستطاب اجل عالی فرستاده است وبقیه ترجمه تلگراف »
« جناب اجل لاردسالیسبوری ازقرار ذیل است .
« (زحمت زیاد بدولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان وسفارت وارد آمده وبواسطه »
« اظهارات اکیده دولت ایران که دراین کارهمراهی بعمل آید، بالغی مخارج تلگراف »
« شده است مخارج وزحمات بانك هم زیاد ازاینها بوده اگردولت ایران میتواند که »
« بی قرض بسازد ماشکایتی نداریم واین در صورتی است که مراجعه بمعامله دیگری »
« نه نمایند که منافی مصالح دولت انگلیس وبابانك بوده باشد چراکه بعداز آنچه »
« گذشته است نمیتوانیم ازادعای بانك صرفنظر کنیم اگرازآنطرف دولت ایران به »
« خواهد باین قسم شروطی که بانك شاهنشاهی قبول کرده است ازجای دیگر استقراض »
« نماید حق رنجش کلی خواهیم داشت) . »
« دراین موقع احترامات فائقه قلبی خودرا تجدید مینماید .
« فی پنجم شهر ربیع الاول ۱۳۱۶ محل امضاء وزیرمختار انگلیس (سرمورتیمر دوراند) »
والنتین چیرول در دنباله شرحی که راجع باین قرض نوشته وقبلا قسمتی ازآن نقل گردید مینویسد .

« حال در این موضوع نفوذ دولت امپراطوری روس بود که با این قرض مخالفت میکرد همانطور که مخالفت خودرا بایك قرضی که دولت انگلیس میخواست بچین بدهد در ژانویه ۱۸۹۸ در پکین عنوان کرد و نگذارد انجام شود ؟

بهرحال مشکل است که دراین باب اظهار عقیده کرد .

روسها غیر مستقیم فشار خود را بوسیله دوستان درباری خویش بشاه وارد می‌آوردند و شاید علت اصلی همین بود ودر هر صورت معامله انجام نشد*

مضیقه مالی وبی‌پولی خزانه دولت ایران وفقر وبیچارگی مردم افزوده میشد وامین‌الدوله که مظنون به طرفداری انگلیس بود از نظر شاه افتاد و اتابك اعظم باحمایت دولت روسیه بار دیگر بصدارت منصوب شد .

مطابق نقشه بانك روس وچین موسسه‌ای که بنام بانك استقراضی تحت نظر وزیر مالیه روس تاسیس شده بود ومسلم بود شعبه‌ای از بانك دولتی روسیه است پس از ردکردن پیشنهاد دولت انگلیس که این قرض را دولتین انگلیس وروس بایران بدهند حاضر شد که این قرض بتنهائی از طرف روسها بدولت ایران داده شود . »

امین‌السلطان که برخلاف امین‌الدوله متمایل بسیاست روسها بود درهمان اوان صدارت دنباله مذاکراتی راکه برای استقراض باانگلیس‌ها بعمل آمده بود قطع میکند وباسفارت روس درتهران واردمذاکره میشود و ضمنا تلگرافی بمیرزا رضاخان ارفع‌الدوله وزیر مختار ایران دربطرزبورغ مخابره مینماید که جدا بااولیای دولت روسیه برای استقراض وارد مذاکره گردد .

ارفع‌الدوله پس از مذاکره‌ای که باکنت موراویف (۱) وزیرامور خارجه روس به

---

1 – Count Muraviev

عمل می‌آورد طی شماره ۳۱۲ مورخ دهم شعبان ۱۳۱۷ ضمن گزارشی که بطهران برای امین‌السلطان صدراعظم میفرستد جریان این ملاقات را شرح میدهد

ارفع‌الدوله میگوید پس از آنکه بوزیر امورخارجه روسیه گفتم شما همه گونه وعده کمك و مساعدت بما دادید و وزیرمختار شما در طهران در انجام این تقاضا وعده صریح داده است ، وزیر امورخارجه گفت که ما بوزیرمختار خودمان نگفته‌ایم که درباب استقراض بایران وعده صریحی بدهد ـ ارفع‌الدوله در جواب میگوید .

« ... چنانچه خودتان میدانید حالت حالیه ایران طوریست که اگر شصت ملیون »
« فرانك قرض نکنند نه اینکه خیالات حسنه بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس »
« همایونی روحنا فداه درباب نظم و ترتیب امور داخله و آبادی مملکت و اصلاح خزانه »
« صورت وقوع نمیتواند پیدا کند بلکه احتمال یك بی نظمی داخله هم مظنون است .
« صدراعظم سابق شصت ملیون فرانك از انگلیسها قرض کرده و پول در بانك »
« انگلیس حاضر و فقط منتظر امضای قرارنامه بودند که جناب اشرف آقای امین ـ »
« الدوله معزول و حضرت مستطاب اشرف آقای امین‌السلطان بصدارت ایران منصوب »
« شدند اول کاری که کردند قرارنامه استقراض انگلیس را بواسطه دوستی و خواهش »
« روسها بهم زده و خواست این قرض را توسط آنها بکنند و هرقدر این استقراض بتاخیر »
« میافتد آنقدر دشمنان و مدعیان حضرت مستطاب معظم در پیشگاه فلك دستگاه »
« همایونی و نزد وزراء و غیره برعلیه ایشان بیشتر زبان درازی کرده و مورد طعن و »
« ملامت شان میکنند که بواسطه دوستی روس استقراض انگلیس را بهم زده و دولت »
« را دچار اشکالات نمود حالا صریحا می گویم اگرچنانچه چندملیون منات عجالتا »
« پیشکی بدولت ایران ندهید و وعده صریح ندهید که همینکه صرافخانه‌های فرنگستان بحال »
« بیاید عمل شصت ملیون فرانك استقراض را خواهید گذرانید و دولت ایران را آسوده »
« خواهید ساخت فی الفور حضرت صدارت پناهی استعفا خواهند داد و جناب امین‌الدوله سرکار »
« آمده همان روز اول از انگلیسها شصت ملیون را خواهد گرفت اگر تصور کنید انگلیس »
« حالا پول نمیدهد اینطور نیست یك هفته قبل شارژدافر انگلیس بمن گفت که شصت »
« ملیون فرانك موجود و انگلیس حاضر ست تنها این قرض را بدولت ایران بدهد »
« اگر در جواب این فقره کسی بگوید که دولت روس هم آنوقت اعلان جنك »
« بایران خواهد کرد و دولت ایران استعداد مقاومت ندارد می گویم صحیح است و »
« چنین نیست که من از قوه خودمان بی‌خبر باشم ولی نباید فقره رژی و تلگراف مرحوم »
« میرزای شیرازی طاب ثراه را فراموش کرد که بیك تلگراف دریك روز در همه »
« ایران تماما قلیانها را شکستند و تنباکوها را آتش زده انگلیس ها را مجبور کردند »
« که از رژی صرفنظر نموده از ایران بروند یقین دارم که با وضع حالیه علمای ملت »
« اعلان جهاد خواهند کرد و جمیع اهالی ایران بهیجان آمده و آتشی خواهند افروخت »
« که صدهزار قشون هم قادر براطفای آن نباشد »

ارفع‌الدوله دردنباله آن مینویسد که این گفته‌ها در وزیر امورخارجه روس اثرخوبی بخشیده و قرار شد که دراینکار مساعدت کرده ترتیبی برای آن بدهد .

بالاخره پس از ملاقاتهائی که با کنت موراویف وزیرامورخارجه میکند می گوید که

«... کنت‌موراویف اعلان‌میکند که دولت روس راضی میشود که شصت ملیون »
« فرانك برای ایران قرض کند بضمانت‌جمیع گمرکات ایران .باستثنای خلیج فارس»
« وخود فارس ودر صورتیکه واردات گمرکات کفایت نکند جمیع واردات ایران »
« در عوض این‌قرض ضمانت میشود بسه‌شرط
« اولا دولت ایران متعهد شود که تاادای‌این شصت‌میلیون‌هیچ قسم قرض‌دیگری»
« از خارجه نکند .
« ثانیا باید از این شصت ملیون قرض سابق روس وانگلیس‌داده‌شود (۱)
« ثالثا ـ دولت ایران قرارنامه سابق راتجدید کرده ومتعهد شود که تاده سال»
« غیر از دولت روس بدولت‌دیگری‌امتیاز راه آهن در ایران ندهد ...»

ارفع الدوله باقدامات خود ادامه میدهد و برای تعدیل شرایط پیشنهادی روسها ملاقاتهائی بعمل میآورد و سپس بتاریخ همان دهم شعبان ۱۳۱۷ (پنجشنبه ۱٤ دسامبر ۱۸۹۹) ازپطرزبورغ گزارشی بشرح ذیل برای‌امین‌السلطان‌بطهران میفرستد

« سفارت دولت علیه‌ایران درپطرزبورغ
« ۱۰ شعبان ۱۳۱۷ نمره ۳۱۳
« یك روز بعد از ارسال مراسله غیر رسمی بانضمام ترجمه مضمون تلگراف »
« بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اکرم افخم اعظم روحی فداه نزد »
« وزیر امور خارجه روس معزی الیه‌چاکررا بمنزل خود دعوت نموده گفت بموجب»
« کاغذشما درباب استقراض اقدامات کرده‌ام شماهم‌باوزیر مالیه ملاقات وگفتگوی»
« شرایط آنرا بعمل بیاورید و همین‌امروز به حضرت مستطاب اجل اشرف آقای»
« صدراعظم تلگراف بکنید که اولیای دولت روس ازدیدن ایشان درمسندصدارت»
« همیشه خوشوقت بوده وخواهندبود وهرقسم سعی را دراستحکام ایشان واجرای»
« مقاصد اولیای دولت ایران‌بعمل‌خواهندآورد چاکرعصر همانروز نزد وزیرمالیه»
« رفت معزی الیه بعد ازگفتگوی زیادگفت بهتر است قراربگذاریم فرداسه‌نفری»
« درمنزل وزیر امورخارجه مجلس کرده ومتفقاً قراراینکار را بدهیم والا اگرشما»
« باهریك ازما همیشه جداگانه گفتگو نمائید این مطلب خیلی طول خواهد کشید و»
« اتفاق درمیانه مشکل‌خواهد بود فردای‌آن‌یکساعت ازظهر گذشته برحسب‌خواهش»
« مکتوبی چاکروزیر خارجه، جناب وزیر مالیه وچاکر را قبول کرد و درابتداء»
« مجلس‌همان شرائط اولی‌راکه تکلیف کردند چاکر فردافرد عیوبات وعدم‌امکان»
« آنهارا بمعزی الیهما بیان کرده‌و د باب تکلیف ایشان بدولت ایران برای تعهد»
« عدم استقراض دیگری بدون اجازه دولت روس چاکر گفت که قبولی این فقره»
« بااستقلال دولت علیه منافات داردواگر بنابراین‌باشد که بازشما درسر این مسئله»

---

۱ ـ منظور از قرض انگلیس همان قرض پانصدهزار لیره انگلیسی است وهمچنین منظور ازقرض روسها ظاهرا طلبی است که بانك تجارتی بین‌المللی مسکو بمبلغ ۳۵۲۹۷۹ تومان از ایران داشت ودر ۲۷ رجب ۱۳۱۷ قراردادی بین امین‌السلطان ونمایندگی آن بانك‌در تهران‌منعقد گردید که‌درهفت قسط‌تا ۲٦ جمادی‌الاولی ۱۳۱۸ تمام آن پرداخت شود ونیز پنجاه‌هزار لیره طلب بانك استقراضی روس بود .

«ایستادگی نمائید من ابداًراضی نشده وازاین‌مأموریت خود استعفا خواهم کرد»
«آخرالامر قرار براین شد که مدت بقای این شرطرا محدود نمائیم وتکلیف»
«کردند که دولت ایران متعهد بشود تااین قرض دولت روس‌را رد نکرده‌است»
«استقراض دیگری نکند وگفتند در حقیقت این قرار ضرری بحال و استقلال»
«ایران ندارد واسباب استخلاص آن است زیرا که تادولت ایران خاطر جمع»
«نشود که راه استقراض مسدود شده دول خارج، آسوده‌اش نخواهند گذاشت و»
«این‌پول‌را هم گرفته‌فوراً تلف کرده بخیال قرض دیگری‌میافتد وکم کم پست»
«خانه وتلگرافخانه وسایر واردات مملکت‌را رهن خواهند گذاشت و بالطبع»
«کار ایران بسختی رسیده ما مجبورخواهیم‌شد که بادول دیگر در ایران سر»
«بسر بگذاریم والا زمین ومملکت روس بدرجهٔ وسیع است که ازعهده اداره»
«آن بااشکال برمیآئیم وابدا درخیال توسعه خاك روس نیستیم و بهرقیمتی در»
«استحکام دولت وترتیب کارهای مملکت ایران مساعدت خواهیم کرد .

«درباب شرط عدم‌بنای راه آهن ایران تاده‌سال دیگر وامتداد امتیاز قدیم»
«چاکر گفت که این فقره مصلحت خوددولت روس نیست واین قسم‌خیالات روس»
«درانظار تمام‌فرنگستان واهالی‌ایران مانع وسد راه تربیت بقلم خواهد رفت»
«وجمیع روزنامهای داخله وخارجه هر روز فصلی دراین فقره مینویسند ضرر»
«وخسارتیکه ازبی‌راهی هرسال بمال وجان وتجارت ایرانیان واردمیآید بهمه»
«عالم واضح‌است بخودشماهم البته پوشیده نیست.

«بعد ازاین اظهارات چاکر، گفتند پس شرط کنید که تامدت‌ده سال دیگر»
«فقط دولت‌روس حق ساختن راه آهن‌را داشته باشد اگر درظرف این مدت»
«بموجب‌اجازه‌مخصوص‌دولت ایران‌وقراردادجدید دولت‌روس بشرایط خوب راه»
«آهن‌درایران‌ساخته‌وحرف مردم وروزنامه‌نویس‌هارا قطع کرد فبها والا دیگر»
«آنوقت‌تکلیف‌ازاولیای دولت‌ایران‌ساقط‌خواهد بوددرهمان‌مجلس که یکساعت»
«ونیم‌طول کشید قرار شداین ترتیبات‌جدیدرا که گفتندتاانجام عمل‌خیلی‌محرمانه»
«باشد و تلگرافاً بعرض برسانید که اگر قبول فرمایند به مابقی مذاکرات و»
«شرایط که تقریباموافق‌همان قرارنامه‌مرسوله وزارت جلیله خارجه خواهدشد»
«درثانی شروع کرده و عمل استقراض شصت ملیون فرانك راختم نمائیم وزیر»
«مالیه گفت که وجه مزبور یابه بانك دولتی روس یابیانك دیگر پطرزبورغ»
«حواله داده خواهد شد حال منتظر دستور العمل و جواب تلگراف هستم که»
«بهرچه امر شوداطاعت کندزیاده‌جسارت‌است الامر الاجل‌الاشرف‌روحی فداه»
«مطاع محل مهر الراجی رضا»

خلاصه بعد ازاین مذاکره و مذاکرات دیگری که بین‌طرفین‌بعمل میآید درشرایط استقراض توافق حاصل و قرار داد آن تنظیم میشود و میرزا رضا خان ارفع الدوله وزیر مختارایران در پطرز بورغ بنمایندگی ازطرف‌دولت‌ایران آنراامضاء میکند .

ازلحاظ تاثیری که شرایط ننگین این استقراض درشئون اقتصادی وسیاسی ایران
ته‌است‌متن آنرا در اینجا نقل مینمایم .

« ترجمه قرارداد ۲۲ میلیون‌ونیم منات استقراض ۱۹۰۰ ازقرار تنزیل صدی ـ»
«پنج طلا ۰»

«مابین امضاء کنندگان‌ذیل جناب‌آقای‌میرزارضاخان‌ارفع‌الدوله آجودان‌مخصوص»
«ومامورفوق‌العاده ووزیرمختاراعلیحضرت‌پادشاه ایران ازیکطرف‌و بانك‌استقراضی»
«ازطرف‌دیگرموادذیل منعقد گردیده‌است .

«فصل اول ـبرطبق‌فرمان‌اعلیحضرت‌پادشاه‌ایران مورخه ٤جمادی الاول ۱۳۱۷»
«(مطابق ۳۰اوت ۱۸۹۹ مسیحی)دولت‌امپراطوری‌ایران بانتشاریك استقراض»
«مملکتی که جمع‌حساب‌آن‌اسمامعادل۲۲میلیون‌ونیم‌منات‌میشود اقدام‌خواهد نمود(یك»
«منات معادل $\frac{۱}{۱۵}$ امپریال بوده وشامل ۱۷ دولی ٤۲٤ هزارم دولای طلا مطابق »
« قانون مسکوکات ۱۹/۷ ژوئن۱۸۹۹ خواهد بود .)

« این استقراض باتنزیل صدی‌پنج‌از اصل‌اسمی‌آن بوده وباسم (استقراض۱۹۰۰»
« دولت ایران از قرار تنزیل صدی‌پنج‌طلا) موسوم خواهد بود این مبلغ درمدت»
« هفتاد وپنج‌سال تادیه خواهد شد ۰

« فصل دویم ـ بانك استقراضی ایران بموجب امضای این قرار داد(استقراض»
« ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرار تنزیل صدی‌پنج طلا) متعهد میشود که یك‌جمع‌حساب »
« اسمی معادل ۲۲میلیون ونیم منات‌را قبول‌نماید ۰

« قیمت آن ۸٦ بعلاوه $\frac{۲}{۳}$ درصد از اصل سرمایه اسمی‌بکسر یك بعلاوه دو در»
« صد(که برای جبران مخارج انتشار وتمبر وترتیب اسناد وغیره معین‌شده) است »
« میشود که بقیمت خالص ۸۵ در صد و یا ۱۹۱۲۵۰۰۰ منات بعلاوه منافع معینه »
« خواهد بود ۰

« فصل سیم ـ برای کلیه جمع‌حساب(استقراض ۱۹۰۰دولت‌ایران از قرار تنزیل»
« صدی‌پنج طلا) دولت‌علیه‌ایران‌یك تعهدنامه عمومی بروسی‌وایرانی که‌دارای‌امضای»
« قانونی ایرانی‌ها بوده‌باشد تهیه خواهد نمود ۰

« تعهدنامه مذکوره باداره بانك استقراضی ایران‌درسن‌پطرزبورغ تسلیم‌میشود»
« که‌آن را تاموقع استهلاك کامل این‌استقراض نزد بانك مملکتی روسیه امانت»
« خواهد گذارد ۰

« فصل چهارم ـ تمام‌عایدات کل گمرکات دولت‌علیه‌ایران‌باستثناء گمرکات فارس»
« وبنادر خلیج‌فارس‌ایران در ضمانت (استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرارتنزیل»
« صدی‌پنج طلا) خواهند بود .

« عایدات گمرکات عبارت‌هستند ازعایدات موجوده وهمچنین از عایدات گمرکاتی»
« که برای‌مدت یکسال مالیه (از۲۱مارس ۱۸۹۹ الی۲۰مارس ۱۹۰۰) اجاره »

« داده‌شده وعایدات گمرکاتی که توسط‌دولت اداره‌میشود • واضح است که این »
« استقراض بالنسبه بتمام‌سایر دیون‌در خصوص عایدات‌جزئی یا کلی از گمرکات »
« فوق‌الذکر دولت امپراطوری‌ایران (که میتوانندمقید ببعضی‌قراردادهای سابق»
« وحالیه ویاآتیه‌بوده باشند .) سمت اولویت مطلقه راخواهد داشت .

« فصل پنجم- کلیه عایدات گمرکات فوق‌الذکر (فصل‌چهارم) دولت امپراطوری»
« ایران‌در طهران ببانك استقراضی ایران‌پرداخته خواهدشد وازاین‌عایدات قسط »
« ششماهه در مدتیکه قبلامعین‌شده و۷۵سال‌خواهدبودموضوع‌میگردد وآن عبارت»
« است از ۲۵۶۳۱۲۳ درصداز اصل‌اسمی‌بعلاوه یك‌چهارم درصدبابت حق کمیسیون»
« قسط مذکوره که‌هرقسطی ۵۷۸۱٤٤ منات‌میشود وموقع‌پرداخت آن ازاول‌ژویه»
«۱۹۰۰ خواهد بود .

«فصل ششم - چنانچه عایدات‌مذکوره که‌ببانك‌استقراضی‌ایران پرداخته میشود»
« جمع حساب‌آن درسال‌ازمبلغ یك میلیون وصدوپنجاه وششهزارو دویست‌وهشتاد»
« وهشت منات تجاوز نماید بقیه‌آن‌باختیار خزانه دولت امپراطوری ایران گذارده»
« خواهد شد وچنانچه وجوهی راکه دولت‌امپراطوری‌ایران میپردازد معادل مقدار»
« مبلغ مذکورنباشد وموعدقسطی‌هم‌بگذردبموجب همین قراردادددولت‌امپراطوری»
« ایران بابانك‌استقراضی‌موافقت نموده ببانك مذکوره حق‌تفتیش واقعی‌درموضوع»
« اخذ عایدات گمرکات مذکوره (فصل چهارم) برای تحقیق جمع حساب عایدات»
« خواهد داد این حق تفتیش و تحقیق در صورتیکه اقساط ششماهه توسط عایدات»
« مذکوره کاملا پرداخته شده باشدبموقع اجراءگذارده‌نخواهد شد

« فصل هفتم - درصورتیکه باوجود تفتیش فوق درفصل ششم مذکور است یك»
« تاخیرجدیدی درپرداخت اقساط ششماهه حاصل شود بانك استقراضی ایران حق»
« خواهد داشت که‌بحساب دولت امپراطوری‌ایران‌بتاسیس اداره مستقیمی برای‌تمام»
« گمرکات دولت علیه ایران باستثنای گمرکات فارس وبنادر خلیج ایران که‌درتحت»
« اداره خزانه دولت امپراطوری‌ایران‌باقی‌خواهندماند اقدام‌نماید.

« تاسیس‌این اداره‌بشروط ذیل‌خواهدبود.»

« الف - انتخاب اعضاء بابانك استقراضی‌ایران خواهدبود ولی مخصوصااداره»
« مذکور بایستی از اعضائی که اتباع دولت علیه ایران بوده باشندتشکیل یابد به»
« استثنای ۲۵ نفر از روسا که برای انتخاب آنها بانك مذکور اختیارات تامه»
« خواهد داشت »

« ب - بانك مذکور مقید است که تعرفه های قانونی را مجری داشته و حقوق»
« گمرکی موجوده را دریافت دارد وبدون رضایت‌دولت امپراطوری ایران بحقوق»
« مذکوره اضافه ننماید .»

« ث - دولت امپراطوری ایران حق تفتیش این اداره را برای خود »
« محفوظ میدارد .»

« د ـ مخارج اخذ عایدات واداره وهمچنین دوقسط ششماهه ازعایدات مذکوره»
« موضوع گردیده بقیه چنانچه چیزی باقی بماند باختیار دولت امپراطوری ایران»
« گذارده خواهد شد .»
« فصل هشتم ـ درصورتیکه عایدات گمرکات حاصله از اداره بانك (فصل ۷)»
« برای پرداخت کامل یك قسط ششماه غیرمکفی بوده باشد دولت امپراطوری ایران»
« تهیه یك ضمانت نامه منضمی خواهد نمود . تعیین نوع این ضمانت نامه منضمی»
« بموافقت مخصوصی بین دولت امپراطوری ایران و بانك استقراضی ایران»
« خواهد بود .»
« فصل نهم ـ حاصل خالص (استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران از قرار تنزیل»
« صدی پنج طلا) (فصل دویم) بطریق ذیل باختیار دولت علیه ایران گذارده»
« خواهد شد .»

« الف ـ مبلغی معادل ۱۵۵۵۳۶۰ منات و۵۳ کپك یا ۱۵۶۳۹۰۰ قران بعلاوه»
« منافع معینه وهمچنین براتهائی که وجه آن قبلا دریافت شده توسط بانك استقراضی»
« ایران برای پرداخت حاضر خواهد بود .»
« ب ـ بانك استقراضی ایران قبلا اعلانات مقرره را نموده تمام استقراض یا»
« قرضی که دولت امپراطوری ایران ازبازار انگلیس و یاتوسط بانك شاهنشاهی»
« ایران نموده است بخصوص (قرض ۱۸۹۲ انگلیس ازقرار تنزیل صدی شش او (آوانسی »
« که تقریباً معادل دومیلیون ونیم قران میشود واز بانك شاهنشاهی ایران دریافت»
« گردیده است) اصلا وفرعاخواهد پرداخت . مبلغ لازم برای پرداختهای مذکوره»
« بحساب لیره استرلینگ از قرار نرخ معوضه لندن به بورس سن پطرزبورغ ازحاصل »
« خالص استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرارتنزیل صدی پنج طلا) کسر ونقصان»
« خواهد گردید . »

« ث ـ بقیه مبلغ خالص استقراض مذکور بطریق ذیل باختیار دولت امپراطوری»
« ایران گذارده خواهد شد »
« ۱ ـ درسن پطرزبورغ بوسیله تمسکات اعتباری ویاشمش های نقره که بحساب»
« دولت امپراطوری ایران وبمنافع دولت مذکوره بااهتمامات بانك که حق السعی»
« خرید خودرا منظور خواهد داشت خریداری شده است .
« ۲ ـ درطهران نیز بوسیله تمسکات اعتباری ویاشمش‌های نقره مخارج ارسال»
« شمش‌های نقره بدولت امپراطوری ایران تعلق خواهد یافت »
« ۳ ـ درانتقال (تحویل) به لندن وپاریس وبرلن ویا شهرهای دیگر روسیه»
« غیر ازسن پطرزبورغ بانك استقراضی ایران حق السعی خودرا برداشته بنرخ روز»
« تسلیم خواهد نمود»
« ادای بقیه مبلغ استقراضی بچهار دفعه که هریك بادیگری یك ماه فاصله داشته»
« باشد تحویل وپرداخته خواهد شد که قسط اول آن بمبلغ ۱۸۷۵۰۰۰ منات و»
« بلافاصله بعد ازامضای این قرارداد پرداخته شده و سه قسط سایر بمنافع مساوی»

« خواهند بود .
« فصل دهم ــ برای بقیه حساب مذکوره درفصل نهم که بایستی پرداخته شود»
« بانك استقراضی ایران یك حساب جاری مخصوص ازقرار تنزیل صدی چهار در»
« سال برای دولت امپراطوری ایران بازخواهد نمود .
« این حساب ازطرفی توسط یك قسمت از مبلغ خالص استقراض دارای اعتبار»
« شده وازطرف مقابل بمصرف مبالغ معینه که توسط بانك بادای قروض دولت امپراطوری»
« ایران داده شده خواهد رسید ونرخ استفاده بین اثنینی مطابق فصل نهم باختیار»
« دولت علیه ایران گذارده خواهدشد »
« فصل یازدهم ــ بانك استقراضی ایران متعهد میشود باینکه ازبانك شاهنشاهی»
« ایران درپرداخت اصل اسمی (استقراض ۱۸۹۲ انگلیس ازقرارتنزیل صدی شش)»
« که جمع حساب اصلی آن معادل ۱۵۰۰۰۰۰ میشود در همان تاریخ که دولت»
« امپراطور ایران برای بانك مزبوره معین کرده است سبقت جوید (فصل نهم)و»
« همچنین متعهد پرداخت تمام سایر استقراضات وقروضی که توسط بانك شاهنشاهی»
« ایران دولت امپراطوری ایران نموده است خواهدبود . »
« بانك استقراضی ایران مبالغ معینه که برای ادای استقراض وقروض فوق الذکر»
« تخصیص داده شده الی تاریخی که توسط دولت امپراطوری ایران برای پرداخت»
« آنها معین خواهد شد نزدخود محفوظ میدارد مطابق اعلانات قبلی مقیده (فصل»
« نهم د) اسنادیکه وجوه آنها ادامیشود ومتعلق است به (استقراض ۱۸۹۲ انگلیس»
« ازقرار تنزیل صدی شش) بهمان طرز وتدریجی که ماخوذ میشود باختیار دولت»
« علیه ایران گذارده خواهد شد.»
« فصل دوازدهم ـ بانك استقراضی ایران برای اینکه شاید بتملك وجوهیکه به»
« دولت امپراطوری ایران مساعده داده شده موفق شود بموجب همین قرارداد حق»
« انتشار یکقرضه ایران رابااصول ذیل برای خود برقرارمیدارد .»
« الف ــ استقراض دولت علیه ایران بضمانت دولت امپراطوری روسیه »
« خواهد بود .»
« ب ــ جمع حساب اسمی استقراض ضمانتی ونرخ منافع آن توسط بانك استقراضی»
« ایران معین خواهندشد بطوریکه مبالغ خالص استقراض ازبقیه (استقراض ۱۹۰۰ دولت»
«ایران ازقرار تنزیل صدی پنج طلا) که ادانشده است تجاوز ننمایدواستقراض ضمانتی»
« مذکوره بایستی درمدتی که قبلا معین شده است کاملا برای استهلاك (استقراض»
« ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرارتنزیل صدی پنج طلا)پرداخته شود»
« ث ـ اسنادی که نوشته خواهند شدبمنات بوده وبه پول خارجی بکلی مساوی»
« باوجوهی که در استقراضات دولت امپراطوری روسیه قبول شده است معین»
« خواهد شد . »
« د ـ تمام اسناد استقراض مذکوره بطور همیشگی ازتحمیل کلیه مالیاتهای ایران»
« که حالیه برقرار هستند و یااینکه بعدها برقرار خواهند شد معاف میباشند و»

« همچنین از کلیه ماخوذاتی که از طرف دولت امپراطوری ایران باشد معاف»
« خواهد بود . »
« تمام سایر امور راجع بانتشار و اسناد و اداره استقراض وغیره بمیل بانك»
« استقراضی ایران مرتب خواهند شد.
« ف ـ بانك استقراضی ایران تمام مخارجی که ازانتشار واداره استقراض دولت»
« علیه ایران بضمانت دولت روسیه حاصل میشود بعهده خواهد گرفت وانتشار احتمالی»
« این استقراض هیچ مطابقتی باتعهداتی که دولت امپراطوری ایران بموجب این»
« قرارداد درخصوص (استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرار تنزیل صدی پنج طلا)»
« (فصل پنجم) نموده است نخواهد کرد »
« فصل سیزدهم ـ دولت امپراطوری ایران حق تادیه (استقراض ۱۹۰۰ دولت»
« ایران ازقرار تنزیل صدی پنج طلا) را قبل ازاتمام مدت استهلاك آن ازابتدای»
« تاریخ غره ژانویه ۱۹۱۰ درصورتیکه ششماه قبل بانك استقراضی ایران رامستحضر»
« نمایدخواهد داشت »
« دراین موقع بانك استقراضی ایران میتواند بقیه مبلغ احتمالی استقراضی دولت»
« علیه ایران بضمانت دولت امپراطوری روسیه را رد نموده ویااینکه بعهده خود»
« درجریان باقی گذارد و بشرط اینکه بعهده دولت امپراطوری ایران مخارجی»
« تعلق نیابد »
« فصل چهاردهم ـ مادامیکه (استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرار تنزیل صدی»
« پنج طلا) کاملا پرداخته نشده است دولت امپراطوری ایران بهیچ استقراض خارجی»
« (ضمانتی یاغیر ضمانتی) بدون اینکه قبلاموافقتی بادولت امپراطوری روسیه حاصل»
« نماید مبادرت نخواهد نمود .»
« فصل پانزدهم ـ کلیه اختلافات حاصله که در موقع اجرای این قرارداد پیش»
« میآید بواسطه توافقی که بین دولتین امپراطور روسیه وایران حاصل خواهدشد»
« حل وتصفیه میگردد .
« فصل شانزدهم ـ این قرار داد دردونسخه نوشته شده است که یکی ازآن‌ها»
« برای دولت امپراطوری ایران ودیگری برای بانك استقراضی ایران تهیه شده است»
« واین نسخه های قرارداداز هرگونه حقوق وتمبر روسیه وایران معاف خواهدبود .»
«غره ژانویه ۱۹۰۰ (مطابق ۲۸ شعبان ۱۳۱۷ هجری قمری)»

بعد از امضای این قرار داد ارفع الدوله ضمن گزارشی که بتهران میفرستد از زحمات و خدمات خود تعریف و تمجید میکند مظفر الدین شاه در حاشیه این گزارش نوشته است .

« هزارتومان انعام عجالة بارفع الدوله بدهید »

ودر گزارش دیگر راجع بزحماتی که کارمندان سفارت ایران درپطرزبورغ متحمل شده‌اند مینویسد .

« پانصد تومان هم باجزای سفارت بدهید »

دراینجا باید یادآور شد که انگلیس‌ها باآن اصرار وابرامی که ابتدا برای قرض دادن بایران داشتند وحتی تلگراف تهدید آمیز لرد سالیسبوری نخست وزیر انگلستان مبنی برآنکه اگر دولت ایران « ازجای دیگراستقراض نماید حق رنجش کلی خواهیم داشت » چرا عکس العمل شدیدی نشان ندادند ودولت ایران را دراستقراض از روسها آزاد گذاردند .

علت این امر گرفتاری های زیاد انگلستان درنقاط مختلف جهان مخصوصاً خاور دور و جنوب افریقا وجنك بابوئرها وهمچنین اختلاف بافرانسه وروسیه در اروپا بود که امپراطوری انگلستان رابخطر انداخته بود ونمیتوانست درخاور میانه بیش از آن باروسها مخالفت ودست وپنجه نرم نماید .

هنگامی که مظفرالدین شاه وامین السلطان این وام را ازروسها گرفتند وقرارداد اسارت آمیز آنرا امضاء نمودند برای آنکه از تنفرعامه مردم نسبت بخود بکاهند شرحی درروزنامه رسمی ایران منتشر ساختند و چند دلیل واهی نیز برای عمل خود بیان کردند ودراینجا متن آن شرح را نقل مینمایم .

«دولت ایران چهار قسم قرض داشت که ناچار باید یا قرار ادای آنهارا بدهد یا دوچار مشکلات لایتناهی گردد .

اول ـ قرض روزی که ابتدا پانصد هزار لیره بود وحالا چهار صد هزار لیره باقی است که باید تاسی سال بافرع صد شش داده شود و گمرکات فارس وبنادر فارس بضمانت این استقراض مقرر بود و سالی قریب دویست هزار تومان ازبابت اصل وفرع صدی شش باید داده شود .

دوم — قرض بانکهای روس وانگلیس ومسکوی که باین سه بانك پنج کرور وکسری مقروض بوده وسالی سیصد هزار تومان متجاوز ازقرار صدی دوازده فرع باید داده شود واصل آنها هم تماماً وعده‌های آن رسیده یا نزدیك شده و میبایستی داده میشد وگمرکات آذربایجان وگیلان و مازندران و غیره بضمانت قرض بانك روس مقرر بود

سوم - قرض تجار داخله قریب دوکرور بافرع صدی هیجده که سالی متجاوز از یکصدوهفتادهزار تومان فرع باید داده شود و اصل آن هم چون هیچ یك از این قروض ششماهه وعده بیشتر ممکن نبود لازم بود داده شود .

چهارم — قرض بارباب حقوق دیوانی بود که از چهار سال قبل تابحال بتفاوت از هرسنه مبلغی باقی بود ودرهذه السنه بقشون فقط یکماه جیره داده شد وبسایربرات دارها سوای آنها که بخرج ولایات منظور بوده هنوز دیناری نرسیده بود وازاین‌ها گذشته مخارج لازمه دیگر در آبادی مملکت واصلاح امور قشون وداخله و تصحیح جمع وخرج وتعمیر استحکام سرحدات وایجاد بعضی راههای عزابه روکوچك مابین دهات وبلوکات و وصل آنها بشهرها وایجاد بعضی مواد حاصل خیز مثل تعمیر سد اهواز یاامثال آنها و خیلی از این قبیل‌ها در منتها درجهٔ لزوم بودند ولی بواسطه بی‌پولی امکان نداشت حل این معماجز بیکی ازدو صورت یاباید بردخل یعنی برمالیات افزود یاباید ازخرج کاست یعنی ازحقوق ومرسومات دیوانی ووظایف و غیره کم کرد هیچ یك از این دو خاصه بااین گرانی وتیامدن حاصل دراین سالهای اخیر جز خرابی رعیت وتمامی نوکر حاصل نداشت وعاجلا هم فایده نمی‌بخشید و خاطر رأفت ومرحمت مظاهر اعلیحضرت اقدس همایون ظل‌اللهی تصدیق وتصویب نفرمود واصلاح این امر وحل این مشکل را ضمیر الهام پذیر همایونی از راه دیگری اراده فرمودند اداره گمرکات دولتی که سالها بود مغشوش وغیر منظم گردیده ومحلی که انقدر وجوه دولتی بود تمام بعنوان بقایای

محلی سوخت ولا وصول مستاجرین ومباشرین وخرج تراشی وغیره تبدیل یافته بود مقرر فرمودند ترتیبی صحیح ودفتری منظم ومرتب بطور امانی اداره شود وازابتدای هذه السنه بامر قدر قدرت همایون مامورین قابل وامین وباعلم باموراجبی شایسته ازدولت بلجیك استخدام نموده واین کاررا بطور اداره مرتب ساختند چنانکه در همین سال اول فقط ازنظم عمل وحسن اداره مبلغی معتدبه بر آن افزوده وتمام برات بازی وکاغذ سازی آن بپول نقد مبدل گردید

بعد ازاین امتحان واضافه که حاصل شد صلاح دولت درآن شد که مبلغی ازبرای ادای قروض دولت و ادای حقوق دیوانی عموم نوکر و غیره ونگاهداشتن ذخیره برای عدم احتیاج بقرضهای صدی دوازده و شروع بکارهای خیر وفوائد عامه کافی شود بشرایطی سهل وصحیح استقراض شود واصل وفرع آن همه ساله ازاضافه جدید گمرك داده شود واین مسئله استقراض که سالها درمیان بود وبواسطه شرایط سخت وتکالیف شاقهٔ سرمایه داران اروپا صورت نمیگرفت دراین موقع تفضلات خداوندی شامل حال گردیده باقبال بی‌زوال همایون شاهنشاهی وسعی واهتمام اولیاء دولت قاهره استقراض بشرح ذیل انجام گرفت که اساس آن ازاین قراراست ودرنظرانصاف بهتر از این ممکن نیست زیراکه تقریبا به همین مبلغی که همه ساله برای فرع ده دوازده کرور قرض بایستی دولت میداد دوبرابر آن استقراض نموده قروض راادا میکند وبعد ازاین هم بفضل‌الله التعالی محتاج بآن چنان قرضها نخواهد بود و هم محل ادای آنها قبل از وقت تهیه وآماده نموده در سر هرقسط بلکه چند روز قبل خواهد پرداخت بحول‌الله تعالی دولت علیه ایران مبلغ شصت میلیون فرانك تقریباً بیست وچهار کرور تومان پول رایج ایران است ازبانك استقراضی رهنی ایران قرض میکند که درمدت هفتاد وپنج سال شمسی هرسالی مبلغ یکصد وشصت هزار تومان ادا نماید فرع این پول ازقرار صدی پنج درسال ازتومانی یکشاهی کمتراست سال بسال به نسبت هرقدرکه ازاصل باقی باشد در دوقسط ششماه بششماه داده خواهد شد ضمانت محل ادای اصل وفرع این استقراض از منافع گمرکات ایران باستثنای گمرکات فارس وبنادر فارس خواهد بود

تاهروقت که دولت ایران اقساط را درموعد خود میرساند حق هیچ نوع مداخله درگمرك ندارند ولی هرگاه وقتی تعلل ومسامحه درادای قسط نمایند بانك حق داده میشود که کنطرلی (تحویلداری) در اداره گمرك بگذارد که ابتدا قسط بانك را تحویل بگیرد بعد ازآن علاوه‌را دولت بمصارف خود برساند این شرط فقط محض استحکام عمل است وچون عمل کرد گمرك تقریباً دوبرابر ونیم قسط هرساله این استقراض است وگذشته ازآن قسط بانك سال بسال کم میشود وعایدات گمرك بواسطه کثرت آن تجارت وترقی امتعه وآبادی مملکت سال بسال زیاد میشود انشاءالله هیچ وقت محتاج نخواهد شد

چون دولت ایران ازاین قرض سایر قروض خودرا ادا خواهد نمود و حالا احتیاج بقرض نخواهد داشت لهذا ببانك وعده میدهد که قبل ازحصول رضایت بانك مزبور از دیگران قرض کلی ننماید

بانك استقراض رهنی مجاز است که اسهام این قرض را در سایر جاها منتشر نماید . خاتمه»

باآنکه بمردم ایران وعده میدهند ازمحل این وام اقداماتی برای آبادی وعمران مملکت بعمل خواهند آورد ولی ظاهراً فقط بقیه وام بانك شاهنشاهی راکه در حدود چهارصد هزار لیره بود پرداختند وتقریباً دوماه و نیم بعد یعنی درتاریخ ۱۲ ذی الحجه ۱۳۱۷ هجری قمری (۱۲ آوریل ۱۹۰۰) مظفرالدین شاه ومیرزاعلی‌اصغرخان امین‌السلطان که دراین موقع لقب اتابك اعظم داشت پولهارا برداشته و عازم فرنك شدند ومدت هفت ماه درکشورهای مختلف اروپا مشغول عیاشی وتفریح بودند .

۵ـ قرض سال ۱۳۱۹ هجری قمری (آوریل ۱۹۰۲ میلادی)

در سال ۱۳۱۹ هجری قمری برای باردوم مظفرالدینشاه هوس میکند در اروپا بتفریح بپردازد بعنوان این سفر معالجه «شاه» ولزوم استحمام درآبهای معدنی کار لسبادبود .

میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان که دیگر «اتابك اعظم»

نامیده میشدهمراه «شاه» خواهد بود در این‌موقع که مردم‌ایران درآتش فقرو فاقه می سوختند خزانه تهی وپولهائی که قبلا از روسها گرفته بودند تمام شده و چون بموجب قرارداد استقراض سال ۱۹۰۰ بجزاز دولت روسیه از دولت دیگری نمیتوانستند قرض به گیرند ناچار باز دست سئوال بجانب روسهادراز کردند .

اوضاع مالی دولت تزاری‌روس درآن هنگام چندان رضایت بخش نبود و روسها برای دادن وام‌بایران از یك دولت اروپائی مثل‌فرانسه با شرائطی سهل و ربحی خیلی کمتر قرض میگرفتند وبرای تحکیم نفوذ خودبا آن شرائط سنگین بدولت ایران می دادند .

بهرحال امین‌السلطان بوزیرمختار ایران در پطرزبورغ (که در این وقت میرزا حسن خان مشیرالملك بود) دستور میدهد برای استقراض جدید با دولت تزاری روسیه گفتگو کند وبالاخره پس‌از مذاکراتی روسها حاضر می‌شوند باهمان‌شرائط قرض سابق مبلغ ده میلیون‌منات طلابدولت‌ایران وام‌بدهند مشروطبرآنکه دولت ایران‌اطمینان بدهد که درتعرفه گمرکی بادولت عثمانی ودولت روسیه‌تغییراتی که مذاکرات آن ازمدتی‌قبل شروع شده خواهد داد تاواردات ایران وبالنتیجه درآمدگمرکی افزایش یابد و همچنین امتیاز ساختن راه شوسه‌جلفا تاقزوین‌به بانك استقراضی روس داده‌شود .

راجع بتعرفه گمرکی که لطمه بزرگی باستقلال ایران میزدبعدا درقسمت ۱۱ بحث خواهد شد و راجع براه شوسه جلفا تاقزوین نیزچنانکه درقسمت۸ شرح داده‌شد امتیاز ساختن این‌راه در ماه ذی‌الحجه ۱۳۱۹ هجری‌قمری یعنی مقارن‌امضای قرارداد استقراض به بانك استقراضی‌روس داده میشود .

خلاصه پس‌از آنکه قرارداد استقراض در ۱۵ فصل تنظیم میگردد درماه آوریل ۱۹۰۲ (ذی الحجه ۱۳۱۹ هجری قمری) بامضای نمایندگان طرفین میرسد .

در مقدمه این‌قرارداد چنین‌نوشته شده .

« مابین امضاءکنندگان ذیل جناب‌آقای میرزاحسن‌خان‌مشیرالملك مامورفوق‌ـ»

« العاده ووزیر مختار اعلیحضرت پادشاه ایران ازیکطرف‌وبانك استقراضی‌ایران»

« ازطرف دیگر مواد ذیل منعقدگردیده‌است .»

مبلغ این وام‌چنانکه گفته شد ده میلیون منات با فرع صدی پنج بمدت هفتاد و پنج سال بود .

بقیه شرایط تقریبا مانندقرارداد استقراض سال ۱۹۰۰ میباشدکه برای جلوگیری از تطویل ازنقل متن‌آن خودداری میشود .

مظفرالدینشاه وامین‌السلطان وعده‌ای دیگرازدرباریها باپولی که از این‌راه‌بدست آورده بودند در تاریخ سوم‌محرم ۱۳۲۰ هجری قمری (۱۲ آوریل ۱۹۰۲) باروپا می روند وپس از چند ماه گردش و تفریح در تاریخ ۲۱ رجب ۱۳۲۰ با جیب خالی بایران مراجعت مینمایند (۱)

---

۱ ـ مجموع قروض سالهای ۱۳۱۷ و۱۳۱۹ مبلغ ۳۲۵۰۰۰۰۰ منات‌طلامیشود که بمیزان۹٫۴۵ منات‌یك‌لیره انگلیسی معادل۳٫۴۳۹٫۰۰۰ لیره انگلیسی خواهد بود . درآنموقع قیمت هرلیره ۵۴ قران‌بوده است وبنابراین قرض ایران بروسها در آن تاریخ بالغ بر۸۵٫۷۰۶٫۰۰۰ قران میشده‌است .

قرارداد قروض سالهای ۱۳۱۷ و۱۳۱۹ که زنجیرهای اسارت را بدست وپای ملت ایران افکنده بود درگوشه‌وکنار مملکت موجب خشم‌وغضب وطن دوستان ایرانی شده و روز بروز نفرت عامه مردم نسبت بمظفرالدینشاه وامین‌السلطان زیادتر میگردید .

درخارج ازایران عده‌ای ازآزادیخواهان بوسائل گوناگون مقالاتی علیه‌هیئت‌حاکمه ایران منتشر میساختند و خطرات ومضرات این‌استقراضها راگوشزد میکردند .

در ایران نیز در نقاط مختلف آزادیخواهان انجمنهای سری‌تشکیل وعلیه‌امین ـ السلطان ومظفرالدینشاه دست باقدامات شدیدی‌زدند وشب‌نامه های زیادی منتشر نمودند ونامه‌های اعتراض آمیزی به«شاه» و«صدراعظم» وسایر وزراء نوشتند :

برای نمونه نامه‌ذیل راکه ملك‌المتکلمین بمیرزانصراله‌خان‌مشیرالدوله وزیرامور خارجه نوشته ازکتاب « انقلاب مشروطیت‌ایران » نقل مینمایم .

پس‌از عنوان

« اتکاء بحسن نیت‌وملت دوستی جنابعالی بنده‌را برآن‌داشت که برای‌حفظ سیادت ایران‌که مهدپرورش نیاکان مابوده وازنعمات‌آن برخوردار هستیم وسرافرازی مادر میان ملل مرهون افتخارات جاویدان گذشته و استقلال‌امروزه اوست درمقام گستاخی برآمده واصلی‌که پایه تمام‌حکومت‌های خود مختاری وسلطنت های‌مطلقه بروی آن استوار است که پادشاه مالك‌الرقاب وصاحب اختیار ملك ومملکت است وکسی‌را حق چون و چرا در کارهای او نیست در این موقع خطیر ازنظر مصالح ملك وملت رعایت‌نکرده در مقام تصدیع برآیم.

زمانیست که در محافل داخلی و جراید خارجی از استقراض دولت ایران و روسیه سخن گفته می شود .

اینك از قرارمعلوم این شهرتها بیقین پیوسته ودولت ایران مصمم‌شده‌بایك شرایط سنگینی که باتمامیت واستقلال ایران منافات دارد این‌استقراض راعملی نماید واز این‌راه بارگرانی بردوش‌خود وملت‌ایران‌که هیچوقت قادر نخواهد بود شانه اززیر آن خالی کند بنهد .

زیرا باعدم توازنی که‌در دخل وخرج دولت موجوداست وکسری‌که همه‌ساله دربودجه کشور مشاهده میشود دولت ایران باین‌زودیها قادر بپرداخت اقساط قروض خود نخواهد بود واین‌طوق‌رقیت ، ای‌همیشه‌بگردن ملت ایران استوار وبرقرار خواهد ماند وحال‌آنکه هم جنابعالی که‌رشته مهام‌امور سیاسی کشور رادر دست دارید وهم‌مردان خردمند ومطلع باوضاع داخلی ایران می‌دانند که‌اگر هم اطمینان بود که این پول صرف اصلاحات کشور و بکار انداختن چرخ اقتصاد مملکت میشود بازهم‌از نظر سیاست و حفظ موقعیت کشور صلاح در این کار نبود در صورتیکه برای احدی‌تردید نیست که تمام‌آن صرف هوسرانی عده‌ای که کمترین علاقه بسعادت و افتخار مملکت خودندارند خواهدشد ویك‌سره در چاههای طمع وخودپرستی‌مردمانیکه کارمارا تاباین پایه مذلت وپستی رسانیده‌اند فرو خواهد رفت و جز بدنامی و بد روزی و ندامت برای ملت ایران اثری باقی نخواهد گذارد .

پس در نظر دوراندیش جنابعالی که از همه کس آگاهتر بامور سیاسی کشور هستید ودر مملکت دوستی مورد تصدیق عوام وخواص میباشید بهتریستکه اعلیحضرت اقدس‌پادشاه راکه بیش‌از همه بسعادت ملك‌و ملت‌خود علاقمند میباشند ازمضرات سیاسی این‌استقراض آگاه فرمائید وپرده خدعه‌ایکه درباریان برای مستور ساختن حقیقت آویخته‌اند پاره نمائید ومعایب را در پیشگاه حضرتش روشن فرمائید ونام نیکی از خود در تاریخ ایران بیادگار گذارید .

هرگاه حقیقتا توازن دخل وخرج دولت بهم‌خورده‌وچرخ مملکت چنانچه گفته میشود بواسطه‌بی‌پولی ازکار افتاده آیابهتر نیست که بوسیله یك‌استقراض داخلی این عدم‌توازن‌را اصلاح بفرمائید ویا بوسیله‌برقراری یك مالیات تازه کسر بودجه مملکت را تامین کنید .

در صورتی که طرق فوق‌غیر ممکن وضرورت فوری بدست‌آوردن‌مبلغی‌ازراه استقراض خارجی ایجاب می کند بعقیده ارادتمند صرفه وصلاح درآنست که از یك مملکت بطرف که سیاست خاصی در ایران ندارد از قبیل مملکت فرانسه — آلمان — سوئس ـ آمریکا وغیره این استقراض بعمل‌آید وازکاریکه مضرات آن‌مسلم وغیر قابل جبران است احترازفرمائید»

بعداز انعقاد قرارداد دوستی ایران واتحادجماهیر شوروی در سال ۱۹۲۱ بموجب فصل هشتم‌این قرارداد دولت شوروی از دریافت قروضی که روسیه‌تزاری بایران داده‌بود صرفنظر کرد .

۶ـ قرض سال ۱۳۲۱ هجری‌قمری (آوریل ۱۹۰۴ میلادی)

این قرض در اواخر صدارت امین‌السلطان‌وبعدازانعقاد قرارداد گمرکی ایران و انگلستان از انگلیسها گرفته شده است .

دولت انگلستان پس‌ازآنکه ازگرفتاریهائی که‌در نقاط مختلف‌جهان مخصوصادر جنوب افریقا بواسطه جنك بابوئرها داشت رهائی یافت مجدداً درصدد تحکیم‌نفوذ خوددرایران‌وسایرنواحی‌مورد نظر خویش‌میافتد وچنانکه در قسمت‌بعد خواهدآمد برای جلب نظر مظفرالدینشاه با وجود مخالفت ادوارد هفتم پادشاه انگلیس نشان زانوبند را بپادشاه ایران‌میدهند وسپس قرارداد گمرکی ایران وانگلیس‌رادرفوریه ۱۹۰۳ بدولت ایران تحمیل‌میکنند وبالاخره در ماه‌آوریل همانسال چون‌تمام پولهائی که از روسها قرض‌گرفته بودند بمصرف هزینه‌سفر دوم مظفرالدینشاه وامین‌السلطان‌دراروپا رسیده بود مبلغ دویست‌هزار لیره بمدت‌بیست‌سال بضمانت شیلات‌وعایدات پست‌وتلگراف وگمرکات جنوب بدولت‌ایران میدهند .

بطوری که ملاحظه میشود چون‌بموجب شرایطقرارداد استقراض سال‌های ۱۳۱۷و ۱۳۱۹ دولت ایران نمی‌توانست بجزاز روسیه ازدولت‌دیگری قرض بگیرد عنوان‌این وام را«مساعده» گذاردند .

پول این وام‌راکه توسط بانك شاهنشاهی بدولت ایران داده‌شده ظاهراحکومت هندوستان پرداخته است .

قرارداد این وام بشرح زیر میباشد .

« قرارداد استقراض دولت علیه‌ایران از بانك شاهنشاهی ایران
« مابین دولت علیه‌ایران بنمایندگی حضرت‌اشرف‌اتابك‌اعظم‌امین‌السلطان‌وجناب»
« مسیونوز وزیردولت علیه بواسطه اختیاراتیکه ازطرف‌اعلیحضرت‌همایونی‌داشتند»
« از یکطرف ومسیوژوزف‌رابینو رئیس بانك شاهنشاهی بواسطه‌اختیاری که از»
« این اداره بانك دارد از طرف دیگر ـ بانك شاهنشاهی ایران دویست‌هزارلیره»
« مساعده از قرار صدی‌پنج درسال بدولت علیه ایران میدهد ـ دولت علیه برای »
« ادای این‌وجه مساعده متعهد میشود که درظرف بیست‌سال اصل ومنافع‌را بوسیله»
« عایدات‌که از صیادی بحرخزر برای‌دولت علیه حاصل میشود به بانك شاهنشاهی»
« به پردازد .
« قرار شده است که اگر عایدات‌صیادی‌بحر خزر کافی نباشد وادای مبلغ فوق»

«را منظما اطمینان ندهد دولت علیه‌ایران متقبل‌میشود که‌مبلغ لازمه دراین خصوص»
« را از عایدات پست‌وتلگرافخانه عاید دارد ودر صورت‌کافی‌نبودن عایدات این‌دو»
« اداره از عایدات گمرکات فارس و خلیج فارس بپردازد اگر در تفسیر ترجمه »
« مشاجره‌ظاهر شود مضمون فرانسه مقدم خواهد بود .
« نسختین نوشته شده بفرانسه وبفارسی درطهران ٤ماه‌آوریل ۱۹۰۳ »
« محل امضاء ژوزف رابینو محل امضاء نوز »

در ماه دسامبر سال ۱۹۰٤ قراردادی ضمیمه قرارداد فوق میگردد که بموجب آن صدهزار لیره علاوه بر دویست‌هزار لیره قبلی باهمان شرایط بدولت‌ایران داده‌شود .

☆ ☆ ☆

دراین‌قسمت قروض دولت ایران‌تاهنگام‌مشروطیت‌شرح داده شد وبعد ازمشروطیت نیز درمواقع مختلف دولت ایران ازروسها وانگلیسها مبالغ زیادی قرض‌گرفته که خارج ازاین بحث‌است وفقط برای مزید اطلاع فهرست آنهارا دراینجا ذکر مینمایم (۱)

۱ــ قرض طلای هندی بتوسط بانك شاهنشاهی سال ۱۳۲۸ هجری قمری بمبلغ ۳۱٤۲۸۰لیره انگلیسی و۱٦ شیلنك و٤پنس

۲ــ قرض نقرهٔ «یك‌کاسه شده»(۲) قروض‌جاری‌ببانك‌شاهنشاهی‌سال ۱۳۲۸هجری قمری بمبلغ ۳۳۹٦٦۹۷ تومان

۳ ــ قرض نقرهٔ «یك‌کاسه شده»قروض‌جاری ازبانك استقراضی روس سال ۱۳۲۹ هجری قمری بمبلغ شش میلیون تومان

٤ــ قرض اسهامی طلا دراندن بتوسط بانك شاهنشاهی ۱۳۲۹ سال هجری قمری ۱٫۲۵۰٫۰۰۰ لیره انگلیسی .

٥ ــ مساعده مشترك روس‌و انگلیس‌دوسال ۱۳۳۰هجری قمری بمبلغ۱۰۰٫۰۰۰ لیره انگلیسی

٦ــ مساعده‌مجددروس‌وانگلیس‌درسال۱۳۳۰هجری‌قمری‌بمبلغ۵۰۰۰۰لیره‌انگلیسی

۷ مساعده انگلیسی و هندی در سال ۱۳۳۰ هجری قمری بمبلغ ۱۵۰٫۰۰۰ لیره انگلیسی

۸ ــ مساعده مشترك روس وانگلیس درسال۱۳۳۱هجری قمری بمبلغ۴۰۰٫۰۰۰ لیره انگلیسی

۹ــ مساعده انگلیسی و هندی در سال ۱۳۳۱ هجری قمری بمبلغ ۱۰۰٫۰۰۰ لیره انگلیسی .

۱ــ برای اطلاع بیشتر ازچگونگی‌قروض ایران بعد ازمشروطیت به مجله کاوه شماره ۳۱ــ۳۲ سال‌سوم مورخ ۹ محرم ۱۳۳۷ هجری قمری مراجعه شود .

۲ــ منظور از«یك‌کاسه شدن » دراصطلاح آن روز عبارت ازقروض مختلفی بود که بضمانت‌های‌متعدد و باتنزیل‌های مختلف ازبانك‌شاهنشاهی‌یادیگران گرفته‌شده‌وبرای‌آنکه بشکل ثابت ومشخص ومعین‌درآید مجموع‌تمام این قروض بصورت یك قرض درآمده وقرار داد جداگانه‌ای برای آن منعقد میگردید .

۱۰ ـ مساعده انگلیسی سال ۱۳۳۲ هجری قمری بمبلغ ۵۰٫۰۰۰ لیره انگلیسی

۱۱ـ قرض عندالمطالبه بکارخانه اسلحه‌سازی‌شنیدردر پاریس که هنگام‌سفرسوم مظفرالدین شاه باروپا اسلحه بکارخانه مزبور سفارش داده شده بود بمبلغ ۱٫۲۰۰٫۰۰۰ تومان

۱۲ ـ قروض عندالمطالبه متفرقه‌ازقبیل حساب‌جاری ومطالبات وادعاهای مختلف قریب به چهار میلیون تومان .

۱۱

قرارداد گمرکی ایران

با

روس و انگلیس

قرارداد گمرکی ایران و روس و ایران و انگلیس در سالهای ۱۳۱۹ و ۱۳۲ هجری قمری زنجیرهای اسارت و بردگی اقتصادی ننگینی بود که در دوره سلطنت مظفرالدینشاه بدست میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان بدست و پای ملت ایران افکنده شد.

بعداز آنکه درسال ۱۳۱۷ هجری قمری دولت ایران بضمانت گمرکات ایران (باستثنای گمرکات جنوب) مبلغ بیست و دو میلیون و نیم منات از روسها قرض گرفت و اداره گمرکات بدستیاری نوز بلژیکی تحت اختیار روسها درآمد دولت روسیه بعنوان ازدیاد درآمد گمرکات در صدد تغییر تعرفه گمرکی بنفع خود افتاد و سپس درموقعی که مظفرالدین‌شاه برای باردوم از روسها تقاضای پول میکند روسها بادوشرط حاضر بدادن ده میلیون منات میشوند یکی اعطای امتیاز ساختن راه شوسه جلفا تاقزوین ببانك استقراضی روس و دیگری تغییر تعرفه گمرکی بنفع دولت روسیه.

دولت ایران نیز باهردو شرط موافقت مینماید.

قرارداد تعرفه گمرکی ایران و روس ظاهرا که صحبت آن ازمدتها قبل بمیان آمده بود در تاریخ رجب ۱۳۱۹ هجری قمری یعنی پنج شش ماه قبل از امضای قرارداد قرض دومی که ازروسها گرفته شد در طهران بامضاء رسیده است ولی اجرای این قرار داد که چندی محرمانه نگاهداشته شده بود تاذی‌القعده ۱۳۲۱ هجری قمری بتاخیر افتاد.

علت اصرار روسهارا برای تغییر تعرفه گمرکی ایران که قریب هشتادسال ازهنگام عقد معاهده ترکمانچای بین طرفین برقرار بود میتوان باختصار چنین بیان کرد.

روسیه دراین تاریخ در صنعت ترقی شایانی کرده وتجارتش توسعه زیادی یافته بود ودائم درپی بازارهای مناسبی میگشت.

ایران همسایه ضعیف وبدهکار اواز هربازاری بهتر بود زیرا وقتی مال‌التجاره و صنایع روسیه بیشتر از پیشتر بایران سرازیر شود گذشته از منافع تجارتی، مختصر کارگاههای ایرانی از رونق میافتد و بازرگانی دراین کشور از بین میرود و کشاورزی

وگله داری صدمه می‌بیند ومردم مجبوراً بشهرهای روسیه روآورده و ایران بقبرستانی مبدل میشود که دربار تزار بآسانی میتوانست چنگال مرگبار خود را بر روی نواحی شمالی آن بیفکند •

اداره گمرکات ایران

قبل از آنکه‌چگونگی این‌قراردادهاراشرح دهم‌بدنیست برای مزید اطلاع مختصری در باب اداره گمرکات ایران توضیح داده شود •

گمرکات ایران از زمان صفویه تاسال ۱۳۰۷ هجری قمری‌باشخاص مختلف‌اجاره داده میشد و هیچگاه قواعد ومقررات ثابت ومعینی‌نیز برای دریافت حقوق گمرکی وجود نداشت •

بعداز عقد معاهده ترکمانچای بموجب فصل سوم عهدنامه تجارتی مورخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری‌قمری منضم بآن مقرر میشود که از مال‌التجاره اتباع ایران و روس که بمملکت یکدیگر وارد یاصادر میگردد «کمافی‌السابق حقوق صدی پنج فقط یکدفعه در موقع ورود یاخروج دریافت شده وعلاوه برآن هیچگونه حقوق‌گمرکی مطالبه نشود» وبعدها سایر دول نیز بموجب حقوق دول کاملة‌الوداد از این ماده استفاده‌نمودند و بدین ترتیب اتباع بیگانه فقط یکمرتبه صدی‌پنج قیمت مال‌التجاره خودگمرك میپرداختند ولی تجار تبعه ایران‌دائما دستخوش هوی‌وهوس مستاجرین گمرك بودند و گذشته از پرداخت حقوق‌گمرکی، مامورین دولتی‌هم‌بعناوین مختلف مبالغی باسم عوارض راهداری - باج - قپانداری - میدانداری وخانات وغیره ازآنها میگرفتند ودر نتیجه هرتاجری اگرمیخواست از دست‌جور وظلم مامورین ایران راحت شود میبایست به بیگانه پناه‌برده وبتابعیت آنان درآید وننك حمایت‌اجنبی را برخود هموار کند تاباستناد عهدنامه‌ای که بین‌ایران و آن دولت وجود داشت مامورین دولتی نتوانند بیش‌ازصدی‌پنج‌از آنها چیزی دریافت نمایند بااینحال زیاد بودند ایرانیان وطن دوستی که تمام‌سختی‌ها وبیعدالتی‌ها راتحمل میکردند ودامان پاك خویش‌را به‌ننك مزدوری بیگانه نمی‌آلودند •

مستشاران بلژیکی

هنگامیکه در سال ۱۳۱۵ هجری قمری میرزا علیخان امین‌الدوله بصدارت ایران‌منصوب شد مضیقه‌مالی ایران‌وخرابی گمرکات بمنتهای شدت خود رسیده بود •

از جمله‌کارهائی که امین‌الدوله برای ازدیادعایدات دولتی بدان توجه خاصی‌مبذول میداشت اصلاح امور گمرکات بود وبدین جهت دستور میدهد که ازیك کشور بیطرف یعنی بلژیك که در ایران نظرهای سیاسی نداشته باشد مستشارانی استخدام نمایند •

صدارت امین‌الدوله‌زیاد بطول نمیانجامد ودر ۱۵ محرم ۱۳۱۶هجری قمری‌استعفا میدهد ومجددا میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان (اتابك‌اعظم) روی‌کار میآید • باآنکه ترتیب استخدام مستشاران بلژیکی در صدارت امین‌الدوله داده میشود ولی وقتی اینها بایران می‌آیند امین‌السلطان برکرسی صدارت تکیه‌زده بود •

مستشاران بلژیکی در ابتدا سه نفر بنام نوز (۱) - پریم (۲) - انگلس بودند که در اواخر سال ۱۳۱۶ هجری قمری بترتیب مامور اداره گمرك تهران و تبریز و کرمانشاه شدند •

بطوریکه گفته شد امین‌السلطان متمایل بروسها بود و تاپایان سیاست یکطرفه را تعقیب میکرد و بلژیکی‌ها نیز به پیروی ازسیاست صدراعظم‌ایران همیشه اقدامات‌خود را منطبق باسیاست روسها میکردند مخصوصا نوزکه همه وقت از پشتیبانی روسها بر خوردار بود و بواسطه حمایت آنان‌تمام‌گمرکات ایران را تحت اداره خود درآورد و به زودی رئیس کل گمرك وسپس وزیر کل گمرکات ایران گردید •

بدرفتاریهای نوز باتجار ایرانی و تبعیضاتی که بین‌بیگانگان وایرانیان قائل‌میشد سروصدای زیادی درگوشه‌وکنار مملکت بلندکرد وهمین ستمگریهای نوزکه داستانها غم‌انگیزی دارد یکی‌از علل‌دادخواهی وجنبش مردم برای مشروطیت بود •

مستر شوسترامریکائی که‌از ماه مه۱۹۱۱ (جمادی‌الاولی ۱۳۲۹هجری‌قمری) تا ژانویه ۱۹۱۲ باسمت خزانه دار ایران در تهران بوده در کتاب‌خود موسوم‌به‌اختناق ایران مینویسد .

«مظفرالدینشاه مسیونوز رابرای احداث و تشکیل اداره گمرك ایران انتخاب وجلب نموده بودولی‌مشارالیه درکارخود بقسمی‌ترقی حیرت‌انگیز کردکه بزودی صاحب اقتدار وتمول بسیار ونزددولت روس محترم گردید اول‌کاری که وکلاء مجلس‌دوره‌اولیه کردند این‌بودکه مظفرالدینشاه رامجبور نمودندکه دردهم فوریه ۱۹۰۷ (بیست‌و ششم ذیحجه ۱۳۲٤) مسیونوز را بامشاغل بزرك عدیده‌که داشت معزول واز خدماتش منفصل کرد در باره‌مشارالیه میگویندکه اکنون‌در بلجیك‌ازاملاك‌وقصوری‌که (ازپولهای‌ایران) برای‌خود مرتب‌نموده بهره‌مندومحظوظ میشود همین‌جناب محترم بوده‌که درچندین معامله راجعه بخزانه برای‌دولت ایران‌مراسله وپیشکاری نمود تعرفه‌موجوده‌گمرکات ایران‌راکه شرح‌آن مفصلاذکر خواهد شداوترتیب داده ودوفقره استقراض از دولت روس‌که اکنون برای دولت ایران مورث اشکال و زحمت فوق‌العاده گردیده بسعی ایشان انجام‌گرفت .»

نوز وسایر مستشاران بلژیکی که بقول ادوارد برون در حقیقت شغالهای روسیه بودند باانعقاد قراردادهای گمرکی ایران وروسیه‌تزاری‌وانگلیس وهمچنین اقدامات دیگر ضررها جبران ناپذیری باستقلال‌سیاسی واقتصادی ایران زدند •

طرفداری بلژیکی ها ازروسها بحدی بودکه غالب مردم ایران بلژیکی‌ها راتبعه روس واز مامورین روسیه میشمردند •

روزنامه روسی «نویه وریمیا» (عصر جدید) چاپ پطرز بورغ در شماره ۹۸۱۷ مورخ ۵ژوئیه (روسی) ۱۹۰۳ (۲۲ربیع‌الثانی ۱۳۲۱هجری قمری) مینویسد •

1— Joseph Naus
2— Priem

«بوکایانولنسکی که چندی قبل‌دربنادر خلیج فارس بوده شرحی درباب گمرکات ایران مینویسد که جالب دقت است چندمدت قبل ازاین تمام گمرکات جنوب ایران از تصرف مامورین ایران خارج شده به مامورین بلژیکی سپرده شده است چون‌شاه همیشه محتاج پول میشود وراه دخل معین‌هم‌در نظر نیست باینجهة مجبور می‌شوند که یااستقراض نمایند ویااینکه حکومت ها را باجاره داده وجه اجاره راپیش به‌گیرند

برای مسافرت آخری بفرنگستان شاه از دولت روس بضمانت گمرکات جنوبی استقراض کرده و برای اینکه ضمانت گمرکات اعتباری داشته باشد نمی‌توانستند گمرکات را بمامورین ایران مفوض نمایند و لازم‌بود اداره گمرکات باروپائیان محول شود ولی معلوم نیست بکدام اروپائی امور گمرك باید واگذارشود.

چون استقراض ازروسیه شده بود لازم می‌آمد که گمرکات بدست مامورین روس باشد اما انگلیس‌ها مانع شدند وروسها هم راضی نشدند که انگلیس‌ها درکارگمرکات دخالت‌داشته‌باشند باین ملاحظه گمرکات به بلژیکی‌ها که بیطرف بودند محول شد بااین ترتیبات تمام سهویات وخطایای مامورین‌بلژیکی برای روسها محل توجه است زیرا اهالی ایران تمام این رفتار را از روسها میدانند هنگام‌مسافرت مکرر شنیدم که مردم میگفتند که‌بلژیکی‌ها رعیت روس هستند وهرچه در خلیج فارس بکنند بدستور العمل روسها است من‌هرچه به آنهامی گفتم که بلژیکی‌هاروسی‌نیستند زبانشان ومملکتشان علیحده است اطمینان حاصل نمیکردند گذشته از اینها بلژیکی‌ها سبك‌مشرق زمین راپیش گرفته می‌خواهند عمل‌کرد گمرکات را زیاد کنند حتی از کسانیکه در قرانتینه‌میمانندبرای حق توقف پول می‌گیرند واین طوررفتارخودسرانه بلژیکیهامخالف‌نفوذروسیه‌است‌در ایران .»

باآنکه روزنامه‌های روسیه خودسری وبدرفتاری بلژیکی‌هارا مخالف منافع‌ونفوذ روسیه در ایران میدانستند معهذا دولت تزاری روس همه وقت از نوز وسایر همکارانش پشتیبانی میکرد چنانکه در موقعی که بواسطه شکایت و اعتراض ملیون ایرانی دولت ایران میخواست بخدمت نوز وپریم خاتمه‌دهد وزیر مختار روس ضمن یادداشتی بشرح‌زیر بدولت ایران اعتراض میکند وتغییر آنها را باعث « اشکالات عمده» میشمارد .

« سفارت دولت قویشوکت
« امپراطوری روسیه مقیم
دربار ایران
«مورخه ۸ محرم ۱۳۲۵ نمره ۱۸۵
« حضرت مستطاب اشرف ارفع افخمادوستان استظهارا معظما
« دوستدار از طرف اولیای دولت‌اعلیحضرت امپراطوری ماموراست که‌جلب‌دقت »
« بسیار مجدانه اولیای دولت علیه‌ایران را باین مسئله بنماید که بواسطه استعفای»
« مسیونوز وزیرگمرك وپست‌ایران ومسیو پریم مدیرکل در ادارت‌گمرکی دولت»
« علیه ایران ممکن‌است تولید اغتشاشات واشکالات عمده بشود .
« اولیای دولت اعلیحضرت امپراطوری‌همواره ملاحظه‌قدر وقیمت خدمات واقعی »
« مسیونوز راکه درزمان او وجوه گمرکی ایران دوبرابر شده وحمل امتعه‌ایران»
«بخارج خیلی بیشتراز پیشتر بوده است نموده‌اند .
« وضع صحیح اداره گمرکات سرحدات ایران تابحال ضامن لازمی بوده برای»
« پیشرفت وترقی تجارت روس و بموقع رسیدن وجوه‌پس افتاده استقراض وپیشکی»
« که اولیای دولت اعلیحضرت امپراطوری بتوسط بانك استقراضی بدولت علیه »

« ایران داده اند .
« بنا به تغییرات فوق‌الذکر دوستدار با کمال توقیر واحترام خواهشمنداست آن »
« حضرت مستطاب اشرف عالی مستحضرم‌فرمایند که برای استقرار وضع مزبور و»
« نگاهداری آن بهمان حال وپرداخت وجوهی که عایدات گمرکی تابحال ضامن آن»
« بوده است چه اقدامات لازمه فرموده اند .
« در این موقع احترامات فایقه راهم تجدید مینماید . (محل امضاء) »

لزوم تغییر قرارداد گمرکی ایران وعثمانی

قبلا گفته شد که بموجب‌فصل سوم‌عهدنامه تجارتی مورخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ منضم بمعاهده ترکمانچای مقرر بود که از مال‌التجاره اتباع‌ایران وروس که بکشور طرفین حمل‌ونقل می گردد صدی‌پنج حقوق گمرکی گرفته شود .

برای‌اخذحقوق گمرکی بین‌ایران‌وعثمانی بموجب‌ماده‌دوم‌قرارداد مورخ نوزدهم‌ذی‌القعده‌سال ۱۲۳۸ هجری‌قمری که بعدها بموجب قرار داد ۱۲۶۳ مورد تایید قرار گرفت مقرر بود که «درخصوص رسومات گمرك تجار واهالی‌ایران مانندتجار تبعه دولت عثمانی معامله‌شود واز مال‌تجارت‌ایشان‌یکدفعه بقرار یکصدقروش چهار قروش گمرك گرفته‌شودو بدست‌ایشان‌تذکره داده مادامیکه ازدست‌ایشان‌بدست دیگری‌منتقل نشده است از ایشان گمرك نگیرند .»

وبنابراین ازمال‌التجاره اتباع‌ایران وعثمانی که بکشورطرفین‌حمل‌ونقل میشدصدی چهار حقوق گمرکی دریافت‌میگردید .

فصل اول‌عهدنامه تجارتی ایران وانگلیس مورخ ۱۲ رمضان۱۲۵۷ هجری‌قمری (۵ اکتوبر ۱۸۴۱) مقرر میدارد .

« تجاردولتین علیتین بالسویه ماذون‌ومرخص‌اند که هرگونه امتعه‌واقمشه خودرا به مملکت یکدیگر نقل نمایندودر هربلدی ازبلاد که بخواهند مبایعه‌وماوضه کنندودرمتاعی که می‌آورند ومیبرند درحین‌ورود یکمرتبه بطریقیکه ازتجار دولتهای کاملة‌الودادفرنك گمرك مال‌التجاره گرفته میشود ازتجار تبعه‌طرفین مطالبه خواهدشد ودر زمان‌خروج به طریقیکه ازتجار دولتهای کاملة‌الاتحاد فرنك گمرك مال‌التجاره گرفته‌میشود ازتجارتبعه طرفین مطالبه خواهد شد. »

باین‌ترتیب اتباع‌انگلستان بموجب این‌فصل‌از حقوق «دولتهای کاملة‌الودادفرنك» استفاده کرده وهمانطور که ازمال‌التجاره اتباع‌روس‌صدی پنج‌حقوق گمرکی گرفته میشد انگلیسها نیزصدی‌پنج گمرك می‌پرداختند باآنکه بعدأدر فصل‌نهم عهد نامه پاریس مورخ چهارم ماه مارس ۱۸۵۷ در مورد تجارت فقطجمله استفاده ازحقوق «دول کاملة‌الوداد» نوشته شده بوداتباع انگلیس وسایردول اروپا بجای‌استفاده ازصدی چهارحقوق گمرکی اتباع عثمانی از صدی پنج حقوقی که از اتباع روس گرفته میشد استفاده مینمودند .

تغییر تعرفه گمرکی‌درسال۱۳۱۹مخالف منافع تجارتی‌انگلستان‌بود زیرا قبل‌ازآن ازکلیه اجناس‌واشیاء که توسط هرکس وارد ایران‌میگشت بمیزان‌صدی‌پنج‌قیمت، گمرك‌می

گرفتند ولی درتعرفه جدید روسها بین اجناس مختلف فرق گذاردند چنانکه مثلا ازقند و نفت که ازصادرات عمده روسیه بایران بود وسابقا پنج درصد گمرك گرفته میشد بموجب تعرفه جدید گمرك آنرا به $\frac{1}{2}$ ۱ وسپس به $\frac{1}{4}$ ۲ تنزل دادند و بالعکس به گمرك چای که از صادرات مهم انگلستان وهندوستان بایران بود صد درصد افزودند .

بهرحال درسال ۱۳۱۹ هجری قمری که روسها بفکر تغییر تعرفه گمرکی ایران بنفع خود میافتند چون میدانستند این اقدام بتجارت انگلستان لطمه شدیدی خواهد زد و اگر انگلیسها نتوانند تعرفه گمرکی را بنفع خود تغییر دهند ممکن است باستناد استفاده ازحقوق دول کاملة الوداد قرارداد گمرکی ایران وعثمانی را پیش کشیده وتقاضا کنند همانطور که از مال التجاره اتباع عثمانی صدی چهار حقوق گمرکی گرفته میشود اتباع انگلیس نیز صدی چهار حقوق گمرك بپردازند واین ترتیب نیز نه تنها مخالف منظور دولت تزاری روس بود بلکه بیش ازپیش بتجارت آنها لطمه میزد وبنابراین باید این راه هم بسته شود وحقوق گمرکی بین ایران وعثمانی تابع حقوق گمرکی ایران وروس گردد وبهمین جهت هنگامی که درماه رجب ۱۳۱۹ هجری قمری (اکتبر ۱۹۰۱) قرارداد گمرکی ایران وروس بامضاء رسید آنرا محرمانه نگاهداشتند تاقرارداد گمرکی ایران وعثمانی رادرماه جمادی الاولی ۱۳۲۰ هجری قمری (اوت ۱۹۰۲) تغییر دادند .

برای تغییر قرارداد گمرکی ایران وعثمانی مسیو نوز مدیر کل گمرکات ایران را باستانبول میفرستند وروسها دولتین ایران وعثمانی راتحت فشار میگذارند و مبالغی نیز رشوه میدهند تابمقصود خویش نائل میگردند .

درنامه ایکه میرزا رضاخان ارفع الدوله(۱) سفیر ایران دراستانبول برای وزیرامور خارجه عثمانی مبنی بر موافقت با « معامله ملل کاملة الوداد » فرستاده اینطور نوشته است..

« امضاء کننده سفیر کبیر اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران باجازه مخصوص دولت »
«متبوعه خودش درجواب لایحه مورخه ۱۶ ماه اوت ۱۹۰۲ نمره - ۴۸۹۷۳ جناب جلالتماب»
«توفیق پاشاوزیر امورخارجه اعلیحضرت اقدس سلطان تقریرات مفصله در ذیل رابموجب»
«قرارداد دولتین علیتین باکمال احترام اظهار میدارد .

«نظر بمحکم کردن وتوسعه دادن واردات تجارتی درمیان دولتین علیتین دولت»
«اعلیحضرت اقدس سلطان امپراطورعثمانی ودولت اعلیحضرت شاه امپراطور ایران درماده»
«حق الورود وحق الخروج مال التجاره ودرخصوص ترتیبات راجعه به مال التجاره صادره »
« وارده وترانزیت وتکرار اخراج مال التجاره وهمچنین برای گذشتن مال التجاره»
« بسانبارهای دولتی معامله ملل کاملة الوداد را متقابلا در حق خودشان »

---

۱ - مرحوم محمد قزوینی درمجله یادگار راجع بارفع الدوله چنین مینویسد.
«میرزا رضاخان معروف به پرنس صلح وزیر مختار ایران درنقاط مختلفه ازجمله عثمانی وسوئد ونماینده دولت درمجمع اتفاق ملل وفاتش درطهران درحوالی نوروز ۱۳۱۶ مطابق محرم یکهزار وسیصد وپنجاه وشش قمری »

« تامین میکنند.
«امرحکم عهدنامه ومقابله نامه سابقه که مخالف این شرط داده شده باشدمعدوم»
« وکان لم یکن خواهد بود .»
این قرارداد در ظرف شش ماه باید اجراءشود وهمه نوع مال التجاره مشمول آن خواهد بود بجز تنباکو که تابع قرارداد مخصوص بخود میباشد .
چنانکه گفته شد برای انجام این امر روسها فعالیت زیادی بخرج دادند ومبالغی نیز به اولیای دولت عثمانی رشوه دادند برای مزید اطلاع متن گزارش ارفع الدوله را که از استانبول بوزارت امورخارجه فرستاده ذیلا نقل مینمایم .
«سفارت سنیه ایران در اسلامبول
« ۱۵ شعبان المعظم ۱۳۲۰ نمره - ۲۸۸
« البته راپورتهای بنده درخصوص قرارداد تعرفه جدید که بادولت عثمانی بسته»
« شد ازلحاظ انورجناب مستطاب اجل افخم عالی دام اجلاله العالی گذشته وخاطر مبارك»
« از مراتب آن قرین استحضار شده است این یکی راهم لازم میدانم عرض نمایم که چون»
« در گذشتن عمل تعرفه ازطرف عثمانی ها خیلی تاخیر وتعلل میشد یکروز مسیو کولو بورف»
« (نماینده روسیه) نزد بنده آمده گفت که من آشکارا بشما بگویم اگر پادشاه وملت»
«خودتانرا دوست میدارید بایدهرچه درقوه دارید سعی وجدوجهد بکنید که این عمل»
« تاتشریف بردن بندگان اعلیحضرت قدرقدرت اقدس شاهنشاهی بروسیه تمام بشود»
« الااگر صورت انجام نگیرد مسلمادر روسیه آنطوری که مامول است رفتار نخواهد»
« شد وگفت من جمیع اسرارخودمانرادر اینباب بشمامیگویم -جناب موسیوویتی وزیر»
« مالیه روس بتوسط مسیوقروبه رئیس بانك طهران بحضرت مستطاب اشرف افخم»
« عالی اتابك اعظم سفارش کرده که من حقیقة این ده ملیون منات را که دوباره بدولت»
« ایران قرض دادم گول خوردم زیرا که من آن ده ملیون را باطمینان این داده بودم»
« که دولت ایران عمل تعرفه راباعثمانیها درست خواهد کرد وبعداز گذشتن عمل با»
« عثمانی هادر ایران مجری خواهدشد وباینواسطه بواردات گمرك ایران افزوده و »
« اقساط ماخواهد رسید حالاچنین گمان میکنم که اولیاءدولت علیه ایران میدانستند»
« که اینکار باعثمانیها صورت نمیگیرد وچون آنوقت بمن اینطور نگفتند از این»
« مسئله خیلی دلتنگم مسیو کولوبورف بعداز بیان این تفصیل گفت که اگر شما دلتان »
« میخواهد اولیاء دولت ایران ازین تهمت بری شده ودر مراجعت موکب همایونی هم»
« در روسیه بیشتر خوش بگذرد فرض ذمه پادشاه پرستی ودولتخواهی شماست که»
« اینکار رازودتر تمام کرده وآنهارا از این تهمت درآورید خودتان بهتر میدانید»
« الان که موکب همایونی در فرنك است دولت علیه ایران باز میخواهد ده ملیون»
« دیگر ازدولت روس قرض بکند ودرست شدن این استقراض سیم هم بسته بگذشتن عمل»
« تعرفه جدیدباعثمانیهاست وگفت بالاتر ازین بگویم وزیرمالیه بمن اختیار تام داده»
« که هرقدر لازم باشد دراینجا برای انجام این کار به مامورین عثمانی پول داده شود»

« بنده به مسیو کولوبورف بگویم که تلگراف بکند هرقدر پول بهر کس و بهرجا»
« که باید داده شود بفرستند بدهم وپس از اظهار این مراتب بخود بنده وقتیکه از »
« سفارتکبری بیرون آمده بود منیع السلطنه راهم صدا کرده گفته بودشما بفلانکس »
« بگوئید هرچه به عثمانیها پول لازم باشد بگویدتلگراف بکنم بفرستد بدهم این»
« گفتگو وسفارشات مصادف بوده باهمان اوقاتیکه اعلیحضرت اقدس همایونی درانگلیس»
« تشریف داشتند وبندگان حضرت مستطاب اشرف امجدعالی آقای اتابیك اعظم»
« روحیفداه دستخطی ازلندن ازعمارت ولیعهد انگلیس صادر کرده بودند که هرطور»
« است باید تامراجعت من اینکار تمام بشودواز حسن اتفاق این دستخط یك روزقبل»
« از ملاقات باکولوبورف به بنده رسیده بودهمان دستخطرا درآورده نشان داده »
« گفتم هرگاه اولیاء دولت علیه انجام اینکار را نمیخواستند بندگان اعلیحضرت »
« همایونی وحضرت مستطاب اشرف عالی آقای اتابیك اعظم از انگلیس این طور»
« دستخط نمی فرمودند که تامراجعت ما بایداینکار تمام بشود وبعد طرف خدائی شد »
« که حضرت اشرف آقای اتابیك اعظم از پاریس بفرانسوی تلگراف فرمودند که»
« هرچه میتوانید سعی ومجاهدت دراتمام اینکار بعمل آید همان تلگراف را دادم »
« کولوبورف سوادش را برداشته به مسیو ویتی وزیر مالیه فرستاد که اولیاء دولت»
« علیه ازاین تهمت درآیند امامسئله پول هرگاه خدا نخواسته این بنده آدم بی دین و»
« طماع بودم میتوانستم یك کرورودو کرور بعنوان اینکه بعثمانیها میدادم از روسها»
« پول میگرفتم و دیگر کسی هم نمی پرسید که اینهارا بکه دادی بجهة اینکه این»
« قبیل پول ها راقبض وسند نمیخواهد چون خواستم دراین فقره کسی در میان ماشاهد»
« باشدجواب این را بتوسط منیع السلطنه به ییلاق فرستاده گفتم برود بگوید که اگر»
« من میدانستم این فقره تعرفه بدولت من ضرر دارد ازخدمت خود استعفا کرده آشکارا»
« مرد مردانه میگفتم که این کار بتوسط من انجام نمیگیرد چون بنا بروایت مسیو »
« نوزیقین دارم این عمل تعرفه اگر درایران مجری شودسه چهار کرور بواردات »
« گمرك ایران می افزاید لهذا هرگاه پول لازم باشد مینویسم از دولت متبوعه »
« خودگرفته بعثمانیها بهر کس که لازم است میدهم و امیدوارم که بی پول کاررا »
« ازپیش ببرم اگربا پول بشود که برای بنده چندان شرفی نخواهد داشت فردای »
« آنروز مسیو کولوبورف بسفارت آمده گفت که من حقیقة از سفارش شما خیلی»
«حیرت کرده و هم خوشم آمد خدا کند که این کار را بگذرانید که من تاعمر دارم»
« مداح کفایت شما بشوم دیروز از مسیو کولوبورف از پطرسبورغ کاغذی رسید »
« که ترجمه آنرالفاً تقدیم می نمایم اولا مینویسد که به پطر آمده زحمات شمارا»
« بوزیر مالیه و خارجه گفته وبناشد که دولت روس بشمانشان الکساندر نوسکی»
« بدهد .
« و ثانیا مینویسد خیلی افسوس میخورم که نتوانستم در کورس بحضور بندگان»
« اعلیحضرت اقدس همایونی شرفیاب شده تامراتب زحمات وخدمات شمارا از راه»

« کمال انصاف وحق گوئی نگذارم در حضور اولیاءدولت علیه ایران پوشیده »
« بماند حقیقة این قسم اظهار انسانیت مسیو کولوبورف که بنده هرگز منتظر نبودم »
« به بنده خیلی اثر نموده شکر خدارا کردم که باز درجنس بشر حق شناسی و حق »
« گوئی متروك نشده است باقی مطالب مراسله اورا از ترجمه مستحضر »
« خواهندشد . زیاده عرضی ندارد

محل مهر « پرنس ارفع الدوله »

ارفع الدوله چندی بعد درماه ذی الحجه ۱۳۲۰ گزارشی بتهران میفرستد و اعتراض سفیر انگلیس را بدولت عثمانی درباره تغییر تعرفه گمرکی چنین شرح میدهد .

« سفارت سنیه ایران دراسلامبول
« ۱٤ شهر ذی حجه ۱۳۲۰ نمره ۳۵۲
« بنا بخواهش سفارت کبری روزیکه دولت عثمانی رسما اعلان کرد که قرار »
« تعرفه جدیداز اول ماه فوریه روسی(۱) مجری خواهدشد سفیر کبیر انگلیس رفته »
« باوزیر امورخارجه عثمانی خیلی سئوال وجواب سخت کرده و پرسیده است که »
« آیااین عمل گذشته است سفیرمشارالیه اعتراض کرده که سعیدپاشا صدراعظم »
« سابق بمن صریحا قول داده بود که نگذارد اینکار بگذرد وحالا دولت عثمانی »
« بماخلاف وعده خودرانمود وزیرامور خارجه جواب داده بوددر صورتیکه اراده »
« سنیه باتمام این عمل صادرشده بودسعید پاشا چگونه می توانست بشما همچوقولی »
« بدهدسفیر مومی الیه مجدداً اعتراض مینماید که شماچرا بدون اجازه ما اقدام باین »
« کار کردیدوزیرامورخارجه جواب میدهد که هریك ازدول معظمه مستقله دراجراء یك »
« قراردر ممالك خودشان وبا انعقاد یك قرارتجارتی بادولت دیگر مختاروهیچوقت »
« محتاج باستیذان ازدیگری نیست حالادول معظمه مستقله جای خود دارند امارت »
« بلغارستان که تابع دولت عثمانی بوده واستقلالیتی ندارد در کنون موادمستغنی »
« از استیذان دیگری است هرقراریکه میخواهددر بلغارستان مجری داشته و کسی »
« را باو اعتراضی نیست دولت عثمانی که دولت معظم واستقلالیت تامه دارد البته »
« دراجراء هرقراردرتجارت ممالك خودمختار واحتیاج باجازه دیگری ندارد »
« خلاصه سفیرانگلیس از این فقره درنهایت درجه اوقاتش تلخ و کمال تعجب و »
« تاثرراداردواز اینکه با آنهمه تشبثات آنها در عدم اجراء این قرارجدید »
« چگونه این فقره صورت اجری گرفت .
« سوادمراسله که ازسفارت کبری دراجراء قرارتعرفه جدید ازاول ماه فوریه »
« بباب عالی نوشته شده وجوابیکه بابعالی نوشته لفاارسال میدارم که خاطر »
« مبارك جناب مستطاب اجل امجد افخم عالی دام اجلاله العالی از مراتب آنها »
« مستحضر باشد .

محل مهر « پرنس ارفع الدوله »

---

۱ ـ سال عمومی مسیحی باسال ارتدوکس روسی ۱۳ روزفرق دارد باین معنی که ۱۳ ژانویه عمومی روز اول ژانویه ارتدوکس روسی است .

متن قرارداد گمرکی ایران وروس

چنانکه گفته شد صحبت تغییر تعرفه گمرکی ایران وروس بعد از آمدن منتشاران بلژیکی وقرض سال ۱۳۱۷ هجری قمری بمیان آمد وسپس درتاریخ شنبه ۲۶رجب ۱۳۱۹ (۲۷ اکتبر روسی ۱۹۰۱) (۹نوامبر «عمومی» ۱۹۰۱) یعنی در همان هنگامی که مذاکره برای گرفتن قرضه دوم جریان داشت (اعلام نامه) آن محرمانه در تهران بامضاء رسید

پس از آنکه مظفر الدین شاه و امین السلطان بـرای بار دوم باروپا رفتند در روسیه نیزمذاکراتی راجع بآن بعمل آمد وبالاخره در تاریخ ۲۰رمضان ۱۳۲۰ قراردادمذکور بین طرفین مبادله گردید ومقرر شد ازاول سال ۱۹۰۳ روسی بمرحله اجراء گذارده شود

متن این قرار داد بشرح ذیل است

« اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روس کـه مایل به تسهیل»
«مناسبات تجارتی مابین دومملکت دوست همجوار هستند چنین صـلاح دیدند»
« که فصل سوم قرارنامه منضمه که در $\frac{10}{22}$ فوریه ۱۸۲۸ مابین دولتین روس و»
«ایران منعقد شده است جرح وتعدیل نمایند برای حصول این مقصود وکلای مختار »
«خودرا ازاین قرار معین داشتند ـ ازطرف اعلیحضرت امپراطور روسیه کنیسه »
« پریوه آرگروپولو وزیرمختاروایلچی مخصوص در دربار ایران وکنیسه پریوه»
« والانتین کولوبواز اجزای مجلس شورای وزارت مالیه آندولت . واز طرف»
«اعلیحضرت پادشاه ایران میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابیك اعظم »
«وسیر ژوزف نوزمدیر کل گمرکات ایران ـ مشار الیهما که بطور صحیح مأمور»
«بدین امر بودند فصول ذیل را مقرر داشتند .

«فصل اول ـ ازمال التجارهٔ که اتباع روس وارد بمملکت ایران یاازآنجا»
«خارج میکنند ونیز ازامتعه ایران که اتباع ایران ازراه دریای خزر یاازراه »
«سرحد خشکی بین الدولتین وارد بروسیه مینمایند و همچنین ازمال التجاره »
«روس که رعایای ایران از روسیه خارج و ازطرق فوق الذکر حمل مینمایند »
«حقوق گمرکی موافق تعرفه‌های مفصله (آ)و(ب)و(ث) که منضم باین قرار ـ»
«نامه است دریافت خواهد شد وحقوقی که درفصل سوم قرار داد منضمه $\frac{10}{22}$ فوریه»
«۱۸۲۸ منظوراست من بعد درمورد این قبیل مال التجاره مجری نخواهد بود

«فصل دوم ـ مال التجاره که ازروسیه خارج میشود (رجوع بفصل اول شود)»
«درموقع ورود فقط یکدفعه حقوق گمرکی را موافق تعرفه (آ) تأدیه کرده و»
«پس ازآن مورد تحمیل هیچگونه حقوق گمرکی وسایر عوارضی نخواهد بود»
«مگر حقوقی که درفصل پنجم این قرارنامه ذکر شده است .

« امتعه ایران که برای روسیه برده میشود در موقع ورود بـروسیه حقوق»
«گمرکی موافق تعرفه (ب) تادیه مینماید ودرحین خروج از ایران هیچگونه»
«حقوق صادره وعوارض دیگری برآن تعلق نخواهد گرفت مگر حقوقی که استناد»

«درفصول (۳) و (۱) ذکر شده است .
«مال‌التجاره واشیاء صادری ایران که‌درتعرفه (ب) ذکر نشده‌اند در روسیه»
«حقوق‌وارده‌راموافق‌تعرفه‌هائی که‌درمورد دول کاملة‌الوداد منظوراست‌خواهند»
«پرداخت بغیر ازتعرفه‌هائی که برای امتعه صادره دولت‌چین وسایر دول‌همجوار»
«آسیا بالفعل معمول یامن بعد برقرار میشود
«نظام نامه‌ایکه‌درباب حقوق‌صادره روسیه ونیز درباب امتعه ممنوع الورود»
«بروسیه نگاشته شده میشود درموردتعرفه که برای مال‌التجاره ایران وروسیه»
«منظوراست مجری خواهد بود
فصل سوم - حقوق‌صادره صدی پنج که تابحال درموقع خروج مال‌التجاره»
«وامتعه در ایران معمول بود بکلی موقوف ومتروك است‌باستثناء بعضی‌امتعه »
«مذکوره درتعرفه (ث) که درموقع خروج‌حقوق صادره‌را موافق تعرفه‌مزبوره»
«خواهند پرداخت
«مال‌التجاره روسیه و ایران‌را موافق شروط این قرارداد میتوان بآزادی»
«ازهریك ازمملکتین خارج و بمملکت دیگری داخل نمود مگر در صورتیکه»
«طرفین معظمین دراین‌باب‌منع وقدغن کرده یامن بعد بنمایندا‌عم ازاینکه این»
« منع‌وقدغن‌برای حفظ وامنیت عمومی ناس بوده باشد و یااحتیاطاً بجهت عدم»
« خروج محصول ارضی که نگاه داشتن آن برای امر معیشت عموم موقتاً »
« لازم میشود .
«فصل چهارم - دولت ایران تعهد میکند که کلیه حقوق راهداری که محض »
«حفظ نگهداری راههای‌کاروان بالفعل‌اخذ میشود موقوف نماید ودرهیچ محل»
«نگذارد هیچ نوع حقوقی راجع براه دریافت شود مگر درراههای عرابه رو»
«که رآن عملیات صناعیه‌بکار برده شده وامتیازآن برحسب قوانین مخصوصه»
«وبعدها داده‌میشود ودراین‌صورت هم حقوقی‌راکه صاحب امتیاز باید دریافت»
«کند دولت ایران معین کرده وباطلاع سفارت روس خواهد رسانید
«این قبیل حقوق برای هرفرسنگی نباید بیش ازآن باشد که در راه رشت»
«الی طهران گرفته میشود وقبل ازاتمام راه یااقلا قبل ازاتمام قسمت‌های عمده»
«که مابین محال معتبر واقع‌است اخذ حقوق جایز نیست وبهیچوجه مقدار آن»
«درمورد مال‌التجاره روس بیش از آنچه ازسایرین گرفته میشود نخواهد بود»
فصل پنجم - چون رسم اجاره گمرك دولت ایران بالمره متروك و موقوف»
«میشود در تمام سرحدهای مملکت گمرکخانه دولتی تاسیس و درتحت نظم و»
«ترتیب خواهد آمد بطوریکه از تمام تجار بالسویه حقوق دریافت ودر مورد»
«مال‌التجاره آنها سعی‌بلیغ وتوجهی کامل منظور شود .
«دولت علیه ایران هرنوع تدبیرات واقدامات لازمه را بعمل خواهد آورد »
«که مال‌التجاره درمدت توقف درگمرکخانه‌ها کلیة مصون ومحفوظ باشد ودر»
«صورت کم وکسر وفساد مال‌التجاره که درانبارهای گمرکخانه وضع شده‌است»

«مسئولیت آن بلا واسطه برعهده دولت ایران خواهد بود بنا براین دولت »
«علیه ایران منعهد میشود که درگمرکخانه‌هائی که اسامی آن در نظامنامه»
«مذکوره ذیل معین شده‌است ومخزنهای محصور صحیح بنا کند که وسعت آن»
«کفایت مال‌التجاره وارده معموله‌را بنماید مخازن مزبوره حتی‌الامکان‌زودتر»
«ساخته خواهد شد ودرهرحال دیر ترازمدتی که دربند نمره (۱) این‌فصل معین»
«شده‌است‌نخواهد بود درسایر گمرکخانه‌هاهم‌نسبت‌بحاجت مال‌التجارهٔ وارده »
«وصادره جای مناسب تهیه خواهه‌شدتجار روسی بشرایطی که دراین‌نظامنامه»
«معین‌است‌حق‌خواهندداشت که مال التجاره خودرا مدت یکسال ازتاریخ ورود»
«در مخازن گمرکی وضع نمایند بدون اینکه از این بابت حقوق و عوارضی»
« تادیه کنند .

«اداره گمرك یك نظامنامه عمومی بارضایت سفارت روس نگاشته وقبل از»
«اجرای این قرارنامه مطالب ذیل‌را معین خواهد کرد

«۱ ـ تعیین اقسام گمرکخانه‌ها وامور راجعه بآن وتعیین‌نقاط سرحدی چه‌از»
«خشکی وچه‌ازطرف دریا که‌ازآنجا مال‌التجاره میتوان داخل وخارج نمود و»
«نیز تعیین راههائیکه‌برای تجارت وارده وصادره مفتوح است و کذلك ترتیب»
«مخازن گمرك خانه‌ها وموعد دائر شدن مخازن وگمرکخانه‌ها.»

« ۲ـ ترتیباتی که برای ورود وخروج مال‌التجاره باید مرعی‌ومنظورشود .»

«۳ـ قواعد راجعه بانبار که درمورد مال التجاره روس‌مدت دوازده ماه از»
«تاریخ ورود آن‌بگمرکخانه‌هائی که دارای انباراست باید مجری شود .

«٤ـ وجوهی که ازبابت توقف درانبارواز‌بابت همراهی ومساعدتی که‌اداره»
«گمرك درباره‌تجار کرده‌است برمال التجاره تعلق میگیرد .

«٥ ـ ترتیبات گمرکی راجع به ممیزی کردن مال‌التجاره که حقوق گمرکی»
«آن از روی وزن وتعداد و مقدار تأدیه میشود و نیز ترتیبات راجعه به تقویم»
«مال‌التجاره که حقوق‌را ازروی قیمت آن تأدیه‌میکند وکذلك ترتیبات راجعه»
«بجریمه که درصورت تقلب یاعدم اجرای ترتیبات وقواعدگمرکی‌تعلق میگیرد»
«اما درباب ترتیباتیکه‌درروسیه درموقع ورود وخروج مال‌التجاره باید مجری»
«شود از این حیث رعایای ایران مطیع قوانین حالیه و آتیه آن دولت »
«میباشند بشرط اینکه مدلول آن درماده تجارت اتباع ایران سخت تر ازآن»
«نباشد که‌درموردتجار دول کامنة‌الوداد مجری‌است .

« فصل ششم ـ در روسیه حقوق واردی که موافق تعرفه (ب) منضمه باین»
«قرار نامه تأدیه میشود بپولی خواهد بود که برای ادای حقوق گمرکی درتمام»
«مملکت‌معمول‌است.

«ماخذ حقوق مزبوره بود یعنی چهل لیور روسی‌است که مطابق میشود با»
«شانزده کیلو گرام‌وسی‌وهشت صدم کیلو گرام‌فرانسه ویاپنج من ونیم‌تبریزی»
«ششصدوچهل مثقال وبرای اجرای تعرفه‌های (آ) و (ث) من ایران که معروف»
«بمن تبریزاست ازقرار ششصد وچهل مثقال ایران یعنی هفت لیور وبیست و»
«هفت صدم لیور روسی که دو کیلو گرام ونود و هفت صدم کیلو گرام فرانسه»
«باشد محسوب میشود وصد قران ایران معادل هیجده منات روسی یاچهل و»
«هشت فرانك طلای فرانسه‌است .

« هرگاه مظنهٔ قران بالنسبه بپول روسی بیشتر از صدی ده تنزل کرده و»
«متجاوزازیك ماه دراین حال تخفیف باقی ماند دولت ایران‌درصورتیکه این»
«فقره تخفیف‌را بتصدیق بانك های عمدهٔطهران رسانیده وقبل‌ازوقت بسفارت»
«روس اعلام نمود حق خواهد داشت که‌درتعرفه‌های (آ) و(ث) حقوقی‌را که‌از»
«قرار وزن وتعداد ومقدار مال‌التجاره اخذمیکند بهمان میزان زیاد نمایندو»
« این اعلام که راجع بازدیاد حقوق گمرکی است باید بسفارت روس مقیم»
«طهران اقلا دو هفته قبل ازاجرای آن بوقوع برسد .

«در صورتیکه مظنه‌قران بالنسبه بفرانك متجاوز ازصدی‌ده ترقی کرده و»
«زیاده ازیك ماه دراین حالت ماند سبقت‌بادولت روس خواهد بود که بهمان»
«میزان تخفیفی درحقوق گمرکی تعرفه‌های (آ) و(ث) بخواهد و دولت ایران»
«مجبوراست که این تخفیف‌را قبول نماید .

«فصل هفتم ــ دولت ایران متعهد میشود که مفاد و شرائط این اعلام نامه‌را»
«باتعرفه‌های (آ) و(ث) وتغییراتی که در فصل ششم منظوراست در تمام نقاط»
«سرحدی بموقع اجراء گذارد .

«این‌اعلام نامه تصدیق شده وتصدیق نامجات‌درطهران مبادله‌خواهد شدپس»
«ازآن دولتین مدلول آنرا اعلام واز تاریخی که بطور مرضی‌الطرفین معین »
«میشود مفاد آن‌را بموقع‌اجراء خواهند گذاردودراختلاف نسخه فرانسوی‌معتبر»
«شمرده خواهدشد .

«درطهران نسختین بفرانسه وفارسی .

«۲۷ ماه‌اکتبر ۱۹۰۱مطابق ۲٦ رجب ۱۳۱۹ هجری امضاءآرگیروپولو»
«کلوبو علی‌اصغر اتابیك‌اعظم نوز»

مرحوم رضا صفی نیا درکتاب استقلال گمرکی ایران در مضار قرار داد گمرکی ایران و روس مینویسد .

« قرار دادگمرکی ایران وروس مضار بزرگی را دارا بوده حتی میتوان گفت که این قراردادازعهد نامه گلستان وترکمن چای بمراتب بدتربود .

درگلستان و ترکمن چای با اینکه ایران مغلوب شده بود معهذا این طور دست بسته تسلیم نگردیده بود وبطوریکه نوشته ایم درعهدنامه های سابق‌تعهدات ایران درباب

گمرك تعهد متساوی و متقابل بود ولی قرار داد گمرکی ۱۹۰۲ کاملا یکطرفی وفقط بنفع روسیه بود

قرارداد جدیدازسه لحاظ برای ایران مضر و کمرشکن بود

اولا ـ ازلحاظ سیاسی ـ اختیارات ایران را درامور اداره گمرك خود سلب مینمود دولت ایران نه میتوانست تعرفه خود را تغییر دهد ونه حقوق صادرات وواردات راکم یا زیاد نماید ونه نظامنامهٔ گمرکی خودرابدون رضایت سفارت روس بنویسد بنابراین هرهفت فصل قرارداد بمنزله هفت قیدی وبندبود که بسر وگردن و دست وپای ایران بسته میشد وایران را در موقعی قرار میداد که میتوان گفت ازموقع دولت تحت الحمایه حتی مستعمرات هم بدتر بود .

ثانیا ـ ازلحاظ اقتصادی انعقاد این قرار داد موجب زوال پارهٔ صنایع ایران گردید زیرا دولت روسیه فقط درصدد جلب مواد خام ایران بود مانند پشم وپنبه و کنف وپوست دباغی نشده وغیره ولی مصنوعات ومنسوجات ایرانی را یا ازورود بروسیه ممنوع کرده یاتابع حقوق سنگین قرار داده بود و اگراظهارات یکی از تجار معتبر مملکت را قبول کنیم چند قلم مهم از صادرات ایران در نتیجه این قرار داد بازار خود را از دست داده بعلاوه باوجود حقوق نازل منسوجات روسیه مقاومت ورقابت صنایع داخلی مشکل وغیر ممکن گردید .

ثالثا ـ ازلحاظ مالی ـ تعرفه سابق یك نسق بود واز این جهت معایبی داشت که ذکر کرده ایم وبایستی درصدد اصلاح آن می بودند ولی درتعرفه جدید

اولا بطوریکه ملاحظه شد ۳٤ قلم ازواردات که چند قلم آن هم از واردات عمده محسوب میشود ازادای حقوق گمرکی معاف شده بودند

ثانیا حقوق معینه برای امتعه وارده ازروسیه بسیار نازل بود مخصوصا حقوق واردات عمده بایران ازقبیل قند ومنسوجات ونفت وشکر وغیره واگر برای پارهٔ اقلام حقوق نسبتاً زیادی معین شده امتعه وارده ازممالك دیگر بوده و میزان واردات آنها غیر قابل اهمیت است . بطور کلی دراین تعرفه حقوق معینه ازصدی سه الی صدی چهار تجاوز نمی کند در صورتیکه مطابق رژیم گمرکی ترکمن چای بلااستثناء تمام اشیاء وارده وصادره صدی پنج ازروی قیمت بایستی تادیه نمایند.

دراین تعرفه اشیاء تجملی را درنظر نگرفته وحقوقی راکه درسایر ممالك باین قبیل اجناس می بندند منظور نداشته اند .

تعرفه جدید را اگر تعرفه (اختناق اقتصادی ایران) نام دهیم تصور میکنیم راه اغراق نه پیموده ایم زیرا که صنعت ممیزه آن ترویج تجارت و فلاحت روسیه درایران و جلوگیری ازتجارت ایران درروسیه بود وازبین رفتن آنها مستلزم تصرف بازار ایران بوسیله صناعت وتجارت روسیه تزاری . »

قرار داد گمرکی ایران وانگلیس

قبلا گفته شد که از مال التجاره اتباع ایران و انگلیس باستناد استفاده ازحقوق دول کاملة الوداد مانند اتباع روس صدی پنج گمرك گرفته میشد .

یکی از هدف‌های روسها در تغییر تعرفه گمرکی افزایش حقوق گمرک مال‌التجارهای هندی و انگلیسی بود که نتوانند با مال‌التجاره‌های روس رقابت نمایند و بهمین جهت برای جلوگیری از اعتراض انگلیس‌ها در ابتدا آنرا محرمانه نگاهداشتند و با آنکه سفارت انگلیس در تهران کم و بیش از صحبت هائی که در این باره بعمل میآمد اطلاع داشت ولی نمیتوانست باور کند که دولت ایران بدون جلب نظر آنها باینکار مبادرت خواهد ورزید.

در اوایل محرم سال ۱۳۲۰ هجری قمری (آوریل ۱۹۰۲) مظفرالدین شاه برای بار دوم عازم اروپا شد و انگلیس‌ها که تا اندازه ای از مشکلات و گرفتاریهایشان در نقاط مختلف دنیا مخصوصاً جنوب افریقا کاسته شده بود برای جلب نظر « شاه » و « صدر اعظم » و تحکیم نفوذ خود در ایران پذیرائی شایانی از مظفرالدین شاه و امین السلطان در لندن بعمل آوردند و حتی چون تمایل مظفرالدین شاه را به نشان زانوبند که از عالیترین نشانهای انگلستان بود دیدند باوجود مخالفت ادوارد هفتم پادشاه انگلیس باو قول دادند که قانون مخصوصی میگذرانند و نشان را بتهران خواهند فرستاد

مظفرالدین شاه در ماه رجب ۱۳۲۰ (اکتبر ۱۹۰۲) از اروپا بایران باز گشت و تقریباً سه ماه بعد از آن هیئتی از طرف پادشاه انگلیس نشان زانوبند را برای « شاه ایران » بتهران آورد و مقارن همین حال نیز خبر قرار داد گمرکی ایران و روس انتشار یافت .

والنتین چیرول مینویسد :

« شاید هم عمدی بود که تصادفاً خبر قرارداد گمرکی ایران و روس که یك ضربت»
« دانسته و فهمیده ای بنفوذ سابقه دار تجارتی انگلیس در ایران بود در روزی از »
« پطرزبورغ منتشر شود که درهمان روز (دوم فوریه ۱۹۰۳) لرد دئون بسرپرستی»
« یك هیئت مخصوص از طرف ادوارد هفتم پادشاه انگلستان در قصر سلطنتی طهران»
« نشان زانوبند را بشاهنشاه ایران تسلیم میکرد.
« این نشان عالیترین نشان ذی‌شانی است که از طرف پادشاه انگلیس بر تیریك»
« کشور دوست و متحد داده میشود . »

وقتیکه خبر قرارداد گمرکی ایران و روس منتشر شد روزنامه های انگلیس سر و صدای زیادی براه انداختند و مقالات متعددی در آن باره نوشتند و بدولت انگلستان که در این مورد غفلت نموده بود اعتراض کردند

والنتین چیرول ضمن شرحی راجع به قرارداد گمرکی ایران و روس مینویسد .

« قرارداد جدید گمرکی بین دولتین ایران و روس در سال ۱۹۰۱ بامضای »
« نمایندگان مختار طرفین در طهران رسیده بود و بیش از یکسال طول کشید تا»
« از شرایط آن اطلاع حاصل گردید در سال ۱۹۰۲ شاه ایران بلندن آمد در»
« همان وقت نیز چنین تصور میشد که هنوز مذاکرات قرارداد جدید گمرکی دولتین»
« از حدود مذاکرات مقدماتی تجاوز نکرده است اگرچه اضطراب زیادی بین »
« کسانیکه در تجارت ایران علاقمند بودند وجود داشت ولی بهیچ وجه باور نمیشد»
« که دولت حاضر بشود باقداماتی که مضر بحال تجارت انگلستان باشد اقدام »
« کند انگلستان این مقام تجارتی را در ایران مدت یکصد سال است دارا میباشد»

« وغیر ممکن است که دولت ایران قبل از اینکه بدولت انگلستان مراجعه کند»
« بچنین کاری اقدام کند .
« در ضمن صحبت من با اتابك اعظم که لطفا بامن در این باب داخل مذاکره»
« شد اشاره نمودم او بمن اطمینان داد که دولت ایران هرگز چنین عملی را بدون»
« اطلاع انگلستان انجام نخواهد داد وعلاوه نمود گفت چنین اقدامی مخالف سیاست»
« دیرینه ایران خواهد بود که همیشه سعی نموده تعادل را بین منافع دوهمسایه »
« نیرومند خود حفظ کند عقل سلیم پادشاه عظیم الشان ایران وتجربیات خود او در»
« مسائل سیاسی یك چنین سیاست عاقلانه را درایران تعقیب میکند واین راهی»
« است که خالی از خطر میباشد .
« یك چنین قول اطمینان بخش نیز اتابك بدولت انگلستان داده بود وقتیکه»
« صدراعظم ایران بایك چنین صراحت لهجه که همه گونه درستی و صداقت از آن »
« نمایان بود بمن اظهار نمود در صورتیکه در آن وقت درست نه ماه از تاریخ »
« امضاء قرارداد جدید گمرکی بین ایران وروس گذشته بود وهمین اتابك خودش »
« امضای خودرا پای آن گذارده بود .
« یك نفر صاحب اقتدار مشرق زمین بدون تردید همیشه اکراه دارد از اینکه»
« تقاضاهای دوستان و مهماندارهای خود را رد کند مخصوصا وقتیکه این »
« شخص صاحب نفوذ انتظار دارد یك امتیاز ذیقیمتی را که همه کس آرزوی »
« داشتن آنرا دارد مانند نشان زانوبند باو داده شود و اطمینان هائی »
« که در موقع توقف شاه در انگلستان داده شد گویا چنین باید تصور شود»
« که تمام آنها یك نوع تعارفات معمولی بوده و یا از ردیف عبارات مترادف »
« است مسیو نوز بلژیکی رئیس کل گمرکات ایران که به مقام وزارت دربار »
« شاهنشاهی درطهران ارتقاء یافته است برای شناساندن خدمات خود در موقع»
« مذاکرات شرایط قرارداد گمرکی ایران و روس دراین هنگام مشغول بود »
« وسائل تسهیل و اجرای قرار داد مذکور را آماده نموده موانعی که وجود »
« دارد برطرف کند . معاهده ارض روم منعقده بین ایران وعثمانی یگانه تعهد»
« بین المللی بود که در این موقع مانع اجرای آن بود و روسها میدانستند تا»
« این شرط معین درروابط تجارت دولتین حکم فرماست ودراعتبار خود باقی است»
« سایردول نیز تحت عنوان دول کاملة الوداد میتوانند استفاده از آن را ادعا کنند»
« زیرا که ضرر آن به مراتب کمتر از تعرفه گمرکی روس و ایران »
« میباشد .
« مسیو نوز عازم استانبول شده است که این موضوع را فیصل دهد وبادربار»
« عثمانی قرار این کار رابدهد وبوسیله موافقت هائی که در بعض مسائل ازطرف»
« ایران شده است وهمچنین ترغیب وتشویقی که ازطرف روسها شده بیشتر موثر»
« بوده دراین مسافرت مسیونوز بخوبی موفقیت حاصل نموده است وتا شهریار»
« ایران بطهران برسد تمام مشکلات حل شده است در ۲۷ دسامبر ۱۹۰۲ قرار »

« داد گمرکی مورخ ۲۷ اکتوبر ۱۹۰۱ مبادله گردیدوقرار شده است که در»
« ۱٤ فوریه ۱۹۰۳ تعرفه جدید بموقع عمل گذاشته‌شود .»
چیرول دردنباله آن مینویسد .
« حال دیگر خیلی دیرشده‌است عکس‌العمل نشان داد یااثرات آنراخنثی »
« کرد چونکه در این‌مورد ماچه شکایتی میتوانیم‌داشته‌باشیم‌ماخود را راضی»
« کرده بودیم ازشرط مخصوص‌حقوق دول کاملةالوداد استفاده کنیم تا امروز »
« هم‌ازآن استفاده کردیم وهرچه بود بعدها هم‌عمل خواهیم کرد ممکن است »
« مااین قضیه رادنبال کنیم در صورتیکه دولت‌ایران مکرر در مکرر بماقول »
« داده ولی بقول‌خود عمل‌نکرده‌است ،در نتیجه بزیان ماتمام‌شده است البته »
«یك‌چنین‌رفتار نامناسب باروابط عادی که روی اساس دوستی بر قـراراست »
« وفق نمیدهد .
« برهم‌زدن مقرراتی که تجارت ماباایران روی‌آنها استوار است بـدون »
« تردید باعث‌زیان ماوضررتجارت خود ایران میباشد امروز ما بهترین خریدار»
« متاع ایران هستیم ولی‌این دلیل برهان منطقی در یك دولتی که آزادی عمل»
« خودرا ازدست داده است مؤثرنیست دولت‌ایران هرقدرهم‌مایل‌باشدنمیتواند»
« بسود خود عمل کند دولت امپراطوری روس بااین‌موفقیتی که بدست‌آورده»
« است بادیپلوماسی خود فاتح شده وامروزول‌کن معامله نیست اینك‌فعلا دو»
« طریق عمل برای دولت انگلیس موجود است یکی اینکه باین رفتار غیر »
« دوستانه ایران‌اعتراض کند چرا باید یك‌چنین قرارداد منحوس گمرکـی‌را»
« بدون مشورت باماباارقیب تجارتی ماانجام داده وراضی‌شده یك‌تعرفه جدیدی»
« به‌تجارت تحمیل‌شود ودر ضمن‌فشار آوریم‌ودولت‌ایران‌رامجبور کنیم باما یك»
« قرارداد گمرکی جداگانه برقرار کند که‌ضررآن برای تجارت‌دولت انگلیس»
« کمترباشد راه‌دیگر اینکه درمقابل این‌عمل انجام‌شده تسلیم‌شویم مبادا وضع»
« مابدتر از این‌شود وسعی کنیم دست‌وپای دولت‌ایرانرا بایك قراردادتجارتی»
« به بندیم که درآتیه نتواند یك‌چنین فضولی‌را بکند طریق‌اولی ممکن است »
« برازنده‌تر باشد ولی باوضع کنونی طهران ممکن‌است این‌کار مدتها بطول »
« انجامد تابتوانیم فرصت مناسبی بدست‌آورده شرایط بهتری ازدولت ایران»
« برای تجارت خود تحصیل کنیم اماقبل‌ازاینکه این‌فرصت‌بدست‌آیدممکن‌است»
«موفقیت‌های بیشتری بدست آورد ودولت‌ایران‌رامجبور کرد بنفع‌امپراطوری »
«گذشتهای‌دیگری کند در اینصورت یگانه تکیه‌گاه ماهمان استفاده‌مادهٔ‌حقوق»
«دول‌کاملةالوداد‌خواهد بود وبس در اینجا نیزمثل همیشه‌ماپاك عاجز خواهیم »
«شد که‌فشار تازهٔ منگنه روس»را تحمل کنیم.
« طریق دوم اینستکه در طویله رامحکم ببندیم حال که بهترین اسب را »
« بسرقت‌برده‌اند اقلا بااظهار تاسف اسب‌یابو برای ماباقی بماند .نظر دوم»
« در مقابـل مـزاحمت های دولـت روس اصـلح و بهـترین راه شـناخته »

«شد بنا براین باعجله وشتاب در نهم ماه فوریه ۱۹۰۳ (یعنی پنج روز قبل از »
«اجرای قرارداد جدید تعرفه گمرکی) تعرفه جدیدی بین دولتین ایران وانگلیس »
بامضاء رسیده»

بهرحال بعد از فشاری که انگلیس ها بدولت ایران وارد ساختند در تاریخ نهم فوریه ۱۹۰۳ (۱۱ ذی القعده ۱۳۲۰ هجری قمری) قرار دادی در هفت فصل عینا مانند قرارداد گمرکی ایران وروس باهمان شرایط منتهی بنفع دولت انگلستان تهیه و بامضاء طرفین رسید .

این قرار داد بجای فصل نهم عهد نامه پاریس مورخ چهارم ماه مارس ۱۸۵۷ بود وبرای ایران همان معایب ومضار قرار داد گمرکی ایران وروس را در بر داشت .

چندی پس از امضای این قرارداد روزنامه تایمز متن آنرا منتشر کرد ودرشماره بعد مقاله ای راجع باین قرار داد انتشار داد که ترجمه آن در همان موقع ضمن گزارش مورخ ۱۳ جمادی الاولی ۱۳۲۱ سفارت ایران درلندن بوزارت امور خارجه فرستاده شده وبدنیست برای مزید اطلاع درپایان این قسمت متن آنرا نقل نمایم .

«قرارداد جدید تجارتی مابین این مملکت وایران دیروز بطبع رسید

اولا شخص نمیتواند از دونکته قرارداد مزبور تعجب نکند اگرچه این نکات فقط رسمی است لیکن باوجود این خارج از اهمیت نیست تمام قراردادهائی که تابحال مابین انگلستان وایران گذارده شده است بزبان انگلیسی و فارسی بوده واین دفعه اول است که نسخه فرانسوی آن محل وثوق است .

ثانیا اگرچه در مقدمه قرارداد اسم اتابك اعظم بطوراول مامور مختار شاه از برای گفتگوی باوزیر مختار اعلیحضرت پادشاهی درطهران ذکر میشود ولی در آخر قرارداد اسم ایشان دیده نمیشود واین غریب است وسابقه آنرا در قراردادهای بین المللی نمیتوانیم بیابیم قرارداد را تنها مامور دوم ایران امضاء نموده وبنظر می آید که تمام گفتگوی این مطلب بااو شده باشد مامور مختار دویم صاحب منصب ایرانی نیست صاحب منصب خارجه ایست که مستخدم دولت ایران است مسیو نوز مدیر کل بلژیکی گمرکات ویست ایران در تنظیم اداره محوله باو در ترتیب دادن آنها برسبك ادارات اروپائی خدمت خوبی کرده ولی اداره او آلت خوبی گردیده است دردست روس از برای ازدیاد وتمهیدات خود در تحصیل استیلای تجارتی وسیاسی در طهران یقین نداریم که حتی در مصر هم نماینده دولت اروپائی بعهده بگیرد که گفتگو وامضای قراردادی رافقط باانگلیسی که مستخدم دولت مصر است بکند این بی قاعده گی ها صفحه را برما باز میکند که در آنجا نتایج بزرگترین صدماتی که تاکنون بتجارت ما خورده است نقش است روابط تجارتی ایران بادول خارجه تااین اواخر موافق قرارداد ترکمانچای بود که در سنه ۱۸۲۸ مابین روس وایران گذارده شد ولموجب قرارداد مذکور ازمال التجاره روس که داخل خاك ایران میشد صدی پنج ازبابت قیمت امتعه اخذمیشد موافق قرارداد های خودمان باایران مافواید دول کاملة الوداد راداشتیم وبهمین راسی بودیم آنچه واقع شده است خطری را که سابقا (مستر ادواردلو) در کاغذی که بروزنامه طایمس نوشت ذکر نمود کاملا توضیح میکند وعقیده (سرادواردلو) این بود که نباید فقط بداشتن فواید دول کاملة الوداد امیدوار بود دوسال قبل مسیو نوز راپورتی بدولت ایران داد ودرآن راپورت نتایج خوبی را که بواسطه تنظیمات اودر عمل گمرك برای خزانه حاصل شده بودشرح داد وموقع رابدست آورده اظهار داشت که منافع گمرك رامیتوان زیاد نمود اگرمیزان صدی پنج از بابت قیمت امتعه که بموجب قرارداد برقرار است اضافه شود واین اشاره اگر هم الهام دیپلوماسی روس نبود باپولتیك اکونومیك روس در ایران مناسب افتاد. بواسطه تخفیف دادن گمرك اشیائی که ازروسیه به ایران حمل میشود تشویقات زیاد وبواسطه قرب جوار ترقیاتی که تجارت روس بهم چشمی تجارت انگلیس درشمال ایران نمود مسیوویت (وزیر مالیه روس) را کافی نبود تعرفه جدید را روس ازروی زرنگی بکاربرده میتوانست ازبرای امتعه که طرف صرفه خودش است تقریباهمان میزان گمرك موجود را نگاه بدارد وازآنطرف محض اینکه بدولت ایران تلافی کامل بشود اجازه بدهد که گمرك زیاد از امتعه که غالبا از انگلستان وهندوستان بیاید بگیرد حتی در مواردی امتعه که محل هم چشمی است یك قسم است دولت روس می تواند گمرك نسبة زیادتر راقبول نماید چراکه تخفیفاتی را که دولت در گمرك امتعه که بایران فرستاده میشود میدهد

زیادتر میکند ونمیگذارد که ضرراضافه گمرك بتجارت روس بخورد وحال آنکه دراین‌مملکت چون‌تخفیف دادن معمول نیست ازبرای حمل‌آن قسم‌امتعه انگلیس سدی که پیش می‌آید اضافه تعرفه ایران‌از طرف‌دیگرجاذبیت دیگری داشت برای‌روس زیرا که اسباب ترقی‌قیمت رهن‌آنها میشد یعنی‌مداخل گمرکات ایران که بضمانت آن قرض بدولت ایران داده‌شد دولت ایران بدیهی‌است کلی بوددر دست کوزه گر مامور مخصوص از وزارت مالی‌روس بطهران فرستاده شد که قرار تعرفه جدیدرا بامسیوانوز بدهد وبعدمسیوانوز بروسیه‌رفت محض اینکه‌شخصابامسیو ویت گفتگو نماید نتیجه معاهده تجارتی فیمابین ایران وروس بود که ختم‌آن بطور تمسخر که خالی‌از قصد نبود همان‌روزی که سفارت مخصوص که برای اعطا نمودن نشان محترم گارتر‌بشاه بطهران‌رفته بود ومهمان سرارطور هاردینج بود در روسیه اعلان شد .

آخر انگلستان‌فهمید که‌منافع‌دول کاملة الوداد که این‌مدت اسباب‌امیدواری‌آن‌بوده‌چیزی نیست‌مگرنی‌شکسته •

روسیه مواظب‌شد که در قرارداد خود منافع ظاهری مخصوصی ازبرای خود نطلبد وچون ماآزاد بودیم که بهرقیمتی که بهتربود تعرفه جدید را بکار ببریم لهذا اصولا سبب شکایتی نداشتیم وفقط راهی که برایمان باقی مانده بود همان مانع‌شدن ازتکرار این نوع ناملایمات درآتیه بودمو قراردادی که دیروز وزارتخارجه بطبع رساند گویا آنچه را بااین وضع بایستی متوقع باشیم مینمایاند ملاحظه اثر تعرفه‌را که‌قرارداد برای‌تجارت‌انگلیس وایران معین میکند بایدموقوف‌بوقت دیگرنمود وامروز همین‌قدر اظهارمیداریم که‌اینکه گمرك‌صدی‌پانزده‌وصدی بیست وچهل وحتی‌بیشتراز امتعه ادخالیه که متواتراً ذکرشده‌است علامت کافی‌است برای‌اینکه بنمایاند که‌تعرفه جدید چه‌تغییراتی خواهدداد درتجارتی که تابحال مبنی‌بر گمرك صدی‌پنج‌بوده‌تجارت انگلیس بقدرامکان یقین بااوضاع جدید خواهد ساخت ولی‌جای‌افسوس است که درمملکتی که منافع انگلیس آنقدر زیاداست این‌اشکالات برای تجارت‌مارخ‌دهد وحال آنکه اگردر ماضی‌قدری بیشتر دوراندیشی شده بود ممکن بود سد اشکالات بشود البته در عرض هفتادوپنجسال آخروقتیکه ممکن‌بودنفوذما در طهران‌بکار برده‌شودوسیله کم نبود برای‌اینکه‌روابط تجارتی‌خودمان رابرپایه محکمتری ازقرارداد سنه۱۸۲۸ روس و ایران بگذاریم این اظهارات را نه برای خدمت از روس میکنیم‌روس‌طبعا فقط منافع خودرا ملاحظه نموده‌است واگر تسامح مارا غنیمت دانسته ماحق گله نداریم ولی‌این درسی است که باید ازبرکنیم برای آتیه اهمیت منافعی که مادر ایران داریم‌خصوصا بمناسبت هندوستان بنظر مازیاده از سابق مورد قبول وتوجه است ودر ایران شاید بیش‌از هرجائی منافع تجارتی وسیاسی بطورسخت به‌یکدیگرمربوط‌اندامیدواریم دیگر مجبور نشویم بواسطه کثرت اطمینان واهمال چنین جریمه بزرگی رابدهیم که این دفعه مسیوانوز سبب‌شد که بواسطه این‌قراردادتجارتی بدهیم .»

نظامنامه گمرکی

بطوریکه درفصل پنجم قرارداد گمرکی ایران بادولتین روس وانگلیس نوشته شده میبایست «اداره گمرك یك نظامنامه عمومی بارضایت سفارت روس » و یا «سفارت انگلیس» تهیه نماید .

بعدها این نظامنامه در ١٦ فصل‌ویکصدو بیست و دو ماده و یك ضمیمه تهیه‌و با تصویب‌سفارتخانه‌های‌روس‌وانگلیس ازتاریخ۱۵ سپتامبر۱۹۰٤ بمرحله‌اجراء گذارده‌شد .

مواد این نظامنامه تمام یکطرفی ومخالف شئون وحیثیت دولت ایران بود چنانکه درماده ۲۵ مقرر شده بود .

درصورت وقوع اختلاف بین اظهار کننده مال واداره گمرك بدواً رئیس گمرك بااطلاع قنسول دولت متبوعه صاحب مال طی مایقال نماید و صاحب مال مجاز بوده است ازحکم صادره بسفارت متبوعه‌خود استیناف بدهد واداره مرکزی گمرك دراینصورت بایستی ختم عمل نماید .

وماده ٢٦ مقررمیداشت درصورت‌حصول شبهه برای مقومین و مفتشین درتشخیص جنس و نوع مال التجارة آن راتوقیف ونمونة ازآن باراپرت مشروح باداره ایالتی گمرك بفرستد ودرهرحال محاکمه مطابق ماده ۲۵ بعمل میآید .

فهرست

مآخذ ومنابع این کتاب

۱ـ کراسه‌المعی خطی متعلق بکتابخانه مجلس شورایملی
۲ـ مجموعه عهدنامه‌ها خطی متعلق بکتابخانه مجلس شورایملی
۳ـ مجموعه میزان آقاسی خطی متعلق بکتابخانه ملی ملك
٤ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس در قرن نوزدهم (جلد اول تاجلدششم)
تالیف آقای محمود محمود
۵ ـ سفرنامه‌های ناصرالدین شاه باروپا
٦ ـ روضة‌الصفا ناصری
۷ ـ المآثر والاثار
۸ ـ منتظم ناصری
۹ ـ مرات‌البلدان ناصری
۱۰ ـ اسرار انحطاط ایران یا خلسه اعتمادالسلطنه
۱۱ ـ وقایع دربار ناصرالدینشاه تالیف اعتمادالسلطنه
۱۲ ـ تاریخ بیداری ایرانیان تالیف ناظم‌الاسلام کرمانی
۱۳ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران بادنیا (جلد۱ و۲) تالیف نجفقلی حسام معزی
۱٤ ـ سه‌سال‌دردربارایران تالیف دکتر فوریه‌ترجمه آقای‌عباس اقبال
۱۵ ـ تاریخ اجتماعی واداری دوره قاجاریه تالیف عبدالله مستوفی
۱٦ ـ یادداشتهائی از زندگانی خصوصی ناصرالدینشاه
۱۷ ـ نیم قرن بردگی اقتصادی تالیف ع ـ دانش پور
۱۸ ـ شرح حال عباس میرزا ملك‌آراء
۱۹ ـ سپهسالار اعظم تالیف محمود فرهاد معتمد
۲۰ ـ استقلال گمرکی ایران تالیف رضا صفی‌نیا
۲۱ ـ انقلاب ایران تالیف ادوارد برون ترجمه احمد پژوه
۲۲ ـ تاریخ مشروطه ایران تالیف احمد کسروی
۲۳ ـ گنج شایگان تالیف سید محمدعلی جمال‌زاده
۲٤ ـ امیر کبیر وایران (سه جلد) تالیف دکتر فریدون‌آدمیت
۲۵ ـ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران تالیف دکتر مهدی ملکزاده

۲٦ ـ اختناق ایران تالیف مستر شوستر
۲۷ ـ دوره مجله‌های یادگار ـ کاوه ـ یغما
۲۸ ـ روزنامه‌های رسمی ایران ـ اختر ـ حبل‌المتین
۲۹ ـ خاطرات وخطرات تالیف مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه)
۳۰ ـ مجموعه آثار ملکم‌خان تالیف محمدمحیط طباطبائی
۳۱ ـ بمناسبت صدمین سال قتل امیر کبیر تالیف حسین مکی

1— ACROSS COVETED LANDS
By
A. Henry Savag Landor

2— PERSIA AND THE PERSIAN QUESTION
By
The Hon Georgen Curzon, M.P.

3— A HISTORY OF PERSIA
By
Sir Percy Sykes

4— THE PERSIAN PROBLEM
By
H.J .Whigham

5— REUTERS' CENTURY
By
Graham Storey

بها { با کاغذ معمولی ۳۰۰ ریال
« « اعلا ۴۰۰ ریال